

دائرۃ المعارف بزرگ طب اسلامی



گیاهان دارویی



آیت الله مصطفی نورانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دايرة المعارف طب اسلامي

ج ٤

حروف ش، ص، ض، ط، ظ
ع، غ، ف، ق

آية الله مصطفى نوراني

نورانی، مصطفی

دایرةالمعارف بزرگ طب اسلامی / مصطفی نورانی.

ج ۱۵

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیها

کتابخانه به صورت زیر نویس

۱. پزشکی اسلامی - دایرةالمعارفها. الف. مرکز نشر میراث مکتوب.

ب. عنوان.

۶۱۰/۹۱۷۶۷۱

R ۱۲۸/۳ / ن ۹ د ۲

دائرةالمعارف بزرگ طب اسلامی ج ۴

ناشر: فخر دین

آیة الله مصطفی نورانی

ویراستار: علی بیات

حروفچینی و صفحه آرایی: احمد قلی پور

نوبت انتشار: اول

تاریخ انتشار: ۱۳۸۳

تیراژ: ۵۰۰۰

قیمت: ۳۵۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴-۷۰۳۱-۰۰-۴

کلیه حقوق برای مؤلف محفوظ است

فهرست ۵

● حرف‌ها ش

۲۱	شایبوزک
۲۲	شاهبیزک، بلادون
۲۳	شار
۲۴	شاستاروسون
۲۴	شاطرینون (ثعلب)
۲۶	شاقوزدار
۲۶	شاقلانقوش
۲۷	شال
۲۸	شال پستانه
۲۹	شال هلو
۳۰	شال انجیر
۳۰	شال به
۳۱	شالیبه
۳۱	شال ولیک
۳۲	شال حنی
۳۲	شالک
۳۳	شاماخ
۳۳	شاه آغاجی

۳۴	شاهدانه صحرايي
۳۵	شاه‌بید
۳۶	شاه‌امرود
۳۶	شاه‌توت
۳۸	شای «چای»
۳۸	شاه‌زیره
۳۹	شاه‌تره
۴۵	شاه‌بلوط
۵۰	شاه‌بلوط هندی
۵۱	شاه‌پسند
۵۲	شاه‌پسند درختی
۵۴	شاه‌پسند وحشی
۵۶	شاه‌پسند طبي
۵۶	شاه‌اشرفی (نارون)
۵۷	شاه‌بانک
۵۷	شاهنگ (پن‌وان)
۵۸	شاهی
۶۱	شاهی‌العرب
۶۲	شاه‌سبرم رومی
۶۳	شاه‌سفرم
۶۴	شاهدانه
۶۶	شاهدانه‌کرت
۶۷	شُبرم یا (گاوکشک)
۷۰	شیدر یا تلاقی
۷۱	شبه
۷۲	شبه
۷۲	شینم نخود
۷۳	شیدر
۷۴	قرط، شیدر
۷۵	شیدر

۸۰	شش‌بداز
۸۱	شیدر معطر
۸۱	شیدر قرمز
۸۱	شیدر سفید
۸۲	شیدر زرد
۸۲	شِبْ
۸۴	شب بو
۸۶	شبق (کهربای سیاه) (عنبر سیاه)
۸۷	شپش
۸۹	شَتْر
۸۹	شتر
۹۳	شجرة النع
۹۴	شجرة الملوك
۹۵	شجرة الصبغ الاناتو
۹۶	شجرة الزئبق
۹۶	شجرة الدم
۹۷	شجرة البلوط
۹۸	شجرة بلوط الملك
۹۹	شجرة الطحال
۹۹	شجرة السماء
۱۰۰	شجرة الابهل
۱۰۱	شجرة العنب
۱۰۱	شجرة الرند
۱۰۲	شجرة الاوشق (اوشق)
۱۰۳	شکر تیغال
۱۰۸	شلغم
۱۱۰	شیر
۱۱۷	شجرة الحرير
۱۱۸	شجرة الجن
۱۱۸	شجرة الخبز

۱۱۸	شجرة المستكى (مصطكى)
۱۱۹	شجرة التامول
۱۲۰	شجرة الشمع
۱۲۰	شجرة الصبار
۱۲۱	شجرة الفشاع
۱۲۲	شجرة المسواك
۱۲۳	شجرة النبق
۱۲۴	شجرة الدبق
۱۲۵	شجرة الحياة
۱۲۶	شجرة البقس
۱۲۷	شجرة الحشيه
۱۲۸	شجرة البان
۱۲۹	شحم المرج
۱۳۰	شحم الارض
۱۳۱	شرخات
۱۳۲	شرايه
۱۳۳	شرويت
۱۳۴	شر
۱۳۵	شربين
۱۳۶	شعير (جو)
۱۳۷	شعر الارض
۱۳۷	شفتالو
۱۳۹	شفتوه
۱۴۰	شفت
۱۴۰	شقايق النعمان
۱۴۲	شقايق سرخ
۱۴۶	شقاقل (هويج دشتي)
۱۴۹	شكاعى
۱۵۰	شكران
۱۵۱	شكم پاره

۱۵۱	شکر هنج
۱۵۲	شکر پاره یا زردآلو
۱۵۴	شکر
۱۵۶	شکر و نیشکر
۱۵۶	نیشکر
۱۶۰	شکر استبرق یا سکر العشر
۱۶۲	شمعدانی عطری
۱۶۲	شمعدانی روبرت
۱۶۳	شمع
۱۶۴	شمشاد
۱۶۴	شمشاد رسمی
۱۶۵	شمشاد نعایی
۱۶۸	شمامه
۱۶۹	شمار - رازیانه
۱۷۰	شعل
۱۷۰	شلیل
۱۷۱	شلیم بی
۱۷۲	شلدار
۱۷۲	شل
۱۷۳	شغال به، شنگه
۱۷۴	شنگیله
۱۷۴	شنگ
۱۷۷	شن
۱۷۸	شنبليله
۱۸۳	شنگرفه، زنجفر
۱۸۴	شه بانق
۱۸۵	شوک الشام
۱۸۶	شوكة المياركه
۱۸۷	شوكة ابراهيم
۱۸۸	شوک الضب

۱۸۸ شوک الجمل
۱۸۹ شوخط
۱۹۰ شوره
۱۹۱ شوران
۱۹۲ شولموگرا
۱۹۳ شودر
۱۹۳ شوع
۱۹۴ شو احمر
۱۹۵ شوکران
۱۹۶ شوکران آبی
۱۹۶ شوکران الماء
۱۹۷ شوکران باغی (شوکران بستانی)
۱۹۸ شوکران کبیر
۱۹۹ شوکه ابراهیم
۱۹۹ شون
۲۰۰ شوئیز
۲۰۱ شوخس
۲۰۲ شوکه الصباغین
۲۰۳ شوید
۲۰۵ شوره گز
۲۰۶ شوکه البواسیر
۲۰۶ شیترج
۲۰۶ شیر پنیر
۲۰۷ شیرین قلمه
۲۰۸ شیشعان
۲۰۸ شیزی
۲۰۹ شیلانگ یا عتاب
۲۰۹ شیرخشک
۲۱۰ شیلال
۲۱۱ شيلم

۱۱ فهرست
۲۱۱ شیمشیر
۲۱۲ شیطرح
۲۱۴ شیب العجوز
۲۱۴ شیرین بیان
۲۱۹ شیرین بیان هندی
۲۱۹ شیر گیاه
۲۱۹ شیر گنجشک (صرد)
۲۲۰ شیر زنان
۲۲۲ شیرخشت
۲۲۵ شیر برنج
۲۲۵ شیرینک
۲۲۶ شیرزاد
۲۲۷ شیخ
۲۲۸ شیشم
۲۲۸ شيلم

● حرف ص

۲۳۳ صابونیه
۲۳۴ صابونی
۲۳۴ صاغافیون
۲۳۵ صاقینا
۲۳۶ صامریوما
۲۳۷ صبار
۲۳۸ صباره
۲۳۹ صباح الخیر
۲۴۰ صبر
۲۴۸ صبر زرد
۲۵۱ صدف - گوش ماهی
۲۵۳ صریمه الجدی
۲۵۴ صعتر

۲۵۶	صغیرالسلطان
۲۵۷	صفصاف مشفق
۲۵۷	صفصاف ایض
۲۵۸	صلابه
۲۵۹	صمغ
۲۶۰	صمغ لادن
۲۶۱	صمغ کینو قرمز
۲۶۱	صمغ کینو بنگال
۲۶۲	صمغ الانجدان
۲۶۳	صمغ آلو
۲۶۳	صمغ درخت خرما
۲۶۴	صمغ قراصیا
۲۶۴	صمغ فارسی
۲۶۵	صمغ کینو
۲۶۵	صندل
۲۶۸	صندل قرمز
۲۷۰	صنط
۲۷۱	صنار
۲۷۲	صنوبر (کاج)
۲۷۵	صنوبر هندی
۲۷۶	صنوبر انشی نوع صغیر
۲۷۹	صنوبر الارض
۲۸۰	صوف الأرض
۲۸۱	صیدنه

● حرف ض

۲۸۵	ضرو
۲۸۶	ضمیران
۲۸۶	ضریع
۲۸۶	طرز مصرف گیاهان دارویی
۲۸۹	برداشت اجزای گیاه

● حرف ط

۲۹۳	طالبی
۲۹۴	طالیسفر، نبق هندی
۲۹۵	طباشیر
۲۹۸	طرثوت
۳۰۰	طرخششقوق
۳۰۱	طرخون
۳۰۴	طرفاء
۳۰۸	طرنه
۳۰۹	اطریفان
۳۱۰	طریفان
۳۱۱	طلا
۳۱۲	طلانور
۳۱۳	طلای ناخالص (خبث الذهب)
۳۱۳	طلح
۳۱۴	طلح
۳۱۴	طمرا
۳۱۵	طملان
۳۱۶	طیهوج
۳۱۸	طیم
۳۱۹	طین ارمنی

● حرف ظ

۳۲۳	ظیان
-----	------

● حرف ع

۳۲۷	عافرقرحا
۳۲۹	عباسی
۳۲۹	عتم
۳۳۰	عجرمه

۳۳۱ عدس
۳۳۴ عدس آبی
۳۳۵ عرعر
۳۳۶ عرق‌الذم
۳۳۷ عرق‌الکافور
۳۳۷ عروق لزغفران
۳۳۸ عروسک پس پرده
۳۳۹ عرایس التیل
۳۴۰ عسل
۳۴۴ عشار
۳۴۵ عشقه
۳۴۷ عشقه زمینی
۳۴۸ عشبه
۳۴۹ عشنگ
۳۵۰ عصفر
۳۵۰ عصارة ریوند
۳۵۱ عطر
۳۵۲ عقرب
۳۵۳ عقرب - کزدم
۳۵۴ عقیق
۳۵۵ عقده
۳۵۵ علف جارو
۳۵۶ علف ترنجبین
۳۵۷ علف بواسیر
۳۵۷ علف آهوی سفید
۳۵۸ عَلس
۳۵۹ عکوب بستانی
۳۶۰ عکنه
۳۶۰ علف دندان
۳۶۱ علف خونی

۳۶۲	علف خنازیر
۳۶۳	علف خرگوش
۳۶۴	علف خر
۳۶۴	علف چشمه
۳۶۵	علف چتری
۳۶۶	علف چای
۳۶۷	علی جونک
۳۶۷	علک البطم
۳۶۸	علقم
۳۶۹	علف هفت بند
۳۷۰	علف مبارک
۳۷۰	علف گربه
۳۷۱	علیق
۳۷۲	عمار
۳۷۳	عنب الثعلب
۳۷۴	عناپ
۳۷۵	عنب - سرخاب
۳۷۶	عنب الدب
۳۷۷	عنبر
۳۷۸	عنبر جامد
۳۷۸	عنبر بید
۳۷۹	عنبر زرد
۳۸۰	عنبر خاکستری
۳۸۰	عنبر سائل
۳۸۱	عنزروت
۳۸۱	عنصل
۳۸۲	عصی الراعی
۳۸۲	عروق الصباغین
۳۸۳	عنکبوت
۳۸۴	عود

٣٨٤	عود الخیر
٣٨٥	عود الصلیب
٣٨٥	عود الوج
٣٨٦	عود غرقى
٣٨٧	عود مُنتن
٣٨٧	عود هندى
٣٨٨	عوسج
٣٨٩	عوسج اسود
٣٩٠	عين الجمل

● حرف غ

٣٩٥	غافث
٣٩٧	غافث كنفى
٣٩٨	غاب رومى
٣٩٨	غاريقون
٣٩٩	غاريقون جراحان
٤٠٠	غازياغى
٤٠١	غاسون
٤٠٣	غلقى
٤٠٣	غلقه
٤٠٤	غوره

● حرف ف

٤٠٧	فاخره
٤٠٨	فاشرا
٤٠٩	الفاصوليه
٤٠٩	فالوده
٤١٠	فاتيد
٤١١	فراسيون
٤١٤	فراسيون أبى

۴۱۵	ابرفیون - فرفیون
۴۱۸	فرنجمشک
۴۲۰	فرندل
۴۲۰	فُفاح الکرم
۴۲۱	فلفل
۴۲۳	فلفل قرمز
۴۲۳	فلفل آبی
۴۲۴	فلفل بڑی سه برگه
۴۲۵	فلفل دلمه‌ای
۴۲۵	فلفل کوهی
۴۲۶	فلفل مویه
۴۲۶	فلوس
۴۲۸	فندق
۴۲۹	فندق جارو
۴۳۰	فنگ
۴۳۱	فیروزه
۴۳۲	فیکوس بنجامین
۴۳۲	فیل
۴۳۳	فیل زهره، دیو خار

● حرف ق

۴۳۷	قاتل البق
۴۳۸	قارچ
۴۴۰	قارچهای تخمیر کننده
۴۴۱	قارچ کومبو جا
۴۴۹	قازیاغی
۴۵۱	قاشقک
۴۵۲	قبار
۴۵۳	قرع
۴۵۴	قرنفل

۴۵۴	قرہ قاط
۴۵۷	قسط
۴۵۸	قشور
۴۵۹	قَصَبُ
۴۶۰	قصب السكر
۴۶۱	قلع
۴۶۱	قلقاس
۴۶۲	قتیل
۴۶۴	قنطریون
۴۶۵	قنطریون کبیر
۴۶۵	قورباغہ
۴۶۶	قہوہ
۴۶۹	قہوہ عربی
۴۷۰	قیر
۴۷۰	قیرہ
۴۷۱	قیصوم
۴۷۲	قیصوم بستانی
۴۷۴	* منابع و مأخذ

حرف

ثی

شایبزرک

مشخصات:

لفاح گیاهی است علفی بدون ساقه که کلیه قسمت‌های آن سمی است. برگ‌های آن بزرگ و پهن و با بو و طعم نامطبوع. ریشه آن ضخیم گوشتی که معمولاً دو شاخه دارد. میوه آن متورم و گوشه‌ای از نظر ظاهر شبیه بادنجان، مدور و زرد رنگ است. تخم آن شبیه تخم سیب است.

این گیاه در مناطق با شرایط اقلیمی مدیترانه‌ای و نقاط ییلاقی و نقاط بناتلاقی و سایه‌دار می‌روید و بومی جزیره سیسیل در جنوب ایتالیا می‌باشد. در کتب طب سنتی آمده است که محل مناسب رویش این گیاه به‌طور وحشی، مقابر و نقاط سایه‌دار است. گیاهی است از خانواده بادنجان <solahaceae> که به فارسی مهرگیاه، مردم گیاه و سگ کش و در کتب طب سنتی با نام‌های لفاع، شایبزرک، شایبزرج و مغد نام‌برده شده. ریشه لفاع را بیروح الصنم یا بیروح سریانی گویند. لغت شایبزرک در برخی اسناد برای بلادون ذکر شده که آن گیاه دیگری است.

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی یک آلکالوئید به نام ماندراگورین از گیاه جدا شده که خواص آن مشابه خواص آتروپین است. ماندراگورین مخلوطی از هیوسیامین و اسکوپولامین است.^۱
خواص و کاربرد:

لفاح به عنوان یکی از پنج سمّ معروف ذکر شده و چهار سمّ دیگر گیاه رند، گیاه آکونیت یا بیش، گیاه خربق و مادر کانتارید است.

در دوران کهن، در چین بیشتر از گرد ریشه آن برای از بین بردن حشرات نظیر کنه و طفیلی های حیوانات استفاده می شد. در هند از ریشه گیاه که دارای خواص شبیه بلادون است به عنوان خواب آور، آرام بخش، بی حس کننده، باز کننده مردمک چشم و در بعضی مناطق به عنوان ماده مخدر استفاده می شود. زیاد بویدن گیاه بخصوص بویدن گونه ای از گیاه که دارای برگ روشن مایل به سفید است، موجب سکتی می شود. سابقاً از ریشه گیاه به جای اثر برای بی هوش کردن بیمار استفاده می شد که فعلاً متروک شده است.

شاهبیزک، بلادون

انگلیسی: Atropa Belladonna

گیاهی است پایا و به ارتفاع یک تا یک و نیم متر که معمولاً در اماکن مرطوب و سایه و محل عاری از درخت جنگلها، بر روی خاکبر، اشجار یا در زمین های آهکی مناطق مختلف کره زمین پرورش می یابد.

بلادون، ریشه ای دراز، منشعب، ضخیم، گوشتدار و به رنگ حنائی دارد. ساقه اش پوشیده از تار است. میوه اش به بزرگی یک گیلاس، در ابتدا سبز و سپس قرمز و سیاه می شود. قسمت مورد استفاده این گیاه، برگ، ریشه، میوه و دانه آن است.

تکثیر این گیاه به طرق مختلف قلمه زدن یا بذر پاشیدن یا کاشتن قطعات ریزوم دار ساقه در اراضی اصلاح شده صورت می گیرد. زمین های آبرفتی برای پرورش و زراعت آن بسیار مناسب است. به زمین زراعتی اگر کودی که اضافه می شود دارای نترات پتاسیم باشد، مقدار نسبی الکلوئیدهای گیاه با مقایسه با گیاه وحشی افزایش می یابد.

برداشت محصول از اعضای مختلف گیاه:

۱- ریشهٔ بلادون را در اواخر تابستان از گیاه دو ساله به دست می‌آورند و در این هنگام نیز پس از آنکه ریشهٔ گیاه از زمین خارج گردید، بقایای ساقهٔ هوایی را قطع کرده، آن را به قطعات کوچک تقسیم و سپس در گرمای ملایم، یا در اتو خشک می‌نمایند.

۲- برگ بلادون را باید در اواخر خرداد تا تیر ماه یعنی زمانی که گلها در شرف پژمرده شدن می‌باشند، چید، زیرا در این هنگام، برگ گیاه دارای حد اکثر مقدار آلکالوئیدهاست. خشک کردن برگ بلادون باید به سرعت انجام گیرد و اگر در این عمل دقت شود، رنگ سبز زیبای آن حفظ خواهد شد.

۳- میوهٔ بلادون را در دو مرحله می‌چینند، مرحله اول: هنگامی که هنوز میوه سبز رنگ است، مرحله دوم: زمانی که میوه کاملاً رسیده و سیاه رنگ می‌باشد. میوه‌های سبز به مصارف استخراج نوعی مادهٔ رنگی مورد استفاده در نقاشی می‌رسد.

محل رویش:

در نواحی شمالی، گیلان: طوالش، اسالم، راه اسالم به خلخال (پیمان - رویا زرگری)، در ارتفاعات ۱۵۰۰-۱۲۵۰ متری، گردنه حیران در ۵۰۰ متری، راه چالوس، ارتفاعات دلیر (سام دلیران).

شاز

مشخصات:

شمشاد وحشی درختچه‌ای است که در خارج از جنگلها و در شهرها بلندی آن کم و ۱-۲ متر و در جنگلهای شمال و مناطق مناسب ۵-۶ متر می‌باشد. از نظر ترکیبات شیمیایی در برگ و پوست ریشه شمشاد وحشی علاوه بر اسانس و صمغ چهار آلکالوئید به نامهای بوکسلین، پارابوکسلین، بوکسی نیدین و بوکسی نامین مشخص شده است.^۱ به فارسی شمشاد، کیش و شمشاد وحشی جنگلی گویند و در کتب طب سنتی با نامهای بقس و شجرة البقس آورده شده است.

شاستاروسون

مشخصات:

گیاهی است یکساله، کوتاه، برگهای آن مانند تمام گونه‌های این جنس به‌طور گروهی از ریشه خارج می‌شوند. گل‌های آن زرد می‌باشد. ماشناوارا گیاهی است یکساله، برگهای آن گروهی ریشه‌ای و بلند گیاه ۹۰-۳۰ سانتی متر، گل‌های آن کمی پوشیده از کرک است و در بلوچستان می‌روید.

گیاهی است که انواع آن با اسامی مختلف در ایران نامیده می‌شوند. به فارسی گونه‌ای از آن را شاستاروسون و گونه دیگر آن را در بلوچستان ماشناوارا نامند.

خواص - کاربرد:

از برگهای گونه‌های مختلف فوق برای تقویت معده، تسکین درد و کاهش تب استفاده می‌شود. در چین نوع چینی آن را به‌عنوان تب‌بر و قاطع خوریزی و خونساز و تصفیه‌کننده خون به کار می‌برند.^۱

شاطریون (ثعلب)

مشخصات:

گیاهی است چند ساله به بلندی ۵۰-۱۵ سانتی متر. گل‌های آن قرمز ارغوانی که در چمنزارها و جنگلهای مرطوب در اروپای مرکزی و جنوبی و آسیای صغیر و ایران می‌روید. در ایران در دامنه‌های البرز، کندوان، پل زنگوله، کلاردشت، مازندران، گیلان در ارتفاعات طولش و در زیارت گرگان و در غرب کوه‌های کرد، ریجاب و پرو دیده می‌شود.

این گیاه دارای غده زیرزمینی پنجه شکل، گل‌های آن خوشه‌ای ارغوانی با نقطه‌ها یا لکه‌های قرمز روی گلبرگها و حاشیه سفید، برگهای آن بدون دمبرگ، پهن، بیضی، موجی که ساقه را در آغوش گرفته، رنگ پوسته غده زیر زمینی صورتی و داخل آن سفید است. طعم آن کمی شیرین، لزج و کمی تند است.

خواص - کاربرد:

در غده زیرزمین گونه‌های مختلف ثعلب، بخصوص گونه یک گلوکوزید به نام لوروگلووسین به مقدار ۰/۰۵۵ درصد مشخص شده است. در آردی که از فکول غده به نام ثعلب به دست می آید مقدار زیادی مواد لعابی و ماده‌ای شبیه صمغ عربی و در حدود ۲۵ درصد نشاسته و حدود ۵ درصد مواد قندی و مقدار کمی املاح معدنی و مقدار جزئی اسانس است که پس از خشک شدن گیاه به صورت کومارین درمی آید. در هند از غده ثعلب به عنوان داروی نرم کننده سینه و قابض استفاده می شود و آرد آن مغذی و مقوی است.

ثعلب از نظر طبیعت گرم و مرطوب است و از نظر خواص خون ساز و مقوی است و برای کزاز، تشنج خشک، فلج، لقوه و تقویت اعصاب مفید است. اگر با روغن گل سرخ و زیتون خمیر کرده و به موی سر بمالند برای تقویت و رشد مو و جلوگیری از ریزش آن مفید است.

مخلوط ثعلب با شیر و کاکائو، غذای مقوی و خوبی برای اطفالی که ضعیف هستند، می باشد. مقدار خوراکی ثعلب برای بزرگسالان حد اکثر تا ۸۰ گرم است. ثعلب محرک است و گفته می شد که اگر برگهای ثعلب را با زعفران و کمی مشک کوبیده و شیاف بردارند و با شوهر همبستر شوند به احتمال زیاد اگر نقص خاص فیزیولوژیکی نباشد، همان بار اول باردار می شوند. ثعلب برای دهانه معده مضر است و باید با شکر خورده شود. برای گرم مزاج‌ها مضر است و باید با سکنجبین خورده شود.

تهیه گرد ثعلب:

غده ثعلب را به مقدار مورد نظر گرفته مدت ۲۴ ساعت در آب می خیسانند و آن را

خرد می‌کنند با حرارت ۵۰ درجه سانتی‌گراد خشک کرده، نرم می‌کوبند. گرد پر قدرتی است که با شیر و دارچین، مخلوط مقوی، و خوشمزه‌ای می‌شود.^۱

شاقوزدار

مشخصات:

درخت گل ابریشم درخت حساسی است و برگهای آن شبها هم می‌خوابند و به همین دلیل نام چینی آن شب‌خسب است. میوه آن در پاییز می‌رسد و از درخت می‌ریزد و در سال بعد صدها نهال شب‌خسب در اطراف درخت اصلی می‌روید و اثر دارویی دارد.^۲ این درخت در اطراف تهران «شب‌خسب» و درخت ابریشم در گیلان «شب‌خسب» و شب‌خوس‌دار در اطراف رشت و لاهیجان «شاقوزدار، هزاوگ و هزار برگ» نام دارد.

شاقلانقوش

مشخصات:

درختی است به ارتفاع ۱۵ متر با تنه‌ای نسبتاً بزرگ و ناصاف، تیره رنگ، برگهای آن شبیه برگهای پسته‌شانه‌ای فرد با ۵-۲ متر برگچه، هر برگچه بیضی کشیده و نوکدار، روی برگ سبز روشن مایل به آبی براق و پشت برگ سبز مات و کنار برگها کمی مژه‌دار است. از انواع پسته‌های وحشی است میوه درخت را نیز در برخی کتب طب سنتی «حبة الخضرا» گویند. در ایران با نام‌های محلی متعددی نامیده می‌شود. در اطراف تهران چاتلانقوش، در همدان شاقلانقوش، در ارسباران چاتانقو نامیده می‌شود.

خواص - کاربرد:

چاتلانقوش از نظر طبیعت و خواص خیلی شبیه میوه درختان پسته وحشی است که در مورد حبة الخضرا شرح داده شده است.^۳

۲- معان، ج ۳، ص ۱۳.

۱- معارف گیاهی، ج ۶، ص ۴۲۳.

۳- معارف گیاهی، ج ۲، ص ۱۰۹.

شال

مشخصات:

کیبده درختی است که در مناطق استپی نیم خشک ایران کشت می شود. بلندی آن متوسط و تا ۲۵-۲۰ متر می رسد. درخت پایه نر کیبده اغلب در اطراف تهران و پایه های ماده آن در آذربایجان دیده می شود. شاخه های یکساله آن نمدی و خاکستری است. در مناطق مختلف ایران ارقام آن با نامهای متفاوتی شناخته می شود از جمله در تهران، یزد و اصفهان کیبده، در همدان شال، در بیلاغات شمال ایران سفیدار، اسفیدار و اسپیدار در آمل تورزی و... نامند. در کتب طب سنتی با نامهای عربی آن غرب و حور ازرق آمده است.

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی در برگهای کیبده گلوکوزیدهای پویولین و سالیسین و در جوانه های آن یک ماده تلخ وجود دارد. در پوست درخت علاوه بر گلوکوزیدهای فوق یک ماده زرد رنگ نیز یافت می شود.

خواص - کاربرد:

کیبده از نظر طبیعت طبق نظر حکمای طب سنتی سرد و خشک است. پوست آن تونیک و برای تصفیه خون به کار می رود و مدر است. در استعمال خارجی برای رفع بیماریهای پوست مفید است. به علاوه پوست آن قابض است و ضد عفونی کننده و در موارد سرماخوردگی و برای جلوگیری از خونریزی و قطع سیلانهای داخلی مفید است. جوشانده برگ آن برای دندانهای پوسیده و به طور کلی در موارد پوسیدگی استخوان سینوس مفید است.

شال پستانه

مشخصات:

درختی است زیبا برگهای آن مرکب، برگچه‌ها بیضی نوک تیز و به رنگ سبز تیره و دندانه دار. گل‌های آن بنفش معطر که در اواخر بهار ظاهر می‌شود. میوه آن کوچک تخم‌مرغی شکل و سفید مایل به زرد که تا زمستان بالای درخت می‌ماند و شبیه میوه کُنار است. هسته سخت داخل میوه آن دارای سوراخ است که از آن برای درست کردن نوعی تسبیح استفاده می‌شود. به همین علت به فرانسوی و انگلیسی آن را درخت تسبیح می‌نامند.

درختی است که در ایران با نام‌های مختلفی شناخته می‌شود و از جمله در مازندران زیتون تلخ، سنجد تلخ، در نور شال پستانه، در لاهیجان شال زیتون، در رامسر دیوزیت، در تهران سنجد تلخ و در آستارا زبیل آفاجی نامیده می‌شود.

ترکیبات شیمیایی:

در میوه آن یک ترکیب سمی یافت می‌شود. در آن آلکالوئید آزاریدین و یک رزین و تانن و ملیوتانیک اسید و بنزوئیک اسید وجود دارد. در تجزیه میوه آن باکایانین، استرون و یک ماده عامل تلخ به نام مارگوزین که ضد تب است و یک روغن ثابت که دارای سولفور می‌باشد مشخص گردیده است. در بررسی دیگری آمده است که از گیاه یک فرآورده مایع به نام باکالاکتون گرفته می‌شود. در همین گزارش آمده است که جزء ضد کرم و ضد انگل پوست درخت، شامل وانیلیک اسید و دی - ال - کاتچین می‌باشد.

خواص - کاربرد:

در هند از برگ‌های گیاه به عنوان یک کرم کش مؤثر استفاده می‌شود و معتقدند که عصاره آبی آن شدت حمله‌های آسم را کاهش می‌دهد. پوست ریشه درخت و میوه و

گلها و برگهای آن محلل و بازکننده انسداد و گرفتگی های مجاری عروق و داروی حامی بدن در مقابل عفونت و مسمومیت است.

در کره از جوشانده پوست درخت برای رفع انگلهای روده ای و در استعمال خارجی برای بیماریهای انگلی پوست استفاده می شود.

میوه آن از جهتی سمی است. ولی در عین حال به عنوان آرام بخش، ضد انگاز، تب بر و مدر مصرف می شود و نتایج خوب دارد. در شبه جزیره مالاریا از میوه آن به عنوان ضد کرم و تب بر استفاده می شود و ریشه آن خیلی تلخ و برای معالجه ناراحتیهای پوستی به کار می رود.^۱

شال هلو

مشخصات:

درختچه ای است بی خار یا کمی خاردار، کوتاه، بلندی آن تا ۳ متر می رسد. در جنگلهای شمال ایران به طور جنگلی می روید. میوه آن تخم مرغی کوچک به قطر ۲-۳ سانتی متر و پس از رسیدن به رنگ زرد و سرخ متمایل به بنفش در می آید. مزه آن ترش و شیرین است. این گیاه در جنگلهای مخروطی شمال از گرگان تا طوالش می روید. درختی است که بلندی آن به ۵ متر می رسد. در مناطق استپی مانند کرمانشاه در دامنه کوه پرو و بیستون و در همدان، نهاوند و سپید دشت لرستان، در باغ غلیچ شیراز، پس قلعه و توچال در اطراف تهران دیده می شود. نام آن به طور کلی آلوچه و در شمال شال هلو می باشد.^۲ به فارسی آلوچه، در سردشت هلهلو، در گیلان و شهنسوار شال هلو و در آستارا و طوالش آلوچه نامیده می شود.

شال انجیر

نکته جالب این انجیر، این است گاهی به طور انگلی روی درختان دیگر مانند افرا می‌روید و ریشه خود را طول تنه درخت وارد کرده و به طرف پایین می‌آید تا به خاک برسد. نام محلی آن در مازندران انجیل، در نور انجیر، در آمل شال انجیر، در ارسباران گم شو، در رامسر یوانجیر، در کردستان هنجیر و در لرستان کز می باشد. خواص آن شبیه انجیر اهلی است. در ارتفاعات تخت جمشید تا ۱۵۰۰ متر از سطح دریا به طور وحشی می‌روید. میوه آن تخم مرغی کوچک کمی مخملی و خواص آن کم و بیش مشابه انجیر پرورشی است.^۱

شال به

مشخصات:

به فارسی «به»، «آبرود»، «آبی» و در کتابهای طب سنتی با نام عربی آن «سفرجل» نام برده می‌شود و در نقاط مختلف شمال ایران با نامهای محلی، در آستارا «آیوا و هیوا» در مازندران و رامیان و کتول «شغال به و شال به» در لاهیجان و رودسر «توچ» و در رامسر و شهنسوار «شنگه» نامیده می‌شود.

شال به، درختی است کوچک که پوست ساقه و تنه آن به رنگ قهوه‌ای سیر که شکاف نمی‌خورد، ولی وقتی که درخت کهنسال شد قطعاتی از پوست از درخت کنده می‌شود. از نظر ترکیبات شیمیایی در مغز دانه به گلوکوزید آمیگدالین (در حدود ۱ درصد) وجود دارد و از مغز دانه در حدود ۱۹-۱۵ درصد روغن ثابت گرفته می‌شود.^۲

شالبیه

مشخصات:

به فارسی در بعضی مناطق مریمی و مریم گلی در کُتُب طبّ سنّتی و به عربی مریمیه، شالبیه و مریمیه صغیره نام برده شد.

مریم گل گیاهی است علفی چند ساله با ساقه چهار گوش کرکدار. بلندی گیاه زیاد نیست و در حدود ۰/۵ متر می باشد. برگهای آن متقابل پوشیده از کرک به رنگ سبز مایل به سفید برگهای پایین ساقه دراز، بیضی، به طول ۵ - ۴ سانتیمتر و نوک تیز، کناره برگها دارای دندانه‌های منظم با دمبرگ زلی برگهای واقع در قسمت بالای ساقه بدون دمبرگ و کوچک است.^۱

شال ولیک

مشخصات:

به فارسی در مناطق غیر جنگلی ایران معمولاً رنگ میوه، سرخ ولیک و سیاه ولیک گفته می شود. به گونه‌هایی که دارای میوه سیاه هستند در آستارا و گرگان رود قره‌گیله، در سفارود سیاه لله، در اطراف رشت سیاه کوتی و سیاه کوتیل، در طالش مون برو، در شهبوار سیاه کوت کوتی، در دره کتول سیاه ولیک، در نواحی ترک زبان منجیل رامیان، طوالش، قزوین و خراسان یمیشان گفته می شود. از نظر ترکیبات شیمیایی عصاره شاخه‌های جوان زالزالک عمل فلج کننده روی مرکز تنفسی دارد و در مورد قلب پستانداران اثر سمی دارد.^۲

شال حنی

مشخصات:

به فارسی (دوسمه) گفته می‌شود. در کتابهای طب سنتی گیاه آن را با نام عربی (کنم) و (خطر) آمده است.

گیاهی است دو ساله که از برگ آن ماده‌ی آبی رنگ سیر به نام وسمه گرفته می‌شود. گیاه وسمه بومی چین است و در سایر مناطق دنیا نیز انتشار دارد. گل‌های آن زرد، میوه آن خورجینک کوتاه و سیاه رنگ و ریشه آن عمودی و کمی ضخیم می‌باشد.^۱

شالک

مشخصات:

در کتب طب سنتی با لغت عربی آن (حور اسود) و (حور رومی) آمده است. شالک درختی است بلند که ارتفاع آن تا ۳۰ متر می‌رسد. شاخه‌های آن باز تنه آن کم و بیش موجی است. پوست تنه در جوانی سبز خاکستری است. میوه آن کیسول و با دو شکاف شکفته می‌شود. در بعضی مناطق از جمله در ارسباران و حیران و دامنه‌های جنوبی البرز در سروستان در بختیاری و سایر مناطق کنار نهرها کاشته می‌شود.

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی جوانه‌های شالک دارای گلوکوزیدهای سالیسین و پوپولین و کریزین به علاوه دارای اسانس روغنی فراز است. <G.I.M.P>

خواص - کاربرد:

در هند از پوست آن نوعی کیلور گرفته می‌شود که تصفیه کننده خون است. جوانه‌های له شده آن را در بیماری برای معالجه بواسیر به کار می‌برند. دم کرده جوانه‌های شالک مدرّ و مقوی هاضمه و ضد عفونی کننده است. در استعمال داخلی برای ناراحتیهای کلیه و مثانه و روماتیسم و نقرس و سیاتیک مفید است.^۲

شاماخ

مشخصات:

درختچه‌ای است در بندرعباس شاماخ، در بلوچستان کلیریم و در عراق دقله می‌گویند.

درختچه‌ای است پرشاخه و بالا رونده. شاخه‌های آن نرم و صاف است. برگهایش باریک، گلها با دم گل خیلی کوتاه، درختچه‌ای است در سواحل دریای عمان، در اطراف بندرعباس و چاه بهار دیده می‌شود.

خواص - کاربرد:

در هندوستان و در بلوچستان شاخه‌ها و برگها و گل‌های این گیاه را سرخ کرده و خشک کرده و ساییده به صورت گرد درمی‌آورند و روی زخمهای خشک و جراحاتها می‌ریزند. برای کشتن انگلها و کرمهای ریز نظیر کرم گوشت و کرم پنیر و ... مفید است.^۱

شاه آغاجی

مشخصات:

در اغلب نقاط به فارسی کل قیج و قیج گفته می‌شود نام محلی آن در آذربایجان غربی ایتوزارلیک و شا آغاجی و شا اودونی، در منجیل زرین چو، در خیرآباد میانه قره‌قان و در بلوچستان گچ و دریج می‌باشد.

گیاهی است چند ساله به صورت درختچه کوچک که بلندی آن در حدود ۱-۰/۵ متر. برگهای آن مرکب دارای دو برگچه که در انتهای یک دم‌برگ قرار دارند. گلها زرد رنگ و میوه آن به صورت غلافی است که در آن چند دانه پهن و ناصاف قرار دارد.^۲

شاهدانه صحرایی

مشخصات:

این گیاه از خانواده خطمی است. اسامی فارسی دیگری که در کتابهای مختلف برای این گیاه آمده است، شاهدانه عصری، شاهدانه صحرایی، قنب بری، کنف و کنب می باشد.

این گیاه یک گیاه لیفی است و نوعی از آن که آن را بنگ کنف نیز می گویند همان شاهدانه و شاهدانه هندی معروف است.

گیاهی است بوته‌ای ساقه‌های آن پوشیده از خار می باشد. برگهای آن پهن پنجه‌ای با بریدگیهای عمیق به طوری که برگها به چند قسمت تقسیم می شود. میوه آن تخم مرغی است و در آن دانه‌های درشت و قهوه‌ای رنگ گیاه قرار دارند.

ترکیبات شیمیایی:

در دانه‌های گیاه روغن چوبی شبیه روغن آراشید وجود دارد و به علاوه در دانه‌های گیاه مواد رادیوم، توریم، و روییدیوم مشخص شده است. در گلبرگهای گیاه گلوکوزید، کانایسیترین و فلاورنول کانایسیستین یافت می شود.

خواص - کاربرد:

در هند شیره گل‌های گیاه، مخلوط با شکر و فلفل سیاه را در موارد حالات صفراوی با اسیدیته تجویز می کنند. دانه‌های آن برای افزایش نیروی جنسی و چاق کردن مفید است و در استعمال خارجی برای تسکین درد و در محل ضرب خوردگی و کوبیدگی اعضای بدن از له شدن دانه استفاده می شود.^۱

شاه‌بید

مشخصات:

در کتابهای تاریخی قدیم و در طب سنتی آن را با نامهای گربه بید، بهرامج، شاه بید، بید طبری، خلاف بان، وشع و خلاف بلخی نام برده‌اند.

این گیاه درختچه‌ای است دو پایه، زیتنی و گاهی به صورت درخت ولی به هر حال بلندی آن متوسط و از ۸ متر تجاوز نمی‌کند. زیر پوست و روی چوب این درخت برجستگی‌های تیزی وجود دارد.

به صورت درخت یا درختچه دارای برگهای بیضی باریک نوک تیز، میوه آنها به شکل کپسول که در ماههای آخر تابستان با دو دریچه باز می‌شوند و دانه‌های متعددی که داخل هر میوه وجود دارد و هر یک مجهز به یک کاکل پوشیده از تار و کرک ابریشمی هستند.

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی در پوست درخت بید وجود گلوکوزید سالیسین تأیید شده است و در بید دره گلوکوزید سالیسین و در برگهای تازه‌اش در حدود ۰/۵ درصد ماده دافنه فلاو و نولوزید و در شاخه‌های آن پوپولوزید مشخص شده است.

خواص - کاربرد:

جوشانده سه شاخه‌های آن به صورت محلول برای شستشوی آبسه‌ها، زخم‌ها و موارد ناراحتی‌های پوستی به کار می‌رود.

توضیح اینکه شاه‌بید همان بیدمشک است که در مورد خود گذشت.^۱

شاه امرود

مشخصات:

در کُتَب طب سنتی با نام‌های کَمَثْرَا و انجاص نام برده شده است. انواع پرورش آن با نامهای محلی شاه میوه، حسینی، عباسی، شاه امرود و امرود. گلابی درختی است که در مناطق سردسیر کوهستانی لطیف و شاداب می‌شود. ولی در مناطق مختلف ایران از مرطوب و نیمه مرطوب تا استپی خشک و نیمه خشک کاشته می‌شود. پیوند گلابی ممکن است مادری که از بذر آن به دست می‌آید انجام گیرد. از نظر ترکیبات شیمیایی در برگهای تازه آن ۲/۹-۰/۸ درصد تانن مشخص شده است.

شاه توت

مشخصات:

درختی است که ارتفاع آن کمتر از توت سفید است و به ۱۵-۱۰ متر می‌رسد. پوست تنه آن خاکستری، برگهایش سبز تیره و زیر یا قاعده کاملاً قلبی، دارای دمبرگ کوتاه است. میوه‌هایش درشت، کرکدار با پایک کوتاه و پس از رسیدن به رنگ سیاه آلبالویی تیره در می‌آید و مزه آن ترش است. به نامهای توت سایه در یزد و توت شدابی در همدان نامیده می‌شود. در ایران، در آذربایجان غربی در حوالی دره قاسملو به حالت وحشی دیده می‌شود. در ارتفاعات کرمانشاه در دامنه کوه پرو و همچنین در بیلاغات بیرجند نیز به حالت خودرو دیده می‌شود.

ترکیبات شیمیایی:

در شیره میوه کمی نارس شاه توت ۲-۳ درصد اسید سیتریک وجود دارد. در میوه رسیده آن در حدود ۱۲ درصد مواد قندی و در برخی ارقام خیلی شیرین تا ۲۰ درصد قند و کمی صمغ و مقدار جزئی اسید مالیک و مقدار قابل ملاحظه‌ای مواد چرب وجود دارد.

خواص و کاربرد:

شاه توت خشک از نظر خواص جانشین سماق می‌باشد. لطیف کننده و بازکننده گرفتگی‌هاست. حدت خون را تسکین می‌دهد. خوردن شاه توت برای زخم روده و اسهال گرم و اسهال خونی بخصوص خشک آن با داروهای کمکی و مقوی بسیار مفید است.^۱

با شاه توت می‌توان شیرینی تهیه کرد که برای سینه بسیار مفید است و نسخه تهیه آن، این طور است: آب شاه توت را بگیرید و صاف کنید، دو برابر آن قند به آن اضافه کرده و روی آتش ملایمی بگذارید، دائماً به هم زیند تا شربت غلیظی به وجود آید شربت را در بطری ریخته و در آن را محکم ببندید. اگر این شربت را با آبی که جو در آن خیسانده شده است مخلوط کنند و غرغره نمایند ورم گلو و درد آن را تخفیف می‌دهد.^۲

شیره شاه توت به حالت رقیق شده اثر ملین دارد. غرغره آن در رفع آئزین، آفت و درمان التهاب و مخاط دهان موثر واقع می‌شود. آب شاه توت را باید همیشه به حالت تازه مصرف کرد. دارای اثر صفرابراست.^۳

شاه توت سرشار از ویتامین C، قند، اسید سیتریک، اسید مالیک و روغنهای مایع اصلی که دارای خواص ضد عفونی و میکروب کش می‌باشد. ضم ترش شاه توت عطش کسانی را که گوشت یا ادویه خورده‌اند فرو می‌نشانند.^۴

برگ درخت شاه توت به مقدار چهل تا هشتاد گرم آن با یک لیتر آب اگر دم شود برای تبهای متناوب مفید است و باید این دم کرده را به مقدار دو لیوان بزرگ در آغاز شروع به مصرف کرد.^۵

۲- میوه‌ها و میزبانهای شناخت، ص ۱۵۴.

۱- عارف گیاهی، ج ۲، ص ۹۴.

۴- میوه‌ها و میزبانهای شناخت، ص ۵۴.

۳- گیاهان دارویی، دکتر عنی زرگری، ج ۱، ص ۶۷۶.

۵- همان، ص ۱۵۵.

شای «چای»

مشخصات:

در کُتب طب سنتی با نام چای ختائی و چای خطائی و عربی آن شای نام برده می شود.

درختچه چای که از حدود ۵ هزار سال قبل در چین شناخته بوده و مصرف می شده امروزه در اغلب کشورهای آسیا که برای چای اقلیم مناسبی داشته باشند کاشته می شود. چای را در قرن سیزدهم میلادی برای اولین بار مارکوپولو سیاح ونیزی به اروپا وارد کرد و مدتها به علت گرانی و کمیاب بودن آن فقط مشروب لوکس طبقات بالای جامعه اروپا و درباریان بوده است. گیاه چای درختچه یا درخت کوچکی است که دارای برگهای همیشه سبز و ناخزان به رنگ سبز تیره مایل به سیاه است، ارتفاع آن تا ۲ متر و در خاکها و مناطق خیلی مناسب تا ۷ متر هم می رسد.^۱

شاه زیره

مشخصات:

به فارسی زیره، شاه زیره، زیره رومی و زیره کرمانی گفته می شود. در کُتب طب سنتی با نام های کرویا یا عربی آن تقده و کمون رومی آمده است. زیره گیاهی است دو ساله مانند هویج، ساقه آن توخالی و برگهای آن سبز با بریدگی و تقسیمات دو مرتبه ای به طوری که به صورت نوار نخی مانند شود در می آید. خاکهای رسی کمی سبک که قابل نفوذ و پر قوت و غنی از مواد آلی باشند برای زیره مناسب است. از نظر ترکیبات شیمیایی در ترکیب زیره سیاه مقدار قابل ملاحظه ای مواد پروتئین موجود است و در حدود ۴-۵ درصد اسانس روغنی فرار دارد.^۲

۲ - مندرج ج ۲، ص ۳۶۲.

۱- معارف گیاهی، ج ۲، ص ۲۹۶.

شاهتره

مشخصات:

شاهتره گیاهی است یکساله و علفی برگهای آن سبز غبارآلود و کوچک خیلی بریده بریده و نواری. گلهای نامنظم به رنگ سفید و به صورت خوشه‌ای، میوه آن کوچک کروی کمی گوشتی، پوشیده از دانه‌های ریز نوک تیز.

در ایران در اطراف تهران، ورامین و در دامنه‌های انیز، گیلان، مازندران، گرگان، آذربایجان در فارس در اطراف شیراز و کازرون، در قوچان، فریمان، نیشابور، بم، در مناطق جنوبی جیرفت، در جزیره خارک و در بلوچستان انتشار دارد. تکثیر این گیاه از طریق کاشت بذر آن صورت می‌گیرد.

گیاهی است از تیره کوکناریان که علفی و یکساله است. (برخی گونه‌ها نیز دوساله‌اند) ارتفاعش بین ۲۰ تا ۸۰ سانتی متر می‌رسد و غالباً در باغها و مزارع و کشتزارها به‌طور خودرو می‌روید. ریشه‌اش سفید و ساقه بی کرک و برگهای متناوب و دارای بریدگیهای بسیار می‌باشد. گلهای کوچک و سفید مایل به قرمز و دارای لکه‌های ارغوانی است. قسمت مورد استفاده این گیاه شاخه‌های گلدار آن است که به حالت تازه یا خشک مصرف می‌شوند.^۱

شاهتره را به عربی کزبرة الحمار، کزبرة الحمام، ملک البقر و بقله الملک، به یونانی سفندیوس فقلیس، فنقص، قانیوس و قتالوسی، به سریانی کبعدیا، کبعیدیون و به زابلی نشک، به هندی کلیانه و بت پاپره گویند.

این گیاه در مزارع گندم و جو و باغها به‌طور خودرو رویده می‌شود. شاخه‌های آن باریک و برگش شبیه به برگ گشنیز می‌باشد، گلی سفید مایل به قرمز و گاهی مایل به سیاه دارد.

تخم این گیاه در ماه نisan جمع آوری می‌شود. شاهتره دارای دو نوع می‌باشد، که

بهترین آن تازه، سبز، تلخ مزه با اندک تندى و قابض است.

گاذرانی طبق نظریه جالینوس آن را گرم در اول و خشک در دوم دانسته است.

شاهتره نافع بیماریهای خارش، سدد، حرارت خون، سودا، صفرا و بلغم شور متعفن می باشد. چنانچه به آب آن حنا اضافه کرده و بر بدن بمالند حکه و جرب را مانع است. خوراک آب آن از نیم تا $\frac{1}{2}$ لیتر، خشک آن با ادویه از هفت تا ده درم و عصاره آن از پنج تا هفت اوقیه^۱ می باشد.

شاهتره مضر طحان و کلیه است و مصلح آن هلیله زرد یا لیمو و عسل می باشد. مضر ریه است و مصلح آن کاسنی می باشد.

بدل آن هم وزن آن ستای مکی و در ثلث وزن آن هلیله زرد می باشد.^۲

روش تهیه آن:

نیم مشت از گیاه تر و تازه و یا یک مشت از گیاه خشک را در یک لیتر آب دم می کنند یا می جوشانند.

مقدار مصرف:

از دم کرده یا جوشانده ۲۵-۲۰ در هزار گیاه تازه یا ۶۰-۵۰ در هزار گیاه خشک به مقدار یک فنجان قبل از هر غذا به عنوان مقوی و تصفیه کننده خون فقط به مدت ۸ روز (در پایان این مدت پس از گذشت ده روز مجدداً تکرار شود) مصرف می شود.

در استعمال خارج بدن برای معالجه بیماریهای پوستی، جوشانده ۶۰ در هزار یا قویتر آن به کار می رود.^۳

دمکره شاهتره مقدار یک قاشق دسرخوری در یک فنجان آبجوش که مدت ده دقیقه دم کنند و روزی دو یا سه فنجان میل کنند برای حبس البول مفید می باشد.^۴

۱- هر اوقیه یک گرم است. ۲- محیط اعظم، ج ۲، ص ۱۰۱-۱۰۲.

۳- گیاهان دارویی، پروفیسور هاسن فلوک، ص ۱۹۲. ۴- گلها و گیاهان شفا بخش، ص ۱۳۸.

شاهتره مدرّ است و ضد کمبود ویتامین (ث) در بدن است. مقوی، اشتها آور و تصفیه کننده خون است.^۱

مصرف شاهتره برای تصلب شرایین مفید است. مقدار مصرف آن برای یک فنجان یک قاشق دسر خوری ده دقیقه دم کرده روزی دو یا سه فنجان قبل از غذا مصرف کنید.^۲ شاهتره عروق و شرایین را نرم، بادبر و شخص را جوان و تصلب شرایین را در حالت سختی معالجه می نماید.^۳

دم کرده شاهتره برای انسداد مجاری کبد مفید است مقدار دم کرده اگر روزی یک قاشق دسر خوری از گیاه خشک شاهتره را در یک فنجان آب جوش مدت ده دقیقه دم کرده هر روز دو یا سه فنجان از این دم کرده را قبل از غذا با یک فنجان موقع خواب بنوشند اشتها آور خواهد بود. شاهتره ضد اسکوربوت است و برای بیماریهای جلدی مفید می باشد.^۴

مقدار مصرف یک قاشق دسر خوری در یک فنجان آب جوش روزی سه فنجان میل نمایند ضد خنازیر می باشد.^۵

گرچه شاهتره صفرابر است اما مصرف مقدار زیاد آن، کم کننده مقدار گلبول قرمز خون است، از این نظر در موارد افزایش مقدار خون در بدن که به انسان، ظاهر برافروخته می دهد و نیز در تصلب شرایین و به عنوان مدرّ از آن استفاده می شود. اثر آن بیشتر بر روی کبد و دستگاه ترشح ادرار است. در موارد ضعف عمل دستگاه هضم، قطع غیر طبیعی قاعدگی در زنانی که به سن یائسگی نرسیده اند، اشکال وقوع قاعدگی، نارسایی اعمال کبد و غیره مصرف می شود. مصرف آن در معالجه بیماریهای جلدی مانند سودا و ظهور دانه های تب خان مانند، اگر مدتی ادامه یابد اثر مفید ظاهر می نماید. مصرف این گیاه پوسته های سفیدکمانندی را که در اکرمای اطفال در آنها به وجود می آید از بین

۱- همان، ص ۱۳۸. ۲- همان، ص ۱۲۹. ۳- اعجاز خوراکیها، ص ۱۳۷. ۴- اعجاز خوراکیها، ص ۱۳۷. ۵- گلها و گیاهان شناختی، ص ۱۳۸.

می برد.^۱

شاهتره ایران، مخلوطی از گیاهان فوق و گونه‌های مختلف دیگر است و چون بعضی از آنها بخصوص *F.vaillantii Loisel* که گنهای ارغوانی مشخص و طعمی تلخ دارد، فاقد اثر درمانی می‌باشند. از این نظر در مصرف شاهتره، برای آن که خواص درمانی مفید آن ظاهر گردد باید توجه شود که با نمونه‌های کم خاصیت مخلوط نگردد. در نواحی شمال ایران، از گیاه اخیر نیز به عنوان معرق و تصفیه کننده خون استفاده می‌شود.

جمع آوری شاهتره از اردیبهشت تا مهر ماه که گیاه دارای گل و برگ است، صورت می‌گیرد. برای خشک کردن، آنها را بر روی پارچه‌ای می‌گسترانند یا بر روی سیم‌های نازک آهنی به حالت آویخته جای می‌دهند و در جریان هوا یا گرمای خورشید خشک کرده سپس در ظروف سر بسته نگهداری می‌کنند، این گیاه در گرگان، نیشابور، تیروان و رودبار می‌روید.^۲

این گیاهی است علفی و دارای ساقه نسبتاً قوی است. برگهای کم و بیش سبز، غبارآلود و متقسم به بریدگیهای نازک و باریک و کوتاه دارد.

گل‌های آن به رنگ سفید، بندرت صورتی، مجتمع به صورت خوشه‌های کوتاه و میوه‌اش مدور، بیضوی و به قطر ۲ میلی متر می‌باشد.

در نواحی مرطوب و کنار جریانهای آب غالب نواحی ایران، افغانستان و به طور کلی برخی نواحی جنوبی آسیا و هیمالیا می‌روید.

به فارسی «شاهتره» و در کتب طب سنتی با نامهای: شاهتره، بقلة الملک و شاهترج نام برده می‌شود و به هندی پیت پاپارا گویند.

یک روز در میان یک فنجان و در یک دوره تابستانی به مدت هشت روز و هر روز قبل از هر وعده غذایی، یک فنجان است.^۳

نوع سبز و تلخ مزه‌اش خوب است. مزاج آن در اول سرد و در دوم خشک است.

۲- همان، ج ۱، ص ۱۷۳.

۱- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۱، ص ۱۶۹.

۳- صد گیاه و هزار درمان، ص ۲۰۹.

ترکیبات شیمیایی:

طبق بررسی‌های شیمیایی در برگها و ساقه گیاه ترکیبات غیر آکالوئیدی، پتائتریاکوتان، گلوکوز، تانن و فوماریک اسید مشخص شده است.

اعضای مختلف این گیاه دارای آکالوئیدی به نام فومارینا و یک اسید آلی به نام اسید فوماریک و نیز موادی نظیر املاح معدنی مختلف مانند نیترات سدیم و پتاسیم و کلرورکلسیم است.

خواص:

بقول دیسکوریدوس اکتحان عصاره آن بینایی چشم را قوی و چشم را پاک می‌کند. نیز مالیدن عصاره شاهتره با صمغ بر محل قطع شده موئی که در چشم روئیده می‌شود، باعث می‌شود که دیگر آن موی روئیده نشود.

مضمضه با آب پخته آن لثه را محکم و گرمی دهان و زبان و زخم دهان و زبان را دفع می‌کند. شاهتره مقوی معده و محرک اشتها است. ضماد تازه آن نافع گزیدگی زنبور می‌باشد.

جهت درمان بیماریهای کبدی، مخصوصاً یرقان سفارش شده است. برای رفع تمام اختلالات ناشی از بیماریهای کبدی (ضعف هاضمه، تهوع، صفراوی، سودا، امراض مزمن پوستی) مفید است.

دم کرده یا جوشانده آن به عنوان ماده مقوی و تصفیه کننده خون باید هر سال در موقع تابستان مصرف شود. به علت مزه گیرنده‌ای که دارد سرد است و از تلخ مزه گیاهی گرم است و سردی آن از گرمی اش بیشتر است.

خون را تصفیه می‌کند و لثه را محکم و معده را قوت و بند آمده‌های کبد را باز می‌کند و خوردنش داروی خارش و گری است.^۱

شاهتره تصفیه کننده خون، رافع سودا و برطرف کننده عوارض جلدی ناشی از آن

است. در ایران، در دامنه‌های البرز، اطراف تهران، گیلان، کرمانشاه و بعضی از نواحی خوزستان می‌روند.^۱ به زبان فرنگی فومتر می‌گویند. جوهر آن با جوهر گوگرد تولید رنگ بنفش می‌کند.

اعراب او را شاهترج می‌گویند و القابی نظیر بقعة الملك و سلطان البقول و شجرة الدم داده‌اند. و این لقب به علت آن است که خون را تصفیه و پاک می‌کند. شاهتره سبزه‌ای بغایت سبز و خرم بوده، کمی تلخ می‌باشد، بازکننده گرفتگی کبد و طحال و مقوی معده و کبد بوده و آنها را دباغی می‌کند.

سودا را از بین می‌برد و صفرا را کم می‌کند، نیز پیشاب‌آور است، خشک آن در تقویت معده بهتر از تازه است. درمان تبهای سودایی و بلغم می‌باشد. به علت داشتن ویتامین ث مقوی لثه بوده، از خونریزی آن جلوگیری می‌کند. با سرکه جلوگیری از قی صفراوی و قی بلغمی می‌کند و پاک‌کننده روده‌ها از فضولات می‌باشد. آب برگ آن با عسل و تمر هندی جهت پاک کردن معده و روده‌ها، گرفتگی کبد، طحال، رفع یرقان، درمان جرب و خارش می‌باشد.

آب مقطر آن ضد عفونی کننده بوده و مانع اسهال است. سرمه عصاره برگ شاهتره مقوی چشم می‌باشد و آب ریزش چشم را کم می‌کند.

عصاره برگ شاهتره مخلوط با عسل جهت منع رویدن مژه‌های برگشته، که کننده شده باشند به کار می‌رود.

مضمضه جوشانده شاهتره بهترین وسیله برای برطرف کردن جوشهای دهان و زخمهای آن است، ضماد خشک آن مخلوط با حنا که در خارش استعمال می‌شود، جهت امراض جلدی و خارش پوست و ضد عفونی آن مفید است.

این ماسویه شاهتره را جهت معالجه گزیدن زنبور نافع دانسته است.^۲

در هند از گیاه خشک به عنوان ضد کرم، مدر، معرق و تب‌بر و در مورد تبهای ضعیف

۱- طب النبوی و الاثنه علیها، ص ۱۸۸.

۲- زبان خوراکیها، دکتر نجف‌الدین جزایری، ص ۵۹-۵۸.

مصرف می‌شود. و به‌علاوه به‌عنوان صاف‌کننده خون در رفع بیماریهای جلدی از آن استفاده می‌شود. بازکننده انسداد کبد و طحال و مقوی این دو عضو است و مسهل اخلاط سه‌گانه خصوصاً سودا و تلخی صفرا و سودای سوخته است. مالیدن عصاره شاهره به چشم برای تقویت دید چشم و ممانعت از ریختن اشک زیاد نافع است.^۱

شاه‌بلوط

مشخصات:

گیاهی است آبی، دارای ساقه صاف استوانه‌ای و نازک که شناور در آب است. برگهای آن که روی آب شناور هستند تقریباً لوزی شکل با گوشه‌های قوسی و دم‌برگ دراز که برآمدگی کوچکی در دم‌برگ آن دیده می‌شود. ولی برگهای زیر آب به شکل نوارهای نخی شبیه ریشه هستند.

میوه آن فشبی دارای ۴ شاخ که انتهای شاخه به نوک تیزی ختم می‌شود. برای تکثیر دانه آن را که در مهرماه یا اواخر زمستان در زیر آب در مرداب یا استخر و محلی که قصد تکثیر آن را دارند در جایی داخل توریه‌ها و گیاهان را پرپشت آبی قرار می‌دهند.^۲ شاه‌بلوط درختی است بزرگ که سالهای طولانی عمر می‌کند. برگهای آن دراز، بیضی نوک تیز کشیده، دندان‌دار، شاه‌بلوط از طریق کاشت بذر آن صورت می‌گیرد.

شاه‌بلوط درختی است بزرگ که سالهای طولانی عمر می‌کند. ارتفاع آن تا ۵۰ متر نیز دیده شده است. برگهای آن دراز، بیضی نوک تیز، کشیده، دندان‌دار، با دم‌برگ و به رنگ سبز چمنی است. میوه آن پس از رسیدن دارای ۶-۳ خانه است که تخمها در آن قرار دارند. پوست خارجی میوه تیغدار است. معمولاً در دامنه‌های با ارتفاع متوسط یا میان بند جنگل می‌روید. در ایران در جنگلهای شفت، سفارود، مخلوط با درختان ممرز و کلهو و بلند مازو می‌روید. تکثیر شاه‌بلوط از طریق کاشت بذر آن صورت می‌گیرد.

ترکیبات شیمیایی:

در برگهای شاه بلوط در حدود ۴۶ درصد آب و حدود ۸ درصد پروتئین است. مواد نشاسته‌ای و قند ۷۵ درصد، پروتئین ۶ درصد، چربی ۴ درصد، کلسیم ۵۲ میلی گرم و فسفر ۱۶۰ میلی گرم.

در برگهای شاه بلوط در حدود ۴۶ درصد آب و حدود ۸ درصد پروتئین است. در برگها و پوست درخت و در چوب شاه بلوط تانن وجود دارد میوه آن از نظر مواد مغذی جالب است.

خواص - کاربرد:

در هند از میوه و پوست درخت به عنوان تب‌بر استفاده می‌شود و عصاره برگهای آن برای تسکین سرفه، نفرس و روماتیسم تجویز می‌نمایند. مغز دانه آن قابض است. و مجاری عروق سطحی را تنگ می‌کند و به این جهت برای کنترل واریس و انواعی از خونریزی به کار می‌رود. مالیدن روغن مغز دانه آن برای تسکین نفرس و روماتیسم مفید است.^۱ شاه بلوط هندی دارای اسکولین، فراکترین، ارژیروسمین، نشاسته و روغن است. روغن شاه بلوط برای دفع دردهای نفرس و روماتیسمی مفید و در سرماخوردگی هم مورد استفاده قرار می‌گیرد.^۲

میوه شاه بلوط مغذی بوده و ایجاد حرارت زیاد می‌کند. پخته شاه بلوط چندان قابل خوردن نیست وقتی پخته شد نشاسته آن تبدیل به گلوکز و سالتوز شده شیرین می‌گردد، بعلاوه دارای آمیلاز است که نشاسته را تبدیل به قند می‌نماید. شاه بلوط ایجاد گاز و فرماتاسیون در امعاء می‌نماید و نسبت به سایر میوه‌ها کلرید سدیم (نمک طعام) زیادتر دارد، ویتامین C زیاد دارد، مقداری ویتامین B و مختصری کاروتن دارد.^۳

دم کرده ۵۰ در هزار برگهای شاه بلوط مقوی و قابض است و برای تسکین حمله‌های

۱- همان، ج ۵، ص ۲۷۱. ۲- خواص میوه‌ها و خوراکیها، ص ۱۱۱.

۳- رنگ خواص خوراکیها، ص ۱۴۰.

شدید سرفه و سیاه سرفه، برای جلوگیری از اسهال ساده نیز مفید است.^۱
 شاه بلوط کثیر الغذای ولی دیر هضم است. برای معالجه اسهال نافع است. بریان شده آن برای دردهای روده و اسهال مفید است. شاه بلوط دارای ویتامینهای B و C بوده و به مقدار زیاد سلولز و مواد چربی و نشاسته و پروتئین و منیزیم و سدیم دارد. شاه بلوط برای بیماران مبتلا به بیماری قند مضر و نباید با غذای دیگری مثل: سیب زمینی، برنج، حبوبات و بقولات مصرف شود.^۲

یوست و درخت شاه بلوط دارای اثر قابض است. جوشانده آن در موارد دیسنتری و رفع اسهالهای ساده و یا به صورت غرغره جهت رفع درد گلو به کار می رود. خیسانده برگ آن در عرق، جهت رفع سرفه، سیاه سرفه و یا نزاله ها به کار می رود.
 میوه آن حالت خام و بو داده، دارای ۲/۵ درصد روغن قابل استخراج و ویتامینهای B و C است.^۳

شاه بلوط گیاهی است که در ریشه و بیخ آن غده‌هایی شبیه میوه بلوط و شاه بلوط وجود دارد به همین علت در کتب طب سنتی این گیاه را به نام «بلوط الارض» نام برده‌اند و این غده‌های متورم ریشه است که در بازار به نام بلوط الارض عرضه می شود.
 بلوط الارض گیاهی است علفی چند ساله برگهای آن مرکب شامل ۲ برگچه و برگچه‌ها سبز بیضی نوک تیز به طول ۴-۲ سانتی متر و به عرض یک سانتی متر. ریشه آن دارای غده‌هایی است به رنگ قهوه‌ای سیر در ابعاد یک فندق شبیه شاه بلوط. این گیاه در ریگزارها و جنگلهای بدون درخت و موستانها می روید.^۴

درختی است زیتنی و به ارتفاع ۲۰ تا ۲۵ متر که منشأ آن در کتب مختلف به تفاوت، شمال هندوستان، بالکان و ایران ذکر شده است. از مشخصات آن این است که برگهایی بزرگ، شامل دمبرگ دراز و مرکب از ۵ تا ۷ برگچه مجتمع، به رنگ سبز و گل‌هایی معطر به رنگ سفید مایل به گلی و مجتمع به صورت خوشه دارد. مادگی آن مرکب تخمدانی

۱- معارف گیاهی ج ۵، ص ۲۷۵.

۲- معارف گیاهی، ج ۵، ص ۲۷۵.

۳- معارف گیاهی، ج ۴، ص ۱۱۹.

۴- گیاهان دارویی، ج ۳، ص ۱۰۵.

سه خانه‌هاست. پوسته خارجی دانه آن به رنگ قهوه‌ای قرمز و دارای لکه بزرگ تقریباً سفید و مشخص است. در درون آن نیز دو لپه بزرگ روغن دار با طعم تلخ و مطبوع جای دارد. در تهیه فیلترها، به منظور جذب اشعه ماوراء بنفش به کار می‌رود. پوست ساقه این درخت به علت دارا بودن تانن، اثر قابض و به طور خفیف تب بر دارد. مصرف آن در گذشته به عنوان تب‌بر در بین مردم رواج زیاد داشته است. از عصاره روان گل و برگهای آن، برای رفع نقرس، روماتیسم و سیاه سرفه استفاده می‌شود. از پوست این درخت امروزه به عنوان قابض و جهت رفع اسهالهای ساده و ضعف عمل دستگاه هضم استفاده می‌کنند. مغز دانه گیاه دارای اثر تنگ کننده معماری عروق سطحی، منتهی با عمل بطنی است.

در خونریزیها و مداوای واریس مورد استفاده واقع می‌شود. تنطور دانه این گیاه نیز اثر آرام کننده سریع درد بواسیر و کاهش دهنده تورم آن دارد. عصاره الکلی دانه آن به حالت ساده و یا مخلوط در الکل (به منظور رقیق کردن) به صورت مالیدن، در روماتیسم، دردهای عصبی و بیماریهای دردناک و ناراحت کننده پوست مانند سرمازدگی و خارش اثر مفید و آرام کننده به وجود می‌آورد.

در استعمال خارج، روغن دانه به صورت مالیدن در نقرس به کار می‌رود. مالیدن محلول الکلی ۱/۵ عصاره دانه این گیاه نیز در روماتیسم‌های سبک و همین عصاره به حالت معمولی، جهت درمان سرمازدگی و خارش معمول است.

پوست این درخت به صورت جوشانده ۱۵ تا ۴۰ در هزار به عنوان تب‌بر و عصاره آبی آن به مقدار ۰/۶۰ تا یک گرم مخلوط در یک پوسپون به عنوان یک داروی مقوی در مصارف داخلی مصرف می‌شود. این درخت، بومی یونان و بلغارستان است ولی به علت زیبایی خاصی که دارد، پرورش آن به عنوان زینت در نواحی مختلف ایران معمول می‌باشد.^۱ شاه‌بلوط پوست کنده را برای تهیه غذاهای مختلف در طب‌اخی به کار می‌برند. مصرف آن را برای کسانی که دوره نقاهت را می‌گذرانند و افراد سالخورده توصیه

کرده‌اند.

شاه‌بلوط دارای ویتامین‌های (B و C)، مواد نشاسته‌ای، منیزیم و سدیم می‌باشد.^۱
 شاه‌بلوط مثل بلوط دارای آهک طبیعی زیاد است و کمی فسفر دارد برای کسانی که
 صفرا وارد خون‌شان شده است، مفید است.^۲

شاه‌بلوط پوست‌کننده را برای تهیه غذاهای مختلف در طب‌اخی به کار می‌برند اگر آن
 را به شکل پوره درآورند آن را برای اشخاصی که سوءهاضمه دارند توصیه کرده‌اند.^۳
 شاه‌بلوط دارای پتاسیم است که جذب آن در بدن، عضلات و غده‌ها را تقویت
 می‌کند و نیز دارای گوگرد است و ضد عفونی‌کننده و در استحکام استخوانها نقش
 مؤثری دارد. شاه‌بلوط دارای کلسیم است که برای استخوانها خون و اعصاب مفید و
 کالری که دارد برای استخوانها و اوتار بدن و همچنین آهن آن برای خون مفید است.
 ویتامینهای (ب) و فسفر آن در تعادل اعصاب تأثیر دارد.^۴

به فارسی شاه‌بلوط و در کتب طب سنتی و به عربی آن را با نامهای شجرة فصطل،
 قصطل، ابوفروه، بلوط الملک و شجرة بلوک الملک می‌نامند.

دم کرده ۵۰ در هزار برگهای شاه‌بلوط مقوی و قابض است و برای تسکین حمله‌های
 شدید سرفه و سیاه‌سرفه و همچنین شرایط تحریکی جهاز تنفسی به‌طورکلی اثر نافع
 دارد. جوشانده برگ و پوست درخت شاه‌بلوط نیز روی زخمهای واریسی اثر کنترل
 کننده دارد.^۵

تهیه اجزای گیاه:

سنبه‌های گیاه را در بهار می‌چینند (درست در موقعی که باز شده‌اند) و در محل
 سایه خشک می‌کنند. چوب و پوست ساقه را تدریجاً در بهار که شیرۀ گیاهی بالا می‌رود
 از انشعابات درخت جدا می‌کنند.

۱- بیرها و سبزیهای شفابخش، ص ۱۳۸.

۲- ابرار خوراکیها، ص ۲۲۶.

۳- میان.

۴- بیرها و سبزیهای شفابخش، ص ۱۱۸.

۵- معارف گیاهی، ج ۱۵، ص ۲۷۵.

صورت دارویی و مصرف:

دو مشت از سنبله‌های تازه یا خشک گیاه را به اندازه یک لیتر آب به کار می‌برند و به منظور رفع اسهال روزانه دو بار در حمام آن (طشتک) می‌نشینند.
جوشانده:

جهت رفع اسهال روزانه سه فنجان، ماده قابض روزانه دو فنجان میل می‌کنند. در برخی از نقاط برای درمان سیاه سرفه به کار می‌برند و این درمان مؤثر است.^۱
درخت شاه‌بلوط بومی اروپاست و در نقاط مختلف آسیا، مخصوصاً قسمت‌های غربی آن، برگ‌های آن بیضوی دراز، نوک و دنداندار و گل‌های آن به صورت تر و ماده واقع بر روی یک پایه‌اند.

شاه‌بلوط هندی

مشخصات:

به فارسی «شاه‌بلوط هندی» و «بلوط هندی» و به عربی «قسطنة هندی» نامیده می‌شود.

شاه‌بلوط هندی درختی است زیبا و بزرگ که بلندی آن تا ۳۰ متر می‌رسد. برگ‌های آن مرکب پنجه‌ای با بریدگی‌های بسیار عمیق و گل‌های آن خوشه‌ای، معطر و سفید با لکه‌های قرمز که در اردیبهشت ماه ظاهر می‌شود. میوه آن کپسول حجیم است. این درخت بومی هند است ولی در سایر مناطق دنیا نیز کاشته می‌شود. در ایران در باغ‌های شمال ایران کاشته می‌شود.

ترکیبات شیمیایی:

در مغز دانه شاه بلوط هندی وجود مواد اسین، اسی ژنین، فلاوون، اسکولین و اسکولننین تأیید شده است. قسمت قند ساپونین آن شامل گلوکوز، کسلوز و

گلوکورونیک اسید می باشد. در میوه شاه بلوط چند ساپونین وجود دارد. گل‌های آن دارای رونین ایزوکتوسیتترین، ماده کمپفروول^۳، گلوکوزید، یک کمپفروول^۳، آرابینوزید و یک کمپفروول^۳، رامنوگلوکوزید می باشد. برگ‌های آن دارای کوئرسیتین می باشد.

شاه پسند

مشخصات:

گیاهی است زیبا که سردسته تیره شاه پسندها است. شاه پسند به حال خود رو در کنار جاده‌ها و دشته‌ها و مزارع غالباً در نقاط اروپا و آسیا (از جمله ایران) می‌روید. گل‌هایش به رنگ‌های سفید و قرمز و بنفش و زرد و آبی و غیره دیده شده است. برینا، رجل الحمام، رعی الحمام، شاه پسند معمولی.

شاه پسند طبّی؛ گونه‌ای <VERBENA OFFICINALIS> است که بیشتر در مصارف دارویی به کار می‌رود و دارای گل‌های سفید است و خود رو می‌باشد.^۱ آن را رعی الحمام، به یونانی فارسطاریون و به مصری ساق الحمام و به فارسی گاو مشنگ و نیز دیو مشنگ نامند و نزد بعضی آس عباسی است و گویند به هندی آن را ارهر نامند و این ضعیف است و آن گیاهی است که نزدیک آب‌ها و جاهای نمناک یافت می‌شود و در ایام باران زیاد می‌گردد.

کبوتر این گیاه را زیاد دوست دارد. حکیم مؤمن آن را نار قیصر نوشته است، مزاجش گرم و خشک در دوم و گویند در اول است. و به قول شیخ گرم در اول و تر در دوم است. و لطیف کننده و خشک کننده با حرارت لطیف و محلّل مواد سرد با سرعت و با سردی و نیروی قبض می‌باشد، خوراک آن نافع لقوه و مدرّ حیض و ضماد برگ آن جهت التیام زخم تازه و با غسل جهت التیام زخم کهنه و ضمادش با سرکه نافع خناریر تازه و شستن مو با پخته آن سیاه کننده مو و نشستن در آب پخته آن مانع سیلان رطوبات رحم است.

ضمادش نافع نقرس و خوراک تخم شاه پسند دافع ضرر گزیدگی حشرات می باشد. مقدار خوراک آن دو درم است ولی مضر اعصاب می باشد و مصلحش میخک یا سنبل الطیب است، مضر کلیه است، مصلحش کتیرا و بدلش فوة الصیغ (روناس) است.^۱

شکل رعی الحمام یا (شاه پسند):

دانه این گیاه تقریباً به دانه آس می ماند. لیکن رنگش خاکی و تیره تر است.

مزاج:

در اول گرم و تر و در دوم خشک است. زخم را به هم آورد، ورم بلغمی را نرم کند، آب پزش مو را سیاه کند، آب پز شاخه اش بول و حیض را راه اندازد، بچه را بیرون آورد. اگر خود را به آن شویند خارش عورت را تسکین دهد.^۲

طبیعت رعی الحمام (دیومشنگ):

گرم و خشک در درجه اول، خشک کننده است و نافع لقوه می باشد.^۳

DR.J.L.FCLERC از عصاره آبی این گیاه، اثرات مفیدی در معالجه برخی اشکال

خفیف دردهای عصبی، مربوط به عصب تری ژومو به دست آورد.

در استعمال خارج، سابقاً جوشانده آن به صورت غرغره برای رفع درد گلو و ورم

مخاط دهان به کار می رفت و یا آنکه به صورت کمپرس بر روی درد اولسرها، ضرب

خوردگیها، بریدگیها و نظایر آنها اثر داده می شد. در برخی نواحی، برگهای آن را در سرکه

جوشانده سپس بر روی محل دردناک در ذات الجنب قرار می داده اند.

۱- محیط اعظم، ج ۲، ص ۶۱ نطفه حکیم، ص ۲۵۳ و ۱۲۷؛ قرادین کیر، ص ۲۲۱.

۲- الایب، ص ۱۶۸.

۳- تازون در طب، ج ۲، ص ۳۰۳.

صور دارویی:

دم کرده ۳ تا ۴ گرم این گیاه بر حسب هر فنجان و ۳ مرتبه در روز جوشانده ۴۰ تا ۵۰ گرم گیاه در یک لیتر آب یا شیر (در استعمال خارج).

محل رویش:

این گیاه در منطقه وسیعی از نواحی شمالی، مخصوصاً در اماکن مرطوب سواحل دریای خزر و حاشیه جنگلها می‌روید. در نواحی مختلف البرز، اطراف تهران، کرج، قزوین، گیلان، آستارا، لاهیجان، گرگان، شیراز، جیرفت، خراسان، کاشان، قمصر، ارومیه، کردستان، همدان، اراک، نهاوند و لرستان نیز می‌روید.

VERBENA HASTATA در آمریکای شمالی می‌روید و به شاه‌پسند آبی رنگ مشهور است. از ساقه گلدار این گیاه در نواحی محل رویش خلط آور و معرق استفاده درمانی به عمل می‌آید.^۱

شاه‌پسند ضد درد و روماتیسم، ۳۰ تا ۴۰ گرم در یک لیتر آب جوش ۱۰ دقیقه دم کرده هر روز دو یا سه فنجان مصرف کنید. مقوی معده، طعم آن تلخ و ضد درد است و کمی قبض کننده است. جوشانده گل آن به مدت ده دقیقه برای دل درد هم مفید است.^۲ شاه‌پسند برای برونشیت‌ها و سینه نیز مفید است.^۳

شاه‌پسند درختی

مشخصات:

درختچه‌ای است که دارای چند وارته می‌باشد. بومی آمریکایی جنوبی است و مدت‌هاست که به ایران آمده است و انواع آن در باغهای ایران کاشته می‌شود. همیشه سبز است، بلندی آن ۲-۳ متر می‌باشد. برگهای آن ناصاف، ریز، به رنگ سبز چمنی، تخم‌مرغی شکل و نوک تیز است.

۲- گلها و گیاهان شناختی، ص ۱۳۶.

۱- گیاهان دارویی، دکتر زرگری، ج ۲، ص ۵۲۸.

۳- همدان، ص ۱۳۶.

ترکیبات شیمیایی:

دارای اسانس معطر و ماده لاتتائین است. ماده لاتتائین گردش خون را ضعیف و درجه حرارت بدن را کاهش می دهد. به علاوه یک تری ترینوئید در آن مشخص شده است.

در گزارشها آمده است که شاهپسند درختی دارای اسانس کامرن، ایزوکامرن، میکران، الکلوتید و ماده ای به نام لاندن، که در برگهای گیاه موجود است، می باشد.

خواص - کاربرد:

به عنوان داروی التیام دهنده زخم و معرق و بادشکن و ضد اسپاسم استفاده می شود. از جوشانده آن در مورد کزاز، روماتیسم و مالاریا استفاده می شود و آن را تونیک و نیروبخش می دانند. برگهای پلاسیده و پژمرده شده این گیاه برای رفع ناراحتی های تنفسی آسمی و برگهای تازه آن برای کاهش تب مؤثر است.^۱

شاهپسند و حشی

مشخصات:

در کتب فارسی به نام «شاهپسند و حشی» خوانده می شود. در برخی از کتب قدیم با نامهای «رعی الحمام» نام برده می شود. و اضافه شده است که چون مورد علاقه کبوتر است به این نام خوانده می شود.

شاهپسند و حشی گیاهی است علفی و چند ساله ساقه آن در حدود ۱ متر است. مقطع ساقه آن مربع است و برگهای آن متقابل با بریدگیهای عمیق. گلهای آن به صورت خوشه نظیر گلهای گیاهان خانواده نعنا، به رنگ سفید یا صورتی.

از تمام قسمت های هوایی این گیاه، بخصوص برگها و سر شاخه های سبز آن در طب

سنتی استفاه می شود؛ وقتی که آن را مالش دهید بوی معطری دارد. طعم آن تلخ و گس است.

این گیاه در کنار جاده ها، مزارع، در اماکن سایه دار و کنار نهرها به طور خودرو می روید. در اروپا، آفریقا و آسیا انتشار دارد.

خواص - کاربرد:

در هند از برگهای تازه گیاه شاه پسند وحشی به عنوان تب بر و تونیک قرمز کننده پوست در روماتیسم و بیماریهای مفاصل استفاده می شود. از این گیاه برای رفع ناراحتیهای اعصاب و در موارد قطع عادت ماهیانه بدون دلیل و غیر موقع و همچنین برای تصفیه خون و کاهش تب استفاده می شود. معمولاً اعضای هوایی گیاه و گاهی با ریشه در موقعی که گیاه غرق گل است یعنی در ماههای تیر تا مهر چیده شده و خشک می شود. برگ، گل و ساقه های سبز و جوان گیاه مبرّد و خنک کننده و تلخ است و برای هجوم خون در اعضا مفید است و به عنوان ضد سمّ در موارد نیش حشرات سمّی به کار می رود.^۱

در کتب فارسی به نام «شاه پسند وحشی» خوانده می شود و در کتب قدیم با نام «زعی الحمام» نام برده می شود و در برخی از اماکن نامهای دیگری هم دارد.

ترکیبات شیمیایی:

در گیاه مواد ورنالین و ورنالول یافت می شود.

خواص - کاربرد:

این گیاه ملین و مسهل و ضد کرم شکم و ضد کمی ویتامین C در بدن قطع تب، بخصوص تب مالاریا، مقابله با التهاب ها، رفع اختلالات داخلی روده ای، کمک به هاضمه، اختلالات مجاری ادرار و ناراحتیهای رحمی مفید است.^۲

شاه‌پسند طبی

ضد درد و تشنج، کمی قابض، خلط آور و ضد روماتیسم است. دم‌کرده آن سی تا چهل گرم در یک لیتر آب است که باید ده دقیقه جوشانیده شود. در موارد رگ به رگ شدگی، دررفتگی اعضاء، دردهای عصبی، دل درد کمپرس گرم آن مؤثر واقع می‌شود.^۱

شاه اشرفی (نارون)

مشخصات:

نارون جنگلی در شمال ایران و در سایر مناطق کشور با نامهای محلی مختلفی نامیده می‌شود از جمله در نور و کجور و مازندران و گرگان (اوجا) در رودسر و لاهیجان (لی) و (له) در راسر و شهسوار (لو) در اطراف رشت و طوالش (گل پردار، سمد و سمت) در کرج و تهران، آستارا، ارسباران و همدان (قره آغاج و قره غاج)، در شیراز درخت شاه اشرفی در شیرین سو قزوین و سردشت (وزم) در اصفهان و بختیاری بشک، وشک و وزک و در مشهد کرزم نامیده می‌شود.

اوجا درختی است بزرگ، بلندی آن تا ۳۰ متر است. برگهای آن متناوب، کوچک، بیضی، نوک تیز، پهن، دندانه‌دار و دندانه‌های آن مضاعف است. برگها در تماس با دست خشن و ناصاف است. میوه آن با یک بال بیضی شکل یا دایره‌ای احاطه شده است. درخت اوجا بومی جنگلهای ارویاست و در جنگلهای شمال ایران نیز انتشار دارد.

خصوصیاتی که در بالا ذکر شد شامل درخت نارون نیز می‌باشد ارتفاع نارون کوهی، در حدود اوجا است طول هر برگ آن ۵-۱۶ سانتیمتر می‌باشد. ملج بومی جنگلهای اروپا، آسیای شمالی و ژاپن است در جنگلهای ایران در ارتفاعات میان بند از ارسباران تا گرگان انتشار دارد.

شاهبانک

مشخصات:

در کتب سنتی، گیاه دیگری با نام قاقلی را نیز شاهبانک ذکر می‌کنند. گیاهی است چند ساله به بلندی ۵۰ سانتی متر، پوشیده از کرک، برگها بیضی، دراز، نوک تیز و ناهموار و برگهای پایین با دمبرگ و برگهای بالای ساقه بدون دمبرگ، گلها به صورت طبق کوچک که روی آن گلهای لوله‌ای سفید مایل به زرد قرار دارد. این گیاه در اروپا، آسیا، در اراضی غیر سیلیسی می‌روید و در مصر فراوان است. در ایران شمال، قره‌داغ و در جنگلهای حسن بیگلو دیده می‌شود.

خواص - کاربرد:

از نظر طبیعت گرم و خشک است. حکمای طب سنتی معتقدند که در استعمال داخلی برای صرع، آب رفتن از دهان، خصوصاً در مورد کودکان، تحلیل گاز و یادهای شکم و در استعمال خارجی برای التیام زخمها مفید و جانشین مرزنجوش است.

شاهنگ (پن واز)

مشخصات:

گیاهی است چند ساله، پر شاخه به بلندی کمی کمتر از ۰/۵ متر که بویی شبیه به سداب از آن متصاعد می‌شود. برگهای آن دارای دمبرگ، مرکب و معمولاً دارای ۵ - ۳ برگچه کوچک است گلهای آن زرد به شکل خوشه در انتهای شاخه گل دهنده ظاهر می‌شود. دانه آن لیز و براق و کوچک به رنگهای قهوه‌ای تیره است. این گیاه در بلوچستان، جزیره هرمز و چاه بهار دیده می‌شود.

خواص - کاربرد:

تلخ مزه است از گیاه برای معالجه روماتیسم و بیماریهای پوستی نظیر جرب و شستشوی دم کرده آن در مصارف خارجی برای رفع التهاب پوست و از برگهای آن،

بخصوص در رفع نک و پیس (لوکودرما) استفاده می شود. از جوشانده آن برای معالجه اسهال خونی و سوزاک نیز می خورند. به عنوان محرک و جبران کننده کمی ویتامین C نیز استفاده می شود. برای معالجه ناراحتیهای هرپس و برای نرم کردن سینه و کمک به هضم غذا می خورند که استعمال داخلی دارد.^۱

شاهی

مشخصات:

نام فارسی: تره تیزک یا شاهی.

در کتب سنتی: جرجیر بستانی، رشاد و...

تره تیزک، مزروع گیاهی است علفی یکساله برگهای آن سبز شاداب، لطیف، کمی تند. گلهای آن به رنگ سفید یا قرمز یا ارغوانی.

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی بررسی های متعددی در مدارک فنی مختلف منتشر شده. گیاه حاوی گلوکوزید گلوکوتروبئولین است. از نظر ویتامین گیاهی غنی از ویتامین های A و C می باشد.

خواص - کاربرد:

از گیاه تره تیزک در موارد آسم و سرفه و بواسیرهای خونی استفاده می شود و بسیار نافع است. ضد کمبود ویتامین C است. ضماد آن برای تسکین درد ضربه به کار می رود. برگهای آن نیروبخش و محرک، مدر و مقوی باه، محرک جماع، مولد اسپرم است. تسریع هضم غذا و تحلیل باد و گاز و تفع مفید است.^۲

شاهی تره تیزک دارای ید و آهن و فسفر می باشد و مقادیر زیادی ویتامین (ث) دارد و

ادرار را زیاد می‌کند، این گیاه مهیج می‌باشد چون ترشح آدم را کمی زیاد می‌کند.^۱
شاهی سرشار از ویتامین‌های A و B و دارای مس، منگنز، گوگرد و کاروتن که بافت بدن را جوان می‌کند، می‌باشد. شاهی از سبزیهای خنک است مواد معدنی را به بدن می‌رساند کمبود ویتامین را برطرف می‌نماید اشتها آور و تقویت کننده است، ملین، تصفیه کننده خون است و آن را باید خام خورد.^۲

مصرف شاهی برای سنگ مثانه یا کلیه و مجاری ادرار فوق العاده قابل توجه است.^۳
شاهی برای امراض جلدی مفید است.^۴

یک فنجان کوچک آب شاهی را صبح ناشتا میل کنند کرم کش است.
بر ضد زخمهای چرکی باید ضمادی از شاهی که کوبیده و چند قطره روغن مایع زیتون یا بادام در آن ریخته باشند به کار می‌برند.^۵

تره تیزک یا شاهی اشخاص چاق را لاغر می‌کند.^۶
شاهی تأثیر مهمی بر مجاری تنفس دارد و در مورد دردهای برونشیت و سیاه سرفه نیز مصرف آن توصیه شده است.^۷

شاهی یکی از سبزیهای خوردنی است که ساقه ندارد و برگهای آن دراز و تا خورده است. در میان کردها جوشانده آن را برای دفع فشارخون و زیاد کردن ادرار به مصرف می‌رسانند.^۸

این گیاه دارای نشاسته و روغن فراری است. دارای فسفات و گلوکزیدی به نام بولاک آوتی است که دارای ید، فسفر آهن می‌باشد و جهت غذا و دوا به طور خام و سالاد پخته مصرف می‌شود. خنک کننده و ضد اسکوربوت بوده و ترشحات ریه را تغییر شکل می‌دهد و در بیماری پوست و مرض قند مورد استعمال دارد. شاهی خلط آور است و

۱- اعجاز خوراکیها، ص ۱۲۵. ۲- بویه‌ها و سبزیهای شفا بخش، ص ۴۴

۳- همان. ۴- اعجاز خوراکیها، ص ۱۲۵. ۵- بویه‌ها و سبزیهای شفا بخش، ص ۴۵.

۶- اسرار خوراکیها، ص ۱۴۶. ۷- بویه‌ها و سبزیهای شفا بخش، ص ۴۵.

۸- طب سنتی در میان کردها، ص ۶۹.

به صورت شربت یا دمکره در صبح مصرف می شود.^۱

شاهی مواد معدنی را به بدن می رساند و کمبود ویتامین را برطرف می نماید. اثر شاهی در مورد بیماران مبتلا به مرض گال، سل، آگزما، اختلال غددی و خستگی مفید است.^۲

برای زیاد شدن شیر زنان خوردن آن مفید است. شاهی خوردن ناشتای صبح بوی عفونت زیر بغل را مرتفع می سازد و اگرچه موجب تاریکی نور چشم می گردد، جهت تحریک قوه باه مفید است.

شاهی یکی از سبزیهای تندرستی بدن بوده دارای ید، آهن، آهک، منگنز، گوگرد، مقوی باه و برای تنگی نفس، سیاه سرفه، سل ریوی، خلاصه کلیه امراض ریوی مفید و معالج است.

تره تیزک ضد اسکوربوت بوده، مدز و خلط آور است.^۳

بولاغ اوتی و تره تیزک و شاهی، هر سه دارای ویتامین (ث) مانند پنی سیلین امراض عفونی را درمان می کنند. برای بیماریهای غمیاد، قند و سرطان مفید است. در معالجه زخم روده و امراض داخلی و سرماخوردگی اثر معجزه آسا دارد.

بیماریهای سل ریوی، آسم، زکام و سیاه سرفه را شفا می بخشد. برای معالجه مرض قند، غمیاد و بد بویی عرق زیر بغل تجویز کرده اند.

با زرده تخم مرغ نیم بند جهت تقویت خرایز جنسی نافع است.^۴

شاهی دو برادر دیگر دارد به اسم تره تیزک و به توکی بولاغ اوتی، ضد خونریزی و رقیق شدن خون می باشند.^۵

شاهی و انواع آن را به اسامی جرجیر، تره تیزک، حب الرشاد، خردل بری و بولاغ اوتی می نامند.

۲- سیوه ماد و سبزیهای شناخته شده، ص ۱۱۴.

۴- زبان خوراکیها، ص ۸۶.

۱- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۱.

۳- رازگیاهان شناخته شده، ص ۶۰.

۵- مجموعه طب سنتی و گیاهی، ص ۳۴۸.

شاهی آبی اشتها آور، مقوی، تصفیه کننده کلیه، پاک کننده کبد و در بسیاری بیماریها مانند تبیلی کلیه‌ها، کبد و معده مفید است. اگر موی سر را با آب بولاغ اوتی (از خانواده شاهی) آغشته کرده، کمی مالش دهند از ریزش مو تا حدی جلوگیری به عمل می‌آورد. ضماد آن التیام زخمهای مزمن را تسریع می‌کند و جویدنش لثه‌ها را قوت می‌بخشد. هر صد گرمش ۲۲ کالری حرارت ایجاد می‌نماید.

شاهی را به لاتینی نپیدوم ساتیوم و به عربی جرجیر گویند. گیاه یک ساله‌ای است از خانواده چلیپاییان که خام آن به مصرف تغذیه می‌رسد. در نواحی سرد، معتدل و مرطوب رویده و در مناطق گرم قبل از اینکه برگها به خوبی رویش کنند، ایجاد بذر می‌نماید و برگهایش کنسیده، مضرس، سبز و دارای دمبرگ طولینی است. بذرش قرمز کم رنگ، کشیده و تکثیر آن با بذر است. هر ۳-۴ روز یک مرتبه به آب احتیاج دارد. در آن، مقدار نسبتاً زیادی هیدراتهای کربن، مواد سفیده‌ای، کلسیم (۸/۸۷ درصد)، پتاسیم، آهن، مس، روی، ید، آرسنیک، فسفر، سدیم، منیزیم، منگنز، ویتامین A به مقدار کم و B و C نسبتاً زیاد و گلوکزیدی به نام تروپولوزید یافته‌اند. ویتامین C شاهی به عقیده پرفسور بینه <Binet> ۱۴۰ میلی گرم درصد گرم است. شیره شاهی را به موش مبتلا به سرطان تزریق کردند و از توسعه سرطان در وی جلوگیری شد. شاهی اشتها آور، مقوی، مدر، ملین و تصفیه کننده خون است. لذا در کم خونیهای لنفاوی، برونشیت، سل، آگزما، اختلال غدد، خستگی، دختران به بلوغ نرسیده کم خون، سنگ مثانه، کلیه، اختلالات مجاری ادرار، بیماریهای پوستی، گال و مخصوصاً بیماران مبتلا به مرض قند، سیگارها و کسانی که تورم لثه دارند، مفید است.

شاهی العرب

مشخصات:

گیاهی است که بومی عربستان و مناطق حاره آفریقا چون حبشه می‌باشد به سایر مناطق از جمله به مناطق حاره هند نیز وارد شده و کاشته می‌شود. به عربی آن را «قات» و

«شاهی العرب» می نامند.

درختچه‌ای است که برگهای آن به طور کلی در قسمت پایین ساقه متناوب ولی در قسمت بالای شاخه‌ها متقابل است. برگها ضخیم، صاف، بدون کرک، نوک تیز و بزرگ به طول حدود ۱۰ سانتی متر و عرض حدود ۵ سانتی متر است. این گیاه که بومی عربستان و مناطق حاره آفریقا می باشد به سایر مناطق حاره نیز وارد شده و در هند در مناطق بمبئی و سیلان و میسور با موفقیت کاشته می شود و تقریباً بومی شده است.

ترکیبات شیمیایی:

در برگها، آکالوئید عمده به نامهای دی، نور، ایزوافدرین که سابقاً کاتین نامیده می شد. آکالوئید کاتی نین و سر آخر کاتیدین یافت می شود.

خواص - کاربرد:

دم کرده برگهای آن کمی شیرین و معطر و قابض است و برای تسکین سرفه، آسم و سایر ناراحتیهای سینه‌ای خورده می شود.^۱

شاهسیرم رومی

مشخصات:

در کتب طب سنتی با نامهای اسطوخودوس و شاهسیرم رومی و آنس الارواح و محک الارواح آمده است. در بازار مکه با نام «ضرم» گفته می شود. گیاهی است چند ساله به شکل بوته کوچک به بلندی نیم قد خیلی پرشاخه، ساقه‌های آن ۴ گوشه، برگهای آن دراز، متقابل و پوشیده از کرک سفید پنبه‌ای، گلهای آن که در بهار ظاهر می شوند به رنگ بنفش به صورت سنبله است.

ترکیبات شیمیایی:

دارای اسانس است که شامل ستون و سینثول و یک الکل، سنالول می باشد از برگ ها و گیاه در حدود ۰/۳۱۵ درصد از این اسانس روغن فرار به دست می آید.
خواص - کاربرد:

دارای گل و برگهای معطر است. طعم آن تلخ و تخم آن بسیار ریز و کمی پهن به رنگ زرد تیره مایل به سیاه، محلل و باز کننده گرفتگی ها می باشد. دم کرده ۵ گرم از برگ و شاخه گندار آن مقوی بدن و قوای دماغی و همچنین مقوی احشا و آلات شکم و مفرح است و برای بیماریهای سینه، ورم های نرله ای و زکام نافع است و خاصیت مسهلی دارد.^۱

شاهسفرم

مشخصات:

به فارسی ریحان و نازبو و در کتب طب سنتی با نامهای شاهسفرم و صعتر هندی و سلفان الریاحین آمده است. به عربی ضیمران که در اصل ضَمیران است و ریحان الملک نامیده می شود.

گیاهی یک ساله، به بلندی ۶۰ سانتیمتر است. گلهای آن کوچک مایل به سبز یا ارغوانی و یا سفید می باشد. پشت برگهای آن سبز خاکستری و روی برگهای جوان آن سبز روشن به شکل بیضی، نوک تیز با دندانه های ریز و معطر است. تخم آن سیاه، ریز و کمی زبر است.

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی در اسانس گیاه ریحان (شاهسفرم) مواد اوسیمن، پی نن، ترین هایدربت، سیثول و متیل چاویکول، سینالول، آتول، اوژنول، استراگول، تی مول، سینترال و کامفر وجود دارد.

خواص - کاربرد:

از برگهای ریحان (شاهسفرم) به عنوان تونیک، مقوی، بادشکن و کمک به تقویت هاضمه استفاده می شود. ریحان از نظر طبیعت کمی گرم و خشک است، بازکننده گرفتگی های دماغی و محلل ورم های جمیع اعضاء و برای ضعف معده و بادهای غلیظ مفید است. عصاره آن با شکر برای دفع درد سینه و تنگی نفس و سرفه و مضمضه و جویدن آن برای زخمهای دهان و بوییدن آن برای رفع سردرد گرم مزاجان نافع است و جوشانده ۴۰ گرم در هزار گرم آب آن نیز برای اسهال نافع است که خورده شود.^۱

شاهدانه

مشخصات:

گیاهی است یکساله و شبیه سایر سسها. این سس معمولاً به گیاهان شاهدانه، گزنه، رازک، بید، نعنا حمله می کنند. این گیاه در بلوچستان می روید و به گیاهان جنس تاج خروسی، فلفل آبی و خارخسک حمله می کند. در هند جوشانده این گیاه را برای رفع درد سینه می خورند. این نیز در همدان دیده می شود و انگل عدس است. این گونه گیاه در بوشهر و آبادان و در یزد (ده بالا) و در غرب در تفریش و در دامنه های البرز بین دماوند و دریاچه تالار روی گیاهی جنس آویشن.

خواص - کاربرد:

گونه ای که در بلوچستان ایران می روید، در مناطق خاور دور مورد توجه است.^۲ جابربن حیان از شاهدانه به اسم ساذروان نقل کرده است.

گیاهی است از تیره گزنه ها که دو پایه و علفی و یکساله است. ارتفاعش بین ۱ تا ۲ متر و گاهی بیشتر است. منشأ اصلی این گیاه آسیاست. از گونه های مختلف شاهدانه الیاف قابل استفاده در نساجی به دست می آید از سر شاخه های این گیاه صمغ خاصی بدست

می آورند که به نام چرس *<Charas>* موسوم است. قنب، شاهدانج، شدائق، قنب هندی، شهدائق، حشیشه الفقرا، ورق الخیال و جزء اعظم می باشد.^۱

شاهدانج معنی آن سلطان الحبوب است و به سریانی ذرع آدم و به یونانی قنامس، قنامیس، قانامیس، قنیس، قیانیقون و نیز به فارسی تخم کنب و قنب نامند و آن به قول شیخ تخم درخت قنب است و شاهدانج بستانی و بری است. و حنین گفته که بری آن شجری است بقدر ذراع و بر برگ آن سفیدی غالب و ثمر آن مثل فلفل و شبیه بحب السمنه و از آن روغن برمی آورند و حب السمنه گفته شد و محلل ریح و مجفف بقوت و خلط آن ردی قلیل است. و به قول شیخ گیلانی گرم و خشک در سوم و محلل و مجفف بقوت و خلط آن قلیل ردی و مصدع بحرارات خود و در آن لطافت و جلاست چون بر مواضع چرکی طلا کنند دماغ و حواس را پاک گرداند و نسیان دفع کند و فالج و لقوه و صرع را نفع دهد و چون بر جلوی سر بچه نهند لعاب سائل از دهان آنها بند کند و نشف به از معده و تحلیل فضول بلغمی از آن نماید و مسکن غثیان و محلل و پراکنده کننده ریح از معده و امعاء و رحم است و مؤلد خلط ردی قوی الاسخان و قابض شکم و مسک و تارکننده دید چشم و مجفف منی است، روغن شاهدانه گرم و خشک و جهت درد گوش و اعصاب و تحلیل اورام صلبه و صلابات رحم قطوراً و تمریحاً نافع و آشامیدن آن مجفف منی است و قاطع باه به سبب احراق منی به حرارت و بیوست است.^۲

شیخ گوید: شاهدانه تخم کنب است و شاهدانه در نوع است. کاشتنی و بیابانی. کاشتنی معروف است. در سوم گرم و خشک است. باد را از بین می برد، بسیار خشکاننده، خلطش کم و ناپسند است. بیخ شاهدانه بیابانی را بپزند و بر ورم گرم که در جای سخت برآمده و کیموسها در آن جای گرفته اند ضماد گذارند گرمی را خاموش کند و سختی را نرم نماید. از گرمی که دارد سردرد می آورد. نیم رطل از افشره اش قبوضیت

شکم را از بین می برد و بلغم بیرون دهد و زرداب را برکند و کار کاجیره را انجام دهد.^۱
شاهدانه به اردو نوط به عربی سلطان الحبوب، شهدانج، شهدانق، شاهدانج،
بزرالقتب و به فارسی شهدانه، تخم کتب گویند و به هندی پهنک کی بیج گویند.^۲
شاهدانه را در انگلیسی Cannalis seeds گویند. رنگ آن سیاه، ذائقه تلخ. مقدار
خوراک ۳ گرم، مزاج گرم و خشک در درجه دوم.
این گیاه قابض و مسکر، منعش خشک کننده منی و امساک آور و مدر بول است و
به طور دارو کم استعمال می شود و روغن آن در صابون سازی استفاده می شود. شاهدانه
غیر سمی می باشد.^۳

شاهدانه کرت

مشخصات:

گیاهی است که به عربی و در کتب قدیم با نام «جبل هندی» آمده است.
گیاهی است چند ساله و دو پایه، برگهای آن به شکل پری فرد، برگچه های آن بیضی
کشیده، دنداندار و کمی نوک تیز. گلهای ماده با جام تخم مرغی سه وجهی. میوه آن
کپسول باریک دارای سه پهلوی که پس از رسیدن از قسمت سرباز می شود.
این گیاه بومی مناطق جنوبی آسیا و جاوه است و در نواحی مختلف هند و ایران
انتشار دارد.

ترکیبات شیمیایی:

در گیاه وجود گلوکوزید داتیسین تأیید شده است. این گلوکوزید کمی تلخ است و در
آب سرد خیلی کم ولی در الکل جوش خیلی خوب حل می شود.

۱- قانون در طب، ج ۲، ص ۳۱۰.

۲- لائانه نبات الادویه، ص ۴۹.

۳- المفردات، ص ۱۴۰.

خواص - کاربرد:

در هند از این گیاه که یک داروی تلخ است به عنوان مسهل و تب بر و مدر استفاده می شود. ریشه آن مسکن درد روماتیسم است و برای تسکین روی دندان کرم خورده می گذارند، درد آن را ساکت می کند. در فیلیپین جوشانده پوست خشک گیاه را به عنوان تونیک می خورند. در کامبوج پوست ساقه های گیاه به عنوان مسهل و ملین و برای تصفیه خون و ضد صفراوی تجویز می شود.^۱

قسمت مورد استفاده این گیاه از نظر درمانی، سر شاخه گلدار یا میوه دار پایه های ماده VAR.INDICA است ولی در بازار تجارت، سر شاخه گلدار، رزین و مخلوطی از دو قسمت مذکور همراه با ناخالصی هایی نظیر داتورا، ژوسکیام و تریاک عرضه می گردد.

سر شاخه های گلدار به دو صورت زیر در معرض استفاده قرار می گیرد:

۱- بنگ Bhang: معمولاً مخلوطی از برگ و سر شاخه گلدار پایه ماده است که گاهی توأم با گل آذین ماده می باشد و معمولاً به حالت سبز چیده می شود.

۲- رزین این ماده از سر شاخه رزین دار گیاه به دست می آید. این ماده را در بازرگانی CHARASS چرس می نامند.

معمولاً کلمه حشیش به گرد شاخه گلدار مذکور و همچنین فرآورده های آن که بدانها اشاره شد، اطلاق می شود.

شُبرم یا (گاو کشک)

در ترجمه صیدنه ب ۷۶ گوید: شبرم نوعی است از انواع نبات و گویند: دانه ای است به نخود مانند و درخت او را خار بسیار بود و شکوفه او سرخ و برگهای آن دراز و باریک و در غایت سبز می باشد.

در تحفه، ص ۱۶۲ گوید: نباتی است شیردار و منبتش معموره ها، ساقه اش شبیه به نی و پرگه و به قدر زرعی و برگش شبیه به ترخون و برگ کاج و گلش بنفش و دانه آن

شبيه به عدس و بيخش سطر و پرشیر است.

بهمنیار، ص ۲۰۲ گوید: شیرم را به شیرازی گاوکشک نامند. زیرا گاو اگر آن را بخورد می‌میرد و غیر گاو را زیان نمی‌رساند.

در برهان قاطع، ج ۲، ص ۲۰ گوید: شیرم به کسر اول و سکون ثانی و فتح ثالث و میم ساکن گیاهی است شیردار و آن بیشتر در صحراها و کناره‌های جویها می‌روید و رنگ ساقه آن به سرخی مایل است.

در دعائم از رسول خدا ﷺ فرمود: «ایاکم والشیرم فانه حارٌ بار، علیکم بالسناء فتداووا به فلو دفع شیء الموت لدفعه السناء»^۱

در حدیث اسماء بنت عمیس است: که پیغمبر (ص) به او فرمود: «بما تستشمن؟ قالت بالشیرم. قال: حارٌ حارٌ ثم قالت: استشمت بالسناء فقال ص: لوکان شیء یشفی من الموت لکان السناء»^۲

یعنی: طبیعت خود را با چه چیز نرم می‌کنی؟ اسماء گفت: با شیرم. حضرت فرمود: گرم است و جریان دهنده و بعد اسماء گفت: با سناء نیز طبع را نرم می‌کنم. حضرت فرمود: اگر چیزی از مرگ شفا دهد سناء می‌باشد.

گاوکشک یکی از گونه‌های فریون است که آن را شیرزم نیز گویند.^۳ شیرم بضم اول و رای مهمله و بکسر اول و سوم نیز گویند و به یونانی سطوسا و قینومس و به شیرازی گاوکشک و کانیطنوسک و طلائیطومک نیز نامند. چون گاو می‌خورد می‌میرد و گوسفند را زیان ندارد و آن نیاتی است که در بوستانها و کشتزارها روید و ساق آن باریک است و بازغب و گره‌دار به قدر یک ذرع شبيه به نی و شیردار و شاخهای آن بسیار و برگ آن شبيه به برگ طرخون و گل آن بنفش و دانه آن مثل عدس و مایل به سفیدی و زردی و بیخ آن سطر و پرشیر، شیر آن قویتر از همه اجزای آن و بهترین آن سبک مایل به سرخی مثل

۱- بحار، ج ۶۲، ص ۲۱۹؛ نکاح الاخلاق، ص ۳۱۴.

۲- جامع الترمذی، ص ۱۰۱؛ ابن ماجه بنقل ابن قییم جوزی در کتاب الطب النبوی، ص ۲۵۳.

۳- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۳، ص ۳۱۸۶.

جلد پیچیده رقیق ریشه است و بدترین آن غلیظ کم سرخ صلب و آنچه بعد از شکستن در جوف آن مانند رشته‌ها باشد. بسیار زبون و همیشه آن را استعمال نباید کرد، بلکه استعمال مطلق آن بدون حاجت قوی جائز نیست زیرا گرم و خشک است و قتال و مسهل قوی بلغم و سودا و زرداب و با قوه قابضه ولی مفتوح دهن رگها و سدد است.^۱

شیخ در قانون گوید:

شبرم، گاوکشک در کشتزار می‌روید. نی آن باریک و راست و کرکدار دارد. و به نظر من برگش مانند برگ ترخون است و شیر هم دارد. شبرم خوب آنست که سبک مایل به سرخی شبیه پوست پیچیده و الیافش باریک باشد.

گاوکشک ایرانی هم ناپسند است و نشاید آن را به کار برد چون زیاد گرم و خشک است و گیرنده و تند است و دهانه رگها را می‌ترکاند و از این رو از استعمالش پرهیز می‌کنند.

گاوکشک عموماً با مزاج سازگار نیست و بویژه با مزاج گرم بسیار ضد است. شیرش در کشیدن دندان کمک می‌کند. به زیان معده و کبد است.

سودا و بلغم و آب را اسهال دهد. در طب قدیم آن را در داروهای مسهل به کار می‌بردند، اما چون زیان جنسی و آب پشت در برداشت و رگهای پیزی را می‌ترکاند و در حال اصلاح کردن بدرد دارویی نمی‌خورد، آن را ترک کردند و طریقه اصلاحش چنین بود: بایستی یک شبانه روز قبل از کوبیدن در شیر می‌ماند و بارها این خیسانیدن در شیر تکرار می‌شد و تأثیرات خود را بسیار از دست می‌داد و یارای برکندن خلطهای بد را نداشت اما کسی که در به کار بردنش ناگزیر است باید برگهای این گیاه را با انیسون و رازیانه و زیره بیامیزد و مقدار خوراکی از یک دانگ تا چهار دانگ است.^۲

۱- تحفة حکیم، ص ۱۱۶۶ سطح اعظم، ج ۲، ص ۱۱۰۸ قرابادین، ص ۲۶۱ ابن البطار، ج ۳، ص ۱، عین دج ۱۲، ص ۱۹۰۰

۲- قانون در طب، ج ۲، ص ۳۱۵. فرهنگ داروهای ص ۲۲۳.

شیدر باتلاقی

مشخصات:

در کتب سنتی با نامهای برسیم الماء، ثقل الماء، اطرفیل آمده و به فارسی در برخی کتب شیدر آبی و شیدر باتلاقی می نویسند.

گیاهی است چند ساله، به بلندی ۶۰ - ۲۰ سانتی متری که معمولاً در استخرها و باتلاقها می روید. برگهای آن دارای سه برگچه سبز خاکستری و بیضی است. گلهای آن به رنگ سفید مایل به صورتی می باشد و در بهار گلهای این گیاه ظاهر می شود. میوه آن کپسولی است. این گیاه در مناطق معتدل آسیا و اروپا می روید و در ایران دیده نشده است.

ترکیبات شیمیایی:

در گیاه دو گلوکوزید به نامهای ملیاتین و منیانتین مشخص شده و به علاوه در آن کولین، ماده چرب و ایتدرتین یافت می شود.

در اندام این گیاه مقدار قابل ملاحظه ای متنگنز و کمی تریید وجود دارد.

خواص - کاربرد:

این گیاه مفید معده است و در هند به عنوان داروی تیروبخش، مقوی معده و مسهل استفاده می شود و در موارد تبهای فوبه، نفرس، روماتیسم، استسقا، کمبود ویتامین B و C و ناراحتیهای تبخال تجویز می شود. از منظور گیاه نیز برای تقویت معده استفاده می شود.^۱

شبه

شبه کلمه عربی، به فتح شین و سکون ب، آن را در فارسی روی توتیا و در اردو جست، و نیز در عربی آن را خارصین می‌گویند و در انگلیسی آن را Zinc می‌گویند، معدنی است. رنگ آن سفید و نیلی، ذائقه، بی‌مزه، مزاج گرم و خشک به درجه دوم، خوراک آن به‌طور کُشته ۱۲۵ میلی‌گرم، قابض و مسکن و مجفف و دافع تب و امراض چشم می‌باشد، همراه با برگ تاجریزی یا برگ بادیان ساییده بر ورم‌ها می‌گذارند، خوراک کُشته آن نافع سرعت انزال و سیلان رحم و تبها می‌باشد، مقوی باه و مغلظ منی و مضر طحال است، مصلح آن عسل و روغنات است، بدلش سرب می‌باشد.

بعضی‌ها خوراک آن را از ۲۰۰ میلی‌گرم تا نیم گرم نوشته‌اند و می‌گویند خوراک در ظرف درست کرده از آن معده و دل را قوت می‌بخشد و مانیدن آن در چشم مقوی بصر است.^۱ و در طب یونانی کُشته مثلث که از قلع، روی و سرب و شوره قلمی و صبر درست شده است، مغلظ منی و برای سرعت انزال استعمال شده است.^۲ و نیز در امراض چشم استعمال می‌شود. در خون‌انسان ۴ یونیت بشکل طبیعی بنام Zinc Sulphate وجود دارد. اسم علمی روی، Zinc Oxide می‌باشد که از آن مرهم برای امراض جلدیه، محلول برای شستشوی خارش و زخمها و با روغن کرچک برای سوزش زیر پای بچه‌ها و نیز در خیلی کرمهای زیبایی صورت مخلوط می‌شود و آن قابض و محرک است، زخمها را شفا می‌دهد، در ترکیب پوست و مرض اگزما خیلی مفید است و نیز Zinc chloride این یک مرکبی از روی و از تیزاب نمک درست می‌شود که دافع عفونت است نیز برای زخمها استعمال می‌شود. ۲٪ آن در آب حل کرده به‌صورت غرغره در گلو استعمال می‌کنند و ماده سزوم به نام Zinc Sulphas از روی با اسید سولفوریک مخلوط شده درست می‌شود که نیز برای زخمها، سوزاک، سوزش گوش و بیشتر در قطرات چشم، زینک سولفس استعمال می‌شود و خوراک آن از ربع تا نصف گرم قی آور است و برای

۱- سفردات، ص ۱۹۸؛ سفردات، ص ۱۳۸؛ بستان سفردات، ص ۱۰۷.

۲- سفرد (انگلیسی)، ص ۲۳۲.

قی آوردن سموم آن را استعمال می کنند.^۱

اسم طبّی آن در داروسازی Zinc Oxide می باشد که از اختلاط Zinc با اکسیژن حاصل می گردد. بیشتر آن خارجی استعمال می شود و سابقاً داخلی هم برای اسهال داده شده و از آن چسب زخم و معالین خارجی برای خارش جلدی نیز درست می شود و در صنعت شیشه سازی از آن استفاده می کنند.^۲

شبه

نام سنگی است سیاه و براق و در نرمی و سبکی همچون (کاهربا) است و آن دو قسم است یکی آنست که از دشت قبیجاق آورند و آن آبی است که به مرور ایام بسته می شود و دیگری کانی باشد که از گیلان آورند، طبیعت آن سرد و خشک است. گویند: هر که با خود دارد از چشم زخم و سوختن آتش ایمن گردد و اگر بر سر بیابوزند درد سر را ساکن سازد و اگر نور چشم کسی سفید باشد و در چشم او خیالها و چیزی مانند ابر پدید آید و چشم خیرگی کند آینه از آن سازند و پیش چشم بدارند، چشم را قوت تمام بخشند و آن مرض را زائل کند و منع نزول آب از چشم کند و سرمه آن روشنایی چشم را زیاد کند و چون در آتش نهند مانند هیزم سوزد و بوی نفت کند.^۳

شبه (سیاه تلو): یک سر چوب آن را در آتش قرار دهند از سر دیگر آن روغن تراوش می شود که نافع سودای خشک و سالک است.^۴

شبنم نخود

شبنم نخود به انگلیسی Ciceric Acid نام برده می شود. شبنم نخود ماده بسیار ترشی است که از مجموع چند اسید از جمله استیک اسید، اکسالیک اسید و مالیک اسید تشکیل می شود. در ایران سابقاً در نائین و قزوین و بعضی مناطق دیگر مرسوم بوده است

۲ - دستور برنابی، ص ۷۲۲.

۱- کتاب طبّی دکتر اعوان، ص ۶۷۷.

۴- حکیم اسفندیاری.

۳- برهان نافع، ص ۲۲.

که صاحبان مزارع نخود در فصل رسیدن نخود پارچه بزرگ پنبه‌ای را خیس کرده شبها روی بوته‌های نخود در مزرعه می‌کشیدند، در اثر تماس پارچه با بوته‌های سبز نخود و تبخیر گیاه و به‌علاوه ایجاد شبیم روی بوته‌ها پارچه با مخلوط اسیدهای فوق آغشته می‌شد و صبح پارچه را جمع کرده و در اثر چلانیدن و فشردن آن مایعی ترش از آن گرفته و به نام شبیم نخود برای چاشنی غذا در آشپزخانه مصرف می‌کردند.

این شبیم نخود و عصاره ترش اسیدی نخود در طب سنتی هند برای کنترل اسهال خونی و رفع یبوست و رفع سوء هاضمه و همچنین در موارد مارگزیدگی کاربرد دارد.^۱

شبدر

مشخصات:

گیاهی است از تیره پروانه‌واران که یکساله یا دو ساله است، برگهایش مرکب از سه برگچه است. گلهایش سفید رنگ یا قرمز و یا صورتی رنگ است و برخی گونه‌های آن دارای ارغوانیند، در کنار نه‌رها و مزارع می‌روید.^۲

قسمت مورد استفاده این گیاه سر شاخه‌های گلدار آن است.

فارسی: شودر - در کتب سنتی: شبدر - قُوط

فرانسوی: Trelle

انگلیسی: Cover

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی در شبدر گل قرمز معمولی، وجود اسانس روغنی فرار گلوکورزید تریفولین و ایزوتریفولین - ماده ژنیستین وجود دارد.

۱- معارف گیاهی، ج ۱، ص ۴۰۷.

۲- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۲۰۱۶.

برگهای آن دارای مواد سفیده‌ای زیاد است. دارای روغن قند و املاح معدنی مانند کلسیم - منیزیم - پتاس - سرب - فسفر - گوگرد - سلیس آهن - آلومینیوم - منگنز - مس - سرب.

سر شاخه گلدار این گیاه دارای کومارین (Coumarine)، اسید ملی لوتیک و اسانس است.

خواص - کاربرد:

از نظر خواص معتقدند که خوردن شیدر تازه مسهل است و خوردن خشک آن شکم را بند می‌آورد. دم کرده شیدر برای رفع خشونت سینه و قطع سرفه‌های سخت و ضد عفونی کننده سینه استعمال می‌شود.^۱

شیدر را در مازندران شروبت گویند. در فارسی (دیو اسپست) صحرايي و به شیرازی دقوقو نامند.

جهت جلوگیری از انفاکتوس (سکتة قلبی): جوشانده - شربت و عصاره شکوفه گل‌های من ضد تشنج و خلط آور بوده، برای درمان سیاه سرفه مفید است.^۲
اثر آرام کننده - رفع بیماریهای عادی سینه - مدرّ و هضم کننده دارد. دم کرده آن جهت رفع تحریکات عصبی، بیخوابیهای منشأ بیماریهای مختلف، بیخوابیهای اطفال - سرگیجه - دردهای رماتیسمی - عدم دفع ادرار - سوء هضم.^۳

قرط، شیدر

روایت از جابر بن حیان:

قرط به کسر قاف و سکون راء مهمله و طاء مهمله به عربی نوعی از گندناست که آن را کرات مائده و کرات البقل نیز می‌گویند. و به ضم اول و فتح ثانی اسم مصری اسپست

۲- زبان خوراکیها ج ۳، ص ۵۰

۱- معارف گیاهی، ج ۴، ص ۲۳

۳- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ص ۶۱۹.

است. قرط به ضم قاف و سکون راء و طاء مهمله لغت عربی است، به فارسی شبدر و شبدار و به اصفهانی شورد و میوه آن را رسمین گویند، و آن نباتیست شبیه به رطبه و از آن شیرین تر و برگ آن بزرگتر و بغدادی نوشته اسم مصری نباتی است که در مصر می‌روید شبیه به رطبه و نوعی از آنست. درخت آن عظیم و برگ آن بزرگ، قریب به برگ بلوط و در مصر زراعت آن می‌نمایند، برای فربهی اسبان و میوه آن را برسیم نامند گرم و تر و آشامیدن تر و تازه آن مسهل و خشک آن قابض و آشامیدن آب تر و تازه آن یا طیخ خشک آن با شکر یا انجیر یا عسل جهت سرفه و خشونت سینه نافع است.^۱

قرط به ضم اول و فتح ثانی و طاء مهمله اسم مصری فصفصه است نیز قرط به کسر اول و فتح ثانی اسم کراث البقل است و در مصر کراث المائده نامند.^۲

خواص:

مفتح، ملطف، و مبخر اعضاء سر و سینه است. استعمال موضعی برگ آن با سرکه از رعاف جلوگیری می‌کند. خوردن آن، در تقویت هاضمه، رفع قولنج‌ها و به‌عنوان مدرّ بول و مدرّ خون قاعدگی متداول بوده است.^۳

شبدر

مشخصات:

شبدر گیاهی است از نوع اسپرس که خوراک حیوانات علفخوار می‌باشد و بر چند قسم است: یک قسم آن شاخه‌هایش روی زمین می‌خوابد و دارای گل‌های سفید است، دیگر شبدر گل قرمز که ساقه‌هایش راست و بلند و برگ‌هایش دارای سه برگچه است. در

۱- محیط اعظم، ج ۳، ص ۲۹۲.

۲- طب البصری، ص ۲۰۲؛ فرادین کبیر، ص ۳۲۷؛ صیده، ج ۲، ص ۹۵۳؛ فرهنگ دوزمه، ص ۲۹۶؛ قانون در طب، ج ۲، ص ۱۳۰۱؛ ابن‌الطیار، ص ۱۴.

میان کردها جوشانده آن را برای رفع سرفه و سرماخوردگی و لینت مزاج مصرف می کنند.^۱

این گیاه در امراض مزمنه جلدی و خنازیری معمول است قدر شربت مطبوخ سی تا صد گرم در یک لیتر آب - اکستر- چهار الی هشت گرم. آشامیدن تر و تازه آن مسهل و خشک آن حابس و آشامیدن آب تر و تازه آن یا طبیخ خشک آن با شکر یا انجیر و یا غسل جهت سرفه و خشونت سینه نافع است.^۲ دم کرده تخم شبدر را قدما برای مداوای سوزاک به کار می بردند.^۳

قرط که با ضمه قاف و فتحه راء است با حندقوقی فرق می کند و این توصیفات قرط با کسر قاف و فتح راء می باشد.

قرط علفی است که آن را شبدر و برسیم هم می گویند و در لاتین اسم آن: *Trifolium Alexandrinum* و از تیره قرنيه *Leguminosac* می باشد و قرط نوعی از کراث می باشد که آن را کراث خوردنی می گویند و آن قسم کراث که در مصر و اروپا هست آن را *Allium Porrum* می گویند که آن از تیره زنبقیه *Liliaceac* می باشد.

و آن مشابه پیاز هست ولیکن برگهایش بزرگ و باریک، و کراث نوع آخری است که آن را کراث ابوشوشه یا قفلوط *Allium Ascalomecum* می گویند و کراث نبطی را *Allium Ampeloprasum* می گویند و کراث بزی را *Allium Rotundum* می گویند.^۴

قرط را به کسر قاف و فتح راء حندقوقی و در هندی بسکهپرا گویند و در زبان قدیم سانسکریت آن را بهاگنین شونندی، یعنی ورم دورکننده و در فارسی دیواسپست و در انگلیسی *Spreading Hog Weed* نامیده اند، علفی معروف است با برگهای بیضوی، بیخ آن سفید و کلفت و به لحاظ گل دو رنگ در دو قسمت می شود: سرخ و سفید و بیشتر سفید آن در دارو استعمال می شود.

۱- طب سنی در میان کودکان. ص ۱۱۶.

۲- منابع الادویه. محمد حسین علوی طبیب.

۳- دروانه، دکتر احمد پارسا.

۴- ملحاتک لسان العرب، ج ۱۷، ص ۱۴.

در شاخه‌ها یک میوه‌نما پدید می‌آید که در آن تخمهای سیاه مثل تخمهای خرفه می‌باشد و یک قسم گل آن را در هندی سانت می‌گویند و نیز در هندی گداپرنیا می‌نامند. در این یک جزء طبی نمکی الکالاید می‌ماند که آن را پونارناوین گویند که در آن پتاسیم نیتريت و دیگر انواع پتاسیم و نمکیات به کثرت می‌باشد.

برگهایش از بالا سبز و از پایین سفید، مزاج آن گرم یک درجه و خشک دو درجه می‌باشد. نفع خاص: مدّر بول و عرق و حیض می‌باشد و برای سینه و گرم مزاجها مضرّ است و نیز تخم آن در معاجین مقوی باه استعمال می‌شود و نافع یرقان و استسقاء می‌باشد، مشهی و پادزهر سمها است، شیر را جریان می‌دهد بیخ را بر پای زن، طرف ران بمالند و لادت را سهل می‌گرداند.

در سفتی جگر و طحال و سنگ کلیه و مثانه خیلی مفید است، در دانه‌ها و غبار چشم آن را در چشم می‌چکانند، نیز در سرفه و ضیق‌النفس و در تبهای سوداوی و بلغمی نافع است، مالیدن آن نافع گزیدگی عقرب می‌باشد.

مقدار خوراک آب آن از ۶ تا ۹ گرم، بیخ آن از ۳ تا ۵ گرم می‌باشد، در محل‌های مرطوب روئیده می‌شود و در سل اطفال بیخ آن را در آب ساییده با فلفل سیاه بدهند نافع است، در مرض استسقاء آب برگ تازه، ۱۲ گرم می‌دهند و تخم آن را تخم اسپست می‌گویند و

کنز الحکما آمده است که اگر بر بدن مریضی که رعشه دارد ضماد کنند، خیلی مفید است.^۱

اسم طبی آن *Trianthea Pentanra* و نیز *Trianthea Decandra* می‌باشد و در بعضی کتب اسم طبی آن *Bocahavia Deffusa* نوشته شده است و این دارای جوهری به نام *Punarnavine* می‌باشد و این دوا در فهرست دواهای غیر مستعمل است.^۲

انگلیسی عرفی: *Pigweed*، هندی: *Thirki, Sant*، عربی: هندکوکوی (*Handkuki*)

۱ - المفردات، ص ۱۲۸، مخزن المفردات، ص ۷۲، ستان المفردات، ص ۷۲.

۲ - صمد، ص ۲۵.

است.

به فارسی «شیدر» و «شودر» و در کتب طب سنتی به نامهای «شیدر» و «قُرط» و ثمر آن را «رسین» و نوع مصری آن را «برسیم» نام برده‌اند.

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی در شیدر گل قرمز معمولی که مورد تجزیه قرار گرفته وجود اسانس روغنی فرار و گلوکوزید تریفولین و ایزوتریفولین در شکوفه‌های آن تأیید شده است. در شیدر قرمز اسید سیانیدریک مشخص شده است و به‌علاوه یک گلوکوزید دیگر به نام تریفولیانونول نیز در گیاه وجود دارد. در شیدر مصری یا برسیم ویتامین C وجود دارد. در شیدر گل سفید وجود گلوکوزیدهای سیانوژتیک به مقدار قابل ملاحظه تأیید شده است و به همین علت شیدر سفید تازه برای اسبها مسموم کننده است.

از اعضای گیاه ماده‌ای با حالت گلوکوزیدی به دست آمده که پونارناوین Punarnavine نامیده شده است. به‌علاوه دارای مقادیر زیادی از نترات پتاسیم یا املاح دیگر آن است. با تزریق درون وریدی الکاوئید مذکور در گربه، فشار خون جانور بالا می‌رود و حجم دفع ادرار افزایش می‌یابد که بیشتر مربوط به تأثیر این ماده، بر روی اپیتلیوم کلیه است. از نظر کلینیکی ۵ تا ۲۰ گرم شیرۀ حاصل از گیاه، موجبات ازدیاد حجم دفع ادرار را فراهم می‌آورد که می‌توان در موارد خیز عمومی بدن، آب آوردن شکم از آن استفاده کرد. چون مایع حاصل از گیاه مقادیر زیادی نیز املاح پتاسیم در بردارد که خود مادهٔ مدزّی است و وجود آن، اثر الکاوئید کور را از نظر دفع ادرار بیشتر می‌نماید، به‌نظر می‌رسد که مواد مؤثر گیاه، اثری قوی‌تر از مدزّهای دیگر در درمان بعضی حالات آب آوردن شکم (Ascites)، حالت مزمن تشمع کبدی و یا ورم مزمن صفاق داشته باشد.

خواص - کاربرد:

از نظر خواص معتقدند که خوردن شیدر تازه مسهل است و خوردن خشک آن شکم

را بند می آورد و خوردن آب شیدر تازه یا خوردن دم کرده شیدر برای رفع خشونت سینه و قطع سرفه های سخت نافع است. در هندوستان از گل‌های شیدر قرمز به عنوان ضد عفونی کننده سینه استفاده می شود و در موارد برونشیت و سرفه های شدید، بسیار مؤثر است. در چین و ژاپن هم از جوشانده گل‌های قرمز و سر شاخه های گلدار شیدر قرمز برای نرم کردن سینه و رفع خشونت آن می آشامند.^۱

برگ گیاه، طعم تند و ناپسند و اثری اشتها آور دارد. در رفع درد مفاصل از آن استفاده می شود. دانه اش مقوی، خلط آور و بادشکن است و در درمان دردهای ماهیچه ای و لمباگو می تواند مؤثر واقع گردد. ریشه گیاه اثر مدرّ قوی دارد به علاوه خلط آور خوبی است ولی اگر به مقادیر زیاد مصرف شود، قی آور می گردد. از ریشه گیاه در رفع زردی، آب آوردن انساج، خیز عمومی بدن، کمی دفع ادرار و رفع التهاب های داخلی استفاده می شود. مخلوط آن با زنجبیل خشک آن برای رفع کبیر به کار می رود. در بمبئی از آن جهت رفع استسقاء و در نواحی دیگر از کلیه قسمت های گیاه، به علت مدرّ بودن سابقاً در درمان سوزاک استفاده به عمل آمده است. ضمناً در ورم مزمن کلیه و بیماری Bright همراه با خیز عمومی بدن، مؤثر واقع می گردد. مجموعه موارد درمانی مذکور نشان می دهد که اعضای گیاه را باید یک داروی مدرّ خوب جهت درمان استسقاء و آب آوردن انساج بدن دانست.

محل رویش آن:

فارس: کتل کمارج، بلوچستان: بشاگرد، قریشی در ۲۱۰۰ کیلومتری، مکران: بین نیک شهر و اسپکه (Spakeh)، تنگ سرخ و نیک شهر.

این گیاه وارسته هایی با گل‌های قرمز و تیره رنگ با اثرات درمانی نسبتاً مشابه دارد.^۲

۱- معارف گیاهی، ج ۴، ص ۲۳.

۲- گیاهان دارویی، دکتر زرگری، ج ۱۲، ص ۷۵۴

ششبداز

مشخصات:

در ایران در مناطق مختلف با نامهای «روناس کوهی» و «هزار نشان» و «هزار فشان» و «گسان» و «هزار جُشان» و «مار دارو» و «سیاه دارو» و کُرم دشتی و «نخوشی» (شیراز) و «الاملیک» (مازندران) نامیده می‌شود. در کُتب سنتی با اسامی «فاشرا» و «کرمة البیضا» و «تاک سیاه» و «ششبداز» و شش پیاز» و میوه آن را «عنب‌الحیه» ذکر می‌کنند.

گیاهی است چند ساله تک پایه یا دو پایه بالا رونده با گل‌های نر و ماده در مورد دو پایه گل‌ها روی دو پایه مختلف. گل‌ها به رنگ سفید مایل به سبز، میوه‌های آن ابتدا زرد و بعداً قرمز می‌شود و در مورد تک پایه به رنگ سیاه درمی‌آیند.

ترکیبات شیمیایی:

ریشه آن دارای عامل سمی تلخ گلوکوزید به نام بریونین وجود دارد. این گلوکوزید در آب و الکل حل می‌شود و به‌علاوه در ریشه مقدار اسانس و رزین به نام بریورزین و مقدار زیادی نشاسته یافت می‌شود.

خواص - کاربرد:

ریشه فاشرا در موارد مشابه در ردیف حنظل و قثاء الحمار به عنوان مسهل قوی به کار می‌رود. چون فاشرا سمی قوی است در مصرف داخلی باید خیلی احتیاط شود و حتماً زیر نظر پزشک باشد. پخته ریشه آن در روغن زیتون برای یواسیر و تواسیر مقعد و تمام دردهای سرد و نرم کردن سفتی‌ها و رفع چرک‌های زخم نافع است.^۱

شیدر معطر

مشخصات:

نفله و نفل گیاهی است که در کتب طب سنتی با نام (ذرق)، (نفله) و (حنندق) بستانی آمده است.

گیاهی است دو یا چند ساله به ارتفاع تا ۸۰ سانتی متر که در مراتع به سبب بلندی در بین سایر گیاهان از دور با گل‌های زرد مشخص است. سر شاخه‌های گلدار آن در آغاز برداشت محتوی ماده‌ای است به نام کومارین که آنها را با آب مخلوط کرده جوشانده و تقطیر می‌کنند و اسانس آن را می‌گیرند.^۱

شیدر قرمز

مشخصات:

گیاهی است چند ساله در مناطق نیمه حاره کاشته و می‌روید، در شرایط مساعد ۶-۷ سال نیز بماند. بلندی گیاه خیلی کم ۱۵-۱۰ سانتی متر است، برگ‌های آن سبز مرکب دارای سه برگچه و برگچه‌ها بیضی کمی دراز. این شیدر در کوه چهار خاتون در غرب، در تبریز و در خوی و در کرمان انتشار دارد. وارسته گل درشت آن نیز در غرب و شمال ایران و در منطقه تهران می‌روید.^۲

شیدر سفید

مشخصات:

گیاهی است خزنده و گسترده روی زمین و چند ساله، طول آن ۳۰-۱۰ سانتی متر است که در محل گره‌های ساقه خزنده آن در تماس با خاک ریشه می‌دهد، برگ آن مرکب

دارای سه برگچه، برگچه‌ها تخم‌مرغی و دندانه‌دار اره‌ای و دارای دمبرگ می‌باشد. این شبدر در دامنه‌های البرز منطقه تهران، در غرب در دامنه‌های الوند، در خوی، اراک، آستارا، آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی در تبریز، در اصفهان، در کرمان کوه لاله‌زار، در خراسان، در قزوین، بلوچستان و بندرگز می‌روید. در بلوچستان با نام محلی «سَقْتَل» شناخته می‌شود.^۱

شبدر زرد

مشخصات:

شبدر زرد در کتب طب سنتی با نام «حشیشه الجرح» است. شبدر زرد گیاهی است علفی دو ساله. میوه آن تخم‌مرغی شکل است، در یک طرف زرد و در طرف دیگر سبز رنگ است و در داخل آن یک تخم‌مرغ قرار دارد. این گیاه در مناطق اروپا و آسیا در هند ایران و سوریه می‌روید. گل‌های آن زرد و در یک طبق فشرده در انتهای ساقه گل‌دهنده ظاهر می‌شود.^۲

شَبّ

روایت از جابرین حیان:

شَبّ نوعی از زاج است که بیشتر در یمن به دست می‌آید، شب یمانی، زاج سفید.^۳ شَبّ به فتح اول و کسر آن نیز و تشدید بای موحد زاج ایض است و آن را به زابلی زمج و به فارسی زاک بلوری و سفید و زمه و در انگلیسی و لاتین اَلْم و در کشمیری پهکر و پهکار و به هندی پهکری دمک نامند و آن رطوبتی مائی است با اجزای ارضیه عفته که سردی اجماد و انعقاد آن نموده و آن از جمله جواهر معدنیه‌ایست که صورت آنها کامل نشده و آن چهار اشیاست بشوب و املاح و نوشادرات و زاجات، اما شب منقسم

۲- مدارج ۴، ص ۱۶۱.

۱- معارف گیاهی، ج ۴، ص ۲۶.

۳- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ۱۲، ص ۲۰۱۳.

می شود به حسب رنگ و طعم و شکل و قوام به هفده قسم و ایضاً دیسکوریدوس گفته که اقسام شب بسیار است و از آن داخل در علاج طب سه نوع است، مشقق و مدحرج و رطب و بهترین انواع آن شفاف سفید مایل به زردی و گران وزن است و قابض و در آن ترشی و گویا که آن فجاج شب است و مسمی به مشقق و آن یمانی است که از کوه صنعان یمن می چکد و منجمد می گردد، بعد از آنجا به بلاد دیگر می برند و نوع دیگر آن تخدیر زبان با ترشی کند و در شکل مایل به استدرات بود و این مسمی به مدحرج است و نوعی از آن نرم ملمس رطب است که به سرعت بشکند و باز هومت رایحه بود و آن را شب زفر نامند و این هر سه نوع به آسانی پیدا می شود و مستعمل است و نوعی از آن زرد مستطیل و نوعی سرخ غیر مقرر شکل و نوعی سبز مایل به زاجبت ظاهر شدن نمک است. همه اقسام آن گرم در اول و خشک در دوم است. گوشک زائوپلک را می خورد، بیخ دندان را محکم کند.^۱

مشقق (پاره پاره)، تر، گوی آسا (مدحرج، غلنان) به منظور دارویی به کار می برند. مشقق شب یمنی است که رنگش سفید مایل به زردی و مزه اش گیرنده و ترش است و تویی خرده ریزهای شب است. نوعی از شب سنگ آسیا است و مزه گیرنده ندارد و از تیره شبها به حساب نمی آید. در دوم گرم و خشک است. بازدارنده، خشکاننده، همه حالات خونریزی را بند آورد. از جریان و ریزش مواد زائد جلوگیری می کند. با آب زفت داروی شوره سر، شپش، بوی گند دهان و زیر بغل است، شب را با دو وزتش نمک مخلوط کنند داروی خوره و سوختگی است. بر دندان مانند درد دندان را تسکین دهد.^۲ شب جسمی است شبیه به زاج، از ارمینیه و گرجستان و یمن خیزد و آن را هفده نوع شمرده اند و آنچه موجود و متداول است سفید شفاف مایل به زردی و بی زردی است که یمانی گویند و آن این است که در بلاد یمن چکیده منجمد می گردد و قسم ثانی بی زردی و شفاف را به فارسی زلیج گویند و این اقسام برای مداوا استعمال می شود.^۳

۱- سیط اعظم، ج ۲، ص ۱۰۴؛ قرابادین کبیر، ص ۳۶۰؛ صیبه، ج ۲، ص ۸۹۹؛ ابن البیطار، ج ۳، ص ۵۳.

۲- قانون در طب، ص ۳۱۳ ۳- تحفه حکیم، ص ۱۶۲.

مشخصات:

فی آور و ضد عفونی کننده و جمع کننده زخمها است. شَب سوخته به نام (الومین) بدست می آید در حرارت ۲۰۰ درجه سانتی گراد. راجع به فوائد طبی و شیمیائی و استعمال زاج در طب یونانی، زاج ابيض با شَب فرق ندارد و در قسمت زاج مراجعه شود (در همین کتاب)

شَب بو

مشخصات:

در کتب طب سنتی با نامهای «شَب بو» و «شَب بوی زرد» و «خیری» و «خیری اصفر» و به عربی آن «منثورالصفیر» نامیده می شود.

شَب بوی زرد گیاهی است دو یا چند ساله، ساقه آن به طور قائم به بلندی ۲۵-۶۰ سانتی متر با گلهای زرد مایل به قهوه‌ای یا زرد و خوشه‌ای و معطر. میوه آن به شکل حلقه دراز که در آن دو عدد تخم قرار دارد. شَب بو از گلهای زینتی است که معمولاً در باغچه کاشته می شود، تکثیر آن از طریق کاشت تخم صورت می گیرد.

گیاهی است (فر.)، *Giroflee*، (لا) *Matthiola livida* از تیره صلیبیان که زینتی است و ارتفاعش بین ۳۰ تا ۷۰ سانتی متر است و به سبب دارا بودن گلهای معطر و زیبا غالباً در باغچه‌ها کشت می شود.

برگهایش سبز روشن و گلش معطر و زرد و به انوان دیگر نیز می باشد، میوه‌اش خورجین و پوشیده از کرکهای کوتاه است. سابقاً در پرشکی این گیاه را در مورد سقط جنین به کار می بردند، شقاری، شمشم، خمخم، خيرو، خیری و شَب بو می نامند.^۱

خیری یا گل شَب بو:

خیری به فتح خاء معجمه و سکون یاء تحتانی و کسر راء مهمله و سکون یاء تحتانی لغت یونانی است و گویند نبطی، به فارسی شَب بوی نامند، جهت آنکه بوی آن در شَب

ظاهر می شود و در عراق عرب منثور گویند و آن از جمله گلهای خوشبو است و گل آن را به رومی بوعلس گویند و نبات آن قائم بر ساق و در اعلائی آن شعب بسیار و بر آن پوست مایل به سفیدی و بر برگ آن زغب اندک و بر اعلائی شاخه های آن گل است و آن بزئی و بستانی و بزئی آن را به فارسی اروانه می گویند و گل آن مختلف الالوان می باشد، بعضی زرد و سرخ و سفید و کیود و مستعمل (تنها) زرده سرخ است، طبیعت مجموع آن گرم و خشک است که آن محلل ملطف و جالی و جذاب و از عمق بدن و نافع ریاح معده و مسکن است.^۱

روغن خیری:

در روایتی وارد شده است که حضرت امام موسی علیه السلام روغن گل خیری بر خود می مالیدند.^۲

منثور، خیری (شب بو):

در تحفه، ص ۱۱۲ گویند: خیری اسم یونانی است و فارسی آن گل شب بوی است و در عراق منثور نامند، سفید و سرخ و بنفش دارد و مطلق آن زرد و از بزئی سرخ آن است. ثعلبیه بن میمون گویند: یکی از یاران امام صادق علیه السلام از آن حضرت نقل کرد، بحث بنفشه آمد آن حضرت فرمود: بنفشه پاک است اما خیری نافع تر و خوبتر است.

ابن فضال از حسن بن جهم که او گفت: حضرت ابی الحسن علیه السلام را دیدم با خیری روغن مالی می کند به من هم فرمود: با این روغن به بدنت بمال، گفتم: بنفشه در نظر شما چه طور است؟ در حالی که از امام صادق علیه السلام روایت شده فرموده: از بوی آن خوشم نمی آید، عرض کردم من نیز از بویش بدم می آید ولی بدم می آید آن را بگویم به جهت آنچه از امام صادق علیه السلام درباره اش رسیده و فرموده مانعی ندارد.^۳

۱- ابن البطارق، ج ۲، ص ۸۲؛ فرابان کبیر، ص ۳۰۲؛ عیدته، ج ۲، ص ۱۸۴۸؛ فرنگ داورها، ص ۱۱۵۲؛ تحفه حکیم، ص ۱۱۲.

۲- حلیة المتقین، ص ۱۱۶ ۳- کافی، ج ۸، ص ۵۲۲.

در ذکر گل خزامی چند نوع از آن ذکر کردیم و اسم طبی آن Cyanic lavender می باشد و نیز گل خیری یکی از انواع ذکر شده خزامی یا شیبو می باشد که در رنگ یا بستانی و بیابانی شدن آنها فقط فرق می کند و لکن از ناحیه طبی و جوهری که در آنها همان سیانیک لاواندر هست و لهذا برای تفصیل موضوع خزامی را مطالعه کنید.

ترکیبات شیمیایی:

در گیاه شب بوی زرد آلکالوئید کیری نین، گلوکوزیدهای کیرولین، کیرانتین و اسانس روغنی قرار یافت می شود. تخم آن دارای در حدود ۲۰ درصد روغن ثابت است. از تخم شب بوی زرد یک گلی کوزید سمی فعال به نام کیروتوکسین و یک گلی کوزید با اثر کمتر به نام کیروزید A جدا شده است، در گل شب بو اسانس و یک ماده رنگی و مایروزین و کوئرستین یافت می شود.^۱

شبق (کهربای سیاه) (عنبر سیاه)

عنبر که کهربا نیز نامیده می شود به طور کلی سه نوع است:

الف: عنبر زرد ماده ای است سخت، شکننده، نیم شفاف به رنگهای زرد روشن تا قرمز یا قوتی مایل به زرد.

ب: عنبر خاکستری یک ماده چسبنده انعطاف پذیری است که در روده نوعی ماهی به نام ماهی عنبر به وجود می آید. از ترشحات نرم تنان دریایی حاصل شده و به مصرف خوراک ماهی عنبر می رسد.

پ: عنبر سیاه یا کهربای سیاه که به فارسی شبق نامیده می شود، یک فرآورده گیاهی است که ساختمانی شبیه آنتراسیت دارد و به آن «ذغال سنگ خشک» نیز گفته می شود. ماده ای است سخت که با شعله کم می سوزد ولی بو و دود ندارد، ۹۵ - ۹۰ درصد آن کربن است.^۲

شپش

فی الصحیحین: عن انس بن مالک - قال: «رخص رسول الله ﷺ لعبدالرحمن بن عوف و الزبير بن العوام - رضی الله تعالی عنهما: فی نبس الحریر، لحکة كانت بهما».

و فی روایة: أن عبدالرحمن بن عوف و الزبير بن العوام - رضی الله تعالی عنهما - شكوا القمل إلى النبی ﷺ فی غزاة لهما، فرخص لهما فی قمص الحریر و رأیته علیهما.^۱

در صحیحین از انس بن مالک نقل شده که: رسول خدا ﷺ به جهت اینکه زبیر و عبدالرحمن بن عوف خارش داشتند، اجازه داد که ابریشم بپوشند. و در روایتی دیگر آمده که: عبدالرحمن بن عوف و زبیر بن عوام از شپش در جنگی به پیغمبر گرامی ﷺ شکایت کردند و آن حضرت پوشیدن پیراهن ابریشم را به آنها اجازه داد که من در بدنشان دیدم.

در «تفسیر مجمع البیان» درباره (قمل) چنین نوشته شده است، قمل ملخ کوچکی است که پر ندارد و خیلی خبیث است که در داخل گندمها هم مثل آفت است، نیز در جایی به سوس و شپش معنی کرده است.^۲

قملة الزرع به عربی طائری است مانند ملخ.^۳ و قمل به معنی شپش به فتح اول و سکون ثانی و ثالث نیز آمده است.

قمل: مورچه - ملخ بی پرو یا کرمی است سرخ بال یا کرمکی است خرد مانند کنه یا کرمی است مانند ملخ خورنده کشت و زرع و آن را قملة الزرع گویند.^۴

سوس اسم کرمی است که در لباس پشمی پیدا می شود. شپش اسم قمل است.^۵

شپش حشره ای است (فر.) Pou (لا.) Pediculus Humanis) از راسته نیم بالان که به علت زندگی انگلی فاقد بال شده جزو انگلهای خارجی و خطرناک محسوب است، زیرا حامل میکروب برخی امراض از قبیل تب زرد و تیفسوس و غیره می باشد.

۱- طب النبوی، ص ۶۰

۲- مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۶۸.

۳- محیط اعظم، ج ۳، ص ۳۱۲.

۴- فرهنگ رنگ جامع نوین، ج ۳ و ۴، ص ۱۳۱۴.

۵- محیط اعظم، ج ۲، ص ۷۸.

۶- میان، ص ۱۰.

قمل: به ضم اول و تخفیف ثانی و سکون لام شپش را گویند و به فتح و تشدید ثانی در عربی کنه را گویند و آن جانوری است که در گوسفند و شتر و خر و گاو می افتد و خون می مکد و به معنی اول هم گویند عربی است.^۱

قمقام و قمل: بدان که قمقام به فتح قاف و ضم آن نیز و سکون میم و فتح قاف و الف و سکون میم و قمل به فتح قاف و سکون میم و لام هر دو اسم حیوان کوچکی است که در بدن انسان و دیگر حیوانات به هم می رسد و فرق میان هر دو آن است که قمقام را پایهای بسیار است و به بیخ موی می چسبد و واحد آن را قمام می نامند و به هندی جم جوان گویند و قمل دست و پا دارد و به دهن کم می گزد و سر و دم آن یاریک و سفید رنگ و آنچه در مو به هم می رسد.

اغبر و سیاه رنگ و گویند رنگ آن به رنگ موی می باشد که در آن متولد می شود از سیاه و میگون و سفید و غیرها و ماده آن زیاده از تر آن است و قمل را به فارسی شپش و به ترکی بیت و به هندی جون نامند و مراد از مطلق آن قمل انسان است و ماده پیدایش آن عرق حادث از کثرت فضلات رذیه و کثافات مجتمعه در بدن انسان و قلت یا عدم شستن است.

انداختن شپش زنده موجب نسیان است بلکه باید که بکشند و بیندازند، طلا کردن آن بر بدن مولود در هنگام ولادت به آب زیره باعث عدم تولد شپش در بدن او مدت العمر است. تدبیر دفع کثرت تولد قمل در بدن آنست که جامه را به سیماب آلوده پوشند و یا سیماب بر بدن بمالند و سیماب با حنا که در ساعت آن را دفع کند و شستن سر به آبی که تخم شریفه ساییده در آن آمیخته باشند بزودی رفع آن می نماید.^۲

۱- برهان قاطع، ج ۲، ص ۲۳۳.

۲- محیط اعظم، ج ۳، ص ۳۱۲، تحفة حکیم، ص ۲۱۰.

شتر

مشخصات:

گیاهی است که نام محلی آن در جنوب ایران در بندرعباس «لباشیر» و در کویر لوت و سفید آبه «شتر» می باشد.

درختچه کوچکی است با ساقه های علفی پیچنده و پوشیده از کرک خاکستری رنگ، برگهای آن کوچک، با دمبرگی در حدود یک سانتی متر. میوه آن برگشته به طرف پایین با قاعده متورم و انتهای باریک و خمیده، دانه های آن پوشیده از تارهایی به طول ۲ سانتی متر است.

خواص - کاربرد:

ضد کرم است و از جوشانده شاخه و برگهای آن برای رفع کرم معده استفاده می شود. از خواص دارویی این گونه لباشیر، قی آور است و برای نرم کردن سینه مفید می باشد. از عصاره برگهای آن در ناراحتی های زکامی به عنوان نرم کننده سینه و رفع خشونت سینه مصرف می شود و برای اسهال بچه ها اثر مفید دارد.^۱

شتر

در فوائد شتر و گوشت و شیر و بول آن:

والبطن جعلناها لكم من شعائر الله لكم فيها خير فاذكروا اسم الله عليها صواف فاذا وجبت جنوبها فكلوا منها واضعموا القناع والمعتر كذلك سخرناها لكم لعلكم تشكرون.^۲
شترها را برای شما از نشانه های خدا قرار دادیم برای اینکه در آنها نفعی است، پس سپاس کنید نام خدا را.

قال عليه السلام: عليكم بالجزور مخالفة لليهود. یعنی بر شما باد خوردن شتر بچه جهت مخالفت با یهود.

کوهان شتر در روایتی که در آن نقل شده است جزئی از معجون می باشد.^۱
فی الکافی، ج ۶، ص ۳۳۸، عن موسی بن عبدالله بن الحسین قال: سمعت أشیخنا
يقولون البان اللقاح شفاء من كل داء و عاهة و لصاحب الربو ابوالها.

موسی بن عبدالله بن حسن گوید از اساتید خود شنیدیم که می گفتند: شیرهای حیوانی که زاییده، برای هر درد و بلا شفاست و برای کسی که مرض ربو دارد، بولهای آنها خوب است.

و فی روایة سماعة قال سئلت ابا عبدالله عن شرب الرجل ابوال ابل و البقر و الغنم
ینعت له من الوجد، هل يجوز له ان يشرب؟ قال نعم لا بأس.^۲

و در روایت سماعه است که گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم از خوردن بولهای شتر، گاو و گوسفند که برایش تعریف می شود جهت درد شکم، آیا برایش جایز است آن را بخورد؟ فرمود: مانعی نیست.

شتران به سه دسته تقسیم می شوند: دو کوهانه، یک کوهانه و بی کوهان.^۳

کوهان، بول، شیر و ...:

شتر به ضم اول و نانی اسم فارسی است و اشتر نیز می گویند و به عربی جمل و ابل و بعیر و به یونانی و ترکی قورا و به هندی اونیط نامند حیوانی معروف است و زیرک تر از حیوانات دیگر چون رنجور شود برگ بلوط می خورد و اگر آن را مار نیش بزند خرچنگ می خورد و بهترین آن یکساله فریه اعرابی را می سرخ رنگ و اشقر است، که گرم در دؤم و خشک در اول و سوّم است. خوردن گوشت آن مقوی اعضا و باه منعظ قوی است و

۱- طب اشیر، ص ۴

۲- طب الائمة، ص ۳۲؛ بحار، ج ۶۲، ص ۱۹۷.

۳- نوسائق، ج ۱۷، ص ۸۸؛ العبدائق، ج ۱۸، ص ۷۷.

۴- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۲۰۲۵.

یرقان سیاه و حرقة البول و عرق النساء و وجع الورك مزمن و تب ربيع را نافع است.

می‌گویند: گوشت جزوز یعنی بچه شتر بسیار گرم و خشک، به صاحبان ریاضت شدید و عرق النساء، در آخر حمی ربيع نیکوست و آن غلیظ از سایر لحوم مولد سودا و مصلح آن زنجبیل مربا و نگه داشتن پیه آن در هر جا که خواهند، گریزاننده مار است از آنجا و چون پشک آن یا ریه تازه آن که هنوز گرم باشد بر کلف طلا کنند از آن نماید و طلائی گوشت سوخته جهت قویا نافع و ضماد مغز ساق آن محلل خنازیر و بشور و اورام مفاصل است و نیز پشک تازه آن و بول شتر را می‌کنند در علاج خنازیر استعمال می‌کنند و پاشیدن موی نازک آن جهت تنقیه و اندمال قروح و سوخته آن جهت قطع سیلان خون مفید است و گویند جگر آن دافع نزول آب چشم و مقوی باصره است.^۱

بویدن بول آن مفتح سده مصفات و مزیل خشم است و چکانیدن گرم کرده آن در گوش مسکن درد آن و رافع ثقل سامعه و تطول جوشانیده آن با حرمل جهت فالج و خدر و نقرس و اورام مجرب نوشته شده و شیر آن نافع استسقاء است و کذا بول آن اورام و صلابت طحال را خاصه با شیر آن نافع و مجرب و بول آن تنها نیز مؤثر و مدر قوی و مسهل زرد آب و جهت سرفه و ربو و زکام و سوء القنیه و ورم جگر و یرقان و تفتیح سده جگر و تقویت باه و رفع مستی به سرعت مجرب و پنبه مایه بچه آن که هنوز گاه نخورده باشد بغایت مهیج شهوت جماع و مقوی اعماظ به نحوی که بعد از انزال باقی مانده و طلائی پیه آن مفید بواسیر و حمل کردن زن، مغز ساق آن را با پشم یا پنبه بعد از ظهرها به مدت سه روز به عده جماع کردن معین بر حمل است و خوردن کوهان آن جهت تنقیه رحم و بواسیر و قطع خون و شقاق مقعد نافع و بستن موی آن بر ران چپ رافع سلسال البول و چون گندم را در عرق آن تر کرده بخوردن طیور دهند بیهوش شوند و کف دهان آن نیز همین اثر را دارد و گوشت آن غلیظ روی الکیموس و ثقیل و مغلظ طحال و مضر اورام سوداوی مثل سرطان و جرب متفرج و مولد خون سوداوی است و آن ضار

است به کسی که آن را ریاح و امراض بارده عارض گردد و گویند که لحم آن مسخن ملتهب است (از همیشگی خوردن)، بول آن ریاح غلیظ و امراض بارد و وجع ورک و عرق النساء و غیره عارض می شود.^۱

کوهان: با ثالث مجهول به وزن سوهان به معنی زین اسب است و آنچه از پشت شتر و گاو بر آمده کوهان می گویند لکن به طریق مجاز.^۲

شتر را در عربی جمل گویند، گوشت آن گرم دو درجه و خشک سه درجه و رنگ گوشت قدری نیلی مایل به سرخ است و ذائقه آن نمکین و سخت، مصلح آن نمک و شوید، مقوی باه است، آن ثقیل و خون سودای تولید می کند، اعضا و باه را قوت می دهد، برای یرقان سیاه، سوزش بول و عرق النساء مفید است، از بوی چربی آن مار فرار می کند، پنیر آن مقوی باه و ممسک منی و شیر آن در مرض استسقاء مفید است، از فضله (پشگل) آن در بعضی امراض استفاده می کنند، موهای شتر را سوزانده، در جریان خون از بینی استفاده می کنند و در بعضی جاها در عربی آن را ابل گفته اند و اسم انگلیسی آن Camel است. دیرهضم، ردی الغذاء، خلط فاسد تولید می کند و نیز خون صفراوی پیدا می کند. چربی آن در مرض بواسیر ضمامد می کنند مفید است.^۳ و در بعضی شهرها و مناطق دیده و شنیده شده است که بول آن را خوردنی و مالیدنی بر زخم استفاده می کنند.^۴

زهرای گفته است که: اهل یمن شتران را در فصلی از سال به چراگاهی مخصوص برده و در آنجا بول شتران را جمع کرده و از آن قرص می سازند. مالیقی نوشته است که آن از غارهای کوهستان مکه به صورت قطعه هایی سیاه رنگ و سخت به نام بصن الویر به دست می آید و قرص می سازند و بعضی گفته اند که بول خفاش است و بر هم متراکم که از غارها به دست می آید، و بعضی گفته اند که نوعی گیاه است که با بول شتر مخلوط کرده و از آن قرص می سازند.

۱- محیط اعظم، ج ۲، ص ۱۱۱.

۲- رحان فاضل، ج ۲، ص ۲۵۳.

۳- دکتر فاضل.

۴- المنفردات، ص ۴۲۳؛ بستان المنفردات، ص ۶۳.

مزاج آن گرم و خشک در درجه دوم است، شیاف آن نافع بواسیر و مالیدنش با عسل محلل ورم‌ها است. نافع کلیه زخمها و جراحات در حیوانات می‌باشد؛ نافع خونریزی است و باقی ماندنش بر بدن برای مدت زیاد ایجاد زخم می‌کند و مصلحش روغن گل می‌باشد.^۱

روغن کوهان شتر، آب تره و گل بادنجان نافع بواسیر است. خوراک شاش شتر نافع تنگی نفس شخص سرد مزاج می‌باشد. نیز چکاندن آن در گوش (سرد مزاجها) نافع درد آن است، چکاندن زهره شتر با آبلیمو نافع تراخم چشم است.^۲

شجرة النبع

مشخصات:

درخت برومندی است که در مناطق وسیعی از جنگلهای شمال ایران گسترش دارد. در کتب طب سنتی با نامهای عربی آن «زان»، «نبع»، «شجرة النبع»، «بشجیر» و «شربان» نامیده می‌شود.

درختی است بسیار بلند، تنه اصلی آن استوانه‌ای راست و بلندی آن تا ۳۵ متر می‌رسد. پوست تنه آن به رنگ نیلی یا خاکستری مایل به سبز نازک، لیز و صاف است، گلهای آن نر و ماده هستند. گلهای نر به صورت شاتون قرمز و ارغوانی و آویزان و گلهای ماده دو به دو در داخل محفظه‌ای قرار گرفته‌اند که در نتیجه دو عدد دانه در هر میوه تشکیل می‌شود.

ترکیبات شیمیایی:

در دانه‌ها در حدود ۷-۱۵ درصد روغن ثابت قابل استخراج وجود دارد و در تفاله باقیمانده آن ماده‌ای به نام فائزین یافت می‌شود. ماده فائزین سمی است و خوردن آن برای

حیوانات خصوصاً اسب ایجاد مسمومیت می‌کند. روغن دانه راش دارای طعم مطبوعی است ولی نگهداری آن مشکل است زیرا خیلی زود اکسیده و فاسد می‌شود.

خواص - کاربرد:

از قطران چوب راش کرثوزوت گرفته می‌شود و مصرف کرثوزوت و یا مصرف ماده عامل آن به نام گایاکول در مصارف خارجی اثر ضد عفونی کننده زخم دارد. کرثوزوت در استعمال خارجی به عنوان ضد عفونی کننده به صورتهای بخور در موارد استنشاق، پماد و یا روغن در موارد مختلفه مصرف می‌شود.^۱

شجرة الملوك

مشخصات:

در کتب مختلف با نامهای «ابوطیلون»، «خطمی هندی» و «شجرة الملوك» آمده است.

اغلب به صورت درختچه هستند ولی در بعضی گونه‌ها یکساله می‌باشند. ساقه و پوست آنها دارای الیاف نساجی قابل استخراج است، تکثیر آنها از طریق قلمه و کاشت آنها در ماههای اوایل تابستان صورت می‌گیرد.

ترکیبات شیمیایی:

از دانه‌های گیاه در حدود ۱۹ درصد روغن نیمه خشک شونده گرفته می‌شود و در دانه‌های گیاه گونه‌ای دیگر لعاب و آسپاراژین مشخص شده است.

خواص - کاربرد:

در کشور چین به عنوان یک داروی بسیار متداول برای تصفیه خون، تحریک جریان گردش خون، بخصوص برای رفع تاو لها و تحریکات حاصنه در پوست و سنگینی گوش مصرف می شود. در تایوان از تخم آن ضمادی تهیه کرده روی ورم ها می گذارند و همچنین برای معالجه سنگینی گوش و کروی و دردهای عصبی مصرف می شود.^۱

شجرة الصبغ الاناتو

مشخصات:

در کتب طب سنتی با لغت عربی آن «شجرة الصبغ الاناتو» (درخت رنگ اناتو) آمده است.

درختی است کوچک به بلندی ۴-۵ متر. برگهای آن ساده، کامل، بزرگ و قلبی مثلثی نوک تیز است. گلهای آن درشت و زیبا و میوه آن به رنگ قرمز پوشیده از خارهای نرم است. این گیاه بومی امریکای حاره است و در مناطق مختلف حاره هند نیز می روید و در سایر مناطق گرم و حاره دنیا نیز در باغها کاشته می شود.

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی در پوست میوه مواد اتریال اویل زرین، تانن و سلولوز یافت می شود. مغز دانه دارای روغن چرب، پالمیتین و فیتوسترول و ویتامین A می باشد. علاوه بر موارد فوق دانه گیاه کمی استئاریک اسید و اولئیک اسید دارد ولی فاقد شولموگریک اسید است.

خواص - کاربرد:

در چین با جوشانده برگهای گیاه به صورت محلول مالیدنی به بدن به عنوان ضد تب و تب بر استفاده می شود یا در آن حمام می کنند. در اندونزی برگهای آن را در آب مالیده و له کرده و آب آن را در حمام بر سر بچه ها به عنوان تب بر می ریزند.^۱

شجرة الزنبق

مشخصات:

در کتب مختلف با نامهای «درخت لاله» یا عربی آن «شجرة الزنبق» و «تولیبیر» نام برده شده است.

درختی است زینتی و زیبا، بلندی آن ۳۰-۴۰ متر و گلهای آن انتهایی درشت به رنگ زرد نارنجی و بسیار شبیه گل لاله زرد است. این درخت بومی امریکای شمالی و شرقی است. در ایران وارد شده و در شمال ایران در برخی باغها کاشته می شود و بسیار سریع ال رشد است.

خواص - کاربرد:

از پوست شاخه های جوان و پوست ریشه آن که تلخ، معطر و دارای اسانس و ماده تلخ است، به عنوان تب بر قوی، محرک و مقوی استفاده می شود.^۲

شجرة الدم

مشخصات:

در کتب طب سنتی با نامهای «شنکار»، «شنجار»، «حناء الغول» و «شجرة الدم» آمده است.

گیاهی است چند ساله، کوچک، پوشیده از تارهای زیر. برگهای آن متناوب شبیه برگ کاهو، ریشه آن کمی ضخیم است و در ریشه اش ماده‌ای به رنگ قرمز تیره وجود دارد که ماده عامل آن است و به عنوان رنگ نیز از آن استفاده می شود.

ترکیبات شیمیایی:

در ریشه گیاه ماده عامل رنگی به نام آلکانین یا آنخوزین وجود دارد.

خواص - کاربرد:

ریشه آن محلل اخلاط، مزه آن تلخ است و اسهال را بند می آورد و قاعده آور است. خوردن برگ آن با سرکه رقیق برای بند آوردن اسهال مفید می باشد. در چین از ریشه آن به عنوان معرق و محلل و برای فروکش کردن تاوولهای آبله مصرف می شود.^۱

شجر البلوط

مشخصات:

در کتب طب سنتی با نام «شجر البلوط» و «سندیان» آمده است. درخت جنگلی است که از نظر ارتفاع و شکل خیلی متنوع است. برگهای درخت بلوط عموماً متناوب با شکلهای متفاوت ولی اغلب کناره برگها دارای دندانه است که در اکثر گونه‌ها دندانه‌ها درشت و قوسی و در برخی گونه‌ها نیز دندانه‌ها ریز و نوک تیز است.

ترکیبات شیمیایی:

در پوست فعال ساقه‌های جوان مقدار تانن به ۱۸-۱۶ درصد می رسد. آزمایشهایی که در گالهای آن به عمل آمده نشان می دهد که مقداری الاجیک اسید یافت می شود و ماده عمده تشکیل دهنده تانن آن پنتادی گالویل گلوکوز است.

خواص - کاربرد:

به طور کلی کاربرد قسمتهای مختلف اندام هوایی بلوط یعنی برگ، پوست و میوه آن به علت تانن زیادی که دارد در معالجه بیماریها و در طب سنتی بسیار مورد توجه است و با داشتن خاصیت بند آوردن خونریزی، ضد عفونی و مفوی بودن در درمان سل و التیام زخمها و ممانعت از پیشرفت و گسترش میکروب‌های بیماری‌زا جلوگیری و قطع اسهال و قطع ترشحات مخاطها به کار می‌رود.^۱

شجرة بلوط الملک

مشخصات:

به فارسی «شاه بلوط» و در کتب طب سنتی و به عربی آن را با نامهای «شجرة قسطان»، «ابوفروه»، «بلوط الملک» و «شجرة بلوط الملک» می‌نامند.

درختی است بزرگ که سالهای دراز عمر می‌کند. ارتفاع آن تا ۵۰ متر نیز دیده شده است. برگهای آن دراز، بیضی نوک تیز، کشیده، دندانه‌دار، با دم‌برگ و به رنگ سبز چمنی است. گلهای نر آن به شکل شاترنهای استوانه‌ای و گلهای ماده آن معمولاً سه تا سه تا در یک محفظه قرار دارد. میوه آن پس از رسیدن دارای ۳-۶ خانه است که تخم‌ها در آنها قرار دارند.

ترکیبات شیمیایی:

در برگهای آن مقداری آب، پروتئین و در پوست و چوب آن تانن وجود دارد، میوه آن از نظر مواد مغذی و جانب است.

خواص - کاربرد:

دم کرده ۵۰ در هزار برگهای شاه بلوط مغذی و قابض است و برای تسکین حمله‌های شدید سرفه و سیاه‌سرفه و همچنین شرایط تحریکی جهاز تنفسی به طور کلی اثر نافع دارد. برای جلوگیری از اسهال نیز مفید است.^۲

۱- معارف گیاهی، ج ۷، ص ۵.

۲- معارف گیاهی، ج ۵، ص ۲۷۵.

شجرة الطحال

نام کلی درختچه‌هایی است در کُتب طب سنتی با نامهای «شجرة الطوال»، «صریحة الجدی» و «زهر العسل» نام برده شده است، نام محلی این درختچه‌ها معمولاً در ایران یکسان است.

انواع مختلف شونگ عبارتند از: ۱- پیچ امین الدوله ۲- پیچ امین الدوله گونه ژاپنی ۳- صریحة الجدی ۴- پیچ آویزی.

پیچ امین الدوله: از گیاهان بالا رونده است که به عنوان پیچ زینتی کاشته می‌شود. پیچ امین الدوله گونه ژاپنی: بالا رونده است و گل‌های سفید و بسیار معطر شبیه پیچ امین الدوله دارد و رنگ آنها پس از چندی شکری مایل به زرد می‌شود. صریحة الجدی: تا بلندی ۴ متر بالا می‌رود، برگ‌ها بیضی بدون دندانه و گل‌های آن سفید و معطر ابتدا به رنگ سفید و سپس به رنگ زرد درمی‌آید. میوه آن قرمز تخم‌مرغی است.

پیچ آویزی: در باغها برای گل زیبای سرخ شیپوری شکل آن کاشته می‌شود و فقط در اوایل بهار شکوفه می‌کند ولی در شمال ایران فصل شکوفه آن طولانی است.^۱

شجرة السماء

مشخصات:

به فارسی «درخت عرعر» گویند و در کُتب طب سنتی و به عربی با نامهای «شجرة السماء» و «شجرة الله» آمده است. در برخی مناطق ایران آن را «سماق چینی» می‌نامند. درختی است نسبتاً بزرگ، برگ‌های آن مرکب زوج، بزرگ، به رنگ سبز تیره و گاهی به رنگ جگری درمی‌آید. گل‌های عرعر دارای بوی نامطبوعی است و به محض تماس با دست این بو را از خود بیرون می‌دهد، میوه آن بالدار و قرمز رنگ است.

ترکیبات شیمیایی:

در اعضای هوایی درخت شجرة السماء (عرعر) ماده تلخی وجود دارد به نام الاتین. در برگهای درخت عرعر یک اسانس روغنی فراز مشخص شده و در پوست درخت عرعر ماده عامل تلخ الاتین و ساپونین وجود دارد. در چوب عرعر مواد رزینی، تانن و ماده ساپونین، کاسین، کوئرستین و در آخر وانیلین وجود دارد.

خواص - کاربرد:

میوه آن در داروخانه‌ها به عنوان دارو برای بیماریهای چشم طبق نسخه پزشک عرضه می‌شود، در منچوری از میوه آن برای قطع دیسانتری استفاده می‌شود. در چین میوه آن به عنوان ضد سرفه، قاعده آور و برای درمان بواسیر تجویز می‌شود. دیگر اعضای این درخت در نقاط مختلف مصرف دارویی دارد.^۱

شجرة الابهل

مشخصات:

در کتب طب سنتی انواع آن را با نامهای «عرعر» و «شجرة الابهل» و در کتب فارسی قدیم انواع آن را با نام فارسی «کوکلان»، «نازون»، «سرو کوهی»، «نورس» و ... آمده است. پیروی یکی از انواع سرو کوهی است که کوچک یک پایه یا دو پایه، بلندی آن در بعضی نقاط تا ۱۲ متر می‌رسد. در مقطع میوه از خارج به داخل اولاً قشر خارجی میوه دیده می‌شود، ثانیاً گوشت داخلی میوه به رنگ سبز مایل به زرد و بالاخره مغز میوه که ۳ عدد دانه با غشاء سخت در آن وجود دارد.

ترکیبات شیمیایی:

دارای اکسالیک اسید و به مقدار جزئی چند اسید دیگر و کمی قند و در حدود ۰/۸-۱/۲۰ درصد اسانس یافت می‌شود. علاوه بر اسانس در میوه آن در حدود ۸ درصد رزین و ۰/۳۶ درصد یک ماده تلخ جونپیرین مشخص شده است.

خواص - کاربرد:

دم کرده میوه سرو کوهی از مدره‌های خیلی قوی است و در مواردی که اشخاص دچار التهاب کلیه هستند باید از خوردن آن پرهیز کنند. برای رفع اختناق مفید است. گرم کننده و بازکننده انسداد مجاری و قابض و مقاوم سموم و بسیار مدر و قاعده آور است.^۱

شجرة العنب

مشخصات:

درخت انگور در کتب فارسی و در کتب طب سنتی با نامهای «مو»، «ثاک»، «رز»، «تنک»، «گرم»، «عنب»، «انگور وحشی»، «بوداوه»، «آمباسلوقی»، «گرم بزی» و «شجرة العنب» نام برده می‌شود. گونه‌هایی از درخت انگور وحشی در جنگلهای ایران به‌طور خودرو می‌رویند.

درخت انگور وحشی درختی است بالا رونده و با پیچکهایی که دارد ۱۵-۱۰ متر از درختان جنگلی مجاور بالا می‌رود. برگهای آن پنجه‌ای دارای ۵ قسمت، که کناره هر یک از قسمتها در بعضی ارقام دنداندار و در برخی بی دندان یا کم‌دندانه است. سطح فوقانی برگها صاف، سبز روشن یا تیره و سطح تحتانی معمولاً ناصاف و با خشونت و سبز مات است.^۲

شجرة الرند

مشخصات:

درخت آن به فارسی «باهستان» گفته می‌شود، در کتب سنتی به نامهای «درخت غار»، «برگ‌بوان»، «مازربون»، «دغه» و «شجرة الرند» نام برده شده است.

برگبو گیاهی است به صورت درختچه همیشه سبز و ناخزان (در مناطق با زمستانهای خیلی سرد باید حفاظت شود)، در شرایط مساعد ارتفاع آن ۲۰ - ۱۵ متر هم می‌رسد ولی معمولاً ۷-۸ متر می‌باشد. گیاهی است پنبلی‌گام و در عین حال ممکن است گل‌های نر و ماده و همچنین گل‌های هر مافرودیت (نر و ماده در یک گل) روی درخت دیده می‌شود. برگها متناوب، سبز تیره، بیضی شکل، نوک تیز و معطر و زیبا هستند. گل‌های آن کوچک به رنگ زرد یا خاکستری روشن و میوه آن کوچک به رنگ ارغوانی تیره و به اندازه دانه انگور می‌باشد. درختچه‌ای است زیبا، آن را نوریه شاعران هم می‌گویند.^۱

شجرة الاوشق (اوشق)

مشخصات:

صمغ رزینی روغنی است که در کتب طب سنتی با نامهای «اوشق»، «اوشق»، «اوشه» و «وشا» آمده است. به عربی «اوشق» و «الزاق الذهب» گفته می‌شود. در روزگار قدیم که مصرف داروهای گیاهی توسعه داشت در شیراز «بدران» نامیده می‌شده است. گیاهی است که در ایران و در هند می‌روید. چند سانه و به شکل بوته است. ساقه آن باریک پوشیده از موهای ریز به رنگ زرد روشن که رنگ پنبه‌ای به گیاه می‌دهد. گل‌های آن سرخ مایل به کبود است و گونه‌ای که از نظر تولید صمغ بیشتر مورد توجه است D Ammoniacum می‌باشد. رنگ نوع مرغوب و تمیز آن سفید است. طعم آن تلخ و بوی مخصوصی می‌دهد. اگر با آب مخلوط شود، محلول شیرین درست می‌شود که تلخ است.

خواص - کاربرد:

در هندوستان صمغ رزینی روغنی اوشق را به عنوان نرم کننده سینه، محرک ضد

عفونی کننده و در موارد زکام، نزله، آسم، برونشیت مزمن و در اشخاصی که مبتلا به بزرگ شدن کبد و طحال هستند تجویز می‌کنند. صمغ اوشق از نظر طبیعت طبق نظر حکمای طب سنتی گرم و خشک، و از نظر خواص معتقدند که ضد تشنج است. مقدار مصرف آن برای اشخاص بالغ قوی ۱۰ - ۵ گرم، برای اشخاص متوسط ۵ گرم و برای اشخاص ضعیف ۲ - ۱ گرم می‌باشد.^۱

شکر تیغال

مشخصات:

این شکر بر روی گیاهی که به عربی به آن عشر گویند، دانه دانه با رنگ سفید که مایل به خاکستری رنگ است می‌یابند. روین عقیده دارد که شکر تیغال از زمانهای بسیار قدیم رواج داشته و هندیها ابتداء آن را مصرف می‌نمودند.

شکر تیغال یکی از انواع مَنها است. دیگر انواع منها عبارتند از: ترنجبین، گرانگین، گز خوانسار، شیرخشت، بید خشت، گز علفی و... می‌باشند. مَن به‌طور کلی به سواد فرآورده‌های شیرینی گفته می‌شود که از برگ و پوست و شاخه‌ها و حتی در برخی موارد از خارهای تعدادی از گیاهان در شرایط خاصی بیرون می‌آید.

بیلۀ حشره *Larinus* که پس از نیش زدن حشره روی گیاه تشکیل می‌شود سفید مایل به زرد و جنس آن از گل سفید و شکل آن تخم مرغی و درازی آن حدود ۲ سانتی‌متر است.

روین عقیده دارد که شکر تیغال از زمانهای بسیار قدیم رواج داشته و ابتداء هندیها آن را مصرف می‌نمودند.

حکیم مؤمن در تحفه خود گوید: مؤمنین به آن نام فارسی تیهال داده و می‌نویسند آن غلاف حیوانی است شبیه به مگس که در خارا نرروت مثل کرم ابریشم از لعاب خود

می‌تند و در آن می‌میرد. شکر تیغال ملین، مسکن برای حدت اخلاط، سوزش مری، خشونت سینه، معالجه سرفه، صاف کردن آواز، رفع خستگی گلو و معده مفید است. در کتاب گلها و گیاهان شفا بخش گویند: آزمایشها و تحقیقات علمی امروز هم خواص درمانی و آثار شفا بخش شکر تیغال را همانطور که حکیم مؤمن نوشته است، تأیید کرده و پزشکان امروز عقیده دارند شکر تیغال بهترین داروی سینه است.

شکر و نیشکر:

متصور بن یونس گویند: شنیدم موسی بن جعفر رضی الله عنه فرمود: سه چیز ضرر ندارد: انگور رازقی، نیشکر و سیب لبثانی.^۱

باز فرمود: «قصب السكر یفتح السدد و لا داء فیہ و لا غائلة»^۲ یعنی: نیشکر بندها را باز می‌کند و در آن درد و ناراحتی نیست.

نیشکر گیاهی است دارای ساقه‌های بنددار، به طول دو تا پنج متر که ماده قندی ساقه گیاه نیشکر را از ناحیه مجاور زمین قطع می‌کنند، به شکل قطعه‌های کوچک در می‌آورند، آن را فشار داده، شیره آن را می‌گیرند، می‌پزند و تصفیه می‌کنند تا شکر و یا قند نیشکر از آن به وجود آید.

به قول دکتر هاووزر، ملاسی در اثر رسوب و ته‌نشین شدن شیره نیشکر هنگام ساختن قند به دست می‌آید که شیره غیر قابل تبلور نیشکر است، دارای مقدار زیادی از ویتامینهای دسته B و مقداری آهن، کلسیم و املاح معدنی دیگر است. تمام مواد معدنی و ویتامینهایی که در مقابل حرارت استقامت دارند و از بین نمی‌روند در این ملاس وجود دارد.

شکر سرخ و شکر مازندران ایران همین ملاس سیاه است که مورد مصرف در داروهای خانگی دارد، ولی متأسفانه اکنون ملاسی که در کارخانه‌های قند سازی وجود

۱- حصان، ص ۱۴۴، مکرم الاخلاق، ص ۱۹۱.

۲- حصان، ص ۱۴۶، مکرم الاخلاق، ص ۱۹۱.

دارد، دارای مقدار زیادی گوگرد، مواد زاید خارجی، بو و طعم آن زننده است و اگر چنین نبود داروی خوبی برای کم خونی بود.

استاد پورداود در کتاب «هرمزد نامه» شرح مفصلی در باره تاریخچه نیشکر نوشته که اصل و لفظ نیشکر را هندی می داند ولی در نوشته های جالینوس نیز که از دانشمندان یونان در قرن دوم میلاد مسیح بود دارویی از نیشکر به چشم می خورد.

خواص - کاربرد:

شکر تیغال از نظر طبیعت طبق نظر حکمای طب سنتی از نظر حرارت و برودت معتدل و رطوبت آن کمی بیشتر و با کمی لزجی می باشد. برای سرفه و دستگاه تنفس به عنوان داروی خیلی نافع تجویز شده است. ملین سینه است و خشونت سینه را رفع می کند، مری را تسکین می دهد و برای سرفه و صاف کردن صدا و رفع خشکی گلو نافع است. اسراف در خوردن آن به هم خوردگی حال و آشفتگی ایجاد می کند.^۱

جنس پیله این حیوان که از ترشحات گیاه شکر تیغال ساخته شده ترکیبی از مواد سلولزی و نشاسته و مواد از ته و به مقدار زیاد (در حدود ۲۵ درصد) قند مخصوص به نام ترهالوز است. باید دانست که در بازار منظور از شکر تیغال همین گل تیغال یا پیله خز و کک است و خود گیاه را به نام تیغال یا علف تیغال می نامند. خار شکر، رعی الابل، شوک الجمال، شوک الجمال، شکر تیار.^۲

شکر تیغال به فارسی نیهال گویند و تازه آن شیرین و چون کهنه شود از شیرینی اش کم می شود. معتدل در گرمی و سردی است و رطوبت بر آن غالب و با لزوجت است و ملین سینه و نافع سرفه، سوزش مری و خشونت مری، گرفتگی صدا، خشکی گلو و معده می باشد. استعمال زیاد آن معده را سست کند و قی آور می باشد و مصلح آن شکر

۱- مدار گیاه، ج ۶، ص ۱۵۰، محیط انظم، ص ۲۲۵.

۲- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۲۰۲۹.

یا ترنجبین است. بدلتش نبات است و مقدار خوراکش تا پنج گرم می باشد.^۱
این گیاه در اطراف ورامین، قم، نائین، تفریش و کرمان رویده می شود ولی در همه جا شکر تیغال نمی دهد.^۲

در شکر تیغال یک ماده‌ای ضد حساسیت وجود دارد و به همین جهت است که بعضی از بیمارانی که مبتلا به تنگی نفس می باشند، از جوشانده آن بهره مند می گردند. صاحب کتاب اختیارات اشتباهاً شکر تیغال را سکر العشر دانسته است.^۳

شکر تیغال به فارسی تیهال، شکر بسته، قند تیغال، شکر سخت، (سندهی) فناسرو. غلاف یک حیوان است که آن از لعال خودش مانند کرم ابریشم است، آن کرم را تیغال می گویند. شکر تیغال ملین و مسکن و برای اخلاط و سوزش مری، خشونت سینه و معالجه سرفه، صاف کردن صدا و رفع خستگی گلو و معده نافع است و نیز بهترین داروی سینه است.^۴

از برگ و پوست و شاخه‌ها و حتی در برخی موارد از خارهای تعدادی از گیاهان در شرایط خاصی بیرون می آید. ظاهر شدن این مواد از طریق نیش حشرات به قسمتهایی از گیاه حاصل می شود دارای خواص دارویی است و در طب سنتی به کار گرفته می شود. ضمناً ترشحات صمغی و رزینی از تعداد زیادی از کاج‌ها، اکالیپتوس‌ها، بلوط‌ها و بیدها گرفته می شود. گیاه شکر تیغال پیله حشره‌ای است که روی نوعی گیاه زندگی می کند.^۵

شکر و روایات:

جمیل بن ذراج از زرازه و او از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود: ای زرازه مردم چقدر از فضیلت شکر طبرزد (سفید) غفلت دارند، شکر برای هفتاد درد شفاست، بلغم را می خورد و از اصلش می کند.^۶

۱- محیط اعظم، ج ۲، ص ۱۳۰؛ نطفة حکیم، ص ۱۱۶۶؛ قرابون کبیر، ص ۲۶۵

۲- گلپایا و گیاهان شناخت، ص ۱۴۵.

۳- زبان خوراکیها، ص ۱۶۷.

۴- گلپایا و گیاهان شناخت، ص ۱۴۱.

۵- معارف گیاهی، ج ۶، ص ۱۲۳.

۶- طب الاثنا، ص ۵۰۱.

امام علیه السلام می فرماید: اگر تب دار ۶ مثقال شکر را با آب سرد ناشت بخورد تب را می برد.^۱

علی بن نعمان از بعضی از یاران خود می گوید: به امام صادق علیه السلام از درد شکم شکایت کردم آن حضرت فرمود: وقتی در رختخواب خود استراحت کردی شکر بخور، گوید: خوردم و خوب شدم.^۲

امام رضا علیه السلام فرمود: شکر طبرزد (سفید) بلغم را می خورد و خوردنی عجیبی است.^۳ جعفر بن محمد علیه السلام فرمود: محبوبترین چیز نزد من شکر است.^۴

امام صادق علیه السلام فرمود: نخستین کسی که شکر را به دست آورد حضرت سلیمان بن داود علیه السلام بود.^۵

مردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: من مردی شکاک هستم، فرمود: شکر سلیمانی بخور.^۶

امام صادق علیه السلام فرمود: اگر جبن (پنیر) بر همه چیز ضرر دارد و نفع ندارد شکر بر همه چیز نفع دارد و ضرر ندارد.^۷

موسی بن بکیر گوید: ابوالحسن اول «جعفر بن جعفر علیه السلام» بیشتر موقع خواب شکر می خورد.^۸

شیر نبال گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: مریضها را با چه چیز مداوا می کنید؟ گفتم: با این داروهای تلخ. فرمود: وقتی که یکی از شما مریض شد شکر سفید را کوبیده و آب سرد رویش بریزید و به مریض بخورانید کسی که در تلخها شفا قرار داده در شیرینی هم قرار می دهد.^۹

۳- معانی، ج ۲، ص ۵۰۱

۵- کالی، ج ۶، ص ۳۳۳

۸- معانی، ج ۲، ص ۵۰۰

۶- معانی، ص ۱۹۱

۷- معانی، ج ۲، ص ۵۰۰

۱- معانی الاخلاق، ص ۱۹۱

۲- دعای اسلام، ج ۲، ص ۵۰۱

۶- معانی الاخلاق، ص ۱۹۱

۹- معانی، ج ۲، ص ۵۰۰

شلغم

به فارسی: شلغم-

به عربی: سلجم و لفت.

به فرانسوی: Ravet

به انگلیسی: Turnip

به علمی: Brassicanapus

شلغم گیاهی است دو سانه با برگهای ناصاف پوشیده از تک و توک کرک پراکنده یا بدون

کرک، میوه آن غلافی باریک دراز که در آن چند دانه سیاه فرار دارد.

شلغم برای رژیم لاغری سودمند است، جوشانده آن در ده برابر خود شیر و کمی شکر جهت سینه، زکام و عفونتهای ربوی مفید است. شلغم در کوره خوب پخته شده را که انگشت در آن فرو می رود سرد و نصفه کرده روی عضو سرمازده محکم بسته نافع است. پهن کردن ضماد پخته شلغم بر مفاصل دردناک مؤثر است. خرخاکی از بوی شلغم فرار می کند.

در برگ شلغم ۹۰/۴ درصد آب، ۲ درصد پروتئین، ۰/۳ درصد چربی، ۵/۶ مواد گلو سیدی، ۱۳۰ میلی سدیم، ۵۷۰ میلی پتاسیم، ۱۱۸ میلی کلسیم، ۳/۳ میلی آهن، ۴۵ میلی فسفر، ۶۷۰۰ واحد بین المللی ویتامین A، ۵/۵ میلی ویتامین B1، ۰/۱۷ میلی ویتامین B2، ۰/۳ میلی نیکوتیل آمید و ۳۴ میلی گرم ویتامین C وجود دارد. برگ شلغم مس فراوانی هم دارد. ید شلغم زیاد بوده و هر چه برگ شلغم سبزتر باشد ید آن بیشتر است.

برای دفع سنگهای کلیه آب شلغم تجویز می شود. صد گرم شلغم ۲۵ کالری حرارت می دهد. شلغم سوئدی به شلغمی گفته می شود که مغز زرد رنگی داشته ولی در تمام خواص مانند شلغم معمولی است، به فرانسه آن را راولو Rave گویند و نام علمی آن روتایاگا است.

شلغم در کلام زکریای رازی:

به طور معتدل خاصیت تسخین دارد، تولید نفخ می نماید، غذای غلیظ و فراوانی به بدن تحویل می دهد، منی را زیاد می کند، غریزه جنسی را تحریک می نماید، برای فریه شدن بدن خوردن آن مؤثر است، جز با سرکه خوردن آن برای کسانی که مزاج گرم دارند سازگار نیست، برای سرد مزاجان هم سنگین بوده تولید نفخ می نماید، زیان می رساند و باید این دو خاصیت نامطلوب را به کمک سلق (چغندر)، گوشت چنق، مری، روغن زیتون و دانه ها و ادویه حاره که آن را تلطیف نمایند اصلاح نمود.

شلغم در کتابهای قدیمی:

شلغم معرب از شلغم است، به عربی لغت گویند. بری و بستانی می باشد، بری دو قسم است: یکی شاخهای نباتش دراز و به عرض انگشت مهین و بیخش باریک مثل بیخ اشجار، غیر مأکول، تخمش سیاه، مغزش سفید، محل رویش آن مزارع است. یکی را مثبت دشتهای نمناک، نزدیک آبها، بیخش به قدر خیار، سرخ و خوردنی است. برگش شبیه برگ بستانی، از آن باریکتر، املس، مشابه آنها، تخمش مثل بستانی، مایل به سیاهی، تخم قسم اول منقی بشره، قسم ثانی در خواص قریب به بستانی، از آن گرمتر، در رطوبت کمتر و بستانی در اول دوم گرم و در اول تر و خوردنی، مهیج باه، مدر بول و تقویت کننده بینایی است. مفتت حصاة، رافع سعال، ملین طبع و سینه است.

شلغم در روایات:

امام صادق علیه السلام فرمود: «ما من أحد إلا وفيه عرق الجذام، فكلوا الشلغم في زمانه يذهب به عنكم». یعنی: کسی نیست مگر آنکه رگ جذام دارد، شلغم را در وقتش بخورد تا آن را از بین ببرد.

توضیح: جذام مرضی است که از آن خشکی اعضاء و ریزش گوشت به وجود می آید.

محمد بن سنان از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: «علیکم بالشلغم، فکلوا و ادیموا أکله واکتموه إلا عن أهله، فانه ما من أحد إلا و به عرق الجذام فاذیوه بأکله»^۱. یعنی: بر شما باد شلغم، خوردنش را ادامه بدهید و آن را پنهان کنید مگر از اهلیش، زیرا کسی نیست که در او رگ جذام نباشد، آن را با خوردن شلغم از بین ببرید.

شیر

در شیر انواع ویتامینها موجود است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُسَقِيكُمْ مِنْهَا فِي بُطُونِهَا مِنْ بَيْنِ قَرْنٍ وَ دَمٍ لَبِناً خَالِصاً لِلشَّارِبِينَ»^۲ «برای شما در مورد حیوانات عبرت است که از آنچه در شکم آن است از میان سرگین و خون، از شیر خالص گوارا شما را سیراب می‌کنیم».

پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «لیس یجری مکان الطعام و الشراب غیر اللبن». «هیچ چیز مثل شیر جای غذا و نوشیدنی را نمی‌گیرد».

به قول دانشمندان در شیر مواد معدنی بسیاری موجود است، مانند: سدیم، پتاسیم، کلسیم، منگنز، مس و آهن.

ویتامین‌های آن عبارتند از: ویتامین B، ویتامین C، ویتامین P و ویتامین‌های محلول در چربی عبارتند از: ویتامین A، ویتامین D، ویتامین E و...

از امام باقر علیه السلام منقول است که شیر یک گوسفند سیاه بهتر است از شیر ده گوسفند سرخ و شیر یک گاو سرخ بهتر است از شیر ده گاو سیاه.

منقول است که شیر خوراک پیغمبران است. حضرت موسی علیه السلام فرمود: هر که آب پشتش متغیر شود یعنی فرزند از او حاصل نشود شیر با عسل بخورد.

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که بر شما باد شیر گاو که آن از همه درختی می‌خورد و خاصیت همه گیاه در شیرش است.^۳

۲- سوره نحل، آیه ۶۶

۱- سلسله ج ۲، ص ۵۲۵، کافی، ج ۶، ص ۳۷۲.

۳- حلیه المتقین، ص ۵۳.

«فی السنن من حدیث عائشه قالت قال رسول الله ﷺ: علیکم بالبیض النافع التلبین»^۱.

«در حدیث عائشه در سنن است که گفت: پیغمبر خدا ﷺ فرمود: بر شما باد بیض که نافع تلبین است».

شیر مایعی سفید رنگ و با طعم شیرین مزه و غلظت خاص که از پستانهای نوع ماده پستانداران پس از زایمان به منظور اولین دوره تغذیه نوزاد ترشح می شود. شیر بهترین ماده غذایی و آسانترین غذای نوزاد پستانداران است.^۲

شیر لغت فارسی است و به عربی لبن و به یونانی عالی و به ترکی سود و در انگلیسی ملک و به هندی دوده می گویند و ماهیت آن مشهور است و آن مرکب از سه جزء است یعنی مائیت، دهنیت و جنیت. هر حیوانی که مدت حمل و ولادت آن قریب به مدت حمل و ولادت انسان باشد شیر آن انطباق به تغذیه است از غیر آن. پس گاو که مدت حمل آن نیز نه ماه است انطباق برای تغذیه اطفال و غیر ایشان از شیر حیوانات دیگر مایل به اعتدال است.

طبیعت ماهیت شیر سرد و تر در دوم و دهنیت آن گرم و خشک در اول و جنیت آن سرد و خشک در اول است. فطور آن جهت اکثر امراض چشم خواه تنها یا با شیافات و ادویه مناسبه و طلای اقسام آن موافق ورم مقعد و درد آن و قرحه مثانه و اورام عامه و رحم و پادزهر قتاله و فربه کننده بدن خصوصاً شیر برنج و فرنی.

شیر از ادویه قروح ریه و سل است و مضمضه و غرغره آن جهت خوائق و ذبحه و اورام نهات و لوزتین نافع و آن مضر صاحبان خفقان رطب است، از خون باشد یا از بلغم و شیر موافق تر است جهت سینه از آن که برای سر و معده باشد و این از بهر آن است که سر ضرر می یابد.^۳

ابوعلی سینا در «قانون» می گوید: گوهر شیر ترکیبی است از آبی و پیری و چربی. در شیر گاو چربی زیاد است، شیر شتر بسیار رقیق و چربی و پیرش از شیر گاو کمتر است،

۱- طب بشری، ابن النیم: ص ۹۵.

۲- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۲۱۰۲.

۳- محیط اعظم، ج ۲، ص ۱۴۹.

شیر ماچه خر نیز رقیق و کم چربی است، شیر بز معتدل است، شیر گوسفند پرمایه و چرب است، شیر گاو از شیر گوسفند چرب تر و پرمایه تر است، شیر مادبان همچون شیر شتر رقیق و آبکی است و بهترین شیر برای انسان شیر پستان زن است.

بهترین شیر نوشیدنی آن است که از پستان بمکند یا همین که دوشیده شد بخورند و شیر بسیار خوب آن است که رنگش بسیار سفید و قوامش معتدل باشد و قطره اش بر ناخن نلغزد و باقی بماند. کسی که شیر می نوشد باید بعداً آرام بگیرد که مبادا شیر تپاه گردد و بترشد. اما نباید بعد از شیر نوشیدن فوراً خوابید و نباید قبل از آنکه تماماً سرازیر می شود غذای دیگر خورد و باید به وسیله غسل به هضم شیر کمک نمایند. شیر ناجوشیده بادزا است و چون بجوشد معتدل است.

انواع شیر و فوائد آن:^۱

شیر گاو: در عربی لبن البقر و در اردو گائی کادوده می گویند. در شیر گاو نسبت به شیر زن، آب و شکر و نمکیات کمتر می باشد و لکن چربی و اجزاء پنیر بیشتر می باشد. رنگ: سفید، ذائقه: شیرین و خوشمزه، مزاج: معتدل و با رطوبت زیاد، مقدار خوراک: تا نصف کیلو، کثیرالغذا و زود هضم است، بدن را چاق می کند، مرلذ منی، مقوی دل و دماغ است، طبیعت را نرم می کند، خفقان، سل، دق، زخمهای ریه را مفید است به شرطی که گاو با صحت باشد و با تحقیقات معلوم شده که در شیر گاو امینواسیدس و تربپتوفین موجود هست که آن هر دو مواد مخلوط شده در بدن انسان خاصیت نیکوتینیک اسید درست می کند و تیز گفته اند که در مرض نسیان، سواس، مالیخولیا و خفقان مفید است. زخم معده را فایده می دهد، فرنی درست کرده و خورده مولد منی و مقوی باه است و با تجربه گفته اند که شیر گاو سیاه دافع صفرا، دافع سودا، قاطع بلغم و هر سه اخلاط هستند.^۲

۱- این قسمت از کتاب راهنمای تدرستی و درمان طبیعی نقل شد.

۲- کتاب المفردات، ص ۲۴۸ پستان المفردات، ص ۱۲۰.

کثیرالغذاست، برای اشخاص سرد مزاج مفید است، مولد خون می باشد، قلب و دماغ را تقویت می کند، ملین است، تن را فربه می کند، غم و دغدغه را دور می نماید، برای سینه مفید است و به تنهایی غذای کاملی است.

شیر گاو میش: تن را فربه می کند، مولد خون است؛ چربی به مقدار زیاد دارد، مولد نیرو و انرژی است، عضلات را تقویت می کند.

شیر گوسفند: دماغ، نخاع و قوه باه را تقویت می کند، برای زخم و پیچش روده سودمند است، اثرات داروهای سمی را خنثی می کند. اگر با روغن بادام و صمغ عربی خورده شود، ضد سرفه است.

شیر شتر: رنگ را روشن و بلغم را دفع می کند، مقوی است، برای فرو نشاندن ورم سودمند است و ضد یبوست می باشد.

شیر خوز: در عربی لبن الاثان آن را در اردو گدهی کادوده می گویند. رنگ: سفید، ذائقه: شیرین، مزاج: سرد درجه دوم و تر درجه سوم، مقدار خوراکی: به قدر تحمل، رطوبت و سردی پیدا می کند، مفرح و جلاء کننده است، مسام و سده را باز می کند، لاغری را دور می کند، کمی مشابه شیر بز هست، در مرض سل و دق اول شیر زن، دوم شیر خرفایده می دهد.

دیر هضم: مصلح آن شکر است، سرور آور می باشد، برای مرض سل نافع است، قلب و دماغ را قوت می دهد، لاغری را بر طرف می کند، برای رفع سرفه سودمند است، برای اشخاص گرم مزاج مفید است.

شیر زن: مولد رطوبت است و مقوی دماغ، چین و چروک صورت را از بین می برد و

برای سرفه خشک نافع است.

شیر ماده شتر: آن را در عربی لبن النقاء و در اردو اونتن کادوده می‌گویند. در آن ماده چربی کم و نمکیات زیاد می‌باشد، رنگ زرد مایل به سفید، گرم و خشک دو درجه و بعضی گفتند خشکی مایل به گرم است، شیر شتر در تب مضر است، مصلح آن شکر با روغن بادام، بدل آن بول شتر، نافع خاص: دافع استسقاء لطیف، جلاء کننده، مدر بول است، ماده معتدل و قوام می‌کند، اورام باطنی را تحلیل می‌کند، صلاحیت طحال، ورم مثانه، ورم جگر با شربت بزوری می‌دهند. در استسقاء مزمن با گل قند می‌دهند، شیر شتر با سکنجین دادن بهتر است که در معده جامد نشود. در چشم گذاشتن آن چشم را قوت می‌دهد، مانیدن آن بر جلد مفید است، بول و حیض را ادرار می‌کند.

شیر بز: در عربی آن را لبن الماعزه و در اردو بکری کادوده می‌گویند و در انگلیسی Goats milk می‌گویند. در این اجزاء پنیر و شکر کم می‌باشد و در آن کمی پکریک اسید می‌باشد. بر این جهت از آن یک بوی مخصوص می‌آید. رنگ آن سفید، خوش ذائقه و شیرین، مزاج سرد درجه اول و درجه دوم مایل به حرارت، مقدار خوراک تا ۴۸۰ گرم، امراض احشاء را مضر است، مصلح آن کتیرا، عسل و بادیان، بدل آن شیر گاو، نفخ خاص برای سرفه سل و مرض حلق، نیز ملین و مدر بول و جلاء کننده است. نسبت به شیر گاو و گاو میش خفیف و لطیف است، در خراش مثانه، زخم مثانه، در خناق مفید است. انسان گرم مزاج را قوت می‌دهد، در امراض گرما مفید است. از این شیر دارویی به نام ماء الجبین درست می‌کنند که در امراض سوداوی مثل مالیخولیا، جنون، وسواس، وحشت و خفقان می‌دهند. برای اخراج و مرتب کردن اخلاط معرفه داده می‌شود، دانه‌های داخل دهان را مفید است که در آن غرغره و مزوزه می‌کنند و خوراکی هم می‌دهند.

شیر میش و شیر گوسفند: آن را در عربی لبن الضأن و در اردو بهیروط کادوده می‌گویند.

این شیر نسبت به شیر بُز غلیظتر می باشد و چربی آن بیشتر است. رنگ: سفید، ذائقه: بدبو، مزاج: سرد و تر و بعضی گفته اند که گرم و تر است. مورث قولنج است، مصلح آن: صمغ و روغن بادام، بدل آن: شیر زن، نفع خاص: مقوی باه و دماغ، برای جوهر دماغ و بر مغز و قوت باه مفید است، با صمغ تیول برای سرفه، زخمهای روده و بیچی شکم نیز مفید است، بادشکن است، رنگ صورت را صاف می کند. با روغن بادام و صمغ، کثرت جماع را کم می کند، اثر سم ادویه را کم می کند از ۳۶ تا ۱۸۰ گرم.^۱

شیر اسب: عربی لبن الرحماء در اردو آن را گهوری کادوده می گویند. رنگ: سفید، قدری شور، مزاج: گرم و تر، مقدار خوراک: نیم فنجان، مفرح، جلاء کننده، مفتح و مدر بول است. برای افراد ضعیف غذای مناسب است. از این شیر داروی معروف کومس درست می کنند که آن در قوطی های سر بسته از شوروی و ترکستان می آید که برای مرض سل خیلی مفید است و نیز در مرض آبله و استسقاء مفید است.^۲

شیر شیر: لبن الاسد، رنگ: مایل به سفید، تیز و شور، بی حد گرم، قریب به سم، مصلح آن: سرد و تر، اشیاء چوبی، نفع خاص: مقوی باه، خوردن آن حرام است، بی حد جلاء کننده و در جسم نفوذ کننده است. سنگ مثانه را مداوا می کند، مدر بول است.^۳

شیر آهو: لبن الغزال، رنگ: سفید، قدری شور، آهوی جوان و با صحت شیرش مفید است، گرم و تر دو درجه، ثقیل و بادآور است، مصلح آن بادیان و شکر، بدل آن شیر گورخر، نفع خاص: مقوی و اشتهاآور است، مقدار خوراک تا ۸۴ گرم، مقوی باه، اشتهای خوراک را زیاد می کند، لطافت می آورد، خینی مدر است، زخمهای مثانه را صاف و پر می کند و نیز برای زخم رحم مفید است.^۴

۲- بنان المفردات، ص ۱۳۹.

۱- بنان المفردات، ص ۱۳۹؛ کتاب المفردات، ص ۲۴۶.

۴- همان، ص ۱۴۰.

۳- همان.

در تجزیه طبعی در ۲۰۰ گرم شیر مطلق: ۶ درصد پروتئین، ۸ درصد چربی و ۱۰ درصد کاربوهایدرید ذکر کرده است و قوت کالری آن ۱۳۸ می باشد و در شیر گاو ویتامین A و D و کلسیم به مقدار زیاد می باشد و شیر سرشیر گرفته در صد گرم ۳/۵ درصد پروتئین و ثلث گرم چربی، پنج گرم کاربوهایدرید و قوت کالری آن ۳۴ می باشد. پنیر درست کرد در ۲۰ گرم خامه و ۵ گرم درصد پروتئین، ۸ گرم درصد چربی، یک گرم درصد کاربوهایدرید و قوت کالری آن ۳۰ می باشد.

مصرف شیر برای صحت و سلامت بدن خیلی مفید است، تمام ویتامین و پروتئین و کلسیم را در بدن تولید می کند ولی بعضی مردم آن را نجوشیده می خورند که آن نامناسب است و بیماریها و میکروبها را منتقل می کند مثل اینکه در بعضی گاوها میکروب سل می باشد که آن در معده رفته و در روده ها مرض دق می آورد و نیز از استعمال کردن شیر ناپخته مرضها مثل هیضه، تیفوئید، دیزانتري، مسمومیت غذا از میکروبها نقل می شود لذا واجب است؛ اولاً: شیر حیوان مریض استعمال نکنند. ثانیاً: حتماً جوشیده استعمال بکنند. ثالثاً: آن را همیشه در یک جای سرد و سر بسته محفوظ از مگس بگذارند.^۱

شیر تازه گاو و روغن گاو در منع نفوذ سم افعی به سوی قلب مجرب است.^۲ اشخاص چاق در تقویت کردن با شیر احتیاط لازم را باید بنمایند و تا حد ممکن چربی شیر معمولی تازه را کاملاً بگیرند و آن را با شیر خشک بی چربی مخلوط کرده مصرف نمایند.^۳

خوردن شیر تازه دوشیده که سرد نشده باشد مقوی جوهر دماغ (مخ) و مرطوب کننده و آن حافظ رطوبت اصلی دماغ و رافع فراموشی است و نیز مایخولیا، وسواس، نیکو کننده رنگ صورت و امراض بینی را مفید است.^۴

۱- دکتر فاضل ۲- راه نجات از مرگ مصنوعی، ج ۲، ص ۲۰.

۳- چه باید خورد و چگونه باید پخت، ص ۴۰.

۴- راه نجات از مرگ مصنوعی، ج ۵، ص ۲۲.

شجرة الحرير

مشخصات:

در کتب سنتی با نام شجرة الحرير آمده است. در ایران با نامهای محلی شناخته شده در گیلان «کتوس» در مازندران «عسلما» گفته می شود.

فرانسوی: Periploque

انگلیسی: Syrian Silk Plant Silkwine

نام علمی آن: Periploca graeca

گیاهی است به صورت درختچه، صاف و بدون کرک و به شکل پیچک که دور درختان نزدیک خود می پیچد. برگهای آن متقابل، گلها به صورت مجموعه در انتهای شاخه گل دهنده ظاهر می شود. این گیاه در ایران، در سواحل خلیج فارس، کازرون، بندرعباس و در بلوچستان در تیس می روید.

ترکیبات شیمیایی:

در پوست گونه P.Graeca وجود دو گلوکوزید به نامهای پری پلوسین و پری پلوسیمارین تأیید شده است. گلوکوزید پری پلوسین در آب جوش خوب حل می شود و برای تقویت قلب مؤثر است.

از گونه Paphylla الکل رزینی و ماده تلخ جدا شده است.

از نظر ترکیبات شیمیایی در درخت دیودار صمغ، کولسترین و اسانس روغنی چرب آن سدرون یافت می شود.^۱

خواص و کاربرد:

از جوشانده گیاه کتوس یا لار عصاره روان و تنطوری آن برای تقویت قلب و رفع تنگی نفس استفاده می شود، توجه شود که این گیاه سمی است و مصرف زیاد آن خطرناک است در صورت مصرف آن باید زیر نظر و با توصیه پزشک باشد.^۱

شجرة الجن

به فارسی (دیودار) و در کتب طب سنتی با نامهای (صنوبر هندی) و (ابهل هندی) و یا به عربی آن (شجرة الجن) آمده است.

شجرة الخبز

مشخصات:

به فارسی (درخت نان) و عربی آن (شجرة الخبز) می نامند. درخت نان، درختی است به بلندی ۲۰-۱۵ متر، برگها به رنگ سبز، طول آنها تا ۳۰ سانتی متر است. میوه را مانند نان در تنور پخته، می خورند. سیرکننده و لذیذ است. نشاسته و پروتئین و یک نوع آنزیم شبیه پاپاوتین و آرتوکازین یافت می شود.^۱

شجرة المستکی (مصطکی)

مشخصات:

شیره گیاهی رزینی زرد رنگی است که در فارسی رماس، رماست، کینه و درخت آن را وکشک و رلمشک نامند و در کتب طب سنتی با نامهای مصطکی، مصطکی رومی، کند رومی، مستکی و علك رومی است.

درختچه یا درخت کوچکی است که بلندی آن معمولاً تا سه متر است ولی اگر پرورش داده شود و از آن مراقبت نمایند در باغها تا ۱۴ متر نیز می رسد. درختچه ای است با برگهای تقریباً ناخزان و همیشه سبز که بوی رزین مصطکی از تمامی اندام گیاه استشمام می شود. گلهای آن دو پایه در ابتدا سبز ولی به تدریج قرمز رنگ می شود. میوه آن کروی قرمز، کوچک و پس از رسیدن سیاه رنگ می شود.

خواص - کاربرد:

صمغ این گیاه طبق نظر حکمای طب سنتی از نظر طبیعت گرم و خشک است و محلل و مقوی می شود و بخصوص برای اعضای رئیسه بدن نظیر معده، کبد، قلب، کلیه، دماغ و همچنین برای سینه و ریه اثر تقویتی دارد. خوردن آن سردردهای سرد را رفع می کند و اگر با کندر به مقدار کم و متناسب خورده شود برای تقویت حافظه بسیار مؤثر است. اگر با روغن کنجد بجوشانند و به صورت قطره در گوش بچکانند گرفتگی گوش را رفع می کند و برای کری و سنگینی شنوایی نافع است، روغن میوه آن درد گوش را تسکین می دهد، جویدن صمغ مصطکی برای استحکام لثه و دندان و رویتیدن گوشت تازه لثه و تسکین درد دندان و خوشبو کردن دهان مفید است. در آلمان سابقاً از مصطکی برای اخراج اخلاط در سل ریه مصرف می کردند.^۱

شجرة التامول

مشخصات:

این درخت را در درّه شهر «ستانک» و در ارتفاعات درّه تالار توش نامند. درختی است از نظر ارتفاع متوسط و به ندرت قطر تنه آن از ۶۰ سانتی متر و بندگی آن از ۲۵ متر تجاوز می نماید و معمولاً ۱۲۰-۱۰۰ سال عمر می کند.

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی در پوست و برگ درخت توس وجود اسانس روغنی فرار و ماده رزینی بتولین تأیید شده است.^۲

شجرة الشمع

مشخصات و ترکیبات شیمیایی:

به فارسی درخت موم و در کتب قدیم فارسی با نام عربی آن شجرة الشمع آمده است.

درختچه‌ای است کوتاه، برگهای آن متناوب و گل‌های آن نر و ماده و جداگانه است. معمولاً هر درختچه به‌طور متوسط ۱۰-۱۲ کیلوگرم میوه می‌دهد که در حدود ۳ کیلوگرم موم از آنها به دست می‌آورند. موم حاصل از میوه‌های درخت موم دارای اثرهای اسیدهای چرب و اسید میریستیک و اسید پالمیتیک می‌باشد. رنگ آن سبز مایل به زردی و طعم آن تلخ و در حرارت ۴۵-۴۰ درجه سانتیگراد ذوب می‌شود. این درختچه بومی چین است و همچنین در این کشور و سایر مناطق در سطح وسیعی کاشته می‌شود.

خواص - کاربرد:

در چین پوست درخت و برگهای درخت موم سفید را در آب خیسانده و آب آن را می‌خورند که برای افزایش تعریق بدن موثر است. از جوشانده برگهای آن در موارد سرماخوردگی، ورم‌ها، سرگیجه و سردردها مصرف می‌شود. از میوه‌های آن که تونیک است برای معالجه خنازیر و استسقاء استفاده می‌شود.^۱

شجرة الصبار

مشخصات:

در کتب طب سنتی با نامهای تمر هندی و نوع هسته ریز و قرمز رنگ آن را تمر هیرونی و تمر گجراتی نام می‌برند.

گیاه نمر هندی درخت بزرگی است، دارای برگهای مرکب پری شامل ۲۰-۱۰ جفت برگچه فشرده نزدیک به هم متقابل، گلهای آن به شکل خوشه‌ای شل و باز در انتهای ساقه به رنگ زرد مایل به قرمز.

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی در پولپ میوه مقدار کمی قند و پکتین و در حدود ۱۰ درصد اسید سیتریک و ۸ درصد اسید تارتاریک آزاد و تارتارات اسید دوتاسیم است.

خواص - کاربرد:

پولپ داخل میوه نمر هندی خنک کننده است و به هاضمه کمک می‌کند، در موارد تب و برای رفع تشنگی مفید است. دارای خاصیت جبران کمبود ویتامین C بدن است و ملین می‌باشد.^۱

شجرة الفشاع

مشخصات:

در کتب طب سنتی با نامهای زرنب، رجل الجراد و شجرة الفشاع آمده است. در ایران با نامهای محلی مختلفی در مناطقی که می‌روید شناخته می‌شود. از جمله در مازندران و گران سرخدار و سُخدار، در کتول گرگان سوختال، در رودسر و آستارا سیردار و در ارسباران جیوا می‌نامند.

توضیح: زرنب و رجل الجراد به برگ درخت نیز گفته می‌شود. فشاع نیز در عین حال نام دارویی سمی شبیه فاشرا می‌باشد.

سرخدار درختی است دو پایه از سوزنی برگان که رشد آن بسیار کم است و طول

عمر آن بسیار زیاد. معروف است که تا ۲۰۰۰ سال عمر می‌کند، پوست بنه درخت قلسی و قرمز رنگ است و به همین علت آن را سرخدار گویند.

ترکیبات شیمیایی:

درخت دارای آلکالوئید تاکسین می‌باشد که ماده‌عامل سمی و تلخ گیاه است و در تمام قسمت‌ها، اعم از برگ، شاخه، پوست، دانه، چوب وجود دارد و فقط در گوشت میوه بدون دانه آن مقدارش خیلی کم یا تقریباً نیست. برگ‌های گیاه دارای آلکالوئید تاکسین، تاکسی‌نین و مقدار جزئی افدرین می‌باشد، مقدار آلکالوئید گیاه در زمستان به حداکثر می‌رسد.

خواص - کاربرد:

در هند برگ‌ها و میوه بدون دانه آن را مسکن، آرامبخش، قاعده‌آور و ضد عفونی کننده می‌دانند و از برگ‌های آن در موارد آسم، برونشیت، سکسکه، سوء هاضمه، صرع و به عنوان تقویت کننده نیروی جنسی استفاده می‌شود. از این گیاه به عنوان سم برای مسموم کردن ماهی در صنعت ماهی‌گیری استفاده می‌شود.^۱

شجرة المسواک

مشخصات:

درختچه‌هایی هستند با شاخه‌های متقابل و سبز رنگ و ساقه و برگ‌ها بدون کرک و تار. به فارسی در کتب مختلف، گونه‌های متنوع آن را با نام‌های درخت مسواک، شجرة المسواک و اراک نام می‌برند و دو گونه آن که در طب سنتی مطرح و در ایران نیز می‌رویند، توج و جوج می‌باشند.

نوج: این درختچه دارای برگهای بیضی نوک تیز و دمبرگ کوتاه است. ابعاد برگ ۲-۳×۳-۴/۵ سانتی متر، بدون کرک و مو و صاف و سبز رنگ است.

چوج: درختچه‌ای است کوچک، برگهای آن براق کمرنگ، بیضی، کمی دراز به ابعاد ۱-۲×۳-۵ سانتی متر، با دمبرگ کوتاه و شاخه‌های آن آویزان و استخوانی، میوه آن سفت کوچک و سرخ رنگ است.

ترکیبات شیمیایی:

نوج: از نظر ترکیبات شیمیایی در برگها و ریشه آن آلكالوئید تری متیل آمین وجود دارد. در دانه‌های آن روغن چرب و روغن اتری یافت می شود.

چوج: از نظر ترکیبات شیمیایی وجود آلكالوئید تری متیل آمین در آن تأیید شده است.

خواص - کاربرد:

در هند از برگهای درختچه جوج در استعمال خارجی برای تسکین درد روماتیسم استفاده می شود و از عصاره برگ آن به عنوان معالجه کمبود ویتامین C خورده می شود. از شاخه‌های نازک و برگهای آن که سوزاننده است به عنوان پادزهر انواع سموم مصرف دارد. میوه آن بادشکن و مدر و باز کننده انسداد مجاری عروق است.^۱

شجرة النبق

مشخصات:

درختی است که در صلب مستی یا نامهای کنار، سدر، سدره، مونیال داود، مستجد گرجی، نیم و شجرة النبق آمده است. میوه آن را به عربی نبق گویند.

کنار درختی است به بلندی حدود ۱۰ متر، خاردار با شاخه‌های سفید، برگهای آن تخم مرغی، نوک تیز، میوه آن کوچک خوشبو به شکل و به ابعاد سنجده، بعد از رسیدن سرخ و زرد می‌شود. این درخت در عربستان، حبشه، آفریقای شمالی و در ایران انتشار دارد.

خواص - کاربرد:

میوه کنار سرد و خشک است. میوه نارس آن قابض و تقاخ و رسیده آن دیر هضم و خوردن دوپست گرم آن مسهل صفرا از معده و روده‌هاست و حرارت را فرومی‌نشاند. اگر دانه پخته آن را تا حدی که غلیظ شود بپزند و به اعضای بدن بچه‌ها بمالند برای رفع سستی اعضا و حرکت آنها نافع است، برگ کنار را سدر نامند. مقدار خوراک آن تا ۳۰ گرم است، خوردن آب جوشانده و پخته ریشه آن بسیار مغذی و مفید است.

شجرة الدبق

مشخصات:

در شمال ایران و اش و دارو اش و در تهران به آن «گی» گفته می‌شود. در کتب طب سنتی با نام دارو اش (بر وزن باروت) و عربی آن شجرة دبق ذکر شده است. میوه آن را به عربی دبق و به فارسی مویزک عسلی و کسمش کاولیا گویند.

دارو اش گیاهی است انگلی خیلی پر شاخه و منشعب، برگهایش سبز، ضخیم، ساده، بیضی دراز، متقابل سفت و چغرمثل چرم و شاخه‌های آن بر حسب اینکه روی چه درختی زندگی انگلی را می‌گذرانند، دارای اشکال مختلف می‌باشد.

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی در گیاه مقدار کمی آرسنیک یافت می‌شود و به علاوه استیل کولین و پروپیونیل کولین در آن یافت می‌شود. در گیاه دو ماده عامل فعال وجود دارد.

یکی از آنها قلب را ضعیف می‌کند و رحم و روده‌ها را متقبض می‌نماید و دیگری موجب کاهش فشارخون می‌گردد. گزارش بررسی‌های دیگری نشان می‌دهد که در گیاه مواد کرلین، اولثانولیک اسید و یک رزین الکلی وجود دارد.

خواص - کاربرد:

در هند از این گیاه و برگهای آن در مصارف داخلی در موارد بزرگ شدن طحال استفاده می‌شود. میوه آن ملین و مدر و مقوی است و برای افزایش نیروی جنسی و تقویت قلب آن را می‌خورند. در کره شاخه‌های سبز و برگهای آن به‌عنوان نونیک و برای معالجه سرماخوردگی عمومی به کار می‌رود و دارویی برای لومباگو و روماتیسم و عضلات ضعیف است.^۱

شجرة الحیاة

مشخصات:

در کتب سنتی معمولاً دو نوع سرو مطرح است، نوع اول سرو جبلی که آن را عرعر گویند و نوع دوم سرو بستانی است که به فارسی سرو گفته می‌شود و به‌طور کلی آن را شجرة الحیاة می‌نامند.

سرو درختی است یک پایه به بلنده ۲۰-۱۵ متر، شاخه‌های آن کوتاه، پوشیده از برگهای بسیار کوچک مثلث شکل، شاتونهای نر و ماده آن در انتهای شاخه‌ها قرار دارد. شاتون ماده، میوه کوچک آن را که کروی بوده و دارای تحدیبه‌ای از هم جدا می‌باشد و به تمر می‌رساند.

ترکیبات شیمیایی:

در سرو گونه C.Sempervirens اسانس روغنی فراز وجود دارد. برگهای آن در حدود ۲۵ درصد اسانس دارد که ۸۰ درصد آن را آلفا-پینن تشکیل می‌دهد. در چوب آن در حدود ۲/۵ درصد اسانس وجود دارد.

خواص - کاربرد:

اسانس برگهای سرو خاصیت گرم کشی دارد و در هند از میوه و خرده چوب آن به عنوان قابض و همچنین برای دفع انگل می‌خورند. میوه آن از سایر اعضای درخت گرمتر است و رزین و صمغ آن خیلی گرم است و شبیه صمغ کاج می‌باشد. خواص آن این است که برگش قابض و مدر و محلل است و خونریزی را بند می‌آورد.

شجرة البقس

مشخصات:

به فارسی شمشاد و کیش و شمشاد وحشی جنگلی گویند و در کتب طب سنتی با نامهای بقس و شجرة البقس آورده شده است. وارته‌ای با برگهای کوچک آن را باغبانها شمشاد اناری گویند. در شمال ایران با نامهای محلی مختلفی شناخته می‌شود از جمله در آستارا شمشاد و شومشاد، در گیلان و طرانس «کیش» و در رامسر و شهسوار «شوشار و شی شاز» و در نور و مازندران «شار و شر» و در کجور و آمل «شهر» می‌گویند. شمشاد وحشی درختچه‌ای است که در خارج از جنگلها و در شهرها بلندی آن کم و ۱-۲ متر و در جنگلهای شمال و مناطق مناسب ۵-۶ متر می‌باشد. میوه آن پوشینه کوچک که دانه‌هایی به رنگ سیاه در آن قرار دارند.

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی در برگ و پوست ریشه شمشاد وحشی علاوه بر اسانس و صمغ چهار آلکالوئید به نامهای بوکسین، پارابوکسین، بوکسی نیدین و بوکسی نامین مشخص شده است. در برگهای آن تعداد بیشتری آلکالوئید یافت می شود و تا حال ۱۰ آلکالوئید در برگهای آن مشخص شده است.

خواص - کاربرد:

شمشاد دارای چوب سختی است که برای ساختن قاشق چوبی، ظرفهای چوبی، شانه، ورقه های صاف و نازک چوب مانند کاغذ به کار می رود. برگ شمشاد اگر توسط حیوانات زیاد خورد شود، مسموم کننده است. شستن با آب دم کرده و پخته برگ آن در موارد خارج شدن گره های مقعد خوب است.^۱

شجرة الحبشیه

مشخصات:

در کتب طب سنتی با نامهای شجرة الحبشیه، شجرة الکوسو و یا کوسو (همان نام خارجی آن هم از نام محلی آن گرفته شده) و در بازار دارویی ایران با نام کوسو معروف بوده است، به هندی نیز کوسو گفته می شود.

گیاه کوسو درختی است دو پایه دارای برگهای مرکب که تعداد برگچه های آن فرد است. هر برگچه نسبتاً پهن بیضی نوک تیز دنداندار است، گلهای آن ماده و نر جدا هستند. در ایران تا به حال دیده نشده است. گلهای ماده آن به عنوان دارو از حبشه به اروپا و آسیا و سایر مناطق صادر می شود.

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی در گلهای ماده آن آلفا - کوزین، بتا - کوزین و کوزوتوکسین مشخص شده است. گلهای ماده آن که در هوا خشک شده باشد در حدود ۰/۴ درصد ماده پروتوکوزین دارد و به علاوه در آن کمی اسانس با بوی نامطبوع و تانن و رزین و سایر مواد بافت می شود.

خواص - کاربرد:

گلهای ماده کوسو که به صورت گرد خشک آن مصرف می شود، تأثیر قاطع در دفع گرم کدو دارد. در بزرگسالان معمولاً ۲۰-۱۵ گرم از گرد گلهای ماده خشک شده آن را در ۲۵۰ گرم آب جوش ریخته و مدت نیم ساعت دم می کنند، پس از آن از آتش برداشته می گذارند که خنک و نیم گرم شود و بدون صاف کردن تمامی آن را می خورند. پس از خوردن داری بیمار تشنه می شود و نباید آب بخورد و با کمی آب نیمو رفع عطش بشود.^۱

شجرة البان

مشخصات:

در کتب طب سنتی با نامهای بان، شجرة البان و شوع و دانه آن حب البان نام برده شده است.

شجرة البان درختی است کوچک، بلندی آن در حدود درخت گز است. گلهای آن سفید رنگ یا قرمز می باشد. میوه اش به شکل غلافی باریک و دراز به طول حدود ۴۵ سانتی متر است و دانه ها در داخل آن قرار دارند. این درخت در آسیای جنوبی و جنوب شرقی و در جزیره العرب می روید و به طور کلی از گیاهان بومی هند است.

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی از پوست ریشه آن آلکالوئیدهای مورینجین و مورینجینین جدا شده است. صمغ درخت دارای آرابینوز، گالاکتون، گلوکورونیک اسید و مقدار خیلی کمی رامنوز می باشد. از دانه های آن روغنی گرفته می شود که شامل پانمیتیک اسید، استئاریک اسید، آراشیدیک اسید، بهنیک اسید، نیگنوسریک اسید، هگزاد سنوئیک اسید، لینولئیک اسید و اولئیک اسید می باشد.

خواص - کاربرد:

در هندوستان عملاً از تمام اعضای گیاه در پزشکی استفاده می شود و قسمت هایی از آن به عنوان غذا خورده می شود. در تمام مناطق خاور دور خاصیت آن قرمز کردن است که در گیاه وجود دارد و از این جهت مورد توجه می باشد و برای انواع ناراحتی ها مورد استفاده قرار می گیرد. ریشه له شده آن که مانند ضماد روی پوست انداخته شود، خاصیت مشمع خردل را دارد. پوست ریشه گرمترین و تندترین قسمت آن است.

شحم المرج

مشخصات:

به فارسی خطمی و در کتب طب سنتی به نامهای خطمی، نوعی خبازی و شحم المرج آمده است. در نوشته های دیوسکوریدس با نام کلی آلتیا نام برده شده است. گیاهی است چند ساله علفی ولی معمولاً دو ساله و در بعضی مناطق یکساله عمل می شود، زیرا اغلب این گیاه مورد حمله نوعی بیماری زنگ قرار می گیرد. بلندی آن در حدود دو متر و ساقه آن قوی زیر و خشن است. ممکن است با قلمه و یا جوش که از سال دوم گرفته می شود تکثیر شود.

ترکیبات شیمیایی:

در تخم این گیاه در حدود ۱۱/۹ درصد نوعی روغن خشک شونده وجود دارد و دارای یک شبه استرین است. گلهای آن دارای لعاب، یک فلاوونوئید و سیانیدین است و به علاوه دارای کمی اسانس و یک ماده رنگ به نام آلتیدین می باشد.

خواص - کاربرد:

در هند از تخم گیاه به عنوان مدر و تب بر استفاده می شود و ریشه آن را به عنوان قابض برای کنترل دیسانتری مصرف می کنند. گلهای آن مبرد و خنک کننده و مدر است و برای تسکین روماتیسم به کار می رود. ریشه و تخمهای آن برای تقویت معده و کاهش تب توصیه می شود.^۱

شحم الارض

مشخصات:

به فارسی دنبلان و دمبلان و به آذربایجانی طملان و در کتب طب سنتی با نامهای تبالرعد و نوعی سماروخ و شحم الارض و نوعی فطر آمده است. از قارچ های خوراکی زیرزمینی است که به فرانسوی انواع آن را به طور کلی Truffle و به انگلیسی Truffle گویند.

انواعی از این نوع قارچ دمبلان بیشتر در اروپا، بخصوص در فرانسه می رویند. انواعی از دمبلان نیز در مناطق مختلف ایران می رویند، این دو دسته از لحاظ جنس مختلف هستند.

دمبلانهای اروپایی: قارچی است کروی شکل مانند غده که معمولاً در زیر خاک رشد می کند. پوسته خارجی آن ناصاف و زگیلدار است. از نظر ابعاد بر حسب گونه های

مختلف متفاوت است و از یک فندق تا یک مشت فرق می‌کند و به رنگ قرمز، خاکستری، سفید، بنفش و سیاه دیده می‌شود.

دمبلانهای خوراکی: دمبلان سیاه پوسته‌ای ناصاف زگیلدار به رنگ تیره‌حنایی دارد. بزرگی آن متوسط، پوسته خارجی سیاه خیلی ناصاف و ناهموار و به رنگ قهوه‌ای است. پوسته خارجی مایل به سیاه، غده آن کروی شکل و بزرگی آن به اندازه یک گردو است. در دمبلان تابستانی شکل غده‌ها متغیر بزرگی آنها در حد یک گردو و رنگ و پوست سیاه و زگیلهای آن درشت است.

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی و خواص و کاربرد دارویی خیلی شبیه قارچهای خوراکی هستند که در فصل آن شرح داده شده است و تکرار نمی‌شود ولی این نوع قارچهای زیرزمینی بیشتر مصرف خوراکی دارند.

شرخات

مشخصات:

در شیراز به گل هاشم معروف است. در سایر مناطق کشور به آن یاسمن، یاسمن سفید و یاس گلدانی گویند. در کتب طب سنتی با نامهای یاسمن بستانی، شرخات و عریف آمده است.

این درختچه گاهی در جنگلها مانند طناب به دور درختان دیگر می‌ببجد و آنها را از رشد باز می‌دارد، برگهای آن متقابل، مرکب و دارای ۹-۳ برگچه بیضی شکل مثلثی است.

این درختچه در سواحل مدیترانه، قفقاز تا هیمالیا و ایران انتشار دارد، در شمال

ایران، در جنگلهای جنگه‌ای و میان بند مرطوب شمال ایران می‌رویند. تکثیر یاسمین سفید از طریق قلمه ساقه نیمه چوبی آن انجام می‌شود.

ترکیبات شیمیایی:

در گلهای یاسمن سفید اسانس آلکالوئید جاسمینین یافت می‌شود.

خواص - کاربرد:

اسانس گل یاسمن سفید در عطر سازی نقش وسیعی دارد. در هند از ریشه آن برای رفع رینگ ورم مصرف می‌شود. رینگ ورم بیماری قارچی پوستی است با بروز آن حلقه‌هایی روی پوست دیده می‌شود. خواص آن فرج آور و بازکننده گرفتگی‌ها و انسداد مجاری می‌باشد.^۱

شرابه

مشخصات:

گیاهی است که در کتب قدیم با نامهای هوکس، خاص، طیم، عود الخیر، راج، شرابه و شرابه الراعی آمده است. این گونه بومی اروپاست و به‌عنوان درخت زینتی کاشته می‌شود، زیرا برگهای آن ابلق است و باغبانها آن را خاص ابلق می‌نامند. درختچه‌ای است که بلندی آن در نقاط مناسب تا ۱۵ متر می‌رسد. گلهای آن کوچک و سفید، میوه‌های آن کروی یا تخم مرغی شکل به رنگ سرخ براق است. این درخت دارای عمری طولانی می‌باشد و به این علت چوب آن سفید است.

ترکیبات شیمیایی:

گلوکوزید و یک ماده تلخ دارد و در برگهای آن علاوه بر تانن دو هتروزید یافت می شود. یکی از آنها پاپونین است با اثر همولیتیک و دومی یک گرد بی شکلی می باشد.

خواص - کاربرد:

برگها به عنوان مدر و نرم کننده و میوه های آن به عنوان مسهل و قی آور و مدر مورد استفاده قرار می گیرد. برگهای شربابه در برخی نقاط به جای چای دم می شود و به عنوان مسهل خورده می شود.^۱

شرویت

مشخصات:

در کتب طب سنتی با نام ذرق، نغله و حندقوق بستانی آمده است. در بعضی مناطق ایران شبدرد معطر و در سازندران شرویت گفته می شود.

توضیح: در کتب قدیم فارسی لغت مُذرق به معنای کسی که ذرق مخلوط با سرمه را برای اکتحال چشم مصرف می نماید، آورده شده است.

گیاهی است دو ساله و چند ساله به ارتفاع تا ۸۰ سانتی متر که در مراتع به سبب بلندی در بین سایر گیاهان از دور با گلهای زرد مشخص است. برگهای آن مرکب از ۳ برگچه که هر برگچه کوچک، بیضی، دنداندار و نوک تیز است و مرکز سه برگچه با دمبرگی به ساقه وصل می شود، گلهای آن زرد و بسیار معطر می باشد.

ترکیبات شیمیایی:

دارای ۰/۹ درصد ماده کومارین است و در حدود ۰/۲ درصد نیز هایدروکومارین دارد و به علاوه مواد فلاوون نیز در آن یافت می شود. از گلهای خشک آن در حدود ۰/۱۲

درصد اسانس با بوی مطبوع به دست می آید. در سرشاخه گلدار آن وجود ملیتوتیک اسید تأیید شده است.

خواص - کاربرد:

برگها و ساقه های گیاه را در روغن زیتون می جوشانند و برای پیشگیری از عوارض وخیم گزیدگی ماز آبی روی موضع می مالند. مدر می باشد و دردهای عصبی، سردردهای یک طرفه یا میگرن و دردهای روماتیسمی را تسکین می دهد. این گیاه برای گوسفندان علوفه خوبی است ولی خوردن دانه های آن در اسب مسمومیت ایجاد می کند.^۱

شر

مشخصات:

به فارسی شمشاد و کیش و شمشاد وحشی جنگلی گویند و در کتب طب سنتی با نامهای بقس و شجرة البقس آورده شده است. این گیاه برای کاشت و تزئین در باغبانی انواع متعددی دارد.

شمشاد وحشی (شر) درختچه ای که در خارج از جنگلها و در شهرها بلندی آن کم و ۲ - ۱ متر و در جنگلهای شمال و مناطق مناسب ۶ - ۵ متر می باشد. دارای شاخه های منشعب، برگهای آن سبز سیر چرمی، بیضی، نوک تیز، گلهای نر و ماده دارد.

ترکیبات شیمیایی:

در برگ و پوست ریشه شمشاد وحشی علاوه بر اسانس و صمغ چهار آلکانوئید به نامهای بوکسین، پارابوکسین، بوکسی نیدین و بوکسی نامین مشخص شده است.

خواص - کاربرد:

دارای چوب سختی است که برای ساختن قاشق چوبی، ظرفهای چوبی، شانه، ورقه‌های صاف و نازک چوب مانند کاغذ به کار می‌رود. گرم و خشک است و عده‌ای آن را سرد می‌دانند. خوردن بیش از حد آن مسمومیت به همراه دارد. اما دم‌کرده و جوشانده مقدار معینی از آن با آب معرف، تصفیه‌کننده خون، تب‌بر و صفرابر است و برای روماتیسم مزمن و نقرس مؤثر است.^۱

شربین**مشخصات:**

درختی است که در طب سنتی با نامهای کنار، سدر، سدره، موبال داود، سنجید گرجی، نیم و شجرة النبق آمده است. میوه آن را به عربی نبق گویند.

درختی است به بلندی حدود ۱۰ متر، خاردار با شاخه‌های سفید، برگهای آن تخم مرغی، نوک تیز، طعم آن ترش و شیرین، برگهای ساییده کنار را سدر نامند که در بازار نیز با نام سدر عرضه می‌شود. این درخت در عربستان، حبشه، آفریقای شمالی و در ایران انتشار دارد.

خواص - کاربرد:

ضماد برگ کنار و شستن بدن در حمام با برگ آن برای زخمها و پاک کردن چرک بدن و تقویت موی سر و جلوگیری از ریزش مو و تقویت اعصاب نافع است. ضماد برگ آن با الکل برای تحلیل ورم‌های گرم و همچنین ضماد برگ به تنهایی نیز برای نرم کردن و تحلیل ورم‌های گرم مفید است.^۲

ثمرش داروی سرفه است و معده را می‌گزد و اگر با فلفل خورند بول را ریزش دهد. دود پوستش بچه و بچه‌دان را بیرون آورد. ثمرش را با پیه شتر مخلوط کنند و به تن مانند حشرات از آن می‌گیرند.^۳

۳- قانون در طب، ج ۲، ص ۳۱۷.

۲- معارف گیاهی، ص ۱۳۰.

۱- معارف گیاهی، ص ۱۱۵.

شعیر (جو)

مشخصات:

در کتب طب سنتی با نام عربی شعیر آمده است و فارسی آن همان جو است. گیاهی است یکساله که ارتفاع ساقه استوانه‌ای آن بسته به ارقام مختلفه از ۱۰۰-۴۰ سانتی متر فرق می‌کند. برگها سبز تیره متناوب باریک دراز و در موقع لمس کردن، بخصوص در جهت بالا به پایین خشرونی احساس می‌شود. میوه آن به شکل سنبل است. از نظر کاشت جو به دو نوع تقسیم می‌شود: جو بهاره و جو پاییزه. جو پاییزه احتیاج به دیدن سرمای زمستانه دارد و طول زندگی آن بلندتر از جو بهاره است ولی به هر حال زودتر از جو بهاره برداشت می‌شود. جو بهاره احتیاج به دیدن سرمای زمستانه ندارد و بدون دیدن زمستان به دانه می‌نشیند.

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی و مواد مختلفه ارقام جو بر حسب محل کاشت متفاوت هستند و مقدار مواد از یک رقم تا رقم دیگر کمی تغییر می‌کند. مواد مختلفه جو عبارتند از: آب، مواد ازته، مواد چرب، مواد نشاسته‌ای، مواد غیر ازته مختلفه، سلولز و خاکستر.

خواص - کاربرد:

جو به طور کلی در طب سنتی به سه صورت مختلف استعمال می‌شود: ۱- جو درست که دانه یا سبوس روی آن باشد و فقط دنباله آن را کنده باشند. ۲- جو مقشر یا پوست گرفته که عملاً قسمتی از پوست آن گرفته شده است. ۳- جو سفید کرده که تمام پوست و سبوس آن را گرفته و به صورت جو سفید درآمده باشد که در اصطلاح به آن جو مرواریدی می‌گویند.^۱

شعر الارض

مشخصات:

گیاهی است از سرخس ها، به فارسی پرسیاوشان و در کتب طب سنتی با نامهای شعر الارض و شعر الجبال آمده است.

پرسیاوشان گیاهی است چند ساله، برگهای آن شبیه گشنیز است. ساقه زیرزمینی آن خزنده و ریشه های بسیار باریک و نازک به آن اتصال دارد. برگهای این گیاه کمی معطر و دارای طعم گس و کمی تلخ است. پرسیاوشان که در بازار عرضه می شود مخلوطی است از انواع پرسیاوشان که در نقاط مختلف می رویند.

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی در پرسیاوشان یک ماده عامل تلخ به نام کاپیلارین، تانن و اسانس وجود دارد. به علاوه در آن مقداری قند، گالیک اسید و لعاب نیز یافت می شود. خواص - کاربرد:

در تایوان برگهای له شده پرسیاوشان را روی محل مازگزیدگی می گذارند. چینی ها از آن به عنوان تب بر و در عین حال برای کشتن انگل های داخل شکم و قی آور و برای معالجه زردخیم استفاده می کنند. پرسیاوشان از نظر طبیعت طبق نظر حکمای طب سنتی معتدل مایل به گرم و کمی خشک است.^۱

شفتالو

مشخصات:

شفتالو درختی است کوتاه و دارای برگهای دراز نوک تیز و میوه اش ریزتر از هلو، دارای پوست نازک و هسته درشت و سخت می باشد. در میان کردها دم کرده گل و برگهای آن را برای رفع سرفه، سیاه سرفه، سنگ کلیه و مثانه به مصرف می رسانند.^۲

۱- معارف گیاهی، ج ۳، ص ۱۵۲.

۲- طب سنتی در میان کردها، ص ۱۱۷.

گل، برگ و میوه این گیاه در طب قدیم استفاده می شده است. گل و برگ آن مسهل خفیف، مدر، آرام بخش و کم و بیش ضد تب می باشد. میوه آن لذیذ و مغذی است و اثر نرم کننده مزاج دارد. جوشانده خشک کرده آن را در بیماریهای جهاز ادراری، سنگ کلیه و مثانه و تشنج و ورم مثانه تجویز می کرده اند. به علاوه دم کرده گل و برگ این درخت را در رفع سیاه سرفه مفید دانسته اند. مغز میوه، به صورت ضماد اثر تسکین دهنده و روغن آن در درمان سودا و تسکین درد بواسیر استعمال می شده است.^۱

آن را به فارسی هلو و شفتالو و در شمال ایران در گیلان اشتالودار و در کتب طب سنتی با نام خوخ نام برده می شود.

درختی است به بلندی ۵ - ۴ متر با شاخه های متعدد و زاویه دار، پوست ساقه سبز براق و در بعضی قسمت هایی که به طرف آفتاب قرار دارد مایل به قرمز می باشد. برگ های نیزه ای یا بیضی کشیده و کناره برگها اره ای است. دمبرگ آن بدون غده و گاهی غده دار به طول ۲ سانتی متر می باشد. گلها زودرس و قبل از باز شدن برگها ظاهر می شوند و منفرد بدون پایه یا با پایه خیلی کوتاه هستند.

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی شکوفه های نیمه باز هلو دارای تریفولین است. مغز هسته آن دارای دیاستاز امولسین، گلوکوزید امیگدالین و همچنین پروسیک اسید، کولین و استیل کولین است. میوه هلو شیرین و در برخی ارقام ترش و شیرین است.

خواص - کاربرد:

خواص و کاربرد دارویی هلو در مناطق خاور دوز؛ از مغز هسته هلو و گل و برگ و حتی پوست ریشه درخت هلو در طب سنتی استفاده می شود. مغز و هسته آن مسهل است، خون را تصفیه می کند، ضد اسپاسم است و سرفه را تسکین می دهد و برای روماتیسم مفید است، خونریزی را بند می آورد.^۲

۱- لغت نامه دارویی قانونچه، ص ۱۸۸.

۲- همانجا، ج ۲، ص ۲۳۸.

شفتره

مشخصات:

در کتب طب سنتی آن را نوع از تودری ذکر می‌کنند و در برخی کتابها با نامهای حبه، شفتره و بذر الخمخم آمده است.

گیاهی است یکساله یا دو ساله به بلندی حدود ۸۰ سانتی‌متر، قسمت پایین گیاه دارای پوششی از کرک و بالای گیاه بدون کرک است. این گیاه در اغلب مناطق چین می‌روید و معمولاً از شانگهای و پکن تخم آن به داروخانه‌های سرتاسر چین صادر می‌شود.

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی در دانه خاکشیر روغن چرب یافت می‌شود و در این روغن چرب مواد لینولئیک، لینولنیک اسید، اروسیک اسید، پالمیتیک اسید و استئاریک اسید مشخص شده است. گیاه خاکشیر پس از مالش دارای بوی تند نامطبوع و طعم زننده‌ای می‌باشد که این در اثر وجود یک آلکالوئید فرار در آن است.

خواص - کاربرد:

در چین از تخم خاکشیر به عنوان ملین و تب بر و برای تسکین التهاب پوست از جمله کهیر استفاده می‌شود. در هندوستان از گلها و برگهای گیاه به عنوان قابض و داروی رفع کمبود ویتامین C استفاده می‌شود. اما از نظر حکمای طب سنتی ایران، خاکشیر از نظر طبیعت گرم و تر است و از نظر خواص معتقدند که برای تقویت معده و هاضمه و ازدیاد اشتها و برای رفع گرفتگی آواز و روشن شدن رنگ چهره مفید است.^۱

شفت

مشخصات:

به فارسی در منطقه ارسباران شفت و در پیرانشهر (میران) گفته می شود.

به فرانسوی: Sanguine, Cornouiller

به انگلیسی: Bloody-doy-wood

نام علمی آن: Cornus Sanguinal

شفت درختچه کوچکی است که ارتفاع آن از ۵-۴ متر تجاوز نمی کند، شاخه های آن از غوانی صاف، پوست تنه آن قهوه ای رنگ دارای بوی زننده است. برگهای آن بیضی نوک دار روی آن سبز و پشت آن سبز کم رنگ، طول آن ۱۰-۴ سانتی متر با دمیگی نسبتاً بلند و در پاییز به رنگ از غوانی تیره در می آید. گلهای آن کوچک و میوه آن گرد و از ریشه و پوست و گل آن بوی نامطبوع استشمام می شود.

ترکیبات شیمیایی:

میوه این درخت خوردنی و در ترکیبات آن علاوه بر کلسیم مالات، یک ماده رنگین سبز رنگ است. میوه و پوست ساقه آن اثر تب بر دارد.^۱

شقایق النعمان

مشخصات:

گیاهی است علفی و پایا به ارتفاع ۱۰ تا ۴۰ سانتی متر از تیره آلانه ها که در چمنزارها در غالب نقاط بحر الرومی و آسیای صغیر و آسیای غربی و مرکزی می روید. برگهایش دارای بریدگیهای زیاد و رنگ گلش بنفش یا مایل به قرمز است. شقایق النعمان، لاله

حمرا، لاله سرخ، گنجیک، چیچکی، انشقر، هوایه، سکه حمرا و انامونی می نامند.
توضیح: این گیاه با شقیق نباید اشتباه شود، زیرا از دو تیره جداگانه اند و با هم هیچ
نسبتی ندارند.^۱

شقایق النعمان را به فارسی لاله سرخ، لاله داغدار و اشک خوتین می گویند. شقایق
النعمان را به زبان فرنگی کولیکو می گویند و همچنین بعضی از مترجمین آنمون را
شقایق النعمان ترجمه نموده اند. این دسته نیز اشتباه کرده اند چون این هم گیاهی است از
دسته آله ها و شباهتی به شقایق النعمان ندارد.^۲

شقایق النعمان را به لاتینی اتیلیم، به یونانی ارغامونی، به رومی نومیسا و به فارسی گل
لاله و لاله کوهی می نامند و آذریون نوعی از آن است که گیاه آن در برگ و میوه و دانه
شبه خشخاش و از آن در همه چیز کوچکتر و گل آن سرخ و زرد و کبود و سیاه و اکثر
سرخ است و آن دو نوع می باشد: بیابانی و باغی. و بهترین آن بیابانی تازه است. به قول
جالینوس مزاج آن گرم و خشک و به قول بعضی گرم و تر در دوم است و گیلانی گوید: تا
موقعی که گیاه تازه است، تر می باشد و وقتی خشک شود مزاجش هم خشک می شود.

ترکیبات شیمیایی:

آنمون دارای موادی نظیر آنمونین، اسید آنمونیک و اسید ایزو آنمونیک است. ماده
مور و فعال آنمون، جسمی به حالت مایع و فرار است که به سهولت اکسیده شده باعث
پیدایش ماده ای به نام آنمونین می گردد. مطالعات دانشمندانی نظیر Fujita و Asafina در
سال ۱۹۲۰ نشان داد که جسم فرار مذکور، در آغاز شامل پروتو آنمونین و اسید آنمونیک
است.

خواص:

لاله جلا دهنده، باز کننده، لطیف کننده و محلل است و خضاب آن با پوست گردوی
تازه موی را سیاه گرداند. خوراکی تخم آن هر روز یک درم با آب سرد چندین روز متوالی

۲. زبان خوراکیها، ص ۲۷۴.

۱. فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۱، ص ۹۰۵۴.

نافع برص و بهق سفید است. مالیدن گل آن با پوست گردو نافع قوبا و پاک کننده چرک زخم است. مالیدن پخته آن (گل) بر ورم‌های نرم، تحلیل ورم کند و آن را می‌برد، پاشیدن گرد خشک آن نافع زخمها است و خون را بند آورد. و جرب زخمی را از بین می‌برد. کشیدن آن در بینی مغز را می‌پالاید و تمیز می‌گرداند، جویدن تازه آن با مصطکی بلغم زیاد را از سر بیرون می‌کشد. سرمه عصاره آن نافع ضعف چشم است و چکاندن عصاره آن در گوش نافع کری است، خوراک پخته رگ و شاخه آن با گیاه جوی شیر را جاری و چون با کاه جو پخته شود بول را جاری می‌کند، خوراک گل آن از نیم تا دو درم است. باعث دیوانگی و خشک کننده مغز است و مصلحش شیر عتاب می‌باشد و بعضی گویند: سنجید مصلحش است. بدلتش درمنه است، تریاک حاصل از آن همانند خشخاش به دست می‌آید و بسیار مخدر و مسکر است.^۱

فارسی: شقایق نعمانی.

عربی: شقیق النعمانی، شقر، هوایه

گیاهی است علفی، زیبا و به ارتفاع ۱۰ تا ۴۰ سانتی متر که در چمنزارها و زمینهای سیلیسی اغلب نواحی اروپا مخصوصاً منطقه مدیترانه می‌روید. گل آن بدون بو و دارای طعم گس و سوزاننده است. اگر نه شده گیاه بر روی پوست بدن مالیده شود، تحریک شدید جلدی ایجاد می‌کند. برگهای آن دارای بریدگیهای بسیار است.

شقایق سرخ

مشخصات:

شقایق سرخ گیاهی است علفی، یکساله که از آن یک عصاره شیرینی ترشح می‌شود. برگها با بریدگیهای عمیق و دنداندار شکل کلی آنهاست که قاعده آنها طرف ساقه و رأس آن به طرف خارج است. تخم آن که در داخل میوه قرار دارد سیاه رنگ می‌باشد. برگها و ساقه آنها پوشیده از کرک و تار می‌باشد.

۱- محیط اعظم ج ۲، ص ۱۲۴ تحفة حکیم، ص ۱۶۶، قرابادن کیرا، ص ۲۶۴.

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی و مواد عامله در گیاه شقایق سرخ به طور کلی مواد روئدین، مورفین، پارامورفین و نارکوتین وجود دارد. وجود یک گلوکوزید نیز در آن مشخص شده است. از گل آن در حدود ۳۱٪ آلکالوئید روئدین به دست می آید. در گزارش دیگری وجود روئین نیز در آن تأیید شده است.

خواص - کاربرد:

شیرابه‌ای که از کپسول گیاه شقایق سرخ گرفته می‌شود مخدر و کمی مسکن و آرامبخش است. برگها و تخم آن تونیک، مقوی و در تبهای ضعیف مؤثر است. در چین گلها و ریشه گیاه برای یرقان تجویز می‌شود، در ژاپن و فیلیپین از دم‌کرده گل‌های آن به صورت غرغره استفاده می‌شود.^۱

شقایق، لاله: حکیم دانشمند دیسقوریدوس می‌فرماید: بعضی آن را (ارمیون) و بعضی (عامنیون) گویند. بعضی نمی‌دانند و میان شقایق النعمان بیابانی و دارویی که نامش (دحمونیای وحشی) است فرقی نمی‌شناسند و به فکر آنها شقایق النعمان بیابانی و دحمونیای وحشی و خشخاش که سرهایشان هم‌رنگ برگ‌هایشان سرخ بوده یکی هستند.^۲

اسم فارسی: شقایق، عربی: خشخاش بستانی، خشخاش منثور، گیاهی علفی، زیبا و به ارتفاع ۲۵ تا ۹۰ سانتی‌متر است. شقایق، میوه‌ای شبیه خشخاش، ولی کوچکتر از آن، به طول ۱ تا ۲ سانتی‌متر و به عرض ۶ تا ۱۰ میلی‌متر دارد.

محل رویش: گرگان، گنبد قابوس، لاهیجان، رودبار، آذربایجان: دشت مغان، تبریز: بختیاری، خوزستان: بین شوش و دهلران، کرمان: بم.^۳

موطن اصلی شقایق احتمالاً بلغارستان و یا ترکیه است، اما آثار آن در قبور فراعنه

۲- قانون در طب، ج ۲، ص ۳۱۹.

۱- معارف گیاهی، ج ۳، ص ۲۰۱.

۳- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۱، ص ۱۴۹-۱۲۵.

مصر هم پیدا شده است. شقایق را قبل از همه در مورد انواع بی خوابی ها و درمان حالات عصبی، اضطراب، تشنجات معدی و روده ای و بویژه دردهای عصبی (نورالژی صورت، نورالژی اندامها) می توان به کار برد.^۱

با جوشاندن گلبرگهای شقایق به نسبت یک دسته گلبرگ در یک جام آب می توان لوسیونی برای زیبایی به دست آورد. این لوسیون برای برطرف ساختن خشکی پوست و از میان بردن چین های کوچک به کار می رود.^۲

خشخاش منشور که به یونانی منقعداس گویند قسمی از خشخاش بیابانی است، برگ آن با خشونت و مایل به سفیدی و کوزه آن شقایق النعمان و اکثر در سرزمین چین و در فصل بهار یافت می شود. در قوت از خشخاش بیابانی قویتر و از خشخاش سیاه ضعیف تر و گویند: تخم آن در تیرید شدیدتر است و خواص آن نزدیک به خواص خشخاش سیاه است. بعضی مردم آن را بر خمیر نان انداخته و می خورند و خواب خوشی می آورد. ضماد برگ آن نافع اورام گرم است، تخم آن مزاج را نرم کند.^۳

خشخاش بستانی:

فارسی: انارکیواکونار، هندی: پوست، سانسکریت: کهنس بیج، کھاس تل، سوکشم تندل، کهنس تل و غیره.

گل و تخم آن سفید است، برگ آن طویل، شکل آن مانند پنبه، مودار است و درختچه آن یک تا یک و نیم متر است، خشخاش معروف است و از آن تریاک حاصل می شود.

خشخاش بری:

تخم آن سیاه، برگ آن سخت و مانند پنبه، مودار است. گل سرخ، نیلگون و سیاه دارند و یک قسم دیگر آن است که آن را خشخاش منشور می گویند.

۲- درمان باسیلیا و بیهودل ص ۹۹.

۱- صد گناه و هزار درمان: ص ۲۱۱.

۳- معجم اعظم، ج ۲، ص ۱۲۰۰، تحفة حکیم، ص ۱۰۳.

خشخاش زیدی:

یونانی: ارفلیان، بایلیس، زیاد سفید است، شاخه‌های آن به قدر یک دست طویل و پر از ماده‌ای مانند شیر است، برگ آن زیاد کوچک و لکن طویل شکل‌اند و تخم آن خشخاش سفید کوچک است.

خشخاش مقرن یا خشخاش بحری:

یونانی: قازاطیطس، برگ آن سفید و مانند ینبه مودار است به قدری مشابه خشخاش بزی‌اند، شاخه آن نیز مانند شاخه‌های خشخاش بزی است و گل آن زرد و سرخ هستند. تخم آن سیاه و کلفت، زیاد کنار دریا رویده می‌شود.^۱

با گل و برگهای شقایق می‌توان پوست صورت را نرم و لیطفب کرد و زبری و جوشهای کوچک زیر پوست را از بین برد.^۲

مصرف دم‌کرده گل شقایق در انواع بی‌خوابیها مفید است. گلبرگهای گل شقایق دارای خواص آرام‌کننده در سرفه‌های عصبی، آسم، سیاه سرفه، آنژین و برونشیت است در موارد بالا باید چهار تا ده گرم برگ گلبرگهای شقایق را که خشک شده باشد در یک لیتر آب جوش دم کرده و سپس سه فنجان آن را در ظرف ۲۴ ساعت مصرف نمود.^۳

در کتب فارسی مختلف با توجه به اسم عربی (شقیق النعمان)، شقایق نعمانی نام نهاده‌اند، این نام به آنهایی که گل‌های درشت و یا به رنگ شقایق دارند اطلاق شده است. اگر له شده گیاه بر روی پوست بدن مالیده شود، تحریک شدید جلدی ایجاد می‌کند.^۴ شقایق در مزارع، اماکن سایه‌دار، دشت‌ها، نواحی کم درخت، جنگلها و دامنه‌های کم ارتفاع کوهستانی می‌روید. شقایق میوه‌ای شبیه خشخاش ولی کوچکتر از آن، به طول ۱ تا ۲ سانتی‌متر و به عرض ۶ تا ۱۰ میلی‌متر دارد. گل این میوه عازی از بو می‌باشد و با آنکه ماده قندی نوش، در قاعده گلبرگهای آن به وجود نمی‌آید ولی زنبور عسل برای

۱- لاتانی لغات الادویه، ص ۱۱. ۲- گلها و گیاهان شقایق، ص ۱۹۰.

۳- همان، ص ۱۸۹. ۴- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۱، ص ۲۵.

به دست آوردن دانه گرده فراوان، به سمت گل شقایق هجوم می آورد. قسمت مورد استفاده آن گلبرگهاست که در تابستان از مزارع و محل رویش این گیاه جمع آوری کرده و سرعت به صورت قشر نازکی بر روی یک صفحه کاغذ در سایه و یا در اطاقهای مخصوص با گرمای مشخص می گسترانند.

گلبرگهای خشک شده آن را باید در محل‌های خشک نگهداری کرد. دیوسکورید، جوشانده کپسول آن را در الکل، جهت رفع بی خوابی توصیه نموده برای دانه آن اثر ملین ملایم و گل‌های آن اثر نم کننده، معرق و خلط آور ذکر کرده است. از مشخصات آن این است که به حالت خشک شده نیز اثرات درمانی خود را دارا می باشد. گل آن در مداوای برونشیت، نزنه‌های ششی، آنژین‌ها، سرفه‌های مقاوم، سیاه سرفه و آسم داروی مناسبی است. مصرف آن در تب‌های دانه‌ای و به عنوان مسکن در بیماریهای سینه و همچنین

مـعـرـق

در

ذات‌الجنب اثرات مفید ظاهر می کند. مصرف آن در رفع بی خوابی اطفال و اشخاص مسن و نیز کسانی که در مقابل مصرف تریاک حساسیت دارند، همواره مورد تأیید دانشمندان مختلف بوده است.

شقایق (هویج دشتی)

مشخصات:

شقایق گیاهی است دو ساله، شکل ظاهری آن شبیه گیاه هویج، برگ‌های آن دارای بریدگی و در عین حال دنداندار، ساقه‌های آن گوشه‌دار است. ریشه آن که برای تهیه مربا مصرف می شود نسبتاً ضخیم و ضخامت آن در حد یک انگشت پر گره و کمی شیرین است.

روایاتی که در آن شقایق هم ذکر شده است در موضوعهای: سقمونیا، نارمشک، انیسون، فانید، بلسان و آسارون نقل شده است. آن را اشقاقل، ششقاقل، شفیقل و شقیقل نیز گویند و به فارسی گزر دشتی و به هندی دود هالی یعنی شیردار و متی

افزاینده است. منبت آن زیر اشجار متراکم و جاهای نمناک و مستعمل بیخ آن است قوت آن تا چهار سال باقی می ماند. گرم و خشک در اول است و جالینوس گرم و تر گفته است. آن مقوی اعضا و مسخن و دافع برودت آنها و قاطع و مقوی حرارت غریزی، بدن، پشت، کمر، معده، جگر، امعاء، کلیه و آلات منی و مسخن آنها است.^۱

شقاقل، بیخ زردک بیابانی است. در دوم گرم و تا حدی رطوبت دارد. ملین است و مربایش همقوت مربای هویج، شهوت انگیز است، بوزیدان را می توان به جای شقاقل به کار برد.^۲

شقاقل مصدع و مضر اشتها است و مصلحش عسل و مربای او با عسل است، آن مقوی ارواح و قوی و قدر شربتش تا پنج درهم و بدلس در تقویت باه به وزن او حب الصنوبر و بوزیدان است.^۳

تخم آن را دوقو گویند. آن را از سمرقند به اطراف برند و به هندی آن را کیرکاکول گویند. قوت شهوانی زیادت کند، شکم را نرم گرداند.^۴

بیخ یک بوته خاردار است، برگ آن مانند سرو ریزدار مثل نخهای ابریشم است. داخل زمین هر بوته تقریباً تا صد عدد بیخ دارد.^۵

حاج زین العطار آن را مثل گالن گفته است و از مصر آورده می شود و در آنجا این را شقاقل و شیرزه می گویند.

بعضی می گویند که این عین شقاقل است و بعضی مثل آن می گویند و جانب دیگر Caucais Daucoides را در انگلیسی Hens Claw می گویند که مشابهت به اسم عربی عروق البیض دارد.

برای تفصیل بیشتر بوزیدان در موقع Tanac Etum مراجعه شود. یک نوع دیگر شقاقل که در هند دیده شده رنگ قهوه ای خفیف است مانند خولنجان می ماند. ذائقه آن

۲- قانون در طب، ص ۳۱۳.

۴- ترجمه صیدنا، ج ۱، ص ۴۲۰.

۱- محیط انظم، ج ۲، ص ۱۲۴.

۳- نعهه حکیم، ص ۱۶۶.

۵- دلائله لغات الادویه، ص ۱۳۷.

شیرین و صمغی است، از حل کردن آب نرم می شود و مانند زنجبیل بریده می شود که از چین آورده می شود.^۱

در حب جالینوس با ادویه: برای مقوی باه، مقوی عام استعمال شده است.
 در حب غیر مومیایی: مقوی باه، دماغ، مقوی عام، زیاد کننده قوت مردانگی.
 در عرق غیر با ادویه دیگر: برای مقوی قلب، دماغ، جگر و غیره.
 در سیلاب کبیر: مغلظ منی، مقوی اعصاب، مقوی باه و جگر، مقوی عام با ادویه دیگر استعمال شده است.

در معجون پیاز: با خولنجان، زنجبیل، شقاقل مصری، شیر، شکر، به طور مقوی باه، مغلظ منی و غیره به کار می رود.

در معجون خور: برای مسکن.

در معجون راح المؤمنین: برای تنگی نفس، مسکن و غیره می باشد.

در معجون شیر با برگه: مقوی باه، مغلظ منی، ممسک، تقریباً در تمام معجونهای

مقوی، ممسک، مغلظ منی و غیره استعمال شده است.^۲

دوقو: تخم جزر وحشی

مشابه نانخواه است ولکن از آن کوچکتر و تندتر و در ذائقه، بوته آن از یک وجب تا دو وجب می شود. برگ آن مانند برگ بادیان و لکن از آن کوچکتر گل آن زرد رنگ، بیخ آن برابر انگشت چاق، در ذائقه مانند جزر می ماند. در هند و ایران می روید، مزاج آن گرم و خشک است، محلل بلغم و اورام، مفتح، منفث بلغم، مقوی معده، مقوی باه، کاسر ریاح، مدر بول و حیض. منفث سنگ گرده و مثانه، معرق، قاتل دیدان است، با غسل مقوی باه است. در امرا سد جگر و استسقای زیاد و در سرفه بلغمی مفید است و اورام بلغم را حل می کند.

نفع خاص: مدر بول و حیض، مضر: مزاج گرم، مصلح آن: کتیرا، بدل آن: تخم کرفس

۱- فارماکوگرافیا ج ۱۱، ص ۱۳۷.

۲- مصدر، ص ۲۸۷-۲۸۲-۲۸۲-۲۷۶-۲۷۶-۲۶۹-۲۶۲-۲۴۴-۱۹۹-۱۰۷-۹۸.

و تخم گزر، مقدار خوراک: از ۳ گرم تا ۵ گرم می باشد.^۱
در کتب فارسی با نامهای هویج وحشی، هشفیفل، ششقال و شفاقل نیز آمده است.

ترکیبات شیمیایی:

در هر یک صد گرم نوع اهلی شفاقل خام مواد زیر وجود دارد:
آب ۷۹ گرم، پروتئین ۱/۷ گرم، چربی ۰/۵ گرم، هیدراتهای کربن (قند و نشاسته) ۱۵
گرم، کلسیم ۵۰ میلی گرم، فسفر ۷۷ میلی گرم، آهن ۰/۷ میلی گرم.

خواص - کاربرد:

ریشه گیاه شفاقل از نظر طبیعت طبق نظر حکمای طب سنتی کمی گرم و تر می باشد
و از نظر خواص معتقدند که بازکننده انسداد مجاری عروق، مبهی و گرم کننده می باشد.
اشتها را کاهش می دهد و ممکن است ایجاد سردرد نماید از این نظر باید با عسل خورد
و مریای آن با عسل مضار آن را برطرف می کند.^۲

شکاعی

مشخصات:

به فارسی خار زن بابا، چرخه و به آذربایجانی بوقناق و در کتب طب سنتی شکاعی و
شوکه البیضا نام برده می شود.

گیاهی است دو ساله به بلندی ۲۰۰-۵۰ سانتی متر، ساقه آن مثلثی، پوشیده از تارهای
پنبه‌ای به رنگ سفید و آبی روشن است. تمام قسمت ساقه و شاخه‌ها بالدار است و در
کناره و نوک آنها خار وجود دارد. این گیاه در تبریز، اصفهان، اردبیل، کردستان، دامنه‌های
البرز، دماوند در ارتفاع ۲۶۴۰ متر از سطح دریا و در کندوان در کنار جاده‌ها و اراضی دور
افتاده و بایر می روید.

۲. معارف گیاهی، ج ۱، ص ۱۳۶.

۱. مخزن البفردات، ص ۱۹۰.

ترکیبات شیمیایی:

در دانه گیاه در حدود ۲۵ درصد مواد چرب وجود دارد.

خواص - کاربرد:

ریشه و میوه آن برای قطع خونریزی از سینه و مقعد مفید است و دم کرده آن برای بیماریهای معده، کبد و تبهای کهنه خصوصاً در مورد اطفال و جوانان مفید است. ریشه آن خونریزی را بند می آورد و ورم مقعد را از بین می برد و برای التیام زخم نافع است.^۱

شکران

مشخصات:

در ایران در محل رویش آن در بلوچستان با نامهای محلی پنیرباد، لاهانی بارو، چیل، لاکری و کپینگ شناخته می شود. در کتب طب سنتی یکی از انواع نامهایی که بیشتر مقرون به صحت است و به ریشه گیاه داده اند، بوزیدان است. ضمناً در بعضی کتب با نام عربی سم الغار و شکران نیز آمده است.

درختچه ای است به بلندی در حدود ۱/۵ متر و با شاخه های پوشیده از کرک های غددی و پولکی سفید، برگهای آن تخم مرغی یا نیزه ای پهن، نوک تیز یا گرد با قاعده باریک که با دمبرگ است. میوه آن داخل کاسه چسبناکی مخفی می باشد و تخم های آن داخل میوه قرار دارند.

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی گیاه دارای تعدادی آلکالوئید است که از آن استخراج می شود. برای استخراج آلکالوئید با مصرف ۴۵ درصد الکل، بیشترین درصد آلکالوئید

به دست می آید. از گیاه نیکوتین، سومنیفرین، سومنیفرینین، ویتانین، ویتانین و در آخر پزود و ویتامین جدا شده است.

خواص - کاربرد:

ریشه این گیاه در هند برای تقویت نیروی جنسی و به عنوان تونیک، مقوی و بازکننده انسداد مجاری عروق، مدر و مخدر مصرف می شود. ضمناً برای سقط جنین نیز کاربرد دارد. تخم آن خواب آور و مدر است و برای انعقاد شیر کاربرد دارد.^۱

شکم پاره

مشخصات:

نوعی از گیاه اسپرزه است. این گیاه یکساله با ساقه لخت کوتاه کمی پوشیده از کرک، کپسول میوه آن با خانه هایی که در هر خانه یک دانه قرار دارد. نامهای محلی این گونه در بلوچستان خاردانیچک، ایسابغول، شکم پاره و سنگ پاره می باشد.

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی دانه آن لعاب فراوان دارد و به علاوه دارای ۱/۱۶۸ درصد هولوزید پلاتنتوز است. از نظر خواص مشابه اسفرزه است و مانند اسفرزه در همان موارد مصرف می شود.^۲

شکر هنج

مشخصات:

به فارسی با نامهای خارخسک، شکر هنج و خار سوهوک، در مناطق مختلف ایران شناخته می شود. به عربی و در کتب طب سنتی حسک و تخم آن حسک دانه نامیده

۲- همان، ج ۶، ص ۳۴۵.

۱- معارف گیاهی، ج ۴، ص ۳۲۸.

می شود.

خارخسک گیاهی است یکساله علفی، خوابیده روی زمین و پوشیده از کرک یا تار ابریشم مانند، برگهای مرکب زوج شانهای با ۸-۵ جفت برگچه چسناک با بوی نامطبوع، برگ آن پهن شبنمی که روی برگ می افتند ترش و کمی گس، میوه آن گرد است. این گیاه در خرابه ها و نزدیک آبها و در بیشه ها می روید.

ترکیبات شیمیایی:

در میوه آن مقدار کمی در حدود ۰/۰۰۱ درصد از یک نوع الکالوئید، مقدار کمی اسانس روغنی فرار، مقداری روغن ثابت و رزین و املاح نترات یافت می شود. در گیاه و سرشاخه های آن ماده هرمان و در تخم آن هرمین یافت می شود.

خواص - کاربرد:

در چین از گیاه خارخسک به عنوان قابض، سقط کننده جنین، قاعده آور، ازدیاد کننده ترشح شی (هاو)، افزایش دهنده نیروی جنسی، مدر (ایشی دویا)، ضد جانور انگل شکم (رید)، تونیک (ابرت) و بند آورنده خونریزی استفاده می شود (پتلو). از میوه و تخم آن برای معالجه آبسه ها، زخمها، اسهال خونی، قطع انواع خونریزها و همچنین به صورت غرغره برای معالجه التهاب و برفک دهان استفاده می کرد.^۱

شکر پاره یا زردآلو

مشخصات:

به فارسی انواع آن را زردآلو، شکر پاره، قیسی و در کردستان مشمش نامند و خشک کرده آن را برگه زردآلو و برگه قیسی و خوبانی گویند. در کتب طب سنتی قدیم با نام مشمش آمده است.

درخت زردآلو به بلندی ۴-۶ متر با تاج کروی است. پوست تنه آن در جوانی ظریف به رنگ سبز مایل به قهوه‌ای پس از آن در سنین پیری و در درختان کمی به رنگ مایل به قرمز درآمده و ترکهای محسوسی می‌خورد. میوه آن در گونه‌های وحشی کوچک است در انواع پرورش یافته نسبتاً درشت خوش طعم، شیرین، کروی شکل کمی تخم مرغی و گوشت آن را به رنگ زرد روشن و در داخل آن هسته‌ای قرار دارد که دارای پوست سخت خشبی ولی بر خلاف هلو صاف است و معمولاً در اغلب ارقام به گوشت نمی‌چسبد.

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی در مغز هسته زردآلو وجود روغن چرب و روغن اتری با اتریال اوئل و چند آنزیم و آمیگدالین گزارش شده است و در میوه زردآلو لیکوپین و آلفا-کاروتن و ویتامین A یافت می‌شود. در هر یکصد گرم گوشت شیرین زردآلو مواد زیر وجود دارد.

آب ۸۵ گرم، هیدراتهای کربن ۱۲ گرم، پروتئین ۱ گرم، خاکستر ۰/۷ گرم، کلسیم ۱۷ میلی‌گرم، فسفر ۲۳ میلی‌گرم، آهن ۰/۵ میلی‌گرم، سدیم ۱ گرم میلی‌گرم، پتاسیم ۲۸۱ میلی‌گرم، ویتامین ۸ ۲۷۰۰ واحد بین‌المللی، ویتامین C ۱۰۰ میلی‌گرم، تیامین ۰/۳ میلی‌گرم، رایبوفلاوین ۰/۴ میلی‌گرم، نیاسین ۰/۶ میلی‌گرم و مقدار زیادی منیزیم.

خواص - کاربرد:

کاربرد زردآلو در مناطق خاور دور، طبق آنچه که در مدارک علمی طب سنتی منتشره در مغرب زمین آمده است: در کره از مغز هسته آن به عنوان داروی سینه و معالجه خشکی حلق و گلو استفاده می‌شود و برای بیماریهای ورم حنجره (لارنژیت) و بیماریهای ریه و آبسه‌ها به کار می‌رود. زردآلو از نظر طبیعت طبق نظر حکمای طب سنتی سرد و تر است و شیرین آن کمی گرم می‌باشد. از نظر خواص آن، بازکننده گرفتگی‌های مجاری عروق و نرم‌کننده سفتی‌ها می‌باشد.

شکر

منصور بن یونس گوید: شنیدم موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: سه چیز ضرر ندارد،
انگور رازقی، نی شکر و سیب لیتانی.^۱

باز فرمود: قصب السكر یفتح السدد و لا داء فیہ و لا غائلة. یعنی: نیشکر بندها را باز
می کند و در آن درد و ناراحتی نیست.^۲

جمیل بن دراج از زراره و او از امام باقر علیه السلام که فرمود: ای زراره مردم چقدر از فضیلت
شکر طبرزد (سفید) غفلت دارند شکر به هفتاد درد شفاست، بلغم را می خورد و از
اصلش می کند.^۳

امام علیه السلام می فرماید: اگر تب دار ۶ مثقال شکر با آب سرد ناشتا بخورد تب را می برد.^۴
علی بن نعمان از بعضی از یاران خود می گوید: با امام صادق علیه السلام از درد شکم شکایت
کرد آن حضرت فرمود: وقتی در رختخواب خود استراحت کردی شکر بخور، گوید
خوردم و خوب شدم.^۵

عن جمیل بن دراج عن زرارة عن ابي جعفر الباقر علیه السلام قال: و يحك یا زرارة ما اغفل
الناس عن فضل سکر الطبرزد و هو یتفع من سبعین داء و هو یاکل البلغم أكلاً و یقلعه
بأصله.^۶

و عنه، علیه السلام قال: یاخذ للحمی وزن عشر دراهم سکرأ بماء بارد علی الریق.^۷

عن علی بن نعمان، عن بعض أصحابنا قال: شکوت إلى ابي عبد الله علیه السلام الوجع فقال:
إذا أريت الی فراشک فکل سکرین قال ففعلت فبرئت.^۸

عن ابي الحسن الرضا علیه السلام: أو عن حدثه عنه، قال: السکر الطبرزد یاکل البلغم أكلاً.^۹
عن الصادق علیه السلام قال: لیس شیء أحب الی من السکر.^{۱۰}

قال ابو عبد الله: لئن کان الجبن یضر من کل شیء و لا یتفع من شیء فان السکر یتفع من

۱- خندان، ص ۱۴۴. ۲- مکرم الاخلاق، ص ۱۹۱. ۳- طب الاثنا، ص ۶۶.

۴- مکرم الاخلاق، ص ۱۹۱. ۵- همان.

۶- طب الاثنا، ص ۶۶؛ بحار، ج ۶۶، ص ۳۱۰. ۷- مکرم الاخلاق، ص ۱۹۱.

۸- کافی، ج ۶، ص ۳۳۳. ۹- معانی، ج ۲، ص ۵۰۱. ۱۰- همان، ص ۵۰۱.

کل شیء ولا یضر من شیء.^۱

فقال أبو عبدالله علیه السلام: ان أول من اتخذ السكر سلیمان بن داود.^۲

عن موسی بن بکر قال: كان أبو الحسن الأول علیه السلام كثيراً ما يأكل السكر عند النوم.^۳

منافع شکر:

امام رضا علیه السلام فرمود: شکر طبرز (سفید) بلغم را می خورد، خوردنی عجیبی است.^۴

جعفر بن محمد علیه السلام فرمود: محبوبترین چیز نزد من شکر است.^۵

امام صادق علیه السلام فرمود: نخستین کسی که شکر را به دست آورد حضرت سلیمان بن

داود علیه السلام بود.^۶

مردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: من مردی شاک هستم، فرمود: شکر سلیمانی

بخور.^۷

امام صادق علیه السلام فرمود: اگر جبن (بنیر) بر همه چیز ضرر دارد و نفع ندارد شکر بر همه

چیز نفع دارد و ضرر ندارد. موسی بن بکیر گوید: ابوالحسن الاول (موسی بن جعفر علیه السلام)

بیشتر موقع خواب، شکر می خورد.^۸

بشیر نبال گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: مریض ها را با چه چیز مداوا می کنید،

گفتم: با این داروهای تلخ، فرمود: وقتی که یکی از شما مریض شد شکر سفید را کوبیده

و آب سرد رویش بریزید و به مریض بخورانید، کسی که در تلخی ها شفا قرار داده در

شیرینی هم قرار می دهد.^۹

۱- دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۱۱؛ کافی، ج ۶، ص ۳۳۳.

۱- همان

۲- دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۱۱.

۴- همان.

۳- معائن، ج ۲، ص ۵۰۱.

۸- معائن، ص ۵۰۰.

۷- مکرم الاخلاق، ص ۱۹۱.

۶- کافی، ج ۶، ص ۳۳۳.

۹- معائن، ص ۵۰۰.

شکر و نیشکر

ابوعلی سینا می‌فرماید: نیشکر با شکر هم مزاج و از شکر نرمی بخش‌تر است. عموماً شکر در آخر اول گرم‌وتر است و گرمی در شکر طبرزد کمتر است. شکر کهنه در اول تر ولی گرایش به سوی خشک مزاجی دارد و تا کهنه‌تر شود این تعادل به خشکی بیشتر شود.

خواص:

نرم‌کننده، زداینده و شستشو دهنده است. شکر سلیمانی و بویژه قند مکرر (بایند) و گزانه‌گین نی شکر نرمی بخش است. در زدودن و پاک نمودن، شکر از عسل کمتر نیست و هر چقدر کهنه شود لطیف‌تر می‌گردد. سینه را نرمش دهد و زبری را می‌زداید. تشنگی آور است، هر شکری و بویژه آنچه بر بالاییهای نیشکر نشیند توگویی نمک است، اسهال آور است و شکر و روغن بادام در علاج قولنج مفید است.^۱

شکر هر قدر که سفید زیاده باشد در گرمی کمتر بود و شکر سرخ گرمی زیاده و قریب به عسل، شکر طبرزد و مروارید و سرگین سوسمار جهت سلاق و جرب مجرب و چون بدان تبخیر نمایند زکام را قطع کند و آن جهت امراض صدر و ریه و تنقیه آنها از اخلاط غلیظه و تسکین سرفه نیکو است و خصوصاً سلیمانی، تلین سینه و ازاله خشونت آن کند.^۲

شکر؛ عصیر شیرینی که از چغندر قند یا نیشکر گیرند و از آن قند و نبات و انواع شیرینی سازند و برای شیرین کردن چای و مواد دیگر به کار برند.^۳

نیشکر

نیشکر؛ اسم فارسی است، به عربی قصب السكر و به هندی گنه و کانده نیز می‌گویند و آن نباتی است معروف که بر روی زمین بلند می‌شود و ساق آن ذات انابیب مصمت،

۲- محیط اعظم، ج ۲، ص ۱۲۸.

۱- قانون در طب، ج ۲، ص ۲۵۲.

۳- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۲۰۵۷.

برگ آن مثل برگ نی و انانیب آن متقارب العقه و همه مملو به رطوبت شیرین و عصیر آن به عربی عسل القصب نامند و طبخ داده و از آن شکر به اقسام می سازند و آن سه نوع دیده شده: یکی سرخ باریک صلب و دوم سیاه سطر و سوم سفید و این اقسام می باشد از نرم، نازک، شاداب، شیرین و صلب کم آب کم شیرین و بهترین نیشکر آن است که بسیار شیرین و آبدار باشد و نیز رازی گفته که: آن گرم به اعتدال است و مدر بول و نافع سرفه است.^۱

گیاهی دارای ساقه های بنددار به طول دو تا پنج متر که ماده قندی ساقه گیاه نیشکر را از ناحیه مجاور زمین قطع می کنند و به شکل قطعات کوچک در می آورند و آن را فشار داده شیرۀ آن را می گیرند و می بزند و تصفیه می کنند تا شکر یا قند نیشکر از آن به وجود بیاید.

استاد پورداد در کتاب «هرمز نامه» شرح مفصلی در باره تاریخچه نیشکر نوشته که اصل و لفظ نیشکر را هندی می داند ولی در نوشته های جالینوس که از دانشمندان یونان قرن دوم میلاد مسیح بود دارویی از نیشکر به چشم می خورد. آن را به فارسی نیشکر، عربی: قصب السكر گویند.

برای استخراج قند، ساقه گیاه را از ناحیه مجاور سطح زمین قطع می نمایند و پس از جدا کردن برگ و قسمت های انتهایی ساقه که واجد مقدار کمی ساکارز همراه با گلوکز است، بقیه را به قطعات کوچک تقسیم می کنند و بلافاصله آنها را در دستگاههای فشار که از ۳ استوانه چوبی سیاردار تشکیل می یابد، قرار داده، شیرۀ را خارج می سازند. امروزه از دستگاه جدید که شامل استوانه های فلزی است استفاده می کنند. عمل این استوانه ها طوری تنظیم گردیده که هر یک خلاف جهت دیگری حرکت می نماید.

شیره خارج شده که Vezou نامیده می شود، دارای لا اقل ۲۰ درصد ساکارز است و باید صاف گردد. برای این کار مواد آلبومینوئیدی آن را با حرارت از بین می برند و در عین

۱- سطح اسط. ح ۴، ص ۱۱۸۰ قرابادین کیر، ص ۳۳۵؛ فرهنگ داروهای ص ۳۰۲؛ تحفه حکیم، ص ۲۰۷؛ ابن بیطار، ح ۴، ص

حال، محیط را با افزودن مقدار کمی شیر آهک، خنثی می‌کنند سپس کف سطح شیره را خارج می‌سازند. شیره ساقه و برگ گیاه مذکور از یک لایه ضخیم موم پوشیده شده است که به صورت میله‌های باریک، به وضع عمودی بر روی بشره مشاهده می‌گردد. موارد استعمال:

قند، علاوه بر آنکه به صور مختلف و در اغذیه مصرف می‌گردد، در عده زیادی از فرآورده‌های دارویی به منظور خوش طعم نمودن آن وارد می‌شود. ضمناً اثر ضد سم املاح مس و سرب را نیز دارد. زراعت نیشکر در ایران معمول است.^۱ یک نوع شکری به نام گُر که آن را در فارسی و در لسان طبی قند سیاه می‌گویند و در انگلیسی Gagery می‌گویند آن از نیشکر شیره درست کرده به طور محلی درست می‌کنند رنگ آن سرخ است. مزاج گرم دو درجه و تر دو درجه و قدیم آن گرم و خشک می‌باشد. مقدار خوراک آن از ۴۸ گرم تا ۷۲ گرم است، مسمن بدن است، ملین و دافع تعفن است. بلغم را صاف می‌کند، در سرفه و ضیق النفس و درد سینه مفید است، آن را قوام و معجون درست کرده عوض غسل استعمال می‌کنند.^۲ مصلح آن:

زنجفیل و فلفل سیاه است و با نمک هم‌وزن مخلوط کرده و در زمین دفن می‌کنند بعد از مدتی برای علاج سرفه استعمال می‌کنند. کمی در گوش انداختن گوش را زود می‌پزد، بعضی از نویسندگان شکر را گرم دو درجه و خشک یک درجه دانسته‌اند، برای مسلول و گرم مزاج مضر است. مصلح آن آب انار، بادام، تباشیر و شیر است. بدل آن شکر محلی و عسل می‌باشد. نفع خاص:

قوت دهنده جگر و ارواح می‌باشد و مورث خون صالح، دافع خلط سوداوی می‌باشد. عضلات و باه را قوت می‌دهد، با روغن بادام گرفتن صدا و قولنج سر را مفید است، دافع سرفه و عسر البول است، زخم را صاف می‌کند، با قطران و سندروس و

۲- کتاب البغوات، ص ۴۰۵.

۱- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۳، ص ۲۹۱.

نوشادر و گوگرد برای برص استعمال می کنند.^۱ و شکر مطلق از شکر نی مقصود است و قند سیاه خستلای جماع زایل می کند، ورم را تحلیل می کند.^۲

در طب اسم طبی قند سیاه را Molasses گفته اند و در بعضی نسخه ها برای قوت و امراض سینه و دردهای عضلات و مفاصل استعمال کردند و آب شکر نی با آبهای میوه برای قوت و نقاهت و اعصاب استعمال می شود و نیز سرکه ای از آب نیشکر درست می کنند که با عرق لیمو و شکر سفید و جوهر لیمو آن را مخلوط کرده سکنجبین درست می کنند که برای رفع تشنگی، قی، مرضهای تب داده می شود و نیز شکر ماده مهم و خاص در درست کردن سکنجبین که شکر با سرکه درست می شود و آن اثر طبی با اثر سرکه بیشتر نافع می گردد.^۳

از شعر:

شکر هندوستان و شکر مازندران هر دو شیرینند

اما این کجا و آن کجا

در می آید که در مازندران نیشکر وجود داشته که متأسفانه گذشت قرنهای تاریک شکر این منطقه را به دست فراموشی سپرده است. ما از وزارت کشاورزی و محققین وزارت بهداشتی می خواهیم که بار دیگر این جویبار به جریان بیفتد و از این راه کمکی بر اقتصاد کشور اسلامی ما بشود.

خوراک آن نافع برفک دهان بچه است عصاره آن را در پارچه ای تمیز ریخته و در دهان بچه بگذارند تا بمکد. خوراک آن با تخم نیلوفر مسهلی قوی است، نیز با سیر دافع کرم معده است. گذاشتن آن بر درد دندان از گرمی مفید است. چکاندن عصاره آن با زهره گاو قاتل و دافع حیوان در گوش است، مالیدن آن با روغن بادام نافع عرق سوز بدن و سوختگی از آفتاب است. خوراک آن با آب لیمو نافع نب شدید است و با زنجبیل و دار الفلفل مقوی باه است.^۴

۱- معجم المفردات، ص ۱۹۱ و ۲۳۷.

۲- معجم المفردات، ص ۳۲۱-۲۵۴.

۳- حکیم اسفندیاری

۴- مفردات، ص ۱۹۹-۱۶۶-۱۰۱-۹۴-۹۵.

شکر استبرق یا سکر العشر

مشخصات:

گیاه استبرق به طور کامل در بخش «الف» تحقیق شده است. آیات و روایات در آن موجود می باشد. (سوره کهف، آیه ۳۱؛ سوره دخان، آیه ۵۳؛ الرحمن، آیه ۵۴).

شکر استبرق را به عربی شکر العشر می گویند و شکر العشر را گزانگبین استبرک می گویند.

شکر استبرق، گزانگبینی است که بر استبرک می نشیند و شبیه بلورهای تمک می باشند. با اینکه مزداش شیرین است ولی کمی گسی و تلخی در آن حس می شود. گز استبرک یمن سفید است و آنچه سوغات حجاز است سیاه رنگ می باشد.^۱

شکر استبرق شبنمی است که بر درخت استبرق می نشیند و شبیه به پاره های نمک می باشد. نوع سفید آن را یمنی و سیاه آن را حجازی و میوه آن را سخرفع نامند. بهترین آن نوع یمنی است که ابتدا به ذائقه شیرین می باشد و دهان را جمع می کند و بعد از آن احساس تلخی می شود. نوع حجازی آن کمتر از نوع یمنی است. مؤلف «اختیارات بدیعی»، تصریح نموده که سکر العشر، شکر تیغال است ولی اشتباه آن واضح است چون گیاه آن از درختان بیابانی و پر شیر است به اندازه ای که از قطع یک درخت آن بیش از یک رطل شیر به دست می آید و بیشتر از دو درهم آن چون شش و جگر را مجروح می کند، کشنده است.

شاخه های آن بسیار دراز و باریک، برگ آن نرم و در بعضی جاها پهن و به اندازه برگ ارغوان است که مشابه آن در بلاد کرمان یافت می شود، برگ آن در بعضی بلاد باریک و گل آن بنفش یا مایل به زردی و شبیه به گل خرزهره و میوه آن شبیه به انجیر و بسیار بزرگ و داخل آن شبیه به پرز حریر و پنبه و خیلی نرم است.^۲

احمد بن داود گوید: در برگها و گلهای استبرق شکری وجود دارد که مردم آن را جمع

می‌کنند و در آن نندی و تیزی می‌باشد.^۱

مزاج: مزاج آن در درجه اول گرم و خشک است و ابن تلمیذ آن را معتدل و لطیف دانسته است، ولی برگ و شاخه آن در درجه سوم گرم و خشک است.

خواص:

انواع آن مفتوح، مقوی جگر و ریه، جلا دهنده و نرم کننده جهاز تنفسی است. نیز نافع درد سینه، سرفه، معده و امراض جگر، کلیه، مثانه و زخم شش می‌باشد. با شیر شتر نافع استسقاء و با شیر گوسفند نافع سرفه، بهتر از روغن فاونندی است و استعمال آن با آب گرم به مقدار یک اوقیه هر روز به مدت یک ماه نافع تنگی نفس می‌باشد. سرمه کشیدن با آن جهت قوه بینایی و سفیدی چشم مفید است. مقدار خوراکش یک اوقیه و قوتش تا سه سال باقی است. مالیدن پخته آن در روغن زیتون جهت فلج، تشنج، سستی و ساییده برگ خشک آن جهت زخمهای بد، خوره، چرک، خشکانیدن زخمها و بردن گوشت زیادی مفید است. گذاشته پنبه میوه تازه آن بر زخمها بند آورنده خون است و جهت رویش گوشت نو مفید می‌باشد. شیر آن رافع کچلی، قویا و سعفه است و در اصلاح فلزات در طب مستعمل می‌باشد. محمد بن احمد بن زکریا گویند: که در ظرف سفالی که شیر آن را جمع کرده بودم و بعد از آن، ظرف را مکرر با آب گرم و اشنان شسته بودم جمعیت زیادی که از آن ظرف آب خورده بودند، هلاک شدند. آ شیر استبرق مسهل است، ابن سینا می‌گویند: آن ضعیف کننده روده‌ها است ولی مالیدن آن برای اگزما و دملها (قویا) مفید است. اسحاق بن سلیمان گویند: سرمه کشیدن با آن نافع سفیدی در چشم می‌باشد. خوراک یک اوقیه آن به مدت ۳۵ روز با آب ولرم نافع تنگی نفس می‌باشد. مضر گرم مزاجها است و مصلحش روغن بادام می‌باشد. بعضی اطباء شکر تیغال را مشابه سکر العشر می‌دانند.^۵

۱- نعه حکم، ص ۱۵۱.
۲- ابن بیطار، ج ۲، ص ۲۳.

۱- الجامع المفردات الادویه، ج ۲، ص ۱۳۳.
۲- الجامع المفردات الادویه، ج ۲، ص ۱۳۳.
۳- نعه حکم، ص ۱۵۱.

شمعدانی عطری

مشخصات:

به فارسی شمعدانی عطری و برگ عطر و در کتب قدیم فارسی با نامهای قیطران، قیطران مشک و مُسبکه آمده است.

گیاهی است یکساله و دو سازه کم و بیش پوشیده از کرک و بسیار معطر. بلندی ساقه آن ۴۰-۱۰ سانتی متر، گل‌های آن به رنگ قرمز ارغوانی و به طور گروهی از ۷-۸ گل به صورت چتر در انتهای یک دمگل قرار می‌گیرند. این گیاه در بوشهر و در شوش بین دزفول و شوشتر و بین شوش و دهلران به طور خودرو دیده می‌شود.

خواص - کاربرد:

از نظر خواص دارویی از تنطوری گیاه در آفریقا برای معانجه اسهال خونی می‌خورند.^۱

شمعدانی روبرت

مشخصات:

از انواع شمعدانی‌های وحشی است که در کتب طب سنتی با نامهای «عطر» و «ابرة الراعی» نام برده می‌شود.

گیاهی است علنی، یک ساله، برگ‌های آن پهن پنجه‌ای با بریدگیهای عمیق که بکلی برگ را به چند برگچه تقسیم می‌کند و دنداندار است. در ایران در مناطق مرطوب قره‌داغ (جنگل حسن بیگلو)، شمال لوشان، اطراف رشت و در گرگان در بندرگز، در مازندران در دره چالوس، در لرستان در شهبازان و بیشه دیده می‌شود.

ترکیبات شیمیایی:

در گیاه الاجیک اسید، ماده تلخ ژرانیین وجود دارد.

خواص - کاربرد:

در هند از این گیاه به عنوان قابض و برای بند آوردن خونریزی استفاده می شود. ضماد آن را روی تومورها و زخمها می گذارند برای خرد کردن سنگ و کاهش تب بخصوص تبهای نوبه و زردی به کار می برند. دم کرده آن به صورت غرغره برای تسکین درد گلو و کاهش ورم مخاط دهان و ورم بسیار نافع است.^۱

شمع

مشخصات:

درختچه ای است که در بندرعباس شامخ، شمع و در بلوچستان کلیریم و کرم کش نامیده می شود. در عراق آن را دقله گویند.

درختچه ای است پر شاخه و بالا رونده، شاخه های آن نرم و صاف است. برگهایش باریک، گلها با دمگل خیلی کوتاه، میوه آن گوشنی کروی یا تخم مرغی است. این درختچه در سواحل دریای عمان در اطراف بندرعباس و در ذالکی فارس و چاه بهار دیده می شود.

خواص - کاربرد:

در هندوستان و در بلوچستان شاخه ها و برگها و گلهای این گیاه را سرخ و خشک کرده و ساییده و به صورت گرد در می آورند و روی زخمهای خشک و جراحتهای می ریزند. برای کنستن انگلها و کرمهای ریز نظیر کرم گوشت و کرم پنیر مفید است.^۲

۲- معارف گیاهی، ج ۶، ص ۲۷۵.

۱- معارف گیاهی، ج ۷، ص ۳۰۷.

شمشاد

مشخصات:

به فارسی شمشاد، کیش، و شمشاد وحشی جنگلی گویند و در کتب طب سنتی به نادهای بقس و شجرة البقس آورده شده است. در آستارا شمشاد و شومشاد، در گیلان و طوالش کیش و در رامسر و شهسوار شوشاد و تسی شار می گویند. شمشاد برای کاشت و تزیین در باغبانی انواع متعددی دارد که معمولتر از همه، شمشاد پاکوتاه است که برای حاشیه‌ها به کار می‌رود.

شمشاد وحشی درختچه‌ای است که در خارج از جنگلها و در شهرها بلندی آن کم و ۱-۲ متر و در جنگلهای شمال و مناطق مناسب ۵-۶ متر می‌باشد. دارای شاخه‌های متشعب، برگهای آن سبز سیر چرمی بیضی نوک‌تیز، میوه آن پوشینه کوچک که دانه‌هایی به رنگ سیاه در آن قرار دارند.

ترکیبات شیمیایی:

در برگ و پوست ریشه شمشاد وحشی علاوه بر اسانس و صمغ، چهار آلکالوئید به نامهای بوکسین، پارابوکسین، بوکسی نیدین و بوکسی نامین مشخص شده است. بوکسین به صورت بلورهای بی‌رنگ و محلول در آب به دست آمده است که برای درمان تبهای نوبه‌ای به‌طور مؤثر تجویز می‌شود.

شمشاد رسمی

مشخصات:

شمشاد رسمی یا شمشاد ژاپنی: این گونه در برخی از کتب طب سنتی گوشوارک ژاپنی نیز نام برده‌اند. این درخت بومی در چین و ژاپن موجود است و سالهاست که از

خارج به ایران وارد شده و در شهرها معمولاً آن را برای تزیین می‌کارند.
درختچه‌ای است همیشه سبز و ناخزان که اگر در پناه درختان دیگر کاشته شود از آنها بالا می‌رود و شاخه‌های خود را تا چند متر داخل تاج درختان همجوار وارد می‌کند.
برگهای آن ضخیم جرمی براق به رنگ سبز چمنی به طول ۳-۷ سانتی‌متر، تکثیر این شمشاد نیز از طریق کشت قلمه آن صورت می‌گیرد.

دو وارینه آن در ایران عبارتند از:

الف) شمشاد ابلق زرد که قسمتی از برگهای آن زرد طلایی است ولی انشعابات آن گاهی سبز می‌شود و به گونه اجدادی برمی‌گردد.

ب) شمشاد ابلق سفید که برگهای آن سبز خاکستری با حاشیه‌ای سفید است.

شمشاد نعنایی

مشخصات:

درختچه‌ای است زیبا، به ارتفاع متوسط ۱/۵ متر که در بعضی نواحی به ارتفاع ۶ تا ۷ متر نیز می‌رسد. نمونه‌ای از آن در قفقاز وجود دارد که ارتفاعی برابر ۱۶ متر و تنه‌ای به قطر ۵۰ سانتی‌متر دارد.

شمشاد نعنایی که دارای برگچه‌های کوچک و سبز تیره است، درختچه‌ای است پاکوتاه و خیلی شبیه شمشاد جنگلی است که معمولاً برای حاشیه گل‌کاریها استفاده می‌شود.

عربی بقس،

یونانی: بقسین، بقسیون.

سانسکریت: اشوکها، آشوکهم، آشوک، گرن پورک، شوک ناش و اسمهای مختلف

زیادی دارد.

هندی: اشوک، پاپری، آساپالا.

یک درخت هندی است، برگ آن مانند برگ انبه و مقداری از آن درازتر، میوه آن قالمه است. در مزه تلخ و بعد از پختن سیاه می شود.

ملاحظه: در حاشیه کتاب نوشته شده که اسم شمشاد در لاتینی *Buxus sempervirens* است و مثل بالا که گفته شد به نام اشوک آن را شیء دیگر گفته اند.^۱

درختی است از راسته دو لپه‌ایهای جدا گلبرگ که تیره خاصی به نام تیره شمشادها را به وجود می آورد. تیره شمشادها جزو تیره‌های بسیار نزدیک به فریونیان است. برگهای دارای ماده سمی مسهلی است. درخت مذکور در همه جنگلهای شمالی ایران فراوان است و به عنوان زینت هم در باغها و باغچه‌ها کشت می شود و بقس، عشق، شمشاد اناری، شمشاد نعنای: شمشاد فرنگی، شجرة البقر و شمشاد باغی نامیده می شود.^۲

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی در شیدشیر در تمام اعضای درخت ماده اوونی مین وجود دارد.

برگ و مخصوصاً پوست ریشه این درختچه دارای مواد رزینی، بکتیکی و آلکالوئیدهای مختلف نظیر بوکسین، پارابوکسین، بوکسی نیدین، پارابوکسی نیدین، اسانس، صمغ و غیره است.

خواص درمانی:

چوب و پوست این درختچه دارای اثر قاطع معرق، تصفیه کننده خون، تببر و صفرابر است. برگهای آن اثر مسهلی دارد ولی باید توجه داشت که هیچ یک از فرآورده‌های این درختچه به مقادیر زیاد مصرف نگردد، زیرا ایجاد مسمومیت می کند. عده‌ای از پزشکان، بیماران مبتلا به روماتیسم‌های مزمن و نقرس را با جوشانده این گیاه معالجه می کردند و به علاوه از آن در رفع عوارض سیفلیس، نتایج مفید به دست

۱- لاتین لغات الادویه، ص ۳
 ۲- درمنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۲۰۷۵.

می آورند.

دم کرده یا جوشانده ۳۰ تا ۶۰ در هزار برگ یا پوست و یا چوب آن به مقدار یک فنجان قبل از هر غذا با گرد برگهای خشک گیاه به مقدار ۲ تا ۴ گرم مخلوط با عسل به عنوان ملین یا به صورت دم کرده های معطر به عنوان تب بر در آغاز بیماری مصرف می شود.

کلیه قسمت های گیاه به خصوص میوه آن مسهل و ملین و قوی آور است. در چین از برگهای شمشاد رسمی یا شمشاد ژاپنی برای کمک به زایمانهای سخت استفاده می شود. در شمشاد ژاپنی بیشتر پوست درخت مورد توجه است و از جوشانده پوست آن برای داروی ضد روماتیسم استفاده می شود.^۱

شمشاد را به یونانی بقسین و به عربی بقس و به هندی پاپری گویند و آن درخت بزرگی است. گویند که جمیع اجزای درخت سرد در دوم و خشک در سوم است. برگ آن برای حیوانات، مخصوصاً شتر سم است. ضماد آن با حنا بر سر جهت تقویت مو و دفع سردرد مفید است و ضماد آن با سفیدی تخم مرغ و آرد گندم جهت استحکام مفاصل و مالیدن پخته برگ شمشاد جهت خروج مقعد مجرب است.

تخم آن قابض و خشک کننده رطوبت های معده و روده است و قطع کننده ریزش آب از دهان می باشد البته برای سه روز و هر روز یک مثقال با آب و شکر خورده شود.

عرق شکوفه شمشاد در تقویت دل و مغز قویتر از عرق بهار نارنج است و چون از چوب آن شانه بسازند مو را تقویت کند و فساد آن را دفع کند. صاحب جامع گفته: از خاصیتش آن است که چون میوه آن خورده شود منع حمل نماید. مقدار خوراک تخم تازه آن که دانه بیرون کرده باشند تا یک اوقیه و از خشک آن سه مثقال است.^۲

در کتاب «تحفه حکیم» علاوه بر خواص فوق مزاج آن را در دوم گرم و خشک و در «قرابادین کبیر» گرم و خشک و سرد نوشته است.

۱- معارف گیاهی، ج ۳، ص ۱۱۳.

۲- محیط علم، ج ۲، ص ۱۳۴، تحفه حکیم، ص ۱۵۱ (قرابادین کبیر)، ص ۱۱۹.

تهیه اجزای گیاه:

شاخه‌ها و پوست ساقه را از درخت جدا کرده، برگهای آن را بلافاصله بعد از شکستن می‌چینند. این کار به تناسب شرایط اقلیمی در ماههای فروردین و اردیبهشت انجام می‌شود. این اجزای گیاه را یا در همان موقع مصرف می‌کنند یا اینکه در سایه خشک کرده نگه می‌دارند. معمولاً گیاهی را انتخاب می‌کنند که از محل زندگی انسان و آلودگی هوا به دور باشد.

صور دارویی:

دم‌کرده: مقدار پنج تا ده گرم از پوست، برگ و چوب شمشاد را در یک لیتر آن دم کرده، جهت تصفیه خون یک فنجان از آن را در سه روز می‌نوشند. نیز جوشانده ترکیب فوق با همان مقدار مصرف به عنوان معرق و ضد تب به کار می‌رود.^۱

مسمومیت:

استعمال زیاد و بی‌رویه فرآورده‌های این گیاه، ایجاد حالت قی، اسهال، ورم معده و روده، ضعف قوا، تشنج، اختلالات تنفسی و احتقان ریوی می‌نماید و در نتیجه مرگ بر اثر خفگی پیش می‌آورد.

شمامه

نوع دیگر دستنبو یا دست انبویه است که در بعضی از مناطق غرب ایران شمامه گفته می‌شود. پوست آن مخطط است و معطر می‌باشد. در یک تحقیق جانب جدید که توسط پژوهشگران آرژانتین و آلمانی به عمل آوردند نشان داده شد که طالبی درست در ردیف پیاز و سیر و زنجبیل خاصیت ضد انعقاد خون دارد. ماده شیمیایی ضد انعقاد خون در طالبی را محققان با نام آدنوزین تشخیص دادند.

پلاتنتها عامل بسیار مهم بند آمدن خون و انعقاد خون هستند و اگر تعداد آنها خیلی بیشتر از حد نرمال شود علائم بیماری می باشند که باید درمان شوند. دانشمندان این خاصیت طالبی را مدیون مقدار زیادی مواد شیمیایی ضد سرطان کاروتنوئید که در طالبی یافت می شود، می دانند.^۱

شمار - رازیانه

مشخصات:

در کتب طب سنتی با نام رازیانج نام برده شده است. در ایران در مناطق مختلف رازیانه و بادیان سبز گفته می شود. به لغت رومی کهن «شمار» و به عربی «شمر» نامند. رازیانه گیاهی است علفی یکساله و دو ساله که ارتفاع آن تا ۱/۵ متر می رسد. ساقه آن دارای شیارهای طولی موازی است. برگهای آن با بریدگی عمیق به طوری است که برای تبدیل به نخها می شود. دمبرگها در نزدیک ساقه حالت غلاف پیدا می کند، گلهای آن زرد و به صورت چتر گروهی در انتهای شاخه گل دهنده ظاهر می شود.

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی تخم آن دارای یک اسانس روغنی فراز است که قسمت عمده آن آنتول (در حدود ۶۰ درصد) است و به علاوه اسانس رازیانه دارای قند، لعاب، مقدار کمی تانن، روغن ثابت لیماراز و همچنین مواد فنچون، فلاندرن، لیمونن، دیپنتن، کامفن پینن، متیل چاویکول، انیسیک اسید، تیموهایدروکینون، انیستون و سرانجام ویتامین A می باشد.

خواص - کاربرد:

به طور کلی تخم رازیانه معطر، محرک و مقوی معده و بادشکن و قاعده آور است.

برگهای آن مدر و ریشه آن ملین و مسهل است و روغن تخم آن کرم کنس و ضد انگل است. رازیانج از نظر طبیعت طبق نظر حکمای طب سنتی نسبتاً گرم و خشک است. تخم آن گرمتر از برگ آن و ریشه آن گرمتر از سایر اعضای گیاه است.^۱

شمل

مشخصات:

درختچه کوچکی است نقره‌ای رنگ که بومی مناطق جنوبی ایران و بلوچستان می‌باشد. نام محل آن در بلوچستان شمل است. از بوگهای آن نیل، و سسه و رنگ سیاه استخراج می‌کنند.

خواص - کاربرد:

ریشه برگهای آن تلخ و تونیک و دانه‌ای آن کرم‌کش است. دکتر شلیمر معتقد است که جوشانده برگ نیل در موارد مسمومیت تریاک، قی آور بسیار مؤثری است و تخم گیاه داروی مؤثری در مورد بیماری نزول آب سیاه ناقص در چشم یا برای آغاز نزول آب سیاه تام در چشم مؤثر است.^۲

شلیل

گونه دیگری از هلو، شلیل نامیده می‌شود. از نظر خواص شبیه هلو می‌باشد. این میوه تاکنون به صورت بومی و خودرو در ایران دیده نشده است و تکثیر آن از طریق پیوند آن انجام می‌گیرد.

در هر صد گرم قسمت قابل خوردن میوه شلیل خام مواد زیر موجود است:

آب ۸۱ درصد، هیدراتهای کربن ۱۷ درصد، کلسیم ۴ میلی‌گرم، فسفر ۲۴ میلی‌گرم،

سدیم ۶ میلی‌گرم، پتاسیم ۲۹۴ میلی‌گرم، ویتامین A ۱۶۵ واحد بین‌المللی و ویتامین C

۱۳ میلی‌گرم.^۳

شلم بی

مشخصات:

در کتب طب سنتی آن را نوعی از تودری ذکر می‌کنند و در برخی کتب با نامهای خبه، سفتره، بذر الخمخم و بزر الخمخم آمده است. در عین حال در بعضی کتب دیگر بذر الخمخم را برای تودری ذکر می‌کنند. در اصفهان خاکشی و در مازندران گیاه آن را شلم بی گویند و نام عمومی آن نیز خاکشیر است.

گیاهی است یکساله یا دو ساله به بلندی حدود ۸۰ سانتی متر؛ قسمت پایین گیاه دارای پوششی از کرک و بالای گیاه بدون کرک و در بعضی موارد تمام گیاه بدون کرک و گلپای آن زرد است، میوه خورجین درازی می‌باشد و داخل خورجین دانه‌ها قرار دارند.

ترکیبات شیمیایی:

در دانه خاکشیر روغن جرب یافت می‌شود و در این روغن چوب مواد لینولئیک اسید، لینولئیک اسید، اولئیک اسید، اروسیک اسید، پالمیتیک اسید و استئاریک اسید مشخص شده است.

خواص - کاربرد:

از تخم خاکشیر به عنوان ملین و برای تسکین التهاب پوست از جمله کهیر استفاده می‌شود. از گلهای و برگهای گیاه به عنوان قابض و داروی رفع کمبود ویتامین C استفاده می‌شود. تخم خاکشیر که تلخ است و برای نرم کردن سینه و به عنوان تونیک و در موارد برونشیت به عنوان تب بر و در موارد اسهال خونی استفاده می‌کنند.^۱

شلدار

مشخصات:

نارون کوهی و نامهای محلی آن در کلاردشت و کلاردشتاق و نور و کجور مازنداران
ملج و ملج، در کتون و رامیان ملیج، در لاهیجان و رودسر شرخه و نوروت، در مینودشت
شلدار، در رامسر و شهسوار لونگنا، در آستارا و طوالش وزم نامیده می شود.

بلندی نارون کوهی با ملج در حدود اوجا است. برگهای آن درشت، بیضی یا تخم
مرغی، نوک تیز، دندانه دار، و طول هر برگ ۱۶ - ۵ سانتی متر است. میوه آن بیضی و
دارای بال می باشد و شبیه میوه اوجا است.

ترکیبات شیمیایی:

در پوست داخلی درخت نارون که در چین بیشتر مصرف دارد، وجود مقداری تانن و
مواد نشاسته ای و مواد چربی و فیتوستروئول، فلوپاقن، هکزیلن آلدئید، بوتیریک اسید،
کاپریک اسید، لیپاز و لعاب وجود دارد. پوست درخت اوجا نیز دارای تانن، لعاب و
فیتوسترین همراه با استیگماسترین، سیتوسترین و فلوپاقن می باشد.

خواص - کاربرد:

جوشانده پوست گیاه برای رفع ناراحتی های جلدی خشک ریته که اسکار یا پوسته
پوسته شدن جلدی قانقرایایی نامند مفید است.^۱

شل

به فتح اول و سکون ثانی: پوست نازک رنگین را گویند که در میان درز کفش و موزه و
پراق زین اسب نهاده بدوزند. شل که فالج و لقوه را و استرخای عصب را نیک بود و گرم
و خشک است اندر درجه دوم. شل: میوه درختی هندی و از ادویه مجهوله است.^۲

۱- لابینه عن حنائق الادویه، ص ۲۰۶.

۲- معان، ج ۶، ص ۴۷۳

شغال به، شنگه

مشخصات:

به فارسی «به»، «آبرود»، «آبی» و در کتب طب سنتی با نام عربی آن سفرجل نام برده می‌شود و در نقاط مختلف شمال ایران با نامهای محلی در آسارا «آیوا و هیوا» در مازندران و رامیان و کتول «شغال به و شال به»، در لاهیجان و رودسر توج و در رامسر و شهسوار شنگه نامیده می‌شود.

«به» درختی است کوچک که پوست ساقه و تنه آن به رنگ قهوه‌ای سیر که شکاف نسی خورد ولی وقتی که درخت کهنسال شد قطعاتی از پوست از درخت کنده می‌شود. برگها پوشیده از کرک و روی برگها صاف و بی کرک و تار است. جوانه‌های آن کوچک و پوشیده از تار است، گل‌های آن خیلی بزرگ به‌طور منفرد به رنگ سفید یا صورتی که دارای ۵ گلبرگ است.

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی در مغز دانه به گلوکوزید آمیگدالین (در حدود ۱ درصد) وجود دارد و از مغز دانه در حدود ۱۹ - ۱۵ درصد روغن ثابت گرفته می‌شود. در جوانه‌های «به» یک گلوکوزید سیانورژتیک یافت می‌شود. از پوست و سر شاخه‌های آن اسید سیانیدریک HCN گرفته می‌شود.

خواص - کاربرد:

برگهای درخت «به» و جوانه‌های آن و پوست ساقه‌های آن قابض است. میوه «به» قابض و نرم کننده سینه و مقوی قلب است. دانه «به» ضد تب و برای بند آوردن اسهال ساده و اسهال خونی و جراحات گلو استفاده می‌شود. لعاب «به» دانه در استعمال خارجی برای زخمها و سوختگی پوست در اثر آتش مفید است. میوه «به» شیرین از نظر طبیعت طبق نظر حکمای طب سنتی، قریب به اعتدال یا کمی گرم‌تر است.

شنگیله

مشخصات:

از گونه‌های مختلف گیاه چوب چینی تا به حال فقط یک گونه از آن در ایران شناسایی شده است.

این گیاه در شمال ایران می‌روید و اسامی محلی آن در لاهیجان و شهنسوار «ازملک»، در آستارا «سنگیله»، در اطراف رشت «سکلیم»، در بهشهر «کم» و در چند شهر دیگر با نامهای مختلف دیگر خوانده می‌شود.

ازملک از پیچ‌های خاردار است، در کلیه جنگلهای مخروطی ساحلی شمال تا میان بند وجود دارد. از درختان مجاور بالا می‌رود، برگهای پهن قلبی شکل با قلوهای، براق و دانه‌های آن سرخ رنگ است.^۱

شنگ

مشخصات:

گیاهی است چند ساله و علفی، ساقه‌های آن خزانده و مقطع آن چهار گوش است. ساقه‌های هوایی گیاه در محل بندها ریشک می‌زند که با تماس با خاک در خاک مستقر شده و پایه جدیدی تولید می‌نماید. این گیاه در مناطق مختلف آسیا در سرتاسر هند، در مناطقی از چین و در آفریقا و در ایران انتشار دارد.

مؤلف «مفردات امامی» گفته که آن ریش بز است و بالجمله مزاج آن سرد در دوم و خشک در سوم و قابض و قطع کننده جریان خون و اسهال صفرایی و دموی و حیض می‌باشد، بیخ آن در قبض قوی تر است، پاستیدن برگ و گل خشک شنگ التیام دهنده زخمهای کهنه و رفع کننده بوی بد زخمها می‌باشد، ضماد آن نیز جهت التیام عصب قطع

شده و زخمهای بد مفید و محلل ورم است.

شنگ از خون دماغ و خونریزی از هر جای بدن را جلوگیری می کند و قوی ترین دارو برای زخم معده است، ضماد و حفته آن جهت سیلان خون از رحم مفید و به قول رازی خوردن بیخ آن دافع سموم است.

مقدار خوراک عصاره شنگ تا سه درهم و برگ آن تا چهار درهم مضر کلیه هاست و مصلح آن عتاب، بدل آن حضض و افاقیا و گلنار و نخم گل به وزن آن است و صاحب منهج آن را مضر طحال و مصلحش را بادیان نوشته است. بدل آن طرائث است.^۱

معلوم شد که لحيه التيس نر و ماده دو شکل هستند. درخت نر آن زیاد کوچک و دارای شاخه های زیاد است. برگ آن گرد شکل، مودار (مانند پنجه)، سخت و گل آن مانند گل انار است و در منطقه کوهستانی می روید و برگ ماده آن مانند برگ کُرّاث است که از طرف ته برگ پهن و از بالا باریک اند.

گل آن سفید نر در این شکل لحيه التيس یک نوع طرائث درمی آید که در رنگ سرخ مانند یاقوت است و این قسم خوب طرائث سمرده می شود و این طرائث را در رومی هیوقسپیداس و در یونانی ابوقسطس می گویند و مراد از اسم عصاره لحيه التيس همین نوع طرائث است، علاوه از این بعضی اطبا می گویند که لحيه التيس یک بوته است که بر زمین پهن شده می روید، برگ آن مانند برگ کُرّاث است که آن را خورش پخته کرده می خورند و عصاره آن را نیز می گیرند که آن را عصاره لحيه التيس می گویند.

در چهار کینومتری پلور محلی به نام پیست ابعلی گیاهان سورنجان، دم گاو، شنگ، پاشنه شتر (دوره دابانی)، تودری، قارچ، اشترغاز، پیاز صحرائی، سیربشک، بهمن سفید، کنگر و سداب رویده می شود. همچنین نرسیده به پلور دست راست سینه کوه گیاه سریش و سادات هر دو ریشه دار وجود دارد.

برگهای شنگ را اگر در سالاد بریزند سالاد خنکی را به وجود می آورد که دارای تمام خواص ریشه آن هم می باشد.

۱- محیط نظف، ج ۴، ص ۱۱، ماده حکم، ص ۲۳۰، فزادین کبیر، ص ۳۸۱، صیده، ج ۲، ص ۹۹۱

۳۰ تا ۶۰ ریشه شنگ را در یک لیتر آب به مدت نیم ساعت بجوشانند صبح ناشتا بین غذاهای اصلی مصرف این جوشانده برای مبتلایان به روماتیسم نزله ریوی و نقرس توصیه شده است.^۱

خوردن شنگ تازه و خشک کبد و روده‌ها را به کار می‌اندازد.^۲

جوشانده شنگ مقدار ۳۰ تا ۶۰ گرم در یک لیتر آب به عنوان محلول برای معالجه کجلی مفید است.^۳

آب خام سنگ زگیل را از بین می‌برد.^۴

در میان کردها از آن برای دفع یبوست و التیام استفاده می‌کنند.^۵

بیابانی و خودروی آن دارای برگهای دراز شبیه به برگ گندم ریشه آن شیرۀ چسبنده‌ای دارد که در مجاورت هوا سیاه می‌شود.^۶

این گیاه در دشت‌ها، اماکن نسبتاً مرطوب، حاشیۀ جاده‌ها، گودالها و اماکن نظیر آنها می‌روید. برگهای آن باریک، دراز، ساقه آغوش و گاهی کمی موجدار است و معمولاً در فاصله ماههای اردیبهشت تا تیر ظاهر می‌گردد.

در کتب طب سنتی با نام اسلیخ و اسلیج و عربی آن بلیحان و لیبیه نام برده می‌شود.

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی در گیاه دو گلوکوزید رنگی به نامهای نودی فلورین A و نودی فلورین B که تولید آگنیکون و گلوکوز می‌نماید، یافت می‌شود. به علاوه فندهای آزاد از جمله لاکتوز، مالتوز، گلوکوز، فروکتوز و کسیلوز در گیاه وجود دارد.

خواص - کاربرد:

در چین و سایر نواحی خاور دور به طور گسترده‌ای به عنوان دارو استفاده می‌شود. در چین از این گیاه برای دفع کرم قلابدار استفاده می‌شود. در تایوان از گیاه برای معالجه

۱- بیرده و سیزیدی شفابخش، ص ۸۶.

۲- همان.

۳- همان، ص ۸۱.

۴- همان، ص ۸۲.

۵- رشته مرز، ج ۳، ص ۸.

۶- همان، ج ۳، ص ۸.

سوزاک و به عنوان قاعده آور نیز استفاده می شود. در هند و چین گیاه را برای معالجهٔ برونشیت و سایر انواع بیماریهای تنفسی به کار می برند، در هند از گیاه به عنوان تب بر و مدر استفاده می شود.^۱

شن

روایت از جابر بن حیان:

شن بهی یا بهیتا: به فتح شین معجمه و سکون نون و ضم پای فارسی و خفای ها و و کسر پای فارسی ثانی و سکوی پای تحتانی دوی هندی است تیز و مقی و دافع فساد صفرا و بلغم است.^۲

اسم طبی آن Carica Papaya می باشد و داروی یونانی به نام قرص بهیتا یا زنجبیل و فلفل سیاه و نمک و نوشادر برای هضم معده اشتهای خوراک - علاج مرض هیضه بیان شده است.^۳

تیز در داروسازی جوهری به نام کارپائین از درخت بهیا یا که برای ضعف قلب ذکر شده است و نکن در داروهای غیر مستعمل بیان شده است.^۴

شن درختچه هایی است که در کتب طب سنتی با نامهای شجرة الطوال، صریمه الجدی و زهر العسل نام برده شده است. نام محلی این درختچه ها در رودسر و دیلمان «پلاخور»، در نور و کجور و زیوات گرگان «شونگ - شن» و در لرستان و کردستان و فارس «شن - شهن» می نامند.

مشخصات:

گونه ژاپنی بومی ژاپن و کره چین است و در سایر مناطق دنیا به عنوان درختچه گل

۲- محیط اعظم، ج ۲، ص ۱۲۵.

۱- معارف گیاهی، ج ۶، ص ۱۱۶.

۴- دستور پختی، ص ۱۲۰۱.

۳- مسدود، ص ۹۶ - ۴۸.

زینتی و پیچ زینتی کاشته می شود و درختچه ای است بالا رونده، معمولاً در اغلب مناطق همیشه سبز و تا ۹ متر بالا می رود. تکثیر آن از طریق کاشت قلمه یا خوابیدن انجام گیرد.

ترکیبات شیمیایی:

در شاخه های سبز و در برگهای آن تانن و ساپونین و ماده لوتئولین یافت می شود. در گل‌های آن اینوزیتول مشخص شده و میوه های آن منبع غنی از کاروتنوئید است و جزء آن کریپتوکسانتین است.

خواص - کاربرد:

در تمام مناطق شرق در کره، ژاپن، چین و سایر مناطق از گل و برگ پیچکهای این گیاه به عنوان دارو استفاده می شود. در کره از گل‌های آن به عنوان ضد سم و برای مداوای اختلال در ادرار، دردهای عصبی و آبله استفاده می شود. عرق حاصل از تقطیر آن برگ و گل به عنوان تب بر و تصفیه کننده خون و برای رفع ناراحتی های روماتیسمی مصرف دارد.^۱

شنبلیله

مشخصات:

گیاهی است یکساله کوتاه که ارتفاع آن از ۰/۵ متر تجاوز نمی نماید. دارای برگهای متناوب مرکب شامل ۳ برگچه که قسمت انتهایی هر برگچه دنداندار است. رنگ تخم شنبلیله قهوه ای؛ بوی آن قوی معطر و طعمش تلخ است. شنبلیله به طور کلی دو نوع است: یکی گونه زینتی و معطر است و دومی گونه خوردنی.

این گیاه از سبزیجات بسیار مفید است. در طب دانه آن جهت بازسازی بدن و رفع

لاغری، برای رفع کم خونی در سبب ریوی و در رفع لاغری مفرط فوق‌العاده سودبخش است.^۱

برگیایش به‌طور تازه و خشک در قورسه سبزی و غیره به‌کار می‌رود، زیرا بسوی مخصوصی دارد و مقوی است. دانه‌های شنبلیله محرک، مقوی، محلل و تقویت دهنده قوه باه می‌باشد، به‌علاوه در ضعف قوای روحی و بدنی، کم خونی، نقرس و سرخ قند به‌کار می‌رود. بودر آن در موارد نقرس، مرض قند، نرمی استخوان، کم خونی و لنفاتیسم اثرات مفیدی دارد.^۲

رسول خدا ﷺ فرمود: *عليكم بالحبلة ولو يعلم امتي ما لها في الحلبه لتداواوا بها ولو بوزنها ذهباً.*^۳

«بر شما باد شنبلیله؛ اگر امت من می‌دانستند در شنبلیله چه هست هرآینه با آن مداوا می‌کردند اگر چه در وزن طلا بود.»

روایت دعائم نیز با همین مضمون صادر شده است.^۴

شنبلیله در علم روز:

این گیاه بیشتر در معالجه لاغری مصرف می‌شود. یعنی اشخاص لاغر آن را می‌خورند تا چاق شوند.

در تونس آرد تخم شنبلیله را با سه قاشق سویخوری روغن زیتون و دو قاشق شکر مخلوط نموده هر روز صبح ناشتا یک قاشق می‌خورند.

تخم شنبلیله دارای فسفاتهای آلی، نستین، نوکلئوا و آلیومین است. مصرف آن در موارد نقرس، دیابت، خنازیر، لنفاتیسم و لاغری است، که باید در آب جوشانده و میل کرد، چون تهوع آور است، بهتر است با گیاهان معطر مخلوط گردد.

۲- فرهنگ خواص خوراکیها، ص ۱۴۴

۱- حدیثیه و هزار درمان، ص ۲۲۱.

۳- مکرم الاخلاق، ص ۱۹۹، بحار، ج ۶۶، ص ۲۳۳.

۴- مکرم الاخلاق، ص ۱۹۹، بحار، ج ۶۶، ص ۲۳۳.

در قدیم آن را داروی همه دردها می دانستند. بقراط برای بیماران ریوی تجویز می کرد. برای دفع کردن، باز شدن قاعدگی، رشد موها و درد دندان مصرف می شد.

شنبلله در تب و صرع تجویز می شود. برای احمقان و کم عقلان دستور خوردن داده اند. برگهای نازه و خشک آن برای خوشبو کردن غذا به کار می رود و مقوی است. امروزه به اثر آن روی مخاط تنفس پی برده و برای آنکه بخوبی اثر کند ۶۰-۱۵۰ گرم آن را در شیر یا آبگوشت سرد ریخته صی خورند. عصاره آن در بیمارهای پوست تجویز می شود. کسانی که موی سرشان در اثر حصبه و غیره ریخته باشد اگر همه روزه سر خود را با محلول زیر مناسب دهند بسیار مفید است. عصاره شنبلله صد گرم، الکل ۹۰ درجه صد گرم، اسانس ژرانیوم ده قطره.

دانه شنبلله محرک روحی، بدنی و نافع لنگاتیسیم، قوه باه، راشیتیسیم، کم خونی، دیابت و نفرس است. گرد کرده آن را به مقدار یک قاشق قهوه خوری با مربا یا کمپوت قبل از غذا باید خورد. دارای مواد ازته موسیلاژ، رزین، فسفر، فتین، تانن، لسیتین، انکالوئید، تری گوئلین و مواد معدنی می باشد. جوشانده آن برای نجات از تورم مجرای ادرار تجویز می شود، چون دانه اش دارای فسفاتهای آلی، لسیتین، نوکلئوا و آلبومینها است. بعضی آن را جانشین روغن ماهی مری می دانند و برای جلوگیری از لاغر شدن بیماران مرض قند و سل نیز تجویز می شود.

برگ آن را با سبزی و اسفناج پخته می خورند. برگ و تخم هر دو به طور دوا استعمال می شود، به حیواناتها هم به طور قوت می دهند. برگش زرد، تخم آن زرد مایل به سرخی، ذائقه اش بی مزه، تخم آن تلخ، مزاج گرم دو درجه خشک دو درجه با رطوبت فضلیه، تخمش از ۳ گرم تا ۵ گرم خورده می شود و در تمام جاهای دنیا به وجود می آید.

محلل است و زرمها را دور می کند، برای ورم آن را خمیر کرده می مالند. اگر زن معجون کرده بر پستان بمالد شیر قطع می شود و نیز تخمها را ساییده بر اورام، برای لکه سیاه و جاهای دیگر می مالند لکه ها را دور می کند.

اگر تخم را با آب بسایند و بر موها بمالند موها سیاه می شود. ریختن مو را جلوگیری

می‌کند و نکن خوردنی آن مدر بول و حیض و شیرافزا می‌باشد. بادشکن و مقوی اعصاب است، بیماریهای سرد مثل درد کمر، بزرگی طحال، اسهال، نفخ، پیچی شکم و اسهال و در ضعف باه خیلی مفید است.

تخمهای آن ریه را قوت می‌دهد، مصفی امعاء است، بواسیر و درد و زخم سینه را فایده می‌دهد، آواز را صاف می‌کند، سستی سینه را می‌برد، با انجیر بر دمل گذاشته اورام را تحلیل می‌کند.^۱

برای بزرگی طحال استعمال می‌کنند و نیز در مرض هیضه و سل فایده می‌بخشد و بعضی نسخه‌ها با مغز چلغوزه (میوه صنوبر) درست کرده در زکام و تنگی نفس و سرفه استعمال کرده‌اند و نیز در نسخه‌های اعصاب و مقوی عام استعمال می‌شود.^۲

اگر تخم شنبلیله را آرد نموده یک قاشق قهوه‌خوری در یک فنجان آب جوشانیده مصرف شود، علاج کم‌خونی را می‌نماید.^۳

تخم شنبلیله برای نفرس و روماتیسم مفید است و اگر با گیاهان خوشبو مخلوط نموده مصرف نمایند ادرار آور است. یک قاشق قهوه‌خوری تخم شنبلیله را در یک لیوان آب جوش جوشانیده مصرف نمایند.

تخم شنبلیله غده لوزالمعده را تقویت و اختلالات حاصله از کم‌غذایی را درمان می‌کند.^۴

آرد تخم شنبلیله برای ضماد روی دمل و زخمهای دیگر مفید است.^۵ در معالجه لاغری مفید است.^۶

آرد تخم شنبلیله به مقدار یک قاشق قهوه‌خوری در یک فنجان آب جوشانیده با گیاهان معطر دیگر مخلوط نموده جهت خنازیر مصرف شود.^۷

گیاهی است دارای شاخه‌های نازک، تخمهایش زرد رنگ و در غلاف باریکی جا

۲- همدرد، ص ۱۹۲، ۲۲۰، ۱۴۶، ۱۰۲.

۱- مخزن المفردات، ص ۳۷۶؛ بستان المفردات، ص ۴۸۸.

۴- گلپار گیاهان شناختی، ص ۱۴۶.

۳- گلپار گیاهان شناختی، ص ۱۴۶.

۷- همان، ص ۱۳۶.

۶- همان، ص ۱۴۵.

۵- همان

دارد، در پختن خوراکیهای سبزی‌دار به کار می‌رود. در میان کردها از جوشانده تخم و گیاه آن برای کم خونی و لاغری استفاده می‌کنند.^۱

شنبلیله امروزه در نواحی مختلف مانند: آسیای صغیر، ایران، مصر، الجزیره، هند، مراکش، ایتالیا، اسپانیا و غیره پرورش می‌یابد.^۲
دوشاب و شنبلیله:

دوشاب را از عصاره فشرده انگور با خرما توت می‌گیرند و مطلق آن منظور دوشاب انگور و خرما می‌باشد. برای گرفتن و تهیه دوشاب انگوری با روش خانگی و محلی ایران، آب انگور رسیده و شیرین را گرفته صاف نموده و می‌زنند تا سه چهارم آن برود و یک چهارم بماند، پس از آن خاک مخصوصی که نوعی خاک رس است به آن می‌زنند و می‌گذارند که ته نشین و شیرین شود. دوشاب مثلث طبی خون‌ساز و مقوی هاضمه است و برای اشخاص مبتلا به آبله، سرخجه، ذات‌الجنب و ذات‌الصدر مفید است و مقوی باه در سرد مزاجان می‌باشد.^۳

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیب مواد مؤثر، تخم شنبلیله دارای الکالوئیدی به نام تری گونلین و کولین و اسانس زرغنی و ماده ساپونین و پرولامین است. الکالوئید تری گونلین اثر توکسیک قوی روی نورزمو سکولار پیرپاریشن دارغ و بعلاوه، شامل روغن ثابت و اسانس فرار و مقداری زیاد لعاب و مواد نشاسته‌ای می‌باشد.

خواص - کاربرد:

از نظر خواص میوه‌ای آن، معتقدند که برگ آن ملین و منضج است یعنی اعتدال سرفه‌های سرد، استسقاء، ورم طحال و کبد، درد کمر، برودت مقانه و قطره قطره ادرار کردن مفید است.^۴

۱- طب سنتی در بیان کردها، ص ۱۱۹.

۲- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۱، ص ۶۳۷.

۳- معارف گیاهی، ج ۲، ص ۵۷.

۴- معارف گیاهی، ج ۱، ص ۱۴۵.

خواص بتائیکی:

برگها اغلب مرکب یا چند عدد پهلوئی هم، گالها کم و بیش غیر منظم، گلبرگ پنج قطعه، تخمدان آن دارای یک پرچه میوه Gousse بوده و گیاهان این خانواده عبارتند از: ارخوان، تمر هندی، فالوس، گل ابریشم، طاووسی، گون، نیل، شیرین بیان، اسپرس، خارشتر و فستق.

خواص دارویی:

محرک و مقوی، برای تقویت اعصاب و قوای دماغی بسیار مفید و موثر است. برای مبتلایان به نقرس، کم خونی، لنفوزیم، راشی تیزم، آثار ناشیه از سکونت در اماکن مرطوب و همچنین اختلالات ناشی از کم غذایی، ضعف و غیره فوق العاده خوردن آن مفید است. این گیاه مقوی ریه بوده و به علت داشتن املاح فسفر و ازت برای رفع و معالجه بسیاری از امراض مفید است.^۱

شنگرف، زنجفر

ابوعلی سینا می فرماید: مزاج؛ در آخر دوم گرم و خشک است. زخمها را به هم می آورد؛ گوشت را در قرحه‌ها برآورد، داروی سوختگی و جرب خشک است. خوره دندانها را برطرف می کند.^۲

ابوریحان گوید: این گیاه را از کوه فرغانه می آورند که معدنی است و معمولی آن را از سیماب می سازند.^۳

زنجفر جراحی را برویاند و سوختگی آتش را سود دارد.^۴

شنگرف دو نوع است: معدنی و مصنوعی. معدنی در معدن زینق و طلا و مس تکون می یابد و حجوالتزینونی می نامند و مصنوعی آن از زینق و کبریت است.^۵

۲- تاقون در طب، ج ۲، ص ۱۲۷.

۱- راز گیاهان شناختن، ص ۶۷.

۳- وحیدک داروها.

۴- خواص، ص ۶۲۰.

۵- رحمة عبده، ص ۶۵.

خوردن آن بصیرت و یاد را قوت می دهد و نیز برای سرعت انزال، فلج، درد مفاصل و زکام و تبهای کهنه مفید است و آن دو قسم است: یکی طبیعی و دیگر صنعتی.^۱
 روغنی هم برای امراض اعصاب و باه از آن ترصیف شده و نسخه معروف به نام کشته سنگرف نیز برای قوت باه، هضم معده، زکام و سرماخوردگی و مقوی برای پیرمردها توصیف شده است.^۲

در استعمال خارجی ۳۰ درصد از آن در روغن وازلین مخلوط کرده نیز برای مرض سوزاک استعمال شده و داروهای از آن مرکب شده مثل مرکبوری کلراید با بایکترین دوسود و با آیودین اینها همه در امراض گفته و استعمال شده است.^۳

شه بانق

مشخصات:

شاه بانک یا شه بانق، شاه بانج و شابانج نامیده شده است. به عربی برنوف، ریحان الشیطان و بنفسج الکلاب نامیده می شود.

توضیح: در کتب طب سنتی گیاه دیگری با نام قاقلی را نیز شابانک یا شه بانق ذکر می کنند.

گیاهی است چند ساله به بلندی ۵۰-۱۰۰ سانتی متر، پوشیده از کرک، برگها بیضی، دراز، نوک تیز و ناهموار و برگهای پایین با دمبرگ و برگهای بالای ساقه بدون دمبرگ. گلها به صورت کوچک که روی آن گلهای لوله ای سفید مایل به زرد قرار دارد. این گیاه در اروپا، آسیا در اراضی غیر سیلیسی می روید و در مصر فراوان است.

خواص - کاربرد:

از نظر طبیعت شابانک گرم و خشک است و از نظر خواص حکمای طب سنتی

۱- مخزن السموات، ص ۲۵۷؛ کتاب السموات، ص ۳۲۲؛ ستان السموات، ص ۱۹۱.

۲- مفرد، ص ۷۸. ۳- دستور پزشکی، ص ۲۹۷ و ۷۸۰.

معتقدند که در استعمال داخلی برای صرع، آب رفتن از دهان خصوصاً در مورد کودکان، تحلیل گاز و پادهای شکم و در استعمال خارجی برای اثنیام زخمها مفید و جانشین مرزنجوش است.^۱

شوک الشام

مشخصات:

نامهای محلی آن در خوزستان عبارت است از آکاسیا، مشک، باور و به عربی فتانا و شوک الشام.

گیاه مشک یا آکاسیای معطر درختچه‌ای است خاردار، کوتاه که بلندی آن تا ۶ متر می‌باشد. برگهای آن مرکب زوج و همیشه سبز و ناخزان و گل‌های آن زرد طلایی، بسیار زیبا و خیلی معطر است. این درختچه بومی مناطق حازة هند و گویان است و در ایران در خوزستان و بلوچستان دیده می‌شود.

ترکیبات شیمیایی:

در گل‌های آکاسیا اسانس با بوی بسیار مطبوعی وجود دارد و در غلاف میوه آن در حدود ۲۳ درصد تانن یافت می‌شود. اسانس آن دارای الکل و سسکی ترپن، فارتزول و... می‌باشد. در گزارش دیگری آمده است که در اسانس آکاسیای معطر مواد اترمتیلک، اسید سالیسیلیک، الکل بنزلیک، آلدئید بنزلیک، آلدئید انیسیک و نوعی ستون یا بوی عطر بنفشه وجود دارد.

خواص - کاربرد:

از میوه مشک نباتی به علت مقدار قابل ملاحظه‌ای تانن که در آن است به عنوان قابض

استفاده می شود و از گل‌های آن به صورت دم کرده و از تنطور گل آن به عنوان مسکن استفاده می شود. از برگ‌های نه شده آن روی ورم‌ها می اندازند.^۱

شوكة المباركة

مشخصات:

در کتب طب سنتی با نام‌های اشتر غار و شوكة المباركة و ریشه آن را زنجبیل العجم و زنجبیل الفارس آمده است.

گیاهی است علفی، یکساله که ارتفاع آن ۸۰ - ۳۰ سانتی متر و ماقه آن راست و به شکل منشور چند وجهی زاویه دار و پوشیده از کرک پشمی است. ریشه گیاه شبیه ریشه گیاه مولد انغوزه یا انجدان است و تلخ و تند می باشد. این گیاه بومی جنوب اروپاست، بخصوص در حاشیه مدیترانه در باغ‌های زیتون انتشار دارد. تکثیر این گیاه از طریق کاشت بذر صورت می گیرد.

ترکیبات شیمیایی:

طعم تلخ گیاه مربوط به وجود ماده‌ای به نام کینسین است. علاوه بر کینسین در گیاه کمی اسانس، پتاسیم، کلسیم، منیزیم، صمغ، لعاب، کمی تانن و انواع قندها به مقدار جزئی وجود دارد. در دانه‌های این گیاه در حدود ۲۵ درصد روغن قابل استخراج وجود دارد.

خواص - کاربرد:

چون برگ‌های این گیاه تلخ است در برخی از کشورها برای آبجو از برگ‌های این گیاه به جای رازک استفاده می کنند. به صورت دم کرده یا جوشانده یا از طریق تقطیر عرق گیاه،

بخصوص عرق ریشه، آن را مصرف می‌کنند. این دارو بازکننده گرفتگی و انسداد و گرم کننده معده و اشتها آور است، به هضم غذا کمک می‌کند.^۱

شوکه ابراهیم

مشخصات:

در کتب طب سنتی با نامهای قرصعنه و حافظ النحل آمده است. در سوریه آن را شجره ابراهیم و شوکه ابراهیم گویند.

گیاهانی هستند چند ساله به رنگ آبی روشن یا برگهای ریشه‌ای که به‌طور گروهی از ناحیه یقه گیاه بیرون آمده و در نتیجه اغلب برگها روی زمین گسترده هستند. این گیاه معمولاً در اراضی غیر مزروع می‌روید. تکثیر آن از طریق کاشت قسمتی از ریشه آن در پاییز یا زمستان در ماسه برای محافظت از سرما و پس از ریشه کردن انتقال آن به محل اصلی می‌باشد. ازدیاد گیاه با کاشت بذر آن و کاشت قسمتی از بوته گیاه نیز امکان‌پذیر است.

ترکیبات شیمیایی:

در ریشه گیاه، تانن و قند ساکاروز (حدود ۳-۴) و اسانس زرد رنگ با بوی مطبوع در حدود ۱/۸۸ درصد وجود دارد.

خواص - کاربرد:

در هندوستان از ریشه گیاه ایرانی به‌عنوان تونیک اعصاب و برای تقویت نیروی جنسی می‌خورند و از خاکستر گیاه آن برای معالجه بواسیر مصرف می‌کنند. ضماد ریشه آن برای تحلیل ورم‌ها و مخلوط با آرد جو و آرد برگ کاسنی تازه برای تحلیل ورم و جراحتهای ساق پا که مرطوب است و ترشح دارد، مفید است.^۲

۱- معارف گیاهی، ج ۷، ص ۳۵۳.

۲- همان، ص ۱۲۴۹ سبط اعظم، ج ۱، ص ۳۴۰.

شوک الضب

مشخصات:

گیاهی است که نام علمی آن در بلوچستان بالاجوار و در برخی کتب قدیم با نام عربی آن شوک الضب آمده است و به هندی اوتنجن گفته می شود. گیاهی است چند ساله و کوتاه، قسمت پایین ساقه های آن چوبی است. برگهای آن بیضی، کمی دراز، ساده و بدون دمبرگ و دنداندار است. این گیاه در مناطق گرم و خشک هند در پنجاب و سند، در پاکستان در بلوچستان و در ایران، عربستان، مصر و حبشه انتشار دارد.

ترکیبات شیمیایی:

این گیاه دارای یک ماده عاملی متیلور تلخ است. دانه های آن دارای ۱/۲ درصد گلوکوزید تلخ بلفارین، ۲/۱ درصد آلانتوان، کاتچون، تانن، ساپونین و گلوکوز می باشد.

خواص - کاربرد:

در هند از دانه های گیاه به عنوان محلول، مدر و افزایش دهنده نیروی جنسی و نرم کننده سینه استفاده می شود. برگهای تازه گیاه نیز مدر است و برای تقویت نیروی جنسی مؤثر است. ریشه گیاه مدر است و برگهای گیاه دارای اثر بند آوردن خون است.^۱

شوک الجمل

مشخصات:

در این کتاب مُرار با دو نام مرار بنفش و مرار زرد که در ارتباط با رنگ گل آنهاست نامگذاری شده و چون معمولاً از این گیاه برای پروار کردن شتر استفاده می شود آن را

۱- معارف گیاهی، ج ۴، ص ۱۲۳، فانود، ج ۳، ص ۴۰۰.

شوک الجمال و شوک انجمل نیز می نامند.

در ایران در مناطق مختلف می روید و در هر منطقه نام محلی دارد. در بلوچستان آن را گزراغازی می نامند و گیاهی است دو ساله، برگهای قسمت پایین گیاه بزرگ، پوشیده از کرک نرم که به شکل گروهی از ریشه خارج شده اند و گسترده روی زمین هستند و دارای بریدگی می باشند. ساقه گیاه محکم و شیاردار است.

ترکیبات شیمیایی:

در گیاه کالسی تراپیک اسید، کالسی تراپین و سنتورین وجود دارد. این مواد منشأ خاصیت تب بر بودن گیاه است. به علاوه در گیاه صمغ، رزین، املاح پتاسیم و... یافت می شود.

خواص - کاربرد:

در کشورهای عربی مرسوم است برگهای له شده گیاه را برای رفع سردرد، روی سر می گذارند و در اروپا از گرد ریشه این گیاه برای معالجه فیستول و وجود سنگ در بدن استفاده می شود. گرد تخم آن را در سرکه رقیق ریخته و می خورند. برای معالجه سنگ کلیه و مثانه مفید است.^۱

شوحط

درخنازی را که در ارتفاعات پایین تر می روید شوحط گفته اند که احتمالاً غرض گونه های مختلفی از راس است که در ارتفاعات مختلف می رویند.^۲

۱- معارف گیاهی، ج ۷، ص ۸۹

۲- همان، ص ۱۱۳ محیط اعظم، ج ۱، ص ۴۰۰

شوره

مشخصات:

درختچه‌ای است که در کتب طب سنتی با نام اسرار آمده است. در جنوب ایران با نامهای محلی شناخته می‌شود از جمله در بندرعباس حرا و در برخی مناطق جنوب «تول» گفته می‌شود. به عربی به آن شوره و شورا نیز می‌گویند.

در ایران آن را به‌طورکلی شوره و علف شوره و در خوزستان یا نام محلی قاقله می‌نامند. در کتب طب سنتی با نامهای اشنان، حرض، اشدان گازران و خراء العصافیر آمده است. در ایران گونه‌های متنوعی از آنها می‌روید که نام علمی و محل رویش تعدادی از آنها به شرح زیر است:

۱- این گیاه در بلوچستان با نامهای محلی نروک، رندوک، رندو و تروند خوانده می‌شود. گیاه درختچه‌ای است کوچک، برگهای آن خطی، کمی دراز، متناوب، خیلی پرشاخه که به مصرف تعلیف شتر می‌رسد.

۲- این گیاه نیمه چوبی و پوشیده از کرک است. در شوره‌زارهای اطراف تهران، در دامنه‌های البرز در گنداب، در راه بین تهران و قزوین، بین کاشان و قم می‌روید.

۳- این درختچه در سواحل شمال ایران در شنزارهای ساحلی در فرح‌آباد ساری دیده می‌شود، دارای مقدار زیادی پروتئید است و به مصرف تعلیف دام می‌رسد.

۴- بین شاهرود و میامی و طبس و... یافت می‌شود.

۵- بین تطنز و کاشان و در راه چوپانان در کویر دیده می‌شود.

۶- گیاهی است یکساله با شاخه‌های کوتاه و متناوب و برگهای آن گوشتی نیمه استوانه‌ای. میوه آن درشت و متورم، این گیاه در سواحل بحر خزر و در مناطق دیگر یافت می‌شود.

۷- گیاهی است یکساله بدون کرک. این علف شوره در اراضی شور شمال ایران، در بین کرمان و یزد دیده می‌شود.

در سواحل و مردابهای ساحلی عربستان، مصر، مردابهای ساحلی بندرعباس و در جنوب ایران وجود دارد. از خصوصیات این درختچه آن است که دانه آن روی درخت مادر می‌روید و همانجا به نهان تبدیل می‌شود و سپس نهال از درخت جدا شده به مرداب می‌افتد.

ترکیبات شیمیایی:

در پوست درختچه مقدار قابل ملاحظه‌ای تانن وجود دارد و به علاوه مقداری نیز مواد نشاسته‌ای و مقدار کمی نوعی رزین به نام ماناوا و کمی از یک گلوکوزید و ماده رنگین زرد رنگی به نام لاپاکوژ در پوست درختچه مشخص شده است.

خواص - کاربرد:

مصرف ۲-۴ گرم از میوه آن با شیر تازه برای گرم مزاجان و با سرکه رقیق برای سرد مزاجان محرک نیرو جنسی می‌باشد. صمغ آن لزج است و پس از خشک شدن مانند کندر می‌شود و برای بیساریهای سرد و رفع رطوبت از مفاسل نافع است.^۱
برای تستن لباس، در صنعت شیشه سازی و تولید صابون‌های سخت و ترکیبهای شیمیایی کاربرد دارد.^۲

شوران

مشخصات:

به فارسی یاسمن زرد و یاس زرد (در جنگلهای شمال ایران) و در ارسباران شوران و در کتب طب سنتی با نامهای ظیان و یاسمن البر آمده است.
یاسمن زرد درختچه‌ای است که همیشه سبز و شاخه‌های آن خزنده و نسبتاً سخت، برگهای آن متناوب و غالباً دارای سه برگچه کوچک است. گلهای آن در انتهای شاخه گل

۱- معارف گیاهی، ج ۷، ص ۲۶۲.

۲- معارف گیاهی، ج ۷، ص ۲۷۳؛ محیط اعظم، ج ۱، ص ۴۱۲.

دهنده به صورت مجموعه ۵-۲ گلی ظاهر می شود و جام قیفی شکل آنها زرد رنگ است. این درختچه بومی مناطق مدیترانه ای است.

خواص - کاربرد:

از نظر خواص خیلی قوی تر از یاسمن سفید است. چون خوردن آن ممکن است ایجاد مسمومیت کند، اصولاً چندان تجویز نمی شود. پوست را تحریک می کند و در مخاطها اثر بسیار شدید می گذارد و در اسناد طب سنتی آمده است که خوردن ۵ گرم آن ممکن است کشنده باشد.^۱

شولموگرا

مشخصات:

در کتب مختلف با نام درخت شولمگری و شولموگرا آمده است. درختی است به ارتفاع حدود ۱۵ متر بومی جنگلهای بنگلادش و شرق هندوستان. پوست تنه درخت صاف و قهوه ای مایل به زرد است. میوه آن در ابعاد یک نارنج و به رنگ خنایی روشن است که داخل آن چندین دانه وجود دارد.

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی در دانه های این درخت اسید سیانیدریک و در دانه آن روغن وجود دارد.

خواص - کاربرد:

دانه های گونه های مختلف آن را برای معالجه جذام و سایر بیماریهای پوستی استفاده می کرده اند. از روغن دانه های گیاهان برای معالجه جرب، بیماریهای پوستی،

روماتیسسم و نقرس نیز استفاده می‌شده، دانه‌ها به‌عنوان کرم‌کش و درمان آبله به‌کار می‌رود. مصارف درمانی دیگری در مورد این گیاه ذکر شده است.^۱

شودر

به فارسی شیدر و شودر و در کتب طب سنتی با نامهای شیدر و فُرط و ثمر آن را رسین و نوع مصری آن را برسیم نام برده‌اند.

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی، در شیدر گل قرمز معمولی که مورد تجزیه قرار گرفته است، وجود اسانس روغنی فرار و گلوکوزید تریفولین و ایزوتریفولین در شکوفه‌های آن تأیید شده است.

خواص - کاربرد:

شیدر طبق نظر حکمای طب سنتی از نظر طبیعت گرم و تر می‌باشد و از نظر خواص معتقدند که خوردن شیدر تازه مسهل است و خوردن خشک آن شکم را بند می‌آورد و خوردن آب شیدر تازه یا خوردن دم کرده شیدر برای رفع خشونت سینه و قطع سرفه‌های سخت نافع است و خواص دیگری نیز دارد.^۲

شوع

مشخصات:

در کتب طب سنتی با نامهای بان، شجرة البان و شوع و دانه آن حب البان نام برده شده است. ریشه این درخت و غلاف دانه‌های آن پس از خشک شدن تند است و جانشین ضعیفی برای ریشه ترب وحشی می‌باشد و به قیمت ارزاتر به جای ریشه ترب وحشی مصرف می‌شود.

۲- معارف گیاهی، ج ۴، ص ۲۳.

۱- معارف گیاهی، ج ۲، ص ۷۱؛ بحیة اعظم، ج ۱، ص ۴۱۰.

ترکیبات شیمیایی:

دارای صمغ و آلکالوئید است، از پوست ریشه آن آلکالوئیدهای مورینجین و مورینجین جدا شده است. در گیاه یک آنتی بیوتیک به نام پتری گوسپرمین وجود دارد که بر صد باکتریهای گرام مثبت، گرام منفی و اسید فاست فعال است. افزوده بر آن، در پوست ساقه درخت نیز بتاسترول وجود دارد.

خواص - کاربرد:

سرشاخه‌های جوان، برگها، گلها و میوه‌های نارس گیاه موجب تحریک هاضمه و برای معالجه عفونت خون استفاده می‌شود. از ریشه آن در تهیه دارویی که به باسن زنها پس از تولد طفل می‌مالند، مورد استفاده قرار می‌گیرد.^۱

شو احمر

مشخصات:

این گیاه در کتب طب سنتی با نام خرض و شوک احمر آمده است. گیاهی است یک سانه، ساقه‌های آن بدون کرک یا کمی کرک‌دار با یک ساقه مرکزی قائم مشخص و برگهای آن ریز و کوچک گوشتی و بدون دمبرگ که نوک آن تیز و خاردار است. این گیاه تقریباً در کلیه مناطق ایران در کرج، در دامنه‌های شمالی البرز آذربایجان در تبریز و در بلوچستان می‌روید. در بلوچستان با نامهای محلی گل چاه و جاقون شناخته می‌شود و از علوفه شتر است.

ترکیبات شیمیایی:

مقداری اکسالیک اسید دارد.

خواص - کاربرد:

برای دفع کرم استفاده می‌شود، ملین و مدر است و خوردن آن در حد مجاز و به مقدار محدود برای رفع عوارض کمی ویتامین C مفید است.^۱

شوکران

مشخصات:

به فارسی شوکران و در کتب طب سنتی شوکران و محفوظه نام برده می‌شود. در کتب قدیم فارسی با نامهای شیکران، سیکران، دورس تفتی، بیخ کوهی، بیخ تفتی، باریقون، قرنیون و... آمده است.

ترکیبات شیمیایی:

در این گیاه آلکالوئیدهای دی - کونی ئین، گاما - کونی سئین، کونیدرین، ان - متیل کونی ئین، هسپریدین و اسانس وجود دارد.

خواص - کاربرد:

برای معالجه ناراحتی‌های جلدی و گرفتگی‌های غدد و سرطان استفاده می‌شود. این گیاه را به عنوان داروی ضد اسپاسم، آرام بخش، ضد هاری و ضد کزاز می‌شناسند. شوکران از نظر طبیعت خیلی سرد و خشک است. از نظر خواص خیلی مخدر و مسکن است و کاربردهای دیگری نیز دارد.^۲

۲- معارف گیاهی، ج ۵، ص ۱۳۱.

۱- معارف گیاهی، ج ۵، ص ۲۶۳.

شوکران آبی

مشخصات:

در کتب مختلف طب سنتی با نامهای شوکران آبی، شیکران مائی، چقوطة، فیروزا، قاتل البقر و شیکران آبی آمده است.

این گیاه به طور کلی شبیه شوکران کبیر است با این تفاوت که دارای ریشه‌های گوشتی و ضخیم و خیلی سمی و کوتاهتر از آن است. این گیاه دارای بوی خیلی متعفتی است. ریشهٔ ضخیم این گیاه مصرف دارویی دارد.

ترکیبات شیمیایی:

تمام اندام گیاه دارای مادهٔ سیکوتوکسین که سمی است و مراکز اعصاب را تا آن حد تحریک می‌کند که منجر به تشنج و تسریع ضربان نبض و سخت شدن تنفس و گاهی مرگ می‌شود.

خواص - کاربرد:

خواص آن شبیه خواص شوکران کبیر است.^۱

شوکران الماء

مشخصات:

به فارسی شوکران آبی و در کتب طب سنتی با نامهای شوکران الماء، فلاندری، رازیانهٔ آبی و بادیان آبی آمده است.

گیاهی است چند ساله و علفی، ساقهٔ آن استوانه‌ای و توخالی و مخطط به بلندی تا ۲

۱- معارف گیاهی، ص ۱۳۵؛ قانون، ج ۲، ص ۲۰.

متر است. برگهای آن سبز تیره با بریدگی های زیاد و خیلی ظریف است. گلپای آن سفید و در گروه های کوچک مجتمع به صورت چتر در انتهای ساقه گل دهنده ظاهر می شود.

ترکیبات شیمیایی:

دارای ماده فلاندرین در میوه است و نیز در میوه رزین، صمغ و مواد چرب و مانان و اسانس دارای فلاندرین راست وجود دارد.

خواص - کاربرد:

میوه آن اشتها آور است و مدر، قاعده آور و معرق می باشد و در موارد سلس و برونشیت از آن استفاده می کنند. موجب کم شدن اخلاط سینه و کاهش تب و... می شود.^۱

شوکران باغی (شوکران بستانی)

مشخصات:

در کتب طب سنتی با نامهای شوکران صغیر، شوکران بستانی، شوکران باغی و بقدوتس کاذب آمده است.

این گیاه خیلی کوتاه است و در برخی مکانها تا یک متر نیز می رسد. این گیاه در اروپا می روید و در ایران تا به حال شناسایی نشده است به هر حال آنچه که به نام شوکران مطلق مورد نظر است و از نظر خواص قابل توجه می باشد، همان شوکران کبیر است.^۲

شوکران کبیر

مشخصات:

به فارسی شوکران گویند. در کتب طب سنتی شوکران و محفوظه نام برده می شود. در کتب قدیم فارسی با نامهای شیکران، سیکران، دورس تفتی، بیخ کوهی، بیخ تفتی، یاریتون، قرنیون، جقوطه و شوکران آتنی آمده است.

شوکران کبیر گیاهی است علفی دو ساله، ارتفاع آن تا یک متر یا کمی بیشتر است. ساقه آن استوانه‌ای توخالی و قوی با شاخه‌های منشعب و برگهای متناوب به رنگ سبز تیره با یک بوی قوی سم. گل‌های سفید به صورت گروهی در رأس ساقه گل دهنده ظاهر می شود. میوه آن گرد و خیلی کوچک با سطح خارجی ناصاف است، تمام اعضای گیاه سمی است.

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی در گیاه شوکران کبیر، آلکالوئیدهای دی - کونی لین، گاما - کونی سئین، کونیدرین، ان - متیل کونی ئین، هسپریدین و اسانس وجود دارد.

خواص - کاربرد:

در چین و هند از گیاه شوکران کبیر در استعمال خارجی برای معالجه ناراحتی های جلدی و گرفتگی های غدد و سرطان استفاده می کنند. این گیاه را به عنوان داروی ضد اسپاسم، آرام بخش، ضد هاری و ضد کزاز می شناسند. ولی به هر حال میوه ها، برگها، ریشه و خلاصه تمام قسمت های گیاه سمی است.^۱

شوکه ابراهیم

مشخصات:

این گیاه از بوته‌های خاردار تشکیل شده است. به فارسی حشرف مریمی و در کتب طب سنتی و به عربی سلبین، شوکه ابراهیم و علیص آمده است. گیاهی است به صورت خاردار، دو ساله به بلندی ۵۰-۷۰ سانتی متر، دارای برگهای پهن، بیضی، بسیار نامنظم، سبز شفاف با لکه‌های سفید، دنداندار با دندانهای نامنظم که انتهای آن خار زرد رنگی است. گلهای آن درشت به رنگ ارغوانی و ریشه آن کمی ضخیم است. میوه آن سیاه و دارای نقطه‌هایی به رنگ رزد می‌باشد.

ترکیبات شیمیایی:

در این گیاه ماده‌ای به نام تیرامین وجود دارد.

خواص - کاربرد:

در بندآوری خونریزی بسیار مؤثر است و عصاره دانه و گیاه آن موجب افزایش فشار خون می‌شود. ریشه و برگ گیاه تلخ، اشتها آور، مقوی، تب‌بر و معرق است. از عصاره الکلی آن در بیماریهای کبد، طحال، زردی، بیوست مزمن، رفع سنگهای صفراوی، سردردهای یک طرفه، دریا گرفتگی، خستگی‌های ناشی از کار زیاد و سل ریوی در مراحل پیشرفته استفاده می‌شود.^۱

شون

مشخصات:

به فارسی خمان صغیر و آقظی و در شمال ایران می‌روید. با نامهای محلی پلم، پلخون و شون شناخته می‌شود و در کتب طب سنتی نیز خمان صغیر و آقظی آمده است.

گیاهی است علفی چند ساله که بلندی ساقه آن ۸۰-۱۵۰ سانتی متر می باشد. برگها مرکب، دارای ۵-۶ برگچه، هر برگچه بیضی مثلثی شکل، از دو طرف باریک و نوک تیز، دراز و دندانه دار است. گل‌های آن سفید یا صورتی و با بوی بادام تلخ است. میوه آن کروی سیاه رنگ کرچک در ابعاد زالزالک می باشد.

ترکیبات شیمیایی:

در برگهای آن گلوکوزید سیانورژنتیک، اسانس روغنی فرازی به نام اسانس یبل و به علاوه دارای کمی ماده تلخ، ماده پالمیتین و کمی قند ساکاروز است. در ریشه آن مقدار کمی ساکاروز، استیک اسید می باشد. در گل‌های گیاه نیز اسانس و در میوه آن تانن، اسانس و... موجود است.

خواص - کاربرد:

از نظر طبیعت سرد و خشک است و برای تسهیل اخراج بلغم و صفرا و در استسقاء نافع است. در چشم ریختن آن موجب رفع سرخی آن و برای سستی رحم و نرم کردن و باز کردن آن نافع است.^۱

شونیز

مشخصات:

به فارسی سباهدانه و سیاه تخمه و در کتب قدیم طب سنتی یا نامهای شونیز و شونوز آمده است و به عربی آن را حب السودا و کمون اسود می نامند.

۱- سیاه تخمه مزروع گیاهی است علفی و قابل کشت، یکساله پوشیده از کرک ظریف یا برگهای تقسیم شده با بریدگی خیلی عمیق به طوری که برگ را به صورت تعدادی نوار

باریک درمی آورد.

۲- سیاه تخمه دشتی یا وحشی گیاهی است یکساله و علفی خیلی کوتاه، برگهای آن شبیه سیاه تخمه مزروع با تقسیمات باریک نخی است. گلهای آن آبی با خطوط سبز رنگ است.

ترکیبات شیمیایی:

در دانه‌های سیاه تخمه مزروع اسانس و یک گلوکوزید سمی به نام ملاتین و یک ماده تلخ غیر متبلور زرد رنگ محلول در آب و الکل به نام نیزلین می‌باشد. در سیاه تخمه دشتی نیز ماده تلخ نیزلین و روغن ثابت و اسانس وجود دارد.

خواص - کاربرد:

به عنوان بادشکن، مدر، قاعده آور و زیاد کننده ترشح شیر تحویز می‌شود. این گیاه به صورت ضماد برای آبسه‌ها، روماتیسم، ورم گوش و زخم بینی و سردرد مصرف می‌شود و خواص دارویی دیگری نیز دارد.^۱

شوخس

مشخصات:

این درخت در اطراف تهران شب حُسب و درخت ابریشم، در مازندران بیولی، در نور و کجور و ونی، شوخس و شوفس نامیده می‌شود.

درخت گل ابریشم، درخت حساسی است و برگهای آن شبها روی هم می‌خوابند و به همین دلیل نام آن را شب حُسب گذاشته‌اند و شاخه‌های آن دارای انشعابات چتری است. گلهای آن سفید، صورتی یا سرخ است که در تیرماه شکفته می‌شود.

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی در شوش ساپونین مشخص شده است و دارای تانن می باشد.

خواص - کاربرد:

از پوست گیاه به عنوان مقوی، توتیک، مسکن و آرام کننده استفاده می شود. پوست ساقه و شاخه های درخت را در بهار یا پاییز کنده و آماده می کنند. داروی حاصل از آن کمی شیرین، مسکن، ضد درد و آرامبخش است و جریان گردش خون را تنظیم می کند و معمولاً برای رفع بی خوابی و سرطان ریه و استخوان یا در رفتگی و معالجه بواسیر نتایج خوبی دارد.^۱

شوكة الصباغین

مشخصات:

به طور کلی آلو سیاه در کتب قدیم نام برده می شود. نامهای محلی آن در شمال ایران خوشه انگور، آش انگور، آشنگور، خرزال، سیاه درخت و در کتب طب سنتی با نام عوسج و شوكة الصباغین نام برده شده است.

گیاه درختچه ای است به بلندی ۸-۳ متر و در برخی نقاط خیلی کوچکتر، پرشاخه، انتهای شاخه های آن خاردار، برگهای آن بیضی و در کناره های برگها در هر طرف ۷۰-۴۰ دندانه کوچک دیده می شود و دارای دمبرگی به طول ۲ سانتی متر می باشد. گنهای آن کوچک و زرد است که در کنار برگها ظاهر می شود.

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی در میوه این گیاه وجود هتروزیدی به نام رامنی زن تأیید شده است و تأثیر مسهلی آن مربوط به وجود هتروزیدهای امودین در آن است.

خواص - کاربرد:

شیره میوه شوکه الصباغین نیز مسهل قوی است که معمولاً به صورت شربت نزیرون مصرف می شود. مقدار خوراکی آن برای هر سال سن بیمار در حدود ۲ گرم از شربت آن است، این گیاه به صورت درختی است که بلندی آن کمتر از ۱۰ متر است.^۱

شوید

مشخصات:

گیاهی است یکساله به ارتفاع ۱۰۰-۴۰ سانتی متر، ساقه آن قائم استوانه‌ای بی کرک، دارای شیارهای عمودی و برگهای متناوب است. شوید به طور خودرو در مناطق مختلف ایران در سائین قلعه، تبریز، خراسان و اترک می‌روید.

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی در دانه شوید وجود تانن یک ماده رزینی و یک اسانس روغنی فراز متشکل از لیمونن، وکتون و کاروون.

خواص - کاربرد:

در تمام مناطق خاور دور از بذر شوید به عنوان معطر، بادشکن، محرک، مقوی معده، ضد نفخ بخصوص برای بچه‌ها استفاده می شود. ضد کرم قوی است. خواص آن محلول و اعتدال دهنده اخلاط و بازکننده گرفتگی‌ها و انسداد است. مسکن دل پیچه و دردهای سرد می باشد. قاعده آور است، روغن آن برای درد مفاصل و اعصاب و نرم کردن سختی‌ها بسیار مؤثر است. گرد آن زخمهای تروچرکین را خشک می نماید و برای زخم آلت تناسلی مرد بسیار مؤثر است.^۲

برگ شوید مشابه برگ بادیان و خوشبو است و تخمش مشابه تخم کرفس و درازتر

۲- سعارن گیاهی، ج ۱، ص ۱۵۵.

۱- سعارن گیاهی، ج ۶، ص ۲۰۳، محیط انطه، ج ۱، ص ۲۰۰.

است. خاصیت دارویی آن تا دو سال باقی می ماند. بهترین آن نرم تازه و خوشبو است. مزاج آن گرم در آخر دوم و خشک در اول دوم می باشد. به قول اسحاق گرم و خشک در درجه دوم است. تخم آن گرم و خشک در درجه سوم و مزاج خاکسترش در درجه سوم گرم و خشک است.

تخم شوید قی آور است. نشستن در آب پخته شوید نافع درد روده بادی و بلغمی است، شربت تخم شوید سنگ کنیه و متانه را خرد و خارج می کند و خوراک بریان آن با نبات نافع شب ادراری در خواب می باشد و مقوی باه است. ضماد تخم قاطع بواسیر ناتیه است.

خوراک آن با غذا دفع سموم کند و پخته آن با عسل و قی کردن نافع گزیدگی ماز است.

چرک داخل زخمها را پخته و بیرون می کشد، پخته آن صفرا را می سوزاند و روغن آن باد را بیرون رانده و قوه باه را قوی و مزاج را نرم می کند.^۱ اسامی دیگر؛ شوید، شبت، شوت و شود می باشد.

در درجه دوم گرم و خشک است، روغن آن باده را از شکم بیرون و باه را تقویت می کند. خاکستر آن زخمهای مرطوب را خشک می کند.^۲

بادشکن، گرم کننده بدن، هضم کننده غذا و از دیاد کننده شیر می باشد نیز برای بهبود بی نظمی های دستگاه گوارش، به ویژه سکسکه و استفراغ در کودکان مفید است.^۳

عصاره آن نافع امراض گوش و بواسیر است، پخته آن جهت امراض رحم مفید است. خوردن زیاد آن باعث ضعف بینایی و قاطع منی می شود. برای افرادی که مزاج گرم دارند و مصلحش آب لیمو است، مضر است. مقدار خوراک آن هفت درهم و تخم آن سه درهم و بدل آن رازیانه است.^۴

۱- لابنه من حقائق الادویه، ص ۱۹۹

۲- صیغه، ج ۱، ص ۴۱۶، ج ۲، ص ۹۰۱

۳- آنسای باگیاناز، دارویی، دکتر پراهمیم ما کونی، ص ۱۷۵ طب سنتی، ص ۱۲۲

۴- تحفه حکیم، ص ۱۱۶۲ نوپان کیر، ص ۲۶۱

شوره گز

مشخصات:

از انواع درخت گز است. نام محلی آن در جنوب خراسان و کرمان گز شاهی، شوره گز و در بلوچستان باهوگزا می باشد. در کتب طب سنتی ایتل و ایتل نام برده می شود. درختی است که در رنگ صاف به بلندی حدود ۱۰ متر، برگهای آن ریز دارای غلاف و انتهای آن نوکدار می باشد.

این درخت در مصر، عراق، عربستان، ایران، افغانستان و پاکستان انتشار دارد. در ایران در مناطق خشک و گرمسیر جنوب و برازجان، دالکی، بوشهر تا جاسک، بمپور، سیستان، بم و طبس می روید.

ترکیبات شیمیایی:

در گالهای درخت گز شاهی مقدار فراوانی در حدود ۳۶-۴۳ درصد تانن وجود دارد و در پوست آن حدود ۱۰ درصد و در چوب آن حدود ۱ درصد تانن یافت می شود.

خواص - کاربرد:

گالهای آن قرمز و خیلی قایض، پوست آن تلخ و قایض است. در هندوستان آن را پس از خشک کردن به صورت گرد در می آورند و مخلوط با روغن و کامالا برای ازدیاد نیروی جنسی و تحریکات جنسی به کار می برند. گال درخت را نیز با نام گز شاهی و ایتل می نامند.

جویدن گالها یا مززه با آب دم کرده آن برای تقویت لثه و دندانها نافع است. خوردن ۳۰ گرم از دم کرد یا خیسانده آن در آب گرم با شکر برای برقان و ترشحات رحم مفید است.^۱

شوكة البواسير

مشخصات:

در کتب طب سنتی با نام شوكة البواسير آمده است. گیاهی است پایا با ساقه افراشته شیاردار، قسمت بالای ساقه شاخه شاخه، برگها صاف و بخصوص زیر برگ پوشیده از کرک سفید، کناره برگها دارای دندانهای نامنظم عمیق که نوک هر دانه تیز و تیغی می باشد. ساقه زیرزمینی آن ضخیم و محتوی مواد مغذی است. دانه های گیاه یک دسته کاکل در انتهاب خود دارند و در اثر کوچکترین وزش باد، زودبخش است.^۱

شیترج

مشخصات:

گیاهی علفی، چند ساله، به ارتفاع ۰/۵ تا ۱/۵ متر و دارای اعضای کم و بیش چوبی است. بیشتر در اماکن سایه دار می روید. گلهايش سفید رنگ به صورت خوشه بر روی محوری غده ای ظاهر می شود. در بعضی نواحی جنوب آسیا و نواحی گرم آفریقا می روید. قسمت مورد استفاده این گیاه پوست ریشه، برگ، گیاه کامل یا شیرۀ حاصل از آن است.

شیر پنیر

مشخصات:

شیر پنیر گیاهی است یکساله که بیشتر در چمنزارها، بیابانها و دشت ها می روید و دارای شاخه های نازک و برگهای ریز و گنهای زرد می باشد. در میان کردها از شیر آن

برای دفع زگیل و بیوست و از جوشاندن ریشه آن برای رفع اسهال استفاده می کنند.^۱
 در استعمال خارج، پماد آن که از شیر گیاه تازه و بیه خوک تهیه می شود، در رفع خنازیر، سوداء، بیماریهای جلدی مختلف و حتی جرب به کار می رود. گرد برگهای آن را همچنین در رفع آگزما، اولسره‌های دیگر علاج و زخمهای سرطانی موثر می دانند.^۲
 به فارسی به آن شیر پنیر، عنف ماست، عنف شیر و در آذربایجان یوقورت اوتی گویند. در کتب طب سنتی با نامهای غالیون، قالیون، بقلة اللبن و عاقة اللبن و خیشره و در دهخدا نیز خیره آمده است.

ترکیبات شیمیایی:

در گیاه، گلوکوزید آسپروولوزید مشخص شده است. به علاوه از ریشه آن یک گلوکوزید به نام پریموروزید روپادین به دست می آید. علاوه بر موارد فوق در گیاه وجود اسیدهای نظیر گالیتانیک اسید، سیتریک اسید و نوعی ماده قرمز از نوع آلیزارین تأیید شده است.

خواص - کاربرد:

در هند عصاره این گیاه تازه یا جوشانده گیاه تازه را در موارد سرع و هیستری می خورند و در استعمال خارجی برای رفع ناراحتی های جلدی مصرف می شود. دم کرده سرشاخه های گلدار آن برای تسکین درد معده و عوارض داء الرقص دختران نافع است. قابض است و خون را بند می آورد.^۳

شیرین قلمه

گونه ای از گیاه شالک است که در آذربایجان شیرین قلمه - قلمه و در مراغه آق گواخ و در بعضی شهرها به نامهای مختلف یاد شده است. این درخت دارای ساقه ای راست و

۲- گیاهان دارویی - ج دوم، ص ۷۱

۱- دفتنه مرزبان، ج ۴، ص ۱۹۰

۳- معارف گیاهی، ج ۷، ص ۸۵

قائم است و بلندی آن تا ۳۰ متر است. شاخه‌های آن معمولاً موازی تنه اصلی، برگهای آن کمی کوچکتر از نوع دیگر است. چوب آن سبک و در کبریت سازی و تیرهای تلفن و ساختمان به کار می‌رود.^۱

شیشعان

مشخصات:

به فارسی بطورکلی درخت گز گفته می‌شود. گل‌های آن مصرف دارویی در طب سنتی دارد و از روغن آن نیز استفاده می‌شود.

شیشعان درختچه کوچکی است که بیشتر در کنار رودخانه‌ها می‌رویند. برگهای آن فلسی کوچک کشیده و سبز مایل به آبی رنگ است. درختچه آن خاردار و چوب آن نیز از نظر طعم کمی گزنده و در عین حال خوشبو می‌باشد. گلها زرد یا صورتی و خوشبو و تند است.

خواص - کاربرد:

گیاه از نظر طبیعت گرم و خشک است. این گیاه سردرد را رفع می‌کند و بادها را تحلیل می‌برد و رطوبتهای غلیظ را خشک می‌نماید. مقوی اعضای رافع سستی اعضا و مثانه است و خروج جنین را تسهیل می‌کند و کاربردهای دیگری نیز دارد.^۲

شیزی

در کتب طب سنتی انواع آن را با نامهای عربی، شجرة الابهل و در کتب فارسی قدیم انواع آن را با نام فارسی کوكلان، نازون، سرو کوهی، ورس و... آمده است که در بحث شجرة الابهل توضیحات داده شد.^۳

۱- همان‌جا، ص ۲۶۱.

۲- معارف گیاهی، ص ۲۰.

۳- همان‌جا، ص ۱۸۳.

شیلانگ یا عناب

مشخصات:

به فارسی عناب و در کتب مختلف فارسی و سنتی با نامهای عناب، شیلانه، سیلانه، شیلانک و... آمده است.

عناب درختی است کوتاه، بلندی آن ۸ - ۶ متر و بسیار مقاوم به خشکی. وارسته‌ای از آن تیغ‌دار است و وارسته‌ای از آن بدون تیغ می‌باشد. برگهای آن کوچک، متناوب و دندانه‌دار است و گلهای آن کوچک و به رنگ سبز روشن مایل به زرد و مجتمع در کنار برگها است. درخت عناب بومی مناطق گرمسیر است.

ترکیبات شیمیایی:

در هسته عناب، آلکالوئید وجود ندارد. روغن آن دارای اولئیک اسید، لینولئیک اسید، پالمیتیک اسید و فیتوسترول است.

خواص - کاربرد:

به عنوان داروی لعاب‌دار و نرم‌کننده سینه و بند آورنده خونریزی استفاده می‌شود و برای تصفیه خون و کمک به هاضمه تجویز می‌شود. عناب اثر و طعم داروهای محرک را کاهش می‌دهد. منضج و اعتدال‌دهنده اخلاط غلیظ و مسهل اخلاط رقیق است. خون را تصفیه می‌کند و مولد خون صالح است.^۱

شیر خشک

مشخصات:

ماده‌ای است سفید رنگ کمی مایل به زرد و شیرین، بکی دیگر از آنها می‌باشد. به فارسی شیرخشت و شیرخاشاک می‌گویند. شیرخشک دارای انواع مختلفی است که از

۱- معارف گیاهی، ج ۶، ص ۴۰۸، فلور، ج ۳، ص ۲۰.

چندین نوع گیاه گرفته می شود که از نظر خواص مسهلی و سایر خواص کم و بیش شبیه هستند. نام علمی گیاهان و محل رویش معروفترین آنها به شرح زیر است:

۱- کاروانکش و تارمکش در خراسان و افغانستان.

۲- گیاه شیرخشت.

۳- زبان گنحشک گل.

خواص - کاربرد:

شیرخشت ملین است و مسهل صفرا و اخلاط سوخته می باشد و برای تقویت کبد، معده و احشاء داخل شکم مفید است. حرارت معده، قلب و کبد را تسکین می دهد و برای سرفه، خشونت سینه و حلق داروی خوبی است.^۱

شیلال

مشخصات:

شیلال نوعی از گیاه کتیرا است که شبیه گون زرد است. نام محلی آن در دامنه های البرز شلال است. صمغی است که از ساقه گون گرفته می شود. این صمغ خود به خود یا معمولاً بر اثر شکافی که به ساقه گون وارد می شود جاری می گردد و پس از مدت کوتاهی خشک می شود.

ترکیبات شیمیایی:

دارای ۱۰-۱۵ درصد آب، ۳-۴ درصد مواد معدنی و ۳ درصد نشاسته است. کتیرا ماده ای است بی بو که ۶۰-۷۰ درصد آن در آب حل نمی شود ولی با جذب رطوبت به صورت لعاب چسبنده ای درمی آید که ذرات نشاسته در داخل آن محسوساً دیده می شود.

خواص - کاربرد:

از نظر طبیعت صمغ کثیرا، حکمای طب سنتی اتفاق نظر دارند. عده‌ای زیاد، آن را از نظر گرمی و سردی معتدل و از نظر رطوبت آن را مرطوب و حتی مرطوب‌تر از صمغ عربی می‌دانند ولی عده دیگری از حکما معتقدند که طبیعت کثیرا سرد و خشک است.^۱

شیلیم

خوردن ترب رنگ صورت را باز می‌کند و ضماد ترب با آرد شیلیم (گندم دیوانه یا چجم) برای رویدن مو و جلوگیری از ریزش مو نافع است و ضماد آن با عسل برای تحلیل ورم زیر چشم ضماد تخم آن با عسل برای رفع آثار ضربه و گرفتگی و خون مردگی و لکه‌های پوست بدن مفید است.^۲

شیمشیر

مشخصات:

در ایران گوسوارک و شیمشیر نامیده می‌شود. این شمشاد در ارسباران شیمشیر گفته می‌شود و در کتب طب سنتی به عربی آن افونموس و عرقیه‌الراهب آمده است.

ساقه‌های این درخت کوچک به واسطه تولید چوب پنبه‌های موضعی چهار وجهی است و برگهای بیضی کشیده نوک تیز به طول ۸ - ۳ سانتی متر با دمبرگ. این درخت میوه‌اش از طرف خارج دارای چند برآمدگی است.

درختچه کوچکی به ارتفاع ۲ تا ۶ متر و دارای برگهایی متقابل، بیضوی و نوک تیز با دندان‌های کوچک و ظریف است. در حاشیه جنگلها، چمنزارهای طبیعی، کنار جریانهای آب، مخصوصاً اگر جتنس زمین آهکی باشد، می‌روید. پراکندگی آن در منطقه وسیعی از اروپا و در آسیا و ایران است. ساقه‌های جوان آن در پایه‌هایی که در دشت‌ها

می رویند؛ چهار گوش و به رنگ سبز ولی در بایه نواحی کوهستانی گرد و به رنگ مایل به خاکستری است. قسمت مورد استفاده این گیاه کلیه اندامهای آن مانند پوست، میوه، برگ و همچنین دانه است.

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی در شیمشیر در تمام اعضای درخت ماده اوونی مین وجود دارد.^۱

خواص - کاربرد:

کلیه قسمت‌های این گیاه دارای اثر مسهلی و قی آور است. اثر میوه آن بیشتر از پوست و برگ گیاه است. از این محلول در دامپزشکی برای رفع جرب حیوانات اهلی به این صورت استفاده می‌کنند: مقدار ۵۰ گرم میوه گیاه (یا اعضای مختلف گیاه در فصل پاییز) را در یک لیتر آب مخلوط یا سرکه، وارد می‌کنند و لوسیون حاصل را جهت رفع گال حیوانات اهلی مخصوصاً اسب به کار می‌برند. پماد ۸ گرم دانه آن در ۳۰ گرم پیه خوک به منظور فوق مصرف می‌دارد. این گیاه در شمال غربی ایران، آذربایجان و ارسباران می‌روید.^۲

شیطرج

مشخصات:

به فارسی موجه، شیره، تره تیزک و حشی و در کتب سنتی با نامهای مسواک الراعی و شیطرج آمده است.

گیاهی است چند ساله و علفی؛ برگهای آن درخت، متناوب، ضخیم، بی کرک،

۱- معارف گیاهی، ج ۳، ص ۱۱۱.

۲- گیاهان دارویی، دکتر زرگری، ج ۱، ص ۵۹۲.

بیضی، نوک تیز به رنگ سبز مایل به خاکستری است. گل‌های آن کوچک، سفید یا زرد است. میوه آن کوچک تخم مرغی شکل به طول حدود ۲ میلی‌متر می‌باشد.

ترکیبات شیمیایی:

در دانه‌های گیاه یک گلوکوزید روغن خردل وجود دارد. در بررسی دیگر نشان می‌دهد که این گیاه دارای رزین و دو آلکالوئید و ترکیبات فلاوونی، سائپونین و مقادیری ویتامین C است.

خواص - کاربرد:

این گیاه برای تصفیه خون و به‌عنوان عوارض ناشی از کمی ویتامین C در بدن به کار می‌رود. و در التیام بیماریهای پوست اثر مثبت دارد. در هند، از دم‌کرده گیاه برای رفع ناراحتی‌های کبد و کلیه استفاده می‌شود و ریتم ضربان قلب را منظم می‌کند. این گیاه خاصیت‌های دارویی دیگری نیز دارد.

ریشه این گیاه و پوست آن مقوی، بادشکن، قابض و ضد کرم است. از آن جهت رفع ناراحتی‌های روده، دیسانتری، التهاب، آب آوردن شکم و تسکین خارش استفاده می‌شود.

رنگ برگها سبز، گل سرخ و سفید و بیخ سیاه مایل به سرخ، ذائقه تلخ و تیز، مزاج گرم و خشک درجه سوم، مقدار خوراک: از ۱/۵ گرم تا ۳ گرم است.

کلیه قسمت‌های این گیاه مخصوصاً ریشه آن اثر تحریک کننده، سوزآور، مسهلی، قی آور و زیاد کننده ترشحات آب دهان دارد. با قرار دادن ریشه له شده آن بر روی پوست، ابتدا قرمزی می‌کند و سپس تاول به وجود می‌آید.

از موارد دیگر استفاده این گیاه در استعمال خارج، به کار بردن آن در درمان کچلی است، زیرا در بهبود آن اثر قاطع نشان می‌دهد، به علاوه بیماریهای جلدی از قبیل جرب را نیز معالجه می‌نماید متسروط بر آنکه نهایت دقت و احتیاط در به کار بردن آن مراعات گردد، زیرا بر اثر تاوونهای شدید که ایجاد می‌نماید ممکن است گاهی به پوست بدن آسیب کلی وارد آورد.

برای این کار بهترین روش استفاده، به کار بردن نوعی لینیمان است که به شرح زیر تهیه می شود:

۱۰۰ گرم ریشه گیاه را در یک هاون مرمر می ساینند یا آن را به خوبی رنده نموده در مقدار کافی روغن به حالت جوش وارد می سازند. سپس چند دقیقه آن را به هم می زنند و بعد از صاف کردن قسمتی از باقیمانده را بر روی پارچه ای قرار داده، آن را در روغن مذکور می خیسانند.

شیب العجوز

مشخصات:

از خزه ها می باشد. در کتب طب سنتی و در بازار با نامهای عربی اشنه، مسک القرود، شیب العجوز و شیب العجوز آمده است. به فارسی آنک، دوآله و دوآنک گفته می شود. اشنه خزه ای است که بر درخت صنوبر، بلوط، گردو و درختان دیگری می روید. خزه هایی که به درخت بلوط و گردو می پیچند و می چسبند معطر و خوشبو می باشند که در شمال ایران آن را آنک یا دوآنک نامند. در «عرایس الجواهر» آمده است که اشنه از عطرهای بسیار مورد توجه و از اجزای عنبر خوشبو می باشد. مرغوبترین آن این است که هر دو روی آن سفید و معطر باشد. از نظر ترکیبات شیمیایی در آن ماده لیگنین وجود دارد که از نشاسته هاست و مصرف غذایی دارد.

شیرین بیان

مشخصات:

فرانسه: Reglisse

انگلیسی: Liquorice

ایتالیایی: Regolizia

فارسی: شیرین بیان

عربی: شجرة السوس

هندی: ملتی

گیاهی است علفی چند ساله، دارای ساقه‌هواپی دراز و علفی و برگهای آن مرکب، تعداد برگچه‌ای آن فرد و اغلب یازده تا است. ریشه شیرین بیان دارای عصاره‌ای است که در طب گیاهی مصرف وسیعی دارد. از عصاره شیرین بیان و عرق آن مشروب غیر الکلی فرج بخشی درست می‌کنند. شیرین بیان بومی تمامی مناطق معتدل با آب و هوای مدیترانه‌ای است.

روایت از جابر بن حیان:

شیرین بیان گیاهی است علفی و پایا از تیره سبزی آسها که به ارتفاع ۵۰ سانتی متر یا یک متر می‌رسد.

این گیاه بومی جنوب اروپا و شمال آفریقا و نواحی معتدل آسیا می‌باشد. (در اکثر نقاط ایران خصوصاً نواحی شرقی و شمال شرقی و همچنین آذربایجان به فراوانی می‌روید). ریشه و ساقه زیرزمینی آن مصرف دارویی دارد. عصاره شیرین بیان به تناسب شربنی طعم آن جهت مخفی کردن طعم ناپسند بعضی داروها نظیر کاسیا و گنه گنه مصرف می‌شود. سوس، اصل السوس، علوقیرنیرا، عرقسوس، عرق السوس، شجرة السوس و مهک می‌نامند. ریشه شیرین بیان در بازار به نام آسه نیز عرضه می‌شود.^۱

ابوعلی سینا گوید: سوس، مهک، شیرین بیان و بیخ مهک مزاجش معتدل است و اگر به طرفی گرایش پیدا کند رو به حرارت و رطوبت است. افشوره و بیخش داروی کژدمه می‌باشد؛ افشوره‌اش برای زخمها مفید است، قصبه‌الریه را نرم کند، ریه را می‌بالاید، صدا را صاف کند، علاج سوزش بول، قرحه‌گرده و مثانه و گرمی مثانه است، برای تبهای کهنه مفید است.^۲

۱- فرهنگ فارسی- دکتر معین، ج ۱، ص ۱۱۰ این الیطار، ج ۳، ص ۴۲؛ فرهنگ داروها، ص ۲۱۶؛ صیدنه، ج ۲، ص ۸۹۵.

۲- قانون در طب، ج ۲، ص ۲۴۵.

شیرین بیان خنک، مدر و مسکن است و بیشتر در عفونتهای نزله‌ای و سرفه‌دار مصرف می‌گردد. ریشه شیرین بیان را به مقدار ۲۵ گرم در یک لیتر آب می‌جوشانند و اگر آن را با بید گیاه مخلوط دم کنند نوشابه خنک و ادرار آور خواهد شد.

ترکیبات شیمیایی:

در ریشه شیرین بیان ماده عامل شیرین گلیسیریزین، گلیسیرتینیک اسید و گلیسیریزیک اسید وجود دارد. ریشه شیرین بیان تجارتنی دارای ۲/۲ درصد ایزولیکیرتین و یک آتوکسانتین گلی کوزید که رنگ کمی زرد به مغز ریشه می‌دهد و به علاوه یک فلاوونوزید و لیکیرتوزید با سمیت محدود کم که فقط عمل عضلات نرم را کند می‌کند، می‌باشد.

خواص - کاربرد:

شیرین بیان مدرّ و مسکن است. بیشتر در عفونتهای نزله‌ای و سرفه‌دار مصرف می‌گردد.

ریشه شیرین بیان را به مقدار ۲۵ گرم در یک لیتر آب می‌جوشانند و اگر آن را با بید گیاه دم کنند نوشابه‌ای خنک و ادرار آور خواهد شد.

ریشه شیرین بیان اشتها آور، ادرار آور، خنک، داروی سینه و سرفه است و در التیام زخم معده و همچنین به تقویت غده‌های فوق کلیوی کمک می‌کند. شیرین بیان را در عفونتهای گلو، برونشها و درد روده‌ها مصرف می‌کنند که باید ۵۰ گرم آن را در یک لیتر آب پنج دقیقه جوشانده، پس از دوازده ساعت خورد. با پودر شیرین بیان نوشابه‌ای به نام کوکو درست می‌کنند. پودر شیرین بیان بهترین داروی یبوست و بواسیر است. در داروخانه‌ها موجود می‌باشد.^۱

در چین مرسوم است که ریشه‌های این گیاه را در بهار یا پائیز از خاک بیرون آورده، شسته و تمیز نموده و به‌طور طبیعی یا با کمی عسل گرم می‌کنند تا حدی که به دست

نچسبد و سپس مصرف می‌کنند. در طب جدید از گرد ریشه و ساقه زیرزمینی آن برای رفع ناراحتی‌های طحال و جراحی گلو استفاده می‌شود.^۱

در ریشه شیرین بیان ماده قندی و شیرین و لعابداری وجود دارد که در آب حل می‌شود، دارای خواص خلط آور و نرم کننده سینه می‌باشد. شیرین بیان خنک، مدر و مسکن است. بیشتر در عفونت‌های نزله‌ای و سرفه‌دار مصرف می‌گردد. ریشه‌اش را به مقدار بیست و پنج گرم تا سی گرم در یک لیتر آب می‌جوشانند و مصرف می‌کنند، ریشه آن دوائی سینه و سرفه است.^۲

جوشانده برگهای توت فرنگی با شیرین بیان حمله آسم را تسکین می‌دهد.^۳ شیرین بیان گیاهی پایا از تیره نخود است. ساقه‌ای به ارتفاع یک متر و برگهایی مرکب از چهار تا هفت زوج برگچه با یک برگچه انتهایی دارد. ریشه این گیاه مصارف مختلف دارویی دارد و همچنین برای تهیه شیره بیان در کارخانجات تقطیر، جهت تهیه لیکورهای مختلف، مورد استفاده قرار می‌گیرد. از گرد ریشه شیرین بیان، سابقاً جهت مخفی ساختن طعم ناپسند بعضی داروها در تهیه حب‌ها، استفاده به عمل می‌آمد.^۴

ریشه و ریزوم شیرین بیان مصارف دارویی دارند و به صورت قطعات استوانه‌ای شکل به قطر ۰/۵ تا ۱/۵ سانتی متر در معرض استفاده قرار می‌گیرند.

شیرین بیان اثر رفع سرفه‌های عصبی، برونشیت و التهاب نای دارد. مصرف آن در موارد التهاب معده، زخم معده و اثنی عشر اثر درمانی ظاهر می‌کند.^۵

خوراک آن با باریجه نافع تنگی نفس است و با شیر نافع سرفه خفیف و با ماست مصلح لبنیات است و نیز با انیسون نافع سرفه کهنه است.^۶

در بوشهر و بطور کلی در فارس مهک و ریشه آن را بیخ مهک و در اطراف تهران و شمال ایران شیرین بیان و در کرمان منکی و در اصفهان میجو و مژو گویند.

۱- معارف گیاهی، ج ۳، ص ۶. ۲- گلشن و گیاهان شعبانخیز، ص ۱۵۱.

۳- بوته‌ها و سبزی‌های شعبانخیز، ص ۱۶۰.

۴- گیاهان دارویی، دکتر زرگری، ج ۳، ص ۶۲۱.

۵- همانجا، ج ۱، ص ۶۴۸.

۶- حکیم اسفندیاری.

شیرین بیان علاوه بر آنکه در داروسازی جهت مخفی ساختن طعم ناپسند بعضی داروها نظیر سولفات کینین، آلوئس، کاسیا و غیره به کار می رود یا مسهل های قوی نیز که مصرف آنها معمولاً پیچش و ناراحتی به وجود می آورند، مخلوط می گردد، زیرا مصرف آن موجب کم شدن انقباضات روده می شود. شیرین بیان اثر رفع سرفه های عصبی، برونشیت و التهاب نای دارد. مصرف آن در موارد التهاب معده، زخم معده و اثنی عشر اثر درمانی ظاهر می کند.

نسخه جهت درمان گاستریت (التهاب معده) و زخم معده: گرد عصاره شیرین بیان ۱۰۰ گرم، آب ۵۰ گرم، به مقدار ۳ قاشق قهوه خوری در روز در استعمال خارج به صورت کمپرس برای درمان زخمها به کار می رود.

مسمومیت:

اخیراً مسمومیت هایی از مصرف گلیسیریزین در کشور فرانسه پیش آمده که ۹ مورد آن در مرکز درمانی بیمارستانهای مارسسی مورد توجه و بررسی قرار گرفت. مصرف مقادیر گلیسیریزین باعث تولید خارج از حد هورمونی به نام آلدوسترون می شود. مقدار لازم گلیسیریزین برای ایجاد مسمومیت، حدود ۵۰۰ میلی گرم در روز برای مدت لااقل یک ماده است ولی کمتر از این مقدار نیز بر حسب مستعد بودن بعضی افراد، ممکن است مسمومیت بوجود آورد.

محل رویش:

گرگان، آذربایجان، سنندج، کرمانشاه، همدان، فارس، لرستان، کرمان، بلوچستان، تهران، کرج.

شیرین بیان هندی

مشخصات:

در فارسی قدیم و کتب طب سنتی با نامهای شیرین بیان هندی، سوس بری، سوس بری جامائیک و تخم آن با نامهای خروس، چشم خروس و عین الدیک نام برده می شود. شیرین بیان هندی درختچه ای است بالا رونده و پیچکدار آفریقایی و هندی و در سایر مناطق حاره نیز یافت می شود و انواعی از آن نیز در آمریکای حاره انتشار دارد. از نظر دارویی بیشتر دانه های آن مستعمل است، ولی برگها و ریشه آن نیز خواص دارویی دارد. معمولاً دانه این گیاه با نام چشم خروس از هند به بازار دارویی ایران وارد می شود. ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی گیاه دارای گلوکوزید آبرین و گلوکوزید آبرالین است.^۱

شیر گیاه

گلپای شیر گیاه خلط آور و هضم کننده و برای سیاه سرفه مفید است. شیر گیاه برای برونشیت، نزله و برونشیت های سیاه سرفه مفید است، مقدار پنجاه تا صد گرم در یک لیتر آب جوشانیده مصرف نمایند. شیر گیاه اعصاب را آرامش می دهد.^۲

شیر گنجشک (صرد)

امام صادق علیه السلام فرمود: خبر داد مرا پدرم از جدش که رسول خدا صلی الله علیه و آله نهی فرمود از کشتن شش جانور: مگس، مورچه، وزغ، صرد (مرغی است که گنجشک را شکار می کند)، هدهد و پرستک (پرستو).^۳

شیر گنجشک: ۱- کرکس ۲- نوعی باز شکاری کوچک قامت که گنجشک و دیگر

۱- کلیا و گیاهان شفا بخش، ص ۱۴۴.

۲- معارف گیاه، ج ۳، ص ۱.

۳- حلیة المتقین، ص ۲۷۶.

پرندهگان کوچک را شکار کند، و آن یکی از گونه‌های باشه است.^۱

صرد را به فارسی سبز کراوترنشک اودکاک و به عربی سوام نامند. دیده نمی‌شود مگر بر شاخه درخت و کسی را دست بر آن نیست و بسیار شریرالنفس، گریزنده و دشمن گوشت است. گویند هر پرنده‌ای را که بخواهد با متقار خود شکار می‌کند. افعال و خواص این به قول هندیان در لطورا بیاید.^۲

لطورا را گویند اسم هندی صرد است و آن پرنده‌ای خاکستری رنگ است. نوعی از آن بزرگ و به حجم فاخته است که صید گنجشک کند. گرم و خشک است، شوربای آن جهت خستگی و درد مفاصل و عرق النساء شرباً و نطولاً مفید است، آن مضر گرم مزاجان است.^۳

صرد، سودانیات است. سودانیات مرغی است که به فارسی دارکو و به عربی صرد نامند، گوشت آن چاق کننده و مضر مغز است.^۴

صرد را صداهای مختلف است و هر پرنده‌ای که بخواهد شکار نماید به زبان آن صدا برآورد و آن پرنده را نزد خود می‌طلبد و چون پرنده‌ها جمع شدند هر کدام را که بخواهد شکار می‌کند.^۵

شیر زنان

ابراهیم بن محمد طبیب گوید: مردی از دوستان امام از درد گوش شکوه نمود و گفت: اضافه بر درد آن، خون و چرک هم می‌آید. فرمود: پنیر کهنه را نرم بکوب بعد آن را با شیر زن مخلوط کن و با آتش نرم آن را گرم کن بعد چند قطره از آن به گوش خود بریز، خوب می‌شود به اذن خدا.^۶

شیر زنان به عربی لبن النساء نامند و آن لطیف‌تر است از شیر خر و افضل

۱- محیط اطبی، ج ۳، ص ۱۷۱.

۲- فرهنگ پزشکی، دکتر سعید، ج ۲، ص ۲۱۰۷.

۳- نواب‌الدین کبیر، ص ۲۷۳.

۴- بحث حکیم، ص ۱۵۹.

۵- همان، ج ۴، ص ۹.

۶- طب الاشیاء، ص ۸۳.

شیرهاست. بنابر شرف مناسب آن برای انسان و فضیلت تغذیه حاصله از آن بهر انسان و از این جهت است که هر حیوانی که مدت حمل آن انسان قریب باشد مثل گاو موافق است و هر آنچه حمل آن از مدت حمل انسان درازتر بود و هر قدر که عهد دوسیدن آن بعید باشد ردی است. موافق ترین سایر شیرهاست از برای اطفال و امراض حارّه حاده، خصوصاً از مولد دختر و بهترین آن شیر زن جوان معتدل المزاج صحیح دختر زائیده است که غذاهای موافق خورده باشد. آن سرد و تر است و جهت ترتیب و تقویت دماغ و رفع بی خوابی و رمه و قروح ریه و تب دق و ادرار بول و دفع سمیت ارنب بحری نافع و گویند که شرب آن مسکن لذع معده است و طلای آن مسکن درد نقرس است بدرستی که با فیون و موم و زیت و سعوط آن جهت رفع خشکی دماغ و سرسام و صداع حار و مالیخولیا و جنون مفید است و قطور آن در چشم جهت رمه حار و قرحه و رفع خشونت پلک و چکانیدن آن در گوش جهت درد حار و قرحه و ورم گرم آن نافع، شربت آن از دو اوقیه تا نیم رطل و باید گرماگرم باشد.^۱

بهترین شیر زنان و سایر البان آن است که چون بر روی ناخن بریزند آن جمع شود و با چسبندگی باشد به اعتدال قوام.^۲

دماغ و باه را تقویت می دهد، مدر بول است، مولد رطوبت و ملطف است، سرفه خشک را مفید است، در امراض دماغی مثل جنون، سرسام، مالیخولیا، سل و دق تعریف شده، در آشوب چشم قطور آن خیلی مفید است، مجرب است و نیز در گوش ریختن آن مواد را صاف می کند. بی خوابی را دفع می کند، زخم ریه و دق سینه را مفید است و نیز در فایده طبی و تجزیه مقدار ویتامین و اجزای مفیده کم و بیش مثل شیر مطلق است که در بعضی شیرها در آن بحث شده؛ اینجا فقط بعضی فوائد مخصوص را ذکر کرده ایم. چکاندن شیر زنی که دختر بچه را شیر می دهد، نافع درد گوش و ناراحتی چشم است.^۳

۲- تعاد حکیم، ص ۲۲۹.

۱- معیذ انطو، ج ۲، ص ۱۵۴ و سابق کبیر، ص ۳۷۷.

۳- حکیم اسفندیاری.

شیرخشت

از درخت صنوبر است و آن از من می باشد. ماده ای است که از ترکیب قندهای مختلف درست شده و در نتیجه خراش وارده به روی برخی گیاهان از قبیل کاروانکش به دست می آید.

گیلانی گوید: شیرخشت یکی از شبنمهای واقعه از جو بر اشجار مرطوب الجوهر سیماب بر درخت خلاف است و گویند که آن شبنمی است در بلاد خراسان و هرات و تحقیق آن است که آن از قبیل صمغ است. از گره های آن درخت برمی آید و منعقد می گردد و از قبیل شبنم نیست و خشت به لغت اهل آن نواحی به معنی صمغ است و نیز آن را به فارسی شیرخشک می نامند یعنی لبن منجمد و مجفف و تمامی آنها حبوب سفید مثل حب ترنجبین است و آن بزرگتر از دیگر است و گویند در بلاد صوبه بهار آن را از علفی که به هندی کتیرا نامند چیزی شبیه به شیرخشت به عمل می آید.^۱

ماده ای است سفید، رنگ کمی مایل به زرد و شیرین. یکی دیگر از من ها می باشد. به فارسی شیرخشت، شیرخشک و شیرخاشاک می گویند. این درخت بومی مناطق مدیترانه ای و خاور نزدیک است و در ایتالیا و سیسیل فراوان می باشد و شیرخشت مرغوبی به نام شیرخشت سیسیل در تجارت بین المللی عرضه می شود.

ترکیبات شیمیایی:

در شیرخشتها به طور کلی قندهایی مانند: گلوکوز، دکستروز، ساکاروز و ضمناً ماده شیرین دیگری به نام مانیت، مقدار جزئی ماده چرب و... وجود دارد. ماده مانیت قسمت عمده ساختمان شیمیایی من ها را تشکیل می دهد.

خواص - کاربرد:

انواع شیرخشت از نظر طبیعت کمی گرم و از نظر رطوبت و پیوست معتدل است. شیرخشت ملین است و مسهل صفرا و اخلاط سوخته می باشد و برای تقویت کبد، معده

و احشاء داخل شکم مفید است. حرارت معده، قلب و کبد را تسکین می دهد. مضار شیرخشت ایجاد نفخ و صدا در شکم و معده، رقیق کردن اسپرم و سرعت انزال می باشد که برای رفع این عوارض باید از روغن بادام و رازیانه استفاده کرد.^۱

شیرخشت (من در قرآن):

ماده شیرخشت را ابن الیطار، عطار، بوعلی سینا و دیگر دانشمندان طب شناخته اند. شیرخشت به شکل گلوله های کوچکی به اندازه یک نخود است. از درختچه مخصوصی می جوسند و برای اینکه تکه های آن به هم نچسبند نوعاً آن را به کیسره آرددار جمع می کنند لذا آرد آلوده است.

شیرخشت یکی از مانها است که به گفته دکتر صادق استاد دانشکده پزشکی و داروسازی دانشگاه تهران از همان مانهای خوراکی است که خدا بر بنی اسرائیل فرستاد که در قرآن به نام (من) آمده است.

پزشکان ایرانی از قدیم آن را در تب های عفونی تجویز می کردند و اکنون نیز طبق تحقیقات دانشمندان معلوم شده که این ماده دارای مواد قندی و صمغی می باشد و آن را به طور مسهل و ملین در تب های عفونی مشکوک به کار می برند و البته چون اشتها و قوه باه را کم می کند باید آن را با دم کرده داروهای گیاهی مخلوط نمود.

شیرخشت برای معالجه سرخک و در بیماری برونشیت مزمن و حصیه تجویز می شود و کشفیاتی که در باره این ماده در موشها به عمل آمده، زنده ماندن آنها را به پنجاه درصد افزایش داده است و باز ثابت شده که شیرخشت عامل بزرگ ضد تشعشعات اتمی است و می تواند بشر را پنجاه درصد در برابر خطرات تشعشعات اتمی محافظت نماید.

مجله علمی فراسوی به نام (زادیو پروتکسیون) می نویسد: شیرخشت یک محافظ ضد اشعه ای است که سمی نیست و کاملاً ضد اتمی طبیعی است.

اگر شیرخشت را بر روی صورت بمالند رنگ صورت را صاف می‌کند و در افغانستان و قندهار این را در داخل هندوانه جای می‌دهند بعد هندوانه را می‌خورند.^۱

انواع شیرخشت:

شیرخشت اشکی (سیسیلی): به صورت قطعات متبلور، سوراخ‌دار و اشکی شکل به قطر یک انگشت است. این قسم شیرخشت خالص‌تر از سایر اقسام است. رنگ آن سفید با طعم شیرین و خیلی کم تهوع‌آور است. این نوع شیرخشت در بازار بین‌المللی به شیرخشت سیسیلی معروف است.

شیرخشت تخته‌ای (تکه‌ای): به صورت قطعات کوچک نرم و یک تکه است. رنگ آن زرد تیره چرک، غیرخالص و طعم آن شیرین است ولی خیلی نامطبوع‌تر از نوع اول و اغلب تهوع‌آور است.

شیرخشت چرب: ناخالص‌ترین شیرخشت است که در جریان فاسد شدن می‌باشد و طبعاً ارزان‌تر و کم‌خاصیت‌تر از سایر اقسام است.

در هندی آن را هرلالو می‌گویند. در موسم تابستان از بعضی قسم از درختها رطوبت خارج شده جامد می‌شود آن را شیرخشت یا منّ می‌گویند. آن دو قسم است: یکی قسم اشکی که آن دانه‌های بزرگ و نرم می‌باشد و در طب آن را بهتر می‌شناسند و قسم دوم شیرخشت تخته یا انگلیسی آن دانه‌های سوراخ‌دار مثل سنگریزه می‌شود. از بیرون سفید و بعد از شکستن از داخل آن ماده زرد مایل به سفید بیرون می‌آید. در داروسازی غرب این قسم بیشتر استعمال می‌شود.

برای بچه‌ها و افراد ضعیف و آن کسانی که دمای تلخ نمی‌توانند بخورند، دمای خوشمزه و نعمت است. در سرفه گرم مفید است، مالبیدن آن در صورت رنگ را صاف می‌کند. در افغانستان و قندهار آن را در هندوانه تمام شب می‌گذارند حل می‌شود و آن هندوانه را می‌خورند. مسهل بی ضرر و اعلاء است، زیاد خوردن آن نفخ و درد می‌آورد.

مورث سرعت و رقت منی است، مقدار خوراک از ۳۶ گرم تا ۸۴ گرم است، احشاء و معده و جگر را قوت می‌دهد، گرمی دل و جگر و معده را کم می‌کند، خشونت سینه را نرم می‌کند. بعضی جاها با آتش جو و روغن بادام به‌طور مسهل می‌خورند، مصلح آن روغن بادام، عرق گلاب و بادیان است.^۱

اگر هندوانه را ببرند و در یخچال بگذارند که یخ نزنند و صبح ناشتا ۵ مثقال از شیرخشت را در آب داخل کند با هندوانه بخورند، مفید است.

شیرخشت برای بچه‌هایی که مبتلا به سرخک شده‌اند تجویز می‌شود. ده تا صد گرم در آب گرم یا شیر میل کنند. شیرخشت کامل‌ترین دارو در بیماری برونشیت مزمن و حصبه است. این دارو دارای مواد قندی و صمغی است، منین و خنک است ولی قوه باه را ضعیف می‌کند. در زمان قدیم که تب‌های عفونی زیاد و داروهای جدید وجود نداشت پزشکان ایرانی جزو داروهای لازم، شیرخشت را تجویز می‌کردند.^۲

شیر برنج

غذایی است که از شیر و برنج تهیه می‌شود و به هندی کهیر می‌گویند. دارای غذائیت فراوان و مقوی بدن می‌باشد. خون و منی را زیاد می‌کند، نیز ملین سینه است. بدون اینکه ایجاد نفخ کند در معده زیاد می‌ماند به همین علت بایستی پس از آن خوابید. بعد از خوردن شیربرنج نباید غذاهای ترش مصرف شود.^۳

شیرینک

مشخصات:

این گیاه به‌طور خودرو در اروپا، شمال آفریقا و آسیای صغیر می‌روید. شیرینک سرشار از ویتامین‌های A و C، خنک، مسکن و زوده‌ها را پاک می‌کند. مصرف آن برای

۲. گلها و گیاهان شفا بخش. ص ۱۴۸.

۱. ستان الفردات، ص ۱۹۴.

۳. محیط اعظم، ج ۱، ص ۲۷۶.

اشخاصی که ورم کلیه پیدا کرده‌اند، تجویز شده است. اگر شیرینک را با آب گوجه فرنگی و مقدار خیلی کمی سیر، سالاد کنند این سالاد برای اشخاص بی خواب مفید است.^۱ شیرینک به علت داشتن مواد صمغی غشاء معدی را روغن زده و معده را پاک می‌کند، دارای ویتامین C نیز می‌باشد. برای روماتیسم مفید است.^۲

شیرزاد

مشخصات:

به فارسی: شیرزاد و شیرزا

به انگلیسی: Lachen

نام علمی: Lecanora Esculenta Achsrius

گل‌سنگها رستنی‌هایی هستند که از اتحاد و همزیستی بین یک قارچ و یک آنگ یا جلبک بوجود می‌آید و به صورت قطعات و لکه‌های و یا قشر سبز یا پوشش گیاهی به رنگ سبز یا خاکستری، زرد یا قهوه‌ای و یا سیاه روی سنگها و درختان و دیوارها و غیره می‌رویند.

ترکیبات شیمیایی:

گل‌سنگها معمولاً دارای مواد مولد رنگ هستند و مرکب از اسید اورسلیک، اسید روکسلیک و اسید لکانوریک می‌باشند.

خواص - کاربرد:

گل‌سنگ لکانورا را اگر در فواصل غذاها بخورند در ازدیاد ترشح شیر بسیار مؤثر است و از گیاهان شیرزا می‌باشد.^۳

۲- مجموعه طب سنتی و گیاهی، ص ۲۵۲.

۱- سیرها و بیره‌های شناختن، ج ۲، ص ۱۵۳.

۳- معارف گیاهی، ج ۴، ص ۲۵۱.

شیخ

مشخصات:

در کتب طب سنتی برای این گیاه اصناف و اقسام مختلف قائل هستند. اغلب آنها از نظر خواص مشابه می‌باشند و با نامهای درمنه، درمنه ترکی، شیخ برّی، شیخ کوهی، شیخ بحری، شیخ ارمنی، شیخ یهود و شیخ خراسانی نام برده شده است. گونه‌های این گیاه خیلی کوتاه، در حدود یک وجب است. قاعده ساقه‌های آنها سخت و چوبی محصور در برگهای کوچک پوشیده از کرک سفید می‌باشد. از بین گیاهان فوق، گونه A. Cina در ایران، در کرمان، کوه لاله‌زار، اراک و کوه هزار مسجد در ارتفاعات ۳۰۰۰ متری در خراسان می‌روید.

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی در گیاه شیخ ماده آرتمیزین، سانتونین و اسانس وجود دارد.

خواص - کاربرد:

از شیخ برای نابود کردن کرم شکم استفاده می‌شود و بر ضد انگل آسکارید لومبری‌کوئید مؤثر است. از شیخ در بیماری قند نیز استفاده می‌شود، زیرا مقدار قند ادرار را خیلی پایین می‌آورد.^۱

گزینش: بهترینش درمنه ارمنی است. مزاج: در دوم گرم و در سوم خشک است. خاصیت: همه انواعش تکه کننده، بادشکن و گیرنده است ولی نه به اندازه خاراگوش. گرمی اش از گرمی خاراگوش بیشتر است و از خاراگوش تلخ‌تر است و کمی شور مزه گی دارد.

آرایش: خاکسترش مخلوط با روغن زیتون یا روغن بادام برای داء‌الشعلب مفید است،

روغنش موی صورت را زود می‌رویاند.

ورم و دمل را تسکین دهد، خوزه و سودا را منع می‌کند و مایه درد سر است. آبش علاج رمه است، علاج دشواری نفس است، داروی کرم و کرم کدو است، بول و حیض را ریزش می‌دهد. روغنش برای تب لرز مفید است و پادزهر نیش کژدم و رتیل و سم خوردگی است.^۱

شیشم

مشخصات:

به فارسی شیشم و در کتب طب سنتی با نامهای سیسو و ساسم نام برده می‌شود. چوب آن را آبنوس هندی گویند.

شیشم درختی است بزرگ به بلندی تا ۲۵ متر، شاخه‌های آن خاکستری، برگها قلبی شکل، نوک تیز، گلها سفید مایل به زرد، میوه نیام و غلاف آن بدون کرک است. در ایران، در آبادان به طور زیستی کاشته می‌شود. در بلوچستان در تنگ سرخه نام محلی آن زاقا و در جیرفت جک است.^۲

شیلیم

مشخصات:

به فارسی آن را شلمک، گندم دیوانه و در اصفهان کاکلک و در شیراز مشکک نامند و در کتب طب سنتی با نام عربی شیلیم و زوان آمده است.

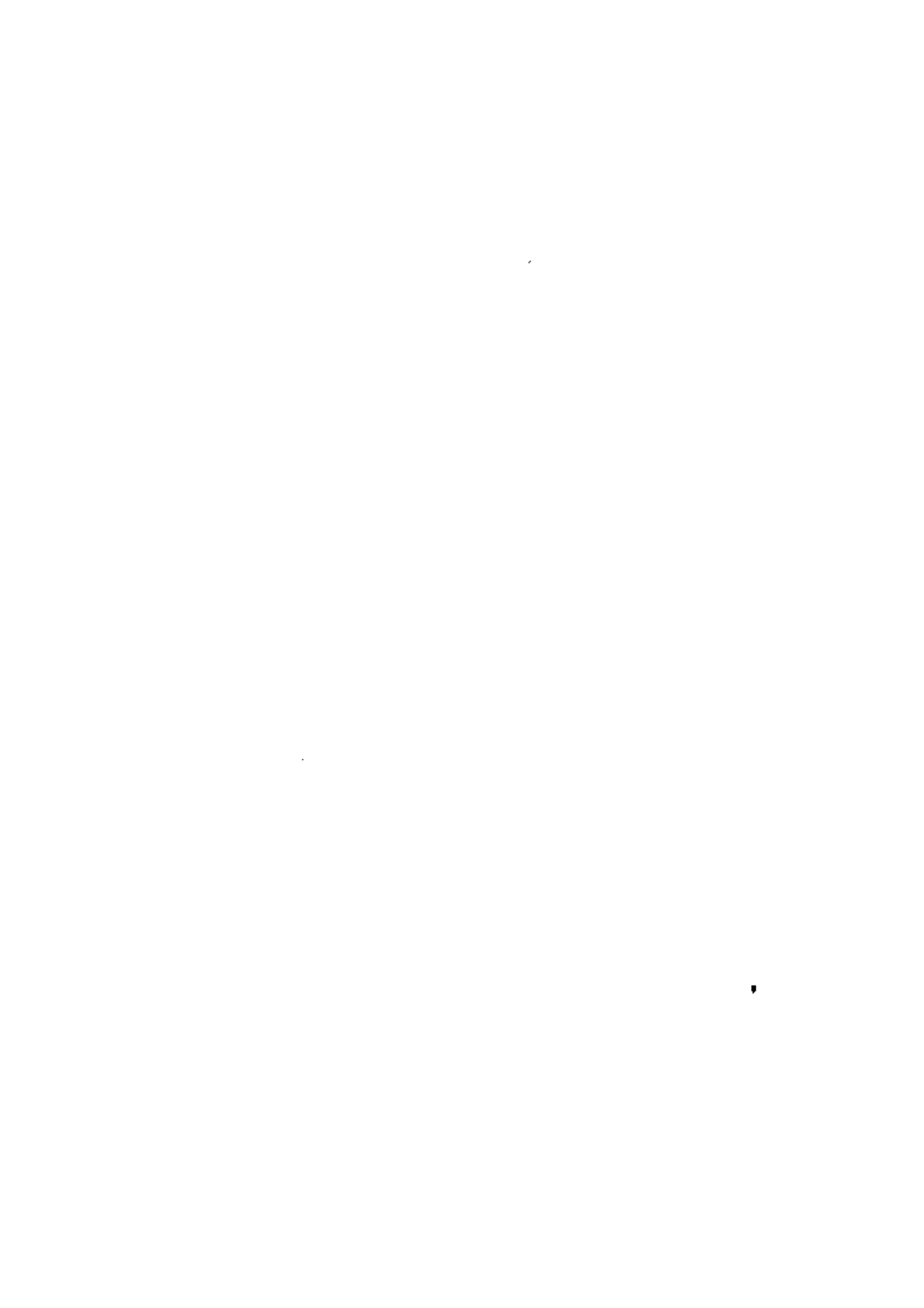
گیاهی است علفی، یک ساله، دارای برگهای باریک و سبز شبیه برگ گندم که ابتدا لوله دور ساقه و پس از اینکه گیاه بزرگ شد به شکل برگ پهن درمی‌آید. دانه‌های شیلیم معمولاً با دانه‌های غلات بخصوص گندم مخلوط دیده می‌شوند. این دانه‌ها سمی هستند و علامت مسمومیت، سرگیجه، لرز و قی و استفراغ است.

ترکیبات شیمیایی:

در دانه شیلیم یک آلکالوئید سمی به نام تسولین و گلوکوزید است و نوعی ساپونین در آن وجود دارد.

خواص - کاربرد:

طبق نظر حکمای طب سنتی مصرف داخلی آن توصیه نمی شود، زیرا مسموم کننده و مخدر است و موجب بسته شدن مجاری و درهم ریختن صدا و آواز می شود. در هند ضماد خمیر شیلیم به عنوان مسکن در استعمال خارجی مصرف می شود و معتقدند که برای معالجه لکه های کوچک قهوه ای یا زرد رنگ پوست که فرکن نامیده می شود، مفید است.^۱



حرف

ص

صابونیه

تعدادی از گیاهان هستند که سابقاً ریشه آنها به علت داشتن ماده صابونین برای شستن و تمیز کردن لباس مانند صابون استفاده می‌کردند. به‌طور کلی این گونه گیاهان به فارسی در مناطق مختلف با نامهای «چوبک»، «چوبه»، «اسپرون» نامیده می‌شوند. در کتب طب سنتی با نامهای عربی «غاسول»، «صابونیه» و غیر اینها نام برده می‌شود.

خواص - کاربرد:

ریشه آنها از نظر طبیعت گرم و خشک است و خواص آن: عطسه آور می‌باشد و سسکه را تسکین می‌دهد. مدز و قاعده آور است و برای خرد کردن سنگ مثانه مفید است. ریختن قطره دم کرده آن در بینی بسیار عطسه آور است و برای باز کردن مجاری گرفته شده در موارد زکام بسیار نافع است.^۱

صابونی

مشخصات:

به فارسی و در کتب طب سنتی با نامهای غاسول و صابونی آمده است. گیاهی است علفی، چند سانه، کوچک که بلندتریم آن تا نیم متر است. گل‌های آن به رنگ حنایی یا صورتی است. برگ‌های آن متقابل، ساقه آغوش، مثلثی شکل و نوک تیز و کمی دراز می‌باشد. میوه آن کپسولی است که تعداد زیادی دانه به رنگ قرمز در آن قرار دارد.

ترکیبات شیمیایی:

در برگ‌های این گیاه وجود ساپونارین تأیید شده است و در ریشه آن ۳۵-۳۰ از یک نوع ماده صابونی وجود دارد.

خواص - کاربرد:

ریشه این گیاه برای معالجه سیفیلیس و همچنین درمان بیماریهای مزمن پوستی استفاده می‌شود. این ریشه در موارد رماتیسم، نقرس، بیماریهای پوست و برای رفع کم‌خونی دختران جوان مؤثر است.^۱

صاغافیون

مشخصات:

صمغ، رزینی است که در کتب طب سنتی با نامهای «سک بینه» و «سک بینج» و صاغافیون و صاغافیون نام برده می‌شود.

گیاهی است چند ساله، به بلندی ۱-۲ متر با ساقه ضخیم استوانه‌ای. گل‌های آن زرد رنگ و مجتمع چتری که در انتهای ساقه قرار دارند. برگ‌های آن: پهن با بریدگی‌های عمیق که برگ را به قطعاتی با تقسیمات نوک تیز تقسیم می‌کند و دندان‌های است. میوه آن تخم مرغی کوچک به ابعاد ۵-۸ میلی متر می‌باشد.

ترکیبات شیمیایی:

در ترکیب صمغ «سک پینه» اسانس زرد رنگی وجود دارد که در حالت معمولی سیال است. از آب سبکتر است و بوی سیرتندی می‌دهد و طعم آن نیز تلخ است.

خواص - کاربرد:

از نظر طبیعت، خشک و گرم است و از نظر خواص، گرم کننده و ضد بیرودت و سردی است. گازها و بادها را تحلیل می‌برد و مسهل زرد آب و بلغم و غلیظ و لزج بوده و از زوایای بدن و مفاصل که اخلاط چسبیده، کنده و خارج می‌سازد. برای اخراج سنگ کلیه و مثانه مؤثر است.^۱

صافینا

مشخصات:

در شمال ایران با نام‌های محلی «سرو کوهی» و «مای مرز» و در کُتُب طب سنتی با اسامی «ابهل» و «صافینا» یاد می‌شود.

درختچه‌ای است کوچک، کوتاه که معمولاً روی دامنه‌های کوهستان به شکل پشته می‌خزد. برگ‌های آن، معطر به رنگ سبز غباری و برگ‌های اولیه سوزنی تیز و برگ‌های ساقه‌ها فلسی است که اطراف ساقه‌ها را در آغوش گرفته است. میوه آن کوچک، کمی بزرگتر از نخود، کروی و به رنگ آبی تیره غبارآلود با ۴-۶ فلس می‌باشد.

ترکیبات شیمیایی:

در برگها و سرشاخه‌های گیاه در حدود ۲-۳ درصد اسانس به نام اسانس ساین وجود دارد. به علاوه دارای تانن، رزین و کمی قند می‌باشد.

خواص - کاربرد:

برگ و ساقه‌های برگ‌دار باریک این گیاه، بویی تند، شبیه بوی تربانتین و طعم آن تند و بسیار تلخ است که مربوط به اسانس عامل آن می‌باشد. بسیار قاعده‌آور است، موجب العقاب خارش آور شدیدی در رحم شده و ممکن است موجب خونریزی شود و برای سقط جنین به کار می‌رود. از نظر طبیعت: گرم و خشک است و خواص آن: ضماد برگ آن به سر، برای سوسام مفید است و خوردن میوه آن برای فلج و سستی نافع می‌باشد.^۱

صامریوما

مشخصات:

به فارسی «گل آفتاب پرست»، «آفتاب پرست» و «آفتاب گردک» و در کتب طب سنتی با نامهای «دوار الشمس» و «صامریوما» گفته می‌شود.

گیاهی است علفی، یکساله یا به شکل بوته‌ای با ساقه‌های چوبی، ساقه آن کوناه پوشیده از پرز غباری و خیلی پر شاخه و منشعب است. برگهای آن کامل، پهن، بیضی، نوک تیز و در تماس با دست، زبر و خشن است. گل‌های آن: مجتمع، خوشه‌ای سفید مایل به زرد بدون بو و خمیده شبیه عقرب است.

ترکیبات شیمیایی:

در دانه و ریشه گیاه آفتاب پرست، الکلوئیدی به نام سینوگلو سین مشخص شده است.

خواص - کاربرد:

از نظر طبیعت، گرم و خشک است. برگ و شاخه گلدار و تخم آن که مورد استفاده در طب سنتی است، محلل و مسهل بلغم و قاعده آور است. تخم آن سنگ مثانه را دفع می‌کند و دم کرده آن نیز برای تب مفید است. ضماد برگ آن که شبیه با شیر تهیه می‌شود، برای تحلیل ورم پرده دماغ اطفال و نفوس و پیچیدگی عصب نافع است و برای طحال مضر است.^۱

صبار

مشخصات:

در کتب فارسی با نامهای: «تمر هندی»، «تمر»، «خبیجه»، «انبله» و «حمز» آمده است. به عربی «صبار» و... گویند و در کتب طب سنتی با نامهای: «تمر هندی» و نوع هسته ریز و قرمز رنگ آن را «تمر هیرونی» و «تمر گجراتی» نام می‌برند. درخت بزرگی است دارای برگهای مرکب پری، شامل ۱۰-۲۰ جفت برگچه قشرده، نزدیک به هم و متقابل. گلهای آن به صورت خوشه‌ای شل و باز در انتهای ساقه به رنگ زرد مایل به قرمز با گلبرگهای به طول ۱۳-۱۲ میلی متر قرار دارد. میوه آن شبیه بافلا به شکل غلاف ناشکوفای کمی حمیدگی که در آن ۱۰-۳ دانه قرار دارد.

ترکیبات شیمیایی:

در پولپ میوه، مقدار کمی قند و پکتین، در حدود ۱۰ درصد سیتریک و مقداری اسید تارتاریک آزاد و تارتارات اسید دو پتاسیم است. در پوست درخت تانن وجود دارد و در هسته میوه مقداری روغن ثابت، یافت می‌شود. از درخت، صمغی گرفته می‌شود که دارای گالاکتان است. سر شاخه‌های سبز و جوان درخت و برگهای جوان و نرم آن منبع غنی از ویتامین B می‌باشند.

خواص - کاربرد:

بولپ داخل میوه، خنک کننده است و به دستگاه هاضمه کمک می کند. در موارد تب و برای رفع تشنگی مفید است. خاصیت آن: جبران کمبود ویتامین C بدن است و ملین می باشد. از بولپ تازه و کهنه آن نیز استفاده می شود. برای مبارزه با مسمومیت حاصله از اسراف در خوردن و جذب روغن دانه های گیاه شرو لموگرا مصرف می کنند.^۱

صباره

مشخصات:

به طور کلی در ایران باغبانها انواع آن را «آگاو» می نامند. در کتب قدیم آن را به عربی «صباره» و «الصبرالامریکی» آورده اند.

گیاهی است معمولاً بدون ساقه. برگهای آن ریشه ای است یعنی به طور گروهی مستقیماً از ریشه خارج می شود. برگهای بزرگ، پهن و دراز است. ضخیم، گوشتی، زیر برگها، محدب و برآمده و روی برگها، مقعر و به رنگ سبز خاکستری می باشد.

ترکیبات شیمیایی:

دارای ماده هکوزئین است. برگهای آن دارای استروئید ساپوژنین و هکوزئین است.

خواص - کاربرد:

ساقه آگاو دارای شیرۀ شیرینی است که پس از گرفتن شیر، آن را تبخیر و تغلیظ نموده و به شکل شربت شیرین غلیظی به نام عسل ماگی استفاده می شود. از آن برای تهیه حشره کش و از ریشه آن به عنوان مدرّ و معرّق و ضد عفونی کننده استفاده می شود. شیرۀ برگهای آن ملین، مدرّ و قاعده آور است و کمبود ویتامین C را تا حدی جبران می کند.^۲

۲- معارف گیاهی، ج ۷، ص ۱۵۲.

۱- همان، ج ۱۲، ص ۲۱۲.

صبح الخیر

بیخ یا به اصطلاح فنی، غده زیرزمینی است که گونه‌های مختلف آن را به فارسی به طور کلی «جگن» می‌نامند. در کتب طب سنتی با نامهای «سعد»، «سعد کوفی»، «صبح الخیر» و... آمده است.

مشخصات:

این گیاه به طور کلی انواع گونه‌های آن در نقاط بسیار مرطوب و باتلاقی مناطق گرم و معتدل دنیا می‌رویند و ریشه‌های گیاه باید همیشه در آب باشد به طوری که اغلب مردم، جنگلها را علفهای هرز باتلاقیها می‌دانند. تکثیر این گیاه با کشت غده‌های آن در فروردین ماه و برداشت آن در ماههای آبان و آذر انجام می‌شود. غده‌های معطر آن که سعد کوفی گفته می‌شود، در طب سنتی مصارف دارویی وسیعی دارد و در مورد کشت گونه‌های زینتی در گلستان، قسمتی از بوته گیاه را جدا کرده و با ریشه از بوته اصلی جدا می‌کنند و مستقلاً می‌کارند.

ترکیبات شیمیایی:

یک اسانس مشخص شده که مقدار آن، در حدود ۰/۵ درصد است. و شامل پنین، مقدار کمی سنیثول، سسکی‌ترین و یک الکل جدید به نام ایزوسی‌پرول می‌باشد. در نوعی دیگر، اسانس روغنی قرار، نوعی پروتئید، نشاسته، قند و مواد رزینی و یک الکانوئید استافیلوکوکوس اورئوس دارد.

خواص - کاربرد:

غده‌ای است به شکل و اندازه بادام یا زیتون یا کمی بزرگتر، پوست آن سیاه و داخل آن سفید و معطر است. نوعی از آن که در بازار، سعد هندی گفته می‌شود. مدرّ و قاعده آور و معرّق و ضد کرم شکم و سحرک است و برای اختلالات معده و تحریکات روده‌ای تجویز می‌شود.^۱

صبر

مشخصات:

عصاره برگ گیاهی است که به فارسی «صبر»، «صبر زرد» و «چادروا» و در کتب طب سنتی با نامهای «صبر» و «صبارا» و «صبر سقوضی» می آید. این گیاه اغلب، بدون ساقه یا دارای ساقه کوتاه و برگهای آنها ضخیم گوشتی و گروهی به رنگ سبز مایل به قرمز، دراز و نوک تیز که در کنار برگها در بعضی از گونهها خارهای نوک تیزی دیده می شود. در برگهای صبر، عصاره فراوانی وجود دارد که شفاف، چسبنده، سبز رنگ و خیلی تلخ و منبع ماده شیمیایی صبر است که از آن استخراج می شود.

ترکیبات شیمیایی:

- ۱- اسانس به مقدار کم، که بوی مخصوص از انواع آلوئس مربوط به آن است.
- ۲- رزین به مقدار ۱۲ تا ۱۳ درصد، که غیر محلول در کلروفرم است و قسمت غیر مسهلی آلوئس را تشکیل می دهد.
- ۳- یک آمودین به نام: آلوامودین که جزئی از آن به حالت آزاد و قسمت زیادتر آن به حالت گنوکزیدی وجود دارد. این آلوامودین، ایزومری از فرانگولامودین است که یک متیل تری اکسی آنتراکینون می باشد. آلوامودین، به صورت ذرات سوزنی شکل به رنگ نارنجی در تولوئن به دست می آید. در گرمای ۲۲۳-۲۲۴ درجه ذوب می شود و به مقادیر زیاد در اتر، بنزین (رنگ زرد ایجاد می کند)، محلول آمونیاک و اسید سولفوریک (رنگ مرجانی ایجاد می کند) حل می شود.
- ۴- آلوئین ها که مطالعات بسیاری درباره آنها صورت گرفته خلاصه آن به شرح زیر است:

در سال ۱۸۴۶ دانشمندی به نام Robiquet از آلوئس سوکوترین، ماده آمرف و تلخی

به دست آورد که آن را آلوتین نام نهاد. سپس Flsmil در سال ۱۸۵۱ از آلوس باریاد، ماده متبلور و تلخی با اثر مسهلی به دست آورد که آن را آلوتین نامید. به همین نحو، ضمن بررسی آلوس‌های مختلف، آلوتین‌های متفاوتی به دست آمد که برای تمیز دادن آنها از یکدیگر، به ناچار، خلاصه نام منشاء این آلوس‌ها به کلمه آلوتین افزوده شد مانند آن که آلوتین حاصل از آلوس باریادها به باریالوتین و به همین نحو سوکالوتین (آلوس ناتال) نامگذاری گردیدند.

ناتالوتین در گرمای ۲۰۳ درجه ذوب می‌شود و به صورت بلورهای فلس مانند و زرد روشن نیز متبلور می‌گردد. این ماده در اسید سولفوریک دارای بیکرمات پتاسیم، رنگ سبز و یاسود دارای پرسولفات آمونیاک، رنگ بنفش می‌دهد. از مجموعه بررسی‌هایی که در آلوس‌ها به عمل آمد، این نتیجه حاصل شد که همه آلوس‌ها دارای مخلوطی به نسبت‌های مختلف از باریالوتین و دوایزومر آن می‌باشند به استثنای آلوس ناتال، که دارای یک آلوتین متفاوت با سایر انواع، به نام ناتالوتین و ماده مشابه دیگری به نام هوموناتالوتین است. باریالوتین، به صورت بلورهای سوزنی منشوری شکل ظریف و زیبا، به رنگ زرد درخشان، متبلور می‌شود. در اسید کلریدریک، برمیدریک و استیک به سهولت، ولی در آب، به حالت گرم حل می‌شود.

۵- مواد آمرف که ۶۰ تا ۶۵ درصد آن را تشکیل می‌دهد و قابلیت حل شدن در آب سرد را دارند.

دارای آلوتین، ایزوباریالوتین، آمودین، صمغ و رزین، در برگ‌های گیاه موادی از مشتقات آنتراکینون مانند: آمودین و کریزوفانیک اسید مشخص شده است. در برگ‌های گوستی، اورونیک اسید، اکسید ازوکاتالاز و انواع قندها یافت می‌شود. به علاوه در گیاه، یک گلی‌کوزید متبلور به نام باریالوتین و در آخر، اسانس یافت می‌شود.

خواص - کاربرد:

برای معالجهٔ آسم، به عنوان تونیک و کمک به رفع سوء هاضمه خورده می‌شود. قاعده آور، و برای معالجهٔ صرع مفید است. برای درمان روماتیسم و برخی اختلالات کبد

مفيد می باشد. برای تصفیه خون آن را می چوند.^۱

جمیل بن صالح گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: دختری دارم ستاره را مانند، خمچه - سبر می بیند. فرمود: آری مانند دانه می بیند. گفتم: چشمش ضعیف است فرمود: با صبر و مر و کافور که همه مساوی باشند، سرمه بکشد. می گوید: چنین کردم نافع شد.

حدیث، عن جمیل بن صالح قال: قلت لأبی عبدالله علیه السلام إن لنا فئاة کانت تری النکوب مثل الجرّة، قال: نعم و تراه مثل الحب قلت: اذ بصرها ضعف فقال: اکحلها بالصبر و المر و الکافور أجزاء سواء فکحلناها به فنفعها.^۲

صبر، صباو. به هندی الووا انگلیسی ALOES ماده شیمیایی در صبر الواین می باشد. صبر گیاهی است از تیره سوسنی ها جزء دسته تک لپه ایها که دارای برگهای ضخیم و دراز و سبز مایل به قرمز و بدون دمبرگ، دارای کناره های پیچ و خم دار است که منتهی به تیغ می شوند. گلهايش به رنگ زرد مایل به سبز است که به صورت خوشه بر روی ساقه مؤنث گل قرار دارند. این گیاه دارای گونه های متعدد است که همه، خاص نواحی گرم هندوستان و جزایر آنتیل و شمال آفریقا است. و برخی گونه ها نیز در نواحی دریای روم می رویند. از این گیاه شیرابه ای به دست می آورند که پس از تغلیظ به نام صبر زرد به بازار عرضه می کنند و در تداوی مصرف دارد، صبر زرد، صبار، الصبر، آلوی، شب پار، رب (گیاه)، شیرابه سفت شده ای که از گیاه صبر به دست می آورند. رنگ این ماده غلیظ شده از قرمز تا قهوه ای متغیر است و معمولاً به صورت تکه های جامد به بازار عرضه می شود. قطعات صبر زرد بخوبی به صورت گرد در می آید و در مجاورت حرارت ابتدا نرم و ذوب شده، سپس با شعله درخشانی می سوزد. صبر زرد بخوبی در الكل و آب جوش حل می شود و پس از سرد شدن رسوبی به نام صیغ از خود باقی می گذارد، طعم صبر زرد بسیار تلخ و مهوع و بویش بسته به انواع آن فرق می کند.

۱- معادن گیاهی، ج ۷، ص ۹۶.

۲- روضة کافی، ج ۸، ص ۲۸۳، حدیث ۵۱۸.

صبر: صمغ درختی است، بسیار تلخ که در کنار دریای قلزم، تبت و یمن می‌روید. طبیعت آن، گرم و خشک است.^۱ صاحب اختیارات بدیعی می‌نویسد: سه نوع است، سقوطری، عربی، سمجانی و بهترین آن سقوطری بود و سقوطر جزیره‌ای بود نزدیک ساحل یمن، خواص: برای معده از همه دواها سودمندتر بوده، بادها را بشکند و اثر مسهل صفرا و بلغم بوده و مجموع بدن را از فضولات جمع شده پاک گرداند و استعمال آن در بواسیر بغایت نیکو بود.^۲

گیاهش همچون زنجبیل شامی است. درخشنده و زودشکن و بدون ریگ می‌باشد. صبر، استقوطری، در دوّم خشک و تا دوّم گرم است. گیرنده و خشکاننده بدن و خواب‌آور است. قرچه‌های سرسخت را دوا کند، دوی درد مفاصل است، سودا را بیرون ریزد. داروی مالیخولیاست، در علاج قرچه گری و درد چشم و خارش گوشه چشم و در خشکانیدن رطوبت چشم، بسیار نافع است، اگر در سرما بخورند، بیم اسهال خونی می‌رود، دو برابرش افشردۀ فیله‌هره.^۳

صبر: به کسر صاد مهله و سکون بای موحدده و رای مهمله، به فتح صاد و کسر با نیز آمده و آن را سولع و صبارا نیز نامند، لغت عربی است و به سریانی علوا و به لاتین الویس و ایلوز و به ترکی ازواز، به یونانی فیقراوانیا و به رومی نیز الیا گویند و معروف بنواحی مغرب صباره است و به شام صبیانه و به فارسی قدیم الواد عمامه زرده و شبیار و به اصفهانی جدورا و گیلانی نوشته که صبر را صبر نامند که آن بطنی الاسهال است. درخت آن را اهل شام و نواحی، آن صبارا و به هندی کنواز و گهیگوار گویند و آن عصاره جامد نباتی است.

برگ آن شبیه به برگ سوسن و غلیظ برگ و میان زردی و سبزی، طول آن در اکثر به قدر یک ذراع و عرض آن به مقدار چهار انگشت و ستر به قدر یک انگشت و زیاده و کم از کن و طرف پایین برگ آن از یک بیخ رسته به غیر ساقه و بر هر دو جانب آنها

۱- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۲۱۲۹.

۲- اختیارات بدیعی، قزلباشی، ص ۲۷۱.

۳- قانون در طب، ص ۳۸۶.

خارهای صلب کوتاه مثل دندانۀ اژه و جوف آن منخلخل و مملو از رطوبت و چون آن را بشکافند، از آن رطوبت غلیظ، لزج و چسبیده به دست می آید و بیخ آن غلیظ مانند تربیده، جمله این نبات تلخ مزه ذی رطوبت لزج ثقیل الرائحه می باشد و مدتی باقی می ماند و جوهر آن از گرمی آفتاب و هوا فاسد نمی شود و این دلیل غلظت رطوبت آن است. گرم و خشک در دوّم است. محلّ اورام و ملحم جراحات تازه و مانع انتشار آکله است، قابض تسکین درد اعضاء، مسهل سودا است.^۱

صبر، عصارۀ درختی است که برگهای آن دراز و از میانه درخت آن شاخه ای پدید می آید، بر سرش گل زرد می روید. در اغراض ۶۳۲ گوید: صبر به کسر باء عصارۀ نباتی است برگش شبیه به برگ کنم و بسیار ضخیم و شبیه به برگ یمانی که در مازندران انجیر بغدادی گویند و بیخش به قدر شلغم و از بک بیخ زیاده بر ده عدد، می روید و مملو از رطوبت در غایت تلخی و چون مدتی بگذرد، از وسط برگها ساقه اش می روید قریب به ذرعی و پر از رطوبت عسلی با اندک حلاوت کریه الرابحه و ثمرش مثل غوره خرما و در آخر سرخ می شود و باید ضعیف الاحشا خصوصاً صاحبان ضعف جگر و امعاء و کسانی که بواسیر دارند، از این گیاه استفاده نکنند. صبر، مقر، علوا، صبر را به سریانی علوا و به فارسی الوا و به رومی الو گویند و در مغرب صباره نامند.

فارسی: صبر زرد، عربی: الصبر، صبر، المقر.

آلوئیس یا صبر زرد، دارای دو اثر مقوی و مسهل است. مقدار کم یعنی ۰/۰۵ تا ۰/۱۰، گرم آن اثر محلّ و مقوی معده دارد و به عنوان تقویت کننده دستگاه هضم به کار می رود و تصور می کنند که این عمل برای آن است که این ماده به طور خفیف مخاط روده را تحریک کرده، از توقف مواد در آنجا جلوگیری به عمل می آورد. از این نظر در موارد سوء هضم هایی که منشأ آنها ضعف عمل دستگاه گوارش باشد مفید است. و همچنین به عنوان مقوی معده، به مقدار کم مصرف می شود. ضمناً مقدار متوسط آن به عنوان ملین

به کار می‌رود. مقدار زیادتر آلوئس دارای اثر مسهل قوی و قاعده‌آور است. آلوئس مانند تمام مسهل‌های دسته آنتراکینونیک عمل می‌کند با این تفاوت که عمل آن بعضی‌تر است و به‌علاوه اثر ضد کرم (کرمک) نیز دارد.

آلوئس را نباید برای زنان باردار و در موارد خونریزی در فواصل قاعدگی یا در حالاتی از بیماری که خون در ادرار ظاهر می‌شود یا برای مبتلایان به بواسیر تجویز کرد. آلوئس اثر ضد عفونی‌کننده و التیام‌دهنده قوی نیز دارد و در پانسمان زخمها مخصوصاً در دامپزشکی و همچنین در سوختگیها به کار می‌رود. آلوئس و فرآورده‌های آن نباید به اطفال داده شود، مگر در موارد لزوم، آن هم به صورت تنقیه، جهت دفع کرمک. صور دارویی:

گرد آلوئس به صورت کاشه یا حب و به‌عنوان مقوی معده، به مقدار ۰/۰۲ تا ۰/۱۰ قبل از غذا، یا ملین به مقدار ۱/۵ گرم مصرف می‌شود. تنطور ساده ۱/۵ آن، که هر ۵۴ قطره آن، یک گرم وزن دارد به مقدار ۰/۵ تا ۳ گرم و تنطور مرکب آن یعنی الیکسیر دونونگ و به مقدار ۵ تا ۲۰ گرم مصرف می‌شود. تنطور اخیر به‌عنوان مقوی معده و مسهل نیز می‌تواند به کار رود.

۱- نسخه برای دفع کرمک اطفال:

صبر زرد، ۰/۵ تا یک گرم - زرده تخم مرغ، یک عدد - آب نیم گرم، ۵۰ تا ۱۰۰ گرم این مخلوط را پس از به هم زدن و یکنواخت کردن آن، به صورت تنقیه باید مورد استفاده قرار گیرد.

۲- نسخه تقویت‌کننده و هضم‌کننده با اثر مسهل:

صبر زرد، ۱۰ گرم - عصاره کنیکینای قرمز، ۵ گرم - دارچین، ۲ گرم - عسل، به مقدار کافی جهت تهیه ۱۰۰ حب. مقدار مصرف آن، یک یا دو دانه، قبل از غذا است و هیچ‌یک از گیاهان مولد صبر زرد در ایران نمی‌رویند.^۱

صبر را در اردو، الو می‌گویند و در انگلیسی Ailoes می‌گویند، این یک عصاره‌ای

است که از نباتش ماده‌ای به نام گیگ‌وار که در انگلیسی آن را *Aloe Barbadosis* می‌گویند، به دست می‌آید. بوته آن نیم متر می‌باشد، برگهای آن از بیخ بدون شاخه درمی‌آید که از بریدن این برگها عصاره‌ای بیرون می‌آید که آن را صبر می‌گویند و نیز این گیاه، گل‌های گلابی رنگ دارد. برگهای آن از بیرون سبز و مغز آن سفید، ذائقه تلخ و بودار، مزاج: گرم و خشک در درجه دوم، مقدار خوراک مغز گیگ‌وار یعنی درخت صبر، از ۷ گرم تا ۱۲ گرم، در پاکستان و هندوستان زیاد می‌باشد. مصلح آن: کثیرا، گل سرخ، عسل خالص. خواص آن: مقوی معده، مسهل، محلل اورام و در ورم طحال و امراض شکم مفید است، هاضم و اشتها آور است، مقوی باه و محلل اورام است و در خیلی از داروهای معدنی در گذشته درست کردن آنها استعمال می‌شود، برگ گیگ‌وار را دو تکه کرده، بر آن رسوت و زردچوبه می‌مالند و نیم گرم کرده، بر اورام می‌بندند. مالیدن لعاب آن با زیره سفید و شب در تکه‌ای از پارچه ریخته، بر چشم گذاشته، رطوبت و چرکی چشم را صاف می‌کند. خون را تصفیه می‌کند، معدل اخلاط بلغمی است، فساد خون را صاف می‌کند، در مرکبات طحال و جگر آن را مشمول می‌کنند، برای جگر و امعاء مضر است و نیز بعضی‌ها گفته‌اند: گل گلاب مصلح آن است. آن را نیز برای مسکن الم و بواسیر خونی استعمال می‌کنند. هر روز با کمی عسل و زنجبیل خوردن، مقوی باه، علاج امراض سر، درد پهلو و درد کمر می‌باشد.^۱

و اما عصاره آن که صبر هست، آن را از برگها گرفته، خشک می‌کنند، از آن یک جوهر طبّی به نام الواین حاصل می‌شود که آن را صبرین هم می‌گویند. اینها چند قسم است، صبر سقوتوری از درختهای صبر جزیره سقوترا و زنگبار می‌گیرند و صبر بریدی که از درخت صبر جزائر عرب و هند می‌باشد، اطباء یونانی صبر سقوتوری را بهتر می‌شناسند. رنگ قریب سیاه، ریزه‌های آن چرب، مانند شیشه شفاف، مگر صبر سقوتوری سرخ مایل به رنگ بور و صبر بریدی تند و سبز مایل به زرد می‌باشد، ذائقه: خیلی تلخ و دل به هم می‌خورد، مزاج: گرم و خشک به درجه دوم. مرکب القوا، مقدار خوراک: از ۱۲۰

۱- المفردات، ص ۴۳۹؛ مخزن المفردات، ص ۳۳۷؛ بستان المفردات، ص ۲۴۸.

میلی گرم تا نیم گرم، مصلح آن: کتیر و گل سرخ، مضرّ معده و کبد، بدل آن: تربد و رسوت، ملّین-سهل-مقوی معده و جگر، قاتل کرم، مدرّ حیض و محلّال ریاح و منقی قروح می باشد. اگر زن حامله خیلی استعمال کند جنین را سخت می کند، نفع خاص معده و امراض دماغی. حب ایارج، حب سرا، حب تنکار، حب شبیار، مرکبات معروف صبر در داروی یونانی می باشد و استعمال آن نیز بصارت را قوت می دهد.^۱

برگ درخت صبر گیکوار، را برای درد مفاصل، سرفه، مقوی باه یا داروهای مختلف مخلوط کرده، استعمال می کنند. حلوی گیکوار مرکب معروف دوی یونانی است و عصاره آن الوا یعنی صبر را در طب Aloeindica می گویند که در امراض چشم، خارش، اوجاع مفاصل، روماتیسم، سردرد، گوش درد، تب، امراض شکم و معده و سینه و مدرّ حیض استعمال شده و نیز بعضی مرهم ها و حمول و ضماد برای اورام ذکر شده است و در قیض دائمی، کمی اشتها، ضعف جگر فایده می دهد. مقوی برای چشم است، بخصوص برای پیران و نیز در تمام امراض چشم از آن فایده برده اند و انواع مختلف به طور کحل و سرمه درست کرده اند و در امراض بلغمی و عصبی مثل لقوه صورتی، فلج، رعشه، دردها، درد مفاصل با ادویات مشابه در اثر خود مخلوط شده، استعمال شده است.^۲

در داروسازی نیز، آن را الیوز می گویند و درخت آن را گیکوار یا کمار گندل نوشته اند. از آن گردی درست شده است که مقدار خوراک آن، از ۱۰۰ تا ۳۰۰ میلی گرم است. قرص الیوز مقدار خوراک آن از ۰/۵ گرم تا ۲۵۰ گرم است و جوهر الیوز به نام النواپنکه مقدار خوراک آن ۱۶ میلی گرم است؛ در طب آن را با روغن دارچین، قرنفل، روغن حنظل و بلادونا مخلوط کرده، برای قیض دائمی و پیچ شکم و نیز در جریان احتلام، بواسیر خونی و کثرت حیض می دهند. اگر این دوا را به زن مریض بدهند بجهت شیرخوار آن را اسهال می گیرد، زن حامله اگر آن را بخورد، بجهت سقوط می کند، این دوا

۱- (المزدهات)، ص ۱۱۰۷ مخزن المزدهات، ص ۱۵۳ بستان المزدهات، ص ۶۴.

۲- همدرده، ص ۹۵۷۴-۱۰۴-۲۲۱-۲۶۳.

حرکات دوران خون را در پائند می‌کند.^۱

صبر عصاره‌ای از برگهای *Aloe perryi* Bakoy یا از برگ *Aloe vera* Linne fam liliaceae می‌باشد که در آن ۱۰ درصد رطوبت اضافی دارد و ۵۰ درصد ماده صبر در آن می‌باشد و این محلول، جوهر آگوائین دارد و الواین قسم دوم به نام سکوترین‌الو می‌باشد که جوهر آن Socaloin می‌باشد و نیز کتاب طبّی معترف است که این دارو، قبل از مسیح از مصری‌ها به وجود آمده و مقدار گرد الیوز از ۲۵۰ تا ۱۳۰۰ میلی‌گرم می‌باشد. اما جوهر الیوز الواین خیلی مؤثر و قوی است، مقدار خوراک اعتیادی آن ۱۲۵ میلی‌گرم و به‌طور مسهل تا ۱۵ میلی‌گرم داده می‌شود. رب الیوز، خوراک آن نیز ۱۲۵ میلی‌گرم و قرص الو، مقدار خوراک آن ۲ سی سی برای مسهل استعمال می‌شود. در تنطور الیو مضاعف شیرین‌بیان مخلوط است. نیز در کتابهای دارویی ترکیب گوناگون با بلادون، نکسوامیکا، ریوند چینی شده و مفضل بیان شده است.^۲

صبر زرد

مشخصات:

در بازار تجارت، صبر زرد به صورت توده کدر که رنگ آن قرمز مایل به سیاه تا سیاه مایل به قهوه‌ای تیره تغییر می‌کند وجود دارد. طعم تمام انواع صبر زرد مهوع و بسیار تلخ، بوی آنها مشخص و غیر مطبوع است.

ترکیبات شیمیایی:

ریشه سالسپاری دارای آمیدون، رزین، اسانس به مقدار کم و سه گلوکوساپونین به نامهای پارینین-اسمیلا ساپونین و سارساپونین است. پارینین، گلوکوساپونینی است که به حالت خالص به صورت بلورهای ریز، سوزنی شکل و بی رنگ به دست می‌آید. در

۲- دستور بریتانی، ص ۱۱۶۶.

۱- کتاب طبّی اختر حسین، عنوان: ص ۱۱۸.

گرمای ۱۷۷ درجه ذوب می‌شود؛ در استن و آب جوش نیز حل می‌گردد. صبر زرد دارای تعداد زیادی گلوکزیدهای آنستراکینونی و مهمترین آنها باربالوئین (آئونه - امودین آنترون - ک-۱۰ - گلوکزید) است.

مصرف و مقدار خوراک:

صبر زرد یکی از مواد مهم تشکیل دهندهٔ تنظور بنزوان و دارویی است. هنگامی که آن را به عنوان مسهل به کار برند اثر آن بر روی مخاط رودهٔ بزرگ می‌باشد. به عنوان مسهل بجای صبر زرد از آلوتین استفاده می‌کنند و مقدار مصرف آن ۲۵۰ میلی‌گرم می‌باشد.^۱ مالیدن آن با سرکه نافع ورم است. خوراک حب نیم مثقال صبر زرد و ۲ مثقال ریشهٔ کاسنی نافع سیاتیک است. نیز حب ۶ نخود صبر زرد، ۱ مثقال ریشهٔ کاسنی و نیم مثقال شیرین بیان نافع تنگی نفس کهنه است.^۲

به عربی آن را صبریه طبی می‌گویند، ریشهٔ این گیاه و گونه‌های دیگری از آن که در نواحی جنوبی مکزیک و کشورهای مجاور آمریکای مرکزی تا حوزهٔ آمازون می‌رویند، تحت نام ریشهٔ سالسپاری می‌باشد.

انواع مختلف آن:

۱- سالسپاری مکزیک یا وراکروز

۲- سالسپاری هند - جاوه

۳- سالسپاری برزیل

۴- سالسپاری ژناتیک

۵- سالسپاری چین و ژاپن

خواص درمانی:

برای ریشهٔ انواع داروئی سالسپاری، بدون آنکه قاطعیتی در بین باشد اثر مدرّ و معرّق قائل‌اند. در سابق مصارف زیاد آن به عنوان تصفیه‌کنندهٔ خون محسوب می‌شد. در طب

۲- حکیم اسفندیاری.

۱- مفردات پزشکی جلد ۱ (فارماکولوژی)، ص ۱۵۷.

عوام از ریشه انواع سالسپاری، جهت رفع بیماری جلدی، مخصوصاً انگزما و داءالصدف استفاده به عمل می آید.

صور داروئی:

ریشه سالسپاری در مصارف داخلی به صورت دم کرده ۵۰ در هزار- عصاره هیدرو الکلی به مقدار ۰/۵ تا یک گرم و عصاره روان که هر ۴۰ قطره آن برابر یک گرم است، به مقدار ۱ تا ۱۰ گرم مصرف می شود. هیچ یک از گیاهان مذکور در ایران یافت نمی گردند. باید دانست که سالسپاری های دارویی عموماً فاقد تانن هستند و فقط بعضی از انواع آنها مانند *S. excelse. l.* که در ایران می روید و *S. Prolifera Roxb* و غیره دارای ماده مذکور می باشد. *S. excelse. l.* در منطقه وسیعی از شمال ایران می روید و به اسامی زیر موسوم است:

والی گیلی در بندر انزلی، تمیس و کامپوره در اطراف رشت، ملک و ازملکی در لاهیجان، تنکابن و رودسر، سنگیله در آستارا، کفله بور در گرگان رود، سکیم در نور، کجور و در آمل، بالیکا در درفک، لم در بهشهر، ملاش در ساری، و رگ لام در میان دره، تنی در چالوس، شاه دانه در دیلمان و کلکادانه در بعضی از نواحی گیلان.

عصاره تغلیظ شده سالسپاری:

عصاره الکلی سالسپاری ۹۰ گرم

عصاره آبی شیرین بیان ۲۵ گرم

عصاره گاو زبان ۱۵ گرم

عصاره گایاک ۱۸ گرم

شراب قرمز ۱۷۵۰ گرم

اسانس ساسافراس ۴ گرم

محلول حاصل را می توان با قند، شیرین و یا معطر نمود. مقدار مصرف آن، یک قاشق

مرباخوری در یک لیوان آب، هنگام صبح و شب است.

صدف - گوش ماهی

روایت از جابرین حیان:

صدف: به فتح صاد و دال و سکون فاء، به قرنگی بلینه و به فارسی گوش ماهی و به هندی سیپ و سیپس گویند و آن حیوان آبی است که در دریاها وجود دارد و اگر در بیابان و صحرا باشد، مبدأ آن، آب است. برخی نوشته‌اند که با حلزون مترادف است و گویند که حلزون اسم جنس است و صدف نوعی از آن، آنچه به اشکال مختلف باشد، آن را حلزون نامند و آن مسطور شد و آنچه در جوف بعضی مروارید پیدا شود و سخت جوهر و پهن شبیه به استخوان و در سختی و نرمی میان سنگ و استخوان باشد، آن را صدف گویند و مطلق آن صدف مروارید است و بهترین نوع آن سفید براقی است که در آب شیرین متولد شده باشد.

سرد و خشک در دوم و گویند در سوم است سرد در اول و خشک در دوم. پوست صدف را چون بسوزانند، جلای بهق نماید. جلای بیاض چشم، جهت قرحه چشم، جمیع انواع صدف مدّر حیض است و ضماد آن با عسل نیز، نافع بواسیر و زحیر، مقوی شهوت جماع است.^۱

صدف: گوشت حیوانی را گویند که صدف از آن حاصل آید و صدف هندی خوشبوی را به لغت تازی عطار گویند و نشان صدف بابلی و صدفی که از ساحل دریای قلمر حاصل شود آن است که از آن بوی چندیدستر به مشام رسد و به لغت اهل عراق آن را محلبه می‌گویند.^۲

اگر آن را بسوزانند چشم را قوت دهد و تریها برچیند.^۳

صدف: جانوری است که در درون آن درّ و لؤلؤ متولد شود. واحد آن صدفه و جمع آن اصدا ف و اصدفه و فارسی آن گوش ماهی است.^۴

۲- ترجمه صدف ب، ص ۸۰

۱- محیط اطلس، ج ۳، ص ۱۶۹

۲- بحر البحر، دهخدا.

۳- انراض، ص ۶۰۸

با حلزون مرادف است و گویند حیوان آن مخصوص به حلزون و پوست صلب آن مخصوص صدف است و مراد از مطلق صدف مروارید است.^۱

نام عامی که به کلبه جانوران نرم تنی که دارای صدف خارجی هستند، اطلاق می شود از قبیل: دو کفه ایها و شکم پایان، نامی که بالاخص به نرم تنان دو کفه ای (گوش ماهیها) خصوصاً صدف خوراکی و صدف مروارید اطلاق می شود، جمع آن اصدف است.^۲

صدف: گوشت صدف بیابانی (حلزون) را خرد کنند و بسایند و بر تن مالند، بسیار خشکاننده است. سوخته صدف فریبری بادشکن و زداینده و هم قوت عرق نعناع و پونه است. همه انواع صدفهای ریز، استخوان و خار و پیکانها را جذب می کنند به شرطی که درست و بی هیچ تغییر حالتی استعمال شوند. پوسته صدفها وقتی که می سوزند زداینده بهک اند. ورم بناگوش را خستک می کند و اگر رطوبتی در ژرفا داشته باشد، برمی چیند. سوخته صدف فریبری قرحه را می زداید، پاک می کند و بهبود می دهد. سوخته صدف برای گری خوب است و ضماد آن علاج درد مفاصل و نقرس است. صدف با سرکه، خون دماغ را قطع می نماید، گوشت صدف برای معده خوب است، ضماد صدف، علاج استسقاء است و گوشت صدف، پادزهر سنگ هار است.^۳

صدف را در فارسی گوش ماهی و در هندی سیپ یا سیپس می گویند و در انگلیسی Oyster Shell می نامند. لانه حیوان دریایی که از آن لؤلؤ بیرون می آید، صدف مرواریدی گویند. رنگ: سفید براق، ذائقه: بد مزه، مزاج: سرد و خشک دو درجه. مقدار خوراک: یک گرم، روح را لطیف می کند. صدف سوخته برای کثرت حیض، جریان خون از دهان و بینی را می بندد، سرمه آن نافع چشم است و مالیدن آن لثه ها را قوی می کند و نیز حصه براق آن را ساییده، عوض مروارید به کار می برند. بعضی کتابها سوخته آن را لطیف و گرم نوشته اند، ضرر آن خشکی می آورد. بدن آن: کهربا و صدف دریایی، مصلح آن: ترشی و سرکه و عسل، بعضی کتابها مقدار خوراک آن را یک گرم و بعضی ها ۳ گرم نوشته اند.

۲- فرهنگ فارسی، دکتر معین.

۱- محند، دهخدا، فریادین کبیر، ص ۱۲۷۲، فرهنگ داروهای ص ۲۴۴

۳- قانون در طب، ص ۱۳۸۴، ابن سینا، ج ۳، ص ۸۱

سوخته آن با روغن گل برای سوختگی آتش فایده می‌دهد، با داروهای دیگر در مرض تنگی نفس و جلوگیری از خون حیض و جریان خون و حبس کردن اسهال استعمال می‌کنند، لطافت می‌بخشد، با سرکه قاطع مسه‌ها و بواسیر است و نیز با سفیدی تخم مرغ برای سوختگی خیلی مفید است.^۱

در کتابهای داروسازی یونانی آن را به نام صدف صادق نوشته‌اند و نیز اسم طبی آن Mytilus- Marjaritiferus می‌باشد و این در مرض‌های مقوی قلب- فشارخون، برای تقویت چشم به‌طور معجون و سرمه استعمال شده و در امراض حیض و جریان آن را کُشته با عرق گلاب و پای گاو درست کرده، می‌دهند و نیز دوائی معروف یونانی کُشنه مرجان- جواهر والا برای مقوی دماغ و قلب و ضعف درست شده که الماس و صدف- عقیق سرخ- زمرد سبز- یاقوت سرخ- یشب سبز- ورق نقره- ورق طلا- عرق گلاب- پاهای گاو مجموعاً اینها را کُشته درست کرده داده می‌شود. برای ضعف باه و ضعف بدن روح و قلب چیز خوبی است.^۲

صریمة الجدی

مشخصات:

گونه‌ای از گیاه شونگ است که در کتب طب سنتی با این نام خوانده می‌شود. مانند سایر گونه‌ها، درختچه‌ای بالارونده است که به گیاهان اطراف خود می‌پیچد و حدود ۴ متر بالا می‌رود. برگهای آن بیضی، بدون دندانه و گل‌های آن سفید و معطر، ابتدا به رنگ سفید و سپس به رنگ زرد درمی‌آید. میوه آن قرمز و تخم مرغی شکل است.

ترکیبات شیمیایی:

درختچه صریمة الجدی، سالیسیلیک اسید، ساپونین و قند و انورتین دارد.

۱- شافعی، ص ۱۳۱، سخن المفردات، ص ۱۶۲، بیان المفردات، ۱۸۳.

۲- هندو، ص ۱۰۳-۱۵۹-۲۲۰-۲۲۲-۲۳۲.

خواص - کاربرد:

از برگهای این درختچه، به عنوان ملین و کمی قابض، استفاده می شود. آن را به عنوان معرق، تصفیه کننده خون، مدرّ و ضد نزله به کار می برند. در موارد سنگ کلیه و زردی نیز مصرف دارد، طبق نظر حکمای طب سنتی از نظر طبیعت، خیلی گرم و خشک است و معتقدند که انسداد مجاری را رفع می کند و مدرّ است و ملین و پاک کننده رحم از فضولات و غیره می باشد.^۱

صعتر

در کتب طب سنتی با نامهای «مرزه»، «صعتر»، «ایشن»، «اوشن» و به عربی «زرع» نامیده می شود.

گیاهی است که به فارسی «آویشن» و در کتب طب سنتی با نامهای «حاشا»، «اوشن» و «صعتر الحمیر» نام برده شده و در بعضی مناطق «صعتر»، «اشحه کوهی» و... نامیده می شود.

مشخصات:

گیاهی است که علت آن یکساله با برگهایی به رنگ سبز خاکستری باریک و دراز و متقابل پوشیده از تار. گلهای آن کوچک سفید یا سرخ تیره است. مرزه در اغلب مناطق ایران به صورت پرورشی در سبزی کاری ها کاشته می شود و در اطراف تبریز و خوی می روید. تخم آن در اوایل بهار کاشته می شود.

و آن شبیه به صعتر و پونه کوهی است. در نواحی با اقلیم مدیترانه ای و قسمت های نیم گرم و معتدل آسیا می روید. دارای ساقه های متعدد و کوتاه و دارای ریشه ای با الیاف چوبی می باشد. برگهای آن به رنگ خاکستری خیلی کوچک و در اغلب گونه ها کرکدار و در گونه وحشی آن، گلها کوچک و خورشه ای با رنگ سفید مایل به بنفش و سرخ است. تخم آن ریز و کوچکتر از تخم خردل است.

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی در گیاه مرزه اسانس وجود دارد که مقدار آن در دوران رویش گیاه در حدود ۹۷٪ درصد می‌باشد. از این اسانس در ساختن بعضی عطرها و ادوکلنها استفاده می‌شود.

دارای اسانس: کارواکرول، سیمن، ال‌پنین، بورنتول، لینالول، بورنیل‌آستات، اولئانولیک اسید، ریزوم آن اورسونیک اسید است.

خواص - کاربرد:

نسبتاً گرم و خشک و دارای خواصی تقریباً مشابه حاشا در برخی موارد ضعیفتر از آن است. ضد نفخ و اشتها آور است و برای تقویت نیروی جنسی مؤثر می‌باشد. برای تسکین درد دندان از آن استفاده می‌شود و اگر با آب انجیر خورده شود، برای سرفه و تنگی نفس و درخشانی رنگ رخسار اثر مفید دارد. خواص دیگری نیز متعلق به این گیاه است.

روغن تیمول یا تیمن که در ترکیب اسانس آن است، منشأ اصلی خواص ضد عفونی‌کننده آزر به می‌باشد، از طریق مخاط جذب می‌شود و از راه ادرار دفع می‌شود و رنگ ادرار را تیره یا سیاه می‌سازد. خاصیت ضد میکروب و ضد قارچ و ضد انگل دارد. تیمول در طب جدید نیز مورد توجه است و جوشانده آن برای ضد عفونی، پانسمان و شست و شوی زخمها به نحو مؤثری استفاده می‌شود و کاربردهای دیگری نیز دارد.^۱ از صعتر الحمیر (نعنای کوهی)، جوهری به دست می‌آید که در داروسازی مورد استفاده قرار می‌گیرد که آن را THmol می‌نامند. مقدار خوراکش تقریباً نیم مثقال است. ملطف و بادشکن است و بخصوص برای از بین بردن کرم شکم «هک ورم»، «کرم حلقه‌ای» استعمال می‌شود. با غسل قاطی کرده، برای مریضان فلج، لقوه و صرع می‌دهند و برای ریزش موضعی مو با روغن می‌مالند. غذا را ملطف و رطوبت جگر،

جگر سفید و امعاء را از بلغم پاک می‌کند. اشتها و باه را زیاد نموده و از بالا بردن بخارات از طریق دماغ جلوگیری می‌کند، مدّرحیض و ادرار است.

در درد دندانها از جوشانده آن غرغره می‌کنند و برای تحلیل اورام به سرکه یا عسل ساییده، ضماد می‌کنند، همراه با سرکه، دافع ورم طحالی و با پنیر تازه مسمن بدن می‌باشد. انقیه آن فضولات دماغ را خارج می‌کند. گلش نیز باه و اشتها را برمی‌انگیزد، آب فشرده آن در چشم نافع کم‌سویی و در گوش نافع درد گوش می‌باشد. با دیگر ادویه مناسب، نافع سرفه، درد مثانه، رحم، پهلو، سنگ کلبه و مثانه می‌باشد. جوشانده و خیسانده آن با ادویه مناسب، نافع دردهای مذکور می‌باشد. برای خارج کردن بلغم، آن را با انجیر استعمال می‌کنند.^۱

صفیرالسلطان

مشخصات:

نامهای محلی آن: پرمنگناس و داتوره و نام عربی آن، صفیرالسلطان است و در برخی از کتب «بنج» نیز گفته می‌شود.

درختچه‌ای است دارای گلهای بزرگ، بزرگتر از تاتوره علفی، برگهای آن تخم‌مرغی صاف بدون کرک، بعضی از آنها کامل زلی بعضی عمیقاً دندانه‌دار است. گلهای آن بوقی آویزان به رنگ ارغوانی و کپسول میوه آن ناصاف و سطح آن پوشیده از خار است.

ترکیبات شیمیایی:

در این گیاه، آلکالوئیدهای هیوسین، هیوسیامین، آتروپین و اسکوپولامین وجود دارد. در برگهای گیاه در حدود ۰/۴۲۶ درصد جمعاً از انواع الکلوئیدها وجود دارد. در گیاه تاتوره درختی رومانی، ۴۵ درصد کل آلکالوئیدها را ماده اسکوپولامین تشکیل می‌دهد.

خواص - کاربرد:

گیاه معروفی است که تمام قسمتهای آن سمی است. سابقاً در مناطق خاور دور، جنایتکاران به وسیله این گیاه آدم می‌کشتند. در برمه از تخم این گیاه، دزدان مخلوط با بودر کاری و شیرینی، گرد مخدّری درست می‌کردند که خود را نمی‌کُشت ولی برای چند روزی تخدیر می‌کرد. آنکالوئید آن، موجب باز شدن و اتّساع مردمک چشم می‌شود و اگر مقدار زیادی خورده شود، موجب هذیان، اغما و سرانجام منتهی به مرگ می‌شود.^۱

صفصاف مشفق

بید خشت ماده‌ای است شیرین شبیه شیرخشت با ترکیبات کمی متفاوت و شبیه شکر نیشکر است. از مَنها می‌باشد. این مَن از نوعی بید گرفته می‌شود. گل‌های در آن به صورت شاتون، انبوه و مخروطی شکل است که در اوایل بهار کمی قبل از برگ‌ها یا همراه برگ‌های جوان بید ظاهر می‌شود. به رنگ زرد متمایل به سبز به شاخه‌های آن مانند بید مجنون کمی از تاج درخت آویزان است و شاخه‌ها خیلی ترد و شکننده است. شیرخشت که از این بید گرفته می‌شود، از نظر رنگ و شکل شبیه شیرخشت است ولی مزه و طعم آن در عین حال که شیرین است ولی با شیرخشت متفاوت می‌باشد. از نظر طبیعت و خواص درمانی مشابه شیر خشت، ولی کمی ضعیفتر از آن است.^۲

صفصاف ایض

به فارسی در شمال ایران، فک و فیک و در بقبه مناطق ایران، بید نامیده می‌شود. نوعی از درختان بید یا صفصاف است و در کُتب طب سنتی «صفصاف ایض» نامیده شده است. فک در اغلب مناطق نیم خشک و نیم مرطوب استپی ایران وجود دارد. در

جنگلهای جلگه‌ای شمال، از گرگان تا آستارا و ارسباران و آذربایجان غربی و لرستان و کردستان و کرمانشاه و همدان و جنوب غربی ایران و دامنه‌های جنوبی البرز می‌روید. درختی است بزرگ، به ارتفاع ۳۰-۲۵ متر، پوست آن قهوه‌ای تیره، شاخه‌ها باریک، بلند، نرم، بدون گره و قرمز رنگ است و در جوانی کم و بیش کرکدار است.^۱

صلابه

مشخصات:

به فارسی «سرو تبری» و رقم پاکوتاه و متراکم آن را «سرو خمره‌ای» گویند. نامهای محلی آن در خوزستان و فارس «نوس» و در علی‌آباد کنول «سر» می‌باشد. در کتب طب سنتی با نامهای عربی: «شجرة الحياة»، «عفس»، «صلابه» و «شریین» ذکر شده است. درختی است زیبا، نوع سرو خمره‌ای آن، درختی است کوچک و متراکم، بردبار و متحمل شرایط سخت رویش، با ساقه‌های راست و برگهای کوچک شده، که به شکل فلس درآمده‌اند. انشعابات و شاخه‌ها بادزنی. میوه آن گرد یا تخم‌مرغی شکل و کبود رنگ است و ترشحات صمغی کبود یا تیره‌ای، سطح میوه را گرفته است.

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی، در گیاه مواد پینی پیکرین، کوئرستین و توجین یا توین و یک اسانس روغنی فراز یافت می‌شود.

خواص - کاربرد:

در چین برگهای این درخت، از داروهای مرسوم و متداول چینی است و خونریزی را بند می‌آورد. سایر خواص آن: تلخ و مقوی معده و قابض و خنک کننده است. جوشانده

یا عصاره برگها برای قطع هر نوع خونریزی مفید است. برای التیام سوزاک و سرماخوردگی نافع است. تخم آن دارای مواد مغذی است. مسکن، تونیک و اشتها آور می باشد، برای جهاز تنفسی مفید است.^۱

صمغ

روایت:

يقول عليه السلام: تعالجوا ولا تتكلموا فان الله انذى امراض قد خلق الادوية المتعالج بها بلطف صنعه، وجعل بعض الحشائش و الخشب و الصمغ و الاحجار اسباباً للشفاء من العلل و الادواء، فهي تدل على عظيم قدرته و واسع رحمته.

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: معالجه کنید و توکل غلط نکنید، آن که مریض کرده، ادویه را آفریده است با صنعت لطیف خود. و داروهایی که با آن معالجه می کنند و بعضی از گیاهها و چوبها و صمغها و سنگها را اسباب شفا قرار داده از مرضها و دردها، و آنها دلالت می کند به قدرت بزرگ و رحمت واسعة ای.^۲

مشخصات:

صمغ، رطوبت منجمده نباتات است که از آنها تراوش کرده، خشک می شود.^۳ مایع کم و بیش لزج و چسبناکی که از برخی درختان به خارج ترشح می شود و در مجاورت هوا منجمد شده، سختی مخصوصی پیدا می کند و در صنعت از آن استفاده می نمایند و صمغها معمولاً موادی هستند که از تغییر و تبدیل شامه یاخته گیاهی حاصل می شوند. آنها در الکل حل نمی گردند ولی در آب آماس کرده، محلول کاذب می سازند. صمغها از اختلاط چند قند مرکب تشکیل شده اند.

صمغ، اسم عربی است و نیز به عربی عرق الشجر نامند، به یونانی فرقیون و قومامون و قومید و به سریانی قاموز و به رومی ویتون و به فارسی ژو و شلم و گوج و به هندی گوند و گاد گویند. صمغ هر نباتی در طی ذکر آن مذکور شد و خواهد شد و مراد از مطلق

۳- نعمة حکیم، ص ۱۷۲.

۲- معارج، ج ۶۲، ص ۷۱

۱- معارج، ج ۳، ص ۲۸

آن صمغ عربی است که از درخت ام‌مغیلان حاصل می‌گردد. طبیعت کل صمغ، حار یابس است و گویند: طبع هر واحد از صمغ طبع شجری است که از آن اخذ کنند و آن قابض مغری مع تجفیف و تقویّت است.^۱

صمغ لادن

مشخصات:

صمغی است که به فارسی «صمغ لادن»، «لادن عنبری» و در کتب طب سنتی با نامهای «لادن» و «لذان» نام برده می‌شود.

به بلندی درخت افار و برخی از آنها ۱۰-۵۰ سانتی متر، ارتفاع دارند. این درختچه همیشه سبز است. برگهای آن کمی بزرگتر از برگهای انار، باریک و دراز و متقابل بدون دمبرگ است. گل‌های آن درخت، سفید یا گلی ارغوانی که در وسط آنها تعداد زیادی آلات فرگل به رنگ زرد روشن دیده می‌شود. میوه آن کروی، مانند زیتون است.

مشخصات صمغ لادن:

صمغ لادن مرغوب و خالص است که در فارسی به آن «لادن عنبری» می‌گویند، نوعی از صمغ است که از ترشحات چسبناک شاخه و برگ درختچه در فصل بهار گرفته می‌شود و خوشبو و بدون مواد خارجی است.

خواص - کاربرد:

از نظر طبیعت، گرم و خشک است و عده‌ای آن را به‌طور متوسط گرم و خشک می‌دانند و خواص آن، لطیف کننده قوی و گرم کننده است. دهانه عروق را باز می‌کند، جاذب اخلاط و در عین حال اندکی قابض است. رطوبتهای لزج غلیظ را معتدل می‌کند و به حال اعتدال در می‌آورد و مسکن دردها می‌باشد.^۲

۱- سیرت مشتم، ج ۳، ص ۱۷۴، نزابدن کبیر، ص ۱۲۷۴ ابن بیطار، ج ۳، ص ۸۵، عینده، ج ۲، ص ۲۱۳.

۲- معارف گیاهی، ج ۶، ص ۹۲.

صمغ کینو قرمز

پس از اینکه شکافی در پوست تنه این درخت ایجاد شده، شیره درخت خارج شده و در مجاورت هوا، خشک می شود و در قطعات معطر کوچکی به نام صمغ چینی یا صمغ کینو درمی آید. در چین از شیره این درخت یا صمغ کینو یا جوشانده پوست و چوب درخت به عنوان قابض، استفاده می کنند. از صمغ آن برای قطع اسهال استفاده می شود. ضمناً مسهل خوبی است. به صورت غرغره از این صمغ برای درمان زخمهای دهان، استعمال می شود. ضماد آن را روی زخمها و جراحاتها می گذارند، برای حفاظت و حمایت و التیام زخم مفید است. آن را روی آگزمای پوست نیز می مالند، جوشانده پوست و چوب آن مدر است و در موارد استسقاء خورده می شود و از تشکیل سنگ و اسید اوزریک جلوگیری می کند. از له شده برگهای درخت، به عنوان عطسه آور برای معالجه سردردهای صفراوی استفاده می شود، از چوب درخت به عنوان داروی ضد مالاریا، ضد اسهال خونی و مدر استفاده می شود و مغز میوه آن قی آور است.

ترکیبات شیمیایی:

دارای یک تانن مخصوصی به نام کینونائیک اسید و یک ماده رنگی قرمز است که پس از تقطیر خشک از آن مواد پروکاتچین و پروتوکاتچینک اسید به دست می آید و خواص آن شبیه خواص کاتچو، ولی کمی کمتر از آن است.^۱

صمغ کینو بنگال

این صمغ از گیاهی گرفته می شود که در قسمت وسیعی از هندوستان می روید.

ترکیبات شیمیایی:

از صمغ کینوی بنگال، ماده لوکوسی نیکتین جدا شده است. در برگها و گلهای گیاه گلوکوزید وجود دارد، در دانه های آن در حدود ۱۸ درصد، روغن زرد رنگ و بی طعمی

یافت می‌شود و دانه‌های تازه، دارای پروتئولیتیک انزیم و لیپولیتیک آنزیم می‌باشند. در گلهای آن در حدود ۱/۵ درصد، گلوکوزید بوتیرین و ۰/۳ درصد بوتین، ۰/۰۴ درصد بوتین، ۰/۰۲ درصد از یک گلوکوزید نامشخص و یک هتروزید می‌باشد.

خواص - کاربرد:

به‌عنوان قابض در موارد اسهال خونی مصرف دارد. از دانه‌های گیاه به‌عنوان داروی ضد کرم و برای از بین بردن انگلهای داخل شکم خورده می‌شود. دانه‌های آن پهن و قرمز مایل به قهوه‌ای و دارای لکه‌های سفید است. برگهای گیاه، قابض و تونیک است و گلهای آن قابض، مدرّ و برای تصفیه خون و به‌عنوان افزایش‌دهنده نیروی جنسی، تجویز می‌شود. از برگها و دانه آن نیز در موارد گزش مار استفاده می‌شود.^۱

صمغ الانجدان

مشخصات:

صمغ، رزینی است که در ایران انواع آن با نامهای آنقوزه، آنغوزه، انغوزه هراتی و ... نامیده می‌شود و در کتب سنتی با نامهای حلیت، صمغ الانجدان و ... یاد شده است. این صمغ رزینی از گیاهی گرفته می‌شود که به فارسی انگدان و انگدان و در کتب طب سنتی انجدان و انجدان نام‌برده می‌شود.

گیاهی است علفی چند ساله، ریشه آن کمی ضخیم و گوشتی، برگهای آن بسیار بریده و غباری، ساقه آن مجوف و گوشتی. گلهای آن به رنگ زرد و به‌طور گروه چتر مانند در انتهای ساقه ظاهر می‌شود. میوه این گیاه دارای دو تخم به رنگ قهوه‌ای تیره و سیاه، بیضی کمی پهن و بسیار بدبو می‌باشد.

ترکیبات شیمیایی:

ریشه گیاه دارای مواد آراززینوتانول، فرولیک امید، اسانس روغنی فرّار، پیتن،

آزولن، موسیلاژ، باسورین و ... می‌باشد و در صمغ آنغوزه، مقدار زیادی تانن وجود دارد.

خواص - کاربرد:

از نظر طبیعت طبق رأی حکمای طب سنتی خیلی خیلی گرم و نسبتاً خشک است. دارویی ضد تشنج، ضد کرم و قاعده‌آور است و برای بیماریهای دماغی نظیر فلج، رعشه، سستی اعضاء، ام الصبیان بسیار مؤثر است. اگر بر روی دندان کرم خورده گذاشته شود، درد آن را تسکین می‌دهد، برای درد گوش و کاهش کری کهنه و رفع طنین و صدا در گوش مفید است و ...^۱

صمغ آلو

آن را صمغ فارسی گویند. گرمتر از صمغ عربی است و بیوست آن کمتر از آن است. برای سرفه نافع است و سنگ مثانه را خرد می‌کند و زخم را التیام می‌بخشد. مالیدن آن به چشم، موجب افزایش دید چشم است و ضماد آن با سرکه، برای جوشهای بدن اطفال مفید است.^۲

صمغ درخت خرما

در هند، از صمغ درخت خرما برای رفع اسهال و معالجه بیماریهای مجاری تناسلی و ادرار استفاده می‌شود و از میوه خرما بی‌هسته، برای نرم کردن سینه، و به‌عنوان ملین، برای آسم و ناراحتی‌های سینه و رفع سرفه مصرف می‌نمایند. همچنین در موارد تب و سوزاک کاربرد دارد. ضمناً برای افزایش نیروی جنسی خورده می‌شود. دانه‌های گرده تلقیح خرما، موجب تحریک غدد جنسی مرد و زن می‌شود و خوردن عصاره گرده تلقیح خرما، محسوساً موجب افزایش وزن تخمدان در زن و بیضه‌ها در مرد می‌شود. از همین نظر است که عرق تارونه تهیه می‌شود و مورد توجه است.^۳

۲ - همان، ج ۲، ص ۱۳.

۱ - معارف گیاهی، ج ۶، ص ۳۵۸.

۳ - همان.

صمغ قراصیا

از نظر طبیعت طبق نظر حکمای طب سنتی، گرم و خشک است و از نظر خواص معتقدند که اخلاط لزج را قطع می‌کند، بنابراین برای رفع خشونت قصبه ریه، نافع است ضمناً برای روشن شدن رنگ صورت و تحریک اشتها و خورد کردن سنگ مثانه نیز مفید است. اگر با آب سرد خورده شود، برای تسکین سرفه‌های مزمن مفید است و مقدار خوراک آن ۵ گرم است. مالیدن آن برای افزایش دید چشم و رفع خارش و جرب پلک مفید است و مالیدن آن به پوست، پاک‌کننده و جلا دهنده است.^۱

صمغ فارسی

درختان گیلاس و آلبالو صمغی از خود بیرون می‌دهند که به فارسی «انگوم»، «جدو»، «زدو»، «ازدو» و «صمغ فارسی» می‌گویند. رنگ آن، زرد تیره و از نظر شیمیایی، دارای ماده‌ای به نام «سرازین» است. فرق این ماده با آرایین که در صمغ عربی می‌باشد این است که در آب سرد حل نمی‌شود ولی چون آن را بجوشانند در آن تغییر حاصل و شبیه صمغ عربی می‌شود.

خواص - کاربرد:

از صمغ عربی گرمتر است و یبوست آن از صمغ عربی کمتر است. سنگ مثانه را خرد می‌کند و برای سرفه، نافع است. مالیدن آن به چشم، برای افزایش بینایی مفید است و ضساد آن با سرکه برای رفع جوش بدن اطفال نافع است. استعمال خارجی غرغره آن، برای تحلیل ورم و رفع گل‌درد و اگر از بینی کشیده شود برای قطع خونریزی از بینی نافع است.^۲

۱ - معارف گیاهی، ج ۶، ص ۲۵

۲ - معارف گیاهی، ج ۶، ص ۲۳ و ص ۱۸۶.

صمغ کینو

مشخصات:

در کتب طب سنتی با نام «صمغ سینی» و «صمغ چینی» آورده شده است. گلهای آن زرد، میوه آن به صورت غلاف می باشد. از تنه این درخت در اثر شکاف، شیرۀ قرمز رنگی خارج می شود که ابتدا حالت روان دارد ولی پس از قرار گرفتن در مجاورت هوا سفت می شود.

ترکیبات شیمیایی:

دارای کینوتانیک اسید و ماده رنگی قرمزی به نام قرمز کینو می باشد.

خواص - کاربرد:

به عنوان قابض و برای بند آوردن اسهال و موارد ابتلا به پیروزیس به کار می رود.^۱

صندل

مشخصات:

انگلیسی: Wood Sandal White

فرانسسه: Santal Blanc, Santal Citrin

آلمانی: Santalbaum, Santalholz

ایتالیائی: Sandalo

به عربی صندل ایض و به فارسی صندل سفید می گویند که درختی است کوچک و بومی هند، قطعات چوب صندل به دو رنگ متفاوت سفید و لیموئی در بازرگانی عرضه می شود.

صندل سفید، از چوب درختچه‌ای گرفته می‌شود که درختچه آن کوچک و نیم انگل است. برگهای آن متقابل، نوک تیز، از نظر رنگ و ابعاد شبیه برگ گردو می‌باشد. گل‌های آن، خوشه‌ای ساده است. میوه آن، تخم مرغی کوچک با یک هسته و ریشه آن دارای ریشکهایی است که دارای آلات مکنده‌ای هستند که با آن به سایر ریشه‌های درختان نزدیک خود، می‌چسبند و از مواد غذایی آنها استفاده می‌کنند.

ترکیبات شیمیایی:

اسانس صندل، دارای دو هیدروکربور، یکی به نام سانتالن آلفا و دیگری بتا است که مقدار آنها جمعاً به ۶ درصد می‌رسد به علاوه دو نوع الکل به مقادیر ۹۰ درصد به نام سانتالول آلفا و بتا دارد که فرمول هر دوی آنها یکی است با این اختلاف که نوع آلفا دارای مقدار درصد بیشتر و نوع بتا لووژبر است.

از مغز و چوب آن، اسانس روغنی گرفته می‌شود و دارای سانتالول، سانتالون و ساتن است.

خواص درمانی:

چوب صندل، دارای اثر قابض، مقوی قلب می‌باشد.

صندل را به عربی کوبت و به یونانی حلوسطاقیال و قلورقیا و به هندی چندن گویند و آن چوب درختی بزرگ به اندازه درخت گردو است. صندل سه نوع است: سفید، زرد و سرخ. صاحب جامع قسم چهارمی هم ذکر کرده است و آن را سیاه گفته است و همه آنها را سرد و خشک در آخر دوم تا سوم نوشته است. سفید آن مفوح و مقوی قلب و معده و قابض و با تریاقیت است، مالیدن و خوراکش نافع خفقان از گرمی و ضعف معده گرم است. سفید آن، برای خوردن و قرمز، برای طلا بهتر می‌باشد. مالیدن آن با آب برگ تاجریزی یا آب همیشه بهار یا آب برگ خرفه نافع نفوس گرم و ورم‌های گرم است. سفید و سرخ هر دو برای باه و صدا می‌باشد و مصلح آن عسل یا نبات است. مقدار خوراک آن،

از نیم درم تا یک مثقال و بدل آن نصف وزن آن کافور و به قول بعضی اشته. و گویند بدل سفید، سرخ و بالعکس می باشد.

گویند: تخم صندل سه عدد چون بیاشامند، جهت بول الدم و سوزش بول و مرضی که به جای منی خون انزال شود، مجرب دانسته اند.^۱

نیز آن را به عنوان تقلب به زعفران می افزایند. پته روکارپین به وزن مونکولی ۲۹۸/۲۸ است و از چوب گیاه مذکور که صندل قرمز نامیده می شود، استخراج شده است. به حالت متبلور، به صورت ورقه مانند در اثر درپشول و اتانول به دست می آید. برای آن اثر درمانی ذکر نشده است و در ایران نمی روید.^۲

ابن سینا می گوید: صندل، چوبهای ستبری است که از مرز چین می آورند و سه نوع است: زرد، سرخ، زرد مایل به سفیدی که بعضی آن را مقاصیری گویند. به عقیده جالینوس و ابن ماسویه صندل سرخ قوی تر است و دیگران گویند: زرد قوی تر است. صندل و بویژه صندل سرخ رنگ، مانع تراوش رطوبت بدن شده و ورم گرم را تحلیل می برد، بر باد سرخ مانند، مفید است. در علاج سردرد بد نیست، خوردنی و مالیدنی آن تپش ناشی از تبها را علاج می کند، صندل سفید رنگ مقاصیری، در علاج تبهای گرم سودمند است.^۳

صندل سفید سرد و خشک است در دو درجه، تبهای گرم را منفعت کند و ضعف معده را تقویت دهد و درد سر را تسکین کند. صندل سرخ ورم های گرم را بنشانند.^۴

به فارسی «صندل» و به هندی «چندن» و در کتب طب سنتی انواع آن با نام «صندل» آمده است. به طور کلی دو نوع صندل در بازار عرضه می شود، صندل سفید یا زرد و صندل قرمز، که البته یا اینکه نام هر دوی آنها صندل است اما از درختان یک خانواده گیاهی به دست نمی آیند و چوب آنها از درختان دو خانواده گیاهی مختلف هستند.

۱- محیط انظم، ج ۲، ص ۱۱۷۶؛ تحفة حکیم، ص ۱۷۳.

۲- گیاهان دارویی، دکتر زرگری، ج ۱، ص ۶۶۹.

۳- ناتون در طب، ج ۲، ص ۲۸۴.

۴- صیده، ج ۲، ص ۹۱۳.

به فارسی صندل سفید و در کُتب طب سنتی به نام «صندل ایض» نام برده می‌شود. در اندونزی از خاک‌آزّه چوب صندل سفید و ار اسانس آن به‌عنوان دارو استفاده می‌شود و در صنایع نجاری نیز کاربرد دارد.^۱

صندل قرمز

به فارسی در کُتب طب سنتی «صندل قرمز» یا «صندل سرخ» گویند. چوب این درخت به چین وارد می‌شود و درخت آن بومی در مناطق هند، حبشه و زنگبار است. چوب آن قرمز است که به نام صندل قرمز معروف می‌باشد. در کُتب طب سنتی ایران این صندل را در ردیف صندل سفید، تحت عنوان صندل نام می‌برند در صورتی که چوب دو درخت متفاوت هستند و خواص آنها نیز تا حدودی متفاوت می‌باشد.

درختی به ارتفاع ۸-۱۰ متر و دارای برگهای منفرد، مرکب از برگچه‌های فرد با کناره صاف و میوه‌های بالدار و محتوی یک دانه بدون آلبومن با لیه‌های خمیده است، در مدرس پرورش می‌یابد و نیز در ایران نمی‌روید.

انگلیسی: Sanders Wood, Red Sandal Wood

فرانسه: Sandal Rouge

آلمانی: Roter Sandalbaum

ایتالیائی: Sandalo Rosso

عربی: صندلان، صندل احمر

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی در سر شاخه‌های تازه درخت صندل قرمز، گلوکوزید و یک ماده رنگی قرمز وجود دارد. چوب صندل قرمز، دارای عطر و بویی نیست. از این درخت در اثر شکافی که به تنه آن وارد می‌شود صمغی می‌گیرند که به کینو معروف است، در

صمغ کینو که از این درخت گرفته می‌شود، یک نوع تانن خاصی به نام کینو تانیک اسید و یک ماده رنگی قرمز گرفته می‌شود.

دارای ماده‌ای به نام پتروکارپین، سانتالول، اسید سانتالیک، و غیره است. قطعات چوب این درخت، تحت نام چوب صندل قرمز، به بازارها عرضه می‌شود و باید دانست کسه نباید با چوب صندل سفید که از گیاهی به نام (*Santalum Album*) از تیره *(Santalaceae)* تهیه می‌گردد و اسانس آن مصارف درمانی دارد، اشتباه شود؛ زیرا صندل قرمز، به علاوه در سیلان، مالزی و فیلیپین نیز به بازار عرضه می‌شود. چوب این درخت اثر قابض دارد ولی از آن، جهت رنگ کردن بعضی مواد غذایی استفاده می‌شود و گاهی دارای اثر رفع ورم مجرای بول و ترشحات غیر طبیعی آن است. اسانس صندل، از راه دستگاه گوارش به سهولت جذب و قسمتی از ترکیبات آن نیز که از راه کلیه و ششها دفع می‌گردد، در این اعضا ضد عفونی به عمل می‌آورد. در این موقع، بوی آن در ادرار و بخار دهان احساس می‌شود. مصرف متدیر زیاد آن، ایجاد احساس سوزش و گرما در ناحیه معده و گاهی تهوع و استفراغ می‌کند. مصرف آن در التهاب مجاری ادرار و ورم مثانه ناشی از ابتلا به سوزاک و همچنین بروشیت مزمن که با ترشحات فراوان همراه باشد و گاهی به عنوان قابض در اسهالهای سخت، توصیه شده است.

خواص - کاربرد:

در هندوستان از چوب صندل قرمز به عنوان خنک کننده و قابض و تونیک، در استعمال خارجی: برای ناراحتی‌های صفراوی و رفع التهاب و سردرد گره و کاهش تب و همچنین برای رفع ناراحتی‌های پوست و ضمناً برای تقویت دید چشم تجویز می‌شود.^۱
صور دارویی:

اسانس صندل، به صورت کیسولهای محتوی ۲۵/۱ گرم به تعداد ۴ تا ۲۰ عدد در روز مصرف می‌شود. مصرف معمولی این کیسول ۱۲ عدد است، چوب آن به مقدار ۲ تا ۱۰ گرم به کار می‌رود. چوب صندل در فرمول شربت رویارب کمپوزه وارد می‌گردد. از بین

انواع مفید این گیاهان به شرح نمونه‌های زیر که هیچ یک از آنها در ایران نمی‌رویند، مبادرت می‌شود:

- ۱- از *Santalum Pyrularium A.Gray* در جزایر ساندویچ می‌روید و از آن نیز نوعی اسانس صندل تهیه می‌شود.
- ۲- *S.Freyinetianum Gaudisch* و انواع دیگری از این گیاهان، اسانس‌گیری، به علت داشتن صفات مشابه به عمل می‌آید و به اسانس صندل، افزوده می‌گردد.
- ۳- از چوب *S.spicatus Ds. Fusanus Spicatus R.Br* نیز اسانس‌گیری به عمل می‌آید. بوی اسانس چوب آن، بسیار مطبوع و مصارف درمانی آن نیز مانند گیاه قبلی است. اسانس حاصل از گیاه اخیر به صورت کپسولهای محتوی ۰/۲۵ گرم به تعداد ۶ تا ۱۲ عدد در روز مصرف می‌گردد.^۱

صنط

مشخصات:

گونه‌های مختلف این درختچه را به‌طور کلی «آکاسیای عربی» می‌خوانند. در کتب طب سنتی با نامهای «سنط»، «صنط»، «خرنوب مصری» و ... نام‌برده شده است. درختچه‌هایی هستند که از آنها «صمغ عربی» گرفته می‌شود. درختچه‌ای است خاردار به بلندی ۷ متر، برگهای آن مرکب، دارای برگچه‌های زیر به صورت شانه‌ای زوج. گل‌های آن سفید معطر به صورت سنبله، میوه آن به شکل غلاف، مانند لوبیا که دارای ۳-۵ دانهٔ حنایی رنگ است.

ترکیبات شیمیایی:

در برگهای آن حدود ۳۲ درصد تانن وجود دارد و در میوه آن به تنهایی در حدود ۴۱ درصد تانن یافت می‌شود.

۱- گیاهان دارویی، دکتر زرگری، ج ۲، ص ۷۶۷-۷۶۵.

خواص - کاربرد:

تمام قسمتهای درخت اکاسیا (صنط) سرد و خشک و قابض است. دم کرده برگ آن اسهال را بند می آورد و بخور آن برای رفع درد اعصاب و ناراحتی اعصاب مفید است. ضماد برگ تازه آن برای التیام جراحتهای بزرگ و عمیق مفید است.^۱

صنار

مشخصات:

به طور کلی در ایران «چنار» نامیده می شود. در کتب طب سنتی آن را با نامهای عربی «صنار»، «عیثام»، «دلب» ذکر کرده اند.

درختی است زیبا، عمر زیاد و چوب سخت دارد و بلندی آن به ۳۰-۴۰ متر می رسد. برگهای آن ساده، پنجه ای متناوب است. گلهای نر و ماده آن جدا به صورت سساتون کروی شکل هستند و هر دو نوع گل روی یک درخت وجود دارند. میوه آن مرکب از چند فندقه می باشد.

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی در چنار (صنار) مواد آلانتوان و آسپارازین وجود دارد. برگهای آن دارای دی - آلانتوان است.

خواص - کاربرد:

برگهای تازه چنار را له کرده و به عنوان ضماد در موارد ورم ملتحمه بر روی چشم گذارند، نافع است. میوه و پوست آن سرد و خشک است از نظر حکمای طب سنتی سرد و تر است. ضماد برگ تازه پخته آن برای ورم چشم، بند آمدن آب که از چشم بیرون

می‌ریزد، رفع ورم‌های بلغمی، ورم زانو و ورم‌های گرم مفید است و مضمضه پوست تازه آن که در سرکه بخته باشند برای رفع درد دندان و گرد برگ خشک آن برای خشک کردن جراحات‌ها و زخم‌ها و سوختگی آتش نافع است. ضماد پوست سوخته آن خشک کننده است و برای رفع رطوبت متعفن زخمها نافع است.^۱

صنوبر (کاج)

مشخصات:

درختی است بلند مخروطی شکل، برگهای آن سوزنی کوتاه که در سطح زیرین برگ دو خط موازی سفید دیده می‌شود. گل‌های آن پایه به صورت شاتونهای نر و ماده روی شاخه‌های یکسانه ظاهر می‌شوند. میوه آن به صورت مخروطهای قائم که نوک آن به طرف بالا و فلسهای آن بتدریج که میوه می‌رسد، به صورت منفصل و جدا از هم درمی‌آید و پس از رسیدن دانه‌اش می‌افتد.

در قسمتی از معجون‌ی که جبرئیل بر پیغمبر ﷺ نازل کرد چنین آمده است: وقتی هیجده ماه بر آن گذشت به اذن خداوند مفید است برای کسی که بهق دارد مشابه برص مگر محل بهق شرطه دار شده و خون آمده، از دارو به اندازه یک نحوود برداشته و آن را با روغن بندق یا روغن بادام تلخ و یا روغن صنوبر آب داده پس از شکافی به بینی می‌کشند و به مقدار قرصی برداشته با این روغن و نمک به بدن خود می‌مالند ولی در هر حال این دارو را از جای خود تغییر ندهد که اگر مخالفت کند مخالفت خواهد شد و نافع نخواهد بود.^۲

عربی: ثنوب، صنوبر صغیر

صنوبر را به فارسی درخت کاج و باژو نیز نامند و نر آن میوه‌اش بی مغز و قطران آن زیون‌تر از قطران شیرین است و ماده آن بزرگ و کوچک می‌باشد و کوچک آن را صنوبر

صغار نامند و میوه‌اش مثل دل گوسفند و از آن بزرگتر و مغز میوه آن با تلخی و سفیدی و بی‌پرده رقیق سرخ و قضیم قریش عبارت از آن است و در سمنان زیاد وجود دارد و راتیانج صمغ آن است و قسم ماده بزرگ را صنوبر کبار گویند و در گیلان یافت می‌شود و بسیار بزرگ و مغز میوه آن را به اصطلاح آنجا جلغوزه و درخت آن را درخت جلغوزه می‌نامند و میوه‌اش به قدر بالنگی و مغز دانه‌های آن مثل قضیم قریش و بالیده‌تر و شیرین است.^۱

صنوبر درختی است از تیره مخروطیان که همیشه سبز است و جزو درختان زیستی باغها است و تا ارتفاع زیادی رشد می‌کند. برگهایش متناوب و سوزنی ولی از برگهای کاج کوتاه‌تر و ضخیم‌تر است، سطح فوقانی برگها سبز کم رنگ و سطح تحتانی برگها سفید رنگ است. مخروطهای میوه صنوبر باریک و درازند و بر خلاف مخروط کاج از درخت به‌طور کامل جدا نمی‌شوند یعنی در جنگلهای صنوبر هیچ وقت مخروطهای صنوبر در پای درخت دیده نمی‌شوند، زیرا مخروط این درخت پس از رسیدن فلسهایش به آسانی با وزش باد از مخروط جدا می‌گردد. در حدود ۲۰ گونه صنوبر شناخته شده که در سراسر زمین می‌رویند. برخی از گونه‌های صنوبر ۳۰ تا ۴۰ متر ارتفاع نیز پیدا می‌کنند. چوب صنوبر در صنعت مانند چوب کاج مورد استفاده قرار می‌گیرد.^۲

یکی از گونه‌های صنوبر است که از آن مقادیر زیاد صمغ و ترباتین استخراج می‌کنند.^۳

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی در شاخه‌ها و برگهای سوزنی درخت نوتل در حدود ۰/۵۶ درصد اسانس روغنی وجود دارد و به‌علاوه یک ماده تلخ و گلوکوزیدی در آن یافت می‌شود.

۱- نطفه مک، ص ۱۷۳. ۲- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۲۱۶۸.

۳- فرهنگ داروهای ص ۲۴۸؛ صدفه، ج ۲، ص ۹۱۴.

خواصی از صنوبر:

حب صنوبر سعال را که از سردی بود سود کند و طبیعت را یاری دهد تا آنچه اندر سینه و شش گرد می آید بیرون افکند و قوه بیهوشی را بیدار کند و ادرار بول آورد، و پوست دار صنوبر ریش‌ها را فراهم آرد که از سوختن آب گرم خیزد و چوب صنوبر درد دندان را سود کند چون در سرکه نهند و با آن مضمضه کنند و خاکستر چوب صنوبر مژه ریخته را از کنار چشم باز برون‌اند و پلک چشم را که گوشتش گداخته بود و خورده شده نیک باشد که اشک از او همی ریزد.^۱

درختش مشهور است. مزاج: الیاف صنوبر بزرگ بسیار قوی و الیاف صنوبری که آن را خوقی گویند ناتوانتر است. خواص: الیافش بسیار قبوضیت دارد، گرمی که در صنوبر است در برندگی همانند آلاکلنگ است. الیافش زخم را به هم آرد. در علاج قرحه ناشی از سوختگی مفید است. الیافش را بسایند و گردش را بر سوخته آب گرم پاشند مفید است. دود صنوبر از ریش مژه جلوگیری کرده است و خوره گوشه چشم را علاج است. دانه‌اش داروی سرفه کهنه است، تناول پوست و برگ صنوبر درد کبد را دواست و دانه‌اش شکم را بند آورد.^۲

صنوبر (کاج): میوه کاج نافع رعشه و فشار خون است. صنوبر: میوه آن (چلغوزه) مقوی قوه بیهوشی و دماغ است و خوراک آن با شیر و زنجفیل و دار الفلفل و خرما، مقوی بعد از مریضی در دوران نقاهت است. چکاندن روغن چلغوزه با زهره گاو مقوی شتوایی گوش است، مالیدن روغن چلغوزه با گوگرد نافع خارش بدن است، مرهم روغن چلغوزه با صبر زرد مخرج چرک دملها و زخمها است، چکاندن روغن چلغوزه همراه با آب بنفشه در بینی مرطب و مقوی دماغ و اعصاب است و مالیدن آن با سنجد نافع شقاق دست و پا است.^۳

۱- لایحه، ص ۲۰۹.

۲- تاتوی در طب، ص ۱۲۸۶ ابن البیطار، ج ۳، ص ۶۱۹ قراندین کیر، ص ۱۲۷۵ محیط اعظم، ج ۳، ص ۱۷۸.

۳- حکیم اسفندیاری

در ایران با نامهای «کاج نوئل» و «درخت نوئل» شناخته می‌شود. در کتب طب سنتی با نام «صنوبر»، «تنوب» و «صنوبر صغیر» آمده است و دانه آن را «حب السنوبر» گویند. درخت نوئل از نظر طبیعت گرم و خشک است و پوست آن گرم و خشک است. از نظر خواص، خوردن برگ و پوست درخت برای گلودرد و جراحی ریه و بند آوردن خون از بینی و قطع خون از جراحتهای تازه نافع است و خواص دیگری نیز دارد.^۱

صنوبر هندی

مشخصات:

به فارسی «دیودار» و در کتب طب سنتی با نامهای دیودار و صنوبر هندی و ابهل هندی یا به عربی آن شجرة الجن آمده است، به اردو نیز دیودار گفته می‌شود. دیودار درختی است زیبا و بلند، ارتفاع آن تا ۵۱ متر می‌رسد. برگهایش سوزنی، کبود رنگ به طول حدود ۵ سانتی‌متر. مخروطه میوه آن درشت، تخم مرغی شکل به رنگ قهوه‌ای است. طول عمر این درختان به طور کلی زیاد است و تا ۲۰۰۰ سال تخمین زده شده است.

ترکیبات شیمیایی:

دارای صمغ، کولسترین و اسانس روغنی فراز است. در برگهای آن ویتامین C یافت می‌شود.

خواص - کاربرد:

چوب این درخت معرق، بادشکن، مدرّ و تب‌بر است و برای رفع نفخ و ناراحتی‌های ریوی و مثانه مفید است. اسانس آن معرق، مدرّ و برای ناراحتی‌های پوست مفید می‌باشد. پوست این درخت قابض و تب‌بر است و برای اسهال خونی مفید است، از نظر طبیعت گرم و خشک است.^۲

۲- معارف گیاهی، ج ۴، ص ۲۶۲.

۱- معارف گیاهی، ج ۳، ص ۵۷.

صنوبر انثی نوع صغیر

مشخصات:

در ایران به نام «کاج چتری» و «کاج بادامی» شناخته می‌شود. در کتب طب سنتی با نام «صنوبر انثی نوع صغیر» آورده شده است.

درختی است به بلندی ۸-۵ متر، تاج آن کروی و چتری که در انتهای تنه بدون برگ چند متری آن قرار گرفته است. برگهای آن سوزنی، همیشه سبز و طولهای آن نسبتاً دراز است. میوه آن مرکب است و آن را سیب کاج یا مخروط کاج می‌گویند و از فلسهای چوبی تشکیل می‌شود.

ترکیبات شیمیایی:

دارای آب ۳ گرم، انرژی ۶۳۵ کالری، پروتئین ۱۳ گرم، مواد چرب ۶۰ گرم، هیدرات‌های کربن ۱۹ گرم، کلسیم ۱۲ میلی‌گرم، فسفر ۶۰۴ میلی‌گرم، آهن ۵/۲ میلی‌گرم، ویتامین A ۳۰ واحد بین‌المللی، تیامین ۱/۲۸ میلی‌گرم، رایبوفلاوین ۰/۲۳ میلی‌گرم، نیاسین ۴/۵ میلی‌گرم می‌باشد.

اولئورزین مذکور، محتوی بلورهای ریز و سوزنی شکل و بویی شبیه به لیمون و اسانسی معادل ۱۸-۱۰ درصد است. اسانس حاصل از آن، مایعی بی‌رنگ با بویی شبیه بوی تربانتین و دارای وزن مخصوص برابر ۰/۹۹۰ و لوزیر است. در ترکیب اسانس، مخلوطی از پینن دکستروزیرو، سیلوسترن، دیپانتن و یک سزکوئی‌ترین وجود دارد.

جوانه کاج افی سینال دارای نوعی رزین و اسانسی مرکب از پینن و لیمونن چپ و همچنین ماده تلخی به نام پی‌نیکرین، یک ماده قندی به نام پینیت (مشتق متیل‌دار ایتوزیت) و کونی‌فروزید به دست می‌آید.

نیرو دهنده، تسکین دهنده سرفه، مدر و ضد نزله است. از آن برای رفع نزله‌های مزمن مخاطپهای دستگاه تنفسی و مجاری ادرار، استفاده می‌شود.

خواص - کاربرد:

تخم یا بادام کاج بادامی، گرم و خشک ولی معتدلتر از پوست آن است. از نظر خواص مسهل است و برای بیماریهای سینه و کلیه و مثانه قوی تر از حب صنوبر است.^۱ برگ، پوست، جوانه و مخصوصاً ماده مترشحه مذکور که از درخت به دست می آید مانند اعضای انواع کاج های دارویی و *Abies pectinata*، می تواند به مصارف مشابه برسد. ماده اولتورزین مذکور چون به پوست بدن می چسبد، سابقاً به مصارف تهیه مشمع های طبی می رسید و چون از معایب آن این است که یا قرار گرفتن روی پوست، تحت اثر گرمای بدن، جریان پیدا می نماید، از این جهت در مواقع استفاده به منظور اخیر باید با موم مخلوط شود. این درخت به عنوان زینت در ایران پرورش می یابد و نیز آن را به منظور جنگلکاری در ارتفاعات البرز و... کاشته اند.^۲

از تمام قسمت های گیاه جهت درمان سوء هضم، بی خوابی، سکسکه و عدم دفع ادرار استفاده به عمل می آورند. برگ های آن، التهاب را درمان می کنند. چوب آن مدرّ و بادشکن است و در دفع سنگ کلیه به علت مدرّ بودن مفید واقع می گردد. اسانس حاصل از آن، اثر تسکین دهنده دارد و در رفع ناراحتی های پوستی مؤثر واقع می گردد. از چوب آن نوعی تربانتین روان تهیه می شود که با رعایت احتیاط، بر روی زخمها و جوش و دانه های جلدی اثر داده می شود.^۳

ماده صمغی حاصل از این درخت که بر اثر خارج شدن ترشحات، بر روی شاخه ها باقی می ماند، طعم تلخ، گس و اثر مسهل، بادشکن، مدرّ، آرام کننده درد و ضد کرم دارد. برای رفع سوء هاضمه و درمان التهاب ها می توان مورد استفاده قرار داد. بررسی های دیگر نشان داده است که اثر قاعده آور و خلط آور نیز دارد و به علاوه می تواند در درمان آسم، برونشیت های مزمن، لمیاگو، صرع، ناراحتی های پوستی و حارش مفید واقع گردد. اسانس آن اثر کاهش دهنده التهاب دارد و نیز در ایران نمی روید.^۴

۱- معارف گیاهی، ج ۳، ص ۵۴

۲- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۴، ص ۳۲۳

۳- همان

۴- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ص ۳۲۱

صور دارویی:

دم کرده ۳۰ - ۲۰ در هزار شربت، آب مقطر به مقدار ۲۰۰-۱۵۰ گرم. کاجهای مهم و مولد اولئورزین که از آنها تربانتین استخراج می‌گردد، در مبحث تربانتین شرح داده شده است.^۱

فارسی و عربی صنوبر و انگلیسی *Pinnuslonjifolia* می‌گویند. درخت بلند و قشنگی است، برگهای آن مثل نخ یک و جب بلند می‌باشد. میوه‌های آن شکل مخروطی که کوه آن را در هند، چرکتو می‌گویند و صنوبر برای سوزاندن استفاده می‌شود. برگ و پوست آن به طور دارو استعمال می‌شود یک قسم آن را سرک می‌گویند که از آن روغن تارپین و شیرۀ بهروزه یعنی بیرزد حاصل می‌گردد. چوب درخت آن خیلی چرب است که به طور چراغ سوزانده می‌شود درخت صنوبر چند قسم است که بعضی آنها را گرجن - کلو - کائل می‌گویند و صنوبر عموم به نام درخت صنوبر کباب معروف است که میوه آن را چلغوزه می‌گویند. برگ درخت صنوبر سبز ذائقه تلخ، مزاج گرم درجه سوّم، خشک درجه دوّم، مقدار خوراک دو گرم، محل رویش آن افغانستان - کشمیر - مرکز هند - پنجاب - آسام و برمه و برکوه‌ها حاصل می‌شود.^۲ و برگ و پوست آن را برای درد ریه و زخم ریه جوشانده و می‌خورند. سیلان خون و رعاف را می‌بندد. جوشانده آن برای درد دندان مفید است، جوشانده آن برای امراض رحم و مقعد آبن می‌کنند با عسل مخلوط کرده در بیماریهای جگر استفاده می‌شود. از دود چوب آن حشرات زمینی فرار می‌کنند. دود زیاد آن نزد زن حامله بچه را با مشیمه خارج می‌کند. مدرّ حیض است. و ابن سینا می‌نویسد که: صمغ صنوبر صفار که از قسم زفت است برای سرفه کهنه مفید است و اما میوه‌اش که چلغوزه باشد یکی از میوه‌های شیرین و خوشمزه می‌باشد و در فارسی آن را حب صنوبر می‌گویند و در انگلیسی *Filbertnut* می‌گویند. در مناطق کوهی هند و آن مرکز به طور بسته و بادام زیاد استعمال می‌شود. مقدار خوراک آن از ۷ گرم تا ۱۲ گرم، مزاج گرم و تر به درجه اول، منتث بلغم - مسمن بدن - مسخن و مؤنّد منی است. باه و

اشتهای خوراک را زیاد می‌کند، قلب و عضلات را قوت می‌دهد، آن را در مرض فلج - لقوه - رعشه - سرفه - تنگی نفس - ضعف باه با ادویه مناسبه مخلوط کرده می‌دهند و مغز آن را شیر درست کرده با عسل در سرفه بلغمی می‌دهند، و نیز دیر هضم است. مصلح آن: سکنجین و انار ترش - بدل آن: شقاقل یا حب القار - استعمال زیاد آن مورث درد سر و قی است. در بعضی کتابها آن را برای ریاح، درد مفاصل، امراض جگر، استسقاء، یرقان، درد گرده مفید گفته‌اند. گوشت بدن انسان را قوت می‌دهد.^۱ و اسم طبی میوه صنوبر چلغوزه Pinus Gerardinasee می‌باشد که در ادویه مناسب استعمال شده و نیز در ضعف دماغ - سرفه - سرماخوردگی و برای غلیظ کردن منی و در بعضی امراض سینه و سرفه و ضیق النفس و سرعت انزال و هضم معده استعمال شده مختصراً در امراض یاد شده استعمال شده و نیز در تمام مرکبات مقوی یونانی چلغوزه میوه صنوبر مخلوط می‌گردد.^۲

همان طوری که اشاره شد، صنوبر انواع مختلفی دارد، اسم مطلق طبی آن Pinus Alba گفته شده و آن را در بیان کتاب المفردات ذکر کردیم که از بعضی انواع آن روغن تازین و بعضی دیگر بیرجد حاصل می‌شود و آنها دارای مواد طبی هستند و در داروسازی از آنها استفاده می‌شود.^۳

صنوبر الارض

مشخصات:

گیاهی است که نوعی از آن را به فارسی «عنبر بید» و کوهی آن را «گل اریه» گویند. در کتب طب سنتی: «صنوبر الارض»، «جعدده» و «جعدده» نامیده می‌شود. گیاهی است علفی، یکساله، ساقه آن چهار گوشه پوشیده از تار و بلندی آن کمتر از

۱- المفردات، ص ۲۱۵؛ مخزن المفردات، ص ۱۵۳؛ ستان المفردات، ص ۱۱۹.

۲- همبرد، ص ۸۳-۹۸-۱۱۱-۱۱۲-۲۸۲.

۳- دستور برتانی، ص ۱۱۱۱.

۰/۵ متر است. برگهای آن دارای بریدگی‌های عمیق و معمولاً بریدگی‌ها برگ را به سه قسمت تقسیم می‌کند. گل‌های آن سفید مایل به زرد با بوی تند و طعم آنها کمی تلخ است.

خواص - کاربرد:

گرم و خشک است و از نظر خواص معتقدند که مدرّ و قاعده‌آور است و اخلاط را لطیف می‌کند. خوردن در حدود ۷۰ گرم از دم کرده آن برای کاهش فراموشی، تقویت ذهن، استسقای سرد، یرقان سیاه و تب‌های بنغمی و سوداوی نافع است. ضد کرم است و برای اخراج کرم کدو، کرم روده و تحلیل گاز، نفخ، سخت ادرار کردن، درد مفاصل، خرد کردن سنگ مثانه و پاک کردن رحم مفید است. ضماد آن برای پاک کردن زخم‌های کهنه و التیام آنها و گرد برگ آن برای خشک کردن و التیام زخمها نافع است. مضرات آن این است که سردرد می‌آورد و مضر معده است و از این نظر باید با حماقت خورده شود.^۱

صوف الأرض

مشخصات:

در فارسی و در کتب مختلف با نام‌های: «شناره»، «فراسیون ابیض»، «فراسیون سفید» و به عربی آن «صوف الأرض» و «علقما» و ... گفته می‌شود. گیاهی است علفی و چند ساله به بلندی ۷۰ - ۴۰ سانتی متر، پوشیده از کرک پنبه‌ای است و سفید به نظر می‌رسد. برگ‌های آن متقابل، بیضی، ناصاف، دندانه‌دار و نوک تیز است. گل‌های آن کوچک سفید به‌طور گروهی از محل اتصال برگ‌ها به ساقه در قسمت بالایی ساقه ظاهر می‌شود. برگ‌ها و سرشاخه‌های گلدار که مستعمل در طب سنتی است تلخ می‌باشد.

ترکیبات شیمیایی:

دارای ماده ماروبین و استرون و یک سسکی ترین است. یک ماده تلخ و اسانس روغنی فرار نیز در آن وجود دارد.

خواص - کاربرد:

به عنوان تونیک تلخ و ترم کننده سینه، مدرّ، بادشکن و داروی مفید سرماخوردگی، سرفه و ناراحتی های ریوی استفاده می شود. از نظر طبیعت گرم و خشک است و باز کننده گرفتگی های کبد و طحال است و اثر ضد سم دارد، ضماد آن برای تحلیل ورم نافع است.^۱

صیدنه

مشخصات:

ساقه زیرزمینی یا بیخ گیاهی است که در بازار دارویی ایران به نام «اگر ترکی» و «اگر ترکی» و «اگیر ترکی» و «اکسیر ترکی» (صیدنه) آورده شده است.

گیاهی است چند ساله علفی دارای ساقه زیرزمینی با بیخ ضخیم مفصل دار و گره دار که ریشک ها به آن اتصال دارند و خوشبو می باشد. شاخه گل دهنده آن در قسمت پایین سه وجهی است. برگ های آن متناوب، دراز، موج دار شبیه برگ زنبق و گلها زرد رنگ و شبیه گل زنبق است.

ترکیبات شیمیایی:

در ساقه زیرزمینی گیاه گلوکوزیدی به نام آکورین و یک آلکالوئید و مقداری اسانس به رنگ زرد و معطر وجود دارد. از ساقه زیرزمینی خشک آن در حدود ۱/۵۳/۵ درصد اسانس معطر زرد رنگی گرفته می شود.

خواص - کاربرد:

دارویی است محرک، مقوی معده، تویک، بادشکن، معطر و تلخ. در مقدار زیاد ضد عفونی کننده و قی آور و خشک کننده، ضد تب، ضد اسپاسم، و مسکن می باشد. معروف است که این دارو خاصیت جلوگیری یا آرام کننده آریتمی قلب دارد و شیه داروی کینیدین ضد تشنج است.^۱

حرف

ض

ضرو

میعه سائله صمغ درخت ضرو است، تا وقتی که سائل است آن را میعه سائله گویند وقتی که خشک شود یالسه گویند. لوبان صمغ ریزیتن درخت ضرو است که از سوماترا و جاوه می آید و دانه آن مثل اشک می ماند که به هم چسبیده و جمع می شود و بوی آن مثل میعه سائله می باشد. ضراء، الضرو، شجرالمصطکی، درخت همیشه سبز است که در بلاد آسیا روئیده می شود و در بعضی از بلاد بحراییض ماده ای از آن درمی آید که آن را صمغ کمکام یا مصطکی می گویند و بویی خوشبو دارد.

به یونانی، فسطاطیس و فوضوقس، به سریانی، ضروا، به رومی، فشاشیش و به فارسی و رضحک. اسم یک درخت است که مشابه درخت بلوط است، بعضی اوقات مقصود از لفظ ضرو صمغ آن است و آن صمغ را نیز صمغ کمکام گویند. بعضی گویند که کمکام پوست بیخ آن است و بعضی دیگر گویند اسم برگ آن می باشد. بعضی گفته اند که این درخت حبة الخضره است لکن به گفته صاحب «محیط اعظم» به درخت آن کمکام و به صمغ آن لوبان می گویند.^۱

ضمیران

ضمیران با فتح ضا و ضم آن ریحان الملک است که به زبان فرانسوی و انگلیسی به این نام آمده است. چنانکه ضم نیز از گیاهانی است که در زبانهای دیگر معرفی شده است.

ضریع

به فارسی انواع آن را «اسپرک» و در کتب طب سنتی با نامهای «ورس»، «ورث» آمده است. و «بلیحه» و به عربی «زایرا» و «ضریع» گفته می شود. مشخصات (نوع ورس):

گیاهی است به بلندی ۱ - ۵/۱ متر. برگهای آن باریک دراز، کامل به رنگ سبز و گلهای آن به صورت خوشه و دراز که در اطراف ساقه، گل به رنگ کمی زرد ظاهر می شود. میوه آن کپسول کوچک نوک تیز کمی شبیه کنجد که پس از رسیدن با شکافی باز می شود و از داخل ماده رنگی می گیرد. ترکیبات شیمیایی:

قسمت هوایی گیاه ورس دارای اسانسی است به رنگ زرد مایل به قهوه‌ای و بوی مطبوع که در صنعت عطرسازی کاربرد دارد. دانه گیاه دارای روغنی به رنگ سبز است که سابقاً قوم یهود از ماده رنگی آن برای رنگ کردن لباس خود استفاده می کردند، ماده رنگی به نام لوتولین می باشد.^۱

طرز مصرف گیاهان دارویی

دم کردن:

آب را می گذاریم جوش بیاید و بعد از جوش آمدن، گیاه را در آن قرار می دهیم و بعد آن را از روی آتش برمی داریم، روی آن را می پوشانیم و می گذاریم به مدت ۵ تا ۱۰ دقیقه

(در مورد گیاهان شکننده، برگها و گلها) و به مدت یک ساعت (در مورد ساقه‌ها، ریشه‌ها و پوست‌ها) دم بکشد.

جوشاندن:

گیاه یا قسمت‌های مورد نظر آن را به مدت ۱۰ تا ۳۰ دقیقه می‌جوشانیم و سپس آن را صاف می‌کنیم.

خیساندن:

گیاه را به مدت چند ساعت در سرما در مایعی که معمولاً الکل طبی، روغن یا محلول الکلی است (کمتر از آب استفاده می‌شود) می‌خیسانند روش‌های دیگری نیز بندرت به کار بسته می‌شوند که عبارتند از: بخور دادن و مرهم گذاشتن.

مرهم:

برای تهیه مرهم باید گیاه را له یا رنده کرد و یا به صورت خمیر درآورد و در پارچه‌ای پیچید و اغلب به‌طور گرم یا ولرم (به‌عنوان نرم کننده یا تحلیل برنده) و گاهی به‌طور سرد (به‌عنوان تسکین دهنده) روی موضع قرار داد.

بخور دادن:

برای بخور دادن از دو روش می‌توان استفاده کرد:

۱- گیاه را به آرامی روی شعله کم می‌سوزانیم تا حشرات را از بین ببرد و هوای محل مورد نظر را ضد عفونی کند.

۲- گیاه را در آب می‌گذاریم تا بجوشد و بیمار به خاطر معطر بودن، آن را استنشاق کند. این کار را می‌توان به‌طور مستقیم با قرار دادن ظرف محتوی گیاه در مقابل بیمار و انداختن پارچه‌ای روی سر یا با استفاده از دستگاه بخور، انجام داد.

خشک کردن گیاه:

بعضی از گیاهان مانند: نعناع و... پس از چیده شدن به صورت تازه مصرف می شوند و بعضی از آنها را خشک می کنند.

ریشه‌ها و ریزوم‌ها:

پس از تکه تکه بریدن می توان در سایه، آفتاب یا حتی روی حرارت ملایم آتش خشک کرد.

ساقه، پوست و چوب:

نیز می توان به طرق فوق خشک نمود.

جوانه‌ها:

برای تهیه خیسانده، به صورت تازه مصرف می شود. برای مصارف دیگر؛ در سایه، در جای خستک و هوای آزاد خشک می کنند.

برگها و گیاهان کامل:

به صورت ورقه‌های نازکی در هوای خشک و آزاد، در سایه قرار می دهند. برگها را پیش یا پس از خشک کردن باید تمیز کرد.

گلها و گلهای انتهایی:

خیلی ظریف هستند. برای حفظ رنگ آنها، باید آنها را در سایه و حتی المقدور در جای نیمه تاریک خشک کرد. اگر نور خیلی شدید باشد، می توان روی آنها را با ورقه‌های کاغذ پوشاند.

میوه‌ها:

در آفتاب یا با حرارت ملایم خشک می‌کنند.

دانه‌ها:

در داخل سید و در هوای آزاد خشک می‌کنند، روی سبد را باید با کاغذ پوشاند و دانه‌ها را زود تکان داد.

نگهداری:

گیاهان دارویی خشک شده را بهتر است دور از نور، رطوبت و حشرات نگهداری کرد. در شیشه‌های در بسته می‌شود نگهداری کرد. به رغم تمام احتیاط‌ها، بعضی از گیاهان مدت کمی دوام می‌آورند و مواد مؤثر و عطر خود را در نتیجه برخی از تخمیرات از دست می‌دهند.^۱

برداشت محصول:

برداشت گیاه حتی الامکان باید در هوای خشک و گرم انجام گیرد. بهترین وقت روز برای برداشت گیاه، صبح، پس از پایان شب‌نم و غروب پیش از فرا رسیدن خنکی شب است.

زمان چیدن گیاه:

برای برداشت هر گیاه، زمان خاص خود را دارد.

برداشت اجزای گیاه

گیاه کامل:

باید در زمان گل دادن چیده شود.

برگها:

وقتی که کاملاً رشد کرده‌اند و قبل از شکوفه کردن گیاه چیده می‌شوند.

گلها:

قبل از شکوفایی کامل و نیز قبل از باروری چیده می شوند.

گل‌های انتهایی:

در آغاز گل دادن و قبل از شکل‌گیری میوه، چیده می‌شود.

جوانه‌ها:

در پایان زمستان و آغاز بهار و پیش از شیره بستن باید چیده شوند.

تخم میوه‌های گوشت‌دار:

میوه‌ها باید در زمان چیدن، سبز باشند.

ساقه‌ها:

باید بخوبی رشد کرده باشند، ولی هنوز گل نداشته باشند.

ریشه‌ها، ریزوم‌ها و تکمه‌ها:

باید در بهار، قبل از اینکه مواد ذخیره خود را مصرف کرده باشند، برداشت کرد.

پیازها و ریشه‌های پیازی:

باید در پاییز، یعنی وقتی که سرشار از مواد غذایی هستند، جمع‌آوری شود.

چوب:

می‌توان در سراسر زمستان، از گیاهان جوان، حد اقل سه ساله، برداشت نمود.^۱

حرف

ط

طالبی

طالبی از انواع خربزه است که زودرس می‌باشد و آن درست در ردیف پیاز و سیر و زنجبیل، خاصیت ضد انعقاد خون دارد. محققان مقداری از پلاکتهای خون خود را گرفته با کمی گوشت آبدار و شیرین طالبی که با ماشین مخلوط‌کن کاملاً له شده بود، مخلوط نموده و مشاهده کردند که در طالبی عاملی وجود دارد که شدیداً مانع روی هم انباشته شدن غیر طبیعی پلاکتها می‌شود و در نتیجه از انعقاد و لخته شدن خون که عامل حمله‌های قلبی است، جلوگیری می‌نماید.

ترکیبات شیمیایی:

در طالبی ماده شیمیایی ضد انعقاد خون وجود دارد که محققان با نام آدنوزین تشخیص داده‌اند و آدنوزین همان ترکیب شیمیایی طبیعی است که در پیاز و سیر وجود دارد و به آنها خاصیت ضد انعقاد خون می‌دهند. بنابراین طالبی یکی دیگر از خوراکی‌هایی است که برای رقیق کردن خون و کاهش خطر حمله‌های قلبی می‌تواند کمک کند.^۱

طالیسفر، نبق هندی

روایت از جابر بن حیان:

طالیسفر: به فتح طای مهمله و الف و کسر لام و سکون یای تحتانی و سین مهمله و فتح فا و سکون رای مهمله به یونانی دار کیسه و ماقوه نیز گویند در ماهیت آن اختلاف است. و بعضی ها می گویند آن پوست درخت هندی است و در آن قبض و حذت و عطریت اندک و جوهر ارضی اکثر و لطیف قلیل است و ابن ماسویه گفته که: عروقی است باریک، بیرون آن خاکی و اندرون آن زرد و بوی آن شبیه بوی زعفران و با عفوصت و تیزی. گیلانی گوید: که آن قشوری است که از بلاد هند آورند، غلیظ اندک و خوشبو کم و رنگ آن مایل به شقرت اگر تازه باشد و چون کهنه گردد سیاه شود و دارای قوای مختلف است و در آن جوهر ارضی غالب تر و گویند که آن پوست زیتون هندی است و ابن وحشیه گفته که آن نبات هندی است. و نیز به زمین فارس و بجزستان می روید. و هندی افضل است و آن نباتی است به قدر ذراع در ساق آن قدرت گره و شاخهای آن باریک مایل به سفیدی و برگ آن مثل آس و باریک و پوست آن باریک، خارج آن خاکی و داخل آن زرد و در آنجا آن را ترفشیشا نامند. شربت آن نافع القوه و فالج و نفث الدم، و حایس سیلان خون از مقعد رحم و حایس جمیع سیلانت است.^۱

در ماهیت آن اختلاف کرده اند، بعضی آن را برگ زیتون هندی می دانند و جمعی بیخ درخت توت و پوست درخت لسان العصافیر و بسیاسه دانسته اند ولی نگارنده فرقی در میان آن و تیواج ختایی در افعال و غیره نمی یابم.^۲

در ماهیت آن اختلاف بسیار است، بعضی گویند: آن پوست درختی است که از بلاد هند آورند، اندکی از دارچین ضخیم تر و گفته اند: عروقی است باریک و شاید زرنب باشد که به هندی طالس نیز نامند.^۳

۱- محیط اعظم، ج ۳، ص ۱۰۲.

۲- تعنا سکیم، ص ۱۷۵.

۳- سخن فرنگ ناری، دکتر معین، ج ۲، ص ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۸، ابن سینا، ج ۳، ص ۹۶، فرنگ دارها، ص ۱۵۲.

طالیسفر (بنیق هندی): پوسته‌ای است ره‌آورد هندوستان. قبض و تند و کمی خوشبو. کمی لطافت دارد و گوهر خاکی در آن زیاد است. مزاج: به عقیده جالینوس سردی و گرمی آن چندان نمایان نیست که به حساب آید. بعضی گویند: گرم و خشک است و گوهر خاکی در آن بسیار است. اندامان دفعی: در فساد معده و مرضی که خوب نمی‌شود و قرچه‌های روده و خونریزی بی‌زی و علاج بواسیر نافع است.^۱ برای تحقیق بیشتر به موضوع، زرنب مراجعه شود.

طباشیر

روایت از جابر بن حیان:

طباشیر: به فتح ط و بای موحد و الف و کسر شین معجمه و سکون یای تحتانی و رای مهمله، به هندی نیسلوچن و سندها می‌گویند و آن چیزی است سفید، که در ابتدای رطوبتی رقیق در جوف بعضی فی مجتمع شود و بعد از آن منعقد و خشک گردد و بعد از شکافتن بیرون می‌آید و بهترین آن، سبک، سفید، شفاف مایل به کبودی شبیه به صدف است و آن را طباشیر صدفی نامند. سرد و خشک در سوّم و گویند در دوّم و به قول ابن سینا، سرد در دوّم و خشک در سوّم و در آن قبض و دفع و تحلیل اندک. مقوی قلب حار و بارد و نافع خفقان حار و غشی عارض از انصباب صفرا به سوی معده است.^۲

طباشیر (تباشیر): تباشیر سوخته‌ساقه‌های چوب خیزران است. گویند: در هنگام وزیدن بادهای سخت ساقه‌های خیزران از اثر به هم سائیدن می‌سوزند و تباشیر خاکستر این سوختن است. تباشیر ره‌آورد هندوستان است. مزاج: در دوّم سرد و در سوّم خشک است. حاصیّت: قبض است و دفع‌کننده و کمی گدازندگی دارد. سردی بخشیدنش از هر

۱- قانون در طب ص ۱۶۹

۲- حیط اعظم، ج ۳، ص ۱۸۳؛ زرنب، دکتر معین، ج ۲، ص ۲۲۰؛ ابن سینا، ج ۳، ص ۹۸؛ صیدنا، ج ۲، ص ۹۱۷؛ قرابون کبیر، ص ۲۷۸؛ فرهنگ داروها، ص ۳۵۳.

خاصیت دیگری بیشتر است. گدازندگی نسبت به تلخ مزگی اندکی است که در آن است. به علت گدازندگی و گیرندگی بسیار خشکاننده است. تباشیر مانند گل سوری دارای نیروی مرکب است. از زخمهای دهان و جوش زبان (قلاع) و در بیماریهای ناشی از ترس (توحش) مفید است. در علاج ورم گرم چشم داروی خوبی است. تناول تباشیر و مالش محلون آن در تقویت قلب و علاج تیش گرم (خفقان حار) و غش کردنی که از ریزش زردآب به سوی معده رخ می دهد، مفید است. تشنگی، استفراغ، التهاب معده، و ناتوانی معده را از بین می برد. زردآب را از رسیدن به معده جلوگیری می کند. افسردگی را علاج می کند، بازدارنده خلط صفراوی است و مانع تبهای شدید است.^۱

تباشیر: از جوف لی کهنه بلاد هند به هم می رسد و بهترین آن، سفید مستدیر است که با اندک تندی و گزنده زبان باشد.^۲

طباشیر: ۷۰ درصد سیلیکت و ۳۰ درصد پتاسیم دارد.

طباشیر: خوراک آن دفع و یار زنان حامله ای که تمایل به خوردن خاک و زغال را دارند، می کند. مالیدن پودر آن با سرکه نافع ورمهای ظاهری است. مالیدن پودر آن با سماق و نمک، نافع سستی دندان و خونریزی از لثه می باشد.

حوهر طباشیر: خوراک آن با شیرین بیان و خون سیاوشان و زاج سفید نافع امراض گلو است. گرد آن برای برفک دهان بچه مفید است.^۳

در زبان فارسی طباشیر گفته می شود.

مشخصات و ترکیبات شیمیایی:

ماده ای است که قسمت عمده آن سیلیسیک اسید است و به علاوه دارای سیلیکات و مقداری نیز آهک و پتاس است. طباشیر از گره های بامبو از طریق سوزاندن بامبو گرفته می شود. در ابتدا ماده ای نشاسته ای شکل به شکل استخوان نرم که چون در آب بیفتد، سخت می شود و پس از خشک شدن سفید و شفاف می گردد.

۳- حکیم اسفندیاری.

۲- نحل حکیم، ص ۱۷۶.

۱- قانون در طب، ص ۱۶۷.

طباشیر مرغوب و درجهٔ یک، سخت، قطعات آن زاویه‌دار، بسیار شفاف و صاف مانند چینی است ولی نور از آن رد نمی‌شود و رنگ آن سفید یا سفید مایل به آبی شیشه‌ای است. به آسانی نمی‌شکند و کسی معطر است، طباشیر روغن را جذب می‌کند و پس از آن صاف می‌شود و نور را عبور می‌دهد.

خواص - کاربرد:

طباشیر را محرک و افزایش‌دهندهٔ نیروی جنسی اشخاص گرم مزاج می‌دانند. طباشیر هندی یکی از چند ماده‌ای است که سابقاً در ایران زنان باردار، در مواقع وبار می‌خوردند، ولی در حال حاضر در ایران در این قبیل موارد از ترکیبات شیمیایی جدید برای رفع ناراحتی وبار استفاده می‌شود.^۱

طباشیر کلمهٔ عربی است. آن را در فارسی بنسلوچن و در طب یونانی وارد و طباشیر می‌گویند و در انگلیسی آن را Bamboo Manna می‌گویند. در جوف نی، رطوبتی جمع شده و خشک می‌شود که هفتاد درصد سیلیکات و سی درصد پتاس و آهک می‌باشد. اگر رنگ آن مایل به نیلی باشد، آن را طباشیر کبودی می‌گویند. رنگ: سفید و شفاف و نیلگون، ذائقه: بی مزه، مزاج: سرد و خشک به درجهٔ دوّم، مقدار خوراک: از یک گرم تا ۳ گرم. مصلح آن: غسل. خواص: حابس، قابض، مجفف و میرد و مفرّج و مقوی قلب است. برای تبرید در تبهای گرم، سوزش معده و تسکین عطش می‌دهند. برای قبض و تجفیف در جریان منی، بواسیر خونی، قی صفاوی و اسهال و در تبهای موسمی می‌دهند. اگر در دهان آبله و دانه بیرون بیاید، یا هل ساییده بر آنها پاشیدن مفید است خیسانده و جوشاندهٔ آن را استعمال نمی‌کنند. در بعضی از کتابها آن را سرد و خشک ۳ درجه نوشته‌اند. بعضی اطباء آن را برای سوختگی آتش استعمال کردند. مالیدن آن در دندان، آنها را قوی می‌کند، استعمال زیاد آن برای قوهٔ باه و ریه ضرر می‌رساند. مصلح آن: غسل و مصطکی، عناب، الوا و زعفران است. بدل آن: خرّفه و صندل و سماق. بعضی اطباء مقدار خوراک آن را از ۴ تا ۷ گرم نوشته‌اند. و نیز در ورم چشم و غش و خفقان استعمال

کرده‌اند. قرح بخشن است، برای دفع غم و کرب با سکنجبین می‌دهند.^۱
 در نسخه‌های یونانی اسم طبی آن *Bambusa Arumdinacea* نوشته‌اند. در امراض معده، بادشکن، اشتها آور، ملین، مقوی قلب و جگر و دماغ و حافظه و برای مریضه‌های ضعیف با دواهای مناسب مخلوط شده، استعمال شده است و در بعضی امراض احشاء و امراض مالیخولیا و امراض دماغی، سرعت انزال، علاج آبله، زخم جلدی و زخم دهان، اسهال و نسخه‌های مقوی قلب، دماغ، جگر، باه و امراض جریان حیض زنان و در بعضی دواهای مسکن و مغرّح با دواهای مناسبه مخلوط کرده، استعمال می‌شود.^۲

طرثوث

روایت از جابر بن حیان:

صمغ طرثوث اشق است.

طرائیث، طرثوث: ۱- گیاه جالیز ۲- گونه‌ای قارچ که از رابه عربی مصرور نیز گویند.^۳
 مصرور: گیاهی است از تیره بالانوفوراسه و از رده دولپه‌ایهای جدا گلبرگ، که انگل ریشه سایر گیاهان می‌شود. این گیاه در نواحی دریای روم و جزیره مالت و شمال افریقا می‌روید و چون شکل ظاهراش شبیه قارچ است آن را قارچ جزیره مالت هم می‌گویند. از گرد این گیاه جهت بند آوردن خون استفاده می‌کنند. مسرور، طرثوث، قارچ مالت، قارچ مالت، ایر الذئب، زب الارض، زب الرباح، مالتة متطاری.^۴

طرثوث همان طرائیث است و در مورد طرثوث گفته‌اند که اسمی است مشترک میان اشترغاز و درخت اشق.^۵

طرائیث به معنی زب الارض و زب الرباح است و زب به معنی ذکر است و به شیرازی بل شیرین گویند. طول آن کمتر و بیشتر از انگشت و در زمین فرورفته و سرخ و

۱- الصفراء، ص ۱۷۵ مخزن الصفراء، ص ۱۲۶۶ ستان الصفراء، ص ۷۵.

۲- صفراء، ص ۸۷-۹۲-۹۶-۱۶۱-۲۹۲.

۳- فرهنگ فارسی- دکتر معین، ج ۴، ص ۲۲۱۶، ج ۳، ص ۴۱۷۲.

۴- معان، ج ۲، ص ۲۲۱۶، ج ۳، ص ۴۱۷۲.

۵- محیط اعظم، ج ۳، ص ۱۸۷.

سفید می‌باشد و گیاه آن مانند برگ پیچیده و منبت آن بیشتر نخودزارها و زیر درختان و سرخ آن شیرین طعم و قابض و طعم و مأكول سفید آن تلخ و غیر مأكول؛ سرد و خشک در سوّم، قوّت آن مثل گلنار، بسیار قابض و حایس اسهال و سیلان خون و عرق و مقوی جگر و معده و پاک‌کننده معده و رافع استرخای آن است. چون یک مثقال آن با شیر تازه بز یا با دوغ گاو بیاشامند جهت تقویت معده و جگر و حبس شکم و قطع نرف اندم نافع است. مضرّ ریه است و مصلحتش شکر و اسپغول است.^۱

طرائیث (گل جالیز): گویند که طرائیث را از صحرای عرب می‌آورند. گیرنده است، جنبش خون را در همه اندامها راکد می‌کند. مفاصل سست را تاب و توان بخشد، در علاج سستی معده و کبد مفید است، اگر طرائیث را با شیر جوشیده بز مخلوط کنند و بخورند، در علاج به هم خوردن عادت زنانه و اعراض (اعراض) جمع عرس است. عرس به معنی زفاف، شادی و بزم آمده است. در اصطلاح طبّی: جوشهای ریزی که در سر بر می‌آورند) مفید است.

جانشین: نیم وزنش پوست تخم مرغ سوخته و شسته و یک وزنش مازو، با یک درهم وزنش صمغ عربی.^۲

نوعی قارچ است که در نواحی مدیترانه می‌روید و معروف است به قارچ مالت Le Champignon de Malte. این قارچ در صحاری مصر نیز یافت می‌شود. چون به هیأت آلت رجولیت است آن را زب الارض «قضیب زمین» یا زب رباح «قضیب بوزینه» خوانده‌اند.^۳

گویند: طرائیث عصاره نباتی است که او را نعیة التیس گویند. و بونس گویند: طرائیث عصاره درختی است که او را به رومی قیسارون گویند. و ابوریحان گویند: طرائیث چیزی است که از درخت سمر بیالاید. ارجانی گویند: بدل طرائیث سدس او مازو است و عشر او صمغ. طبع طرائیث سرد است در دو درجه و خشک است در سه درجه.^۴

۱- سیف اعظم، ج ۳، ص ۱۱۸۶؛ تعنه حکیم، ص ۱۷۷.

۲- توتون در طب، ص ۱۶۸.

۳- فوئنگ دارو، ص ۲۵۴. ۴- ترجمه صیدیه، ج ۱، ص ۲۵۷، ج ۲، ص ۹۱۸.

طرخشقوق

مشخصات:

به فارسی با نامهای گل قاصد، خبرآور، کاسنی بڑی شناخته می شود و در کتب طب سنتی با نامهای «طرخشقوق»، «هندبای بڑی»، «سن الأسد» و بقلة اليهودیه آمده است. گیاهی است بی بو، چند ساله، خیلی کوچک و کوتاه تر از ۴۰ سانتی متر که شیرابه یا ماده سفیدی ترشح می نماید. برگهای آن دراز با بریدگی های عمیق نوک تیز. برگها گروهی به شکل یک دسته برگ از یقه ریشه گیاه خارج می شوند. طبق گلهای آن زرد طلایی که به طور منفرد، در انتهای شاخه گل دهنده که توخالی است، ظاهر می شود. میوه آن فندقه که میوه ای خشک و مغز آن مجزا و نجسیده است. مانند آفتاب گردان و در انتهای هر میوه معمولاً یک کاکل سفید رنگ قرار دارد.

ترکیبات شیمیایی:

در گونه ای از آن ماده تارکساسین، تارکساسرین، فیتوسترول، تاراکساسترول و هوموتاراکساسترول در گیاه تأیید شده است و طبق نظری دیگر، دارای تاراکساسترول، تاراکساسرین، لوولین و تعدادی اسیدهای آلی و ساپونین وجود دارد.

خواص - کاربرد:

گیاه تلخ و معرق و مقوی معده و تونیک و خنک کننده است. برای ازدیاد ترشح شیر و صرفاً مفید است. در موارد زخم و جوش و کورک، جراحی و آیه و گزش مار و دندان کرم خورده تجویز می شود. برای تصفیه خون بسیار مؤثر است و در موارد خنازیر و خارش و جراحیهای داخلی اثر مفید دارد.^۱

طرخون

مشخصات:

گیاهی است پایا. ساقه آن زیاد بلند نمی شود و ارتفاع آن در حدود ۶۰ سانتی متر است. برگهای آن سبز تیره، دراز، باریک و نوک تیز و متناوب و بدون دمبرگ می باشند. برگهای پایین ساقه کمی بزرگتر و تقریباً دندانه‌ها آن را به سه قسمت تقسیم می کنند و نوک تیز است. گلنهای آن سبز مایل به زرد، به صورت خوشه که از کنار برگها و وصل به ساقه ظاهر می شود.

به فارسی ترخون و به عربی طرخون و الحوذان گفته می شود. گیاهی است پایا، به ارتفاع ۳۰/۰ تا یک متر و دارای برگهایی ساده به رنگ سبز است. تکثیر این گیاه از طریق پیدایش جوانه‌ها در ریزوم گیاه، صورت می گیرد. قسمت مورد استفاده ترخون، برگ و سر شاخه‌های جوان و برگدار گیاه است.

ترکیبات شیمیایی:

گیاه تازه دارای ۰/۱ تا ۰/۴ درصد اسانس مرکب از ۶۰ تا ۷۰ درصد استراگول Estragol، ۱۵ تا ۲۰ درصد از ترپین‌ها و غیره است. به علاوه مقدار کمی تانن نیز در گیاه وجود دارد.

دارای یک ماده تلخ و اسانس روغنی فراز است. اسانس روغنی آن شامل: متیل چاویکون و مقداری «پی متوکسی سینامیک آلدهید» است.

خواص درمانی:

اشتها آور، مقوی معده، مدر، ضد اسکوربوت و به طور خفیف ضد کرم و قاعده آور است. در طب عوام از آن برای رفع درد مفاصل استفاده به عمل می آورند. ترخون معمولاً به صورت خام در سالاد مصرف می شود. به علاوه برای معطر ساختن اغذیه،

سس‌ها (Saucs)، خردک و سرکه به کار می‌رود. پرورش ترخون در ایران معمول نیست، تحقیقاتی که ضمن بررسی گیاهان سرطان‌زا به عمل آمد و سمپوزیوم آن در سالهای اخیر در دانشکده بهداشت دانشگاه تهران برگزار شد، ترخون در ردیف گیاهان مذکور سرطان اعلام گردید.^۱

طرخون مدر و مقوی دماغ است. طرخون برای تحریک میل جنسی بسیار مؤثر است و در یونان باستان چنین انگاشته شده که طرخون در اطفال موجب می‌گردد که قبل از موقع بالغ شوند.^۲

طرخون (ترخون): مشهور است که گویند: عاقرقرحا بیخ ترخون کوهی است. مزاج: هر چند دارای نیروی مخدر است ولی چنان می‌نماید که تا دوّم گرم و خشک است. خاصیت: رطوبتها را برچیند و خشک می‌کند و نوعی سردی دارد که سودمند است. سر: خاییدن ترخون و در دهان نگهداشتن، در زخم و جوش درون دهان نافع است. اندامهای تنفسی: سبب درد گلو می‌شود. اندامان غذا: دیر هضم است. اندامان دفعی: اشتهای جماع را نابود سازد.^۳

چون مدّتی بعد از خاییدن در دهان نگهدارند و آب آن، جهت اصلاح هوای وبائی و طاعون مفید الا‌محدث درد حلق و تشنگی است، بادیان مقوی فعل آن است و آن به معده ردی و دیر هضم و مضرّ باه، مصلح آن کرفس و گویند: چون با نعنای بخورند انحذار آن سریعتر گردد، بدل آن در تخدیر دهان، برگ عتاب و سرکه است.^۴

طرخون: بیخ بری آن عاقرقرحا است، در سیّم گرم و خشک و مجفف و مقوی معده و مخدر و مغیر ذائقه و منبهي و محلّل ریاح و اخلاط لزجه و مفتوح سدد و مصلح هوای وبائی و طاعون و محرق خون و قاطع باه و مصلح آن کرفس است.^۵

طرخون معرب، طرخان فارسی است به معنی بقله خون و حوران و حومران و به

۱- گیاهان دارویی، دکتر زرگری، ج ۲، ص ۱۵۲-۱۵۱.

۲- خواص خوراکیها و میوه‌ها، ص ۶۷

۳- قانون در طب، ج ۲، ص ۱۶۷.

۴- نعمة حکیم، ص ۱۷۷.

۵- محیط انظم، ج ۳، ص ۱۸۸.

سریانی طرخون و به رومی اورسیطون و به یونانی میورسینه گویند. نباتی است معروف در بلاد ایران و در شیراز زیاد وجود دارد و مانند سبزیهای دیگر مثل پونه و جرجیربانان و پنیر و غیره می‌خورند و آن بستانی و صحرائی و کوهی می‌باشد و بیخ کوهی آن، عاقرقحا است در طعم آن حدت و قبض و عفروست و اندک شیرینی است، خاییدن آن ناشتا تنها فی الجملة خدر در زبان به هم می‌رساند. اهل فلاحت گویند: چون تخم اسفندان در سرکه کهنه بخیسانند تا مزاج گیرد، پس بکارند، طرخون می‌گردد و نیز اگر در میان ترب گذاشته بکارند، طرخون می‌رود. بهترین آن، بستانی و تر و تازه آن است، گرم و خشک در سوّم خصوصاً صحرائی آن و بستانی آن را گرم و خشک در اوّل و بعضی آن را سرد و خشک در اوّل گفته‌اند. آن مخدر، مجفف و محلل ریح و اخلاط لزجه و مفتح سدد و مقوی معده و مشهی و ناستف رطوبات است، خاییدن آن، خوشبوکننده دهان و مبدل ذائقه و مخدر دهان و زبان و نافع قلاع است.

ترخون: گیاهی است از تیره مرکبان، که پایاست و ارتفاع بونه‌اش تا یک متر می‌رسد. برگهایش دراز و باریک و خوشبو و حاوی مواد ذخیره‌ای است و مزه تند و مطبوعی دارد. گل‌هایش زرد رنگ و به شکل سنبله‌های کوچکی حول ساقه اصلی قرار گرفته‌اند. اورسیطون، ارنیز.^۱

در کتب طب سنتی ترخون، طرخون، الحوذان گفته شده است.

طرخون از نظر طبیعت گرم و خشک است و نوع وحشی آن خیلی گرمتر و خشکتر از نوع مزروع و کاشته شده آن است و دارای قوه تخدیر است. برگها و سرشاخه‌های آن معطر، اشتها آور و مقوی معده و محرک و کمی ضد انگل است. تنخ و کمی مخدر است و برای مدتی حس چشایی را کاهش می‌دهد. ضد اسکوربوت است و برای جلوگیری از خونریزی لثه و التیام زخم‌های دهان نافع است. بادها و گازها و اخلاط لزج را تحلیل می‌برد و انسداد مجاری را باز می‌کند، خشک کننده رطوبت‌ها می‌باشد.^۲

طرفاء

روایت از جابر بن حیان

طرفاء: به فتح طا و سکون را و فتح فا و الف، اسم عربی است. به یونانی اریفایوشا و اقلاروطس و به قول بعضی مورسقی و به رومی موریتقا و به سریانی عرا و به فارسی گز و به هندی جهاو گویند. و آن چهار قسم می باشد. اول: درختی است بزرگ و برگ آن مانند سرو و این را به عربی اثل می نامند. دوّم: درخت آن نیز بزرگ، شبیه به اثل. و این قسم صحرائی است و بی میوه. سوّم: کوچک، برگهای آن کم و گل آن سفید مایل به سرخی و زنبور عسل آن را دوست می دارد و میوه آن با عقوصت و عطریّت و خوشبو و چهارم میوه آن بی گل به هم می رسد و به قدر دانه شاهداغ و سرخ مایل به سبزی. و رنگریزان جامه را با آن رنگ می نمایند و میوه این نوع در بلاد عراق و فارس نمی باشد و گفته اند: دو نوع می باشد بزرگ و کوچک، بزرگ آن را اثل می نامند و بستانی است و میوه آن مدور و غربه می نامند و به هندی چهوتی مائین و آن در اثل مسطور شد و کوچک آن صحرائی و آن مخصوص به اسم طرفا است و شکوفه آن سفید مایل به سرخی و میوه آن مثلثی شکل و به عربی جوز الطرفا و میوه الطرفا و کزمازج و خرمازج و به فارسی کزماز و به هندی بری مائین گویند.

درخت آن مانند اثل و کوچکتر از آن. و بهترین طرفا آن است که در کنار آبهای شیرین می روید، سرد و خشک در اوّل می گویند. خشک در دوّم و این سینا آن را سرد و خشک در دوّم گفته و در آن جلاء و تحلیل و قبض و تقطیع و تجفیف است و گویند قابض به اندک قوّت تجفیف و رادع و محلّل، با سرکه جهت برقان حادث، نافع صلابت طحال است، جهت سیلان خون مقعد و رحم و بواسیر نافع است.^۱

طرفاء به فارسی درخت گز را گویند، بزرگ آن اثل است و میوه اش عذبه و مذکور شد و بری او بی میوه و کوچک آن مخصوص به این اسم و شکوفه اش سفید و مایل به

۱- محیط اعظم، ج ۳، ص ۱۱۸۸ فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۱۲۲۲۲ تریادین، ص ۶۲۸۰ صید، ج ۲، ص ۹۱۹. فرهنگ داروهای ص ۲۵۵.

سرخی و ثمرش مثلث و کرم‌مارج می‌نامند.

در اول سرد و در دوم خشک و قابض و مجفف و رادع و محلل و طبیخ بیخ آن را با سرکه جهت جذام مجرب یافته‌اند و به دستور جهت سپرز و یرقان و رفع سدد و ورم صلب جگر مجرب است و باید هر روز سی و پنج مثقال بنوشند و بخور شاخ و برگ آن جهت زکام و خشک کردن آبله و زخما و اخراج زائواز حلق مؤثر و خاکستر آن جهت استرخاء و خروج مقعد و قروح رطبه و سوختگی آتش و سه دفعه بخور برگ آن جهت ساقط کردن دانه بواسیر و نالیل مجرب است و در سایر خواص مثل اثل و میوه‌اش در جمیع صفات مانند عذبه و تکرار موجب اطباب است.^۱

طرفا: گز است، برگ گز بر آماس گرم ضماد کنند.^۲

طرفاه (گز): دیسقوریدوس گوید: دو نوع گز هست. نوع اول: در نزدیکی آبهای زاکد می‌روید که میوه‌اش به گل آن می‌ماند و ماهیتش مانای چوبک اشنان است. نوع دوم: بیشتر در مصر و شام یافت می‌شود، کاشتنی (بستانی) است و بجز میوه‌اش به گز بیابانی شبیه است.

میوه گز بستانی به مازو می‌ماند. زبان‌گیر و برای درد دندان به کار می‌آید و در داروهای چشم و دهان بجای مازوج به کار می‌برند. تناولش خون برآوردن را بازدارد و اسهال آور است. خاصیت: قبض و زداینده و پاک کننده است. بسیار خشکاننده نیست، آب گز زداینده و خشکاننده است. زداینده آن بیشتر از خشکاندن است.

در درخت گز لطافتی هست که نه در مازوی سبز و نه در سایر داروهایی که به جای مازوج استعمال می‌گردد، پیدا می‌شود. پاشیدن آب پز آن شپش را از بین می‌برد. ضماد برگ گز، داروی دمنهای نرم است. دود گز، فرجه‌های تر و آبله را می‌خشکاند. درد دندان را تسکین می‌دهد و مانع کرم‌خوردگی دندان می‌شود. خوردن آب پز برگ و شاخه گز علاج بیماریهای سپرز است. علاج اسهال مزمن است، رطوبتهای ناجور زهدان را از بین

می برد، در صورتی که در آب پزیش بنشیند. میوه درخت، پادزهر نیش رتیل است.^۱
 طرفاء را در فارسی گز، در اردو و هندی جهاو و در انگلیسی Tamarix Tree نامند.
 درختی است با شاخ و برگ زیاد و بی ترتیب می ماند، چوبش گره دارد و خیلی قوی
 است. برگهای آن مانند برگ سرو و این درخت از درخت قراش کوچکتر است (قراش
 یعنی شورگزی یا اثل) این درخت از تیره درخت مازو می باشد و میوه آن را مائین کلان
 می گویند.

چوب آن مایل به سرخ و هموار می باشد و بر آن لکه های سفید می باشد. در پاکستان
 از شاخه های آن زنبیل درست می کنند. گل های سفید و گل آبی بر آن می روید و یک قسم
 آن گل سرخ در می آورد که آن را در هندی لال جهاو می گویند. رنگ سبز مایل به سرخ،
 ذائقه: تلخ، مزاج: سرد درجه اول، خشک درجه دوم، مقدار خوراک: از ۵ گرم تا ۷ گرم.
 در هند و پاکستان کنار دریاها روئیده می شود، در ایران و افغانستان به کثرت
 می باشد، قابض و مجفف و محلل و مسکن درد است. ماده را می پزد، اورام را حل
 می کند، بر زخم های آبله و مسه های بواسیری بسوزانند و دود آن را نزدیک ببرند.
 جوشانده برگ و بیخ آن را درست کرده، مریضی که مقعد آن بیرون آمد در آن آب
 می نشاندند، کاسه ها از چوب درخت آن درست می کنند و به مریض در آن کاسه آب
 می دهند. خصوصاً مریض های طحالی، میوه آن را ثمره الطرفا یا جوز الطرفا می گویند.
 خوردن جوشانده آن با روغن زیت برای مرض جذام مفید است.

نفع خاص آن برای ورم طحال، برای معده مضر است. مصلح آن شهد و چیزهای
 روغنی، بدل آن گلنار و به گفته بعضی ها برای سر ضرر دارد.^۲

اسم طبیبی چوب آن را Tamarix Dioica می گویند و در نسخه های سفلیس و سوزاک
 و خارش و داء الثعلب یا داروهای دیگر استعمال شده است و میوه آن را تامپرکس گالیکا -

۱- قانون در طب، ص ۱۶۷ و ۱۶۸

۲- مجروح المفردات، ص ۱۲۴ المفردات، ص ۲۰۴: بستان المفردات، ص ۱۱۲.

تامپرس اولین تالیس می گویند.^۱

مائین به دو شکل می باشد: خرد و بزرگ، خرد میوه درخت عسل را گویند و آن به قدر دانه نخود می باشد و آن را در هندی چھوتی مائین گویند و مائین بزرگ، میوه درخت طرفاء را می گویند و نام هر دو در نسخه های یونانی معروف به گز مازج یا گز مازو مشترک معروف است. مزاج: سرد و خشک به درجه اول، قابض و رادع - حابس خون - مجفف - جلاکننده و مفتوح - مقطع - مقوی معده و جگر و طحال هستند به سبب قابض بودن در شل شدن لثه و درد دندان مزمزه می کنند و نیز در اسهال صغراوی و اسهال کهنه خوراکی می دهند. گلودرد و ورم آن را به طور غرغره مفید است. بر اثر حابس بودن خون، خونریزی دماغ - کثرت حیض و نفاس را فایده می دهد و نیز بر سیلان خون جراحات زخم استعمال می کنند و در سرعت و رقت منی فایده می دهد و به سبب جالی کنندگی و مفتوح و مقطع بودن در اورام طحال فایده می بخشد. نفع خاص، قاطع نفث الدم و قابض سخت است و برای معده مضر می باشد. مصلح آن عسل خالص، مائین کوچک بدل بزرگ و بزرگ بدل کوچک، مقدار خوراک نیز ۳ گرم تا ۵ گرم.^۲

در نسخه های طبّی مائین خرد را (تاماریکس التی کولانا) می گویند و مائین بزرگ را (تاماریکس گالیکا) می گویند و در تمام امراض نوشته شده استعمال شده است.^۳

اثل، گز، طرفاء: گرد برگ و یا چوب آن مساوی با آرد جو نافع سنده سلام (چرکی در گوشه چشم جمع می شود) می باشد. زغال آن همراه با آب نافع حکه (خارش بدن) است و با آب چغندر بر طرف کننده خواب پا است و بخور چوب آن با ماست نافع درد شقیقه (میگرن) است.^۴

به فارسی درخت گزانگبین و کردهای آذربایجان غربی «گز گزو» گویند. در کتب طبّ سنتی با اصطلاح طرفا و طرفه المن و حطب احمر نام برده می شود.

۱- هندی، ص ۲۲، ۳۴، ۱۵۵، ۲۷۱.

۲- سخن المفردات، ص ۳۵۴.

۳- حکیم اسفندیاری

۴- هندی، ص ۲۲، ۳۴، ۱۵۵، ۲۷۱.

مشخصات:

درخت کوچکی است به بلندی ۱۰-۶ متر. قطر آن به ۳۰ سانتی متر می‌رسد. دارای انشعاب‌های زیاد و چوب آن سخت است و برگهای آن خیلی کوچک و صاف و رنگ آنها غباری سفید می‌باشد. شکل آنها لوزی و تخم‌مرغی یا نوک تیز است و گل‌های آن خوشه کوتاه و متراکم است. قسمت چوبی خارجی آن سفید و چوب داخلی یا مغز چوب، سرخ رنگ می‌باشد.

ترکیبات شیمیایی:

در گال‌های پوست این درخت تانیک اسید و در پوست آن گالیک اسید و برگ آن دارای اسکولین می‌باشد.

خواص - کاربرد:

از گال پوست درخت که دارای مقدار زیادی تانن است در استعمال داخلی برای بند آوردن اسهال خونی استفاده می‌شود و از گزائنگین آن به‌عنوان ملین، مسهل و برای نرم کردن سینه و به‌عنوان پاک‌کننده و تمیزکننده استفاده می‌شود. از نظر طبیعت سرد و خشک است، قابض و محلل می‌باشد. ریشه پخته آن با روغن زیتون برای جذام که از سموم ایجاد شده باشد، ورم طحال و گرفتگی‌ها و انسداد مجاری طحال مفید است و با سرکه برای برقان که ناشی از ضعف کیسه صفرا باشد، نافع است.^۱

طره

مشخصات:

گیاهی است یکساله، کوتاه، دارای ساقه‌ای پر گره، خوابیده روی زمین، طول آن حدود ۲۵-۲۰ سانتی متر است. برگهای آن ریز نوک تیز است، گل‌های قرمز رنگ کمی

مایل به سبز و کوچک است.

به فارسی «هزار بندک» و «علف هفت بند مرغان» و در کتب طب سنتی با نام عربی آن «صُرْنه» ذکر شده است.

ترکیبات شیمیایی:

در این گیاه پونیکونیک اسید، اسانس و همچنین گلیکوزیدهای کوئرستین، آرابینوزید و آویکولارین مشخص شده است.

خواص - کاربرد:

به عنوان قابض و بند آورنده خون استفاده می شود. از ریشه خشک آن در استعمال خارجی به عنوان مسکن درد مصرف می شود. تخم آن کمی سمی و مسهل و قی آور است. گیاه به عنوان جانشین ارگوت در ناراحتی های رحمی اثر مفید دارد.^۱

اَطْرِیْفَل

کلمه اَطْرِیْفَل مرکب شده از دو کلمه تری یعنی (سه) و پهل یعنی میوه و این سه میوه به ترتیب: ۱- هلبله ۲- پھرا (بنیلج) ۳- آمله، هستند. به سبب اینکه سه میوه از اجزای مهم در این ادویه هستند، جمع این سه میوه را اَطْرِیْفَل نامیده اند. اقسام مختلف اَطْرِیْفَل در طب یونانی استعمال شده و اَطْرِیْفَل ها تأثیر دارد برای دردهای ناشی از امراض دماغ - چشم - بینی و گوش فایده می بخشد. در مرض اسهال، روده ها و معده را قوت می دهد. در دستور طب استعمال این مرکب را با شهرت زیاد بیان کرده اند که درست نیست و اگر مریضی محتاج استعمال این مرکب برای مدت دراز باشد باید یک وقفه ۳-۴ روز در علاج ۳-۴ هفته داده شود.

حفظ مکان اطریفل:

فوراً بعد از تخمیر، این مرکب را در ظرف شیشه‌ای - چینی - یا گچی محفوظ بگذارند، در ظرف مسی گذاشتن این مرکب ممنوع است. بعد از تخمیر، این مرکب را اقلأ ۵- ۴ هفته نگهداری کنند و بعد آن را استعمال می‌کنند.

انواع اطریفل:

۱- اطریفل اسطوخودس ۲- اطریفل زمانی ۳- اطریفل سنائی ۴- اطریفل شاهتره
 ۵- اطریفل صغیر ۶- اطریفل عددی ۷- اطریفل فولادی ۸- اطریفل کبیر ۹- اطریفل
 افیمون ۱۰- اطریفل دیلان ۱۱- اطریفل گشنیز، در امراض مختلف این اطریفل‌ها
 استعمال شده است.^۱ در ضمن کلمه اطریفل یک مرکب و کلمه طریفل یک گیاه است که
 هر کدام جداگانه ذکر شده است.

طریفل

طریفل اسم یونانی است به معنی ذوئله ادراق و در ماهیت آن اختلاف است نزد اکثر
 آن اسمی است مشترک میان حندقرقا و گیاه خصیه النعلب و به عربی مراد از آن چومانه
 است و به هندی سنهرگوی نامند و آن نباتی است قریب به یک ذرع و شاخهای آن
 باریک و سیاه شبیه به اذخر است. مستعمل برگ و تخم آنست و گرم و خشک در دؤم
 گویند. مفتح، مقوی معده، جگر، مدر بول و حیض و آشامیدن دو مثقال برگ و تخم آن و
 برگ آن تنها سه مثقال با آب سرد جهت ازاله صرع و شوصه و ابتدای استسقاء و درد
 رحم و سختی بول است.^۲

طریفیلون، جالینوس گوید: حکمای یونان او را به نامهای مختلف تعریف کرده‌اند.
 بوی او شبیه بوی نبات فقر الیهود می‌ماند. اگر کسی را مار افعی نیش زد، او را در آب
 بپزند و آب را در موضع جراحات بریزند، مضرت زهر افعی را رفع کند.^۳ شربش دو
 درهم و مضر کلیه و مصلحش کثیرا است.^۴

۲- محیط انظم، ج ۴، ص ۱۹۰.

۱- دکتر فاضل

۴- تحفه حکیم، ص ۱۷۷.

۳- ترجمه صیده، ج ۱، ص ۲۶۱.

طلا

روایت از جابر بن حیان:

طلا به کسر اوّل اسم فارسی است و نیز به فارسی زر گویند و به ترکی الثون و قزل و به عربی ذهب و عقیان و عسجد و به هندی سوتا و کنچن نیز نامند و آن جسد معدنی است که متفوق آن با سیماب جمع کرده می‌گدازند و آن معروف است و گاه در زمین بسپیل سایر معادن یافته می‌شود. صرف با مخالط با کل معدن و آن اشرف و اجود فلزات، ثقیل‌ترین همه اجساد است و بعد آن سیماب و آن از سیماب کبریت معتدل صاف در معدن پیدا می‌شود و آن رئیس معدنیات است و افضل آن معتدل لطیف. و گویند که حار رطب است و نزد بقراط مایل به گرمی و نزد اصبّای هند بارد و گویند مزاج آن معتدل، مایل به گرمی و با رطوبت غریزی و گویند: که گرم است و جانی و لطیف و از مخالطت قوی می‌گردد و بهترین آن این است که آتش بدان نرسد و از مخالطت غش خالی بود و احکام آن در تفریح قلب کمتر از یاقوت است و زیاده‌تر از نقره، و سخاله آن در ادویه سودا داخل می‌شود و افضل داغ و اسرع آن در شفا آن است که به آله طلا باشد و گرفتن آن در دهان، مزبل آکله و بسخر است و سخاله آن در اطلیه داء الثعلب و داء الحیه داخل کرده می‌شود و اکتحال آن مقوی چشم است و نافع اوجاع قلب و خفقان و حبس نفس و اگر تعلیق آن بر طفل نمایند، قرع و صرع نکند، آن نافع است. داور و سواس و جنون و صرع و امرالصبيان و اگر بر طفل آویزند در خواب نرسد و صرع نکند. طلای آن محتل اورام است و کشیدن میل آن در چشم سودمند است و جلای بیاض آن می‌کند.^۱

مردی به امام باقر علیه السلام از سفیدی در چشم خود شکوه نمود امام علیه السلام فرمود: مقداری توتیای هندی و کمی اقلیمیای طلا و کمی ائمد خوب با کمی هلیله زرد و کمی نمک

۱- ضبط منظم، ج ۳، ص ۴۹۲ فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۴۲۲۹ این اصطلاح، ج ۳، ص ۱۰۵، عربی کبیر، ص

اندرانی سفید و شفاف، همه اینها را جداگانه با آب آسمانی بکوب، سپس آن را به چشم خود با سرمه بکش که سفیدی چشم را می برد و گوشت گوشه چشم را صاف و آن را از هر درد و مرض پاک می نماید.^۱

«ان الله يدخل الذين آمنوا وعملوا الصالحات جنات تجري من تحتها الأنهار و يحلون فيها من اساور من ذهب و لؤلؤاً و لباسهم فيها حرير» یعنی خداوند کسانی را که ایمان آورده و عمل صالح انجام می دهند، وارد می کند به باغهایی که از ریزش نهرها جاری می شوند و در آنجا دست بندهایی از طلا و جواهر به آنها داده می شود و لباسهای آنان ابریشم می شود.

توضیح اینکه اکنون در دنیای امروز جهت غنی کردن بدن طلا، نقره و دیگر فلزات از روی پوست، آنها را بسته و بدین وسیله آنها را معالجه می نمایند.

طلانور

مشخصات:

گیاهی است عنقی، یکساله و خیلی سستی، بلندی آن در حدود یک متر و یا کمی کمتر است. ساقه آن استوانه‌ای، برگهای آن ناصاف، پهن و به شکل مثلث نوک تیز است. میوه آن پوشینه است و به شکل تخم مرغ، خارج آن خاردار و داخل آن به ۴ محفظه تقسیم می شود.

به فارسی گوز مائل، تاتوره، تاتوله و بقم، طلانور و در کتب طب سنتی با نامهای تاتوره و لغات عربی آن، جوزالمائل و جوزمائم و جوزمانا آمده است.

ترکیبات شیمیایی:

گیاه تاتوره عنقی، دارای انواع متعدد و آکالوئید است. آکالوئیدهای مهم آن آتروپین، هیوسین و هیوسیامین می باشد.

خواص - کاربرد:

از برگها و دانه‌های تخم تاتوره علفی به عنوان ضد درد و مسکن و ضد عفونی کننده و مخدر استفاده می‌شود. ماده آتروپین، مردمک چشم را باز می‌کند و در ضمن موجب کاهش ترشح بزاق می‌گردد به علاوه عضلات مثانه را مست کرده و در نتیجه دفع ادرار را کنترل می‌کند.^۱

طلای ناخالص (خبث الذهب)

چیزی است که هنگام گداختن طلا مثل کف بالا می‌آید و بهترین آن سبز رفیق می‌باشد. مزاج آن گرم و خشک است و از چرک فلزات دیگر لطیف تر می‌باشد. چرک طلا قائم مقام اقلیمیا است، سوخته و شسته آن را چنانچه در چشم بکشند بینایی را قوی و نافع سفیدی چشم و دمه ناشی از نزله می‌باشد. مالیدن آن با آب، نافع بوی بد زیر بغل و کتج ران می‌باشد.^۲

طلح

مشخصات:

از گیاهان چند ساله علفی بزرگ است که شبیه درختچه است، ولی ساقه‌های آن علفی است. برگهای بزرگ به طول چند متر دارد که قسمت تحتانی آنها لوله شده و داخل یکدیگر پیچیده و تشکیل یک نوع ساقه کلفت را می‌دهد. میوه‌ها به شکل خوسه فشرده متشکل از دهها موز در می‌آید.

ترکیبات شیمیایی:

در موز دو ماده عامل شیمیایی بسیار مقتدر به نام: سروتونین و توراپینفرین وجود دارد. در پوست میوه موز در حدود ۱۴/۷ درصد مواد خشک و ۱/۶ درصد قند انورتی یافت می‌شود.

۲- محیط اعظم، ج ۲، ص ۱۷۰.

۱- سارف نیاسی، ج ۵، ص ۳۲.

خواص - کاربرد:

موز نارس، قابض است علاوه بر دو ماده‌ عامل مهم به نامهای سروتونین و نوراپینفرین که فوقاً ذکر شد ماده دوپامین و کاتچولامین نیز وجود دارد که خواص درمانی موز در معالجه یبوست و زخمهای پتیک یا پیتیک اولسر و سایر موارد مدیون این عامل موجود در آن می‌باشد.^۱

طلع

مشخصات:

گونه‌ای از آکامیا می‌باشد. در جنوب ایران دارای نامهای محلی مختلفی است. در چاه بهار چگرد و در بلوچستان به‌طور کلی تج و در کُتب مختلف طب سنتی با نامهای طلع، سیال و بیله نام برده می‌شود.

درختچه‌ای است که بلندی آن تا حدود ۹ متر می‌رسد و دارای خارهای سفید رنگ به طول ۲-۳ سانتی‌متر می‌باشد. برگهای آن مانند گونه‌های قبلی زرد رنگ است. میوه آن به‌صورت غلافی است که در آن ۸ دانه قرار دارد. از این درخت صمغ نامرغوبی گرفته می‌شود که مصرف صنعتی دارد.^۲

طلع: بهار خرماس است. گرده بهار نر را «گلشن» و آن را تارونه نیز می‌گویند. در شیراز معمول است عرق تارونه از طلع تهیه و در بازار عرضه می‌شود.^۳

طمرا

مشخصات:

در کُتب فارسی «بید انجیر»، «کتو» و «کرچک» و در کُتب طب سنتی با نامهای «خروع» و «طمرا» آمده است.

۱- معارف گیاهی، ج ۲، ۲۱۵.

۲- معارف گیاهی، ج ۶، ص ۴۸.

۳- همان، ج ۲، ص ۱۱۹.

گیاهی کوچک بومی که در مناطق گرمسیر جهان است در اقلیم‌های گرم مانند: هند و
 آفریقا، به صورت یک درختچه که بلندی آن تا حدود ۳ متر وجود دارد ولی در مناطق
 معتدل، چون در سرمای زمستان مقاوم نیست به صورت یک گیاه یکساله و در برخی
 مناطق مناسب دو ساله است. ساقه و برگ آن بر حسب نوع آن دارای رنگهای سبز،
 صورتی، قرمز و بنفش ممکن است باشد. ریشه آن مانند نی مجوف و میوه آن خاردار و
 مدور و تخم آن داخل میوه به اندازه دانه قهوه و پوست تخم منقط و مغز آن سفید و
 دارای مقدار زیادی روغن است.

ترکیبات شیمیایی:

در دانه‌های کرچک، ماده سفید رنگ بی شکل و خیلی سمی وجود دارد که در
 حقیقت، پروتئین سمی یا آلبامین سمی دانه کرچک است. این ماده را به انگلیسی ریسین
 نامند و نوعی توکسالبومین است، به علاوه در آن مقدار زیادی روغن کرچک وجود دارد.

خواص - کاربرد:

به عنوان مسهل مورد استفاده انسان است. برای معالجه بیماریها از جمله: سنگینی
 گوش و کری، سردرد، خنازیر و ناراحتی‌های پوستی استفاده می شود همچنین برای قطع
 خونریزی، استسقاء، یبوست، تحلیل ورم‌ها، آبسه‌ها و به صورت، مالیدن روی جوش و
 کورک مفید است. برگهای گرم کرده کرچک را برای تسکین درد نقرس، روی عضو
 دردناک می گذارند و کاربردهای دیگری متعلق به این گیاه می باشد.^۱

طملان

مشخصات:

به فارسی «دنبلان» و «دمبلان» و به آذربایجانی «طملان» و در کتب طب سنتی با
 نامهای «نبات الرعد» و نوعی «سماروغ» و «شحم الارض» و «نوعی فطر» آمده است. از

نوع قارچهای خوراکی زیر زمینی است. انواعی از این نوع قارچ دمبلان بیشتر در اروپا بخصوص در فرانسه، می‌رویند. انواعی از دمبلان نیز در مناطق مختلف ایران رویش دارد.

دمبلانهای اروپایی: قارچی است کروی شکل، مانند غده که معمولاً در زیر خاک رشد می‌کند. پوسته خارجی آن ناصاف و رگیل‌دار است و از نظر ابعاد بر حسب گونه‌های مختلف متفاوت است و از یک فندق تا حجم یک مشت دست، فرق می‌کند. به رنگهای قرمز تیره، خاکستری، سفید، بنفش و سیاه دیده می‌شود. ولی بهترین و لذیذترین آنها معمولاً دارای پوسته خارجی سیاه هستند. این قارچها نوعاً در عمق حدود سی سانتی متری خاک، به‌طور گروهی و نزدیک ریشه‌های گیاهان و درختها بخصوص درخت بلوط می‌رویند.

دمبلان در ایران: دمبلانهای ایران نیز مانند سایر دمبلانها در زیر خاک می‌رویند. نام محلی آن در کرمانشاه «چمه» و در آذربایجان «طملان» است، در تهران «دمبلان» نامیده می‌شود. رنگ پوست آنها؛ اغلب بر خلاف دمبلانهای اروپایی روشن و خاکستری روشن است و به بزرگی فندق تا یک گردو، و گاهی بزرگتر است. از نظر ترکیبات شیمیایی و خواص و کاربرد دارویی خیلی شبیه قارچهای خوراکی هستند که در فصل آن شرح داده شده است و تکرار نمی‌شود ولی این نوع قارچهای زیر زمینی، بیشتر مصرف خوراکی دارند.^۱

طیهوج

به فارسی تیهو نامند، از کبک کوچکتر و هم‌رنگ آن، و در افعال مانند آن می‌باشد که جهت ناقهین و ضعیف الاحشاء، نافع است.^۲

طیهوج به کسر طای مهمله و یای منئی تحنانه و ها و سکون او و جیم معرب. تیهو حیوانی است پرنده شبیه به کبک، حتی رنگ آن و از آن بسیار کوچکتر و به هندی تیر

نامند و آن دو نوع می‌باشد. یکی بزرگ خاکی که کهاکهر می‌نامند و دیگری کوچکتر خاکی با خانهای سیاه که کوخیک می‌نامند و در جمیع افعال و جهت ناقهین و ضعیف الاحشاء و اسهال را نافع، خصوصاً که برای اسهال با سرکه پخته باشند.^۱

تیهور: پرنده‌ای از دسته ککها که کمی از کبک معمولی کوچکتر است، ولی گوشتش به مراتب خوشمزه و مطبوع‌تر از کبک است. رنگ پرهايش خاکستری مایل به زرد و زیر بالهایش سیاه است.^۲

تیهور به فتح تاء فوقانی و سکون یای تحناتی و ضم ها و سکون واو آن اسم فارسی است. معرب آن طیهورج است و به فارسی فرفور و شوشک نیز می‌نامند. و به انگلیسی خریس به ضاد معجمه و ذریس به ذال معجمه و به سین مهمله می‌شود و آن مرغی است کوهی، کوچکتر از کبک و در رنگ شبیه به آن و زیر بال آن سیاه و سفید، بهترین آن فریه و جوان است. رازی گفته: مرغی است به قدر کبک، گردن و منقار آن سرخ، گویند: گوشت آن گرم و خشک و طبیعت و افعال و خواص آن مانند کبک است. و ماسویه گفته: که گوشت آن سبک و لطیف‌ترین طائر (پرنده) در لحم (گوشت) و خلط آن جیدتر و در انهضام سریع‌تر و خاصه آن: بیه و عقل را می‌افزاید.^۳

گوشت تیهور:

به تاء دو چشمی که آن را (لحم الدرّاج) یا در هندی: نیر در کتاب المفردات نوشته شده و مطابق طیهورج است. و آن را در انگلیسی Partridge می‌گویند. رنگ گوشت تیهور مایل به سفید است و ذائقه آن نمکی و مزاج گرم و خشک در درجه. خواص: زیاد اشتهاآور است و زود هضم و جوهر دماغ را زیاد می‌کند. حواس و فهم و فراست و حافظه را زیاد می‌کند، برای معده سرد و مرطوب، مقوی یاه، صالح جگر برای هضم غذا می‌باشد. برای اشخاص لاغر، مریض‌های لقوه و فلج مفید است.^۴

۱- قرابادین، ص ۱۱۷۲. ۲- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ص ۱۱۸۳، ابن‌البیطار، ج ۳، ص ۱۰۵.

۳- محیط ادب، ج ۲، ص ۶۵. ۴- اشعورده، ص ۶۲۵.

بستان، گوشت آن را خوش رنگ و منقش نوشته و می گوید که آن چهار قسم است که عبارتند از: ۱- کهیر ۲- کالا ۳- کوریا بهت ۴- تیترا، مصلح آن ترشیات است و بدل آن سلواست. مغلظ منی و مقوی باه است، طحال و خون و شکم آن (تیهو) مجلی بصر و عیار چشم و لکهای جلدی، نافع می باشد.^۱

این پرنده را در عربی: طیہوج و در فارسی: فرفور و شوشک می گویند، پرنده ای کوهی است.^۲

طیم

مشخصات:

گیاهی است که در کتب طب قدیم با نامهای «هوکس»، «طیم»، «عود الخیر»، «راج»، «شرابه» و «شرابة الراعی» آمده است.

درختچه ای است که بلندی آن در نقاط مناسب، تا حدود ۱۵ متر می رسد و دور تنه آن در مقابل سینه، تا ۱/۵ متر است. ساقه راست آن تا چند سال پوست سبز خود را حفظ می کند و لیز و براق است ولی پس از چند سال بتدریج خاکستری می شود. برگهای آن بیضی، دارای دندانه های درشت منتهی به خار است.

ترکیبات شیمیایی:

نوعی از آن دارای گلوکوزید و یک ماده تلخ تأیید شده است. طبق گزارشی دیگر: در برگهای طیم علاوه بر تانن، دو هتروزید یافت می شود. یکی از آنها ساپونین و دومی یک گرد بی شکل می باشد.

خواص - کاربرد:

از برگهای هوکس (طیم) به عنوان مدّر و نرم کننده و از میوه های آن به عنوان مسهل و

قی آور و مدتر استفاده می شود. در برخی نقاط برگهای هوکس (طیم) را به جای چای، دم کرده و به عنوان مسهل می خورند. خوردن میوه آن چندان معمول نیست، زیرا اثر آن شدید است و در مورد کودکان ممکن است منجر به مرگ شود.^۱

طین ارمنی

طین ارمنی را به فارسی گل ارمنی می گویند. و در انگلیسی Bolus Armenia Rubra می نامند که یک گل چرب و نرم و سرخ می باشد که بر زبان می چسبد و خالص همان است که رنگ آن سبز و چرب باشد. رنگ آن: سرخ و تیره جگری، ذائقه: بی مزه و خوشبو، مزاج: سرد یک درجه و خشک ۲ درجه، مقدار خوراک: از ۱ گرم تا ۳ گرم می باشد. محل آن ایران و ارمنستان، مصلح آن: مصطکی، بدل آن: گل مولتانی و طین مفره یا احمر.

مجفف - رادع - محلل - قابض، برای موارد رادع، بر ورم ضماد می کنند، بر زخمها می یاشند، سیلان خون داخلی را سفوف کرده، استعمال می کنند. قلب را تقویت و فرح می دهد. دافع تب است، قرع معده را علاج می کند، برای تب وریبی و طاعون مفید بوده و مضر، برای طحال است. بعضی مصلح آن را صندل سفید و مصطکی رومی گفته اند.^۲

در طب یونانی، به نام Armaniam bole نامیده شده که در امراض استعمال می شود و نیز در مرض مثانه و مجاری بول با ادویات مختلف مخلوط می کنند. در امراض بواسیر و معجونهای مقوی قلب و نسخه های مفرح و مقوی اعصاب و دماغ استعمال می شود، گل ارمنی دارای ماده آلومینیم، منیزیم، سالیکت و اکسید آهن می باشد که همه این مواد دارای فایده قلبی هستند ولی به این صورت در یک جا جمع نشده است. اما دارا بودن آلومینیم و منیزیم و آهن امراض گفته شده را نافع است و هر ماده جداگانه با ترکیبات مختلف در کتابهای شیمیائی و دارویی ذکر شده است.

۱- معارف گیاهی، ج ۱، ص ۲۵۸.

۲- سخن المفردات، ص ۳۲۳؛ المفردات، ص ۴۹.

طین ارمنی، به فتح الف و سکون راء مهمله و فتح ميم و کسر نون و یای مثناة تحتانیه نسبت به سریانی: حمادرمنا یا و به یونانی: بیلاظرتون و به رومی: قلاارمیانامی نامند. ماهیت آن گلی است سرخ تیره، جگری رنگ یا نرمی اندک و چربی و غروریت که به زبان بچسبد، و خوشبو و در طعم شبیه به خاک باشد و از ایران و ارمنیه آورند و گاه بر حجر ارمنی نیز به مجاز اطلاق می نمایند و بهترین آن نرم املس، چرب خالص، صاف از سنگریزه و رمل چسبنده به زبان طلائی رنگ آن است.

طبیعت آن: سرد در اول و خشک در دوّم. افعال و خواص آن: فابض و مغذی و مقوی قلب و حایس نرف الدم و نفث الدم صدد و بطن و رحم و امعاء و معدة و بواسیر و بول و به جهت قروح آنها و قلاح دهان و منع نزلات عظیمه منهدم به سوی سینه و ضیق النفس و سرفه و سل و حمیات و ربو حادث از آنها و جهت حبس اسهال شرباً بسیار نافع، به جهت شدت به تجفیفی که دارد رادع اورام است و به جهت وبا و طاعون چون پیش از حدوث آن چند روز وبا در آن هنگام نیز با سرکه و گلاب اگر تب نباشد و الا با آب و سرکه بخورند و بر ورم آن طلا نمایند امان یابند از آن، و با افاقیا جهت کسر عظام طلا و ذرور آن جهت حبس نرف الدم کل اعضای ظاهری و تخفیف قرح رطبه مفید می باشد. مضرّ طحال و مصلح آن مصطکی و گلاب، مقدار شربت آن از نیم درهم تا دو درهم، بدل آن: طین مفره و طین حجازی است.^۱

چنانکه در ذیل ماده (طین) نگارش شده، هر وی از طین ارمنی یا گل ارمنی در ذیل همین عنوان (طین) بحث کرده است نه در زیر عنوان مستقله، در ترجمه صیدنه چنین آمده است: گل ارمنی گلی است که از زمین آرمینه که به زمین قباد نزدیک است به اطراف می برند و آن را سنگ آرمینی می گویند. به سبب صلابت جرم آن در بیماری وبا، سودمند می باشد و رنگ آن مایل به زردی است.^۲ این گل را از بلاد ایروان می آورند، سرخ تیره جگری و یا نرمی و اندک چربی می باشد در دوّم سرد و در آخر آن خشک و در رفع وبا و طاعون و رادع اورام و قطع سیلان خون اعضاء و اسهال مثل گل مختوم و جهت

تنگی نفس و سیل بغایت مفید است.^۱

عن أبي حمزة ثمالی عن أبي جعفر محمد بن علی الباقر علیه السلام إن رجلاً شكاً إليه الزحیر فقال له خذ من الطین الأرمنی وقلیه بنار لينة و استف منه فانه یسکن عنک.
ثمالی گوید: مردی از مرض زحیر (اسهال، دل‌پیچه) بر امام باقر علیه السلام شکوه کرد آن حضرت فرمود: طین ارمنی را با آتش ملایم بپز و کم‌کم از آن بخور که ساکت می‌شود.^۲

حرف

ظ

ظیان

مشخصات:

به فارسی یاسمن زرد، یا یاس زرد و در کتب طب سنتی ظیان و یاسمن البر نامیده شده است. این گیاه گونه‌ای از یاسمن است.

درختچه‌ای است همیشه سبز و شاخه‌های آن خزنده و نسبتاً سخت. برگهای آن متناوب و غالباً دارای سه برگچه کوچک است. هر برگچه تخم‌مرغی کوچک به طول ۲-۱ سانتی‌متر و به رنگ سبز تیره است. گل‌های آن در انتهای شاخه گل‌دهنده به صورت مجموعه ۵-۲ گلی ظاهر می‌شود و جام قیفی شکل آنها، زرد رنگ است.

خواص - کاربرد:

از نظر خواص خیلی قوی‌تر از یاسمن سفید است. از نظر طبیعت خیلی گرم و خشک است و چون خوردن آن ممکن است ایجاد مسمومیت کند، اصولاً چندان تجویز

نمی شود. پوست را تحریک می کند و در مخاطها اثر بسیار شدید می گذارد و در اسناد طب سنتی آمده است که خوردن ۵ گرم آن ممکن است کشنده باشد. بنابراین مصرف آن تقریباً متروک شده است. در کتب طب سنتی خواص آن را شبیه و خیلی قوی تر از یاسمن سفید می دانند.^۱

حرف

س

عاقرقرحا

گیاهی است کوچک، علفی، پایا و به ارتفاع ۲۰ تا ۲۵ سانتی متر که منشأ اصلی آن در ارتفاعات الجزیره بوده است. ولی امروزه در غالب نقاط گرم و معتدل مانند کشور ترکیه می‌روید.

کاپیتولهای گیاه در فاصله خرداد تا تیر ماه ظاهر می‌شود و شامل دو نوع گل، یکی لوله‌ای به رنگ زرد و دیگری زیانه‌ای و ماده است. بهترین وسیله تشخیص آن از گونه‌های دیگر آن است که گل‌های زیانه‌ای آن در سطح فوقانی سفید ولی در سطح تحتانی به رنگ ارغوانی مایل به بنفش می‌باشد. میوه آن فندقه و عاری از نار است.

قسمت مورد استفاده این گیاه ریشه (ریشه پیرتر) آن است.

بیخ ترخون کوهی را عاقرقرحا گویند و ابوریحان می‌گوید: در کوه‌های بامیان عاقرقرحا بزرگ می‌شود و این نام لغت یونانی است و در بعضی کتب صیدنه آورده‌اند که طعم آن تیز می‌باشد و چون شکسته شود، رنگ آن سرخ می‌باشد. این گیاه شبیه به بابونه بزرگ است که مفتوح و محلل و مقوی باه، سبزد و مسهل بلغم و مدرّ بول و حیض و عرق و

شیر و جهت درد سینه و سرفه و لکنت زبان و لقوه و فالج و رعشه و کزاز و غیره استعمال می شود.^۱

عاقرقرحا گیاهی است علفی که در شمال آفریقا، مخصوصاً در الجزایر فراوان است. قسمت مستعمل گیاه، ریشه آن است که اثر نیروبخش دارد. جویدن مقادیر کم آن بزاق را افزایش می دهد. تنطور الكل آن مسکن دردهای دندانی است.^۲

خالد قماط گوید: علی بن موسی الرضا علیه السلام این داروها را برای بلغم بر من املاء فرمود: هلیله زرد یک مثقال خردل دو مثقال و عاقرقرحا که در عصر عودالقرح گویند همه آنها را نرم کوبیده ناشتا با مسواک به دندانها می کشند که بلغم را می برند و بوی بد را پاک می گردانند و دندانها را محکم می نمایند.^۳

گیاهی است علفی، چند ساله، خیلی کوتاه، بلندی آن از یک و جب هم کمتر و شبیه بابونه است. برگهای آن دارای بریدگیهای عمیق و باریک و پوشیده از کُرک است. ریشه یا بیخ آن که در طب سنتی آمده است، دراز به طول ۲۵-۲۰ نوع آفریقایی شمالی آن که در الجزیره می روید از نوع هندی آن مرغوب تر است.

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی در آن اسانس روغنی فرّار و پلی تورین یا پیرترین وجود دارد.

خواص - کاربرد:

در هند به عنوان مولّد بزاق، محرّک قلب، مسکّن درد دندان، تسکین دهنده درد رماتیسم مصرف دارد. مسهل بلغم، مدرّ، قاعده آور است و ترشح شیر و عرق را افزایش می دهد.^۴

۱- تعنة حکیم، ص ۱۸۰، فرعیگ داروهد.

۲- ذیل طب النبی، ص ۱۹۱، الایب، ص ۲۱۹، قرابادین، ص ۲۸۶، برهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۱۲۲۶۴، ابن الیطار، ج

۳، ص ۱۱۵، صیدنه، ج ۲، ص ۹۲۴.

۳- الطب، ص ۱۹.

۴- معارف گیاهی، ج ۵، ص ۱۲۸.

عباسی

در کتب طب سنتی با نامهای کمشرا نام برده می‌شود. در مناطق ایران نامهای محلی متنوعی دارند از جمله شاه میوه، عباسی، شاه امرود.

مشخصات:

درختی است که در مناطق سردسیر کوهستانی لطیف و شاداب می‌شود ولی در مناطق مختلف ایران از مرطوب و نیمه مرطوب تا کمی خشک و نیمه خشک کاشته می‌شود. ریشه درخت گلابی عمودی است و به‌طور مخروطی و ضخیم در زمین فرو می‌رود. تکثیر درخت عملاً از طریق پیوند انجام می‌گیرد. پیوند گلابی ممکن است روی پایه مادری که از بذر آن به دست می‌آید، انجام گیرد.

ترکیبات شیمیایی:

در برگهای تازه آن ۲/۹-۰/۸ درصد تانن مشخص شده است. در برگهای خشک آن ۱/۳-۰/۳ درصد اورسولیک اسید یافت می‌شود. در پوست ریشه و ساقه درخت وجود گلوکوزیدی به نام فلوریدزین مشخص شده است.

خواص - کاربرد:

به‌طور کلی قابض و آرام بخش و تب بر است. از لحاظ خواص، مقوی و فرح آور و قابض و در عین حال ملین است. دماغ را تر و تازه می‌کند. مقوی قلب و معده و هاضمه است و رافع خفقان و تشنگی است.^۱

عتم

معمولاً برای روغن گیری و خوراک بیشتر مورد مصرف است و نام محلی آن در جنگلهای کردستان و در سید دشت لرستان «کلگم» و «کلکام» است. در شاه پسند

گرگان این درخت را «چوب سید» می نامند. و به عربی آن را «عتم» گویند و صمغ آن را «سطارکا» می نامند.

برگهای آن متقابل چرمی کشیده، پهنای برگ آن معمولاً در قسمت انتهایی آن بیشتر است. این درخت طالب مناطق معتدل نیم مرطوب است و سرما را تا ۸ درجه زیر صفر مقاومت می کند.

در شمال کشور، در جنگلهای زربین وجود دارد و بیشتر در رستم آباد و رودبار و منجیل کاشته می شود.^۱

عجرمه

در کتب طب سنتی با نامهای عربی عجرمه و در برخی کتب فارسی قدیم با نام اونوبین خاردار آمده است.

مشخصات:

گیاهی است چند سانه خاردار پوشیده از گُرک، دارای ساقه ایستا که ارتفاع آن ۶۰-۲۰ سانتی متر است. برگهای آن کرچک یا دمبرگ و کناره های برگ دنداندار پوشیده از گُرک چسبناک، میوه آن کوچک، گلهای آن قرمز که در تابستان ظاهر می شود. ریشه آن قوی دراز و طوری است که در مقابل گاو آهن مقاومت می کند و همین خاصیت منشأ نامگذاری و وجه تسمیه آن به فرانسوی و انگلیسی است.

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی در ریشه آن وجود چند گلوکوزید به نامهای اونون، اونونین، پزودوانونین، یک نوع الکل به نام اونونول، تانن و کمی سیتریک اسید و... تأیید شده است.

خواص - کاربرد:

جوشانده آن مدرّ است و در موارد التهابهای مثانه، ورم کلیه که ناشی از وجود سنگ کلیه است و درمان استسقاء یرقان و رماتیسم مزمن آثار مفیدی نشان داده است. از این جوشانده یا کمی غلیظ تر آن نیز به عنوان غرغره برای ضد عفونی کردن حلق و گلو در موارد آتزیین مفید و استفاده می شود.^۱

عدس

روایات:

امام رضا علیه السلام از پدرانش از رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمود:

«علیکم بالعدس فانه مبارک، مقدس، یرق القلب و یكثر الدمعة و قد بارک فیه سبعون نبیا،

آخرهم عیسی بن مریم».^۲

«بر شما باد عدس، زیرا آن مبارک و مقدس است. دل را نرم و اشک چشم را زیاد می نماید، هفتاد پیغمبر آن را مبارک گردانیده اند که آخر آنها همیسی بن مریم علیها السلام است». و در یک روایتی مردی از قساوت دل به پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله شکایت کرد، رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور فوق را به وی فرمود.^۳

و در روایتی رسول خدا صلی الله علیه و آله این کلام را به زید بن اسلم بتوکی دستور فرمود.^۴

و در روایتی به علی بن ابی طالب علیه السلام چنین دستور فرمود.^۵

علی علیه السلام فرمود: «اکل العدس یرق القلب و یسرع الدمعة».^۶ «خوردن عدس دل را نرم

می کند و اشک چشم را بسرعت جاری می سازد».

در خبر است یکی از پیامبران بنی اسرائیل از سختی دل و کمی اشک به خدا شکایت

۱- معارف گیاهی، ج ۴، ص ۱۲۲.

۲- عبون الاخبار، ج ۲، ص ۴۱؛ مکارم الاخلاق، ص ۲۱۵؛ صحیفه الرضا، ص ۲۵؛ معارف، ج ۶۶، ص ۲۵۷.

۳- معارف، ج ۵۴، ص ۵۰۴ - ۲ - همان.

۴- مکارم الاخلاق، ص ۲۱۵.

۵- همان.

کرد، خداوند به وی وحی کرد عدس بخور، زیرا عدس قلب را نرم و اشک را زیاد می‌نماید.^۱

این موضوع از امام صادق علیه السلام نیز وارد شده است.^۲
و در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شده که پیامبری از قساوت دلهای قوم خود بر خدا شکایت نمود خدا به وی امر کرد عدس بخورند، چون عدس دل را نرم و اشک چشم را جاری می‌سازد و تکبر را می‌برد و آن غذای نیکان است.^۳

مشخصات:

گیاهی است علفی یک ساله، ارتفاع بوته آن کوتاه حدود یک وجب. گل‌های آن کوچک به رنگ سفید با رگه‌های به رنگ بنفش و نیز به حالت وحشی و خودرو در مناطق آسیای غربی و یونان و ایتالیا وجود دارد و در تمام مناطق مدیترانه‌ای کاشته می‌شود.

ترکیبات شیمیایی:

عدس منبع غنی از ویتامینهای گروه B می‌باشد. در دانه عدس لعاب و در حدود ۲۲/۶ درصد پروتئین وجود دارد.

خواص - کاربرد:

آب پوست پخته آن ملین است و مغز آن قابض می‌باشد. غرغره آب عدس پخته برای زخمهای دهان، گلو و دیفتری نافع است.^۴

آرد بو داده عدس معده را پاک و تقویت کرده صفرا را از بین می‌برد و تشنگی را زایل می‌کند.^۵

عدس ترشح بدن آدم را زیاد می‌کند به این علت آن را مولد سودا می‌دانند و نیز تولید

۳- مکالم الاطلاق، ص ۱۸۸.

۲- همان.

۱- محاسن، ص ۵۰۴.

۵- حلیة المتقین، ص ۴۷.

۴- معارف گیاهی، ج ۱، ص ۳۶۸.

هیجان نموده سبب دیدن خوابهای پریشان می شود.^۱

عدس آهن زیادی دارد و تولید نفخ نمی کند. برای سوپ بسیار عالی، پوستش ملین و مغز آن قابض است.^۲

عدس را در آب بپزید و آب آن را بخورید سینه را نرم می کند و قوه بیه را کم می کند ولی زیاد خوردن آن زیان آور است.^۳

عدس گیاهی است از تیره باقلا، بوته آن کوچک، دانه هایش کمی از ماش درشت تر و به رنگ سفید مایل به زردی، پخته آن خورده می شود، در میان کردها از آرد آن برای رفع ورم بدن استفاده می کنند.^۴

عدس گیاهی است علفی یکساله که همه جا کشت می شود، قسمت مورد استفاده آن دانه گیاه است که غذای کامل است. آرد عدس نرم کننده و از بین برنده التهابهای سطحی بدن است.^۵

بقراط حکیم در عدس خواص درمانی تشخیص داده و کسانی را که به بیماری کبد دچار شده بودند با سوپ عدس معالجه می کردند. آبی که عدس در آن جوشیده است برای زخمهای دهان که به نام «برفک» معروف می باشد، مفید است. وقتی زنان شیرشان بند می آید یا در پستانهایشان ورم پیدا می شود باید آرد عدس را با برگ کلم قمری مخلوط کرده و به صورت ضماد گرم روی پستانها بگذارند، از ورم پستان و نیز از ازدیاد ترشح شیر جلوگیری خواهد کرد.^۶

عدس جهت معالجه سیلان منی نافع است.^۷

ارزش غذایی عدس:

سبزیجات خشک (حیوانات) مانند عدس و نخود و لوبیا، مواد قندی نشاسته ایشان زیاد (۶۰ درصد) و سفیده مانندشان (بیست درصد) و چربی دو درصد دارند و صد

۱- اسرار خوراکیها، ص ۱۴. ۲- همان، ص ۲۳۹. ۳- همان.

۴- طب سنتی در میان کردان، ص ۱۲۷. ۵- لغت نامه دارویی ناتونجه، ص ۱۹۱.

۶- سبزیها و بیوههای شفا بخش، ص ۱۲۷. ۷- ناتونجهای جنسی، ص ۱۵.

گرمشان ۳۵۰ کالری حرارت تولید می‌کند. هضمشان به علت داشتن سلولز زیاد، متوسط است و به لاغرها و کسانی که ترشی معده دارند باید پخت و داد و کسانی که ازت و اسید اوریکشان بالاست، نداد.

وزن صد دانه عدس ۲/۳۴ - ۶/۹۸ آب، ۱۱ - ۱۳/۵ مواد سفیده‌ای، ۱۹/۳۶ - ۲۴/۶۴ مواد قندی نشاسته‌ای، ۵۶/۰۷ - ۶۲/۴۵ مواد چربی، ۰/۵۰ - ۱/۴۵ مواد سلولزی، ۲/۸۸ - ۲/۷۵ خاکستر (مواد معدنی)، ۱/۷۵ - ۳/۱۵ (تمام ارقام اول مربوط به عدسهای صد دانه ۶/۹۸ گرم است).

مواد معدنی عدس: گوگرد، فسفر، کلر، سدیم، پتاسیم، منیزیم، کلسیم، آهن، مس، روی، منگیز، ید و از همه مهمتر آهن است. ویتامینهای عدس B1 و B2 می‌باشد. در ترکیبات عدس مواد ازته فراوان است و این مواد اغلب از لگومین که نوعی کازئین نباتی است، می‌باشد.

عدس به واسطه لگومین هضم سهل تری یافته و به واسطه همین ماده در آب آهکدار دیر می‌پزد. لگومینوزها هر چه زودتر چیده شوند نوکلئین بیشتر دارند. برخی تصور کرده‌اند حبوبات را باید به علت داشتن مواد ازتی نزد لاغران تا اندازه‌ای نزدیک به گوشت است.

عدس آبی

به فارسی جعرا به و جامخواب بک و در شیراز و در اصفهان جل وزغ معروف است. در کتب طب سنتی با نامهای عدس الماء و نوعی طحلب آورده شد است. مشخصات:

گیاهی است چند ساله با ساقه کوتاه در زیر آب. برگهای آن سبز به شکل عدس کوچک به قطر ۳-۴ میلی متر بدون رگبرگ و بدون دمبرگ مستقیماً در رأس ساقه و در سطح آب قرار دارد. گلهای آن بندرت دیده می‌شود، یک پایه و معمولاً دونر و یک ماده‌ای است.

خواص - کاربرد:

عدس آبی خنک کننده و قابض و برای معالجهٔ عوارض ناشی از کمی ویتامین C در بدن خورده می‌شود و مفید است. مدر است و برگ له شدهٔ آن برای بیماریهای جلدی و ورم‌های ملتحمه نافع است. عدس آبی از نظر طبیعت سرد و تر و قابض می‌باشد. خوردن له شدهٔ آن اسهال صفرایی را بند می‌آورد. مالیدن برگهای له شدهٔ آن بند آورندهٔ خون از هر عضوی است.^۱

عرعر

درخت عرعر، درختی است زیبا و تنومند که در هر شرایطی، حتی در مناطق آب و هوای معتدل و سرد نیز تکثر و پراکندگی حاصل می‌نماید. ازدیاد آن در حالت طبیعی از طریق جوانه‌هایی واقع در اعضای زمین ناحیه سطحی خاک صورت می‌گیرد. اگر پایه‌ای از آن در ناحیه‌ای وجود داشته باشد، بر اثر زیادی رشد، مانع بزرگی برای نمو سایر درختان آن ناحیه، مخصوصاً در باغها فراهم می‌شود. درخت عرعر، برگهایی بزرگ به درازای ۶۰ تا ۷۰ سانتی متر، مرکب از ۱۵ تا ۲۰ زوج برگچه با یک برگچه انتهایی دارد. میوه‌اش خشک و ناشکوف می‌باشد.

قسمت مورد استفادهٔ آن، پوست ساقه و مخصوصاً پوست ریشهٔ آن است. پوست این درخت دارای اثر دفع کرم کدو و ضد اسهال است. در کشور چین خیساندهٔ پوست تازهٔ آن به عنوان رفع اسهال مصرف جاری دارد.

دم کردهٔ پوست درخت مخصوصاً پوست ریشهٔ آن به صورت ۵۰ در هزار (در صورت تازه بودن) و ۱۰۰ در هزار در صورت خشک بودن) به مقدار یک قاشق قهوه خوری در هنگام صبح و شب مصرف می‌شود. طعم تلخ و ناپسند این دم کرده را معمولاً با افزودن آب بهارنارنج و قند مخفی می‌سازند. گرد پوست درخت عرعر جهت دفع کرم کدو به مقدار یک گرم در روز، به مدت ۷ یا ۸ روز متمادی به کار می‌رود. در آخرین روز مصرف

نیز باید یک مسهل روغنی مانند روغن کرچک استفاده شود. این درخت بومی در چین و ژاپن است ولی مدتهاست که وارد کشور ایران شده، بیشتر در نقاط خشک انتشار یافته است. در تهران و نواحی مختلف قابل پرورش است.^۱

عرق الدم

در کتب طب سنتی با نام عربی آن عرق الدم آمده است.

مشخصات:

گیاهی است پایا، کوچک، دارای یک ریزوم یا ساقه زیرزمینی ضخیم و کوتاه که در آن یک شیره قرمز خونی وجود دارد. این گیاه معمولاً یک برگ و یک گل سفید و زیبا می آورد.

ترکیبات شیمیایی:

در ریزوم این گیاه آلکالوئیدهای سانگینارین و پروترین و هموکلیدونین و مواد صمغی، رزینی و کمی قند وجود دارد.

خواص - کاربرد:

ریزوم و ریشه گیاه عرق الدم مخدر و قوی آور است و به طور کلی سمی می باشد و مقدار زیاد آن محرک است، ایجاد سرگیجه، تهوع و آشفستگی، اختلالات هاضمه و ضعف می نماید. به مقدار خیلی کم در حدود ۵ سانتی گرم به عنوان خلط آور و صفرا آور ممکن است مصرف شود و چون سمی است، مصرف آن باید زیر نظر پزشک باشد. این گیاه تا به حال در ایران دیده نشده است.^۲

عرق الکافور

در کتب طب سنتی با نامهای عربی زُرْبَاد، زرنبا و عرق الکافور آمده است.

مشخصات:

زرنباد بیخ گیاهی است کمی معطر، سطح خارجی آن غباری و تیره و مغز آن مایل به زردی و طعم آن تند و کمی تلخ است. نوع نامرغوب آن ضعیف و کمی شیرین است.

ترکیبات شیمیایی:

در بیخ زرنباد اسانس روغنی فزّار وجود دارد. از ساقه زیرزمینی آن ماده زرومبون جدا شده است. ماده زرومبون که یک مونوسیکلیک سسکی ترین کتون است در محیط رشد باکتریهای مایکروکوکوس بیوجینس وارننه اورئوس و همچنین مایکو باکتریوم توبرکولوزیس را متوقف می کند. یعنی نوعی آنتی بیوتیک است.

خواص - کاربرد:

در هند، زرنباد در تمام موارد از نظر خواص جانشین زنجبیل است. در هند و چین زرنباد را در انکل خیسانده و به عنوان مقوی و محرک و تصفیه کننده خون و خون ساز مصرف می کنند و به علاوه تا دو هفته پس از زایمان برای رفع ضعف و سرگیجه استعمال می شود و له شده و کوبیده آن را برای رفع تشنج بر سر بچه ها می اندازند. اگر ضماد له شده آن را روی شکم بچه ببندند برای رفع تب مفید است.^۱

عروق لزعفران

در کتب طب سنتی با نامهای عروق انصفر، عروق الزعفران و عروق الصباغین نام

برده شده، به عربی بقلة الخطاطیف گویند.

مشخصات:

گیاهی است پایا، بومی نواحی شرقی شبه قاره هند و مناطق حاره جنوبی آسیا، گل‌های آن مجتمع و سنبله به رنگ زرد و تخم آن خیلی ریز و سیاه رنگ است و اغلب تخمها بدون نطفه و عقیم هستند. تکثیر آن از طریق کاشت قطعاتی از ساقه زیرزمینی سال رویش قبل یا ساقه هوایی ریشه‌دار آن می‌باشد.

ترکیبات شیمیایی:

در گیاه وجود کورکومین، تورمرون، زینجی برون و اسانس روغنی قرّار و تورمرون چربی، نشاسته و ماده رنگی کورکومین در ساقه زیر زمین آن تأیید شده است.

خواص - کاربرد:

این گیاه گرفتگیها و انسداد کبد را باز می‌کند. حویدن آن در دهان برای تسکین درد دندان مفید است. در هندوستان از بیخ گیاه به عنوان ادویه معطر، محرک، تونیک، بادشکن، تصفیه کننده خون و تب بر و در استعمال خارجی برای التیام زخم و در موارد در رفتگی اعضا مصرف می‌شود.^۱

عروسک پس پرده

در کتب طب سنتی و در بازار دارویی با نام‌های عروسک پس پرده و معرب آن جوز المرح و حب اللهور و به زبان چینی «گیاه فانوس» نامیده می‌شود.

مشخصات:

گیاهی است چند ساله، بلندی آن زیاد نیست و معمولاً از ۷۰ سانتی متر کمتر است. داخل میوه دانه‌های ریز سفید رنگ جای دارد. تکثیر گیاه از طریق کاشت بذر آن ممکن

می باشد. در ایران در دامنه های البرز، اطراف تهران، اصفهان و آذربایجان و در مناطق شمالی ایران در رودبار کوشک، بخصوص زیر درختان زیتون به طور خودرو می روید.
ترکیبات شیمیایی:

در گیاه یک ماده تلخ و یک آلکالوئید مشخص شده است. میوه آن دارای مقدار زیادی ویتامین C و کمی قند و مقداری سیترون (اسید سیتریک) می باشد. در برگهای آن یک ماده تلخ به نام فیزالین وجود دارد.
خواص - کاربرد:

در هندوستان از گیاه به عنوان مدرّ و ضدّ انگل معده و روده و برای رفع ناراحتیهای مجاری ادرار و مثانه و در استعمال خارجی برای رفع ناراحتیهای پوست مصرف می شود. برگهای آن مدرّ است.^۱

عرایس النيل

نیلوفر مصری یا نیلوفر نیل در کتب طبّ سنتی با نام بشنین آمده است و در مصر آن را «عرایس النيل» هم می گویند.

معمولاً وقتی که آفتاب طلوع می کند سر از آب بیرون می آورد و چون غروب شود منقبض شده و سر در آب فرو می برد. میوه آن نظیر سایر نیلوفرها کیسولی است شبیه کیسول خشخاش و کمی بزرگتر که دانه های آن در داخل کیسول قرار دارند. ریشه آن ضخیم و متورّم است و قسمت متورّم آن را به طور خام یا پخته می خورند. پس از پخته شدن زرد رنگ شبیه زرده تخم مرغ می باشد و کمی معطر است.

خواص - کاربرد:

ریشه متورّم پخته آن که معمولاً با گوشت پخته می خورند، مقوی معده است و برای قطع اسهال صفراوی و شکم روشن نافع است.^۲

عسل

روایات:

بخاری و مسلم و نسائی و ترمذی از ابی سعید خدری از رسول خدا ﷺ نقل کرده‌اند که مردی حضور پیغمبر خدا آمد و عرض کرد شکم براندرم آزاد است، آن حضرت فرمود: برو به وی عسل بده؛ او داد ولی بند نیامد، باز هم آمد به آن حضرت عرض کرد؛ حضرت فرمود: باز هم عسل بده تا به مرتبه پنجم تکرار شد و اسهالش رفع شد.^۱
امام باقر علیه السلام در یک روایتی معجونی از عسل، زعفران، خاک قبر حسین و آب باران را شفا فرموده است.^۲

حضرت عالم (موسی بن جعفر علیه السلام): بر شما باد عسل و دانه سیاه و فرمود: عسل در ظاهر قرآن نیز شفاست و فرمود: عسل از هر درد شفاست، هر کس یک لقمه عسل ناشتا بخورد بلغم را قطع می‌کند و صفرا را می‌شکند و مره سودا را قطع می‌نماید و ذهن را صفا می‌دهد و خوب می‌کند.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: عسل بر هر درد شفاست و در خودش مرض نیست، بلغم را کم می‌کند و دل را روشن می‌نماید.^۳

امام رضا علیه السلام از حضرت رسول خدا ﷺ نقل می‌کند که فرمود: خدا در عسل برکت قرار داده و در آن شفا هست از دردها و هفتاد پیغمبر علیهم السلام آن را مبارک گردانیده‌اند.^۴
موسی بن جعفر علیه السلام از پدرانیش از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند که فرمود: عسل شفاست و تب را دور می‌کند.^۵

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا ﷺ از عسل خوشش می‌آمد و می‌فرمود: بر شما

۱ - سنن ابن ماجه، کتاب طب، باب ۱۷، مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۹۱، در المنثور، ج ۴، ص ۱۱۲۳، جیه العیون، ج ۲، ص ۳۰۰

صحیح بخاری، کتاب طب، باب ۲۴، صحیح مسلم، کتاب السلام، باب ۹۱، سنن ترمذی، کتاب طب، باب ۳۱، مسند ابن حنبل، ج ۳، ص ۱۹.
۲ - حاشی برقری، ص ۵۰۰، مکارم الاخلاق، ص ۱۷۶.

۳ - بحار، ج ۶۶، ص ۲۹۲. ۴ - مکارم الاخلاق، ص ۱۸۹. ۵ - بحار، ج ۶۶، ص ۲۹۲.

باد غسل و قرآن.^۱

امام ابی الحسن علیه السلام فرمود: هر کس آب چشمش تغییر کند، غسل برایش نافع است.^۲

امام صادق علیه السلام فرمود: مردم مانند لقمه‌های عسل چیزی پیدا نمی‌کنند.^۳

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس در هر ماه یک مرتبه غسل بخورد، به خواست خدا از هفتاد مرض نجات می‌یابد. باز فرمود: هر کس قوه حافظه می‌خواهد غسل بخورد.

و فرمود: چه خوب است نوشابه عسل، دل را حفظ می‌کند و مرض سینه را می‌برد.^۴

حضرت علی رضی الله عنه از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: پنج چیز

فراموشی را می‌برند و حافظه را زیاد می‌نمایند و بلغم را معدوم می‌سازند: مسواک کردن، روزه گرفتن، قرائت قرآن، غسل و لبان (کندن).^۵

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر شفا هست در شرطه حجامت و شربت عسل است.^۶

امام علیه السلام فرمود: در عطر، عسل، سواری و نگاه به سبزی انبساط و شادی است.^۷

ابی بصیر و محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام از پدرانش از حضرت علی رضی الله عنه نقل

کرده‌اند که آن حضرت فرمود: لقمه‌های عسل شفاست از هر درد، زیرا خداوند فرموده:

«يُخْرِجُ مِنْ بَطُونِهَا شَرَابًا مُخْتَلِفًا لَوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ». بیرون می‌آید از شکم‌های

زنبوران عسل نوشابه مختلف رنگ که شفا در آن هست.^۸

امام رضا علیه السلام فرمود: عسل شفاست از هر درد اگر از شهدش بگیری.^۹

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: کسی از چیزی مانند عسل شفا نمی‌گیرد.^{۱۰}

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله عسل می‌خورد و می‌فرمود: آیاتی در قرآن

هست و نیز جویدن کندر بلغم را می‌گدازد.^{۱۱}

۱- بخاری، ج ۶۶، ص ۲۹۰. ۲- همان. ۳- همان.

۴- همان. ۵- نکاح الاحلاق، ص ۱۹۰، ۱۸۰.

۶- سنن الاحادیث، ج ۲، ص ۳۵ و ۳۶، رقم ۸۳ و ۸۴، بخاری، ج ۶۶، ص ۲۹۰.

۷- بخاری، ج ۶۶، ص ۲۹۱. ۸- سخن، ص ۴۹۹.

۹- بخاری، ج ۶۶، ص ۲۹۳، کتانی، ج ۶، ص ۲۲۲. ۱۰- همان.

۱۱- همان.

ابوالحسن ثالث علیه السلام فرمود: خوردن عسل حکمت آور است.^۱

در این آیه شریفه اضافه بر حلال بودن عسل و موم و جواز استشفاء از آنها و جواز یاد گرفتن علم طب و تفکر در وجود حیوانات، عسل به شفای مرضها معرفی شده است. عسل عبارت از ترشحات قندی ذخیره شده در کندو به وسیله زنبورهای عسل است.

مشخصات:

عسل مایعی است غلیظ به رنگ زرد روشن تا قرمز مایل به قهوه‌ای در صورت تازه بودن نور را از خود عبور می‌دهد ولی به علت متبلور شدن دکستروز موجود در آن، کدر به نظر می‌رسد. عسل دارای بوی مشخص و طعم شیرین و کمی اسید می‌باشد. با ملاحظه میکروسکوپی عسل از روی شکل دانه‌های گرده می‌توان نوع گل‌های مورد استفاده زنبورها را تعیین نمود.

عسل غذایی است که تمام آنچه بدن انسان بدان نیاز دارد در آن موجود است. و غذایی است کامل، مقوی، مغذی و معالج بیماریهای ریه، برونشیت و غیره است زیرا دانشمندان ثابت کرده‌اند که بیشتر میکروبها در عسل نمی‌توانند رشد کنند.

در عسل مواد ازت دار و اسیدهای مختلف آلی و مواد معطر و مواد معدنی از قبیل: پتاسیم، سدیم، کلسیم، مس، کوبالت، منگنز، آهن و فسفر به قدر کافی موجود است.

ترکیبات:

عسل ترکیبی از ملکولهای مساوی دکستروز و فروکتوز (قند تغییر یافته) و به مقدار ۵۰ تا ۹۰ درصد آب می‌باشد. عسل همچنین دارای ۱/۱ تا ۱۰ درصد ساکارز و مقدار کمی از سایر قندها و اسانسهای فرّار، پیگمانهای رنگی، اندامهای گیاهی و بخصوص دانه گرده می‌باشد.^۲

۲- سزوات پزشکی جدید (هارما کونگوزی)، ص ۷۸، ۷۹

۱- بحار، ج ۶۶، ص ۲۹۳.

خواص - کاربرد:

عسل کمی و زیادی فشارخون را علاج می‌کند، مقوی قلب هم می‌باشد.^۱
در مورد زخم معده و زخم اثناعشر باید صبح ناشتا یک قاشق سوپ خوری عسل بخورند و یک ساعت هیچ نخورند اگر در مدت یک ماه اثر نیکو ظاهر نشد، باید ۵۰ تا ۱۰۰ گرم خورد منتها تا ظهر چیز دیگر نخورد.^۲

عسل برای کبد نافع است و کبد را معالجه و اغتشاشات کبدی را اصلاح می‌نماید.^۳
برای درمان سوختگی مرهمی از عسل و روغن زیتون به مقدار مساوی می‌توان درست کرد.^۴

برای رفع لکه‌های پوست سه قسمت آب شاهی را با یک قسمت عسل مخلوط کنید و آن را به هم زنید تا این دو به صورت مایعی کامل درآید به کمک یک تکه پنبه هیدروفیله صورت را با آن صبح و شب بشویید و بگذارید خودش خشک شود و بعد آن را با آب صاف بشویید.^۵

یک قاشق سوپخوری عسل را در یک چهارم لیتر آب ریخته و بجوشانید یک دارو برای غرغره کردن به دست می‌آید که بهترین درمان انواع گلو درد است.^۶
اگر قسمتی از بدن دچار خونریزی و جراحات شود، قدری عسل روی آن بگذارند، خونریزی قطع شود و بعد التیام می‌یابد.

عسل با آب زیره جهت دفع ضرر و خطر و گزیدن سگ دیوانه و اکتحال او با آب پیاز جهت بیاض، دمه، حکه، جرب و نزول آب، و با انزروت و نمک سنگ جهت ریاح و رطوبت گوش و تنقیه چرک او نافع، و با عذبه جهت تنقیه زخمها و بردن گوشت زیاد و التیام او سجب، و با آرد گندم جهت گشودن دمل و به خلاف سایر شیرینی‌ها جهت قروح لته و لته‌ها و تقویت دندان مفید است.^۷

۳- همان، ص ۱۰۵.

۲- همان.

۱- اسرار خوراکیها، ص ۲۰۵.

۴- برومار سبزهای شایخ، ص ۴۶.

۴- همان، ص ۲۰۶.

۷- نحة حکیم، ص ۱۸۲.

۶- اسرار خوراکیها، ص ۲۰۵.

عسل معده و عروق را باز می‌کند، لیزاب‌های بلغمی را جذب و از عمق بدن بیرون می‌آورد. برای سستی اندام و عضلات، استسقا، یرقان و ورم طحال نیز مفید است. برای معالجه قولنج زوده هم تجویز شده، پادزهر سموم مخصوصاً مسمومیت غذایی است. شکننده سنگهای کلیه و مثانه می‌باشد.

عسل دارای تمام ویتامینها و تمام عناصر معدنی مورد نیاز بدن انسان است و کمبودهای غذایی را جبران می‌نماید، ترشحات غده داخلی و بزاق را تعدیل می‌کند و برای معالجه سختی عمل بلع و خشکی گلو و درمان سرفه زیاد توصیه شده است. برای رفع دل درد، یبوست، کم اشتها، زخم معده، اسهال، ترشی و التیام زخمها هم مفید است. از نوع وحشی آن در بعضی از کوههای ایران پیدا می‌شود.^۱

عشار

گیاهی است که گونه‌های مختلف آن در ایران با نامهای محلی مختلف شناخته می‌شود. در کتب طب سنتی با نامهای عشر، اکرس، حدار، عشار و ... آمده است.

مشخصات:

گیاهی است کائوچویی، درختچه‌ای است به بلندی ۳-۴ متر با شاخه‌های ضخیم پر از شاخه، پوست آن کمی قرمز، شاخه‌های جوان آن پوشیده از کرک سفید، برگهای نسبتاً پهن بدون دمبرگ با قاعده قلبی شکل، کمی گوشتی که پس از خشک شدن نازک می‌شود. گل‌های به رنگ سفید، ارغوانی و قرمز، میوه آن فولیکول تخم مرغی شکل است.

ترکیبات شیمیایی:

در این گیاه رزینی تلخ به نام آکوند ارین و کالوتروپین مشخص گردیده است. شیرابه گیاه دارای اوشارین، کالوتوکین، کالاکتین و ... می‌باشد.

خواص - کاربرد:

از شیرۀ پوست ریشه گیاه برای معالجهٔ جذام استفاده می‌کنند و آن را مسهل می‌دانند. پوست ریشه گیاه را اغلب موارد بخصوص در موارد اسهال خونی جانشین اسپیکا می‌دانند. از پوست ریشه گیاه برای معالجهٔ بیماریهای پوست استفاده می‌شود.^۱

عشقه

از پیچ‌های همیشه سبز است که سه گونهٔ آن در جنگلهای شمال ایران وجود دارد و از قام ابلق و زیتنی آن نیز در باغهای شهرها کاشته می‌شود. به فارسی به‌طور کلی عشقه و انواع آن را پاپی تال و دازدوست می‌نامند. در قسمتی از هند در بهار آن را لبلاب نامند. در کتب طب سنتی با نامهای عشقه و حبل المساکین و بقلة الیابره و اخفاک آمده است.

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی دارای اکسید آرسنیک و در برگ‌های آن ساپونین، آلفا و هدرین وجود دارد. از عصارهٔ میوه‌های ریز سیاه آن گلوکوزید هلیکسین گرفته می‌شود. بررسی دیگری نشان می‌دهد که در برگهای عشقه، هدرین و چند ساپونوزید یافت می‌شود و در گیاه انواع ویتامین‌ها از جمله آلفا کاروتن و توکوفرول وجود دارد.

خواص - کاربرد:

از ساقه‌های نازک و سبز آن جوشانده‌ای درست می‌کنند که برای رفع سردرد و سرفه مفید است و جوشانده‌اش معرف و در باز کردن عادت ماهیانه مؤثر است. خیساندهٔ برگ عشقه در سرکه برای کچلی به‌عنوان ضماد در صورتی که به‌طور مکرر تا یک هفته گذارده شود، خیلی مفید است.^۲ سردرد و بی‌نظمی‌های عادت ماهانهٔ زنان نیز در فهرست درمانی این گیاه قرار

گرفته‌اند. استفاده از عشقه می‌تواند مفید و ضمناً خطرناک باشد، زیرا که تأثیر مقدار زیاد آن بسیار مخرب و خطرناک است. علائم مسمومیت به وسیله برگها و میوه این گیاه با حالت استفراغ، اسهال، سوزش معده و زوده شروع و به اختلالات شدید عصبی بخصوص منتزیت منتهی می‌شود. اما اگر فراورده‌های دارویی عشقه به صورت استعمال خارجی مصرف شود، نقش یکی از بهترین مواد دارویی را ایفا خواهد کرد.

این گیاه تب را پایین آورده، بدن را به عرق کردن وادار می‌کند و بی‌نظمی‌های قاعدگی زنان را رفع می‌کند. فراورده‌های دارویی آن نسوج آسیب دیده را ترمیم می‌کند (در زخم‌ها، دمل‌ها و ورم‌ها)، در زخمهای سوختگی تأثیر زیادی دارد. نیز مسکن درد و ضد رماتیسم می‌باشد.

اعضای مختل گیاه اثر مدزئی، مسهلی و ضد تشنج دارد و مصرف آنها برای رفع سیاه‌سرفه و سرفه‌های تشنجی توصیه شده است.

برای میوه آن اثر قاعده‌آور قائل شده‌اند و آن را در رفع بواسیرهای خونی و آب آوردن انساج مؤثر ذکر نموده‌اند. بعلاوه چنین شهرت دارد که مصرف شیره برگ تازه این گیاه، بینایی را نیرو می‌بخشد.

صور دارویی:

جوشانده یک مشت از برگهای تازه عشقه در یک لیتر آب جهت رفع انواع دردها به شکل لوسیون، کمپرس و غیره به کار می‌رود.^۱
عشقه در جنگلهای مازندران، تواحی البرز و بندرگز به طور خودرو می‌روید و دو نوع می‌باشد. میوه عشقه سیاه‌کننده مو و ضماد برگ آن بازکننده دمل و التیام دهنده زخمها است. برای رفع کچلی، برگ عشقه را در سرکه خیسانده و ده شب متوالی هنگام خواب روی سر و محل زخم گذارده، منفعت بخشد.^۲

محل رویش:

در جنوب غربی ایران، بوشهر، بلوچستان، یزد در ارتفاعات ۲۰۰۰ متری، برازجان، جزیره خارک، خوزستان، لرستان، کرمان و نواحی خشک جنگلهای واقع در حاشیه دریای خزر نیز می‌روید.^۱

عشقه زمینی

گیاهی است که در کتب طب سنتی لبلاب الارض و عشقه زمینی نام برده می‌شود.

مشخصات:

گیاهی است علفی کوچک، خزنده که در جنگلهای می‌روید. برگهای آن به شکل قلوبه یا کلیوی و دنداندار است. گلهای آن آبی و بنفش پوشیده از کرک که از بغل برگها بیرون می‌آیند.

ترکیبات شیمیایی:

در گیاه اسانس روغنی فرار و تانن و کولین یافت می‌شود و به علاوه دارای مقدار قابل ملاحظه‌ای ماده تلخ است.

خواص و کاربرد:

در چین، ژاپن و تایوان، عمده‌ترین خاصیت شاخه‌ها و برگهای این گیاه ضد تب، مسکن و ضد درد است. از جوشانده این گیاه برای تسکین درد و قطع تب استفاده می‌شود و درد گوش و درد دندان را تسکین می‌دهد. برای سرما خوردگی نیز داروی شفابخش است و ناراحتیهای سینه را مرتفع می‌کند. در موارد بزرگ شدن معده یا ترمی استخوان در بچه‌ها تجویز می‌شود.^۲

۲- معارف گیاهی، ج ۳، ص ۱۳۳.

۱- گیاهان دارویی، دکتر زرگری، ج ۲، ص ۴۹۶.

عشبه

به فارسی و در کتب طب سنتی انواع آن را با نامهای چوب چینی و عشبه و عشبه مغربیه نام می‌برند.

گیاهی است چند ساله، دویایه، اغلب بالا رونده و خاردار هستند. برگهای آنها سبز بیضی مایل به دایره با دمبرگ مشخص است. گل‌های آنها خوشبو، تعدادی قرمز رنگ و تعدادی از آنها دارای گل‌های سفید کوچک مانند یاسمین سفید و تعدادی نیز دارای گل زرد رنگ مانند یاسمین زرد هستند.^۱

گونه‌ای از آن که دارای ساقه زیر زمینی ضخیم و گره‌دار است و میوه‌اش به بزرگی یک گیلاس می‌رسد و قرمز رنگ است و ۱ تا ۳ دانه دارد. عشبه مغربیه، صبرینه، صبرینه طبعی، عشبه طبعی نیز گویند.
عشبه چینی:

گونه‌ای عشبه که ریشه‌اش در طب عوام بهترین داروی تصفیه کننده خون و ضد نفرس و بهترین داروی بیماری سیفلیس شناخته شده است. این گونه عشبه در ژاپن و چین می‌روید و در برخی کتب رویش آن را در کناره‌های خزر نیز ذکر کرده‌اند.^۲

عشبه را به رومی سرینه و به فرانگی اسفرینه و به عربی ظلام و به انگلیس سارماتریلا و هیس دیس مس رود و به هندی رس گویند که شبیه به یاسمین سفید است. این گیاه انواع مختلفی دارد و بهترین آن دارای شاخه‌هایی دراز و در پهنی متوسط و سرخ نیم رنگ می‌باشد که چون آن را بشکنند غباری از آن ظاهر می‌شود. و مغز آن سفید بوده که قوتش تا بیست سال باقی می‌ماند.

ترکیبات شیمیایی:

در ریشه و ساقه گیاه وجود هتروزید پاریلین و مقداری نشاسته و کمی رزین و اسانس گزارش شده است. در آن مواد سارماتریلین و تیورژین مشخص شده است.

۱- معارف گیاهی، ج ۵، ص ۶۱.

۲- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۲۳۰۱.

خواص - کاربرد:

در چین به عنوان تریاق و ضد سم در موارد مسمومیت‌های ترکیبات گیوه کاربرد دارد. و به علاوه برای معالجه نقرس، خنازیر و زیادی ترشح خون در عادت ماهیانه نافع است.

عشک

در اطراف تهران اشک و در کتب طب سنتی با لغت عربی حور اسود و حور رومی آورد شده است.

مشخصات:

درختی است بلند که ارتفاع آن تا ۳۰ متر می‌رسد. شاخه‌های آن باز، تنه آن کم و بیش موجی است و فاقد جهت‌های ریشه جوش است. پوست تنه در جوانی سبز خاکستری است ولی بعداً تیره رنگ و سیاه می‌شود. جوانه‌های آن زرد رنگ معطر و چسبناک است. میوه آن کپسول و با دو شکاف شکفته می‌شود.

ترکیبات شیمیایی:

دارای گلوکوزیدهای سانیسین و پوپولین و کرنوین به علاوه دارای اسانس روغنی فرار است.

خواص - کاربرد:

از پوست آن نوعی لیکور گرفته می‌شود که تصفیه کننده خون است. جوانه‌های له شده آن را در پمادی برای معالجه بواسیر به کار می‌برند. دم کرده جوانه‌های آن مدرّ و مقوی هاضمه و ضد عفونی کننده است و رقیق آن در استعمال داخلی برای ناراحتیهای کلیه، مثانه، رماتیسم، نقرس و سیاتیک مفید است.^۱

عصفر

به فارسی گیاه را «گلرنگ» و تخم آن را تخم کافشه و در گیلان نخم کاجره می‌گویند. در کتب طب سنتی با نامهای عربی آن قرطم و عصفر نام می‌برند. گیاهی است یک ساله، برگهای آن بدون دمبرگ پهن و موجدار با دندانه‌های منتهی به خارهای ظریف است. میوه آن فندقه سفید رنگ که در قسمت بالای آن دسته‌ای تار نازک وجود دارد. تکثیر این گیاه از طریق کاشت دانه آن صورت می‌گیرد.

ترکیبات شیمیایی:

در گلهای آن دو ماده رنگی وجود دارد، یکی ماده رنگی که در آب حل می‌شود و به طریق ساده شستن می‌توان ماده رنگی زرد آن را به دست آورد. ماده دیگر قرمز رنگ به نام کارتامین که در آب غیر محلول است و در محلولهای قلیایی ضعیف حل می‌شود. خواص - کاربرد:

از گلهای این گیاه برای رنگین کردن غذا به جای زعفران استفاده می‌شود. از گلهای آن به عنوان داروی محرک، مسکن و مسهل و معرق از جوشانده ۲۰ گرم گل در هزار گرم آب یا به طور خیساندن در آب نیم گرم استفاده می‌شود.^۱

عصاره ریوند

این گیاه در بازار دارویی ایران به عصاره ریوند معروف است. در کتب طب سنتی یا اسامی کوتاکنبا و گم کوت نام برده می‌شود. صمغ رزینی است که از چند گونه درخت گارسی نیا گرفته می‌شود. مشخصات:

از پوست تنه درخت گارسی نیا در اثر شکافی که وارد می‌شود و همچنین از شکافی که در میوه آن ایجاد می‌شود، عصاره و شیره‌ای خارج می‌شود که همان صمغ رزینی

معروف گم کوت است. این صمغ ابتدا به صورت مایع روان و زرد رنگ است ولی بتدریج سفت می‌شود. از این صمغ علاوه بر خاصیت مسهلی آن به عنوان رنگ نیز استفاده می‌شود.

در صمغ گونه‌ای از گیاه مواد کامبوجیک اسید و سه نوع گار سینولیک اسید یافت می‌شود. در قشم تخم گونه‌ای دیگر وجود ماده رنگی ایزومورلین، دزوکسی مورلین و دی‌هایدر در آن مشخص شده است.

خواص - کاربرد:

در هند از پوست میوه گونه‌ای از این گیاه به عنوان قابض برای معالجه اسهال مزمن و اسهال خونی استفاده می‌کنند. و گونه‌ای دیگر مسهل و ضد کرم است و در موارد یبوستهای خیلی شدید و ناراحتیهای استسقای و قطع عادت ماهیانه در مواردی که به طور طبیعی باشد، تجویز می‌شود.^۱

عطر

بر حسب شکل و رنگهای مختلف گل‌های آن با نامهای: یاس ایرانی، یاس سفید و نیز یاس پرپر شناخته می‌شود.

مشخصات:

از گل‌های بسیار زیبای گلکاری است. گل‌های آن خوشه‌ای بسیار معطر و رنگ آن حنایی ارغوانی و بنفش می‌باشد. در بعضی ارقام رنگ گل‌های آن سفید، قرمز یا قرمز مایل به زرد است. تکثیر این گیاه از طریق پیوند رقم مورد نظر روی پایه معمولی آن می‌باشد.

ترکیبات شیمیایی:

در گل‌های یاس خوشه‌ای بنفش اسانس بسیار معطری وجود دارد. در پوست، برگ، جوانه‌ها و میوه آن مواد مانیت، انورتین، ساکاروز، یک ماده تلخ بی شکل به نام سیرینگویکریل و یک گلوکوزید به نام سیرین آریل وجود دارد.

خواص - کاربرد:

مصرف عمده گل‌های یاس بنفش در حال حاضر در صنعت عطر سازی است. در روسیه موسوم است که روغن یاس بنفش را در مواقع دردهای رماتیسمی روی موضع می مالند، تسکین می دهد.^۱

عقرب

درختچه‌ای است که نام محلی آن در جنوب ایران در بوشهر، بابل و در لار عقرب و در کتب طب سنتی با نامهای سنط و سببان آمده است.

مشخصات:

درختچه‌ای است به ارتفاع تا ۴ متر با شاخه‌های متعدد و برگهای آن شانه‌ای مرکب، برگچه‌های آن خیلی ریز و سبز و برگهای آن زرد است.

خواص - کاربرد:

درختچه‌ای است که از نظر طبیعت طبق نظر حکمای طب سنتی کمی گرم و خشک است. در هند و چین از برگها و تخم بو داده آن دم کرده‌ای مثل جای درست می کنند، برای تقویت معده، رفع ضعف و قطع تبهای نوبه‌ای مفید است. از پوست آن جو شانه‌ای درست می کنند و داخل آب حمام کرده با آن استحمام می نمایند. حکمای طب سنتی ایران معتقدند که مقوی معده است و اسهال مزمن و اخلاط خونی از سینه را بند می آورد و اگر با شیر خورده شود، تریاق برخی از سموم است.^۲

۱ - معارف گیاهی، ج ۷، ص ۱۲۰۳ محیط انطباق، ص ۲۸

۲ - معارف گیاهی، ج ۴، ص ۱۲۳۷، ص ۲۹

عقرب - کژدم

روایت از جابر بن حیان:

کژدم جانوری است از شاخه بند پایان از رده عنکبوتیان و از دسته شکم بند داران که دارای شکمی بند بند هستند. بدن این جانور دارای سه قطعه مشخص است:

الف - سر سینه که پهن است و در سطح پشتی آن ۳ تا ۶ زوج چشمهای عدسی وجود دارد.

ب - شکم که پهنایش به همان پهنای سر سینه است و از ۷ قطعه درست شده است.
ج - دم یا دنباله شکمی که شکل ظاهرش مانند دم است. سم عقرب در ممالک معتدل حیوانات کوچک (از قبیل حشرات و عنکبوتها که غذای عقربند) را بسهولت می‌کشد، و برای انسان چندان خطرناک نیست. ولی عقربهای نواحی استوایی که ممکن است بین ۱۵ تا ۲۰ سانتی متر نیز طول پیدا کنند، نیششان خطرناک و کشنده است.

عقرب اسم عربی است و به عربی قصل و به عبرانی فرزان و به یونانی شونیوش و جوسادی و به ترکی حبه و به فرنگی اسکورین و به فارسی کژدم و به هندی بچهو می‌نامند.

عقرب دارای اقسام و الوان گوناگونی است، مانند: سیاه و سبز و سرخ و زرد مایل به سفیدی، آنچه وقت حرکت دنباله خود را بلند دارد شیاله و آنچه بر زمین کتشد جواره نامند و این از شیاله کوچکتر و در سمیت قویتر و مهلک و در شهر اهواز زیاد وجود دارد. ^۱ و سمیت عقرب ماده قوی‌تر از نر آن است.

گزایندن عقرب بر غیر موضع عصب در رفع فالج مجرب دانسته‌اند و بهترین آن نر آن است و نشانش نخافت جثه و مطبری نیش آن است و ماده آن فربه و بزرگ و نیش آن باریک می‌باشد.

سرد و خشک است و می‌گویند طلای روغن آن جهت فالج و لقوه استرخاه و اوجاع

۱- زمک فارسی، دکتر سعید، ج ۳، ص ۲۹۶۶؛ الانبیه ص ۲۲۵؛ ابن الیثار، ج ۳، ص ۱۱۲۸؛ زمک، دارما، ص ۱۲۶۸
حینه، ج ۲، ص ۱۹۳۰؛ زمک فارسی، دکتر سعید، ج ۲، ص ۲۲۲۵.

مفاصل و کمر و غیر اینها نافع و اکتحاح خاکستر آن، سودهٔ تنها یا با نصف وزن آن سرگین موش جهت بصر و جرب و سلاق و با فلفل و زنجبیل و ادویهٔ حارّه مناسب جهت دفع بیاض و ناخنهٔ چشم انسان و غیر آن نافع است. قطور روغن آن جهت درد گوش بسیار نافع و برشتهٔ آن جهت سرفهٔ بارد کهنه و قرحهٔ آلات بول و رفع قولنج مفید است.^۱

عقرب بحری؛ ماهی صدفی خاردار است و سرش بزرگ و خاری سفید بر آن رسته و نیش آن حیوان است و گزیدن آن باعث سوزش عظیم می‌گردد و طلای آن جهت داء الثعلب مفید است.^۲

اگر کسی را عقرب بزند بیخ یا برگ حندقوقی را ساییده بر روی آن گذارند یا کرب و نوشادر بخورد یا رزی زخم بگذارد، نافع زهر عقرب است.^۳

عقیق

سنگ معروفی است که بزاق و صاف، وقتی که از کوه بیرون می‌آورند رنگ آن عقیق است و آن را می‌بزند تندتر می‌شود. سرخ و شفاف آن نوع اعلاء می‌باشد. آن عقیق که در آن خطهای رنگارنگ باشد، آن را جزع می‌گویند و آن جزع که فقط رنگ سیاه و سفید دارد آن را سنگ سلیمانی گویند و آن جزع که رنگ سبز و زرد دارد آن را الهسینیا نامند. رنگ مختلف آن عموماً سرخ و بزاقی، ذائقه بی مزه، مزاج سرد و خشک درجه دوم، مقدار خوراک از ۷۷۰ میلی‌گرم تا ۱ گرم و کشتهٔ آن از ۱۲۰ میلی‌گرم تا نیم گرم، مقام حصول آن بیشتر در یمن است، مصلح آن کتیرا و شکر سفید، مقوی و مفرّح قلب، مقوی بصر و خفقان را نافع است.

آویزان کردن بر روی قلب، خفقان را دور می‌کند. گشتهٔ آن میلان خون را می‌بندد، کثرت حیض، نفث الدم و در خفقان مفید است. بعضی اطبا آن را سرد و خشک دو درجه گفته‌اند برای گرده ضرر دارد، مصلح آن کتیرا، سرمهٔ آن بینایی را قوت می‌دهد، مالیدن آن دندان و لثه را قوی می‌کند، خون را می‌بندد و خوردن آن غم و غصه را دور می‌کند.^۴

۲- تحفة حکیم، ص ۱۸۴.

۱- معجم اعظم، ج ۳، ص ۲۱۷.

۴- بستان المفردات، ص ۱۱۹۹ المفردات، ص ۳۳۱.

۳- کتاب المفردات، ص ۱۱۹.

عقده

در کُتُب طبِ سُنّتی با نام انبرباریس آمده است. به فارسی زرشک و زارچ گویند و به اصطلاح عربی مصری «عقده» گفته می‌شود.

مشخصات:

درختچه‌ای است که بلندی آن ۴-۱ متر است. گل‌های آن زرد خوشه‌ای و آویزان می‌باشد. در میوه آن مقدار زیادی مالیک اسید و تارتاریک اسید یافت می‌شود که عامل ترشی میوه می‌باشد. البته کمی نیز قند وجود دارد. میوه این گیاه دو عدد دانه است. ترکیبات شیمیایی:

در پوست ساقه، برگ، گل، پوست ریشه و چوب گیاه آلکالوئیدهای بربرین، اوکسیاکانتین و برامین وجود دارد. در گل‌های آن بیشتر از آلکالوئید اکسیاکانتین و کمی اسانس مشخص شده است.

خواص - کاربرد:

از نظر خواص معتقدند که قابض است و مقوی کبد، قلب و صفراور است. مسکن حرارت معده، کبد و بند آورنده سیلان خون از بواسیر می‌باشد. از خونریزی مزمن جلوگیری می‌کند. مدرّ و تونیک تلخ است. دم کرده آن مقوی کبد سرد است.^۱

علف جارو

به فارسی در کتب مختلف با نام‌های خَلَنک، خَلانج و علف جارو آورده شده است.

مشخصات:

به شکل بوته یا درختچه است که گونه‌ای از آن جنگلی است که بلندی آن تا ۳ متر می‌رسد. گل‌های آن کوچک و صورتی به شکل زنگوله است. تکثیر این گیاه از طریق خوابانیدن یا قلمه زدن یا با کشت تخم آن انجام می‌گیرد.

ترکیبات شیمیایی:

در گونه‌ای از گیاه مواد آریکولین، کوئرسیتین و کوئرسیتانیک اسید مشخص شده است.

خواص - کاربرد:

مالیدن روغن شکوفه‌های آن برای تسکین درد مفاصل و رماتیسم نافع است. جوشانده شکوفه‌های خنک برای ضد عفونی کردن و معالجهٔ ورم مثانه و بیماریهای مجاری ادرار مفید است. از دم کرده برگ این گیاه برای کاهش سرفه و کمک به هضم غذا مصرف می‌کنند.^۱

علف ترنجبین

به فارسی خاربز، اشترخار و علف ترنجبین نامیده می‌شود. در کتب طب سنتی با نام «حاج» آمده است و به هندی جواسا گفته می‌شود.

مشخصات:

درختچه‌ای کوچک گسترده روی زمین که بلندی آن از نیم متر تا یک متر، خاردار است و کرکهای تیزی دارد. ریشهٔ آن بسیار عمیق می‌شود تا به آب برسد. دانه‌های آن در ابعاد ارزن و به رنگ سرخ است.

خواص - کاربرد:

از نظر خواص، این گیاه مدرّ و مسهل است و برای سینه بسیار خوب است. جوشاندهٔ آن معزّق است. مالیدن روغن برگهای آن برای رماتیسم خیلی نافع است و گل‌های آن برای بواسیر بسیار مفید است. عرق گیاه ترنجبین اگر مدتی با مداومت خورده شود، برای رفع سنگ کلیه و مثانه تا حدودی مؤثر است.^۲

۲ - معارف گامی، ج ۶، ص ۱۲۷.

۱ - همان، ج ۷، ص ۲۰۴، جوف انطو، ص ۲۵۱.

علف بواسیر

گیاهی است که در کتب طب سنتی با نام حشیشه الباسور یا حشیشه البواسیر آمده است.

مشخصات:

گیاهی است چند ساله، خیلی کوچک به بلندی ۷-۵ سانتی متر. برگهای آن همیشه از ریشه خارج شده و خیلی کوتاه، بیضی و دارای دندان‌های درشت شبیه بریدگی است و با دمبرگ دراز به ریشه متصل می‌شوند. ریشه آن متورم، برگهای آن را می‌توان مانند اسفناج پخت و خورد، زیرا این گیاه خیراکی است.

خواص - کاربرد:

ریشه علف بواسیر در یک دم کرده یا جوشانده: برای معالجه بواسیر به کار می‌رود.^۱

علف آهوی سفید

به فارسی «اون»، «علف آهوی سفید» و زبان گنجشک کاذب و در کتب طب سنتی با نام لسان العصافیر کاذب نام برده می‌شود.

مشخصات:

گیاهی است چند ساله: بلندی آن ۱۰۰-۴۰ سانتی متر، برگهای آن مرکب دارای ۱۵-۷ برگچه و هر برگچه بیضی ترک تیز شبیه برگ زبان گنجشک معمولی، بسیار معطر و پوشیده از کرکهای چسبناک است. ریشه این گیاه در طب سنتی مصرف دارویی دارد و از پوست ریشه و گاهی نیز از برگ آن استفاده می‌شود.

۱- همان ج ۷، ص ۲۶۰، محیط اعظم، ص ۳۰۵.

ترکیبات شیمیایی:

در ریشه این گیاه آلکالوئید سمی متیلوری به نام دیکتافین و مواد دیگری به نام کولین، تری کونین، اوباکولاکتون و اسانس روغنی فراز یافت می شود. در برگهای گیاه نیز مواد دراگن درف، پوس، اسکیمیانین و مقدار کمی دیکتامین وجود دارد.

خواص - کاربرد:

در هند از پوست ریشه این گیاه که معطر و تلخ است در موارد تبهای نوبه‌ای، بیماریهای عصبی، هیستری یا در کمی ترشحات عادت ماهیانه در مواقعی که به طور طبیعی باید باشد، توصیه می شود. در هند و چین و مالایا جوشانده ریشه این گیاه در مواردی مانند: ناراحتیهای پوست و جرب تجویز می شود.^۱

عَلَش

به فارسی جو گندم، گندم رومی و در کتب طب سنتی با نامهای خندروس، عَلس و سَلْت ذکر می شود.

مشخصات:

خندروس به پوست گندم چسبیده است و آنها را باید با آسیاب خاصی جدا ساخت و سنبله‌های آن خیلی شل است. دانه‌های گیاه پهن‌تر از سایر غلات است و دارای بافت شاخی یا استخوانی است. و گاه آن نیز بیشتر از سایر غلات و مجوف و توخالی و غشای آن ضخیم‌تر است.

خواص - کاربرد:

بلغم و خون جامد را تحلیل می برد و قابض است و ثقیل و نفاخ می باشد، مواد مغذیه آن زیاد و برای سل و اسهال نافع است. اگر آب پخته آن را صاف کرده تنقیه نمایند، برای زخم روده‌ها مفید و جاننشین ذرت است.^۲

۱- معارف گیاهی، ج ۶، ص ۱۷۱، تبذره، ص ۲۰۰.

۲- معارف گیاهی، ج ۱، ص ۳۴۱، محیط اعظم، ص ۳۱۰.

عکوب بستانی

به فارسی کنگر فرنگی و آرتیشو می نامند. در کتب طب سنتی با نامهای حرشف بستانی، کنگر بستانی، عکوب بستانی و خرشوف نام برده شده است.

مشخصات:

کنگر فرنگی گیاهی است پایا، دارای برگهای پهن دراز و به اندازه کاهو یا بزرگتر از آن؛ دارای بریدگیهای عمیق ولی رنگ برگها غبازی و سبز تیره، ساقه راست عمودی که تا یک متر ارتفاع آن می رسد. گلهای آن آبی و بنفش و میوه آن قهوه‌ای درخشان که انتهای آن تارهای سفید دیده می شود. تکثیر آن از طریق کاشت بذر یا پاجوش ریشه دار آن انجام می شود.

ترکیبات شیمیایی:

در قاعده گلبرگهای متورم و خوردنی گیاه ماده اینولین یافت می شود که در رژیم غذایی بیماران قند مصرف مفید دارد و به علاوه این گیاه دارای کوفیتول و اینولاز و سینارین است.

خواص - کاربرد:

در عصاره برگ و ساقه گیاه کنگر فرنگی ماده‌ای وجود دارد که ماده عاملی برای تنظیم اعمال کبد است و برای افزایش ترشح صفرا، تقویت اعمال کبد و جلوگیری از تجمع چربی در کبد مؤثر است. در هندوستان برگهای کنگر فرنگی به عنوان مدرّ و برای رفع استسقا و رماتیسم تجویز می شود.^۱

عکنه

به فارسی گل حسرت گفته می‌شود و در کُتُب طب سنتی و بازار دارویی با نام سورنجان، عکنه و سورنگان نامیده می‌شود. نام دیگر آن حسرت نیز می‌باشد.
مشخصات:

گیاهانی هستند چند ساله که در چمنزارها و مراتع مرطوب و خاکهای سبک می‌رویند. وجه تشخیص آنها پیاز غده مانند سفت زیرزمینی آنهاست که از یک غشای متورم که ادامه ساقه هوایی گیاه است پوشیده شده و در مورد غده‌ای از ارقام گیاه میاه رنگ است و در حقیقت تورم ریشه پیاز نیست که مانند پیاز رسمی ورقه ورقه داشته باشد، بلکه تورم سفتی آن را تشکیل می‌دهد، مانند پیاز یا غده زعفران. برگهای آن باریک، دراز، خطی، بیضی شکل و نوک نیز و معمولاً در بهار ظاهر می‌شوند.

ترکیبات شیمیایی:

در تورم ریشه این گیاه آلکانوئیدی به نام کوشی سین وجود دارد. به علاوه در آن مقداری مواد نشاسته‌ای و لعاب و کمی قند نیز وجود دارد.

خواص - کاربرد:

از غده گیاه به مقدار محدود در استعمال داخلی به عنوان بادشکن، مسهل، افزایش دهنده نیروی جنسی، نیروبخش و برای معالجه نقرس و رماتیسم و در موارد بیماریهای کبد و طحال و ... کاربرد دارد.^۱

علف دندان

به فارسی علف دندان و در کُتُب طب سنتی با نام حشیمة الاسنان آمده است. به هندی چیترا و چیتراکا گویند.

مشخصات:

گیاهی است علفی چند ساله، بلندی ساقه آن ۱-۴/۰ متر، برگهای آن بیضی و موجی، باریک و خمیده، ریشه آن با طعم تند و گزنده در طب سنتی بیش از سایر اعضای گیاه مورد توجه است و کاربرد دارد.

این گیاه در مناطق پاییز و سواحل خشک اروپا در منصقه مدیترانه و در ایران در مناطق شمال کشور در آذربایجان و در کردستان و خراسان به طور خودرو دیده می شود.

ترکیبات شیمیایی:

در ریشه این گیاه وجود تانن، نشاسته، اسیدهای آلی و گلوکوزیدی به نام یلومباژین تأیید شده است. طعم سوزاننده و گزنده ریشه این گیاه مربوط به وجود گلوکوزید فوق است.

خواص - کاربرد:

ریشه این گیاه روی پوست اثر قرمز کننده و تحریک کننده دارد و ایجاد تاول می کند. ضماد ریشه گیاه روی عضو موجب تسکین دردهای لومباگو، سیاتیک و در بیماریهای پوستی مانند جرب و کچل مؤثر است.^۱

علف خونی

به فارسی رسگک گویند. در بعضی از کتب با نام علف خونی ذکر شده و در شیراز گونه ای از آن را قیطره می نامند.

مشخصات:

گیاهی است چند ساله، بلندی آن ۱۰۰-۴۰ سانتی متر حتی تا ۱/۵ متر نیز می رسد. رنگ زیر برگها سبز تیره مایل به آبی است. گلهای آن به رنگ ارغوانی تیره می باشد.

خواص - کاربرد:

علاوه بر ایران در چین نیز می‌روید^۱ و از داروهای مفید و مؤثر و مورد استفاده در چین است. ساقه زیرزمینی و ریشه گیاه دراز، دارای طعم قابض و کمی تلخ و به عنوان قابض و برای قطع خونریزی و التیام زخم و ضد سم در چین قدیم کاربرد داشته است. از برگهای آن مانند چای دم کرده می‌خورند و معتقدند که برای کاهش تب و خنک کردن مفید است.^۱

علف خنازیر

به فارسی زردان، زردان خاردار و در کتب مختلف حشیشه الخنازیر نیز آمده است.

مشخصات:

گیاهی است یک ساله، رگهای آن پهن بدون تیغ و به شکل پیکانی در آمده است. میوه آن فندقه تخم مرغی دراز است.

ترکیبات شیمیایی:

در روغن چربی که در دانه گیاه وجود دارد اولئیک اسید، لینولئیک اسید، رزین، ویتامین C و گلیکوزیدی به نام گزانتواسترومارین یافت می‌شود. در دانه‌ها اکسالیک اسید نیز هست.

خواص - کاربرد:

میوه آن به عنوان معالجه سرماخوردگی و رماتیسم و در استعمال خارجی برای ناراحتی‌های پوستی خنازیر و جرب و خارش تجویز می‌شود. تونیک، ضد خنازیر، ضد رماتیسم، ضد تب، مالاریا و مدر است. معرق و مسکن و آرام بخش، ضد تشنج و... می‌باشد.^۲

۲- مدرف گیاهی، ج ۳، ص ۱۹۶.

۱- همان، ج ۷، ص ۱۵۹؛ محیط اعظم، ص ۲۱۷.

علف خرگوش

در کتب فارسی بوسیر، بوسیر و در برخی مناطق ایران علف خرگوش و گل خرگوشک و... گویند. در کتب طب سنتی با نامهای قلو عس و... آورده شده است.

مشخصات:

گیاهی است دو ساله که بلندی آن تا ۲ متر می‌رسد. گل‌های آن خیلی کم دوام و پوشیده از تارهای پنبه‌ای سفید، زرد و حنایی و در بعضی ارقام قرمز و سفید است. برگها آن در قسمت پایین بزرگ موجدار، بیضی، نوک تیز، بدون دم‌برگ ساقه را در آغوش می‌گیرد.

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی در برگهای بوسیر (علف خرگوشک) وجود یک ماده تلخ و مواد ساپونین تأیید شده است و به علاوه آلفا - کاروتن، اسانس و رزین و لعاب فراوان دارد.

خواص - کاربرد:

از برگها برای معالجه آسم و سایر ناراحتیهای ریوی استفاده می‌شود. برگهای آن را دم کرده و با روغن آغشته می‌نمایند و روی مواضع متورم می‌گذارند، فروکش می‌کند. برگها و ریشه آن قابض و برای نرم کردن سینه مفید است. دانه آن مخدر است و برای تقویت نیروی جنسی استفاده می‌شود. از ریشه آن به عنوان ضد انگل و کرم استفاده می‌شود. از نظر طبیعت نیز علف خرگوش خیلی گرم و خشک است.^۱

علف خر

در کتب فارسی گل مغربی و علف خر ذکر شده و در کتب طب سنتی با نام عربی آن حشیشه الحمار آورده می شود.

مشخصات:

گل مغربی گیاهی است دو ساله، پوشیده از تار، برگهای آن بزرگ، ساده، کامل، متناوب بدون دمبرگ، نوک تیز دندانه دار و موج دار، گلها به شکل قیف یا شیپور به رنگ زرد که معمولاً غروبها باز می شود و مدتی باز می ماند و به این علت آن را گل مغربی گویند.

خواص - کاربرد:

ریشه پخته شده اش را می خورند و جوشانده سیره و برگ آن را به عنوان تصفیه کننده خون استفاده می کنند. گامالینولنیک اسید که در دانه های آن است بدن را تبدیل به مواد مهمی می نماید که در تنظیم فعالیتهای حیاتی بدن از جمله در تنظیم فشارخون و سیستم عروقی قلبی و تنظیم دوره های عادت ماهیانه و... نافع است.

علف چشمه

این گیاه در آذربایجان «بولاغ اوتی»، در نائین «سنماچو»، در خرقان «گورتین» و در سایر مناطق آب تره، علف چشمه و در کتب طب سنتی با نامهای جرجیر آبی و ذرة الماء نام برده می شود.

مشخصات:

گیاهی است پایا و آبزی و معمولاً در چشمه سارها و مجاری آب باریک و گاهی در باتلاقها می روید. گلهای آن سفید خوشه ای است. تکثیر آن از طریق بذر یا کاشت قطعات ریشه دار ساقه آن انجام می شود. ولی در محل کاشت آن باید دنیماً آب جاری و زلال بگذرد.

ترکیبات شیمیایی:

در گیاه وجود گلوکوزید و اسانس روغنی و در هر ۱۰۰ گرم گیاه خشک ۰/۰۱۲ میلی گرم آرسنیک تأیید شده است. گلوکوزید آن گوگرد دار به نام گلوکوناستورین می باشد و مواد معدنی آهن، ید، کلسیم،... و ویتامین ها در آن یافت می شود.
خواص - کاربرد:

در کشورهای چین، هند و اندونزی از سوپ آن که با گوشت خوک تهیه می کنند برای رفع سرفه های حادث از ناراحتی ریه و تورم و جراحی های گلو مصرف می شود و به عنوان مدز و ضد اسکوربوت یعنی برای رفع عوارض کمی ویتامین C استعمال می شود.^۱

علف چتری

گونه ای از یک گیاه است که در منازل به عنوان گلدان زینتی کاشته می شود و به آن علف چتری گویند، زیرا برگ های آن مانند چتر است و هر چند برگ آن از یک نقطه خارج می شود.

مشخصات:

گیاهی است چند ساله، به بلندی ۹۰-۳۰ سانتی متر، ساقه گیاه دارای سه گوش است، ریشه های این گیاه باید همیشه در آب باشد به طوری که اغلب مردم جنگلها را علفهای هرز یا باتلاقها می دانند. تکثیر این گیاه با کاشت غده های آن انجام می شود.

ترکیبات شیمیایی:

در گیاه یک اسانس مشخص شده است که مقدار آن در حدود ۰/۵ درصد آن است و شامل پینن، مقدار کمی سیثول، سمکی نرین و یک انکل جدید به نام ایزوسی پرون می باشد.

خواص - کاربرد:

در هند قسمت زیرین متورم گونه خوراکی گیاه محرک و افزایش دهنده نیروی جنسی است. غده دارای طعم کمی تلخ و معطر است و در اسپانیا به عنوان محرک و مقوی معده و قاعده آور خورده می شود.^۱

علف چای

در کتب طب سنتی هوفاریقون، داذی رومی، گل راعی و قوریون و به فارسی علف چای و گل هزار چشم و چای کوهی نام برده می شود.
مشخصات:

هوفاریقون گیاهی است چند ساله علفی با برگهای متقابل بیضی کمی دراز، در پهنه برگها صدها نقطه شفا غیر جاجب ماوراء که شبیه سوراخ است، دیده می شود. گلها به رنگ سفید یا زرد به صورت منفرد در قلعه ساقه به طور گروهی و مجتمع به صورت چتری در بالای گیاه ظاهر می شوند. گل آن کمی معطر و دارای بویی شبیه صمغ صنوبر است. میوه آن به شکل کپسول است که در داخل آن تخمها جای دارند.

ترکیبات شیمیایی:

در برگها و سرشاخه های گلدار این گیاه اسانس روغنی فرار و یک نوع گلوکوزید به نام هایپرین و یک ماده قرمز رنگ به نام هایپریسین، بخصوص در تخم آن مشخص شده است.

خواص - کاربرد:

در نقطه های روشن برگ غده هایی وجود دارد که مملو از شیره قرمز رنگ مایل به قهوه ای است. از این شیره به عنوان مؤثرترین دارو برای التیام زخمها، سوختگی ها و

۱- معارف گیاهی، ج ۱۶، ص ۳۵۲؛ حیدر، ص ۲۰۵.

مالیدن به محل‌هایی از بدن که پوست آن کنده شده است، استفاده می‌کنند. برگ‌های این گیاه برای اسب مسموم کننده است. از این گیاه به‌عنوان قابض، ضد کرم معده و روده، قاعده‌آور، مدرّ و محلّال استفاده می‌کنند.^۱

علی جونک

در کرج ارفک، در میانه یدرّخ، در کویر انارک، چهل چشمه و سایر مناطق فارس علی جونک و «علی جون» گفته می‌شود. در بعضی کتب آن را ریش بز نوشته‌اند.

ترکیبات شیمیایی:

در گیاه کم و بیش دارای آلکالوئیدهای معروف افدرین هستند در گونه‌ای دیگر از این گیاه نیز آلکالوئیدهای افدرین و بزودوافدرین وجود دارد.

خواص - کاربرد:

در هند از عصارهٔ آبی گیاه که طعمی تلخ و قابض دارد برای کنترل حمله‌های آسمی استفاده می‌شود. تنطوری گیاه برای تقویت قلب و تحریک جریان گردش خون تجویز می‌شود. عصارهٔ میوه‌های افدری برای رفع ناراحتی‌های مجاری تنفسی مؤثر است.^۲

علک البطم

درختی است که در کتب طب سنتی و کتب قدیم با نام‌های بطم افصد، بنگ و کسوون آمده است. از این درخت سقزی گرفته می‌شود. این سقز را در کتب طب سنتی با نام علك البطم نام می‌برند.

۱- معارف گیاهی، ج ۱۵، ص ۲۸۲.

۲- معارف گیاهی، ج ۶، ص ۱۰۱ (۱۵ محیط اعظم، ص ۳۷۰).

رزی برگهای درخت سقز گانهایی ایجاد می شود که دارای مقدار زیادی تانن است و در دباغی به عنوان دارو کاربرد دارد.

ترکیبات شیمیایی:

سقزی که از این درخت حاصل می شود، رزین و روغنی است و دارای اسانس روغنی فرار و ترکیباتی شبیه تربانتین است.

خواص - کاربرد:

دم کرده پوست آن برای شست و شوی ورم ها و تحلیل ورم مفید است. اگر برگ خشک آن را بکوبند و با آب مخلوط کنند، به جای خضاب کاربرد دارد و اگر با سرکه مخلوط کنند برای رویانیدن و نرم کردن موی سر مفید و مؤثر است و خاکستر چوب آن برای جلوگیری از ریختن موی سر مفید است.^۱

علقم

به فارسی هندوانه ابو جهل و خریزه روپاه و در کتب طب سنتی با نامهای حنظل و علقم و... آمده است.

مشخصات:

گیاهی است چند ساله، ساقه های آن گسترده روی زمین یا پیچکدار و بالا رونده، برگهای آن متناوب بسیار بریده و دارای برگهای ثانوی و در نهایت کناره برگها نیز با دندانه پهن است. میوه آن مدور، به رنگ زرد و به بزرگی یک یرتقال است.

ترکیبات شیمیایی:

در این گیاه وجود یک ماده تنخ و گلوکزید کولوستین گزارش شده است. ریشه آن دارای مواد آلفا - لاترین، هنتوریاکوتان و چند ساپونین می باشد.

خواص - کاربرد:

این میوه به عنوان دارو مصرف می شود و از خینی زیاد گرم و خشک است و از نظر خواص مسهل بسیار قوی بلغم است و جاذب اخلاط بلغمی از اعماق بدن و عامل اخراج آنها می باشد.

برای بیماریهای سرد سیر مانند سردرد، درد شقیقه، لقوه، صرع و فراموشی مفید است.^۱

علف هفت بند

به فارسی دم اسبی، دم اسب و عنف هفت بند گویند. در کتب طب سنتی با نامهای ذنب الخیل و ذنب الفرس نام برده شده است.
مشخصات:

از گیاهان بی گل و نهانزادان آونددار چند ساله هستند. گیاه دو نوع ساقه هوایی دارد، ساقه های بارور که رنگ آنها قرمز بدون سبزینه و دیگری ساقه های نازا که پس از آن ظاهر می شوند و رنگ آن سبز و کمی پهن تر است. گیاه از علفهای هرز اجوج و مبرم است که معمولاً در نقاط مرطوب در جوی ها و باتلاقها می روید.
ترکیبات شیمیایی:

در این گیاه وجود روغن چرب، سیلیسیک اسید، لینولئیک اسید، اکیستونین، اکیستیک اسید و اکیستین تأیید شده است.

خواص - کاربرد:

در آلمان از این گیاه به عنوان مدرّ و بندآورنده خون استفاده می شود. در موارد استسقا، سنگ کلیه و ناراحتی های کلیوی تجویز می شود. خاکستر این گیاه برای رفع اسیدی معده و سوز هاضمه استفاده می شود.^۲

۱- همان، ج ۳، ص ۱۱۷۶ - همان، ص ۳۰۰

۲- همان، ج ۶، ص ۴۹۴ - همان، ص ۴۰۱

علف مبارک

در کتب طب فارسی قدیم با نامهای بیخ شب بو و علف مبارک و در کتب طب سنتی به عربی آن حشیشه المبارکه آمده است.

مشخصات:

گیاهی است علفی، چند ساله و گسترده روی زمین، اندام گیاه پوشیده از تارهای زبر و برگهای دندانه دار است. گلهای آن زرد ریزوم و یا ساقه زیرزمینی آن کمی ضخیم و سطح آن ناصاف و پوشیده از ریشک می باشد. رنگ قسمت خارجی ساقه زیرزمینی قهوه ای تیره، کمی معطر شبیه بوی میخک و طعم آن تلخ و قابض است.

ترکیبات شیمیایی:

در ساقه زیرزمینی و یا به اصطلاح بیخ گیاه وجود اسانس روغنی فراز شامل اوژنول و همچنین گلوکوزید ژئین و آنزیم تأیید شده است. بعلاوه دارای مقدار زیادی تانن است.

خواص - کاربرد:

به عنوان مقوی و تونیک و قابض و برای جلوگیری از خونریزی و بند آوردن اسهال و رفع ترشحات سفید زنانگی، التهاب حلق و در موارد اسهال خونی استفاده می شود. فرآورده های ساقه زیرزمینی آن برای رفع دردهای ماهیچه ها و تقویت اعصاب و به عنوان تب بر بسیار مفید است.^۱

علف گربه

به فارسی سنبل الطیب و علف گربه و در کتب طب سنتی سنبل هندی و سنبل الطیب نام برده شده است.

مشخصات:

گیاهی است علفی چند ساله و عمودی و بلندی آن تا ۲ متر است. ساقه آن استوانه ای

و پرز دار است. برگهای آن متقابل و گلها صورتی می باشد. ریشه ها به صورت افشان به ساقه های زیرزمینی آن متصل است.

ترکیبات شیمیایی:

در این گیاه وجود اسانس روغنی فرّار، گلوکوزید و تعدادی آلکالوئید گزارش شده است.

خواص - کاربرد:

خیسانده ریشه علق گربه در آب و یا از تنطور آن به عنوان ضد اسپاسم و آرامبخش و مسکن و ضد هیجان و در برخی موارد به عنوان تب بر استفاده می شود. ریشه این گیاه به عنوان محرک، بادشکن و ضد عفونی کننده، ضد هیجان، ضد صرع و ... کاربرد دارد.^۱

علیق

به فارسی به طور کلی تمشک و با نامهای محلی خاص نامیده می شوند از جمله در رودسر و رامسر تمشک و تموش، در نوع کم، در گیلان «ولش - لوش» در کردستان «توزکشا». در کتب طب سنتی با نامهای گیبه کوهی، عُلِق و عُلِق الجبل آمده است.

مشخصات:

گیاهی است چند ساله با شاخه های کوتاه، ساده، کمی پوشیده از تیغهای تیز و برگهای سبز پوشیده از کرک. این گیاه در لاهیجان می روید و در هندوستان در ناحیه تبت از کشمیر تا کوماثون به طور خودرو انتشار دارد.

ترکیبات شیمیایی:

در برگهای آن وجود لاکتیک اسید، سوکسی نیک اسید، مالیک اسید، تانن و آلبومی نئیدی تأیید شده است. در میوه های گیاه سیانیدین، مونوگلوکوزید یافت می شود.

خواص - کاربرد:

در هندوستان جوشانده ریشه گیاه برای لینت و رفع اسهال خونی خورده می شود و در موارد حمله های سخت سرفه و برای تسکین سیاه سرفه بسیار نافع است از دم کرده برگهای گیاه برای قطع اسهال و بند آوردن برخی از خونریزیها مصرف می کنند.^۱

عمار

به فارسی «مورد» و «مورت» و در کتب مختلف با نامهای آس، آس بستانی، عمار، هُدسی و قُمام نام برده شده است. به هندی اردو و هیولاس گویند. تخم یا دانه آن را در کُتب طب سنتی حب الّاس نام می برند.

مشخصات:

درختچه ای است همیشه سبز و ناخزان، به بلندی حدود ۳ متر، برگهای آن متقابل، بیضی، نوک تیز، کامل، جرمی، براق به رنگ سبز تیره بسیار زیبا و معطر که طول هر برگ ۵-۲/۵ سانتی متر است. تکثیر گیاه از طریق کاشت بذر و خوابانیدن و قلمه آن انجام می شود.

ترکیبات شیمیایی:

برگ گیاه دارای اسانس روغنی فراوان است که شامل میرتی نیل استات، میرتنول و سینئول می باشد. میوه گیاه دارای تانن، اسانس، رزین، کمی از قندها و اسیدهای آلی است.

خواص - کاربرد:

در هند برگهای گیاه به عنوان قابض مورد توجه است و برای ناراحتی های مغزی، بخصوص صرع و برای سوء هاضمه و بیماریهای معده و کبد تجویز می شود. از نظر خواص معتقدند که اسانس گیاه فرح آور و مقوی قلب است. اکتحال آن دید چشم را افزایش می دهد.^۲

۱- معارف گیاهی، ج ۲، ص ۱۸۹ محیط انجم، ص ۴۰۵.

۲- همانجا، ج ۱۷، ص ۳۱۰ - همان، ص ۴۵۰.

عنب الثعلب

عنب ثعلب گیاهی است دارای برگهای پهن و گل‌های خوشه‌ای، ریشه آن دارای غده‌هایی به درشتی فندق است و مادهٔ ثعلب که در ساختن بستنی و شیرینی و بعضی چیزهای دیگر مصرف می‌شود، از خشک‌کنیدن و آرد کردن آن غده‌ها به دست می‌آید. در میان کرده‌ها جوشاندهٔ آن را برای رفع سرما خوردگی و اسهال تجویز می‌کنند.^۱

پوست دکمه این گیاه را کنده و خود پوست را در آب گرم کرده بعد خشک می‌کنند. این غده‌ها سخت، سفید و منشعب بوده، در آب گذارند چسبناک می‌گردد. ریشهٔ این گیاه مین و مغذی بوده، دم‌کرده‌اش برای گرفتگی گوش خوب است.^۲

به فارسی تاج‌ریزی، روباه توزک و انگور روباه و در کتب طب سنتی با نامهای عنب‌الثعلب و عنب الثعلب مُجنن نام برده شده است.

مشخصات:

گیاهی است عنقی، یک ساله، کوتاه، بلندی آن کمتر از نیم متر است. گل‌های آن سفید و در طول ناپستان ظاهر می‌شود. این گیاه در اروپا و آسیا در هندوستان و بعضی نقاط آمریکای شمالی به‌طور خودرو می‌روید. در ایران در گرگان، بندرگز، در مازندران در بابل، در گیلان، لاهیجان، جنوب هشت پر، آذربایجان و فارس دیده می‌شود.

ترکیبات شیمیایی:

در گیاه و در میوه‌های آن آلکالوئید سولانین و ساپونین وجود دارد. در گزارش دیگری آمده است که در گیاه سولانین و ساپونین و روغن شامل دی‌هایدروکسی استئاریک اسید و لینولئیک وجود دارد.

خواص - کاربرد:

تخم و سر شاخه‌های گلدار گیاه برای اسهال خونی نافع است و هجوم خون در یک

عضو را از بین می‌برد و پراکنده می‌کند. در هند از ریشه گیاه برای نرم کردن سینه و از برگهای خشک آن برای تسهیل در تخلیه مزاج استفاده می‌شود. در اندونزی از عصاره میوه رسیده آن برای معالجه زخم چشم مرغان استفاده می‌شود.^۱

عناب

عناب قلب را جلا می‌دهد و برای اصلاح کبد و صفرا مفید است. عناب را بکوبید و روی آن آب گرم بریزید و بگذارید یک شب تا صبح خیس بخورد صبح آن را صاف کرده و میل کنید در مبارزه با گلسترن معجز می‌کند.^۲

اعراب درخت عناب را سوزانیده خاکستر آن را با سرکه مخلوط می‌کنند و هنگامی که مار کسی را مجروح کرد مخلوط خاکستری عناب و سرکه را روی جراحت مار گزیده می‌گذارند.^۳

عناب را با انجیر و کشمش و خرما به اندازه مساوی مخلوط کنید و بجوشانید و از جوشانده این چهار میوه شربت مخصوص سینه تهیه می‌شود. میوه تازه بسیار مغذی است وقتی خشک شود دارای خواص نرم کننده سینه، تسکین دهنده، ادرار آور و برای سینه مفید است.

همچنین در مواقع بروز زکام، برونشیت و تحریکات روده مصرف می‌شود. از عناب نوشابه تسکین دهنده و تصفیه کننده خون برای درمان عفونت‌های تورهی گلو، برونشیتها، روده‌ها یا مجاری ادرار تهیه می‌کنند.^۴

عناب کمی ملین و اخلاط را رفع و گرفتگی صدا را باز کرده، درمان سرفه است.^۵ اگر جوشانده عناب را میل نمایند جهت سردرد مفید می‌باشد.

عناب درختی است خاردار، بلندیش تا شش متر می‌رسد، برگهایش بیضی و دندانه

۲- اسرار خوراکیها، ص ۱۲۸.

۴- همان، ص ۱۵۰.

۱- معارف گیاهی، ج ۵، ص ۴۷.

۳- گلها و گیاهان شفا بخش، ص ۱۵۳.

۵- اسرار خوراکیها، ص ۱۲۸.

دار، چوب آن سرخ رنگ و سخت، میوه‌اش کوچک و گرد و خوش طعم و شیرین و دارای هسته و سخت شبیه سنجد، در پاییز می‌رسد، تازه خشک کرده آن را می‌خورند و در میان کرده‌ها جوشانده آن را برای نرم کردن سینه و دفع سرفه به مصرف می‌رسانند.^۱

ساقه عنب راست ولی شاخه‌های تاهموار و خاردار دارد برگهای آن کوچک، بی کرک و شفاف می‌باشد گنهای آن کوچک، زرد رنگ و شامل دمگل بسیار کوتاهی است و میوه‌اش پس از رسیدن شفاف و رنگش قرمز می‌شود و طعم شیرین و مطبوعی دارد. عنب را با انجیر، کشمش و خرما به اندازه مساوی مخلوط کرده و می‌جوشانند و از جوشانده این چهار میوه شربت مخصوص سینه تهیه می‌کنند. میوه تازه آن بسیار مغذی است و وقتی خشک شود دارای خواص زیادی می‌شود.^۲

درخت عنب، در منطقه وسیعی از ایران تا ژاپن می‌روید، بعضی از نژادهای آن نیز عاری از خار است. عنب برای اشخاصی که دستگاه هضم حساس دارند مناسب است.^۳

عنب - سرخاب

گیاهی است که به فارسی به نامهای محلی آن سرخاب کونی، سرخاب و در برخی مدار با نام عنب آمریکا نام برده می‌شود.

مشخصات:

گیاهی است پایا، علفی، با ساقه‌هایی که در قسمت پایین خشبی است. ریشه آن ضخیم، گوشتی و سمی است و به عنوان قی آور و مسهل به کار برده می‌شود. این گیاه بومی آمریکای شمالی است و در ایران در تمام مناطق شمال در گیلان در اطراف شفت، اطراف رشت، چالوس، رامسر، بندر انزلی، در گرگان نزدیک بندرگز دیده شده است.

۲- گلها و گیاهان مغذی، ص ۱۵۷-۱۵۶.

۱- طب سنتی در میان کرده‌ها، ص ۱۲۸.

۳- گیاهان دارویی، دکتر علی زرگری، ج ۱.

ترکیبات شیمیایی:

در ریشه گیاه ماده سمی فعال وجود دارد و در گیاه گلوکوزیدی به نام فیتولاکسین که نوعی ساپونین است یافت می شود. به علاوه از گیاه رزین و مواد بکتیکی جدا شده است.
خواص - کاربرد:

برگهای تازه و جوان گیاه در فصل بهار برای بیماریهای پوستی و زخمهای سیفلیسی و خنازیر و آگزما بسیار مفید است. اگر دم کرده ریشه آن را روی پوست بریزند خارش را دفع می کند. ضماد برگهای آن برای رفع تراکم شیر در پستان، ورم و سفید شدن پستانها مفید است و خورد شده ریشه آن به صورت ضماد برای سرطان پستانها نافع است.^۱

عنب الدب

آن را انگور خرس نیز می نامند که در ردیف گیاهان دارویی قابض و دارای خواص مشابه گونه های قره قاط است.
مشخصات:

درختچه کوچکی است که برگهای آن ضخیم و چرمی شیه برگ شمشاد، بیضی، کمی دراز و به طور کلی گروهی است. گلهای آن کوچک مانند برخی از گونه های قره قاط، سفید صوری، میوه آن گرد کوچک و قرمز رنگ و از گیاهان دارویی آمریکای شمالی است.

ترکیبات شیمیایی:

در برگهای آن موارد آربوتین و اورسون وجود دارد و نیز تانن و هایپیرین و ... دارد.

خواص - کاربرد:

از نظر طبیعت سرد و خشک است و برای آن خواصی قائل اند از جمله: میوه آن را برای قطع خونریزی از سینه نافع می دانند. دم کرده برگ این گیاه و میوه آن برای بیماری قند و رفع فشارخون و در مورد تورم قولون و رفع اسهال مفید است.^۲

۲ - همان ج ۲، ص ۴۰۹.

۱ - عارف کتاب، ج ۷، ص ۴۰۹؛ صیدنا، ص ۲۷۰.

عنبر

عنبر درخت کوچکی است که منشأ اصلی آن در هند و گویان و جنوب ایران بخصوص در خازک و بلوچستان است. از گل آن عطری می‌گیرند مطبوع و معطر، که همان عنبر معروف باشد. در بلوچستان به این گیاه بازر گویند.^۱

عنبر درختی است از تیره انجیلی‌ها که به حالت وحشی در برخی نواحی یونان و ترکیه و سوریه رویده می‌شود و چون درخت زیبایی است، به‌عنوان زینت در باغها غرس می‌کنند. ارتفاع گونه‌های این درخت بین ۴۰ تا ۵۰ و گاهی تا ۶۰ متر می‌رسد. و به جهت تزئین خیابانها نیز به کار می‌رود.

اخیراً گونه‌هایی از این درخت را در ایران نیز پرورش می‌دهند. برگهای آن بزرگ و پنجه‌ای و شامل ۵ تا ۷ تقسیم نامساوی است. از اختصاصات این گیاه، وجود مجاری ترش‌حی در کناره داخلی هر دسته آوندی و سلولهای ترش‌حی پراکنده در ناحیه پوست است.

از سلولهای ترش‌حی این گیاه سقزهای روغنی به دست می‌آید که از آن موادی از قبیل استورزینول و اسید سینامیک و وانیلین به دست می‌آورند. به علاوه سقز روغنی این گیاه جهت ضد عفونی کردن و التیام رخمها و مداوای جرب و در استعمال داخلی جهت کم کردن ترشحات قصبه الریه به کار می‌رود. گونه‌ای از این درخت در نواحی مختلف آمریکا می‌روید و سقز روغنی مستخرج از آن را به نام سقز روغنی آمریکایی می‌نامند.

عنبر ماده‌ای چرب، خوشبو، کدر و خاکستری رنگ و رگه‌دار که از روده یا معدۀ ماهی گرفته می‌شود. این ماده در عطر سازی به کار می‌رود. وزن قطعات عنبر مستخرج از داخل روده و معدۀ ماهی بین ۰/۵ تا ۱۰ کیلوگرم و گاهی بیشتر (تا ۲۰ کیلوگرم) است. تولید عنبر در داخل دستگاه گوارش ماهی به واسطه ترشحات سیاه رنگ جانور نرم تنی به نام ماهی مرکب است که مورد تغذیه این حیوان است.

بوی مطبوع این ماده سیاه رنگ در داخل دستگاه گوارش ماهی عنبر حفظ می‌شود و

۱- طب البیه، ص ۱۹۲ تا ۱۹۸، ص ۲۹۸؛ ابن بیطار، ج ۳، ص ۱۳۴؛ صیدنه، ج ۲، ص ۹۳۱

حتی پس از مرگ ماهی عنبر، بوی مطبوع عنبر در داخل دستگاه گوارش محفوظ می ماند.

معمولاً ماهی عنبر را در دریا‌های شمال و اطراف ژاپن و گاهی در دریا‌های مجاور جاوه و سوماترا شکار می کنند. و پس از شکافتن شکم از داخل معده و روده اش عنبر را استخراج می نمایند. و هر قدر ماهی مرکب بیشتری مورد تغذیه این حیوان واقع شده باشد، مقدار عنبر موجود در داخل دستگاه گوارش ماهی عنبر بیشتر است.^۱

عنبر جامد

عربی آن اصطرک و هندی اوصطورک است. نوعی رزین جامد است که از درختی گرفته می شود.

مشخصات:

درختچه کوچکی است که برگهای آن شبیه درخت «به»، نظیر سایر گونه های فوق می باشد. از این درختچه عنبر جامد گرفته می شود. عنبر جامد صمغ رزینی جامدی است که به صورت توده قرمز درخشان در بازار عرضه می شود که در داخل توده، دانه های کوچکی به رنگ مایل به سفید به طور غیر منظم جای گرفته است. خوشبو است و دارای بویی شبیه وانیل می باشد. این درخت بومی روسیه و آسیای صغیر است. کاربرد آن در درجه پایین تر از عنبر مایع است.^۱

عنبر بید

گیاهی است که نوعی از آن را به فارسی عنبر بید و کوهی آن را گل اره گویند. در کتب طب سنتی با نامهای صنوبر الأرض، جُعد و جَعده نام برده می شود.

۱- فرهنگ فارسی. دکتر معین، ج ۲، ص ۲۲۵۶.

۲- معارف گیاهی، ج ۶، ص ۱۶۹؛ محیط اعظم، ص ۴۰۴.

ترکیبات شیمیایی:

در خاکستر این گیاه مقدار قابل ملاحظه‌ای (حدود ۳۰ درصد) املاح پتاسیم و ۲۰ - ۱۵ درصد املاح کلسیم و ترکیبات منیزیم و اکسیدهای آهن مشخص شده است.
خواص - کاربرد:

از نظر طبیعت طبق نظر حکمای طب سنتی گرم و خشک است و از نظر خواص معتقدند که مدرّ و قاعده آور است و اخلاط را لطیف می‌کند. خوردن ۷۰ گرم از دم‌کرده آن برای کاهش قواموشی، تقویت ذهن، استسقای سرد، یرقان سیاه و تبهای بلغمی و سوداوی نافع است.

ضد کرم است و برای اخراج کرم کدو روده و تحلیل گاز، نفخ، سخت ادرار کردن، درد مفاصل، خرد کردن سنگ مثانه و پاک کردن رحم مفید است. ضماد آن برای پاک کردن زخمهای کهنه و التیام آنها و گرد برگ آن برای خشک کردن و التیام زخمها نافع است. مضرات آن این است که سردرد می‌آورد و مضرّ معده است و از این نظر باید با حمانا خورده شود. مقووی، قابض، تب بر و برای معالجهٔ آسم و نقرس استفاده می‌شود.

عنبر زرد

ترکیبات شیمیایی:

عنبر زرد دارای مقدار کمی اسانس و سه مادهٔ رزینی: A و B و R، جدا شدنی است. رزین I که سوکسین نامیده می‌شود، ۷۰ درصد وزن کلی عنبر را تشکیل می‌دهد. از قسمت غیر محلول، یک مادهٔ اتری دیگری به دست می‌آید که بر اثر صابونی شدن، موادی نظیر اسید سوکسینیک و سوکسینورزینول از آن حاصل می‌شود.
خواص درمانی:

سابقاً به عنوان دارویی ضد تشنج مورد استفاده قرار گرفته و به صورت بخور یا تنطوره، به کار می‌رفت. مصارف درمانی این ماده امروز بکلی متروک گردیده و فقط از آن، جهت تهیه اشیاء زینتی، ورنی و غیره استفاده می‌گردد.^۱

عنبر خاکستری

یک ماده چسبناک انعطاف پذیر است که در روده نوعی ماهی به نام ماهی عنبر به وجود می آید. از ماده سیاه رنگی تشکیل می شود که از ترشحات نرم دندان دریایی حاصل شده و به مصرف خوراک ماهی عنبر می رسد. بویی شبیه مشک دارد و در عطر سازی به کار می رود. ماهی عنبر، ماهی عظیم الجثه ای است شبیه بالن که سبب و درنده است. طول آن تا ۲۰ متر می رسد. فک بالای آن بدون دندان ولی فک پایین آن دندانهای سفید و فترده ای دارد. در روده های آن عنبر خاکستری تولید می شود.^۱

عنبر سائل

رزین روغنی مخلوط با اسانس است و از داروهای معطر می باشد که به فارسی عنبر مایع و عنبر سائل گویند و در کتب طب سنتی با نامهای میعه سائله و میعه یابسه آمده است.

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی در صمغ رزینی روغنی عنبر سائل وجود ماده بی شکل استورزین و سینامیک اسید مشخص شده است. به طور کلی در این عنبر دو قسمت جامد و مایع تشخیص داده شده است.

خواص - کاربرد:

به عنوان محرک و نرم کننده سینه و ضد عفونی کننده مصرف می شود. از نظر طبیعت خیلی گرم و خشک است و بادها را تحلیل می برد و نیرو دهنده است. منضج و اعتدال بخش اخلاط و مین مزاج است و قابض می باشد. برای سرفه، زکام، خواب رفتگی اعضای بدن، کزاز، رعشه، رفع درد سینه و ریه، صاف کردن صدا و استسقا مفید است. مدز و قاعده آور است و برای تقویت طحال، کلیه و مثانه و رفع درد کمر نافع می باشد.^۲

۱- گیاهان دارویی، دکتر زرگری، ج ۳، ص ۳۵۳.

۲- معارف گیاهی، ص ۱۵۸؛ محیط اعظم، ص ۴۵۰.

عنزروت

صمغی است که در کُتب طبِ سنّتی و قره‌نگ‌های لغات با نامهای انزروت و عنزروت و در جاهای مختلف با نامهای مختلف آمده است.
مشخصات:

درخت خار داری است که برگ آن شبیه برگ مورد و برگ درخت کندر است. از نظر طبیعت گرم و خشک است.

خواص - کاربرد:

ملین است و انسداد مجاری عروق را باز می‌کند، مسهل خوبی برای بلغم است. اگر با هلیله و سکینج خورده شود مسهل بلغم بسیار مؤثر و راحتی است. خوردن با روغن کرچک آن برای رفع تشنج حاصله از امتلاء مفید است. و خواص دیگری نیز دارد.^۱

عنصل

به فارسی پیاز دشتی، پیاز موش و در کُتب طبِ سنّتی و کتب قدیم با نامهای عربی آن اسقیل، اشقیل و عنصل آورده شده است.
مشخصات:

گیاهی است زیبا و چند ساله دارای پیاز برگ که معمولاً قسمتی از پیاز در داخل خاک و قسمت فوقانی آن بیرون از خاک قرار دارد. میوه آن به رنگ قهوه‌ای زیتونی دارای ۳ خانه است که در هر خانه ۳-۴ دانه گرد و تیره رنگ قرار دارد.
ترکیبات شیمیایی:

در پیاز عنصل ترکیباتی به نام سیلی پیکرین ماده‌ای تلخ و محلول در آب که به صورت گرد زرد رنگی از پیاز گیاه به دست می‌آید و سیلی توکسین که آن هم ماده‌ای است تلخ، وجود ماده‌ای دیگر نیز به نام سیلارن در پیاز مشخص شده است.

خواص - کاربرد:

روی پوست اثر تحریک کننده دارد بخصوص روی مخاطهای بدن اثر تحریکی آن بیشتر است.^۱

عصی الراعی

گیاهی علفی و چند ساله است. در استخرهای طبیعی و آبهای راكد می روید. ساقه آن به ارتفاع ۲۵ تا ۸۰ سانتی متر می رسد.

از مشخصات این گیاه آن است که اگر آب محل رویش تدریجاً خشک شود، شکل ظاهری گیاه نیز به طور محسوس تغییر پیدا می کند.

این گیاه در لرستان: در ۱۰۰ کیلومتری شمال شرقی خرم آباد در ارتفاعات ۱۸۰۰ متری، آذربایجان: نزدیک مراغه، اراک: کوه کهرود، فارس: دشت ارژن می روید.

عروق الصباغین

در کتب طب سنتی با نامهای خلیدونون، حشیشه الخطاطیف و عروق الصباغین ذکر شده و به فارسی زرده چاو، زرد چوب و مامیران گفته می شود.

مشخصات:

گیاهی است چند ساله، برگهای آن به رنگ زنگاری یا سبز مایل به کبود که به چندین قسمت تقسیم شده و هر قسمت دندانه دار می باشد. گلهای آن زرد است و بلندی گیاه ۱۰۰-۴۰ سانتی متر است. میوه آن سیلیک دراز و باریک که پس از رسیدن شکاف بر می دارد و دانه ها که در داخل آن میوه قرار گرفته اند، دیده می شود.

ترکیبات شیمیایی:

در این گیاه آلکالوئیدهای کلیدونین یا شلیدونین و کسلریتین، پروتوین، هوموکلیدونین، آلیکری توپین، هربرین و اسپارتین وجود دارد.

خواص - کاربرد:

در کره از شاخه و برگهای مامیران کبیر برای معالجه سرطان معده استفاده می شود. مامیران ضد تشنج است و در موارد آنزیم دیپواترین و آسم و اختلافات مربوط به تشنج ماهیچه ها مصرف می شود و در تسکین دردهای سرطانی معده مؤثر است و جوشانده یا دم کرده ۳۰-۵۰ گرم برگ خشک آن قبل از خواب برای ضعف قوای دماغی و بی خوابی و اضطراب و رفع تصب شرابین مغزی اثر مفید دارد.^۱

عنکبوت

عنکبوت به عربی قدس و به فارسی کارتنه و شیر مگس و کره تن و به یونانی ادخن و به سریانی کواعی و به ترکی ازومچک و به عبرانی ارجن و به هندی مکره ای گویند و دارای انواع مختلفی می باشد و هر یک به نامی خاص مانند شبث و سبع الذباب و رتیلا و نوعی از آن را که مگس را شکار می کند، لیث گویند و از مطلق آن، مراد نوعی است که در گوشه های خانه می باشد. همه انواع آن سرد و خشک و خصوصاً اطراف آن و در آن جلا و تقویت و منع قبول مواد است و بعضی مانند شبث و سبع الذباب را گرم دانسته اند. چون نسج غلیظ سفید آن که آن را به یونانی ابرکاکیا نامند در روغن گل یا زیت طبخ نموده در گوش چکاتند درد آن ساکن یا با زفت آمیخته بر پارچه کتان مالیده بر پیشانی یا صدغین بچسبانند از آله تب غب کند.^۱

عود

عود اسم جنس چوب و شاخ اشجار است و به اصطلاح اطبایا مراد چوب درختی است که از جزایر چین و هند خیزد و گویند بعد از قطع درخت مخصوص مدتی در زمین فرو می‌کنند تا به صفات مذکور متصف شود. و عود قماری نوعی است که احتیاج به دفن ندارد و اقسام عود هر یک به اسم آن بلد موسوم است مثل سمند رومی و هندی و غیره و بهترین آن سیاه و صلب و براق و خوشبوی و تلخ است که در ته آب نشیند و آن مندلی است و قماری^۱.

عود هندی را به لغت عربی مندلی گویند و عود نیکو را بدخوخ و الخوخ گویند و گفته‌اند که این اسامی بر عودی احلاق کنند که بوی آن خوش باشد. و هر چه بخور را شاید، آن را قطرا گویند.

عود الخیر

گیاهی است که در کتب قدیم به نامهای هوکس، طیم، عود الخیر و شرابه آمده است.

مشخصات:

درختچه‌ای است که بلندی آن در نقاط مناسب تا ۱۵ متر می‌رسد و دور تنه آن در مقابل سینه تا ۱/۵ متر است. گلهای آن کوچک و سفید، میوه‌های گروهی یا تخم مرغی شکل به رنگ سرخ براق است. دارای عمر دراز می‌باشد و به این علت چوب آن بسیار سخت است. تکثیر آن با کاشت بذر صورت می‌گیرد.

ترکیبات شیمیایی:

وجود گلوکوزید و یک ماده تلخ در این گیاه تأیید شده است و در گزارش دیگر علاوه بر تانن، دو هتروزید یافت می‌شود. یکی از آنها یک ساپونین است با اثر همولیتیک و دومی یک گرد بی شکل می‌باشد.

خواص - کاربرد:

در هند از برگهای گیاه به عنوان مدرّ و نرم کننده و از میوه های آن به عنوان مسهل و قی آور و مدرّ استفاده می شود. در آرژانتین و پاراگوئه برگهای گیاه را به جای چای دم کرده و به عنوان مسهل می خورند. خوردن میوه آن چندان معمول نیست زیرا اثر آن شدید است و در مورد کودکان ممکن است منجر به مرگ شود.^۱

عود الصلیب

در کتب طب سنتی به نامهای آبرون صغیر، آبرون ریشه دار و آبرون نام برده می شود. مشخصات:

گیاهی است چند ساله به بلندی ۶۰ - ۳۰ سانتی متر، برگهای آن بیضی دنداندار، کوچک و پر آب به رنگ سبز بدون دمبرگ و به ساقه چسبیده است. گلها کوچک به رنگ زرد مایل به قرمز یا ارغوانی که در انتهای ساقه گل دهنده در بهار ظاهر می شود. این گیاه در اطراف اصفهان می روید.

خواص - کاربرد:

از کنه رو برگهای له شده آن در روغن زیتون یا روغن کنجد به صورت مرهم برای التیام زخم قسمتهای بریده شده اعضای بدن استفاده می شود. در چین به صورت ضماد روی آبسه ها و محل مارگزیدگی می گذارند، خیلی مؤثر است.^۲

عود الوج

ساقه زیرزمینی یا بیخ گیاهی است که در بازار دارویی ایران به نام «اگر ترکی» و «اگیر ترکی» گفته می شود و در کتب طب سنتی با نامهای «وج» و «عود الوج» آورده شده است. به هندی گیاه و ساقه زیرزمینی آن هر دو را «بج» و «وج» آورده شده است.

۱- معارف گیاهی، ج ۳، ص ۲۵۸؛ مجله انظم، ص ۲۱۷.

۲- معارف گیاهی، ص ۲۴۵؛ مجله انظم، ص ۱۵۰.

مشخصات:

گیاهی است چند ساله علفی دارای ساقهٔ زیر زمینی با ریشه ضخیم مفصل دار و گره‌دار که ریشکها به آن اتصال دارند و خوشبو می‌باشد.

ترکیبات شیمیایی:

در ساقهٔ زیر زمینی این گیاه گلوکوزیدی به نام آکورین و یک آلکالوئید و مقداری اسانس به رنگ زرد و معطر وجود دارد. در اسانس روغنی معطر آن مواکالامن، کالامتول، کالامتون و آسارون یافت می‌شود.

خواص - کاربرد:

ساقهٔ زیر زمینی این گیاه دارویی است و محرک، مقوی معده، تونیک، بادشکن، معطر و تلخ. معروف است که این دارو خاصیت جلوگیری کننده یا آرام کنندهٔ آریتمی قلب دارد و شبیه داروی کی‌نیدین ضد تشنج است.^۱

عود غرقی

در قرابادین کبیر در مورد عود آمده است که درخت عود بسیار عظیم الجثه و شاخه‌های آن بیشتر کج و معوج است. چوب درختان سالخورده که پس از قطع، سالها بمانند خوشبو می‌شوند. به همین علت برای اینکه چوب عود زودتر معطر شود، درخت‌های کهن را می‌اندازند و پس از آن تنه درخت را در زمین نمناک دفن می‌کنند که زودتر شروع به بوسیدگی نماید و پس از مدتی که آن را خارج می‌سازند، قسمت وسط تنه درخت دارای روغن فراوان شده و سنگین می‌شود و رنگ آن تیرهٔ مایل به سیاه و در حقیقت بهترین قسمت آن است.

وزن مخصوص این قسمت از تنه از آب بیشتر است و اگر در آب بیندازند غرق می‌شود. اصطلاحاً این نوع عود را «عود غرقی» نامند و قسمت دیگر از چوب که هنوز کمی خام است، نیم غرقی گویند.^۲

عود مُنتن

درختچه‌ای است که در جنگلهای کردستان ایران با نام محلی قره‌تاج و در کُتب طب سنتی با نامهای آناغورس و عود مُنتن و... نام برده می‌شود.

مشخصات:

درختچه‌ای است کوچک که بلندی آن تا ۳ متر، برگهای آن مرکب دارای ۳ برگچه که از یک نقطه خارج شده و با یک دم‌برگ دراز به ساقه متصل می‌شود. هر برگچه بیضی دو طرف آن باریک و نوک تیز است. گل‌های آن زرد و میوه‌اش به شکل غلاف نوبیا به درازی ۱۰-۱۵ سانتی‌متر که در داخل آن ۸-۳ دانه قرار دارد. از تمام گیاه و چوب آن بوی نامطبوعی برمی‌خیزد.

ترکیبات شیمیایی:

در گیاه وجود آلکالوئیدهای آنازیرین و سیتی زین تأیید شده و به‌علاوه در تخم آن علاوه بر آلکالوئید، مقداری روغن و ماده‌ی رنگین وجود دارد.

خواص - کاربرد:

از نظر طبیعت گرم و خشک است. در مورد خواص آن معتقدند که ضماد له شده برگ تازه آن برای تحلیل ورم‌ها نافع است و ضماد برگ خشک آن قوی‌تر است و برای خشک کردن جراحت نیز به کار می‌رود. دانه آن قوی‌آور و ملین است و در خوردن آن باید احتیاط شود چون سمی است.^۱

عود هندی

به فارسی و در بازار دارویی با نامهای عود هندی و عود سومودری یا عود سمندری و... نامیده می‌شود.

مشخصات:

عود چوب درختی است بزرگ، شاخه‌های آن اکثر کج و معوج است. چوب درختان سالخورده که پس از قطع سالها بمانند، خوشبو می‌شوند. قسمت وسط تنه درخت دارای رزین رزغنی فراوان شده و سنگین است. رنگ آن تیره مایل به سیاه و در حقیقت بهترین قسمت آن است.

ترکیبات شیمیایی:

در چوب عود اسانس روغنی فراوان و در گزارش دیگر، در چوب عود، بنزیلاستون، پی متوکسی بنزیل استون و ترپن الکل وجود دارد.

خواص - کاربرد:

چوب رزین دار عود را که آگار می‌نامند، در قدیم برای گریزانیدن پشه و کک به کار می‌بردند. در استعمال داخلی به عنوان تونیک، محرک و قابض و برای رفع اسهال و قطع قی خورده می‌شود. پوست درخت تریاق یا پادزهری است که زهر و سم و ناراحتیهای با تب و حرارت کبد و دستگاه تناسلی را از بین می‌برد. چوب عود گرم و خشک، لطیف کننده و بازکننده انسداد و گرفتگی‌های مجاری عروق می‌باشد.^۱

عوسج

به طور کلی، در کتب قدیم آنرسیاه نام برده می‌شود. در کتب طب سنتی با نام «عوسج» و «شوکة الصباغین» نام برده می‌شود.

مشخصات:

آش انگور درختچه‌ای است به بلندی ۸ - ۳ متر و در برخی نقاط خیلی کوچکتر، پُرشاخه، انتهای شاخه‌های آن خاردار، برگهای آن بیضی و درکناره‌های برگها در هر

طرف ۷۰-۴۰ دندانچه کوچک دیده می‌شود و دارای دمبرگی به طول ۲ سانتی‌متر و ابعاد برگ ۲/۵ - ۱/۵ سانتی‌متر عرض و ۵-۲/۵ سانتی‌متر طول می‌باشد. گل‌های آن کوچک زرد رنگ که در کنار برگها ظاهر می‌شود. میوه آن سیاه رنگ و کروی در ابعاد یک نخود درشت است.

ترکیبات شیمیایی:

در میوه این گیاه وجود هتروزیدی به نام رامنی ژن تأیید شده است و تأثیر مسهلی آن مربوط به وجود هتروزیدهای امودین است.

خواص - کاربرد:

شیره آن مسهل قوی است. از پوست آن به‌عنوان مسهل استفاده می‌شود. در مورد زردی، بواسیر، نفرس، آرتروز و اختلالات در عادت ماهیانه زنان تجویز شده است.^۱

عوسج اسود

در شمال ایران در لاهیجان سیاه توسه و سیاه توسکا نامیده می‌شود. در کتب طب سنتی با نام عوسج اسود نام برده می‌شود.

مشخصات:

درختچه‌ای است به ارتفاع ۲-۴ متر و بدون خار، برگهای آن با دمبرگ، بیضی با قاعده کم و بیش گرد، نوک تیز، موجی و بی کرک به طول ۵-۳ سانتی‌متر با ۱۱-۵ جفت رگبرگ. جوانه‌های زمستانی آن معمولاً بدون فلس است. میوه آن کروی در ابعاد فندق ابتدا سرخ و سپس آبی تیره و در آخر پس از رسیدن به رنگ سیاه در می‌آید.

ترکیبات شیمیایی:

در پوست درختچه سیاه توسه وجود گلوکوزیدی به نام فرانگونین، مقدار کمی اسید سیانیدریک و... تأیید شده است.

خواص - کاربرد:

جوشانده آن با آب را قبل از خواب می خورند. مبین و مسهل است و برای معالجه جرب و کچلی و ناراحتیهای پوستی و التیام زخمها مفید است.^۱

عين الجمل

در کتب طب سنتی با نامهای آناغالس و... و به عربی عین الجمل و زغیله ذکر می شود.

مشخصات:

گیاهی است یکساله به ارتفاع کمتر از یک وجب و گسترده روی زمین، ساقه آن با مقطع چهارگوش، برگها متقابل بدون دمبرگ بیضی دایره ای نوک تیز، گلهای قرمز با دمگل بلند، میوه آن پیکسید و دانه های ریز در داخل آن قرار دارد. دانه های آن بسیار تند و تلخ است.

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی در گیاه مواد ساپونین و آنزیم وجود دارد. در گیاه دو ساپونین گلوکوزیدی مشخص شده است. ریشه گیاه همین که مدتی بماند، بوی عطر سنبل الطیب از آن برمی خیزد و دارای گلوکوزیدی به نام سیکلامین است. عین الجمل برای گوسفند سمی است.

خواص - کاربرد:

در هند در موارد یرقان، ناراحتی های مغز، هاری، بیماری ترس از آب، صرع، استسقا، جذام و مالیخولیا تجویز می شود و به عنوان ضد سم در موارد مارگزیدگی کاربرد دارد. از نظر طبیعت طبق نظر حکمای طب سنتی ایران آناغالس گرم و خشک است و از نظر خواص معتقدند که خشک کننده است و بازکننده انسداد و گرفتگی مجاری عروق می باشد. غرغره آب برگ و میوه آن برای رفع ناراحتی های مغزی و پاک کردن سر از بلغم و تسکین درد دندان مفید است.^۱

۱- معارف گیاهی، ج ۴، ص ۳۹۸.

حرف

ص

غافث

عاصم بن یونس گوید: امام صادق علیه السلام به یک مردی فرمود: با چه چیز معالجه می‌کنید تباران خود را؟ گفت: خداوند تو را اصلاح نماید با این داروهای تلخ سفایح و غافث و مشابه اینها. فرمود: سبحان الله آن که قادر است با چیز تلخ مرض را ببرد، قادر است با شیرینی هم ببرد، سپس فرمود: اگر یکی از شما تب داشت، یک ظرفی پاک بگیرد و یک قاشق و نیم بر آن شکر بریزد، بعد آنچه از قرآن بلند است بر آن بخواند بعد آن را زیر ستارگان بگذارد و بر رویش یک آهن بگذارد، وقتی که صبح شد بر روی آن بریزد و با دستش آن را به هم بزند. وقتی که شب دوم شد یک قاشق شکر نیز بر آن بریزد که مجموعاً دو قاشق و نیم باشد و در شب سوم یک قاشق دیگر که سه قاشق و نیم باشد بر آن بریزد.^۱

میوه‌اش کوچک، سیاه رنگ، منتهی به یک دسته تاز سفید رنگ و پوشیده از نقاط کوچک و شفاف (مانند سطح تحتانی برگ بهن) است. از ریشه این گیاه نیز بوی ناپسند استشمام می‌گردد.

ترکیبات شیمیایی:

اعضای مختلف این گیاه دارای تانن، مواد رزینی، اسانس، اینولین و نوعی ماده تلخ به نام اویاتورین است به علاوه دو نوع ساپونین با اثر مدرّ و معرّق از آن به دست آمده است. اویاتورین ماده‌ای است تلخ و گزنده که به صورت گرد سفید رنگ از اعضای مختلف این گیاه و گونه‌های دیگر آن به دست می‌آید در آب و غیر آن نیز قابل حل می‌شود.

خواص درمانی:

ریشه و تمام قسمت‌های این گیاه، اثر اشتها آور، مدرّ، مقوی و معرّق دارد و اگر به مقادیر زیاد مصرف شود، اثر زیاد کننده ترشحات صفرا، مسهلی، قی آور، دفع کرم و تب‌بر (به طور خفیف) ظاهر می‌کند. از این جهت با توجه به اختصاصات درمانی مذکور، از آنها در رفع بعضی بیماریها نظیر اسکوربوت، آب آوردن انساج، سرفه، نزله‌های مزمن، زردی، تب‌های نویه، هیستری، بیماریهای پوست، بروز دانه‌های جلدی، بیماریهای کبدی و طحال و حتی قطع حالت قاعدگی در زنان جوان و غیره استفاده به عمل می‌آورند.

فرآورده‌های اعضای این گیاه، ضمن تحریک ترشحات صفرا، ایجاد حالت مسهلی می‌نماید، در نتیجه می‌توان از آن در رفع انسداد مجاری کبدی، وجود صفرا در خون و همچنین بیروست‌های ناشی از نارسایی‌های اعمال برخی غدد و غیره استفاده به عمل آورد.

در استعمال خارج، چون اثر انتیام دهنده زخم و جراحات چرکین دارد از این جهت برگهای تازه و له شده آن یا جوشانده گیاه تازه بر روی عضو اثر داده می‌شود یا از آنها به منظور رفع التهابها و ناراحتی‌ها در کوبیدگی اعضای سطحی بدن استفاده به عمل می‌آید.

صور دارویی:

دم کرده یا جوشانده ۳۰ تا ۶۰ در هزار برگ یا ریشه تازه گیاه به مقدار یک فنجان بین هر دو غذا به نحوی که تمام جوشانده مذکور در طی دو روز، مصرف شود. اعضای

خشک شده گیاه به مقدار ۲ تا ۵ گرم در روز تنطور به مقدار ۱۵ تا ۲۵ قطره در روز، شیره برگهای تازه گیاه به مقدار ۳۰ گرم و حتی بیشتر، در استعمال خارج، ضماد، لوسیونها و بخور آن به کار می رود.

محل رویش:

این گیاه در غالب نواحی شمالی ایران بخصوص در ارتفاعات کم کوهستانها یافت می شود. در اطراف تهران، نواحی مختلف البرز، رودبار، در ارتفاعات ۷۲۰ متری، بین کوشکو میش کشر، دامنه های مرطوب و آفتابگیر رحمت آباد و شمال نوشان نیز دیده می شود.^۱

غافث کنفی

مشخصات:

گیاهی است چند سانه، دارای ساقه ای کرکدار به رنگ سبز مایل به قرمز، محطط و به بلندی ۱/۵-۱ متر. گل های آن مجتمع در انتهای ساقه گل دهنده به شکل گروهی از گنهای کوچک لوله ای به رنگ قرمز و بندرت سفید است. میوه آن کوچک، قهوه ای با کاکل است. در رودبار، دامنه های مرطوب و آفتابگیر نوشان دیده می شود.

ترکیبات شیمیایی:

در این گیاه وجود یک ماده تلخ، اوپاتورین، اینولین و یک رزین تأیید شده است. در گزارش دیگر در گیاه اوپارین، اوپاتورین، پیکرین می باشد.

خواص - کاربرد:

در قرن چهارم قبل از میلاد مسیح شخصی بر سرزمین کهن پونت که در شمال شرقی آسیای صغیر واقع بود، حکمفرمایی می کرد. او با استفاده از این گیاه خود را از سمومی

که دشمنان به از می دادند، مصون می کرده است.

در هندوستان از این گیاه به عنوان داروی معرق، مدرّ، مسهل قوی، مؤثر برای جبران کمی ویتامین C و همچنین قی آور استفاده می کنند.^۱

غاب رومی

به فارسی «نی هندی» و در کتب سنتی با نام عربی آن «غاب رومی» آمده است.

مشخصات:

گیاهی است چند ساله که ارتفاع آن ۵ - ۳ متر است. گل‌های آن به صورت مجتمع خوشه‌ای در انتهای ساقه گل دهنده ظاهر می شود. این گیاه معمولاً اراضی با خاک شنی و مرطوب را دوست دارد. در کنار جریانهای آب در مجاورت درختان تبریزی و بید می روید.

ترکیبات شیمیایی:

در این گیاه و ساقه زیر زمینی آن حدود ۲۸٪ ماده گرامین یا دوناکسین وجود دارد، به علاوه یک آنکالوئید جدید به نام روناکسارین در آن مشخص شده است.

خواص - کاربرد:

در چین معتقدند که ساقه زیر زمینی این گیاه ترشح شیر را کاهش می دهد. در کشور برمه از ریشه آن به عنوان مدرّ استفاده می شود.^۲

غاریقون

اسماعیل بن حسن طیب به امام صادق علیه السلام گفت من مردی از عرب هستم که در طب بصیرت دارم و بر آن صغد (عوض) نمی گیرم. گفت: ما زخم را باز کرده با آتش می سوزانیم، فرمود: عیب ندارد، گفت این سمها را جز سمحیقون و غاریقون به آنها

می خورائیم، فرمود: مانعی نیست، گفتم: گاهی مریض می میرد، فرمود: اگر چه بمیرد، گفتم: نیند به وی می نوشانیم، فرمود: در حرام شفایی نیست.

جابرین حیان تقویت مغز این ادویه را ذکر کرده است: غاریقون و اسطوخودوس و بلسان و صبر.

غاریقون قارچی است که در کتب طب سنتی و به عربی با نامهای غاریقون و غاریقون ایضی نام برده شده است.

مشخصات:

قارچ خوراکی است که روی درختان خانواده سوزنی برگ بخصوص نوعی از آن که در کتب قدیم با نام شربین نامیده می شده، می روید. سطح خارجی آن از پوست سخت و ضخیمی پوشیده شده و روی آن شیارهای قوسی شکل به رنگ زرد یا قهوه‌ای دیده می شود.

ترکیبات شیمیایی:

دارای اسید آگاریسیک، آلکالوئید آگاریسین می باشد. در گزارش دیگری آمده است که این قارچ دارای ارگوسترول و دو نوع تری ترپنوئید اسید می باشد.
خواص - کاربرد:

برای قطع عرقهای شبانه بیماران مسلول و همچنین قطع ترشح شیر استفاده می شود. مسهل بلغم و سودا توأم است و برای باز کردن گرفتگی های کبد و کلیه مفید است.^۱

غاریقون جراحان

این قارچ از همان تیره غاریقون سفید است. اما از این قارچها ماده‌ای به نام آمادو می گیرند.

مشخصات:

روی درختان بلوط، نمدار و راش زندگی می‌کند. از آمادو مانند اسفنج برای شستن زخمهای دردناک استفاده می‌شود و برای جلوگیری از خونریزی مفید است. اگر در محل بریدگی زخم که خون در آن در جریان است بگذارند، خون فوراً قطع می‌شود.
خواص - کاربرد:

آن را مسهل بلغم و سودا توأم می‌دانند و برای باز کردن گرفتگی‌های کبد و کلیه توصیه می‌نمایند و اگر ۴-۵ گرم آن با آسارون و عسل سرشته و خورده شود، برای خرد کردن سنگ کلیه و مثانه مفید است.^۱

غازیاغی

اگر غازیاغی را به شکل ضماد روی پستانهای مادران شیرده بگذارند، شیر آنها را زیاد کرده و به جریان می‌اندازد.^۲

دم‌کرده و جوشاندهٔ ۳۰ تا ۶۰ گرم غازیاغی خشک در یک لیتر آب در بیماریهای رماتیسم، نقرس و کبیدی مصرف آن تجویز می‌گردد.^۳

اگر برگهای تازهٔ غازیاغی را کوبیده و با نمک یا سرکه مخلوط کنند و آن را بپزند و روی محل بواسیر بگذارند، فوراً درد آن را ساکت می‌کند.^۴

کوبیده شدهٔ برگهای تازهٔ غازیاغی که با نمک مخلوط شود ضمادی را تشکیل می‌دهد که برای زخم و سوختگی و جراحات سخت جلدی مفید است.^۵

سی تا چهل گرم غازیاغی را اگر در یک لیتر آب دم کرده و صورت و گردن و دستها را با آن بشویند بهترین محلول شستشو برای زیبایی و لطافت پوست است.

برگهای تازهٔ غازیاغی را اگر بکوبند و روی محل گزیدگی حشرات بگذارند، سوزش

۱- معارف گیاهان، ج ۵، ص ۳۴۸ محیط انظم، ص ۳۴۸.

۲- گلها و گیاهان شفا بخش، ص ۱۵۵.

۳- همان، ص ۱۵۴.

۴- همان.

۵- همان، ص ۱۵۵.

نیش را برطرف می‌کند.^۱

در محل مورچه‌ها چند دانه غازیاغی بگذارند مورچه‌ها را فراری می‌دهد.^۲
آب برگهای تازه غازیاغی اگر با شیر مخلوط شود برای آسم مرطوب و گرفتگی صدا
و نزله ریوی بسیار مفید است.^۳

شیره برگهای تازه غازیاغی برای غرغره کردن در موقع گلو درد سخت نتیجه مطلوب
دارد.^۴

غازیاغی گیاهی است بیابانی که در بهار می‌روید، برگهایش دراز و گلهايش سفید،
تخمهای ریز شبیه به تخم کرفس دارد که طعم آنها تلخ است. آن را مانند سبزیهای
خوردنی مصرف می‌کنند. در میان کردها دم‌کرده آن را برای تسکین درد پا و دست و پودر
برگهای آن را برای گزیدگی حشرات به کار می‌برند.^۵

غازیاغی گیاه خوشبویی است، خنک، اشتها آور، تصفیه کننده خون، ملین و ادرار آور
ولی اگر مقدار زیادی از آن خورده شود، باعث حرارت مزاج و تحریک پوست می‌شود.
دم‌کرده و جوشانده سی تا شصت گرم خشک آن در یک لیتر آب، ادرار آور است و در
بیماریهای استسقا، سنگ کلیه و مثانه مصرف آن تجویز می‌گردد.^۶

غاسول

صابونی یا غاسول، گیاهی است علفی، پایا و به ارتفاع ۴۰ تا ۶۰ حتی ۸۰ سانتی متر
که ریشه‌ای به قطر ۲ سانتی متر، با انشعابات فراوان و به رنگ قهوه‌ای مایل به قرمز است.
برگهای آن بزرگ، ساده، متقابل، بیضوی نوک تیز و گلهای آن معطر می‌باشد. منشأ
اصلی آن منطقه مدیترانه ذکر شده است ولی امروزه به علت پرورش زیاد و پراکندگی در
مناطق مختلف، در بسیاری از نواحی یافت می‌گردد. محل رویش آن نیز در اماکن

۱- گلها و گیاهان سفالخش، ص ۱۵۴.

۲- همان، ص ۱۵۵.

۳- همان، ص ۱۵۰.

۴- همان، ص ۱۵۵.

۵- طب سنتی در ایران کردان، ص ۱۲۹.

۶ گلها و گیاهان سفالخش، ص ۱۵۸.

مرطوب، گودالها، اراضی نمناک، حاشیه جاده‌ها و غیره است.
 با آنکه گل‌های درشت و زیبای این گیاه، نوش فراوان ایجاد می‌کند ولی وضع ساختمان‌های گل به نحوی است که مانع استفاده حشرات و زنبور عسل از آن می‌گردد.
 قسمت مورد استفاده گیاه، برگ، ریشه و غالباً، قسمت‌هایی از گیاه است که درون خاک جای دارند. پرورش این گیاه در زمینهای آبرفتی و اراضی دارای کود کافی صورت می‌گیرد. جمع آوری برگ گیاه برای مصارف درمانی، در سال دوم، آن هم قبل از ظاهر شدن گل صورت می‌گیرد ولی ریزوم و ریشه گیاه را معمولاً در سال چهارم یا پنجم از درون خاک خارج می‌نمایند. ریشه و ریزوم را پس از خارج کردن از درون خاک، بخوبی شسته، به قطعاتی به درازای ۱ تا ۲ سانتی‌متر تقسیم کرده و پس از خشک کردن در معرض استفاده قرار می‌دهند.

مصرف این گیاه اگر به‌طور مداوم صورت گیرد، عوارضی به علت دارا بودن ساپونین به وجود می‌آورد که عبارت از لرز، خشک شدن مخاط دهان، فلج ناقص حرکات زبان، باز شدن مردمک چشم و غیره است. پس از وارد شدن ساپونین در خون، حرکات ارادی و انعکاسی ضعیف می‌شود و با تحریکات ماده خاکستری مغزی تیره، موجب پیدایش عوارض نظیر گند شدن و توقف تدریجی حرکات تنفسی و قلب فراهم می‌گردد. همزمان با پیدایش حالات اخیر، فشارخون و درجه گرمای طبیعی بدن پایین می‌آید.

این گیاه دارای خواص درمانی مدژ، معرق، تصفیه‌کننده خون و به‌طور خفیف نیرو دهنده است. مصرف آن هنوز هم به‌عنوان رفع رماتیسم، نقرس، بیماریهای مجاری ادرار و پوست بخصوص در رفع سودا و همچنین کم‌خونی دختران جوان و بسیاری موارد دیگر معمول است. اطباء قدیم ایران و عرف، آن را در درمان سرطان، جذام و بیماریهای مختلف دیگر مؤثر می‌دانسته‌اند.^۱

غلقی

غلقی به فتح غین و سکون لام و کسر قاف و سکون یای تحتانی و بعضی غلقا به الف در آخر نوشته و آن نزد جمعی علقه یعنی طخشیقون است چنانچه گویند که نبات آن شبیه به کبر و ساق و برگ آن مدور و در صحرائی شیراز بسیار می‌روید و شیر بسیار دارد و در شیر آن سمیت قاتله است.

هر شمشیر و کاردی را که به شیر آن آب دهند زخم آن بر هر کس که برسد به سرعت هلاک شود و چو شیر آن بر قویا طلا کنند از آله آن کند و به قول جماعتی بیخی است به قدر ترب و نرم و ثمر آن مانند ثمر کبر و مثلث شکل و برگ آن شبیه به ناخن و مدور و در جوف ثمر آن چیزی مانند پنبه و تخم آن مانند دانه امروز و سخت و شیرینی که از آن به دست می‌آید، مسهل قوی به حدی که مهلک است و طلای آن رفع ثآلین نماید.^۱

غلقه

غلقه درختی است که به نبات عظیم مشابهت دارد و اهل طایف از آن غذا درست می‌کنند و طعم آن تلخ می‌باشد و آن را خشک کنند و پس از آن تر نمایند تا آب، تلخی آن را بگیرد. آنگاه آب آن را دور ریزند و خشک کنند. پس آن را آس کنند یا در هاون بکوبند و به اطراف ببرند. نبات آن به نبات کبر می‌ماند و رنگ آن خاک فام باشد.

طایفه‌ای که آن را از درخت بار کنند از شیر آن احتراز تمام کنند که شیر آن به اعضای بدن برسد، پوست اندام را ببرد.

در آن قوت اسهال بغایت زیاد است و لعابی که از آن به وجود می‌آید، سلاحها را به آن آب دهند، به هر حیوان که برسد، می‌گتند.^۲

۲- ترجمه عبدالله، ج ۱، ص ۵۱۹

۱- سیط اعظم، ج ۳، ص ۱۲۴۴ تحفه حکیم، ص ۱۹۱.

غوره

غوره و ترشی آن بهترین درمان رماتیسم و سیاتیک است.^۱

ضماد گرد غوره برای خوشبو کردن عرق و جوشهای بدن و خارش و سستی بدن مفید است.^۲

آب غوره را در دفع اورام مخاط لثه و دهان و به شکل مشروبات مفرح و مدتر مصرف می‌کرده‌اند.^۳

۱ - دیباز خوراکیها، ص ۱۳۲. ۲ - نجات از مرگ مصنفی، ج ۳، ص ۱۳.

۳ - لغت نامه دارویی قانونچه، ص ۱۶۸.

حرف

ف

فاخره

مشخصات:

به طور کلی گیاهان فوق به صورت درختچه‌هایی هستند که با برگهای متناوب و مرکب، برگچه‌ها و درختچه‌های تیغ‌دار برای استفاده از خواص دارویی، یک ماده رنگی زرد رنگ نیز از آن می‌گیرند.

ترکیبات شیمیایی:

در گونه *Z.piperitum* اسانس روغنی فراز که در بازار به روغن سانشو معروف است و در آن گزانتوکسین و گزانتوکسینیک اسید یافت می‌شود.

خواص - کاربرد:

به عنوان داروی ضد کرم معده استفاده می‌شود. گرد میوه را با سرکه مخلوط کرده برای معالجه بیماریهای دندان و جرم آن تجویز می‌کنند. گرد دانه‌های گیاه را برای تقویت

معدده می‌خورند. در چین از میوه گیاه برای تسکین درد دندان و نیز برای معالجه آفتاب‌زدگی و عصاره ریشه گیاه برای معالجه خنازیر، مارگزیدگی و ترم کردن سینه مصرف می‌شود. در هند و چین از سیوه آن به‌عنوان قابض، ضد کرم، بادشکن، معرق و محرک استفاده می‌کنند.^۱

فاشرا

مشخصات:

گیاهی است چند سانه، تک پایه یا دو پایه، بالا رونده با گل‌های نر و ماده، میوه‌های آن ابتدا زرد و بعداً قرمز می‌شوند.

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی در ریشه گیاه یک ماده کامل سمی تلخ گلوکوزید به نام بریوتین وجود دارد.

خواص - کاربرد:

ریشه فاشرا در موارد مشابه در ردیف حظل و قناء الحمار به‌عنوان مسهل قوی به کار می‌رود. پخته ریشه آن در روغن زیتون برای بواسیر و بواسیر مقعد و تمام دردهای سرد و نرم کردن به کار می‌رود.

فاشرا از نظر طبیعت طبق رأی حکمای طب سنتی خیلی گرم و خشک است. ترشح ادرار و شیر را افزایش می‌دهد، ضماد ریشه آن با آرد خلر و شنبلیله برای رفع لکه‌های سیاه که بعد از جراحات و زخمها می‌مانند، برای رفع صرع و فلج و بستنی اعضا و فراموشی مفید است. برای خناق بلغمی، سرفه کهنه و درد معده مفید است.^۲

۱ - معارف گیاهی، ج ۳، ص ۳۰۰؛ ۲۹۵؛ محیط انطون، ص ۲۲۰

۲ - معارف گیاهی، ج ۳، ص ۱۹۹؛ طبیبان، ص ۲۱۲

الفاصولیه

در کتب طب سنتی لوبیا، اللویا و در متون عربی این کتب، الفاصولیه، النصولیا نام برده شده است.

مشخصات:

گیاهی است یکساله و برای رسیدن کامل آن ۱۰۰ روز وقت لازم است. برگهای آن مرکب و شامل ۳ برگچه قلبی شکل سبز تیره، نوک تیز، بزرگ و خشن، گلهای آن سفید مایل به زرد یا مایل به بنفش و میوه‌اش غلافی و باریک و دراز است.

ترکیبات شیمیایی:

در برگها آلانتوان و در میوه روییدیوم وجود دارد. در میوه رسیده مواد مختلفی از جمله آرژینین و تریگونلین و کولین و آلانتوان و لوسین و غیره وجود دارد.

خواص - کاربرد:

لوبیای قرمز گرم و تر است و لوبیای سفید معتدل است، تولید اخلاط غلیظ می نماید، سینه و ریه را نرم می کند و کمک به استفراغ می نماید، محرک نیروی جنسی است و تولید اسپرم می نماید و قاعده آور و مدز می باشد.^۱

فالوده

اسم فارسی و معرب آن فالودج و آن را به اصطلاح قدیم حنوی نشاسته می نامند که با روغن بادام یا روغن پسته تناول می نمایند و فالوده به اصطلاح جدید و معروف در این زمان و در اکثر بلاد ایران می باشد.

نشاسته را در آب خیلی گرم حل می نمایند و صاف کرده و بعد طبخ می دهند که خوب پخته شود و خامی آن از بین رفته و به حد انعقاد رسیده باشد که چون در آب

۱- معارف گیاهی، ج ۱، ص ۱۲۶۱ محیط انقضا، ج ۲، ص ۳۰۵.

ریزند مخلوط به آب نگرودد. پس در ظرفی تنگ ریخته به حجم نیم انگشت و بعد از سرد شدن، قطعه‌های بسیار کوچک لوزی بریده در شربت قند یا نبات یا دوشاب سفید بید خوشبو به گلاب یا عرق بیدمشک ریخته یخ یا برف داخل کرده، تناول می‌نمایند!
گرم و خشک، کثیر الغذاء، جهت اکثر امراض سینه و ریه و اسهال نافع و اگر به آن تخم ریحان یا تخم شربتی بپاشند، در تقویت معده و حبس اسهال قویتر گردد.^۱
پالوده حلواپی است، معرب آن فالودج و مترادف عربی آن ملوص و مزعزع و لواص است.

طرز تهیه:

روش تهیه آن به دو نوع مرسوم است، یکی به سبک قدیم و دیگری به سبک جدید، در نقاط مختلف ایران متفاوت است. در تهران نشاسته را خوب تمیز می‌کنند و با پنج یا شش برابر آب خوب می‌پزند. سپس آن را در قالبهای مخصوص می‌ریزند و به صورت رشته‌های باریک در می‌آورند. بعد با شربت قند و برف و آب لیمو میل می‌کنند.^۲

فانید

خرازینی گویند. وارد حضور امام شدم و بروی سلام کردم و خواهش کردم دعایی کند برای برادرم که گرفتار سنگ مثانه شده و از درد نمی‌خوابد، فرمود: برگرد برایش هلیله سیاه، بلیله، امله، فلقل، دار الفلفل، دارچین، زنجبیل، شقاقل، وج، انیسون و خولنجان به‌طور مساوی از همه اینها کوبیده و صاف کرده با روغن گاو جوان مخلوط نموده سپس همه اینها را با وزن خود دو مرتبه با عسل کف گرفته یا با فانید خمیر می‌شود. خوراک این دارو به اندازه سنگ فلاخن یا مثل عفشه که میوه‌ای به قدر بندقه است، بخورد.^۳

فراسیون

۱- محیط انظم، ج ۳، ص ۲۵۲.

۲- زهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۱، ص ۶۷۹.

۳- طب لائنه، ص ۷۲؛ بحار، ج ۶۲، ص ۱۸۹.

روایت از جابر بن حیان:

فراسیون، گیاهی است از تیره نعناعیان که پوشیده از کرکهای پنبه‌ای مایل به سفید و ارتفاعش بین ۳۰ تا ۸۰ سانتی متر است که در اماکن مخروب و کنار جاده‌ها و نقاط بایر غالباً در نواحی اروپا و شمال آفریقا و جزایر قناری در آسیا، از جمله ایران می‌روید. ساقه‌اش راست و منشعب و مایل به سفیدی و پوشیده از کرکهای پنبه‌ای و برگهای آن متقابل و ساده و بیضوی است. گل‌هایش سفید رنگ و به‌طور مجتمع در کنار برگهای انتهایی ساقه قرار دارند.

از برگها و سر شاخه‌های گلدار آن استفاده دارویی به عمل می‌آید و در ترکیب شیمیایی آن تانن و مواد چرب و مواد صمغی و یک ماده تلخ به نام مارویی‌نین موجود است. از این گیاه در طبابت به‌عنوان خلط آور و مقوی قلب و تب بر و اشتها آور و تقویت عمومی و ازدیاد ترشح صفرا و ضد عفونی کننده مجاری تنفسی استفاده می‌کنند. و نیز در معالجه تب نوبه از آن استفاده می‌شود.

بیخ آن را براسپون گویند و به لغت رومی براسپون رنگ سبز را گویند و آن به جعده ماند و آن را اطبا صوف الارض گویند. به رنگ سرخ و جرم آن مزغب بوده و اگر ساییده شود در دست نرم می‌گردد و زود شکسته می‌شود. رنگ میوه آن به رنگ میوه درخت چنار می‌ماند. این گیاه تلخ مزه است. دوم گرم و در سوم خشک است.

ترکیبات شیمیایی:

تانن، مواد چرب، موسیلاژ، مواد رزینی، گلوکز، یک ماده تلخ به نام مارویی‌نین و به مقدار ۵۵٪ اسانس است.

مارویی‌نین که به صورت بلورهای سوزنی شکل متبلور می‌گردد، طعمی بسیار تلخ دارد. در آب، غیر محلول است و به نظر می‌رسد که خصوصیات یک لاکتون را داشته باشد.

خواص:

بازکننده، زداینده، راننده، گدازنده و تکه کننده است. افشرداش علاج درد همیشگی گوش است. چرک گوش را پاک کند؛ منفذهای بند آمده گوش را باز کند؛ درد کهنه گوش را دوا می کند؛ افشرداش با عیسل، دید چشم را تقویت می نماید.

به وسیله خون آوردن، سینه و شش را می پالاید، حیض را بیرون ریزد، با نمک ضماد شود، پادزهر سگ هار است.

مقوی معده، مدر، اشتها آور، نیرو دهنده، خلط آور، ضد عفونی کننده، صفرا بر، مقوی قلب، تب بر و قاعده آور است. مصرف مقادیر زیاد آن، جریان گردش خون را تحریک می کند. موجب زیاد شدن عرق و ترشح ادرار می گردد. از این جهت نباید بی رویه به کار رود.

در استعمال خارج، اثر التیام دهنده و ضد عفونی کننده دارد و از آن برای مداوای زخمهای چرکین استفاده می شود. فرآورده های این گیاه بیشتر به عنوان مقوی به اشخاص مبتلا به ضعف عمومی ناشی از کبرسن یا ضعف بیه داده می شود. و برای افرادی نیز که هاضمه ضعیف دارند و همچنین برای بیماران مبتلا به اسهالهای مزمن، تب های مخاطی، حصبه، آسم مرطوب، نزله های مزمن، برونش ها، نزله های شستی، ذات الجنب مزمن، سرفه های مقاوم، کم خونی دختران جوان، زردی، اسکوریوت، خنازیر، ترشحات زنانگی، هیستر، اختلالات عصبی، تب های نویه، مالاریا و تأخیر وقوع قاعدگی تجویز می گردد.

سابقاً از آن در جهت رفع خیز اندامهای بدن، عدم دفع ادرار، وجود سنگ در دستگاه دفع ادرار، انسداد مجاری کبد و طحال مورد استفاده قرار می گرفت.

بررسی ها در سال ۱۹۱۴ نشان داد که مصرف آن در بیماران مبتلا به حصبه و شبه حصبه سبب می گردد که درجه تب بیمار به طور محسوس پایین آید تا او به طور کلی قطع شود و به علاوه حالت عمومی مریض ضمن کوتاه شدن دوره بیماری، بهبود یابد.

تجربیات Dr.H.leclerc که در فاصله سالهای ۱۹۱۷-۱۹۱۹ صورت گرفت، نشان داد که مصرف فراورده های این گیاه می تواند کمک مؤثر در رفع بیماریهای مربوط به

برونش‌ها و عوارض ریوی ناشی از گریپ بنماید. ضمناً آزمایشهای متعدد این دانشمند نشان داد که مصرف فرآورده‌های این گیاه موجب تغییر حالت بیوشیمی مخاطها می‌شود که نتیجه‌اش رقیق گردیدن و ضد عفونی شدن ترشحات و سهولت دفع آنها از ریه می‌گردد. با انجام این عمل، سرفه بیمار نیز آرام و بکلی قطع می‌شود. فرآورده‌های این گیاه دارای اثر مقوی معده و محرک اشتها است و از آن می‌توان در بیماران مسلول استفاده به عمل آورد.

بررسی‌هایی که در سال ۱۹۳۷ نشان داد که این گیاه در رفع بی‌نظمی حرکات قلب در اکترازیستولی، اثر سریع دارد، به‌علاوه به علت صفرا بر بودن، اثر ضد سم نیز دارا می‌باشد.

صور دارویی:

دم کرده ۴۰ تا ۵۰ گرم برگ یا سرشاخه گلدار گیاه در یک لیتر آب (مدت دم کردن ۱۵ دقیقه) به مقدار ۲ تا ۳ فنجان در روز، شیر تازه گیاه به مقدار ۳۰ تا ۱۰۰ گرم در روز مخلوط در عسل یا شیر، گرد برگ گیاه به مقدار ۴ تا ۸ گرم در روز مخلوط در یک محلول ساده، جوشانده ۳۰ تا ۶۰ گرم سرشاخه گل دار گیاه در یک لیتر آب برای استعمال خارج مفید است. باید توجه داشت که مقادیر کم فرآورده‌های این گیاه برای بیماریهای ریوی، ولی مقادیر نسبتاً زیادتر آن برای رفع تب مانند تب تیفوئید و غیره اختصاص داده شود.

نسخه جهت درمان سرفه و خروج اخلاط:

عصاره نرم ماروب، بلان ۳ گرم، شربت ساده ۲۰۰ گرم، عصاره را با شربت ساده بخوبی مخلوط کرده به مقدار ۲ تا ۳ قاشق سوپخوری در روز به‌عنوان یک داروی خلط آور مصرف نمایند.

محل رویش:

تهران، نواحی مختلف البرز، کرج، گرگان، گنبد کاووس، مازندران، جنوب آمل، بابلسر، ساری، گیلان، ایسیلی بیلاق، اراک، تفرش، کرمان، بجنورد و مراوتپه، سمنان و لاهیجان می‌روید.^۱

فراسیون آبی

در کتب طب قدیم فراسیون آبی و فراسیون اروپایی و در کتب طب سنتی با نام فراسیون مائی نام برده شده است.

مشخصات:

گیاهی است چند ساله، ساقه آن چهارگوش، بلندی بوته گیاه در حدود یک متر است. گل‌های آن کوچک سفید و متعدد که به صورت گروهی، در نقطه‌ای بین محل اتصال دمبرگ با ساقه در تابستان ظاهر می‌شوند. برگ‌های آن پهن مزاج و برگشته کمی دراز، بیضی نوک تیز با دندان‌های درشت.

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی، گیاه دارای کمی اسانس و یک ماده تلخ و یک رزین به نام کیلوپین و اسید مالیک و تانن و ... است.

خواص - کاربرد:

مدر، خنک کننده، مخدر ضعیف و در عین حال قابض است. در موارد خونریزیهای ریه و سایر اعضا استفاده می‌شود.^۲

ابرفیون - فرفیون

محمد بن علی بن زنجویه طیب از عبدالله بن عثمان نقل می‌کند که می‌گفت: به امام ابی جعفر محمد بن علی بن موسی علیه السلام از سردی معده و تنگی دل شکایت نمودم فرمود: داروی پدرم را چه کردی که جامع است، عرض کردم: ای پسر پیغمبر، آن دارو کداسین دارو است؟ فرمود: نزد شیعه ما معروف است. گفتم: ای آقای من، من نیز یکی از شیعیان شمایم، توصیفی در آن برایم بکن، تا آن که خودم را با آن معالجه کنم و به مردم هم بدهم، فرمود: بگیر زعفران و عاقرقرحا و سنبل و هل و پنج و خربق ایض و فلفل سفید از همه اینها مساوی و تنها ابرفیون دو برابر، همه اینها را نرم کوبیده و در پارچه ابریشم الک کرده و با دو برابر وزن اینها عسل کف گرفته معجون و مخلوط می‌نمایی و کسی را که تنگی دل و سردی معده دارد با آب کمون (زیره) پخته شده یک حبه می‌دهید که به یاری خدا خوب می‌شود.^۱

درخت معروفی است بر ساقه و شاخه درخت خار می‌باشد، رنگ: سبز، ذائقه: بی‌نهایت تلخ، مزاج، گرم و خشک در درجه سوم، مقدار خوراک شیر آن از نیم تا یک فطره، در پاکستان و هند زیاد است. مصلح آن شیر گاو و خواص: محلل، سرخ‌کننده پوست، مفرح، مسهل بنغم، شیر آن برای مرض آتشک، درد مفاصل، استسقاء و جذام مفید است.

آرد نخود را در شیر زقوم خمیر کرده قرصی به اندازه یک عدس درست کرده و به بیماران این امراض می‌دهند. مواد زاید را با اسهال از بدن خارج می‌کند، به این جهت در ضیق و استسقاء استعمال می‌کنند از شیر زقوم نمکی به نام کهار درست کرده برای دارو استعمال می‌کنند در استعمال خارجی محمر و مفرح است به همین جهت شیر زقوم را با زردجوبه مخلوط کرده بر زگیل می‌مالند که آن را بر طرف کند.^۲ و همچنین مالیدن روغن کرچک نیز زگیل را می‌برد.

اشخاصی که در جمع آوری آن کار می‌کنند چهره را با نقاب می‌پوشانند زیرا اگر خاک ماده این درخت وارد دهان شود تمام دندانها را می‌اندازد. حاج زین العطار می‌گوید: اسم

۲- المفردات، ص ۱۹۰.

۱- الطب، ص ۹۰، معارج، ج ۶۶، ص ۲۴۷.

آن فرفیون، ابرقیون، فریبون و تالک است. تازه آن به رنگ زرد و صاف و قابل حل در روغن زیتون است. کهنه آن زرد مایل به سرخی، مزه تلخ و بوی آن تند است. و به صورت مالیدن علاج سیاتیک، شلل استرخا، قولنج، کمردرد و دفع کننده رطوبات بلغمی از مفاصل و اعضای بدن است و مصرف داخلی آن مسهل صفراء و بلغم است. و آن را همیشه مخلوط با شیرین بیان، روغن گل و روغن های دیگر صمغ ها مثل مرمکی، صمغ عربی و صمغ کتیرا داده می شود.

مقدار خوراک آن تا ۷/۵ گرم است. اگر زن حامله آن را بخورد سقط جنین می کند ولی شاخه آن در چرک و زخم استعمال می شود. جرعه زیاد آن سم قاتل و در معده و روده ایجاد زخم می کند. تریاق سم آن آب انار ترش، کافور و شیر ترش است. با عصاره چغندر برای عطسه استعمال می کنند که در امراض دماغی استعمال می شود. برای زدودن گوشت های زائد بدن به صورت گرد استفاده می کنند و اماله آن حیض بسته را جاری می کند.

در ماهیت آن اختلاف بسیار است بعضی شیر مازریون و بعضی شیر زقوم دانسته اند. و گیلانی گفته که بعضی مردم در هند از درخت زقوم شیر می گیرند و در نهایت شدت و سختی آن را نگاه می دارند و به جای فرفیون استعمال می کنند. اولین کسی که به این صمغ بی برد، بوفاس ملک بونیه است.

قوت آن تا چهار سال می باشد که بعد از آن مدت ضعیف و پس از ده سال باطل می گردد.

مسهل بلغم لزج و زرد آب، پاک کننده زوائد بلغمی از اعصاب و مفاصل نافع داء الثعلب و صداع بارد و شقیقه، لقوه، فالج، سستی اعضا و تشنج امتلائی صرع، سکنه، کابوس، نزول آب در چشم، استسقاء، طحالی، قولنج و عرق النساء می باشد.^۱

فرفیون دارای ۴٪ ماده اسیدی است. یعنی جوهر تیزابی دارد که تلخ و تیز است. برای استسقاء و جذام و تحلیل اوزام و تنگی نفس تجویز شده است.

فرقیون را برای علاج سینه و خارج کردن بلغم استعمال کرده‌اند که مقدار خوراک آن دو گرم است و آن دارای مادهٔ ACRIDRISIN و نیز شربتی به نام (اکلریز او فورینا مرکب) با داروهای مختلف مخلوط کرده و برای برونشیت مزمن استفاده می‌کنند مقدار خوراک ۴ گرم نیز رب (او فورینا) برای برونشیت زکامی و تنگی نفس استعمال شده است و مقدار خوراک آن دوسی سی است. آن جوهر را او فورینیوم می‌گویند که دارای ۱۸/۰ درصد سم و ۳۸/۰ درصد مادهٔ لعابی است. فرقیون درختی است که در مراکش رویده می‌شود.^۱

نسخه‌ای به نام روغن سیر که از مخلوط فرقیون، عاقرقرحا، برگ سداب، فلفل سیاه و سیر درست می‌شود که ضماد آن برای لقوهٔ صورت و فلج و درد مفاصل و سیاتیک استعمال شده است. و نیز دارای لقوه و فلج و درد مفاصل، فرقیون را با عاقرقرحا و فلفل سیاه و قسط تلخ و جندیبستر با روغن کنجد استعمال کرده‌اند و نیز نسخه‌ای برای مالیدن به آلت تناسلی، فرقیون و عاقرقرحا و مشک و روغن یاسمین خیلی مفید است. همچنین برای لقوه و شکم درد و امراض جگر استعمال شده است.^۲

فرقیون گیاهی است به ارتفاع ۲ متر شبیه به انواع کاکتوهاست. ساقه پُریشت، چهارگوش، ضخیم و تیغ‌دار است. در قسمت‌های شمالی آفریقا می‌روید و در این نواحی نیز به صورت توده‌های پُریشت و مدوّر با ظاهری شبیه تپه‌های شنی در می‌آید. ساقه صاف این گیاه فاقد برگ است. ولی در محل زوایا، برجستگی‌های کوچک مثل شکل و قهوه‌ای رنگ و منتهی به ۲ زوج خار دارد که ۲ نای آنها بسیار کوچک و در زوایای فوقانی، ولی ۲ نای دیگر بزرگ، مشخص و در زوایای تحتانی قرار گرفته است. گل‌های آن زرد رنگ، میوه‌اش پوشینه، سه خانه، محتوی یک دانه در هر خانه، دارای آلبومین گوشتداز و روغن دار می‌باشد.

از شاخه‌های این گیاه بر اثر ایجاد شکاف، شیرابهٔ فراوان، سفید رنگ و چسبنده‌ای با طعم بسیار تند و تلخ خارج می‌گردد که قسمتی از آن از ساقه سرازیر می‌شود و به سطح زمین می‌رسد و بقیه در محل خارها بسته می‌شود.

به دست آوردن شیرابه سفت آن کاری مشکل است، زیرا اثر تحریک کننده دارد و اگر کارگران دهان و بینی خود را کاملاً نپوشانند موجبات ناراحتی آنها را فراهم می سازد.

فرنجمشک

گیاهی پایا از تیره نعنایان که ارتفاعش بین ۳۰ تا ۸۰ سانتیمتر است و دارای شاخه های پُرپشت و متعدد است و به حالت خودرودر اکثر نواحی معتدل آسیا و اروپا (از جمله ایران) می روید. ریشه این گیاه کوچک و سخت و منشعب است.

برگهای آن شامل ماده های تلخ و مقداری تانن، انواع قندها، مواد رزین و مواد پکتیکی و اسانس است. در این اسانس مقداری سیترال و سترونلال وجود دارد.

این گیاه در طب به عنوان بادشکن، ضد تشنج و مقوی معده و معرق و زیاد کننده ترشحات صفرا تجویز می شود و معمولاً به صورت دم کرده ده در هزار مصرف می شود. به علاوه در رفع سرگیجه، رفع حالت قی زنان باردار، بی خوابی، گوارشی و ضعف قلب توصیه شده است.^۱

فرنجمشک را به عربی اصابع قتیان و به سریانی فلنلمشکا و به رومی امیولوفراس و به یونانی اقیلیس و به رومی قیطموفرس و به هندی رام تلسی و انبل گویند و آن نوعی از ریحان است و بویش شبیه به میخک و آن دو قسم است باغی و بیابانی. مزاجش گرم و خشک در آخر دوم است.

خوردن، بو کردن و مالیدن آن بازکننده انسداد مغزی، نافع سردرد از سردی، خوشبو کننده بوی دهان و بسیار مقوی لثه و دندان، دافع رطوبت، مقوی دل، دافع خفقان و وسواس، مقوی معده و جگر سرد، هاضم غذا و محلل باد و آروغ آور و نافع بواسیر می باشد.

پخته اش حیض را قطع کند و در گرم مزاجان سردرد آورد و مولد مره سودا است و

مصلحتش بنفشه و سکنجبین است. بدلتش نمام و گویند بادرنجبویه معه قرنفل هموزن آن (تحفه حکیم بدلتش را سوسنبر نوشته است) مقدار خوراکش سه درم می باشد.

تخم آن بسیار خشک و خشک کننده متی و نعوظ آور و هاضم غذا است و به فارسی رشک نامند. مقدار خوراکش تا دو درم است و چون در سرکه و آب انگور داخل کنند، مانع فساد آنها است. بدلتش بالنگو می باشد.^۱

فرنجمشک گیاهی است که به حالت وحشی در مرکز فرانسه و ایران می روید و دارای روغن مایع اصلی و یک جزء کامفر است و از اواسط اردیبهشت تا آخر تیرماه گل می دهد و در این صورت است که باید سرشاخه های گلدار آن را چیده و خشک کرد.

گلهای خشک فرنجمشک به صورت دم کرده به مقدار پنج تا پانزده گرم در یک لیتر آب مصرف می شود و دارای این خواص است: مقوی قلب و سلسله اعصاب است، نفخ و گاز شکم را دفع کند، ضد درد و تشنج است و به طور خفیف عرق آور و قاعده آور می باشد.^۲

مقدار پنج تا پانزده گرم از گلهای فرنجمشک را در یک لیتر آب دم کرده مصرف نمایید نفخ و گاز شکم را دفع و به هضم غذا کمک می کند. دم کرده و مصرف پنج تا پانزده گرم از گلهای خشک فرنجمشک در یک لیتر آب برای ضعف حافظه، فراموشی، قلب و اعصاب مفید است، به هضم غذا هم کمک می کند.^۳

فرندل

گیاهی است که در کتب طب سنتی با نام عربی آن فرندل آمده است.

۱- سیط انظم، ج ۳، ص ۶۶۱ تحفه حکیم، ص ۱۹۸، قرابدر تیره، ص ۱۳۱۲، الاینه، ص ۲۴۲؛ قانون، ج ۲، ص ۲۷۱؛

سند، ج ۲، ص ۹۴۴. ۲- گلها و گیاهان مغایزش، ص ۱۶۳.

۳ همان، ص ۱۵۸.

مشخصات:

گیاهی است چند ساله به بلندی ۲۰۰-۵۰ سانتی متر، برگهای آن متقابل بدون دمبرگ، مثلثی دراز نوک تیز، گل‌های آن درشت به رنگ قرمز یا بنفش یا صورتی که در امتداد قسمت نهایی ساقه گل دهنده ظاهر می‌شود.

ترکیبات شیمیایی:

در سر شاخه‌های گلدار گیاه نعاب، مواد قندی، اسیدهای آلی و به مقدار زیاد تانن و سالیکارین که ماده عامل گیاه در بند آوردن خون است، وجود دارد.

خواص - کاربرد:

قبض و بند آورنده خون است و برای معالجه اسهال خونی مؤثر است.^۱

فُقَاحُ الْکَرَمِ

شکوفه درخت انگور است. از نظر طبیعت سرد و خشک است. خواص آن مقوی معده است، قی و سکسکه را تسکین می‌دهد و اگر عرق آن با تقطیر گرفته شود، قوی‌تر و مؤثرتر است. ریشه آن به عنوان آرام کننده قی و مدر و برای ازدیاد ترشح شیر و معالجه خنازیر استفاده می‌شود. به عنوان تونیک و مدر و آنتی بیوتیک یا ضد سنگ به کار می‌رود. از شیر شاخه‌های سبز و جوان مو برای معالجه بیماریهای پوست مالیده می‌شود. برگهای مو به عنوان قابض و برای قطع اسهال مصرف دارد.^۲

فلفل

مردی به امام صادق علیه السلام شکوه کرد از سفیدی در چشمش و درد دندان‌ش و یاد مفصل‌هایش، فرمود: فلفل سفید و دار الفلفل را از هر یکی به اندازه دو درهم و یک درهم

نوشادر، اینها را خوب کوبیده الک کن در هر چشم سه میل بکش تا سفیدی را ببرد و گوشت چشم را پاک می کند و درد را به اذن پروردگار ساکت می نماید سپس چشمهایت را با آب سرد بشوی و پس از آن به چشم خود اثم بکش.^۱

در روایتی دیگر امام در باره هلیله زرد به یکی از یاران خود فرمود: هلیله زرد را با هفت دانه فلفل بکوب و الک کن و به چشم سرمه بکش. ^۲ فلفل عبارت از میوه های رشد کرده و نارس پی پرنیگرم از خانواده پی براسه می باشد.

مزه تند فلفل سیاه مربوط به وجود یک آمید اسیدی به نام کاوی سین است که در میوه ها به مقدار حدود یک درصد موجود می باشد و استرئو ایزومر آن به نام پی پرین به مقدار برابر در فلفل موجود و عامل تندی آن می باشد.

عطر فلفل سیاه مربوط به یک تا ۲/۶ درصد از اسانس فراری است که از آلفا و بتا پی نن وال - آلفا و بتا فلاندرن، د - ان - لی مونن، پی پرانول، دی هیدروکاروتول، بتا - کاربوفیلین و سایر ترکیبات ناشناخته می باشد. به علاوه به مقدار ۵۰ درصد نشاسته و روغن ثابت (کمتر از یک درصد) در میوه فلفل وجود دارد.^۳

فلفل، سیاه و سفید دارد. ابوریحان گوید: سفید آن را از هند و سیاه را از دریا می آورند. درخت فلفل شبیه درخت سقز و خوشه اش مانند خوشه آن است.

فلفل گیاهی است از راسته دولپه ایها بی گلبرگ که جزو تیره خاصی به نام تیره کبابه ها می باشد. گیاهان این تیره شباهت تامی به تیره بیدها دارند و از این جهت بیشتر در کتب گیاه شناسی گیاهان هر دو تیره را تحت نام تیره بیدها ذکر می کنند.

فلفل گیاهی است بالا رونده و دارای ریشه های ساقه خیز و کوتاه که به کمک آنها به درختان مجاور خود اتصال پیدا می کنند و به طور همزیستی یا انگلی به سر می برند، چنانچه اگر این گیاه را از درختان تکیه گاه خود جدا کنند، به زودی از بین می رود. قسمت مورد استفاده این گیاه، میوه آن است که به دو صورت فلفل سیاه و فلفل سفید در

۱- طب الاثنه، ص ۸۷. ۲- صان، ص ۸۶.

۳- مفردات پزشکی جدید (فارماکوگنوزی)، ص ۲۶۱.

بازرگانی عرضه می شود.^۱

جالینوس می فرماید: تاثر نام درخت دارفلقل است و دانه‌ای که از آن جدا می گردد، فلفل می باشد. دارفلقل از فلفل ترمزاج تر است. گاهی آن را می چشند بعد از اندک زمانی سوز و زبان خور است. و از خواص آن جاذب، گدازنده و زداینده است. فلفل و مویز را با هم بخایند بلغم و بلغم لزج را ریشه کن می کند. فلفل مسکن درد و آرامبخش عصب است و با مزاج تندرستان سازگار است.^۲

در کتب طب سنتی با نام فلفل نام برده شده است.

فلفل سیاه میوه خشک شده درختچه بالا رونده‌ای است که به حالت خودرو و وحشی در مناطق مختلف هند می روید. برگهای آن بیضی نوک تیز و پهن، سطح فوقانی آن به رنگ سبز تیره و سطح زیرین برگ سبز روشن است. گل‌های آن سفید کوچک به صورت سنبله است.

ترکیبات شیمیایی:

فلفلا دارای اسانس روغنی فرار و آلکالوئیدهایی به نام چاوسین، پی پرین و پریدین می باشد. و به علاوه در میوه آن ماده پی پرتین وجود دارد.

خواص - کاربرد:

همه جا در استعمال خارجی به عنوان محرک و قرمز کننده پوست به کار می رود. ضماد آن برای معالجه و رفع تورم غده یا آذنی تیس و تحلیل جوش، کورک، کولیک، رماتیسم و سردرد به کار می رود.^۳

فلفل قرمز

فلفل قرمز عبارت از میوه‌های رسیده کاپسی کوفم فروتی سنس یا کاپسی کوم آنوم از خانواده سولاناسه می باشد.

۱- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۲۵۶۹.

۲- قانون در طب، بوعلی سینا، ص ۲۷۴.

۳- معارف گیاهی، ج ۴، ص ۳۷۵؛ ص ۱۲۱.

ترکیبات شیمیایی:

فلفل قرمز دارای کاپسا ایسین (در حدود ۰.۲٪) که ماده‌ای فوق‌العاده زننده است و در قسمت بین لایه‌های میوه وجود دارد.

فلفل قرمز دارای ۱/۵ درصد اسانس فزّار، یک روغن ثابت، کاروتنوئید و در حدود ۰/۲ درصد اسید اسکوریک می‌باشد.

مصرف و مقدار خوراک:

فلفل قرمز دارویی است محرک و بادشکن و آن را به عنوان معرق و محرک و ادویه به کار می‌برند. مقدار مصرف آن ۶۰ میلی گرم می‌باشد. اولئورزین فلفل قرمز نیز دارای خواص فلفل قرمز است و مقدار مصرف آن ۱۵ میلی گرم است.^۱

فلفل آبی

در کُتب طب سنتی با نام فُفُلُ المَاء ذکر شده است.

مشخصات:

گیاهی است یک ساله، علفی، بلندی آن ۱۰۰-۵۰ سانتی متر. ساقه آن پُر گره و در محل اتصال دمبرگ و ساقه گره‌هایی با زوایدی دیده می‌شود. گل‌های آن به رنگ سفید کثیف یا قرمز است. این گیاه در مناطق مختلف اروپا و آسیا به‌طور خودرو می‌روید. در ایران در اطراف رست و در بندرگز و در مناطق جنوب غرب ایران در شوش به‌طور وحشی و فراوان دیده می‌شود.

ترکیبات شیمیایی:

در برگ‌های گیاه اسانس روغنی فزّار و اوکسی متیل آنتراکینون مشخص شده است. به‌علاوه در گیاه یک روغن اتری دارای پولیگونوم وجود دارد که فشار خون را کاهش

می دهد.

خواص - کاربرد:

ریشه گیاه تلخ و ضمناً مقوی است و ضمناً برگ آن برای تحلیل ورم های بلغمی و سفت و تحلیل خون مردگی و ورم زیر چشم مفید است. در هندوستان از این گیاه و از برگهایش به عنوان محرک، مدر، قاعده آور و برای رفع ناراحتیهای رحم به کار می برند.^۱

فلفل برّی سه برگه

گونه ای از فلفل کوهی یا فلفل برّی است که به صورت درختچه ای بلندی حدود ۶ متر است. برگها دارای ۳ برگچه تقریباً مساوی می باشند. گلها در قسمت بالای ساقه و در طول حدود ۲۰ سانتی متر قرار دارند. میوه آن کروی یا تخم مرغی کوچک که به قطر ۵ میلی متر است.

نام محلی آن در نیک شهر و ایرانشهر گنگ می باشد و در کتب مختلف با نام فلفل برّی سه برگه آمده است.

ترکیبات شیمیایی:

دارای اسانس روغنی فرّار و الکالوئید است.

خواص - کاربرد:

مسکن و ضد درد است. برگ آن برای معالجه ناراحتیهای پوستی و اختلالات طحال استفاده می شود. میوه آن برای پیشگیری از سرماخوردگی مصرف می شود.^۲

فلفل دلمه ای

مشخصات:

۱- معارف گیاهی، ج ۵، ص ۷۵ - محیط اعظم، ص ۲۰۱.

۲- هزار، ج ۶، ص ۱۴۵۳، صید، ص ۶۲.

گیاهی است یکساله که ارتفاع آن از ۱-۰/۳۰ متر یا کمی بیشتر، برگهای آن سبز، بیضی و نوک تیز است. گلهای آن به رنگ سفید منفرد است. میوه آن سته با غلافی گوشتی که نسبتاً بزرگ می شود. رنگ نارس آن سبز ولی پس از رسیدن کامل به رنگ های زرد، قرمز یا قهوه ای و ارغوانی بیرون می آید.

ترکیبات شیمیایی:

منبع بسیار غنی ویتامین C می باشند. به علاوه دارای اسانس روغنی فرّار و کاپسائی سین است
خواص - کاربرد:

فلفل سبز از نظر طبیعت گرم و خشک است. بادهای و گازهای غلیظ را تحلیل می برد و گرفتگی ها و انسداد را باز می کند و اگر با عسل خورده شود، محرک نیروی جنسی می باشد. درد دندان را تسکین می دهد. برای حلق مضر است و باید با عناب خورده شود.^۱

فلفل کوهی

فلفل کوهی دانه ای است ریز و سیاه رنگ شبیه فلفل معمولی، دارای طعمی تند و تیز، بوته اش بلند و باریک، به اشیاء مجاور خود می پیچد، دانه هایش مانند خوشه انگور از شاخه ها آویزان می شود و در بیابانها سبز می گردد. در میان کردها برای رفع زگیل و تسکین درد از آن استفاده می کنند.^۲

فلفل کوهی درختچه ای است زیبا، از مشخصات آن این است که برگهای زودافت، پنجه ای و منقسم به پنج تا هفت برگچه نوک تیز و پوشیده از کرکهای پنبه در سطح تحتانی، پهنک دارد. گلهای آن، رنگ مایل به بنفش و مجتمع به صورت سنبله دراز با ظاهر منطبق، بر روی یک پایه مشترک است.

۲- رشته مرزآورد، ج ۳، ص ۱۳-۱۴.

۱- معارف گیاهی، ج ۱، ص ۱۷۸.

میوه آن تسکین دهنده قوای شهوانی می باشد. دم کرده سر شاخه گلدار این گیاه را به عنوان ضد تشنج، در اختلالات عصبی و غیره توصیه نموده اند. میوه اش بویی معطر و طعمی تند شبیه فلفل سیاه دارد و برای آن نیز اثر نیرو دهنده، اشتها آور، مدر، بادشکن و حتی مخدر قائل اند.^۱

ضماد میوه و برگ فلفل کوهی جهت سردرد و بواسیر نافع است. میوه گیاه مزبور برای درد و معالجه جنون، بواسیر و گرفتگی طحال و ورم رحم تجویز شده است و برای التیام زخم سوزاک هم مفید است.^۲

فلفل مویه

ریشه گیاه فلفل دراز و آن را فلفل مویه گویند. ریشه گیاه اگر به تنهایی خورده شود و یا آب پخته آن با مویز، غرغره شود برای قطع بلغم از دماغ و برای صرع مفید است. برای قولنج و بادهای سرد و بیماریهای طحال و سیاتیک و نفرس و نشنج بسیار مفید است. معده را تقویت و گرم می کند و اشتها را افزایش می دهد. فلفل مویه برای گرم مزاجان مضر است و موجب کاهش نور چشم و کاهش ترشح اسپرم می شود.^۳

فلوس

فلوس میوه درختی است که ارتفاع درخت آن تا پانزده متر می رسد و این درخت در جنوب ایران و در بلوچستان می روید، در بلوچستان به این درخت چونتور، چیمکانی و چمکانی می گویند.

قسمت مورد استفاده این گیاه در طب آن است که اصطلاح عمومی به آن فلوس می گویند.

۱- گیاهان دارویی، دکتر زرگری، ج ۲، ص ۵۵۹-۵۶۲

۲- زبان خوراکیها، دکتر غیاث اندیز، جزایری، ص ۴۸-۴۹

۳- معارف گیاهی، ج ۵، ص ۸۲

خاصیت فلوس این است که ملین و مسهل است. و طریق مصرف آن این است که باید شصت گرم فلوس را در نیم لیتر آب به مدت ۱۰ دقیقه جوشانیده و در مواقع ضروری و احتیاج یک لیوان از آن را در شب موقع خواب و یک لیوان دیگر را صبح ناشتا خورد. اگر فلوس را همانطور که هست بکنند طعم آن از جوشانده آن مطبوع تر و در عین حال مسهل ملایمی است.^۱

فارسی فلوس سابقاً خیار چنبر بود که اعراب به آن خیار شنبر می گفتند. ولی از موقعی که خیار زرد را خیار چنبر نامگذاری کردند، آن را فلوس نامیدند. عربی آن خرنوب هندی است. در کتب مختلف به آن اسامی خیار شنبه، کریال، کرداله و املتاس می گویند.

خودرو می باشد، گلهای درخت آن زرد و خوشه ای است، میوه آن نیامی است که وسط آن به وسیله پرده های نازک چوبی به چند حجره تقسیم شده و در هر حجره یک دانه و در وسط شهد غلیظی وجود دارد.

قسمت مورد استفاده فلوس شهد میوه ناشکفته آن است.

طول میوه آن، گاهی به شصت سانتی متر می رسد. پوست آن سخت، خاردار و به رنگ تیره است شهد آن شیرین ولی نامطبوع است.

دارای مواد قندی صمغی و لعابی است. شهد میوه آن ملین سینه و معده است. فشارخون را کم می کند، مضمضه آب جوشانده آن، جوشهای دهان را از بین می برد و برفک اطفال را پاک می کند، مسهل خوبی برای پیران، اطفال و زنان باردار است، خوردن آن هیچ گونه عوارض و زیان ندارد.^۲

فندق

جابر گوید: روزی از منزل بیرون آمدم، دیدم (مار) افعی کسی را چنان زده که یک طرف از بدنش کبود گشته است دو حبه غسل با آب سرد به وی دادم به حالت اولش

۱- گنجا و گیاهان شناختل، مهدی ترقی، ص ۱۶۳

۲- زبان خوراکیها، دکتر غیث الدین جزائری، ص ۱۰۴.

برگشت و دیگر دردی در بدن نداشت بعد جابر فرموده: همین کار را کشمش با فندق هم می‌کند.

فندق دارای مقدار زیادی فسفر، آهن، گوگرد، ید، مس و غیره است. پوست درخت فندق مخصوصاً پوست ریشه آن قابض است و جوشانده آن جهت مداوای نوبه و جلوگیری از خونریزی و تصلب شرایین بسیار نافع است و قاعده زنان را مرتب می‌کند.^۱ فندق سرشار از ویتامینهای A و B و مواد چربی و سفیده‌ای دارای پنجاه درصد وزن خود روغن مایع است. فندق برای تغذیه اشخاصی که مبتلا به سنگ کلیه هستند، مؤثر است.^۲

اگر یانزده روز، صبح ناشتا یک فاشق سوپخوری روغن فندق را بگیرند و بسخورند بهترین دارو علیه کرم کدو می‌باشد.^۳

روغن فندق مقوی معده، تقویت کننده دماغ و نیروی شهوانی است.^۴ دم‌کرده فندق به مقدار ۲۵ گرم در یک لیتر آب در مورد بیماریهای پوست تجویز می‌گردد و نیز در التیام زخمها که در اثر جراحات یا اولسر به وجود آمده است، به شکل محلول مصرف می‌گردد.^۵

دم‌کرده فندق مقدار ۲۵ گرم در یک لیتر آب خون را تصفیه می‌کند.^۶ اگر کسی سی گرم گلهای درخت فندق را در یک لیتر آب بجوشاند، جوشانده‌ای به وجود می‌آورد که علیه چاقی مصرف می‌گردد.^۷

فندق برای تغذیه اشخاص مسلول دارای خواص مؤثری است. فندق دارای فسفر، پتاسیم، گوگرد، منیزیم، کلر، سدیم و مس می‌باشد. اگر آن را کمی بو بدهند طعم آن بهتر می‌شود و مواد روغنی آن بیشتر از وقتی که خام است، زیاد می‌گردد.^۸

دمبرگ گل سوسن سفید را در روغن فندق بخیسانند با آن می‌توان انواع درد گوش را

۱- اسرار خوراکیها، ص ۲۲۷.

۲- بیوه‌ها و سبزیهای شفابخور، ص ۱۷۵.

۳- همان.

۴- اسرار خوراکیها، ص ۱۷۱.

۵- بیوه‌ها و سبزیهای شفابخور، ص ۱۷۶.

۶- همان.

۷- همان.

۸- همان، ص ۱۷۵.

آرام نمود.^۱

سنبله و دانه‌های گل فندق درمان سرگیجه می‌باشد.^۲

پوست شاخه‌های جوان و تازه درخت فندق به مقدار بیست گرم در یک لیتر آب اگر جوشانده شود برای حالاتی که در اثر تب به وجود می‌آید، مؤثر است. فندق برای تغذیه اشخاص مبتلا به قند تجویز می‌گردد.^۳

فندق جارو

در مدارک مختلف با نامهای فندق جارو، گورجین آغاسی و هاماملیس آمده است. مشخصات:

درختچه‌ای است کوتاه، به بلندی حدود ۲-۳ متر، برگهای آن بیضی با دندانه‌های غیر منظم قوسی و رگبرگهای مشخص شبیه برگ فندق. گل‌های آن زرد کوچک که معمولاً پس از ریزش برگها ظاهر می‌شوند. میوه آن کپسول است که در آن دانه‌های روغنی قرار دارند.

ترکیبات شیمیایی:

در برگ و پوست فندق جارو اسانس وجود دارد و وجود ماده تلخی به نام هاماملیس در آن مشخص شده است. به علاوه در گلهایی که روی برگهای گیاه پدید می‌آید و همچنین در پوست درختچه، اسیدگالیک و رزین وجود دارد.

خواص - کاربرد:

از تقطیر پوست درختچه محلول الکلی به دست می‌آورند که محلول قابضی است و به صورت مصرف خارجی آن را در درمان اعضای شکسته به کار می‌برند. در مورد خونی‌ریزی از ریه‌ها، معده، رحم، امعاء و احشاء و... داروی بی‌بدیلی است.

۳- بروه‌ها و میزهای شناختی، ص ۱۷.

۲- اسرار خوراکیها، ص ۲۲۷.

۱- همان، ص ۱۷۶.

برای درمان اسهال ساده و خونی به صورت خوردنی و... مصرف دارد. خواص دیگری نیز در مورد این گیاه شناخته شده است.^۱

فنک

فنک گونه‌ای روباه کوچک اندام که به نام روباه خالدار نیز موسوم است. قدش کوتاه و پوستش قرمز و پشتش دارای موهایی است که انتهای آنها سفید است. از پوست این حیوان در نواحی ترکستان پوستین‌های ذی قیمتی تهیه می‌کنند.^۲

فنک اسم عربی است و به فارسی دنه و به ترکی قرقاس نامند و آن پوست حیوانی است از سنجاب بزرگتر و از سرزمینهای روس و ترک می‌آورند. در مردابها و آب بتدائنها و رودهای کوچک از شعبه‌های رودخانه هراز آمل بندرت یافت می‌شود.

رنگ آن سفید و سرخ و ابلق و خوشبوترین پوست حیوانات است. بغدادی گفته: گوشت آن شیرین است و گویند گرم و تر است.

به قول انطاکی گرم در سوم و معتدل است. پوشیدن آن بدن را چاق و لطیف گرداند و اخلاط سرد را حل می‌کند و جهت فلج و لقوه و رعشه و سستی و لرزه گرمی نافع و بخور آن جهت گریزاندن حشرات نافع و گوشت آن پست و در آن منفعتی نیست. گویند: پوشیدن پوستین آن سبب اعتدال و نافع هر کسی می‌باشد و گویند خوراک گوشت آن به سبب شیرینی، منتفی است.^۳

فیروزه

در فضیلت فیروزه منقول است که حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) چهار انگشتر در دست می‌کردند: انگشتر یاقوت برای شرافت و زینتش، فیروزه برای نصرت و یاریش، حدید صینی برای قوتش، عقیق برای حرز و دفع دشمنان و بلاها.^۴

۱- وسائل، ج ۳، ص ۲۵۴۸.

۲- سائر گیاهی، ج ۷، ص ۲۱۲.

۳- حله المنقر، ص ۱۸.

۴- محیط اعظم، ج ۳، ص ۲۷۲، قیادین کبر، ص ۳۱۶.

فیروزه یکی از احجار آذرین که ترکیب آن عبارت از فسفات تیدراته آلومنیوم طبیعی است. وزن مخصوصش بین ۲/۶۲ تا ۲/۸۳ است. فیروزه به مناسبت رنگ آبی درخشانی که دارد بزودی در بین احجار کریمه شناخته می‌شود. مرغوبترین نوع فیروزه رنگ آبی آسمانی خوش رنگ می‌باشد که مخصوص ایران است و در محلی موسوم به معدن در نزدیک نیشابور وجود دارد.^۱ فیروزه را به یونانی سافرون و به هندی برگ تمن نامند و آن سنگی است سبز رنگ مایل به کبودی و رنگ آن در هوای صاف، صاف گردد و در کدر، کدر شود. معدن آن نیشابور، خجند، کرمان، آذربایجان و کوهستان فارس و در هندوستان در کوه بهطنت است و آن دشت نوع می‌باشد و بهتریش نیشابوری است.

مزاج فیروزه سرد در اول و خشک در سوم و مفرح است. آن را در ادویه چشم داخل می‌کنند، پس جلای آن و تقویت اعضای چشم نماید و چون فیروزه ساییده در چشم کشند جهت جذب رطوبات چشم و سفیدی و تقویت بینایی و رفع شب کوری و شکافتن قرنيه تنها یا با ادویه مناسب نافع است. و اگر دو دانگ آن را بخورند تقویت قلب نماید و به دستور، با ادویه مناسبه و با ترکیبها و معاجین جهت تقویت معده و رفع خفقان و در قطع اسهال و جهت زخم معده و دیگر زخمهای درونی و پُر چرک مفید و با غسل جهت صرع و طحال و شکستن سنگ کلیه و مثانه نافع و از خواص فیروزه آن است که آویزان کردن آن مقوی قلب و مانع ترس و پیروزی بر دشمن است. خوراک بیم درم آن تریاق جمیع سمها است. مضر کتیه است و مصلح آن کثیر است.^۲

فیکوس بنجامین

سرزمین اصلی فیکوس بنجامین، جنگلهای استوایی قاره آسیا، خصوصاً هندوستان است. دارای برگهای محکم و چرم مانند و مقاوم، بیضوی شکل و نوک تیز است. برگها هنگام جوانه زدن و در جوانی به رنگ سبز روشن بوده و به مرور، به رنگ سبز تیره درمی‌آیند. تکثیر این گیاه به وسیله قلمه در فصل بهار صورت می‌گیرد. قلمه‌ها را از

شاخه‌های جانبی به طول ده تا پانزده سانتی‌متر می‌گیرند و در خاک سبک و درجه حرارت بیست و پنج تا سی و پنج درجه می‌کارند.^۱

فیل

روایت از جابر بن حیان:

فیل پستاندار است عظیم الجثه که راسته خاصی به نام راسته فیلان را به وجود می‌آورد. در راسته فیلان، امروز فقط دو گونه موجود است: یکی آسیایی یا هندی و دیگری فیل آفریقایی. قد فیل هندی از فیل آفریقایی کوچکتر و گوشها و عاجش نیز کوچکتر است.

فیلها بزرگترین حیوانات خاکزی هستند. دارای خرطوم بزرگی می‌باشند که از اتصال دو جدار بینی و لب فوقانی به وجود آمده است. دست و پای فیلها حجیم و عضلانی است و هر کدام به ۱۵ انگشت ختم می‌شود. فیل را معمولاً در هندوستان و آفریقا اهلی می‌نمایند و جهت بارکشی و سخم زدن، از آن استفاده می‌کنند. برخی فیلها بالغ بر ۵۰ تا ۶۰ کیلوگرم عاج می‌دهند. ارتفاع فیلهای آفریقایی تا ۴/۵ متر نیز می‌رسد.^۲

فیل معرب از پیل فارسی است و به عربی شمعل و عردار و به هندی هاتھی و گچ و به فرنگی فالغه نامند و آن حیوانی است مهیب معسوف در جثه و بزرگتر از کس حیوانات است. دندان آن را به عربی عاج می‌نامند و ضجاج بهترین اجزای آنست.

این سینا در شفا گفته است که آن از جنس دندان نیست، بلکه آن قرن معکوس مائل از بالا به سوی پایین است و دندان آن، همه در دهن آن است و خرطوم آن به جای بینی است و مجوف و پیچیده می‌شود و از آن تنفس می‌نماید و آب را با آن به دم می‌کشد و برداشته در دهان خود ریخته می‌نوشد و گاه و غیره خوراک خود را به همان خرطوم

۱- مجله رنگ، ص ۷۶، خرداد و تیر ۱۳۷۱.

۲- فرمینگ ناری، دکتر معین، ج ۲، ص ۲۵۹۵؛ قرابادی کبر، ص ۳۱۹؛ ابن الیطن، ج ۳، ص ۱۶۲

برداشته و به دهان داخل می‌کند و به دندان آسیا کوتاه خائیده، می‌خورد و در خرطوم آن زور بسیار است. مدت حمل آن ۱۸ ماه است و عمر آن مثل عمر انسان است.

مزاج فیل سرد و بسیار خشک است و به قول گیلانی در عالج آن اکثر منافع است و منفعت بر عالج در تقویت قلب بسیار است چون دندان آن را که عالج است خوب ساییده به قدر کف یا دو درم با ماء العسل یا آب و عسل هر روز بخورند که تقویت حافظه و فهم و رفع درد مفاصل و پهلوی می‌کنند. و مالیدن حکاکه آن به آب اعانت بر رویدن موی کنند. و نیز تجربه کرده‌اند که چون بعد از ظهر تا سه شب، هر شب یک مثقال براده آن را با دو مثقال نبات سفوف نماید و شب چهارم با شکر مجامعت کند باعث حمل است و آشامیدن بول آن به نحوی که نداند بول فیل است، جهت حامله شدن زن عاقر مجرب است و حمل سرگین آن با عسل مانع از حامله شدن آن است و بخور آن رافع تبهای کهنه و اکتحال زهره آن جالی آثار چشم و مقوی آن است.^۱

فیل هر هفت سال یک بار می‌زاید و بهترین اجزای آن دندان آن است که عالج نامند. سرد و بسیار خشک و حابس اسهال و نرف الدم و بستن آن بر عضوی که استخوان شکسته در آن باشد، جاذب آن است.^۲

فیل زهره، دیوخار

گیاه فیل زهره دارای شیرهای به نام حضض می‌باشد که در موضوع حضض از جابربن حیان روایت نقل شده است.

دیوخار، گیاهی است از تیره بادنجانیان، جزو دسته شاییزکها، دارای برگهای کامل، گلپایش به رنگ سفید و بنفش کم رنگ و قرمز و صورتی و زرد دیده می‌شود. تاکنون در حدود ۷۰ گونه از این گیاه شناخته شده که همگی در نواحی معتدل و گرم می‌رویند.^۳ گویند درخت حضض است و میوه‌ای مانند فلفل دارد. حضض شیره آن است یا شیره

۲- نمونه حکیم، ص ۱۹۹.

۱- سبط اعظم، ج ۳، ص ۲۷۱؛ قرابادین، ص ۳۱۹.

۳- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۱۶۱۰.

زرشک است. حضض عربی غیر اینها است. خود فیل زهره تقریباً قوت شیره‌اش را دارد و کمی از آن ناتوانتر است. تنها یا با روغن زیتون بر سر مالند موی سر را تقویت کند. شاخه‌هایش را با سرکه بپزند و بخورند داروی سپرز است و یرقان را نیز علاج می‌کند. آب پز شاخ و برگش حیض را ریزش دهد. آب پز شاخ، برگ و خوردن ثمرش به وزن یک مصروس خلط بلغمی را به کلی بیرون آورد.^۱

فیلزهرج معرب ییل زهره فارسی است. معنی آن سم فیل جهت آنکه کشتنده فیل است و به یونانی فوجاقاتیون گویند و آن نباتی است که حضض هندی عصاره آن است و می‌گویند که نوعی از لوف کبیر است که آن معتدل در حرارت و برودت است و آن نافع قروح دهان و اورام آن و جهت قروح عفنه ردیه در گوش که از آن خون سیلان کند و آشامیدن آن جهت صلابت سپرز و یرقان و آشامیدن عصاره یا ثمر آن مقدار شش درم تا دوازده درم اسهال خلط بلغمی بسیار آورد.^۲

فیلزهرج به معنی سم فیل است و آن قسمی از لوف کبیر است که حضض هندی عصاره آن است و قاتل فیل است.^۳

۲- محیط انطباق، ج ۳، ص ۲۸۰۸.

۱- قانون در طب، ج ۲، ص ۲۷۷.

۳- تحفة حکیم، ص ۲۰۰.

حرف

ق

قاتل البق

مشخصات:

گیاهی است پایا به ارتفاع ۲ متر، دارای ساقهٔ زیرزمینی و ریشهٔ ضخیم و قوی با بوی تند که در طب سنتی مصرف دارد. برگهای آن پنجه‌ای سه قسمتی و گل‌های آن در طول ساقهٔ گل دهنده قرار دارند.

ترکیبات شیمیایی:

در ریشهٔ گیاه مادهٔ رزینی فعال وجود دارد که از آن برای تقویت اعصاب و به عنوان ضد اسپاسم استفاده می‌شود و قدری اسانس دارد.

خواص - کاربرد:

برای معالجهٔ ضعف‌های زنانگی و مسائل گرفتگی‌های رحمی و عادت ماهیانه به بازار عرضه می‌شود. ریشهٔ این گیاه برای کاهش تب، رفع خارش، بی‌خوابی، مالاریا، تب زرد و ناراحتی‌های زنان و رحمی توصیه می‌شود.^۱

قارچ

قارچ، ریشه، برگ و گل ندارد، بلکه فقط دارای بدنه است. بیشتر شکل آن چتری در جاهای مرطوب و یا در تنه درختان و گیاهان می‌روید. قارچها بر چند نوع هستند و یک نوع آن که در گردی قارچ کما گفته می‌شود در میان کردها این نوع را پس از خشک کردن با شکر می‌کوبند و پودر آن را برای کسانی که کرم کدو دارند به مصرف می‌رسانند.^۱

قارچها مواد غذایی خود را از محیط اطرف خود می‌گیرند. عده‌ای از آنها به حالت ساپروفیت بر روی مواد پوسیده یعنی بقایای گیاهی و حیوانی به سر می‌برند. بعضی دیگر، طفیلی موجودات زنده‌اند و مواد غذایی خود را از آنها کسب می‌کنند. قارچها را به صورت مختلف رده بندی نموده‌اند که یکی از ساده‌ترین و کلی‌ترین آنها تقسیم این گیاهان به پنج گروه بزرگ است. معروف است که از قارچ خشک مقداری سنتونین که داروی ضد کرم است، استخراج می‌گردد.^۲

از امام صادق علیه السلام منقول است که خوراک حضرت خضر و الیاس کرفس و دمبلان (قارچ) است.^۳ قارچ گیاهی است از شاخه ریشه‌داران، جزورده قارچها که به عربی آن را فطر و کماة خوانند.^۴

قارچ خوراکی، غذای پروتئین دار بسیار مفیدی است که دارای ویتامین D نیز می‌باشد.^۵

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که دمبلان (قارچ) داخل «من» است که بر بنی اسرائیل نازل شد و من از بهشت آمده و آبش شفای چشم است.^۶

قارچ در علم روز

قارچ دارای مواد کامل تغذیه است که اگر کسی گوشت نمی‌خورد با خوردن قارچ

۱- ریشه مردانه، ج ۴، ص ۱۹۱.

۲- گیاهان دارویی، دکتر زرگری، ج ۳، ص ۴۱۲.

۳- فرهنگ فارسی، دکتر مین، ج ۲، ص ۲۶۰۹.

۴- مجله برگ سبز، ص ۳۱، مرداد و شهریور ۱۳۷۱.

۳- حلیة المتقین، ص ۱۹۸.

۶- حلیة المتقین، ص ۶۰.

جبران می‌شود، زیرا طبق گفته دانشمندان در ۱۰۰ گرم گوشت حدود ۲۰ گرم مواد سفیده‌ای وجود دارد در حالی که مواد سفیده‌ای بعضی قارچها از آن نیز متجاوز است.

قارچ دارای مواد معدنی زیادی از سدیم، کلسیم، سیلیس، کلر، کوبالت و منیزیم می‌باشد. لذا این گیاه برای افراد کم خون بسیار مفید است و به جهت دارا بودن آن بر ماده فسفر فعالیت مغزی اشخاص را نیز تقویت می‌نماید.

و معروف است که از قارچ خشک مقداری سنتونین که داروی ضد کرم است استخراج می‌کنند.

ولی نباید از نظر دور داشت که هر قارچ خوراکی نیست، زیرا برخی از قارچها سم دار است و خوردن آن باعث مسمومیت و مرگ هم می‌شود که علائم مسمومیت آن قی و استفراغ و بی حالی و عطش و قوئنج و دل درد است که باید فوراً مریض را به پزشک برسانند و در صورتی که رسیدن به پزشک امکان ندارد ده تا پانزده گرم سولفات دوسود را در نیم لیتر آب ریخته به او بدهید و هم برای شستشوی معده و روده‌های مسموم باید با دو قاشق نمک در یک ربع لیتر آب محلول یا جوشانده غلیظ و یا روغن کرچک تنقیه کنید.^۱

پیغمبر خدا ﷺ فرمود: «الکماة من نبت الجنة، مائة نافع من وجع العين».^۲

باز پیغمبر اسلام ﷺ فرمود: کماة از من است خداوند بر بنی اسرائیل نازل فرمود و آن

دوای چشم است و عجوه که از برنی است از بهشت است که شفا است از سم.^۳

قارچ مولد پنی سیلین:

کپک آبی یا قارچ مولد پنی سیلین قارچی است به عبارت دیگر نوعی کپک قارچی

است از قارچهای کیسه‌ای که به صورت کپک سبز یا کپک آبی روی میوه‌های فاسد و روی نان کپک زده و غیره دیده می‌شود.

۲- سحان، ص ۲۶.

۱- گنبا و گیاهان شناختش، ص ۱۶۵.

۳- سیور الاخبار، ج ۲، ص ۷۵.

مشخصات - کاربرد:

پنی سیلین یکی از آنتی بیوتیکهای بسیار نیرومند است. پنی سیلین رشد اغلب باکتریهای گرام مثبت و برخی از باکتریهای گرام منفی را متوقف می کند. پنی سیلین از نظر شیمیایی مرکب از املاح کلسیم و سدیم یک اسید آلی می باشد.^۱

قارچهای تخمیر کننده

برخی قارچهای ریز میکروسکوپی می باشند که از یک سلول تخم مرغی شکل یا کمی گرد تشکیل می شوند. خاصیت آنها این است که به علل تخمیر، محلولهای قندی را به محلولهای الکلی تبدیل می نمایند.

در برخی نژادهای مخمرها، جوانه جدیدی که به قدر کافی رشد می کند از سلول مادر جدا نمی شود و همانطور در حال ارتباط با سلول مادر باقی می ماند.

قارچهای تخمیر کننده انواع مختلفی دارند که در موارد مختلف کاربرد دارند. که یکی از آنها قارچ تخمیر کننده آبجو است.

مشخصات:

از مخمر آبجو به دو صورت در مداوای بیمارها استفاده می شود یکی به صورت تازه و دیگری به صورت خشک مصرف می شود.

خواص - کاربرد:

استعمال داخلی مخمر آبجو در بیماری قند، سل، سرطان، کم خونی و ناراحتیهایی که منشأ آنها کمی ویتامین B در بدن می باشد و رفع جوش و کورک و گل مژه بسیار مفید است.^۲

قارچ کومبوجا

باور کردن این موضوع که یک نوشیدنی ساده و در واقع نوعی قارچ موجود در این نوشیدنی می‌تواند از بروز بیماری سرطان جلوگیری کند و رشد غده‌های سرطانی را متوقف سازد، دشوار است. اما واقعیت این است که گروهی از پزشکان و پژوهشگران براساس شواهد و آزمایش‌های انجام شده بر روی نوعی قارچ به نام «کومبوجا» اعلام کرده‌اند که این قارچ به دلیل ترکیبات خاص و دارا بودن اسید گلوکورونیک نه تنها مانع از سرطانی شدن سلولها می‌شود، بلکه رشد سلولهای سرطانی را نیز متوقف می‌سازد. علاوه بر این قارچ کومبوجا عاملی مؤثر در جلوگیری از سگته‌های قلبی شناخته شده و به اعتقاد پزشکانی که اثرات این قارچ را بر روی افراد مختلف مورد مطالعه قرار داده‌اند «کومبوجا» همان اکسیر حیات بخشی است که دستیابی به آن همیشه آرزوی بشر بوده است؛ زیرا مصرف آن از ریزش موها، چین و چروک پوست و سخت شدن رگها، مفاصل و عضلات که از علایم بالا رفتن سن و پیری است، جلوگیری می‌کند.

در واقع با مصرف کومبوجا مدت دوران جوانی افزایش می‌یابد و زمان پیری دیرتر فرا می‌رسد.

پژوهشگران و پزشکان برای اثبات این نظریه به طول عمر افراد در مناطقی که در آنجا به‌طور سنتی قارچ کومبوجا به‌صورت محلول در نوعی نوشیدنی استفاده می‌شود اشاره می‌کنند. آنها می‌گویند: بسیاری از کسانی که در مناطق کوهستانی قفقاز یا مناطق روستایی سیبری مانند «یاکوتایا» در اوکراین، تبت یا اسپانیا زندگی می‌کنند بیشتر از یکصد سال سن دارند. و یکی از دلایل این طول عمر استفاده از قارچ کومبوجا است. البته پزشکان این موضوع را نیز نادیده نمی‌گیرند که شرایط اقلیمی و ژنتیکی نیز در این مورد نقش عمده‌ای دارد.

اگر چه کومبوجا نوعی قارچ است اما در واقع به شکل نوشیدنی مورد مصرف قرار می‌گیرد، یک نوشیدنی ساده که ترکیبی است از چای معمولی و شکر که با استفاده از قارچ کومبوجا تخمیر شده و ساختار شیمیایی آن تغییر کرده است.

گزارشهای علمی زیادی که تاکنون در باره قارچ کومبوجا نوشته شده است نشان می‌دهد که نوعی آنتی‌بیوتیک قوی در ترکیب قارچ کومبوجا وجود دارد که وجود آن باعث می‌شود مواد زائد و سموم بدن دفع شود.

به عقیده پزشکان این مواد در فرایند شیمیایی بدن نقش مهمی ایفا می‌کنند. آنها معتقدند چای کومبوجا یک ماده غذایی مکمل به حساب می‌آید که مصرف آن سیستم دفاعی بدن را تقویت کرده و موجب جلوگیری از بیماریها می‌شود.

دکتر ماکسیم بنیک در سال ۱۹۲۸ در باره قارچ کومبوجا نوشت: «قارچ کومبوجا دارویی موثر برای مقابله با سختی رگها و عروق، نقرس و تنبلی روده‌ها است. مصرف چای کومبوجا بویژه آثار مطلوبی در رفع سختی رگهای کلیه و مویرگهای مغزی دارد ولی در مقابله با سختی رگهای قلب از تأثیر کمتری برخوردار است».

یک سال بعد یعنی در سال ۱۹۲۹ دکتر «ای - آرونو» طی مقاله‌ای مطالعات خود را در مورد چای کومبوجا منتشر کرد. او در این مقاله نوشت: «صدها سال است که مردم آسیا چای کومبوجا می‌نوشند، زیرا مصرف این نوشیدنی به‌عنوان دارویی طبیعی، در مقابله با خستگی، سستی، سختی رگها و عروق، تنبلی روده‌ها و نقرس و رماتیسم، همروئیدها و دیابت نتایج حیرت‌انگیزی داشته است».

استفاده از کومبوجا در بخشهایی از آسیا از قرن‌ها قبل معمول بوده است. براساس مدارک موجود نام این قارچ از نام یک پزشک کره‌ای به نام کومبو گرفته شده است. این پزشک در حدود سال ۴۱۵ میلادی با استفاد از نوشابه‌ای که با کمک قارچ به دست آمده از نان چاودار تخمیر شده بود «ایتکیو» امپراطور ژاپن را درمان کرد. در آن زمان این نوشیدنی به‌عنوان یک داروی معجزه‌گر مورد توجه قرار گرفته بود و به آن لقب «دارویی برای عمر ابدی» داده بودند. پس از آن چای کومبوجا در سراسر چین، ژاپن و کره و سپس در هند و روسیه مورد استفاده قرار گرفت.

کومبوجا ضد سرطان:

تحقیقات بعدی در مورد کومبوجا نشان داد اثرات دارویی این نوشیدنی تخمیر شده بسیار بیشتر از آن چیزی است که پیش از این شناخته شده بود. پژوهش‌های انجام شده در مورد ترکیبات این قارچ وجود مقدار زیادی اسید گلوکورونیک در ترکیبات آن را اثبات کرد این اسید در آزمایشگاه و به‌طور مصنوعی قابل تولید نیست اما کبد یک انسان سالم قادر است آن را تولید کند. این اسید در بدن انسان به‌عنوان پادزهر عمل می‌کند و قادر است تأثیر تمام سموم و «توکسیت»ها و بخصوص مواد پروتئینی در هم آمیخته را که توسط میکروب‌های بیماری‌زا در بدن تولید می‌شود از میان برده و از طریق سیستم دفع آنها را از بدن خارج سازد.

وجود اسید گلوکورونیک در کومبوجا بیش از هر چیزی مورد توجه سرطان‌شناسان قرار گرفت و سرطان‌شناسان روسی به مطالعه دقیق در این مورد پرداختند. بررسی در مورد اثرات این نوشیدنی بر روی مصرف‌کنندگان و کنترل آمار انواع بیماری‌ها بویژه سرطان در مناطقی که از کومبوجا استفاده می‌شود نشان داد وضعیت دو بخش از ناحیه «پرم Perm» در کنار رودخانه کاما در غرب کوهستان اورال به نحو حیرت‌انگیزی با دیگر نقاط متفاوت است. در این مناطق هیچ موردی از سرطان مشاهده نشد و تحقیق در مورد چند نفر مبتلا نیز نشان داد که آنها از مناطق دیگر به این محل آمده‌اند.

وضعیت محیطی این مناطق چندان تفاوتی با نواحی دیگر نداشت. در این دو منطقه نیز پتاسیم، سرب، جیوه و سنگ معدنی نسوز و دیگر مواد آلوده‌کننده و زمینه‌ساز سرطان وجود داشت حتی میزان آلودگی محیط باعث مرگ تعداد زیادی ماهی در آبگیرهای منطقه «کاما» شده بود پس چه علتی می‌توانست مانع ابتلاء مردم به سرطان شده باشد.

قارچ زشت:

بررسی دقیق‌تر در این مورد نیاز به فعالیت بیشتر داشت دو گروه پژوهش‌گر که از پزشکان و متخصصان دیگر تشکیل شده بود شروع به کار کردند.

گروه پژوهش «سولیکاماسک» و گروه «برسینکی»: هر چیزی را که ممکن بود آنها را به نتایج رضایت بخش برساند؛ مورد بررسی و آزمایش قرار دادند.

یک اتفاق ساده:

در یک روز گرم تابستان یکی از اهالی منطقه به نام «بابوشکا» برای دکتر «مولودیف» رئیس یکی از دو گروه علمی نوشیدنی تازه‌ای آورد که همان چای کومبوجا یا بنا بر گویش محلی «چای کواتی» بود. دکتر «مولودیف» می‌دانست که این چای با کمک قارچ به دست آمده از نان چاودار تهیه می‌شود اما بیش از این چیزی نمی‌دانست.

قارچ شناور در چای کومبوجا ظاهر دلچسبی نداشت ولی «بابوشکا» پیرزن با تجربه محلی به دکتر مولودیف گفت که این نوشیدنی خوشمزه و سلامت بخش است و مهم‌تر از همه مجانی است.

در همان زمان دکتر «جرج اوریو» نیز در منطقه «برسینکی» با چای کومبوجا آشنا شد. این دو پزشک بر اساس اعتقاد مردم منطقه که کومبوجا را دارویی سلامت بخش می‌شناختند به مطالعه بیشتر در مورد کومبوجا پرداختند و دکتر «جرج اوریو» مدتی بعد در یادداشت‌هایش نوشت!

نوشیدنی محلی اینجا که به نام چای کواتی معروف است خواص عجیبی دارد حتی الکلی‌ها هم بعد از مصرف مقدار زیادی الکل آن را می‌نوشند و عجیب اینکه پس از مصرف «چای کواتی» حتی اگر مقدار زیادی مشروب خورده باشند آثار مسنی در آنها دیده نمی‌شود، تحقیقات بعدی نشان داد که در این منطقه مصرف الکل و توتون بسیار بیشتر از نقاط دیگر است اما عوارض ناشی از آن بسیار ناچیز است.

نظر متخصصان به گذشته:

اگر چه دستاوردهای دو گروه تحقیقاتی اخیر در مورد «کومبوجا» بسیار جالب و حیرت‌انگیز بود اما پیش از آن نیز پزشکان دیگری آثار معجزه آسای قارچ کومبوجا را

شناخته بودند.

«کانتر فرانک» نویسنده کتاب «کومبوجا درمان طبیعی از شرق دور» که در مورد این نوشیدنی حاصل از آن می نویسد: آیا امروزه، مردم در شرایط آلودگی شدید محیط و در حالی که از غذاهای اکثراً آلوده به مواد شیمیایی استفاده می کنند کبد سالمی دارند؟ او سپس توضیح می دهد که یک کبد سالم به اندازه کافی و مورد نیاز بدن «اسید گلوکورونیک» تولید می کند. این اسید از تأثیر مواد سمی بر بافت های بدن که از طریق هوا و غذا وارد بدن انسان می شود جلوگیری می کند اما زمانی که مقدار این سموم افزایش یابد عملکرد کبد برای تولید این اسید دچار اختلال می شود.

«کانتر فرانک» سپس می نویسد: استفاده از الکل، توتون، مواد غذایی کنسرو شده، غذاهای مانده، آبها و گیاهانی که از طریق کردهای شیمیایی و مواد دیگر آلوده و شیمیایی شده اند بار سنگینی را به کبد تحمیل می کنند. این در حالی است که بخشی از مواد دارویی، از جمله جیوه ای که در مواد دندانپزشکی وجود دارد بر دامنه مسدودیت های داخلی بدن می افزاید و به دلیل عدم توانایی کبد در تولید «اسید گلوکورونیک» به اندازه کافی آلودگیهای ایجاد شده در بدن باعث بیماریهای مختلف و مہلک می شوند و در اینجا است که چای کومبوجا با مقدار فراوانی اسید گلوکورونیک به سالم سازی بدن کمک می کند.

در سال ۱۹۱۴ «باسینز کاجا» در مورد نوشیدنی کومبوجا نوشت این نوشیدنی در تنظیم فعالیت های روده بسیار مؤثر است و پرفسور «رودولف کوپرت» در سال ۱۹۱۸ کومبوجا را بهترین دارو برای درمان رماتیسم توصیف کرد و دکتر «ویلهلم هینبرگ» آلمانی معتقد بود: نوشابه ای که با اسم چای کوانی در روسیه نوشیده می شود دارویی است برای مبارزه علیه همه بیماریها و دکتر «مادایوس» بیولوژیست معروف در سال ۱۹۲۷ اعلام کرد که مواد متابولیک موجود در چای کومبوجا اثری شگفت آور بر ترمیم دیواره سلولی داشته و به همین دلیل بهترین دارو برای جلوگیری و درمان سختی عروق است.

دکتر «پال پی» دانشمند ژاپنی که نتایج تحقیقات خود را در مورد چای کواتسی یا کومبوجا برای اطلاع محافل علمی پزشکان انتشار داد در گزارش خود نوشت: مصرف این چای کمک می‌کند که پس از ۴ تا ۶ ماه رشد موها به حالت اول برگردد و موهای خاکستری مشکمی شود، این چای می‌تواند دید چشمها را نیز تقویت کند، وی با تأکید به وجود سه عنصر حیاتی در چای کومبوجا حتی ادعا می‌کند که کومبوجا عمر را نیز طولانی می‌کند و در واقع همان اکسیر حیات بخش است.

مطالعه متمرکز:

مطالعات گروهای پژوهشی و آنچه پیش از آنها در باره کومبوجا گفته شده بود توجه محافل علمی را به سوی این نوشیدنی ساده جلب کرد و مرکز انستیتو باکتری شناسی مسکو که کومبوجا را مورد مطالعه دقیق قرار دادند، محققان این انستیتو متوجه شدند که رشد قارچ در واقع به صورت یک توده زله مانند متشکل از کشت‌های هم زیست با باکتری «زیلی نورم» و ذخیره مجموعه سلولهای مخمر از دسته ساکارومیسز است. در این انستیتو باکتریهای تشکیل دهنده کومبوجا به دقت مورد مطالعه قرار گرفتند و اثرات جادویی آن مورد تأیید قرار گرفت.

درمان سرطان:

«روسینا فاجینگ» نویسنده کتاب «قارچ کومبوجا درمان طبیعی سرطان» می‌نویسد: مواد موجود در چای کومبوجا روی منطقه‌ای از بدن اثر می‌گذارد که به دلیل ازدیاد عوامل مولد سرطان آسیب دیده است. کومبوجا با پاک کردن محیط و تنظیم PH با قدرت طبیعی احتراق مراحل اکسیداسیون سلولی را زیناد می‌کند و به این ترتیب عوامل سرطان‌زا را از میان می‌برد.

بنابراین نظریه «فاجینگ»: «قارچها کومبوجا در محیط اسیدی جوانه می‌زنند و بنابراین باعث جلوگیری از رشد عوامل سرطان‌زا می‌شوند.

این توضیحات ممکن است که از نظر برخی متخصصان با تردید تلقی شود و تأثیر نهایی اثرات ضد سرطان کومبوجا را موقوف به مطالعات بیشتر سازد اما مطالعات متخصصان روسی خاصیت پیشگیری از سرطان را در کومبوجا تأیید می‌کند.

معالجه سرطان ریگان:

در سال ۱۹۸۳ رسانه‌های خبری آمریکا برای اولین بار اعلام کردند که رونالد ریگان رئیس جمهور اسبق آمریکا به بیمار سرطان مبتلا شده است. براساس گزارشهای بعدی روشن شد که سرطان در بدن او به سرعت پیشرفت می‌کند و پزشکان تلاش می‌کنند تا سلولهای سرطانی شده را از ممانه، روده و بینی او پاک کنند. مراحل مداوا از طریق شیمی درمانی بسیار دشوار بود و در همین زمان پزشکان آمریکا به فکر استفاده از دارویی افتادند که در یکی از کتابهای «سولژنیتسین» نویسنده روسی برنده جایزه نوبل به عنوان داروی معالج سرطان مطرح شده بود. آنها با «سولژنیتسین» که در آن زمان در آمریکا به سر می‌برد گفتگو کردند و او گفت: این داروی معجزه آسا همان قارچ کومبوجا است. پزشکان و مشاوران ریگان سرعت دست به کار شدند، چای کومبوجا تهیه شد و از آن پس به عنوان یک نوشیدنی دائمی مورد استفاده ریگان قرار گرفت و عجیب اینکه پیشروی بیماری به سرعت متوقف شد و پس از آن هیچ خبری در مورد سرطان ریگان اعلام نشد.

کومبوجا معالج M.S:

گزارش یک خانم هلندی که برای درمان بیماری M.S از چای کومبوجا استفاده کرده است، تأیید دیگری است برای اثرات جادویی کومبوجا. این خانم می‌نویسد: من از سال ۱۹۸۲ بر اساس توصیه پزشکان شروع به نوشیدن چای کومبوجا کردم. در آن زمان من فقط قادر بودم با کمک عصا و به سختی چند متر راه بروم و وضعیت جسمانی من روز به روز بدتر می‌شد اما حالا می‌توانم بدون عصا ۲۰ دقیقه به‌طور مداوم راه بروم، من دوباره

توانستم پشت فرمان اتومبیل بنشینم و حتی قصد دارم به ورزش اسکی پردازم. یک بسر ۱۵ ساله هلندی نیز اثرات جای کومبوجا را در رفع بیماری خارش پوست اینگونه گزارش کرده است: بیماری خارش پوست از ده سالگی به سراغ من آمد، گاهی آنقدر بازوهایم را می خاراندیم که خون آلود می شد و هیچ دارویی نیز برایم چاره ساز نبود، پزشکان تشخیص داده بودند که عامل این بیماری باکتریایی هستند که در روده های من رشد کرده اند اما دارویی مؤثر برای از بین بردن آنها وجود نداشت سرانجام جای کومبوجا مرا نجات داد، من مایلیم به همه بگویم که کومبوجا مؤثرترین دارو برای بیماریهای صعب العلاج است.

اگر چه قارچ کومبوجا طی سالهای اخیر در محافل علمی و پزشکی به عنوان یکی داروی معجزه آسا شناخته شد، اما مردم مناطقی در آسیا صدها سال است که آن را مصرف می کنند آنها بر اساس تجربه به این اعتقاد رسیده اند که کومبوجا باعث فعالیت سیستم غدد می شود. سوخت و ساز را تسریع می کند از اضافه وزن می کاهد، اسیداوریک و کلسترول خون را پایین می آورد، رماتیسم، آرتریت و نارسایی های کبد و کلیه را بهبود می بخشد و قمرس، بیماریهای پوستی و فشارخون را از میان می برد و در واقع دارویی است برای بسیاری از دردها.

طرز تهیه کومبوجا:

تهیه نوشیدنی کومبوجا بسیار ساده است. کافی است که کمی مولد قارچ در اختیار داشته باشید. نوشیدنی کومبوجا در واقع ترکیبی است از چای شیرین معمولی که با کسک قارچ کومبوجا تخمیر شده است، این قارچ کمک می کند که چای و شکر به آنزیم های مفید برای بدن تبدیل شود، اسید گلوکورونیک موجود در این نوشیدنی که بر اثر تخمیر ایجاد می شود برای ساخت پلی ساکاریدهای مهم مثل «هیالارونیک اسید» به کار می رود و وجود آن برای اتصال بافت ها مفید است.

Chondroitinsulfat.Acid ماده اصلی سازنده غضروف است و «ماکریتین سولفات

اسیدها برای تشکیل ماده مخاطی و زجاجیه ضروری است و همچنین «هپاتین» و اسیدلاکتیک موجود در نوشیدنی کومبوجا در عملکرد صحیح روده‌ها بسیار مؤثر است، و این مجموعه در واقع یک آنتی‌بیوتیک قوی و طبیعی است که به همراه مواد دیگر موجود در این چای تأثیری شگرف در سالم سازی بدن دارد.

برای تهیه چای کومبوجا سه لیتر آب را بجوشانید و یک فنجان شکر را در حال جوشیدن به آن اضافه کنید، پس از آنکه آب و شکر مخلوط ۵ دقیقه جوشید ظرف را از روی شعله بردارید و ۲ پیمانه بزرگ چای یا ۵ عدد چای کیسه‌ای را داخل آن بیاندازید و بگذارید ده دقیقه دم بکشد و پس از آنکه چای دم کشید و حرارت آن تا حد دمای محیط کاهش یافت آن را از صافی رد کنید «در صورتی که تفاله چای داشته باشد» و سپس کمی از قارچ کومبوجا را داخل آن بیاندازید و روی ظرف را با یک دستمال کتانی بپوشانید به نحوی که هوا برای تنفس باکتری‌های قارچ، بتواند وارد ظرف شود.

قارچ کومبوجا باید ۷ روز در مایع بماند، این مایه باید در محیطی تاریک و با دمای ۲۱ تا ۲۴ درجه سانتی‌گراد نگهداری شود. پس از این مدت متوجه می‌شوید که قارچ جدیدی در زیر قارچ اولیه تولید شده که هر کدام از این تکه قارچها می‌تواند برای تهیه یک ظرف دیگر نوشیدنی کومبوجا مورد استفاده قرار گیرد پس از ۷ روز نوشیدنی آماده مصرف است، چای را از صافی رد کنید و در یک ظرف شیشه‌ای در یخچال نگهدارید، می‌توانید هر روز قبل از صبحانه و یا قبل از هر وعده غذا از این چای بنوشید اگر متوجه شدید که چای غلیظ یا ترش شده با کمی چای شیرین موقع نوشیدن، آن را رقیق کنید. برای اطلاع بیشتر در این مورد به مجله برگ سبز مراجعه کنید.

قازیاغی

گیاهی است از تیره بارهنگها که از تیره‌های نزدیک به زیتونیان است. این گیاه تقریباً به ارتفاع ۳۰ تا ۳۵ سانتی‌متر می‌رسد و برگهایش دراز و بریده و ساقه‌اش بی‌شیار و کرکدار است.

گیاه مزبور تابستانی است و در بهار، دوره گردها از صحرا جمع کرده و به عنوان دوی تصفیه خون می فروشند. برگهای قازیاغی بر اثر مالش بویی شبیه بوی خردل می دهد و مزاجش تند است. اطریلال، رجل الغراب، قازیاغی، قازیاقی، موجه، حشیشه البرص، یملک، زغارچه، بارهنگ، پنجه غازی و اذنته نامیده می شود.^۱

قازیاغی لغت ترکی است و به فارسی تخم خلاف و خلیل و به هندی کانگ چنگی یعنی پای زاغ و مسی گویند. و به عربی حشیشه البرص و حرز الشیاطین نامند. و آن تخم گیاهی است که بر روی زمین گسترده می شود. بهترین نوع آن مصری است که بسیار ریز و تیره رنگ مایل به کبودی و تلخ و گزنده زبان است. گرم و خشک در دوم است. مستعمل از آن تخم می باشد خصوصاً در علاج برص و بهق.

این دوا را شیخ در مفردات قانون ذکر نکرده است. گیلانی گوید: این دوا خیلی گرم است و خشکی آن کم است. قازیاغی ملطف، محلل و بازکننده است.

به قول شریف: اگر تخم آن را کوبیده و با غسل مخلوط کرده هر روز دو مثقال با آب گرم تا پانزده روز پی در پی بخورند حتماً برص و بهق را از بین ببرد و به قول صاحب شمس الدرریک درم آن را با ربیع درم عاقر فرحا ساییده با غسل مخلوط کرده بپسند و با سرکه مخلوط کرده و بر موضع برص ضماد کنند و آن موضع را باز کرده و به مدت یک تا دو ساعت در آفتاب گرم بنشینند تا آنکه از بدنش عرق بیاید بعد به اذن پروردگار، ماده به سطح پوست می آید و ایجاد آبله می کند و از آن آب سفید مائل به زردی بیرون می آید در این هنگام استعمال دوا را ترک کنند تا آنکه زخم یا آبله مندمل شود و رنگ موضع به رنگ طبیعی پوست برگردد. برصی که نزدیک قسمتهای گوشتی بدن است بهتر خوب می شود تا در غیر این مواضع.

صاحب اختیارات نوشته است که: این دوا را زیاد امتحان کرده ام و این سرّی عجیب است اما به شرط اینکه اول تنقیه کرده باشند.

شرب آن، دستگاه تنفسی را جلا دهد و انواع باندها را دفع گرداند و چون تخم آن را

ساییده در بینی زن حامله بریزند حمل او ساقط گردد و به دستور شرب آن مسقط جنین و همچنین پاک کننده کلیه و مثانه است و چون با آبگینه (شیشه) بسوزانند و با عسل بخورند سنگ را بشکنند و خوردن آن با آب آس نافع سنگ گزیده (هاری) است، مضر جگر گرم و مصلح آن سکنجبین است مضر کلیه و مصلح آن کثیرا است. بدل آن در برص کندش است، خوراک آن از یک درم تا یک مثقال است و تا سه درم (۷/۵ گرم) می باشد.^۱ و آن گیاهی است یکساله یا دوساله که بیشتر در ماسهزارها و دشتهای سواحل دریاها، اراضی دارای شوره و نواحی نسبتاً گرم می روید. گلهای آن مجموعاً سنبله های باریک و درازی به وجود می آورد. میوه آن کوچک، محتوی ۳ تا ۵ دانه قهوه ای با ظاهر مسطح است. قسمت مورد استفاده این گیاه، برگ، ریشه و دانه آن است. دانه این گیاه دارای موسیلاژ فراوان است.

برگ و ریشه آن دارای اثر درمانی شبیه گونه های آن یعنی بارهنگ می باشد. کلیه قسمت های این گیاه اثر مدرّ دارد. از دانه اش نوعی کولیر، جهت رفع ورم چشم تهیه می گردد.

محل رویش آن، نواحی جنوبی ایران، بوشهر، آبادان، زابل، مسجد سلیمان و نواحی مختلف بلوچستان و بیشتر نقاط ایران می باشد.^۲

قاشقک

گیاهی است که نام آن در مدارک مختلف قاشقک و به عربی قُصیده آمده است.

مشخصات:

برخی از گونه ها علفی پایا و برخی یکساله هستند. گلهای آن به رنگ ازغوانی، آبی، صورتی، قرمز، زرد و سفید است. ساقه های آن سفت، ایستا و اغلب چهارگوش است. برگها متقابل، کشیده، دنداندار، نوک تیز و بدون دمبرگ به ساقه متصل می باشند.

۱- محیط اعظم، ج ۱، ص ۱۰۵-۱۰۳، تصفیه حکیم، ص ۹.

۲ گیاهان دارویی، دکتر زرگر، ج ۲، ص ۷۰۲.

ترکیبات شیمیایی:

در این گیاه گلوکوزیدی به نام اسکوتلارین وجود دارد که عامل فعال گیاه است. همچنین دارای فورمیک اسید است.

خواص - کاربرد:

از گلوکوزید اسکوتلارین در پزشکی برای تقویت و آرامش اعصاب استفاده می شود. برای تقویت اعصاب و سایر ناراحتیها داروی مؤثری است. در مورد بیماریهای تشنج، حمله های صرعی، رماتیسم، هاری، صرع، گاز و نیش حشرات و جانوران سمی و مار تجویز می شود.^۱

قبار

به فارسی در کتب طب سنتی کبر، کورک، کورز، کورزه، کور و به عربی کبار و به سریانی «قبار» نام برده می شود.

مشخصات:

درختچه ای است با شاخه های پوشیده از کرک، برگهای بزرگ متقابل با کناره صاف، بیضی، دراز، نوک تیز، به رنگ سبز روشن، در بن برگ دو زائده کوچک خار، گلهای آن سفید و دارای چهار قسمت است. گلهای درشت آن در حدود ۶۰ سانتی متر بلندی گل می باشد.

ترکیبات شیمیایی:

گل آن شامل گلوکوزید روتین است و در حدود ۴ درصد پنتوزان دارد، به علاوه دارای روتیک اسید و پکتیک اسید و یک ماده فرار، قی آور و ساپونین است.

خواص - کاربرد:

از نظر طبیعت گرم و خشک است. رطوبت‌های دماغ را جذب می‌کند و درد دندان را تسکین می‌دهد و اگر پوست یا تخم آن را در سرکه بجوشانند و آن سرکه را مضامضه کنند درد دندان کاهش می‌یابد. و نیز مسکن دردهای سینه و... است.^۱

قرع

به فارسی کدو و در کُتب طب سنتی با نامهای عربی آن قرع و گیاه آن یقطین نام برده می‌شود.

مشخصات:

گیاهی است یکساله علفی که میوه آن بسته به نوع کدو در بعضی انواع جوان و نارس و سبز مصرف می‌شود مانند کدوی سبز خورشیدی و در بعضی از جاها انواع میوه‌ها کاملاً رسیده آن مصرف می‌شود.

ترکیبات شیمیایی:

در گیاه ماه ساپونین و کوکوروبی‌تین و لوتئین یافت می‌شود. از تخم آن رزینی گرفته می‌شود که خاصیت ضد کرم معده دارد. دارای ویتامین C است.

خواص - کاربرد:

تخم کدو ضد کرم است و بخصوص برای دفع کرم کدو به کار می‌رود، به علاوه مدر و مقوی است. روغن تخم کدو برای تقویت اعصاب مفید است. از گوشت میوه کدو به صورت ضماد برای سوختگی‌ها، ورم‌ها، جوش‌ها و کورک استفاده می‌شود. از نظر طبیعت سرد و تر است و خنک کننده و مرطوب است. انسداد مجاری را باز می‌کند و مدر است و ملین و برای رفع یرقان مفید است و در مورد تب‌های گرم نافع است.^۲

قرنفل

به فارسی آن را میخک می‌گویند و در کتب طب سنتی با نامهای قرنفل و قرنفل آمده است.

مشخصات:

درختچه‌ای است کوچک مخروطی با برگهای همیشه سبز و ناخزان، متقابل، بیضی، نوک تیز و کمی موجدار، رنگ سبز تیره زیبای برگها با رنگ صورتی برگهای جوان و رنگ قرمز دمبرگهای برگها هماهنگی بسیار دارد.

ترکیبات شیمیایی:

دارای مقدار قابل ملاحظه‌ای اسانس روغنی فرّار است. این اسانس دارای اوژنول است.

خواص - کاربرد:

غنچه‌های خشک شده آن بادشکن، ضد قی، مقوی معده و ضد آشفستگی و تهوع است و تب بر، گرم کش، قاعده آور، تونیک و مقوی می‌باشد. محرک و تهییج کننده فعالیت جهاز هاضمه است. برای معالجه اسهال و دل درد اطفال توصیه می‌شود.^۱

قره قاط

درختچه‌ای است از تیره زغال‌اخته‌ها، میوه‌اش گوشتی است و دارای مزه ترش و مطبوع و کروی شکل و قرمز تیره رنگ است. چون برگها و ریشه و جوانه‌های این گیاه مقادیر زیادی تانن دربر دارد از آنها جهت تهیه تانن استفاده می‌کنند و همچنین آنها را در نقاشی و رنگرزی و دباغی به کار می‌برند.^۲

۱- مدارف گیاهی، ج ۲، ص ۴۱۶.

۲- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۴۶۷۰.

قرقاط، اسم ترکی است، به زبان فرنگی قرقاط اوده اسپنه نامند و آن میوه درختی است به قدر فنفل و در ترشی شبیه زرشک و در خواص نزدیک به آن می باشد و اشتباه نموده کسی که آن را زقال دانسته است، زیرا که زقال اسم فارسی قرانیا است.^۱

قره قاط به تیره گیاهی قره قاط (نزدیک تیره ورسکها) تعلق دارد. این گیاه به صورت گروهی در کوهها و جنگلهای کوهستانی و در زمینهای سیلیسی می روید. برگهای قره قاط نیروبخش، مدز و ضد عفونی کننده است و قند خون را پایین می آورد. علاوه بر آن عمل اندامها را بهبود بخشیده، به ویژه در مورد سرفه، تهوع، درد معده، کم کاری روده، حالت اسهال، کم کاری مثانه و سرانجام ناتوانی کودکان در نگهداری ادرار تأثیر شفا بخشی دارد. در استعمال خارجی، این فرآورده دارویی برای ضد عفونی کردن دهان و حلق (به صورت محلول غرغره)، رفع ورم چشم (به صورت قطره چشم) و درمان بیماریهای پوستی از قبیل جوش، زخم، سوختگی، (به صورت لوسیون، کمپرس و حمام موضعی) به کار می رود. ریشه آن جهت ضد عفونی کردن زخمها و تسریع التیام آنها مصرف می شود. میوه قره قاط علاوه بر مزایای ذکر شده، خواص دیگری نیز دارد. آب بنفش رنگ آن نشاط آور بوده، محتوی مقدار زیادی کاروتین (ماده اولیه ویتامین A) می باشد.

جوشانده آن به صورت قطره بینی وسیله درمانی خوبی جهت رفع سرماخوردگی و گرفتگی بینی است. جوشانده میوه در پایین آوردن فشارخون بسیار مؤثر است. در موارد فشارخون یک قاشق سوپخوری از میوه خشک کرده قره قاط را در یک لیوان آب به مدت ده دقیقه جوشانده، میل می کنند. جوشانده در پایین آوردن فشارخون مؤثر است.^۲

قره قاط چربی و فشارخون را کم می کند و برای مرض قند خوب می باشد نیز زیادی اوره و کولیت (ورم قولون) را معالجه می کند.^۳

۲ - صد گیاه و هزار درمان، ص ۲۴۵.

۱ - محیط اطفا، ج ۳، ص ۲۸۹: تحفة حکیم، ص ۲۰۳.

۳ - زبان عوام، ص ۳۱۰.

ترکیبات شیمیایی:

برگ این گیاه دارای ۳۲ درصد تانن، ۶ درصد اسید گالیک، اسید کینیک، واکسی نیئین، اریکولین، موسیلاژ، مواد رزینی، میرتالین و اسانس به مقدار ۱٪ است به علاوه خاکستر آن دارای مقدار زیادی املاح پتاسیم و منیزیم می باشد.

میوه آن در حالت تازه، دارای ۷۶ درصد آب و ۲۱ تا ۳۰ درصد قندهای مختلف، اسیدهای آلی نظیر اسید مالیک، اسید سیتریک، اسید کینیک، اسید سوکسینیک، اسید اکسالیک و اسید لاکتیک، پنتوزانها، پکتین، مواد چرب، مواد رنگی و غیره است. خواص درمانی:

برگ آن دارای اثر مقوی، قابض، ضد عفونی کننده و رفع اسهال است و از آن برای رفع سرفه، رفع تهوع، احساس چنگ زدگی در معده، بی اختیاری دفع ادرار در اطفال، اسهالهای ساده مزمن، بیماری قند و بیماریهای پوستی دیر علاج استفاده می گردد و چون اثر مدر و ضد عفونی کننده نیز دارد، برای زیاد کردن ترشح ادرار و ضد عفونی کردن مجاری دستگاه دفع ادرار مورد استفاده قرار می گیرد.

برای میرتالین موجود در برگ چون اثری شبیه انسولین تشخیص داده شده، از این جهت آن را انسولین گیاهی نیز نامیده اند. با این تفاوت که معایب عمده ماده اخیر را نیز فاقد می باشد.

میوه آن که مهمترین عضو گیاه از نظر درمانی به حساب می آید، دارای اثر مقوی، قابض، مفرح و ضد عفونی کننده است. میوه این گیاه اثر مفید در تنظیم عمل دفع و جلوگیری از عفونی شدن مواد دفعی در مبتلایان به بواسیر دارد، به علاوه در رفع نفخ و گازهای معده و تحریک اشتها نتیجه مفیدی دارد و حتی معتقدند که در دفع اسکاربس نیز مؤثر می باشد.

صور دارویی:

دم کرده مخلوط ۲۰ گرم برگ گیاه با ۲۰ گرم برگ تمشک در یک لیتر آب برای مصرف در ۲۴ ساعت جهت بیماران مبتلا به مرض قند و جوشانده ۵۰ تا ۸۰ گرم میوه گیاه در

یک لیتر آب به مقدار ۴ تا ۶ فنجان در روز جهت رفع ورم حاد روده مفید می‌باشد.
این گیاه در ایران نمی‌روید.^۱

شیره میوه این گیاه نوشابه‌ای است ترش مزه که در رفع عفونت‌های روده، التهاب و ورم روده‌های بزرگ و کوچک، اسهال، دیسانتري آمیبی یا انواع دیگر، پیدایش مواد سمی ناشی از تجزیه مواد زائد در روده، کلی باسینوز و غیره اثرات مفید درمانی دارد.
اثر ضد میکروبی آن بخصوص بر روی ژرم بعضی میکروبها مانند باسیل ابرت که مولد تیفوئید می‌باشد و همچنین کلی باسیل، محقق گردیده است.^۲

قسط

جابر بن عبدالله گویند: پیغمبر خدا ﷺ وارد منزل عایشه شد، دید در آنجا کودکی هست که از دو بینی او خون سیلان می‌کند؛ فرمود: این چیست؟ گفتند عذره و قرچه‌ای بین گوش و حلق یا سردردی است بر او عارض شده، فرمود: وای بر شما فرزندان خود را نکشید، هر زنی که این مرض بر فرزندش عارض شود، قسط را با آب حل کند و آن را بر بینی او بکشد و چنین کردند خوب شد.^۳

قسط گیاهی است از تیره زنجبیل‌ها که در حدود ۱۵ نوع از آنها شناخته شده و همه متعلق به منطقه حاره کره زمینند. گیاهی است علفی، پایا و دارای ساقه زیرزمینی غده‌ای شکل که به کست، کت، گوشه، قشنا، قوشنا، کته، قست، قسط شیرین، قسط عربی، قسط سفید، بستک و بستنج معروف است.^۴

پیغمبر اکرم ﷺ فرمود: شبی که به معراج آسمانها برده شدم، به هیچ گروهی از فرستگان نگذشتم مگر اینکه گفتند: ای محمد بر امت خود امر کن حجامت کنند و بهترین دارویی که صرف می‌کنند، حجامت، شونیز، سیاه دانه و قسط است.

۱- گیاهان دارویی، دکتر زرگر، ج ۲، ص ۶۸۸-۶۹۱.

۲- ابن حذیف در معجم، سنن، مسند احمد، نسائی، سنن شافعی، حاکم، طبیبی و... و در کتاب طب النبوی، ص ۷۴ نقل شده است.

۳- فرهنگ فارسی، دکتر هابین، ج ۲، ص ۲۶۷۲.

قسط، چوبی است که از سرزمین هند به جاهای مختلف می‌برند و آن را در بخورها و بعضی ادویه به کار برند و به قول بوسور آن را قسط و کسط و کشط گویند و به رومی آن را قسطوس و به هندی قس گویند و بعضی اطبا آن را حرز البحر گویند و در کتاب صیدنه دیسقوریدوس آورده است: آنچه در بلاد عرب بود، نیکوتر و علامتش آن است که رنگ آن سفید بود و بوی آن خوش باشد تا آن که گوید: نوعی قسط بحری است شیرین و نوعی زهری است.

قشور

قسمتی از ساختمان گیاهان که خارجی‌ترین قسمت اندامها را تشکیل می‌دهد و در حقیقت طبقه‌ای است که اندامهای دیگر گیاهی را می‌پوشاند و آن از سه قسمت: بشره، پوست وسطی و پوست داخلی تشکیل شده است.^۱

روایت از جابر بن حیان:

قشور، بضم اول اسم جنس پوست میوه‌ها است و شامل پوست درختها و تخمها است و بعضی عقیده دارند که آنها قابل هضم نیستند و غذائیت ندارند و این کلی نیست و بی بسیار کم غذا و دیر هضم می‌باشد.

قشور، به فتح اول به عربی دواى جالی است که زنان بر روی خود برای تصفیه رنگ آن می‌مالند.^۲

قشور اسم جنس پوست است و بعضی اعتقاد دارند آن اقسامی که غذائیت ندارند قابل هضم هم نیستند.^۳

قشور را مطلقاً در فارسی پوست و در هندی چلکا می‌نامند. بیشتر درختهای گیاهان دارای جوهر، ماده‌ی لعابی صمغ می‌باشند و هر کدام فواید مختلف دارند که در بیشتر

۱ - فرهنگ دارو، دکتر معین، ج ۱، ص ۸۳۰.

۲ - معط اعظم، ج ۳، ص ۳۰۳.

۳ - نحنة حکو، ص ۱۲۰۶ ابن الیضار، ج ۴، ص ۲۱۰.

موضوع گیاهان ذکر کرده‌ایم که مشهور آن پوست ببول، پوست درخت خیار چنبر، املناس، دارچین، پوست برگه، پوست درخت گردو، بان، عود و فروغ جداگانه ذکر شده و نیز بعضی پوستهای میوه مثل پوست نارنج، لیمو، ترنج و خربزه به‌طور دارو استعمال می‌شود و بعضی تخمها مثل پوست اسیفول پوست انار جداگانه ذکر شده و خاصه بعضی میوه‌ها مانند سیب که جوهر سیب و فایده سیب در پوست آن بیشتر می‌باشد کلمه قشور مطلق هست پوست گندم و جو به‌طور مقوی، مغذی در خوراکیهای طبی برای مریضها و بچه‌ها از آن درست می‌شود و بعضی میوه‌های کوچک مثل جوزبواکه پوست آن را بسباسه و در هندی جاوتری می‌گویند که بیشتر از جوزبوا اثر دارد و آن مغز معده، جگر، باه و منصف می‌باشد.^۱

قَصَب

به فارسی «نی جارو» و در کتب طب سنتی از انواع قَصَب نام برده شده است.

مشخصات:

گیاهی است چند ساله، از نظر شکل ظاهری شبیه نی هندی، بندی آن ۱-۳ متر و بندرت

۴-۵ متر می‌باشد. ساقه زیرزمینی این گیاه در طب سنتی به‌عنوان دارو مورد استفاده است. این گیاه تقریباً در تمام مناطق عالم معتدل و گرمسیر به استثنای مناطق قطبی منجمد می‌روید. تکثیر این گیاه به آسانی از طریق کاشت قسمتی از ساقه زیرزمینی آن یا کاشت گیاه ریشه دار یا ریشه جوشکهای آن انجام می‌گیرد.

ترکیبات شیمیایی:

از نظر ترکیبات شیمیایی وجود آسپاراژین و تعدادی پروتئین و چند گلیکوزید در گیاه

تأیید شده است. در ساقه زیرزمینی و نیز ساقه‌های جوان آن حدود ۵۰ درصد قند وجود دارد.

خواص - کاربرد:

در چین معمولاً از ساقه زیرزمینی آن به عنوان دارو استفاده می‌شود. ریشه و ساقه زیرزمینی آن به عنوان خنک کننده و مدر مصرف می‌شود و از آن برای معالجه التهاب گلو، تب شدید، قی کردن و سرفه استفاده می‌شود و در موارد آفتاب زدگی نیز مفید است.^۱

قصب السكر

به فارسی نیشکر و در کتب طب سنتی با نامهای قصب السكر و نیشکر آمده است.

مشخصات:

گیاهی است چندساله، ساقه هوایی آن که به بلندی ۲-۵ متر می‌رسد، به شکل نی استوانه‌ای دارای گره‌های متعدد و مملو از مایه شیرینی است و گل‌های آن معمولاً عقیم هستند.

ترکیبات شیمیایی:

در نیشکر حدود ۱۵-۱۳ درصد ساکاروز وجود دارد و به علاوه دارای کلسیم اکسالات است.

خواص - کاربرد:

ساقه نیشکر خنک کننده، مقوی معده، نرم کننده سینه است و اغلب برای التیام زخمها و جراحات‌ها، جوش و کورک روی موضع می‌مانند. جوشانده ساقه برای معالجه آبله و ناراحتی کمر، کلیه و برای قطع قی و استفراغ استفاده می‌شود.^۲

قلع

روایت از جابر بن حیان:

چیزی معدنی است و آن فلزی است نرم به رنگ نقره‌ای و دارای جلای فلزی عالی. وزن اتمی آن ۱۱۸ است. از قلع می‌توان صفحات بسیار نازک جهت نفاف و غیره ساخت. به هنگام تا کردن صفحات بسیار نازک ورقه قلع شنیده می‌شود. و علت آن نیروی اصطکاکی است.

قلع در کمتر از ۱۸ درجه به شکل گرد سفیدی به زن مخصوص ۵/۸ درمی‌آید و این تغییر شکل در ۳۰ درجه شدید می‌شود.

حالت طبیعی قلع: قلع در قشر زمین به حالت اکسید که در معدن شناسی به نام کاستریت موسوم است، به شکل رگه در سنگها آتشفشانی به وجود آمده است. قلع به‌طور مختلف با مس در فلزات دیگر موجود است.

قلقاس

در کتب طب سنتی با ناهای قلغاس و قلغاس آمده است.

مشخصات:

گیاهی است علفی چند ساله بدون ساقه مشخص. برگهای آن کامل، ناصاف، چین خورده، قلبی شکل نسبتاً پهن و دارای دم‌برگ دراز است. گیاه آن دارای ساقه زیرزمینی ضخیم و متورم غده‌ای است که پر از مواد نشاسته‌ای و نوع شیره گیاهی تند و سمی و تلخ است. گل‌های آن زرد رنگ با بویی شبیه زردچوبه می‌باشند.

ترکیبات شیمیایی:

در شیره ساقه زیرزمینی آمیلاز یافت می‌شود. دارای ویتامین C می‌باشد.

خواص - کاربرد:

دمیرگهای این گیاه محرک است و خونریزی را بند می آورد و قرمز کننده پوست است. شیره غده زیرزمینی آن در موارد خاص و بی مویی و در موارد عقرب گزیدگی مالیده می شود. تخم آن کمی سمی است ولی برای رفع سوء هاضمه، نفخ و رفع ناراحتی پس از زایمان توصیه می شود.^۱

قنبیل

قنبیل گیاهی است از تیره فرقیون که گونه های مختلفش به شکل درختچه می باشد ولی گاهی نمو جالبی کرده و به شکل درخت درمی آید و به ارتفاع ۱۰ متر نیز می رسد. این گیاه بومی نواحی گرم زمین بخصوص در سرزمین عربستان، حبشه، هند و سرانديب می باشد. میوه اش به بزرگی نخود و پوشیده از عصار قرمز رنگ است. قسمت مورد استفاده این درخت بشرة کپسولهای میوه آن است که شامل تارهای غده ای کرک مانند است.

گرد حاصل شده از این گیاه دارای مقادیر زیادی صمغ (۸۰ درصد) و ماده ای به نام روتلرین یا کاعالین یا مالوکسین است. این گرد بهترین داروی کرم کدو و بخصوص بوتریوسفال است.

مقدار زیاد آن دارای اثر مسهل شدید است ولی با تهوع و قی همراه می باشد. پس از مصرف این گرد به منظور دفع کرم کدو خوردن مسهل ضروری نیست.

مصرف این گرد به مقدار ۲ تا ۶ گرم برای اشخاص بالغ و نیم تا ۲ گرم برای افراد ۵ تا ۱۰ ساله است.^۲

شیخ گوید: قنبیل، تخمهایش ریگ مانند و رنگی دهند که سرخ است و از سرخی ورس کمتر است. مزاج آن در سوم گرم و خشک است و به قول ابن ماسویه بسیار گیرنده

۱- معارف گیاه، ج ۷، ص ۱۶۳.

۲- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۲۷۳۲

است. گویند چه بخورند یا بمالند کرم و کرم کدو را بیرون آورد.^۱
قتیل چیزی است شبیه به ریگ مکه، زرد مایل به سرخی و گویند: شب یمن است که
در یمن به خاک مخلوط گشته به آن شکل می شود و نزد بعضی تخم نباتی است و جمعی
گویند تخم سرخس است.

در دوزخ گرم و خشک و نزد بعضی سرد و خشک و مسهل رطوبات و لزوجات و
نوشیدن آن در اخراج اقسام کرم معده و امعاء زیاد اثر دارد و مضر امعاء و مصلحتش شیخ
و کثیر است. قدر شربتش دو درهم و بدلش و خشیزک می باشد.^۲
در اغلب کتب طب سنتی با نام قتیل نام برده شد است. صاحب قرابادین کیبر معتقد
است که معرب کنبیلای فارسی است.

مشخصات:

درختی است کوچک به بلندی کمتر از ۱۰ متر، گل‌های آن دو پایه، میوه آن به شکل
چهار وجهی کوچک به قطر حدود یک سانتی متر و پوشیده از غباری قرمز رنگ که
تارهای غده‌ای می باشند. این درخت در مناطق گرم عربستان، حبشه، سیلان و استرالیا
می روید.

ترکیبات شیمیایی:

وجود ماده عامل روتل‌دین، ایزوروتل‌دین، رزین، کمی اسانس و نیز موم در گرد کامالا
تأیید شده است.

خواص - کاربرد:

در هند از گرد کامالا که از غده‌ها و تارهای روی میوه به دست می آید و ماده تلخی
است به عنوان ضد کرم و مسهل قوی و برای قطع خونریزی استفاده می شود. در چین از
جوشانده برگ‌ها و میوه آن برای رفع سرماخوردگی استفاده می شود.^۳

۳- معرب گیاهی، ج ۲، ص ۳۳۲

۲- حقه حکیم، ص ۲۱۱.

۱- قانون در طب.

قنطوریون

قنطوریون اسم یونانی است که دارای نباتی بزرگ و کوچک می باشد که بزرگ آن را غلیظ و کوچک آن را رقیق می گویند. ساقه بزرگ آن شبیه ساق حماض و خشن است، برگ آن شبیه برگ زردک و تخم آن شبیه تخم کافشه و بیخ آن بهن و سرخ و سخت و پُر از رطوبت و بسیار سرخ و با تندى و شیرینی و قبض است. قوتش تا ده سال باقی می ماند و عصاره بیخ آن قویتر از سایر اجزای آن است.

گیاهی یکساله یا دوساله به طول ۴۵ - ۱۵ سانتی متر است. ساقه های آن بدون کرک، چهارگوش، عمودی و تنها در قسمت گلدار منشعب است. رنگ گلها سرخ کم رنگ است. زمان گل دادن آن در فاصله ماههای تیر و مرداد است. قسمت مورد استفاده آن تمام قسمتهای گیاه گلدار است.

این گیاه در سراسر اروپای مرکزی، البته نه به مقدار فراوان، در جنگلها، علفزارها، کنار جاده ها و غیره می روید. گیاه گلدار آن را جمع آوری کرده در سایه یا آفتاب می خشکانند. این گیاه در آذربایجان، غرب و شمال و نواحی شرقی ایران می روید. تکثیر آن از طریق کاشتن دانه های رسیده گیاه صورت می گیرد. برای این کار دانه ها را در اواخر اسفند تا اواسط فروردین ماه در زمین سبک، نسبتاً مرطوب و دارای کود کافی می کارند. بزودی دانه ها جوانه می زنند و به گیاهان جوانی مبدل می گردند که پس از مدت کوتاهی می توانند مورد بهره برداری قرار گیرند.

سر شاخه های گلدار این گیاه در ماههای خرداد تا مرداد چیده می شود و پس از انجام این کار، آنها را به صورت بسته های کوچک در آورده درون پاکتهای کاغذی جای می دهند تا رنگ طبیعی آنها ضمن خشک شدن سریع، محفوظ باقی بماند. با بررسی هایی که به عمل آمده، ثابت شده است که اگر گیاه در زمین مناسبی از نظر کود، جنس خاک، مرطوب بودن و غیره پرورش نیابد، اثرات درمانی آن کمتر از گیاه وحشی خواهد بود. نافع صرع، درد مفاصل، سیاتیک و ضعف می باشد.

مزاج: در آخر دوم گرم و خشک است.

خواص:

مدرّ حیض، مخرج جنین مرده و مفسد زنده آن است. نافع سرفه کهنه و ضیق النفس و عصب و شکستگی اعضا و بازکننده سدد و منقی دماغ می باشد.

قنطریون کبیر

به فارسی نوفای کبیر و در کتب طب سنتی با نامهای قنطریون غلیظ و قنطریون کبیر نام برده شده است.

مشخصات:

گیاهی است چند ساله و بلند که ارتفاع آن حدود ۱/۵-۱ متر می رسد. برگهای آن سبز تیره شبیه برگ با دندانه های ریز مثل اژه است. گلهای آن قرمز بنفش و ریشه آن دراز و ضخیم که طول آن بیش از ۱ تا ۲ متر می رسد. سفت، سرخ رنگ و سرشار از شیرۀ نباتی است.

خواص - کاربرد:

خیلی گرم و خشک است و خواص آن چنین است: ریشه اش اشتها آور، مقوی معده و عرق آور است و برای التیام زخمها اثر سریع دارد. مدرّ و قاعده آور است و اخراج جنین مرده را تسهیل می کند و بازکننده انسداد و پاک کننده دماغ و سینه و امثال آن است.^۱

قورباغه

قورباغه جانوری است از رده ذوحیاتیین های بی دم که اندامهای خلقیش به قدر کافی طولینند و موجب جهش حیوان در حرکت می باشند. تاکنون حدود ۱۱۷ نوع از این جانور شناخته شده است. قورباغه را نباید با وزغ اشتباه کرد، زیرا دومی حرکتش به وسیله راه

رفتن است و جهش ندارد.^۱

وزغ: یکی از انواع قورباغه‌ها است که در موقع راه رفتن بر خلاف قورباغه نمی‌جهد بلکه به ترتیب، اندامهای حرکتی‌ش را به جلو می‌برد. این حیوان خواص زیادی دارد که در حرف «غ» به آن اشاره شد.

قهوه

درختچه‌ای است از تیره روناسیان که ارتفاعش بین ۲ تا ۱۲ متر قابل تغییر است. اصل این گیاه از آفریقا و از منطقه سودان است و از آنجا به عربستان جنوبی در حدود قرون ۱۴ و ۱۵ میلادی برده شده و بعداً از آنجا به هندوستان و سپس به قاره جدید حمل و اکنون در برزیل به مقدار بسیار فراوان کشت می‌شود. میوه قهوه به بزرگی یک گیلاس و کمی کشیده است. دانه‌های قهوه بویی مخصوص و طعمی ملایم و گس دارند ولی بر اثر بو دادن بوی مخصوص و پسندیده‌ای پیدا می‌کنند. درخت قهوه را بن، شجرة البن، قهوه آجاجی و قهوه عربی می‌گویند.^۲

بن مشهور به قهوه است و آن میوه درختی است کوهستانی که خودرو و صحرایی و کاشتنی باغی می‌باشد و بهترینش نوع باغی است که در بیت الفقیه از یمن آورند و آن تازه، سنگین و سبزرنگ باشد که در آب ته نشین می‌گردد.

حکیم عمادالدین محمود مزاج قهوه را سرد و خشک در دوم و انطاکی گرم در اول و خشک در دوم و حکیم مؤمن آن را در گرمی معتدل و خشک و پوستش را گرمتر و خشک‌تر نوشته است. قهوه هر چه کهنه‌تر گردد و بیشتر بریان کنند بر پروت و خشکی‌اش اضافه گردد.

نوشیدن آب پخته آن بازکننده سدد و مسکن درد و گرمی و سوزش صفرا و سودا و پاک‌کننده اخلاط غلیظ است. نیز در تبهای خونی و صفراوی و سوداوی در اوایل و بعد

۱- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۲۷۴۳.

۲- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۲۷۵۶.

از بروز حصیه و آبله و تب ریح مفید است.

همچنین نافع یرقان و مدر بول و خشک کننده رطوبات و دافع سرفه بلغمی و نزلات و مقوی معده و نافع انواع سردرد و مالیخولیا، بواسیر و به قول حکیم عمادالدین محمود نافع جذام می باشد. نیمه بریان قهوه نافع اسهال و کثرت خواب و تشنگی زیاد است.

از ضررهای آن این است که سردرد همراه دارد و نیز باعث بیداری، لاغرگی، کم شدن منی، خفقان، نفخ، قوئنج، مالیخولیا، کابوس و بواسیر است. البته برای اشخاص سرد و رطوبتی مزاج و صاحبان اخلاط فاسد بسیار ضرر دارد. و این ضررها بیشتر در کهنه بسیار بریان کرده سیاه باشد، نه خام آن.

صاحب مخزن گوید: حق آن است که مبالغه بسیار از طرفین در منافع و مضار آن بیجا است و ضرر و منافعش بیشتر به مقدار خوراک، عادت، نو و کهنه بودن قهوه و مزاجهای مختلف دارد.

چون قهوه برای قلب ضرر دارد، بهتر است آن را با مروارید مصرف کنند و بخصوص در بیماریهای حصیه و آبله.

گفته اند: مصلح قهوه زنجبیل و نبات و گلاب است. انطاکی نوشته است: کسانی که قهوه را برای نشاط و رفع بیخوابی می نوشند باید همراه با آن شیرینی و روغن و پسته میل کنند.

کسانی که قهوه را با شیر می خورند احتمال بروز برص در ایشان می باشد. مؤلف مخزن بهترین مصلح آن را عنبر اشهب و بعد زعفران نوشته است.^۱

قهوه سبز نیز دارای مواد تری گونل لین و همچنین اسید کوفالیک، اسید سیتریک، پکتین، نوعی فرمان امولسین مرکب از اکسیداز و غیره است.

قهوه بو داده: قهوه سبز قابلیت مصرف از نظر تغذیه ندارد و چون پس از بو دادن، عطر قوی و مطبوع پیدا می کند از این جهت آن را پس از بو دادن، به صورت نیمکوب یا گرد در آورده، دم کرده آن را مصرف می کنند.

۱ - محیط انطوق، ج ۱، ص ۳۳۷؛ تحفه حکیم، ص ۴۱۲؛ فریادی کیر، ص ۳۲۵.

بر اثر بو دادن، مواد قندی قهوه کاهش کلی پیدا می‌کند و به ۱/۱ درصد می‌رسد. بر اثر بو دادن، ماده‌ای به نام کافئون در دانه قهوه به وجود می‌آید که نوعی روغن فرّار، سنگین، قهوه‌ای و بسیار معطر است.

عمل فیزیولوژیکی و سمیت قهوه: بر روی جریان گردش خون تأثیر نموده، ضربان نبض و انرژی انقباضات ماهیچه دل را به‌طور محسوسی افزایش می‌دهد ضمناً ترشح و دفع ادرار را زیاد می‌کند.

مصرف زیاد آن عوارضی دارد بخصوص در اشخاص عصبی به‌وجود می‌آورد مانند آنکه موجبات بیخوابی، طیش قلب، درد معده، سوء هاضمه، بی‌اشتهایی، احساس صداهایی در گوش، سرگیجه، مشاهده اشباحی در مقابل چشم، کابوس، لرزش، زیاد شدن عمل رفلکس‌ها، کم شدن تمایلات جنسی و ضعف عمومی را فراهم می‌کند. با قطع شدن مصرف قهوه، عوارض مذکور معمولاً از بین می‌رود ولی در این مورد باید حساسیت اشخاص در مقابل مصرف قهوه نیز به حساب آورده شود.

خواص درمانی:

قهوه سبز کمتر به مصارف درمانی می‌رسد فقط از خیسانده آن گاهی برای رفع رماتیسم و از گرد آن به‌عنوان تب‌بر استفاده به عمل می‌آید.

از قهوه بو داده به‌عنوان نیرو دهنده در رفع ضعف قوا، در طی دوران بیماری حصبه و در برخی بیماریهای ریوی مانند ذات‌الریه و همچنین در رفع سردردهایی که پس از مصرف غذا حاصل می‌شود، استفاده می‌گردد.

از قهوه در رفع مسمومیت‌های ناشی از مصرف الکل، بخصوص در مسمومیت‌های تریاک استفاده به عمل می‌آید. دم کرده گرم آن، طعم ناپسند بعضی از فرآورده‌های دارویی مانند سولفات منیزی و املاح کینین را مخفی می‌سازد. گرد قهوه اثر قابض و ضد عفونی کننده دارد و از آن، جهت رفع بوی بعضی از ترکیبات دارویی و همچنین مخفی ساختن بوی یدو فرم می‌توان استفاده کرد.

کافئین اثر مقوی قلب و مدِرّ دارد و در ضعف قلب ناشی از بیماریهای عفونی نظیر ذات الریه و تب حصبه و همچنین در سنکوپها، آب آوردن انساج و خیزهای سطحی بدن اثر مفید ظاهر می‌کند.

به علاوه کافئین دارای اثر نیرو دهنده سیستم عصبی و ماهیچه‌ای است و از آن در رفع بعضی دردهای عصبی و همچنین ضف اعصاب استفاده می‌گردد.

صور دارویی:

قهوه سبز به صورت خیسانده ۲۰ گرم در ۱۵۰ گرم آب سرد و صاف کردن پس از ۱۲ ساعت یا گرد آن به صورت کاشه‌های محتوی ۰/۲۵ گرم مصرف می‌شود. قهوه بو داده به صورت دم کرده، شربت و تنقیه به کار می‌رود.

کافئین در مصارف داخلی به مقادیر ۰/۵۰ تا ۱/۵۰ گرم در ۲۴ ساعت به صورت کاشه، حب، شربت یا محلول به دفعات ۱ تا ۰/۲۵ گرم در اشخاص بالغ مصرف می‌شود.

مصرف بیش از اندازه قهوه می‌تواند عامل مهمی در ایجاد سکته قلبی در مردان شود. اداره بهداشت برلین اعلام کرد: مصرف زیاد قهوه، در بالا رفتن چربی خون و در نتیجه، سکته‌های قلبی مردان مؤثر است.^۱

قهوه عربی

درخت قهوه دارای گونه‌های متعددی است که معروفترین آنها قهوه عربی است. این درخت در شرایط اقلیمی استوایی و حاره خوب رشد می‌کند و ثمر موفقی دارد و در آن اقلیم اگر کمی در ارتفاع کاشته شده باشد از درختانی که در ارتفاع سطح دریا کاشته شده‌اند، قهوه خینی بهتر می‌دهد.^۲

قیر

نصرین سوید گوید: موسی بن جعفر علیه السلام از پدرش امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: برای بریدگی، قیر تازه و به همان اندازه پیه تازه بز که در پارچه تازه یا در ظرف سفالی تازه‌ای ریخته آن را روی چند آجر گذاشته زیرش آتش ملایم روشن کنند و از اول صبح تا عصر بجوشد، بعد کتان کهنه برمی‌داری و قیر را بر آن می‌مالی و بر روی زخم می‌گذاری و اگر زخم گودی زیادی داشته باشد، کتان را به کنار پیچیده قیر را روی زخم می‌ریزند، سپس فتیله را روی آن وارد می‌کنند.^۱

قیر جسم جامد غیر متبلور سیاه رنگی است که سطح شکستگی آن مانند شیشه ناصاف است و در اماکن نفتی قدیمی یافت می‌شود. ترکیب قیر همان ترکیبات هیدروکربورهای نفت است که در نتیجه اکسیداسیون حالت جمود پیدا کرده است. قیرهای طبیعی به مومیایی و زفت رومی نیز نامیده می‌شوند.^۲

قیر چیزی است سیاه رنگ مایل به سرخی که از زمین با آب گرم از چشمه می‌جوشد و در بلده هیت و نواحی آن که بر کنار شط فرات واقع است، زیاد وجود دارد و آن در هنگام بر آمدن سیال می‌باشد و بعد از ماندن زمانی سخت می‌گردد و بعضی مردم برای آنکه زود صلب و قابل آن گردد که بر کشتیها و دیوارها و صحن حمامها و حوضها بمالند. سیال آن با خاک برای صلابت قوت، قبض آن متوسط و تحلیل آن زیاده خائیدن آن منضج اخلاط لزجه و جالی رطوبت رقیقه از دماغ می‌باشد.^۳

قیره

در کوههای کرمانشاه و کردستان گیاهی می‌روید که به آن قیره یعنی «فریادرس» می‌گویند. اهالی محل برای این گیاه خواص زیادی قائل هستند و آن را مفیدتر از چوب چینی (ژین سنگ) می‌دانند. برای فشارخون اوره‌ای، کم خونی، تقویت قوای جنسی، رفع سوء هاضمه و تسکین آلام مفید است.^۴

۱- طب الانام، ص ۱۳۹.

۲- فرهنگ فارسی، دکتر معین، ج ۲، ص ۳۷۶۳.

۳- کتاب طب سنتی ایران، ص ۸۶.

۴- محیط انظم، ج ۲، ص ۳۲۱.

قیصوم

قیصوم لغت عربی است و قیسوم نیز نوشته شده است و به یونان شوصرا و به رومی ارطاماسیا و اطمیثا و به فارسی برنجاسف و بوی مادران گفته‌اند.
برنجاسف کوهی است و به قول گیلانی آن اسم نبات حسن المنظر است که برگ آن کوچک باریک مشقوق است. در آن اندکی قبض و خوشبویی است و فرق میان این و برنجاسف آن است که قیسوم قسم بزرگ آن است اینجاست که گویند قیسوم دو نوع نر و ماده می‌باشد.

این گیاه گرم و خشک در سوم است. بعضی نوشته‌اند که قوت تحلیل گل آن زیاده از افستین است قیسوم تحلیل اورام بلغمی می‌کند آشامیدن طبیخ آن نافع عرق النساء، مزمن و چون با زیت بپزند و ضماد نمایند تسخین دماغ و معده و بدن و ازاله سردی آنها نماید. همچنین نوشیدن طبیخ آن نافع سختی نفس انتصابی است و بهتر طبیخ گل آن است طلا و نطول آن جهت صداع یارد نافع و بوییدن گل آن نافع سدد بینی و زکام و آشامیدن طبیخ آن تنها یا با ادویه مناسبه جهت درد سینه و تنگی نفس و قتل اقسام کرم شکم و اخراج آن و ادرار بول و حیض و اخراج جنین و رفع سختی بول است و شکستن سنگ کلیه و مثانه و دفع لوزه مفید می‌باشد.

گیاهی است پایا و دارای برگهای باریک و نخی شکل که بر اثر فشردن، بوی مطبوعی شبیه بوی لیمو ترش از آن استشمام می‌شود. ساقه آن عاری از کرک است و به ارتفاع حداکثر یک متر می‌رسد.

به نظر می‌رسد که این گیاه از پرورش گونه دیگری به نام *A. paniculata* در بالکان و سیبری، منشأ گرفته باشد.

خواص درمانی:

مقوی و هضم کننده غذا، آرام کننده، تب بر، ضد کرم و التیام دهنده زخم و جراحات است.

در استعمال خارجی، از جوشاندن سرشاخه‌های گلدار و برگ گیاه در آب نمک‌دار، محلولی به دست می‌آورند که برای معالجه زخمهای غانقرایی، اولسره‌های عفونی و خیزهای سطحی بدن، استفاده به عمل می‌آورند.

صور دارویی:

دم کرده ۱۵ تا ۳۰ در هزار برگ و سرشاخه گلدار دم کرده در هزار به مقدار ۲۵۰ تا ۳۰۰ گرم در روز، نیم ساعت قبل از غذای صبح و ظهر و شب برای اشخاص بالای ۱۸ سال مفید است.

در ایران گونه‌های متعددی از *Artemisia* ها وجود دارد که مصرف دم‌کرده برگ و سرشاخه‌های گلدار آنها جهت درمان درد معده و ناراحتیهای دستگاه هضم بین مردم معمول می‌باشد.^۱

قیصوم بستانی

گونه‌ای از گیاه افسنتین صغیر است.

مشخصات:

گیاهی است چند ساله با ساقه‌های چوبی، برگهای آن با تقسیمات زیاد به شکل نخ باریک درآمده و اگر بین انگشتان فشرده شود بوی لیموترش می‌دهد.

خواص - کاربرد:

گرم و خشک است و خوردن دم‌کرده آن برای رفع درد سینه و تنگی نفس، دفع کرم معده و روده و همچنین مدر استفاده می‌شود. ضماد یخته‌اش برای تحلیل ورم‌های سخت نافع است. از له شده گیاه برای التیام زخم و جراحی استفاده می‌شود.^۲

این بود مطائب کوتاهی در بارهٔ حرفهای «ف» و «ق» که همانند حرفهای دیگر «دائرةالمعارف طب اسلامی» در دسترس خوانندگان محترم قرار گرفت.

امیدواریم که خداوند توفیق بیشتری برای ارائه حروف و کلمات دیگر و موضوعات بیشتر عنایت فرماید و از پژوهشگران و جوانان می‌خواهیم که پیشنهادات و انتقادات خودشان را در این زمینه‌ها و سایر موضوعات برای ما بنویسند و در این امر حیاتی ما را کمک کنند و اتحاد و اتفاق را پیش گیرند زیرا اتحاد نوید بخش بازگشت دوبارهٔ تمدن حیاتبخش اسلامی است. خداوند ما و شما را در صراط مستقیم و هستهٔ مرکزی دین قرار دهد.

* منابع و مأخذ

- ۱- ایری شمی، محمد حسن، شناخت زعفران ایران، انتشارات توس، چاپ اول ۱۳۶۶.
- ۲- ابن ابی اصیبعه، عبون الأنباء، انتشارات دارالفکر (بیروت)، ۱۳۷۶ هـ.
- ۳- ابن الأثیر، النهایه، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ چهارم، تابستان ۱۳۶۴.
- ۴- ابن تیم جوزیه، محمد بن ابی بکر دمشقی، الطب النبوی، ۱۳۷۷.
- ۵- ابوالحسین احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغة (المجلد السادس)، مکتب الاعلام اسلامی، جمادی الاخره ۱۴۰۴.
- ۶- ابوریه، محمود، ابوهریره، دارالمعارف بمصر سنة ۱۳۶۹.
- ۷- احمدیه، دکتر عبدالله، راز درمان، چاپ اقبال، بهار ۱۳۶۸.
- ۸- اختری الکبیر: مصطفی بن شمس الدین القره حصاری الشهیر بالاختری، سنة ۱۵ ربيع الاول ۱۲۸۹.
- ۹- ادوارد کنوس، واروتایلر، نین برادی، مفردات پزشکی، انتشارات دانشگاه تهران، اردیبهشت ۱۳۵۸، ترجمه دکتر یعقوب آئینه چی.
- ۱۰- ادیب، دکتر عباس، تشخیص و درمان طبی بیماریها، انتشارات دفتر علمی پخش نو، چاپ دوم ۱۳۶۳.

- ۱۱- ازدری، اسماعیل، دکتر برای همه، انتشارات اقبال، چاپ دوازدهم.
- ۱۲- ازدری، اسماعیل، طبیب خانواده، شرکت نسبی اقبال و شرکا، چاپ ششم ۱۳۴۷: آبان.
- ۱۳- ازدری، اسماعیل، مجموعه طب سنتی و گیاهی، انتشارات بارید.
- ۱۴- اسحاق بن سلیمان، الأغذیه و الادویه، مؤسسة عزالدین، ۱۴۱۲، ه. ق.
- ۱۵- اسهال، انتشارات دفتر علمی پخش نو.
- ۱۶- اصفهانی، محمد مهدی، بهداشت تغذیه، انتشارات قلم، شهریور ۱۳۶۰.
- ۱۷- اطفیش، محمد بن یوسف، تحفة الحب فی اصل الطب، ۱۴۰۵ ه.
- ۱۸- اعظم خان، حکیم محمد، محیط اعظم، چاپ هندوستان.
- ۱۹- اعلیٰ هرنادی، بهادر، کمردرد به زبان ساده، نشر گستره، چاپ دوم پاییز ۱۳۶۷.
- ۲۰- اعلیٰ، هرنادی، دکتر بهادر، چاپ سوم ۱۳۶۶.
- ۲۱- الافریقایی و المصری، ابن منظور، لسان العرب، نشر ادب الحوزة، سنة ۱۴۰۵ ه. مطابق ۱۳۶۳ ق.
- ۲۲- الاندلس، سلیمان بن حسان، طبقات الاطباء و الحكماء، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۹.
- ۲۳- الاندلسی، ضیاء الدین عبدالله بن احمد، ابن البیطار.
- ۲۴- الانطاکی، شیخ داود الضریح، تذکرة اولی الالباب و الجامع للعجب.
- ۲۵- البغدادی، موفق الدین عبداللطیف، الطب من الكتاب و السنة، دارالمعرفة، ۱۴۰۶ ه.
- ۲۶- الجواهری، عبدالحسین، طب (امام موسی کاظم علیه السلام)، ۱۴۱۰ ه. ق.
- ۲۷- الرازی، محمد بن ابی بکر بن عبدالقادر، مختار الصحاح، دارالکتاب العربی، ۱۹۶۷.
- ۲۸- المثنوی القیومی، العالم العلامة احمد بن محمد بن علی، المصباح المنیر، ۱۳۴۷ ه.
- ۲۹- النهروی، مرفق الدین ابو منصور علی، الابنیه عن حقائق الادویه، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۶.
- ۳۰- امیر صادقی، نصرالدین، طب و بهداشت (از امام رضا علیه السلام)، مؤسسه مطبوعاتی معراجی، ۱۳۵۱.
- ۳۱- امیری، دکتر منوچهر، فرهنگ داروها و واژه‌های دشوار، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۳.
- ۳۲- ایلچ، ایوان، قتل عام پزشکی، شرکت نشر و پخش کتاب، انتشار مرداد ۱۳۵۴.

- ۲۷۶ دائرة المعارف طب اسلامی ج ۴
- ۳۳- باثما تفلج، دکتر فریدون، خوددرمانی با آب، دفتر مرکزی و نمایشگاه شرکت کتابسرا، چاپ پنجم، زمستان ۱۳۷۰.
- ۳۴- بزرگر، دکتر محمد، راز گیاهان شفابخش، انتشارات زرین، چاپ اول ۱۳۶۱.
- ۳۵- بنجامین، هاری، راهنمای همگان برای درمان طبیعی، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴.
- ۳۶- بو شنب، فائزه، فن التداوی، انتشارات درالرشید، ۱۴۱۴ هـ.
- ۳۷- بهداشت برای حوزه علمیه، انتشارات وزارت بهداشتی، آذر ۱۳۶۳.
- ۳۸- بیرونی، ابوریحان، صیدنه، شرکت افست (سهامی عام)، ۱۳۵۸.
- ۳۹- پاک‌نژاد، دکتر سیدرضا، ولین دانشگاه و آخرین پیامبر، انتشارات بنیاد فرهنگی شهید پاک‌نژاد، تیر ۱۳۶۱.
- ۴۰- پاپان نامه دکتر بهمن نواب‌زاده نوابی در مورد شیوع پوسیدگی دندان و بیماریهای دهان و دندان در کودکان ۶ تا ۱۴ ساله در شمال تهران، سال تحصیلی ۶۷-۱۳۶۶.
- ۴۱- پروفیسور شمس، مبارزه با تراخیم، سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی، ۱۳۲۸.
- ۴۲- پناه، عنی، طب النبی و الأئمة.
- ۴۳- تورامایسین، ترجمه دکتر فرخ خماسی اسدی، انتشارات دفتر علمی پخش نور.
- ۴۴- ثابتی، دکتر حبیب‌الله، جنگلهای ایران، انتشارات کتابخانه ابن سینا، انتشار دی ماه ۱۳۴۶.
- ۴۵- جاهد، رضا، دروخانه معنوی، نشر هانما، چاپ دوازدهم ۱۳۷۸.
- ۴۶- جرجانی، سیداسماعیل، حقی علایی، انتشارات اطلاعات، چاپ اول ۱۳۶۹.
- ۴۷- جزایری، دکتر غیاث‌الدین، زبان خوراکیها، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ اول ۱۳۵۱.
- ۴۸- جونز، الی. جی، سرطان، دانشگاه آزاد اسلامی بابل، چاپ اول تابستان ۱۳۶۹.
- ۴۹- جهان پزشکی، جلد سی و هفتم، خرداد ۱۳۲۹.
- ۵۰- چغمینی، محمودبن محمدبن عمر، قانونچه، انتشارات دانشگاه علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴.
- ۵۱- چیت‌ساز، دکتر رهنما، راهنمای پزشکی خانواده، چاپ اول ۱۳۶۲ هـ. ق.
- ۵۲- حاجبی، پروفیسور محمد حسین، نجات از سرطان، انتشارات مجله پزشک خانواده، چاپ پنجم ۲۵۳۷.
- ۵۳- حاجبی، دکتر محمد حسین، پزشک خانواده، انتشارات اقبال، ۱۳۴۵.
- ۵۴- حاجبی، محمد حسین، بیماریهای تغذیه، انتشارات اقبال، تاریخ انتشار خود ۱۳۶۲.

- منابع و مأخذ ۴۷۷
- ۵۵- حاجبی، محمدحسین، پزشک اطفال، انتشارات اقبال، چاپ سوم اردیبهشت ۱۳۶۳.
- ۵۶- حاجبی، محمدحسین، چه کنیم که دچار زخم معده و اثنی عشر نشویم، مرکز کتاب گلگشت، اردیبهشت ۱۳۶۲.
- ۵۷- حاجبی، محمدحسین، راز پیشگیری و درمان سرطان، انتشارات اقبال، چاپ اول آذر ۱۳۶۲.
- ۵۸- حاجبی، محمدحسین، مجموعه دانستیهای پزشک خانواده.
- ۵۹- حسابدار، محمد، نجات از بیماریها، انتشارات ذره، اراک، شهریور ۱۳۷۰.
- ۶۰- حسینی طیب، محمد مؤمن، تحفه حکیم مؤمن، افسست مصطفوی، سنه ۱۳۷۸.
- ۶۱- حکیم، سید محمد تقی، خوردنیها و آشامیدنیها، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم بهار ۱۳۶۵.
- ۶۲- خسروی موسوی همدانی، دکتر سید احمد علی، راهنمای تندرستی، انتشارات مدرسه عالی کشاورزی، ۱۳۵۱.
- ۶۳- خلاصه مقالات چهارمین سمینار گیاهان دارویی ایران، دانشگاه داروسازی علوم پزشکی تهران، مهر ۱۳۶۹.
- ۶۴- خلیلی، محمد، طب الصادق، مؤسسه مطبوعاتی عطائی.
- ۶۵- خواص میوه‌ها و خوراکیها. مهرداد مهرین، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم ۱۳۵۴.
- ۶۶- داودی، علیمراد، در باره نفس، انتشارات دانشگاه تهران، شهریور ۱۳۴۹.
- ۶۷- زاپویا، علی اکبر، هنر خوب زیستن، راز طول عمر با تغذیه طبیعی (خامگیاه خواری)، انتشارات شهید، ۱۳۶۲.
- ۶۸- راشدی، لطیف، داروخانه در خانه، انتشارات قدس.
- ۶۹- راهنمای نجات از سرگ مصنوعی.
- ۷۰- زرگری، دکتر علی، گیاهان دارویی، انتشارات دانشگاه تهران، تاریخ آبان ماه ۱۳۶۵.
- ۷۱- زکریای رازی، الأسراو و سز الأسرا، ۱۳۴۳.
- ۷۲- ژورنال گیاه شناسی ایران، مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع، چاپ اول ۱۳۶۳.
- ۷۳- سجادی، سید محمد علی، پیشگیری و مبارزه با سرطان: مؤسسه انتشارات بعثت، چاپ اول پاییز ۱۳۶۵.

۴۷۸ دائرة المعارف طب اسلامی ج ۴

۷۴- س - دیوبند، پ. س. ساچدو، مسائل سلامت روانی، دانشگاه آزاد اسلامی بابل، آذر ۱۳۶۸.

۷۵- سروالدين، محمد، طب الكبير يا فرشته نجات، مؤسسه انتشارات عطائي، چاپ پانزدهم ۱۳۷۳.

۷۶- سروالدين، محمد، طب المنفید، مؤسسه انتشارات عطائي، چاپ نهم.

۷۷- سقازاده واعظ، حاج ميرزا رضا، انتشارات کتابفروشی اسلاميه.

۷۸- سوفورين الكسسي، روزه: روش نوين برای درمان بيماريها، دارالکتاب الاسلاميه، زمستان ۱۳۷۱.

۷۹- سیاح، احمد، فرهنگ بزرگ جامع نوین، بهمن ۱۳۳۰ ش.

۸۰- شاتونه، ژان، آشنایی با گیاهان دارویی، انتشارات نشر روز، چاپ اول ۱۳۶۷.

۸۱- شبر، سيد عبدالله، طب الأئمة، چاپ اول بهار ۱۳۷۶.

۸۲- شيعی، اسماعيل، درمان گیاهی، انتشارات اسناد، چاپ دوم، زمستان ۱۳۷۲.

۸۳- شکل درمان عفونت در زمينه نارسائيهای ایمنی: ترجمه دکتر فرخ خماسی اسدی، انتشارات دفتر علمی پخش نو.

۸۴- شهری، جعفر، اعجاز طب و درمان، مؤسسه مطبوعاتی خزر، چاپ دوم.

۸۵- شيخ الرئيس ابو علي سینا، قانون در طب، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۷.

۸۶- صفی زاده، صديق، طب سنتی، مؤسسه مطبوعاتی عطائي، چاپ اول بهار ۱۳۶۱.

۸۷- صميمی زاده، هوشنگ، راهنمای کسکهای اولیه، انتشارات کلمه، چاپ دوم ۱۳۶۸.

۸۸- طبري پور، دکتر سيدعلي، دانستنیهای پزشکی و علمی، دانشگاه آزاد اسلامی، چاپ اول مرداد ۱۳۶۹.

۸۹- طبري پور، دکتر سيد علي، دانستنیهایی در باره قلب، انتشارات بنفشه، اسفند ۱۳۷۰.

۹۰- طبري پور، دکتر سيدعلي، طب اسلامی (حجامت و زالو)، انتشارات النبی بابل، تابستان ۷۶.

۹۱- طب و بهداشت در اسلام، ترجمه و اقتباس، جواد فاضل، کتابفروشی ادبیه، چاپ دوم ۱۳۴۰.

۹۲- عبادزاده کرمانی، محمد، طب العظیم، مؤسسه مطبوعاتی عطائي، چاپ دیماه ۱۳۵۲.

۹۳- عبدالغنی عبدالخالق، الطب النبوی، انتشارات دارالکتب العلمیه بیروت، لبنان،

۶۹۱-۵۷۵۱ هـ.

- ۹۴- عرفانی، دکتر حسین، صدگیاہ و ہزار درمان، مؤسسہ انتشارات سگہ، بہمن ۱۳۶۲.
- ۹۵- عزیزی، عباس، چہل حدیث (دہان و دندان)، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی، آذر ۱۳۷۱.
- ۹۶- عطاریزاد، ح، م، ت، نسخہ عطار یا ایجاد معلومات و رفع مجهولات، شرکت سهامی طبع کتاب، ۱۳۵۰.
- ۹۷- عقیلی خراسان، مخزن الأدویہ، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۱.
- ۹۸- عقیلی علوی خراسانی شیرازی، سید محمد حسین، قرابادین کبیر، انتشارات محمودی تہران، فروردین ۱۳۴۹ شمسی.
- ۹۹- فانید، جلیل، برنامہ نرسی مغز، سازمان چاپ و نشر ہادی، چاپ بہار ۱۳۷۵.
- ۱۰۰- فروچی، دکتر علی، کالبدشناسی توصیفی، مؤسسہ نشر دانشگاهی، ۱۳۶۳.
- ۱۰۱- فلوک، پروفیسور ہانس، گیاهان دارویی، انتشارات روزبہن، چاپ سوم، ۱۳۶۸.
- ۱۰۲- فوزی طہ، قطب حسین، النباتات الطبیۃ، لدار العربیۃ للکتاب لیبیا، ۱۹۷۹ م.
- ۱۰۳- فیاض بخش، دکتر محمد علی، جلالی، دکتر علی اکبر، کمکهای اولیه، کمیته امداد امام خمینی واحد امدادگران، چاپ اول، تیر ۱۳۵۷.
- ۱۰۴- فیشر، ہاری - ر، پرسش و پاسخ پزشکی (دہان، چشم، گوش، بینی و گلو)، انتشارات جانزادہ، تیر ۱۳۶۵.
- ۱۰۵- قلی زادہ کلان، فرض اللسہ، بہداشت روانی کودکان، انتشارات ظفر، چاپ اول تابستان ۱۳۶۷.
- ۱۰۶- کارل، الکسیس، کمکهای اولیه، کتابفروشی فروغی، چاپ چہارم.
- ۱۰۷- کانمیزاسین، مایہ کوبی بر ضد سل، انتشارات انستیتو پاستور ایران، ۱۳۲۸.
- ۱۰۸- کتابهای ابی الجعد تألیف احمد بن عاصم الطائی، کتاب نثر الثالی تألیف علی الطبرسی و کتاب النطب تألیف عتاب عبداللہ بن بسطام و آخرہ الحسین بن بسطام.
- ۱۰۹- کرینسکی، دکتر میتون، پرسش و پاسخ پزشکی (ریہ و مثانہ)، انتشارات جانزادہ، چاپ اول مرداد ۱۳۶۵.
- ۱۱۰- کمکهای نخستین و انتقال مصدومین در فوریتہای پزشکی، دکتر محمد علی میلانی،

انتشارات ستاد عملیاتی پاسداران انقلاب اسلامی قم.

۱۱۱- کیهانی، ابوالفضل، تغذیه طبیعی مهمترین مسأله جهان، انتشارات دنیای کتاب، انتشار ۱۳۶۱.

۱۱۲- گاندی، مهاتما، کلید تندرستی، مؤسسه علمی اندیشه جوان، چاپ اول ۱۳۶۶.

۱۱۲- گری، جی. ایچ، فیزیولوژی بالینی، انتشارات کلمه، چاپ هفتم ۱۳۶۸.

۱۱۴- لابی الحسن علی بن سهل ابن الطبری، فردوس الحکمة، انتشارات آفتاب، سنه ۱۹۲۸.

۱۱۵- لمحی الدین ابی عبدالله محمد ابن العربی، البلغة فی الحکمة.

۱۱۶- مجموعه مقالات در باره طب سنتی ایران، مؤسسه مطابعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۲.

۱۱۷- محمد بن الحسن المشهدی، الفوائد الرضویة و رسالة المواهب العلیة، ربیع الثانی ۱۴۰۰.

۱۱۸- محمد بن زکریای رازی، الحاوی، شرکت داروسازی الحاوی، مرداد ۱۳۷۲.

۱۱۹- محمد بن زکریای رازی، من لایحضره الطبیب، شرکت سهامی طبع کتاب، ۱۳۳۴ ش.

۱۲۰- مرتضی نعلی، سید جعفر، الادب الصلیة، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، خرداد ۱۳۶۲.

۱۲۱- مصطفوی کاشانی، دکتر جلال، بررسی در طب سنتی و مقایسه آن با جهان، انتشارات دانشگاه تهران، آبان ماه ۱۳۶۰.

۱۲۲- مصطفوی کاشانی، دکتر سید جلال، دارو مسأله پزشکی قرن، انتشارات کیهان، تابستان ۱۳۶۷.

۱۲۳- مضرات سقط جنین، ترجمه محمد علی ریاضی فوزاد.

۱۲۴- معین، دکتر محمد، فرهنگ فارسی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم.

۱۲۵- ملانک، دکتر سید عباس، قرآن و دانش پزشکی.

۱۲۶- مهتابی، احمد رضا، غذاهای خام گیاهی یگانه غذای انسان.

۱۲۷- مهندس هاشمی، بهداشت، (برای سان دوم دبیرستان)، شرکت سهامی طبع کتاب.

۱۲۸- میرحیدر، حسین، معارف گیاهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، تاریخ ۱۳۷۲.

۱۲۹- میردامادی، دکتر حسن، فرهنگ پزشکی نوین، انتشارات کورت سهامی چهار، خرداد ۱۳۶۳.

۱۳۰- ناظم، دکتر محمد، نادری نسب، محبوبه، باکتری شناسی پزشکی، انتشارات آستان قدس رضوی، آذر ۱۳۶۷.

DARU

ical Laboratory



DARU

ical Laboratory



DARU

ical Laboratory



DARU

ical Laboratory



Agastache urticifolia
"giant hyssop"
by Thomas J. Elpel



Agastache urticifolia
"giant hyssop"
by Thomas J. Elpel

DARU

ical Laboratory



DARU

ical Laboratory



DARU

ical Laboratory



DARU

ical Laboratory



